



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشنامه احادیث پزشکی

نویسنده:

محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه دار الحدیث الثقافیه

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۳۱ | دانشنامه احادیث پزشکی جلد ۱ |
| ۳۱ | مشخصات کتاب |
| ۳۱ | پیش‌گفتار |
| ۳۱ | اهمیت پزشکی |
| ۳۲ | طبابت، کار خداوند است |
| ۳۲ | دانش‌نامه احادیث طبی |
| ۳۲ | اشاره |
| ۳۳ | ۱ جایگاه طب در قوانین اسلام |
| ۳۳ | اشاره |
| ۳۳ | جایگاه طب پیشگیری در اسلام |
| ۳۴ | ۲ ارزیابی کلی احادیث طبی |
| ۳۴ | اشاره |
| ۳۴ | ۱. مبدأ علم طب |
| ۳۵ | ۲. اهل بیت و دانش پزشکی |
| ۳۵ | ۳. دین و حرفه پزشکی |
| ۳۶ | ارزیابی احادیث طبی از نگاه شیخ صدوق |
| ۳۷ | اقسام احادیث طبی |
| ۳۷ | ارزیابی احادیث طبی از طریق آزمایش |
| ۳۸ | انگیزه اصلی نگارش دانش‌نامه احادیث پزشکی |
| ۳۸ | ارزیابی علمی احادیث «اثمد» |
| ۳۹ | مراحل تحقیق و تدوین |
| ۳۹ | اشاره |

| | |
|----|---|
| ۳۹ | ۱. نقطه آغاز |
| ۴۰ | ۲. تنظیم ابتدایی |
| ۴۰ | ۳. ارجاع به منابع (مصدریابی) |
| ۴۰ | ۴. نقد متن و تنظیم نهایی |
| ۴۱ | ۵. تهیه مدخل‌ها و تحلیل‌های مورد نیاز |
| ۴۱ | ۶. چگونگی نگارش احادیث |
| ۴۲ | ۷. اقدام‌های بعدی |
| ۴۲ | بخش اول: پزشکی |
| ۴۲ | اشاره |
| ۴۳ | فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام |
| ۴۳ | ۱ / ۱ اهمیت دانش پزشکی |
| ۴۶ | ۱ / ۲ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی |
| ۴۹ | ۱ / ۳ هر دردی را درمانی است |
| ۵۱ | ۱ / ۴ دارو و درمان، از تقدیر است |
| ۵۲ | ۱ / ۵ شفا از خداوند است |
| ۵۲ | قرآن |
| ۵۲ | حدیث |
| ۵۴ | فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب |
| ۵۴ | درآمد |
| ۵۴ | ۱. احساس مسئولیت |
| ۵۵ | ۲. تقوای پزشکی |
| ۵۵ | ۳. پاک‌دامنی |
| ۵۵ | ۴. اهتمام به تشخیص بیماری |
| ۵۶ | ۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی |

- ۵۶ ۶. رعایتِ ضرورت در تجویز دارو
- ۵۶ ۷. حفظ اسرار بیمار
- ۵۷ ۸. ایجاد امیدواری در دلِ بیمار
- ۵۷ ۹. جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص
- ۵۷ آداب الطّباة و أحكامها
- ۵۸ آداب طبابت و وظائف طبیب
- ۵۸ ۱ / ۲ احساس مسئولیت
- ۵۸ ۲ / ۲ تقوای پزشکی
- ۵۹ ۳ / ۲ اهتمام به شناخت بیماری
- ۵۹ ۴ / ۲ حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان
- ۵۹ ۵ / ۲ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت
- ۵۹ ۶ / ۲ مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن برائت
- ۶۰ ۷ / ۲ جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ
- ۶۲ ۸ / ۲ انتخاب همجنس برای معاینه و معالجه
- ۶۲ ۹ / ۲ جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت
- ۶۳ ۱۰ / ۲ عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار
- ۶۴ ۱۱ / ۲ درمان با آنچه حرام است
- ۶۴ قرآن
- ۶۴ حدیث
- ۶۷ فصل سوّم: توصیه‌های پزشکی
- ۶۷ ۱ / ۳ آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند
- ۶۷ ۲ / ۳ دَفْعُ مُعَالَجَةِ الْأَطْبَاءِ مَهْمَا أَمَكْنَ
- ۶۸ ۲ / ۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحدّ امکان
- ۶۸ ۳ / ۳ راه تندرستی

| | |
|----|---|
| ۶۹ | عوامل شادابی |
| ۷۱ | عوامل طول عُمر |
| ۷۲ | آنچه موجب پیری زود رس می‌شود |
| ۷۳ | آنچه بدن را فرسوده می‌کند |
| ۷۳ | اندوه و بیماری |
| ۷۳ | قرآن |
| ۷۴ | حدیث |
| ۷۴ | پرهیز از سرما، و استقبال از آن |
| ۷۴ | خاصیت‌های بوی خوش |
| ۷۵ | پاکیزگی و بهداشت |
| ۷۵ | ۱۱ شستن جامه |
| ۷۶ | ۲ شستن دستمال |
| ۷۶ | ۳ پوشاندن روی ظرف |
| ۷۷ | ۴ شستن سر با سدر |
| ۷۷ | ۵ گرفتن سیبیل |
| ۷۷ | ۶ کوتاه کردن ناخن‌ها |
| ۷۸ | ۱۲ نقش کفش در سلامت |
| ۷۸ | ۱۳ نهی از درمان با چشمه‌های آب گرم و آب‌های تلخ |
| ۷۹ | بخش دوم: بیماری |
| ۷۹ | اشاره |
| ۷۹ | درآمد |
| ۷۹ | حکمت بیماری |
| ۸۰ | ۱. تربیت |
| ۸۱ | ۲. کيفر |

| | | |
|-----|-------|---|
| ۸۱ | | ۳. عامل مرگ |
| ۸۲ | | فصل یکم: تعریف بیماری |
| ۸۲ | | ۱ / ۱ بازداشتگاه تن |
| ۸۳ | | ۲ / ۱ |
| ۸۳ | | از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها |
| ۸۴ | | فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها |
| ۸۵ | | فصل سوم: منافع بیماری |
| ۸۵ | | ۳ / ۱ تأدیب |
| ۸۵ | | ۳ / ۲ کفاره |
| ۸۸ | | ۳ / ۳ گرامیداشت |
| ۸۹ | | ۳ / ۴ پاداش |
| ۹۱ | | ۳ / ۵ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است |
| ۹۳ | | تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها |
| ۹۴ | | فصل چهارم: وظایف بیماران |
| ۹۵ | | ۴ / ۱ پنهان داشتن بیماری |
| ۹۶ | | ۴ / ۲ اظهار بیماری نزد پزشک |
| ۹۶ | | ۴ / ۳ شکیبایی |
| ۹۸ | | ۴ / ۴ سپاسگزاری |
| ۹۹ | | ۴ / ۵ صدقه دادن |
| ۹۹ | | ۴ / ۶ دعا کردن |
| ۱۰۱ | | فصل پنجم: پرستاری |
| ۱۰۱ | | ۵ / ۱ پاداش پرستاری |
| ۱۰۲ | | ۵ / ۲ آداب پرستاری |
| ۱۰۳ | | توضیح |

| | | |
|-----|-------|---|
| ۱۰۳ | | ۳ / ۵ زنان پرستار در نبردهای پیامبر |
| ۱۰۸ | | فصل ششم: عیادت بیماران |
| ۱۰۸ | | ۱ / ۶ تشویق به عیادت |
| ۱۰۹ | | ۲ / ۶ پاداش عیادت |
| ۱۱۱ | | ۳ / ۶ آداب عیادت |
| ۱۱۱ | | الف عیادت، پس از سه روز |
| ۱۱۲ | | ب عیادت کسی که به عیادت نیامده است |
| ۱۱۲ | | ج هدیه دادن به بیمار |
| ۱۱۲ | | د مهربانی با بیمار |
| ۱۱۳ | | ه دعا برای بیمار |
| ۱۱۳ | | و التماس دعا از بیمار |
| ۱۱۴ | | ز نخوردن چیزی نزد بیمار |
| ۱۱۴ | | ح کم نشستن نزد بیمار |
| ۱۱۵ | | ط یک روز در میان عیادت کردن |
| ۱۱۵ | | ۴ / ۶ بیمارانی که بر عیادت آنان تأکید شده است |
| ۱۱۵ | | الف مؤمن |
| ۱۱۶ | | ب بنی هاشم |
| ۱۱۶ | | ج خاندان |
| ۱۱۷ | | د بینوایان |
| ۱۱۷ | | ۵ / ۶ بیمارانی که نباید عیادت شوند |
| ۱۱۷ | | ۶ / ۶ آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد |
| ۱۱۸ | | بخش سوم: مباحث مربوط به اندامها و دستگاههای بدن |
| ۱۱۸ | | اشاره |
| ۱۱۸ | | فصل یکم: قلب و عروق |

- ۱ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه ۱۱۸
- ۱ / ۲ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است ۱۲۰
- الف سیب ۱۲۰
- ب سرکه ۱۲۰
- ج انار ۱۲۰
- د عدس ۱۲۱
- ه به ۱۲۱
- و گلابی ۱۲۲
- ز عسل ۱۲۲
- ح تلبینه [۴۸۶] ۱۲۲
- ط بوی خوش ۱۲۲
- ۱ / ۳ آنچه برای سلامتی رگ‌ها سودمند است ۱۲۲
- الف بادنجان ۱۲۲
- ب حوک ۱۲۳
- ج انجیر ۱۲۳
- د نیشکر ۱۲۳
- ه روزه ۱۲۳
- و شام خوردن ۱۲۳
- فصل دوم: مغز و اعصاب ۱۲۴
- ۱ / ۲ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی ۱۲۴
- ۲ / ۲ آنچه عقل را استحکام می‌بخشد ۱۲۵
- الف باقلا ۱۲۵
- اشاره ۱۲۵
- ب روغن مالیدن ۱۲۵

- ۱۲۶ ج جِجامت
- ۱۲۶ د سرکه
- ۱۲۶ ه سرکه شراب
- ۱۲۶ و سُداب
- ۱۲۷ ز چغندر
- ۱۲۷ ح مسواک زدن
- ۱۲۷ ط خُرفه
- ۱۲۷ ی کدو
- ۱۲۸ ک کرفس
- ۱۲۸ ل کُنْدُر
- ۱۲۸ م گوشت
- ۱۲۹ ۳ / ۲ آنچه بر توان ذهن می‌افزاید
- ۱۲۹ ۴ / ۲ آنچه حافظه را تقویت می‌کند
- ۱۲۹ الف مویز
- ۱۲۹ ب عسل
- ۱۳۰ ج کرفس
- ۱۳۰ د جِجامت
- ۱۳۰ ه سایر عوامل تقویت حافظه
- ۱۳۱ ۵ / ۲ آنچه فراموشی می‌آورد
- ۱۳۱ ۶ / ۲ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است
- ۱۳۲ ۷ / ۲ آنچه اعصاب را استحکام می‌بخشد
- ۱۳۲ الف خوردن مویز
- ۱۳۳ ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر
- ۱۳۳ ۸ / ۲ آنچه پی را نرم می‌کند

- ۱۳۳ ۹ / ۲ آنچه برای سردرد، سودمند است
- ۱۳۳ الف شستن سر با حَطْمی
- ۱۳۴ ب نوشیدن آب نیم گرم (وَلَرْم)
- ۱۳۴ ج شستن پاها با آب سرد
- ۱۳۴ د مالیدن روغن بنفشه
- ۱۳۴ ه خضاب کردن با حنا
- ۱۳۵ و استعمال انفیه
- ۱۳۵ ز جِجامت
- ۱۳۵ ح کاسنی
- ۱۳۶ ط خوردن ماهی تازه
- ۱۳۶ ۱۰ / ۲ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می آورد
- ۱۳۷ ۱۱ / ۲ آنچه مانع دیوانگی می شود
- ۱۳۷ الف نمک
- ۱۳۷ ب بوییدن نرگس
- ۱۳۷ ج کوتاه کردن سبیل و ناخن در هر جمعه
- ۱۳۸ د آبی که از دهان کودک می ریزد
- ۱۳۸ ۱۲ / ۲ آنچه سستی اندام می آورد
- ۱۳۸ الف خوردن خربزه در حالت ناشتا
- ۱۳۹ ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی
- ۱۳۹ ۱۳ / ۲ آنچه مانع سست اندامی می شود
- ۱۳۹ الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی
- ۱۳۹ ب سرفه
- ۱۳۹ ج دعا
- ۱۴۰ ۱۴ / ۲

- ۱۴۰ آنچه از کژدهانی ایمنی می‌دهد
- ۱۴۰ ۱۵ / ۲
- ۱۴۰ آنچه برای درمان وحشت، سودمند است
- ۱۴۱ فصل سوم: چشم
- ۱۴۱ ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در چشم
- ۱۴۳ ۲ / ۳ عوامل برخی از بیماری‌های چشم
- ۱۴۴ ۳ / ۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های چشم
- ۱۴۶ ۴ / ۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های چشم سودمند است
- ۱۴۸ ۵ / ۳ آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند
- ۱۴۸ ۱ ۵ / ۳ به
- ۱۴۸ ۲ ۵ / ۳ خرما
- ۱۴۹ ۳ ۵ / ۳ پیاز
- ۱۴۹ ۵ ۵ / ۳ گوشت
- ۱۴۹ ۶ ۵ / ۳ مَرزَنگوش
- ۱۵۰ ۷ ۵ / ۳ آب زمزم
- ۱۵۰ ۸ / ۵ / ۳ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «اُئِمِد»
- ۱۵۲ ۹ ۵ / ۳ مسواک زدن
- ۱۵۲ ۱۰ ۵ / ۳ شستن دست‌ها، پیش و پس از غذا خوردن
- ۱۵۲ ۱۱ ۵ / ۳ کوتاه کردن موها
- ۱۵۲ ۱۲ ۵ / ۳ خضاب بستن به حنا
- ۱۵۳ ۱۳ ۵ / ۳ پوشیدن کفش
- ۱۵۳ ۱۴ ۵ / ۳ حجامت
- ۱۵۴ ۱۵ ۵ / ۳ نگریستن به قرآن
- ۱۵۴ ۱۶ ۵ / ۳ نگریستن به زنان زیباروی و سبزه

- ۱۵۵ ۱۷ / ۳ نماز شب
- ۱۵۵ ۱۸ / ۳ آیه الكرسي
- ۱۵۵ ۶ / ۳ فایده‌های گریه برای کودکان
- ۱۵۶ فصل چهارم: گوش
- ۱۵۶ ۱ / ۴ اشاره به حکمت نهفته در آن
- ۱۵۶ ۲ / ۴ حکمت موجود در مایع گوش
- ۱۵۷ ۳ / ۴ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش
- ۱۵۷ ۴ / ۴ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است
- ۱۵۸ فصل پنجم: دستگاه تنفس
- ۱۵۸ ۱ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در بینی
- ۱۵۹ ۲ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در حنجره
- ۱۶۰ ۳ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها
- ۱۶۰ ۴ / ۵ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره
- ۱۶۱ ۵ / ۵ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های بینی و حنجره، مفید است
- ۱۶۲ ۶ / ۵ فواید زکام
- ۱۶۳ ۷ / ۵ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند
- ۱۶۳ ۸ / ۵ آنچه برای درمان زکام، سودمند است
- ۱۶۴ ۹ / ۵ فایده‌های عطسه
- ۱۶۵ ۱۰ / ۵ عطسه زیانبار
- ۱۶۵ ۱۱ / ۵ آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است
- ۱۶۶ ۱۲ / ۵ آنچه برای درمان سرفه، سودمند است
- ۱۶۶ آنچه سل می‌آورد
- ۱۶۷ ۱۴ / ۵ آنچه از سل، پیشگیری می‌کند
- ۱۶۷ ۱۵ / ۵ آنچه برای درمان سل سودمند است

- ۱۶۸ ۱۶ /۵ آنچه تنگی نفس می آورد
- ۱۶۸ ۱۷ /۵ آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است
- ۱۶۹ ۱۸ /۵ آنچه برای درمان ذات الجنب سودمند است
- ۱۶۹ فصل ششم: دهان و دندان
- ۱۶۹ ۱ /۶ اشاره به حکمت نهفته در دهان و دندان
- ۱۷۰ ۲ /۶ بهداشت دهان و دندان
- ۱۷۰ ۱۲ /۶ خلال کردن
- ۱۷۰ الف تأکید بر خلال کردن
- ۱۷۲ ب منافع خلال کردن
- ۱۷۳ ج آداب خلال کردن
- ۱۷۴ د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست
- ۱۷۵ ۲۲ /۶ شستشوی دهان و بینی
- ۱۷۶ ۳۲ /۶ مسواک زدن
- ۱۷۶ الف تأکید بر مسواک زدن
- ۱۷۷ ب نکوهش ترک مسواک زدن
- ۱۷۷ ج فواید مسواک زدن
- ۱۷۹ د آداب مسواک زدن
- ۱۸۰ ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است
- ۱۸۱ و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک
- ۱۸۱ ز حدّ اقل مسواک
- ۱۸۲ ۴۲ /۶ آنچه دهان را خوشبو می کند
- ۱۸۲ الف مویز
- ۱۸۲ ب پنیر
- ۱۸۲ ج پیاز

- ۱۸۲ د حوک
- ۱۸۳ و الشَّعْدُ
- ۱۸۳ ه تره
- ۱۸۳ و مشکک
- ۱۸۳ ز جویدن کُنْدُر
- ۱۸۴ ح آویشن و نمک
- ۱۸۴ ط. سرمه کشیدن
- ۱۸۵ ی خضاب کردن
- ۱۸۵ ک آب نیم‌گرم (وَلَرَم)
- ۱۸۶ ۵ ۲ / ۶ آنچه دهان و لثه را استحکام می‌دهد
- ۱۸۶ الف سرکه شراب
- ۱۸۶ ب پیاز
- ۱۸۶ ۶ ۲ / ۶ آنچه دندان‌ها را تقویت می‌کند
- ۱۸۶ الف جویدن سَقَز
- ۱۸۷ ب جویدن کُنْدُر
- ۱۸۷ ج شانه زدن
- ۱۸۷ د. مسواک زدن با برخی از ترکیب‌ها
- ۱۸۸ ۳ / ۶ برخی از عوامل بیماری‌های دهان و دندان
- ۱۸۸ ۴ / ۶ آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است
- ۱۹۰ ۵ / ۶ آنچه برای درمان دندان‌درد سودمند است
- ۱۹۱ ۶ / ۶ آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است
- ۱۹۳ فصل هفتم: دستگاه گوارش
- ۱۹۳ ۱ / ۷ اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش
- ۱۹۵ ۲ / ۷ سلامت دستگاه گوارش

- ۱۹۵ ۱۲ / ۷ پرهیز
- ۱۹۶ ۲۲ / ۷ آنچه برای گوارش، سودمند است
- ۱۹۶ الف کاهو
- ۱۹۶ ب خرما
- ۱۹۶ ج پنیر
- ۱۹۶ د سوی ق
- ۱۹۷ ه مسواک زدن
- ۱۹۷ و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن
- ۱۹۷ ۳۲ / ۷ آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند
- ۱۹۷ الف سیب
- ۱۹۷ ب انار
- ۱۹۸ ج گلابی
- ۱۹۸ د پنه
- ۱۹۹ ه خربزه
- ۱۹۹ و باقلا
- ۱۹۹ ز خزا
- ۲۰۰ ۴۲ / ۷ آنچه به معده زیان می‌رساند
- ۲۰۰ الف بدگواری
- ۲۰۰ ب پُرخوری
- ۲۰۰ د شُرْبُ الْمَاءِ عَتَبًا
- ۲۰۰ ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا
- ۲۰۰ د یکسره سر کشیدن آب
- ۲۰۱ ه نوشیدن آب سرد و فقاع در حَمَام
- ۲۰۱ و خوردن گوشت نمک‌سود خشک‌شده

- ۲۰۱ ز خوردن گوشت ناپخته
- ۲۰۱ ح بسیار خوردن تخم‌مرغ
- ۲۰۱ ۳ / ۷ آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است
- ۲۰۱ ۱۳ / ۷ گلابی
- ۲۰۲ ۲۳ / ۷ برنج و سماق
- ۲۰۲ ۳۳ / ۷ آویشن
- ۲۰۲ ۴۳ / ۷ عسل و شونیز
- ۲۰۳ ۵۳ / ۷ گردوی نَف‌داده
- ۲۰۴ ۶۳ / ۷ تنقیه کردن
- ۲۰۴ ۷۳ / ۷ آرد برنج
- ۲۰۵ ۸۳ / ۷ نان برنج
- ۲۰۵ ۹۳ / ۷ آرد گاؤزس [۱۰۰۶]
- ۲۰۵ ۱۰۳ / ۷ شیر شتر
- ۲۰۶ ۴ / ۷ آنچه بواسیر می‌آورد
- ۲۰۶ ۱۴ / ۷ زیاد نشستن به گاهِ قضای حاجت
- ۲۰۶ ۲۴ / ۷ همبستری در حال خودداری از قضای حاجت
- ۲۰۶ ۳۴ / ۷ با هم خوردن تخم‌مرغ و ماهی
- ۲۰۷ ۵ / ۷ آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است
- ۲۰۷ ۱۵ / ۷ انجیر
- ۲۰۷ ۲۵ / ۷ تره
- ۲۰۷ ۳۵ / ۷ زردک
- ۲۰۸ ۴۵ / ۷ برنج
- ۲۰۸ ۵۵ / ۷ خرما با روغنِ گاو
- ۲۰۸ ۶۵ / ۷ هوبره

- ۲۰۸ سنجد ۷ ۵ /۷
- ۲۰۹ طهارت گرفتن با آب سرد ۸ ۵ /۷
- ۲۰۹ استنجا با مُشکک ۹ ۵ /۷
- ۲۰۹ آنچه برای دردهای کَبِد، سودمند است ۶ /۷
- ۲۰۹ شیر انجیر ۱ ۶ /۷
- ۲۱۰ الفَصْدُ ۲ ۶ /۷
- ۲۱۰ رگزنی ۲ ۶ /۷
- ۲۱۰ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است ۷ /۷
- ۲۱۰ سیاه‌دانه ۱ ۷ /۷
- ۲۱۱ زیتون ۲ ۷ /۷
- ۲۱۱ آنچه برای درمان کِرَم‌های شکم، سودمند است ۸ /۷
- ۲۱۱ سرکه شراب ۱ ۸ /۷
- ۲۱۱ خرما خوردن ناشتا ۲ ۸ /۷
- ۲۱۲ درمان‌هایی دیگر ۹ /۷
- ۲۱۲ الف زرده تخم‌مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا
- ۲۱۲ ب سیب برای درمان مسمومیت
- ۲۱۲ ج آب‌درمانی
- ۲۱۳ د درمان با قی کردن عمدی
- ۲۱۳ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است ۱۰ /۷
- ۲۱۳ الف پنیر
- ۲۱۳ ب حوک
- ۲۱۴ فصل هشتم: خون و سپرز
- ۲۱۴ ۱ /۸ نشانه‌های بیماری‌های خون
- ۲۱۴ ۲ /۸ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است

- ۲۱۴ الف سویق عدس
- ۲۱۵ ب آلو
- ۲۱۵ ج چغندر
- ۲۱۵ د کاهو
- ۲۱۵ ه حجامت
- ۲۱۶ و خوردن ماهی تازه پس از حجامت
- ۲۱۶ ز خوردن انار پس از حجامت
- ۲۱۶ ح رگزنی
- ۲۱۷ ۳ / ۸ آنچه خون تازه تولید می کند
- ۲۱۷ الف باقلا
- ۲۱۷ ب انار
- ۲۱۷ ۴ / ۸ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است
- ۲۱۸ فصل نهم: پوست
- ۲۱۸ ۱ / ۹ بهداشت پوست
- ۲۱۸ ۱ / ۹ پاکیزگی
- ۲۱۸ ۲ / ۹ مالیدن روغن به بدن
- ۲۱۸ الف خواص چرب کردن پوست
- ۲۱۹ ب بهترین زمان برای روغن زدن
- ۲۱۹ ج چرب کردن با روغن بنفشه
- ۲۲۰ د مالیدن روغن زیتون به بدن
- ۲۲۱ ه استفاده از روغن بان
- ۲۲۱ و استفاده از روغن زنبق
- ۲۲۱ ز استفاده از خیری
- ۲۲۱ ۳ / ۹ استفاده از خطمی

- ۲۲۲ ۴۱ / ۹ خضاب کردن
- ۲۲۲ ۵۱ / ۹ آغاز کردن غذا با نمک
- ۲۲۲ ۶۱ / ۹ نوشیدن سویق با روغن زیتون
- ۲۲۲ ۷۱ / ۹ خربزه
- ۲۲۳ ۸۱ / ۹ سنجد
- ۲۲۳ ۹۱ / ۹ نانخواه و گردو
- ۲۲۴ ۱۰ / ۹ پیاز
- ۲۲۴ ۱۱ / ۹ گیاه سنا [۱۱۲۵]
- ۲۲۴ ۱۲ / ۹ تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی
- ۲۲۵ ۱۳ / ۹ اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی
- ۲۲۶ ۱۴ / ۹ تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی
- ۲۲۶ ۱۵ / ۹ تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست
- ۲۲۷ ۲ / ۹ عوامل بیماری‌های پوستی
- ۲۲۷ الف قرار گرفتن در مقابل آفتاب
- ۲۲۷ ب خوردن گردو در گرمای شدید
- ۲۲۸ ج خوردن خاک
- ۲۲۸ د به جوش آمدن خون
- ۲۲۸ ه خوردن همیشگی تخم‌مرغ
- ۲۲۸ و خوردن ماهی نمک‌سود پس از رگزنی و حجامت
- ۲۲۹ ۳ / ۹ عوامل ابتلا به جذام
- ۲۲۹ الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است
- ۲۲۹ ب مالیدن سفال بر بدن در حمام
- ۲۲۹ ج خوردن غده
- ۲۲۹ د خوردن تره تیزک به هنگام شب

- ۲۳۰ ه خلال کردن با چوب و چوب انار
- ۲۳۰ و همبستری با زن حائض
- ۲۳۰ ۴ / ۹ پیشگیری از جذام
- ۲۳۰ الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام
- ۲۳۱ ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه
- ۲۳۱ ج خوردن شلغم
- ۲۳۱ د خوردن تَره
- ۲۳۱ ه خوردن چغندر
- ۲۳۲ و خوردن حَوک
- ۲۳۲ ز خوردن هزازاسپند
- ۲۳۲ ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام
- ۲۳۳ ط کوتاه کردن سبیل و ناخن‌ها
- ۲۳۳ ۵ / ۹ عوامل ابتلا به پیسی
- ۲۳۳ الف استفاده از آبی که با آفتاب، گرم شده است
- ۲۳۴ ب مالیدن سفال بر بدن در حمام
- ۲۳۴ ج خوردن از روی سیری
- ۲۳۴ د پنج عامل
- ۲۳۵ ۶ / ۹ پیشگیری از پیسی
- ۲۳۵ الف استفاده از خَطْمی
- ۲۳۵ ب خوردن بادنجان
- ۲۳۵ ج بیرون زدن کوزک
- ۲۳۶ ۷ / ۹ آنچه برای درمان پیسی سودمند است
- ۲۳۶ الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر
- ۲۳۶ ب آب‌گوشت گاو

- ج سویق ۲۳۶
- ۸ / ۹ آنچه برای درمان بَهک، سودمند است ۲۳۷
- ۹ / ۹ آنچه برای درمانِ گری سودمند است ۲۳۸
- ۱۰ / ۹ آنچه برای درمان تَرَک پوست، سودمند است ۲۳۸
- ۱۱ / ۹ آنچه برای درمان کَک و مَک صورت، سودمند است ۲۳۸
- ۱۲ / ۹ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است ۲۳۹
- ۱۳ / ۹ آنچه برای درمان سیوسه (شوره سر) سودمند است ۲۳۹
- ۱۴ / ۹ آنچه برای درمان بدبویی عَرَق، سودمند است ۲۳۹
- فصل دهم: مو ۲۴۰
- ۱ / ۱۰ اشاره به حکمت نهفته در مو ۲۴۰
- الف دفع مواد زاید ۲۴۰
- ب حفظ گرمای بدن ۲۴۱
- ج مهار کردن شهوت جنسی ۲۴۱
- د پیشگیری از جُدام ۲۴۲
- ۲ / ۱۰ بهداشت مو ۲۴۲
- ۱ ۲ / ۱۰ ضرورت رسیدگی به موها ۲۴۲
- ۲ ۲ / ۱۰ شستن سر با سدر ۲۴۳
- ۳ ۲ / ۱۰ خضاب کردن با حنا و وَسْمِه (کَتَم) [۱۲۲۷] ۲۴۳
- ۴ ۲ / ۱۰ شانه کردن مو ۲۴۳
- ۳ / ۱۰ کوتاه کردن موها ۲۴۴
- ۴ / ۱۰ تراشیدن موها ۲۴۵
- ۵ / ۱۰ کندن موها ۲۴۶
- ۶ / ۱۰ گرفتن سیبیل ۲۴۷
- ۷ / ۱۰ کوتاه کردن موهای زیر بغل ۲۴۷

| | |
|-----|---|
| ۲۴۸ | ۸ / ۱۰ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن |
| ۲۵۰ | ۹ / ۱۰ دفن موهای زاید |
| ۲۵۰ | ۱۰ / ۱۰ آنچه برای درمان کم‌مویی سودمند است |
| ۲۵۱ | فصل یازدهم: ناخن |
| ۲۵۱ | ۱ / ۱۱ اشاره به حکمت نهفته در آن |
| ۲۵۱ | ۲ / ۱۱ کوتاه کردن ناخن |
| ۲۵۲ | ۳ / ۱۱ کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه |
| ۲۵۳ | ۴ / ۱۱ دفن ناخن‌های گرفته شده |
| ۲۵۴ | فصل دوازدهم: استخوان‌ها |
| ۲۵۴ | ۱ / ۱۲ اشاره به حکمت نهفته در استخوان‌ها |
| ۲۵۶ | ۲ / ۱۲ آنچه استخوان را استحکام می‌بخشد |
| ۲۵۷ | ۳ / ۱۲ آنچه استخوان‌های ساق و پا را محکم می‌کند |
| ۲۵۸ | ۴ / ۱۲ آنچه مفاصل را نرم می‌کند |
| ۲۵۸ | ۵ / ۱۲ آنچه مفاصل را سست می‌کند |
| ۲۵۸ | ۶ / ۱۲ آنچه برای درد پهلوی سودمند است |
| ۲۵۹ | ۷ / ۱۲ آنچه برای کمردرد، سودمند است |
| ۲۵۹ | ۸ / ۱۲ آنچه نقرس می‌آورد |
| ۲۵۹ | ۹ / ۱۲ آنچه برای نقرس، سودمند است |
| ۲۶۰ | فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار |
| ۲۶۰ | ۱ / ۱۳ اشاره به حکمت نهفته در آن |
| ۲۶۱ | ۲ / ۱۳ کارکردها |
| ۲۶۱ | ۱۲ / ۱۳ عادت ماهانه |
| ۲۶۱ | قرآن |
| ۲۶۱ | حدیث |

- ۲۶۲ ۲۲ / ۱۳ نطفه
- ۲۶۲ قرآن
- ۲۶۲ حدیث
- ۲۶۳ ۳۲ / ۱۳ مایع پروستات
- ۲۶۳ ۳ / ۱۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان
- ۲۶۴ الف قطع شدن عادت ماهانه
- ۲۶۴ ب شاخک و فنج
- ۲۶۴ ج فقدان دوشیزگی
- ۲۶۵ ۴ / ۱۳ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی
- ۲۶۵ ۱۴ / ۱۳ نگه داشتن پیشاب
- ۲۶۵ ۲۴ / ۱۳ آمیزش بدون انزال
- ۲۶۵ ۳۴ / ۱۳ خوردن قلوه و شکمبه گوسفند
- ۲۶۶ ۴۴ / ۱۳ عادت به حمام رفتن
- ۲۶۶ ۵۴ / ۱۳ تکیه زدن در حمام
- ۲۶۶ ۵ / ۱۳ برخی عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی
- ۲۶۶ ۱۵ / ۱۳ ختنه
- ۲۶۷ ۲۵ / ۱۳ پلییدی‌زدایی و شستن
- ۲۶۸ ۳۵ / ۱۳ خوردن تَرَب
- ۲۶۸ ۴۵ / ۱۳ خوردن خربزه
- ۲۶۸ ۶ / ۱۳ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است
- ۲۶۸ ۱۶ / ۱۳ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است
- ۲۶۹ ۲۶ / ۱۳ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است
- ۲۶۹ ۳۶ / ۱۳ آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است
- ۲۷۰ ۴۶ / ۱۳ آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است

- ۲۷۰ ۷ / ۱۳ بهداشت آمیزش
- ۲۷۰ ۱۷ / ۱۳ آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت
- ۲۷۰ ۲۷ / ۱۳ حرمت آمیزش با زن حائض
- ۲۷۰ قرآن
- ۲۷۱ حدیث
- ۲۷۱ ۳۷ / ۱۳ حرام بودن آمیزش با تازه‌زا
- ۲۷۲ ۴۷ / ۱۳ زیان‌های آمیزش با زن حائض
- ۲۷۳ ۵۷ / ۱۳ مواردی که در آنها آمیزش مکروه است
- ۲۷۶ ۸ / ۱۳ آداب آمیزش
- ۲۷۶ ۱۸ / ۱۳ آنچه پیش از آمیزش، بایسته است
- ۲۷۶ الف چیرگی شهوت
- ۲۷۶ ب انتخاب زمان مناسب
- ۲۷۷ ج پوشیده داشتن
- ۲۷۸ د دعا
- ۲۷۹ ه آرامش
- ۲۸۰ ۲۸ / ۱۳ آنچه به هنگام آمیزش بایسته است
- ۲۸۰ الف بازی
- ۲۸۰ ب پرهیز از شتاب‌ورزی
- ۲۸۱ ج خودداری از سخن گفتن
- ۲۸۱ د وضو برای بازگشتن
- ۲۸۱ ه غسل پس از احتلام
- ۲۸۲ ۳۸ / ۱۳ آنچه پس از آمیزش، بایسته است
- ۲۸۲ الف پیشاب کردن
- ۲۸۲ ب شستن شرمگاه

- ۲۸۲ ج غسل
- ۲۸۳ د خوردن عسل
- ۲۸۳ ۹ / ۱۳ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می‌دهد
- ۲۸۳ ۱۹ / ۱۳ خوردن زردک
- ۲۸۴ ۲۹ / ۱۳ خوردن خرماى بَزْنِي
- ۲۸۴ ۳۹ / ۱۳ خوردن انجیر
- ۲۸۴ ۴۹ / ۱۳ خوردن خربزه
- ۲۸۵ ۵۹ / ۱۳ خوردن پیاز
- ۲۸۵ ۶۹ / ۱۳ خوردن تخم مرغ
- ۲۸۵ ۷۹ / ۱۳ خوردن تخم‌مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون
- ۲۸۶ ۸۹ / ۱۳ خوردن تخم‌مرغ با گوشت
- ۲۸۶ ۹۹ / ۱۳ خوردن هوبره
- ۲۸۶ ۱۰۹ / ۱۳ خوردن حلیم
- ۲۸۷ ۱۱۹ / ۱۳ خوردن سویق با روغن زیتون
- ۲۸۷ ۱۲۹ / ۱۳ نوشیدن شیر با عسل
- ۲۸۷ ۱۳۹ / ۱۳ استفاده از مُشکک
- ۲۸۷ ۱۴۹ / ۱۳ بوی خوش
- ۲۸۸ ۱۵۹ / ۱۳ شانه زدن موها
- ۲۸۸ ۱۶۹ / ۱۳ سرمه کشیدن
- ۲۸۸ ۱۷۹ / ۱۳ خضاب کردن
- ۲۸۹ ۱۸۹ / ۱۳ نوره کشیدن
- ۲۸۹ ۱۰ / ۱۳ آنچه از توان جنسی می‌کاهد
- ۲۸۹ ۱۱۰ / ۱۳ روزه
- ۲۹۰ ۲۱۰ / ۱۳ وا گذاردن مو

- ۲۹۰ کفشِ مِشکی ۳۱۰/۱۳
- ۲۹۱ فصل چهاردهم: جنین ۱/۱۴
- ۲۹۱ تحوّل جنین ۱/۱۴
- ۲۹۱ قرآن قرآن
- ۲۹۲ حدیث حدیث
- ۲۹۵ غذای جنین ۲/۱۴
- ۲۹۶ غذاهایی که برای جنین، سودمند است ۳/۱۴
- ۲۹۶ نوع جنین ۴/۱۴
- ۲۹۶ قرآن قرآن
- ۲۹۶ حدیث حدیث
- ۲۹۷ راز همانندی ۵/۱۴
- ۳۰۱ مدت بارداری ۶/۱۴
- ۳۰۱ قرآن قرآن
- ۳۰۱ حدیث حدیث
- ۳۰۲ توضیح: توضیح:
- ۳۰۳ سقط کردن جنین ۷/۱۴
- ۳۰۴ شستن نوزاد ۸/۱۴
- ۳۰۴ گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد ۹/۱۴
- ۳۰۴ گشودن کام نوزاد ۱۰/۱۴
- ۳۰۵ تراشیدن سر نوزاد ۱۱/۱۴
- ۳۰۵ عقیقه کردن برای نوزاد ۱۲/۱۴
- ۳۰۵ غذای تازه‌زا ۱۳/۱۴
- ۳۰۶ تأکید بر شیر مادر ۱۴/۱۴
- ۳۰۶ انتخاب شیرده مناسب ۱۵/۱۴

- ۳۰۷ ----- کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است - ۱۶ / ۱۴
- ۳۰۷ ----- کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت - ۱۷ / ۱۴
- ۳۰۷ ----- آداب شیردهی - ۱۸ / ۱۴
- ۳۰۸ ----- زمان شیردهی - ۱۹ / ۱۴
- ۳۰۸ ----- قرآن
- ۳۰۸ ----- حدیث
- ۳۰۹ ----- فهرست تفصیلی -

دانشنامه احادیث پزشکی جلد ۱

مشخصات کتاب

- سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -
 عنوان قراردادی: موسوعه الاحادیث الطیبه. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: دانش نامه احادیث پزشکی / محمدی ری شهری، با همکاری مرتضی خوش نصیب... [و دیگران]؛ ترجمه حسین صابری.
 مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۵.
 مشخصات ظاهری: ۶۷۲ص.
 فروست: مرکز تحقیقات دارالحدیث؛ ۹۴.
 شابک: ۳۸۰۰۰ ریال: ۰-۲۹-۴۹۳-۹۶۴؛ ۵۰۰۰۰ ریال (چاپ پنجم)؛ ۷۰۰۰ ریال (چاپ هفتم)؛ ۹۰۰۰۰ ریال: چاپ دهم: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۳-۰۲۹-۴
 یادداشت: با همکاری مرتضی خوش نصیب، محمد تقی سبحانی نیا، رسول افقی، احمد سعادت فر.
 یادداشت: چاپ سوم.
 یادداشت: چاپ پنجم و هفتم: ۱۳۸۶.
 یادداشت: چاپ دهم: ۱۳۸۸.
 یادداشت: کتاب حاضر در چاپ دوم ۱۳۸۳ توسط همین ناشر به صورت دو جلدی چاپ شده و در چاپ حاضر با حذف متن اصلی عربی آن به صورت تک جلدی به چاپ رسیده است.
 یادداشت: نمایه.
 موضوع: پزشکی -- احادیث
 موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده: خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲-
 شناسه افزوده: صابری، حسین، ۱۳۴۵-، مترجم
 شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث. سازمان چاپ و نشر
 رده بندی کنگره: BP۱۴۱/۵ پ۴م۴۱۳۳۰۴۱۳۸۵ الف
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۴۱۲۰۹

پیش گفتار

اهمیت پزشکی

در حوزه علوم بشری، پزشکی، سرآمد همه دانش هاست؛ چرا که فلسفه سایر علوم، بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این هدف، جز در پرتو سلامت جسم و جان، میسر نیست. [۱] از این رو، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

بدان که نه هیچ دانشی چون جُستن سلامت است و نه هیچ سلامتی چون سلامتِ دل. [۲]
این سخن، به روشنی نشان می‌دهد که از نگاه اسلام، طبّ روان، ارجمندتر از طبّ تن، و طبّ تن، ارزشمندتر از سایر علوم است.
این حدیث نبوی نیز بدین معنا اشاره دارد که می‌فرماید:
دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها. [۳]

طبابت، کار خداوند است

قرآن کریم، از ابراهیم خلیل علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸

«وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ». [۴]

و چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می‌دهد.

این سخن، بدین معناست که طبابت، کار خداوند متعال است و طبیب واقعی اوست. [۵] خداوند است که خواصّ درمانی را در داروها نهاد و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفرید [۶] و به انسان، استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان آنها را عنایت کرد و بدین سان، او را مظهر نام‌های «طیب» و «شافی» خود، قرار داد، چنان که پیامبران الهی نیز (برای درمان بیماری‌های جان) مظهر این نام‌های مقدّس هستند. امام علی علیه السلام، در توصیف پیامبر خدا می‌فرماید:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمِيٍّ، وَ آذَانٍ صُمٍّ، وَ أَلْسِنَةٍ بُكْمٍ. مُتَّعِ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْعَفَلَةِ، وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ [۷]

طیبی بود که طبابت را بر بالین بیماران می‌برد، مرهم را درست بر جایی که باید، می‌نهاد و آنجا که بایسته بود، داغ می‌نشانید. او این همه را بدان جا می‌رساند که نیازمندش بود: دل‌های بی‌فروغ، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا. با درمان خویش، منزلگاه‌های بی‌خبری و جایگاه‌های سرگشتگی انسان را می‌جست.

بنا بر این، از نگاه اسلام، طبیب و دارو خواه برای روح (جان/ روان)، و خواه برای تن (بدن/ جسم)، تنها نقش یک واسطه را در نظام حکیمانه آفرینش ایفا می‌کنند و درمان کننده، فقط خداوند متعال است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹

دانش نامه احادیث طبّی

اشاره

هر چند از نظر لغت [۸] و متون اسلامی، «طب» شامل درمان بیماری‌های جسم و جان است و درمان کنندگان جسم هم مانند درمان کننده جان، مظهر اسمای حسنای الهی هستند، و افزون بر این، «طبّ تن» و «طبّ روان»، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند (به گونه‌ای با تدبیر روانی می‌توان شماری از بیماری‌های جسمانی را علاج کرد و به عکس، با درمان جسمانی، پاره‌ای از بیماری‌های روانی را می‌توان درمان نمود)؛ اما طبّ تن و طبّ جان، در نوشتارهای اسلامی دو موضوع مستقل‌اند. «طبّ روان»، موضوع علم اخلاق است و اصطلاحاً به آن طب اطلاق نمی‌شود. بنا بر این، دانش نامه احادیث طبّی، تنها احادیثی را در خود جای داده است که در آنها بهداشت و یا درمان بیماری‌های جسمی مطرح شده است.

پیش از آشنایی با متن این احادیث، لازم است در سه فصل، مطالب زیر توضیح داده شود:

۱. جایگاه طب در قوانین اسلامی؛
 ۲. ارزیابی کلی احادیث طبّی؛
 ۳. مراحل تحقیق و تدوین دانش‌نامه احادیث طبّی.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰

۱ جایگاه طب در قوانین اسلام

اشاره

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی است. از نگاه اسلام، بزرگ‌ترین نعمت الهی، سلامت جسم و بزرگ‌تر از آن، سلامت جان است. همچنین، خطرناک‌ترین بلاها، بیماری جسم و خطرناک‌تر از آن، بیماری جان است. متن سخن امام علی علیه السلام در این باره چنین است:

إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَ أَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْقَلْبِ، وَ إِنَّ مِنَ النُّعْمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ تَقْوَى الْقُلُوبِ. [۹]

یکی از گرفتاری‌ها تنگ‌دستی است. سخت‌تر از آن، ناتن‌درستی است و سخت‌تر از آن هم بیماری دل؛ و یکی از نعمت‌ها توانمندی مالی است و برتر از آن، تندرستی است و بهتر از آن نیز تقوای دل‌ها.

مسئله این است که اگر بیماری، خطرناک‌ترین بلا و سلامت، بزرگ‌ترین نعمت است، اسلام که تکامل و سعادت انسان را هدف خود قرار داده، برای مبارزه با بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه چه برنامه‌ای دارد؟ و به دیگر سخن، طب در احکام و قوانین اسلامی چه جایگاهی دارد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱

جایگاه طبّ پیشگیری در اسلام

بررسی متون اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی و حکمت‌های مهم احکام و مقررات اسلامی، طبّ پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین سلامت انسان است. خداوند متعال، تصریح می‌کند که قرآن و برنامه‌های نورانی و حیاتبخش آن، جامعه بشر را به راه‌های تأمین سلامت، رهنمون می‌گردد:

«يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ». [۱۰]

خداوند، هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب به راه‌های سلامت، رهنمون می‌شود.

و بدین سان، انسان می‌تواند با پیوند با خدا و برنامه‌هایی که او برای زندگی بشر ارائه کرده، به بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دست یابد و نه تنها آخرت، بلکه سلامت و سعادت و خوش‌بختی دنیای خود را نیز تأمین نماید:

«مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». [۱۱]

هر کس پاداش دنیا می‌خواهد، [بداند که پاداش دنیا و آخرت، نزد خداست.

بر این پایه، در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب، و آنچه سود و یا زیانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معناست که طبّ پیشگیری در متن مقررات و احکام پنجگانه اسلام، تنیده شده و اجرای کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم

و جان انسان را به همراه دارد. [۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲

امام رضا علیه السلام، درباره حکمت مقررات الهی که بر انسان حلال و یا حرام شده است، می‌فرماید:

إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صِلَاحَ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ، وَ لَهْمُ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا، وَ وَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا لِلْفَنَاءِ وَ الْهَلَاكِ. [۱۳]

ما می‌بینیم هر آنچه که خداوند تبارک و تعالی حلال کرده، در آن، صلاح و بقای بندگان است و بدان نیازی گریزناپذیر دارند، و می‌بینیم همه آنچه که حرام شده است، بندگان، بدان نیازی ندارند و می‌بینیم که همه، موجب تباهی و زمینه نابودی‌اند.

در این سخن، امام تصریح می‌فرماید که آنچه در مقررات الهی در زمینه‌های مختلف (مانند: خوردن، آشامیدن، ازدواج و ...)، حلال شمرده شده، اموری است که مردم برای تأمین سلامت، رفاه و آسایش خود، بدان نیاز دارند و مصالح زندگی و بقای آنها وابسته به آن است و به عکس، آنچه تحریم شده، اموری است که نه تنها مورد نیاز مردم نیست، بلکه به زیان سلامت و آسایش آنان و موجب هلاکت آنهاست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳

۲ ارزیابی کلی احادیث طبّی

اشاره

پیش از ارزیابی احادیث طبّی، پاسخ دادن به سه سؤال اساسی در این باره، ضروری است:

سؤال اول: آیا علم پزشکی، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است؟ یا سرآغاز آن، تجربه انسان‌هاست؟

سؤال دوم: آیا پیشوایان دین، یعنی پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند یا نه؟

سؤال سوم: بر فرض اطلاع آنان از دانش پزشکی، آیا اصولاً بنای دین، ورود به مسائل پزشکی و درمان انواع بیماری‌های جسمی بوده یا نه؟

۱. مبدأ علم طب

برخی از دانشمندان بر این باورند که علم طب، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است. اندیشمند و محقق بزرگوار شیخ مفید رحمه‌الله در این باره چنین می‌فرماید:

طب، [دانشی است درست که آگاهی از آن، امری ثابت است و راه دسترس بدان نیز وحی است. آگاهان به این دانش، آن را تنها از پیامبران بهره گرفته‌اند؛ چه آن که نه برای آگاهی یافتن از حقیقت بیماری، جز به کمک سمع (ادله نقلی)، راهی هست، و نه برای آگاه شدن به درمان، راهی جز توفیق. بدین سان، ثابت

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴

می‌شود که یگانه راه این آگاهی، شنیدن از همان خدایی است که به همه نهفته‌ها آگاه است. [۱۴]

به نظر می‌رسد نیاز انسان‌های نخستین، ایجاب می‌کرد که «وحی»، برخی از دانش‌های تجربی ضروری برای زندگی را در اختیار آنان قرار دهد. مؤید این نظریه، مطلبی است که سید بن طاووس نقل کرده است:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ عَرَفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَفَهُ النُّجُومَ وَ الطُّبَّ.

خداوند، آدم را از بهشت، فرو آورد و او را از آگاهی به همه چیز، برخوردار ساخت. نجوم و پزشکی، از جمله چیزهایی بود که خداوند، وی را از آنها آگاه کرد. [۱۵]

بنا بر این، می‌توان گفت که سرآغاز علم طب، آموزه‌های وحی بوده؛ اما تجربه دانشمندان نیز بدان افزوده شده و تدریجا این دانش، گسترده‌تر شده و می‌شود؛ لیکن این ادعا که وحی، تنها راه رسیدن به این دانش است، علاوه بر این که متکی بر برهان عقلی و یا شرعی نیست، بطلان آن به وسیله تجربه ثابت شده است و آنچه از مرحوم شیخ مفید نقل شده که راه رسیدن به دانش طب، «السمع عن العالم بالخفیات» است، اگر مقصود، یکی از راه‌های رسیدن به این دانش باشد، صحیح است؛ و گر نه نمی‌تواند صحیح باشد.

۲. اهل بیت و دانش پزشکی

بررسی دقیق احادیثی که درباره ویژگی‌های علمی، سرچشمه‌های دانش‌ها و نیز

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵

انواع دانش‌های اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، [۱۶] نشان می‌دهد که پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، نه تنها از دانش پزشکی، بلکه از همه علوم، نه از راه تحصیل، بلکه از طریق الهام الهی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که هر گاه اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند، چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمًا. [۱۷]

امام، آن گاه که بخواهد بداند، می‌داند.

به دلیل این دانش گسترده و علم خارق العاده بود که امام علی علیه السلام، مکرر خطاب به مردم می‌فرمود: هر چه می‌خواهید، از من بپرسید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي، فَإِنَّ بَيْنَ جَنبِيْ عُلُومًا كَثِيْرَةً كَالْبَحَارِ الزَّوَاخِرِ. [۱۸]

از من بپرسید، پیش از آن که مرا از کف بدهید؛ چرا که در سینه من، به سان دریاها بیکران، دانش‌های فراوان نهفته است.

همه امامان علیهم السلام از چنین دانشی برخوردار بوده‌اند و در پاسخ دادن به هیچ مسئله علمی‌ای در نمی‌ماندند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُؤْمِرٍ عِبَادِهِ شَرَحَ صِدْرَهُ لِتَدْلِيْكَ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنْبِيْعَ الْحِكْمَةِ، وَالْهَمَّهُ الْعِلْمَ الْإِهَامًا، فَلَمْ يَعِيَ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ، وَلَا يُحْيِيْ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ. [۱۹]

آن گاه که خداوند عز و جل بنده‌ای را برای عهده‌داری کارهای بندگان خویش برگزیند، سینه وی را برای این کار، فراخ می‌سازد و سرچشمه‌های حکمت را در دل او به

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶

ودیعت می‌گذارد و دانش را به تمامی به او الهام می‌کند و از آن پس، او نه در پاسخی فرو می‌ماند و نه از راه صواب، سرگشته می‌گردد.

بنا بر این، بی‌تردید، پیامبر اسلام و اهل بیت او، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند و اگر ثابت شود که در هر مسئله‌ای از مسائل مربوط به این دانش، چیزی فرموده باشند، قطعاً کلام آنان، مطابق با واقع است.

۳. دین و حرفه پزشکی

هر چند طبّ پیشگیری، چنان که توضیح دادیم، در متن مقرّرات دینی مورد توجه بوده و پیشوایان دینی، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند؛ اما فلسفه دین، ورود در حرفه پزشکی نبوده است و از این رو، در روایات اسلامی، علم دین، قسیم علم طب است. [۲۰]

همچنین اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک حرفه، وارد مسائل پزشکی نشده‌اند. جدا کردن فقه (دین‌شناسی) از طب (پزشکی) و حرفه فقیهان از کار طبیبان نیز شاهد دیگری برای جدا بودن حوزه دین و حوزه علم طب است. [۲۱]

بنا بر این، ورود پیشوایان دین در مسائل پزشکی، مانند ورود آنان به سایر علوم، به صورت موردی و گاه به عنوان کرامت و اعجاز بوده، نه به صورت دائم و بدان نحو که مردم به دیگر پزشکان، مراجعه می‌کنند. بدیهی است که اگر مردم، اهتمام می‌ورزیدند و از دانش سرشار اهل بیت علیهم السلام بهره می‌جستند و به صورت متقن، آثار علمی آنان را ثبت و ضبط می‌کردند، امروز، ذخایر علمی و فرهنگی عظیمی در رشته‌های مختلف دانش، در اختیار بشر بود؛ اما متأسفانه، جایگاه علمی اهل بیت علیهم السلام شناخته نشد و آنچه از آنان به یادگار ماند نیز از نیرنگ

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷

سیاست‌بازان و دروغ‌پردازان، مصون‌نماند، به گونه‌ای که اکنون، دستیابی به میراث علمی آنان، نیاز به تلاش‌های فراوان دارد. با عنایت به آنچه گفتیم، اینک به ارزشیابی احادیثی که از اهل بیت علیهم السلام درباره مسائل پزشکی به ما رسیده می‌پردازیم.

ارزیابی احادیث طبّی از نگاه شیخ صدوق

بزرگ محدّثان شیعه، محمّد بن علی بن بابویه قمی، معروف به صدوق رحمه‌الله حدیث طبّی را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که جز در موارد خاص، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. وی می‌نویسد:

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه‌اند:

برخی از آنها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آنها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست؛

در برخی از آنها، معصوم علیه السلام بر پایه آنچه از حال و طبع سؤال کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع، فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛

برخی از آنها را مخالفان، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛

در برخی از آنها، سهوی از راوی حدیث، سر زده است؛

در برخی از آنها بخشی از حدیث حفظ‌شده و بخشی دیگر از آن، فراموش شده است؛

امّا آنچه درباره غسل روایت شده که درمان هر دردی است، روایتی است صحیح و معنایش نیز این است که غسل، شفای هر بیماری‌ای است که از بُرودت طبع برخیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸

آنچه نیز درباره استنجا به آب سرد برای مبتلایان به بواسیر رسیده، در موردی است که بواسیر شخص، از حرارت طبع، سرچشمه گرفته باشد.

آنچه هم در مورد بادنجان و درمانگر بودن آن روایت شده، ناظر به هنگام رسیدن خرما و در مورد کسانی است که خرما می‌خورند، نه ناظر به دیگر اوقات.

در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمانِ درستِ بیماری از امامان علیهم السلام رسیده، مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعاهایی است که به حکم سندهای قوی و طُرُق صحیحی که به واسطه آنها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهند شد. [۲۲]

بر اساس این ارزیابی، تنها بخشی از احادیث طبّی را می‌توان در اختیار افراد خاصّی که آن احادیث مربوط به آنهاست، قرار داد و

سایر احادیث طبّی را باید کنار گذاشت و تنها احادیثی که می‌توانند در اختیار عموم مردم قرار گیرند، احادیث صحیحی است که مردم را به درمان از طریق دعا و استشفای آیات قرآن، دعوت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که هر چند سخن شیخ صدوق رحمه‌الله از نظر اصولی صحیح است، چون غالباً احادیث طبّی، فاقد سندند و زمینه جعل در آنها به طور جدّی وجود دارد؛ لیکن حاصل این گونه ارزیابی، بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر علمی اهل بیت علیهم السلام خواهد بود؛ زیرا ضعف سند، بی‌تردید، نشانه عدم صدور حدیث نیست، چنان که درستی سند، نمی‌تواند دلیل صدور قطعی آن باشد. از سوی دیگر، قضاوت درباره این که شماری از درمان‌هایی که در احادیث آمده، ویژه افراد خاصّ است نیز، کار آسانی نیست.

بنا بر این، نه می‌توان همه این احادیث را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین در امر پزشکی در اختیار عموم گذاشت، و نه می‌توان به طور کلی آنها را کنار زد و از کتب حدیثی حذف کرد. پس چه باید کرد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹

اقسام احادیث طبّی

برای پاسخ به این پرسش، باید گفت که احادیث طبّی را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

دسته اول: احادیثی که اعجاز پیشوایان دین در درمان بیماری‌هاست، مانند آنچه قرآن کریم در بیان معجزه حضرت عیسی علیه السلام نقل کرده که می‌فرمود:

«وَأُتِي الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأَخِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ» [۲۳]

به اذن خدا، نابینای مادرزاد و پیرس را بهبود می‌بخشم.

دسته دوم: احادیثی که در مورد پیشگیری از بیماری‌ها وارد شده است.

دسته سوم: احادیثی که در مورد درمان بیماری‌ها نقل شده است. این احادیث نیز به دو بخش تقسیم می‌شوند:

بخش اول: درمان از طریق شفا خواستن به وسیله قرآن و دعا.

بخش دوم: درمان از طریق دارو.

احادیثی که مربوط به اعجاز در مسائل پزشکی است؛ در واقع، خارج از محدوده احادیث طبّی مورد بحث است.

نکته قابل توجه این که طرح احادیث طبّی پیشگیری، برای عموم، با توجه به این که این احادیث، غالباً منطبق با موازین علمی‌اند و با این توضیح که عواملی که برای پیشگیری در این احادیث مطرح شده، به معنای علت تامّه پیشگیری نیست، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

همچنین، بخش اول از احادیث طبّی که به وسیله آیات قرآن و دعا به درمان می‌پردازند را نیز با توجه به شرایط اجابت دعا و مجرب بودن دعا در درمان

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰

بسیاری از بیماری‌ها، برای عموم می‌توان مطرح کرد. [۲۴]

بنا بر این، تنها احادیثی که مبنای عمل قرار گرفتن آنها، بدون ارزیابی کامل، صحیح نیست و پیش از ارزیابی دقیق، نمی‌توان آنها را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین به آنها نسبت داد، احادیثی است که درمان بیماری‌ها را از طریق داروهای ویژه‌ای توصیه

کرده‌اند. این احادیث را می‌توان از راهی که اینک بدان اشاره می‌کنیم، مورد ارزیابی قرار داد.

ارزیابی احادیث طبّی از طریق آزمایش

برای ارزیابی دقیق احادیث طبّی و بهره‌گیری کامل از آنها، بهترین راه، آزمایش است. در واقع آزمایش و آزمایشگاه، بهترین قرینه عقلی برای اثبات صحّت و سقم احادیث طبّی است که خوش‌بختانه، در عصر حاضر، امکان بهره‌برداری از آن، بیش از هر وقت دیگر، فراهم است.

انگیزه اصلی نگارش دانش‌نامه احادیث پزشکی

همین جا مناسب است اشاره شود که این هدف، یعنی ارزیابی احادیث طبّی از طریق آزمودن، انگیزه اصلی نگارنده از برنامه‌ریزی برای تألیف دانش‌نامه احادیث طبّی بوده است.

با توجه به این که ضعف سند احادیث طبّی نمی‌تواند دلیل عدم صدور قطعی آنها باشد و با توجه به وجود زمینه جعل در این احادیث، برای پالایش آنها و بهره‌مند شدن مردم و بخصوص مراکز علمی از ذخایر علمی اهل بیت علیهم السلام، چند سال پیش، مرکز تحقیقات دار الحدیث، تصمیم به جمع‌آوری احادیث طبّی و تنظیم آنها گرفت، به گونه‌ای که زمینه تحقیق پژوهشگران را در آزمایشگاه‌ها تسهیل شود. اینک به فضل خداوند متعال و یاری همکارانی که از آنها نام برده

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱

خواهد شد، این هدف، تحقیق یافت. [۲۵]

بنا بر این، مخاطب اصلی دانش‌نامه احادیث طبّی، پژوهشگران علوم پزشکی‌اند. البته همان‌طور که اشاره شد، این دانش‌نامه، در مورد پیشگیری از بیماری‌ها که «طبّ پیشگیری (الطبّ الوقائی)» نامیده می‌شود، همچنین خواصّ خوراکی‌ها، برای عموم مردم نیز می‌تواند مورد بهره‌برداری قرار گیرد. به سخن دیگر، به استثنای فصل‌های مربوط به درمان بیماری‌ها که در بخش سوم آمده سایر بخش‌های این دانش‌نامه، برای عموم، قابل استفاده است.

ارزیابی علمی احادیث «اِثْمِد»

اینک در پایان این مبحث، برای ارائه یک نمونه عینی از ارزیابی علمی احادیث پزشکی، توجه خوانندگان گرامی را به خلاصه گزارش دو طرح تحقیقاتی یکی از همکاران دانش‌نامه در مورد ارزیابی احادیثی که در مورد فواید پزشکی سرمه اِثْمِد [۲۶] وارد شده است، جلب می‌نمایم.

طرح اول: تحقیق در مورد سرمه اِثْمِد اسود [۲۷]

در روایات اسلامی، استفاده از سرمه اِثْمِد (سنگ سرمه) برای پیشگیری از ریزش مژه‌ها، توصیه شده است و همچنین، فواید دیگری در جهت سلامت انسان برای آن ذکر شده است. با در نظر گرفتن عوامل مساعد برای ریزش که در

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲

بیماری بلفاریت مزمن دیده می‌شود و با توجه به این که مهم‌ترین عامل یا علّت این بیماری، باکتری «استافیلوکوک» است، بر آن شدیم تا اثر سرمه اِثْمِد را بر روی این میکروارگانیسم (خُرْد سازواره) و دیگر باکتری‌های گرم مثبت و گرم منفی، بررسی نماییم.

در این مطالعه، فعّالیت ضد میکروبی سرمه اِثْمِد نوع اسود، با روش رقیق‌سازی در محیط جامد علیه دو باکتری گرم مثبت استافیلوکوکوس آرتئوس و استافیلوکوکوس اپیدرمیس، و سه باکتری گرم منفی اشیریشیاکلی، انتروباکتریو کلوآسه‌آ و کلبسیلا پنومونیه، با در نظر گرفتن نورفلوکساسین، به عنوان ترکیب شاهد، مورد استفاده قرار گرفت. حدّ اقل غلظت مهاری سرمه اِثْمِد در سه شرایط مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفت:

۱. بلافاصله پس از حل کردن سنگ در OSMD

۲. بیست و چهار ساعت پس از حل کردن سنگ در OSMD

۳. سه روز پس از حل کردن سنگ در OSMD

و نتایج به صورت ۳ CIM ۱ CIM ۲ CIM علیه استافیلوکوک آرئوس به دست آمد:

CIM ۲۳ ۳ lm/gu CIM, ۴۶ ۲ lm/gu CLM. ۸۲۱ < ۱ lm/gu

آزمایش‌های یاد شده، سه بار تکرار شدند. این ترکیب بر روی سایر باکتری‌های مورد استفاده، بی‌اثر بود. نورفلوکساسین بر روی هر پنج باکتری به کار رفته، مؤثر و دارای CIM بین ۰/۱۳ تا یک میکروگرم در میلی‌لیتر بود. با توجه به این که ترکیب مورد آزمایش به صورت edurC مورد استفاده قرار گرفته است، غلظت CIM ۲۳ lm/gu قابل ملاحظه است و ادامه تحقیقات در مورد این ترکیب، لازم است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳

طرح دوم: تحقیق در مورد سرمه ائمد احمر [۲۸]

سنگ سرمه ائمد نوع احمر، ترکیبی است با درجه خلوص نامشخص که در احادیث اسلامی بر استفاده از آن، تأکید شده و فواید بسیاری برای سلامت دستگاه بینایی برای آن ذکر گردیده است، بخصوص برای جلای چشم، رویانیدن مژه، پیشگیری از ریزش مژه‌ها، گلوکم، اشک‌ریزش، و از بین بردن آلودگی‌ها و عفونت‌های چشم. لذا در این تحقیق، اثر ضد میکروبی آن بر روی چند باکتری گرم مثبت و گرم منفی که بعضی از آنها از علل بیماری‌های چشمی هستند، بررسی شد. نتایج به دست آمده، نشان می‌دهد که سرمه ائمد احمر، بر روی باسیلوس سابتیلیس مؤثر است و بر روی سایر باکتری‌های مورد استفاده، فاقد اثر است. نورفلوکساسین به عنوان یک ترکیب کنترل مثبت، استفاده شده است.

امید آن که نگارش این دانش‌نامه، زمینه‌ساز تلاش بیشتر پژوهشگران مسلمان علوم پزشکی برای ارائه ذخایر گران‌بهای علمی اهل بیت علیهم السلام به جهانیان گردد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴

مراحل تحقیق و تدوین

اشاره

برای اطلاع پژوهشگران از تلاش‌هایی که برای تهیه دانش‌نامه احادیث طبّی انجام یافته، به سیر جمع‌آوری، تحقیق و تدوین آن از آغاز تا انجام، اشاره‌ای کوتاه می‌شود.

۱. نقطه آغاز

جمع‌آوری احادیث طبّی از متون دینی، با هدفی که شرح آن گذشت، از احادیث درباره دستگاه‌های مختلف بدن آغاز شد، بدین ترتیب که طرح جمع‌آوری این احادیث، براساس تقسیم‌بندی فیزیولوژیک بدن، توسط فاضل گرامی جناب آقای احمد سعادتفر تهیه شد و به وسیله یکی از فضیلا همکار در دار الحدیث، جناب آقای مرتضی خوش نصیب، احادیث مربوط از طریق کلید واژه‌های اصلی و مرتبط، جمع‌آوری گردید.

۲. تنظیم ابتدایی

پس از جمع‌آوری احادیث و مرتبط ساختن آنها با طرح اولیه توسط آقای سعادت‌نفر، تنظیم اولیه روایات بخش سوم، توسط این جانب انجام شد. در ادامه کار به این نتیجه رسیدم که آنچه جمع‌آوری شد، برای تحقق اهداف مورد نظر

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵

کافی نیست و برای این منظور، لازم است احادیثی که بیانگر دیدگاه‌های پیشوایان اسلام درباره علم پزشکی، آداب آن، رهنمودهای پزشکی، بیماری و حکمت‌های آن، وظایف بیمار، پرستاری، عیادت بیمار و خواص درمانی غذاها و گیاه‌ها وارد شده است، به این مجموعه افزوده شود. بخشی از موارد مورد نیاز را از منابع تهیه شده در دار الحدیث، خود انتخاب کردم و بخش دیگری، توسط یکی دیگر از فضلاء همکار در دار الحدیث، جناب آقای محمد تقی سبحانی‌نیا انجام گرفت.

شایان ذکر است که مسئولیت ارزیابی و انتخاب احادیث، عنوان‌دهی و سازماندهی آنها به صورت کتاب، با نگارنده این سطور بوده است.

۳. ارجاع به منابع (مصدریابی)

پس از تنظیم ابتدایی دانش‌نامه و رفع نسبی نواقص آن، جهت ارجاع به منابع و تخریج احادیث، به قسمت مربوط تحویل گردید. در این مرحله، از طریق برنامه‌های نرم‌افزاری جستجوهای لازم انجام شد و نشانی مصادر یافت شده، بر اساس میزان اعتبار آنها تنظیم گردید و اگر متن قوی‌تری یافت شد، جایگزین متن اصلی گردید.

در زمینه ثبت احادیث، نکته‌های زیر مورد توجه بوده است:

الف روایات تکرار شده در منابع مختلف، حذف شده است، مگر در موارد ذیل:

۱. وجود داشتن نکته مهمی در متن حدیث؛

۲. تفاوت لفظی در متون نقل شده از طریق شیعه و سنی.

۳. تکرار در چند باب مختلف، مشروط به این که روایت، طولانی نباشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶

در غیر از این موارد، نشانی روایت‌هایی که در منابع مختلف تکرار شده، طبق آیین‌نامه در پاورقی حدیث اخذ شده، افزوده می‌شود.

ب اگر دستیابی به منابع اولیه مقدور باشد، حدیث از آنها نقل می‌شود؛ وگرنه، از منابع واسطه نقل می‌شود.

ج با توجه به این که بحارالأنوار از جوامع روایی شیعه و کنز العمال از جوامع روایی اهل سنت به‌شمار می‌رود، لذا نشانی آن دو برای سهولت مراجعه خوانندگان در پایان نشانی‌ها ذکر می‌شود.

د پس از ذکر مصادر حدیث در پاورقی، گاه با تعبیر «همچنین، ر. ک.» ارجاعاتی به برخی منابع داده می‌شود. قابل توجه است که در این گونه موارد، متن مورد ارجاع، گاه با متن کتاب، تفاوت فاحش دارد. در عین حال، ملاحظه آن برای محقق، سودمند است.

۴. نقد متن و تنظیم نهایی

پس از تخریج مصادر و حروفچینی ابتدایی، متن کتاب توسط یکی دیگر از فضلاء همکار در دار الحدیث، جناب آقای رسول افقی، مورد بازبینی و نقد قرار گرفت و همراه با پیشنهادهایی به این جانب ارائه گردید. با عنایت به پیشنهادهای ارائه شده، مجدداً متن کتاب، توسط نگارنده مورد بازبینی و دقت قرار گرفت و اصلاحات لازم از نظر شکل و محتوا در آن انجام شد.

۵. تهیه مدخل‌ها و تحلیل‌های مورد نیاز

پس از انجام مراحل یاد شده، آخرین مرحله تدوین دانش‌نامه احادیث طَبِی، یعنی تهیه مدخل و تحلیل‌ها و توضیحات مورد نیاز، توسط نگارنده انجام شد و با عنایت به نکات جدیدی که به هنگام تهیه تحلیل‌ها به نظر رسید، ضمن افزوده دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷ شدن برخی از ابواب و عناوین جدید، چپ‌سوی قبلی در بخشی از کتاب، تغییر کرد.

۶. چگونگی نگارش احادیث

مهم‌ترین نکاتی که در نگارش احادیث لحاظ شده، از این قرار است:

الف متن انتخابی در صورت امکان، جامع‌ترین، استوارترین و معتبرترین متون است.

ب از نگاه ما احادیث رسیده از اهل بیت علیهم السلام، در واقع، حدیث رسول خداست. در تصریح به این مطلب، امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّا عَنِ اللَّهِ وَ عَنِ رَسُولِهِ نُحَدِّثُ. [۲۹]

ما (اهل بیت)، از خدا و پیامبرش حدیث می‌کنیم.

نیز امام صادق علیهما السلام می‌فرماید:

حدیثی حدیثُ اَبی، و حدیثُ اَبی حدیثُ جَدی، و حدیثُ جَدی حدیثُ الحُسَینِ، و حدیثُ الحُسَینِ علیه السلام حدیثُ الحَسَنِ علیه السلام، و حدیثُ الحَسَنِ حدیثُ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ علیهم السلام، و حدیثُ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ حدیثُ رَسولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله، و حدیثُ رَسولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

حدیث من حدیث [۳۰] پدرم، و حدیث پدرم حدیث جدم، و حدیث جدم حدیث حسین، و حدیث حسین، حدیث حسن، و حدیث حسن، حدیث امیر مؤمنان، و حدیث امیر مؤمنان، حدیث پیامبر خدا، و حدیث پیامبر خدا، سخن خداست.

از این رو، کلمه «حدیث» در عنوان کتاب، این معنا را می‌رساند که

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸

همه احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او مورد استفاده و استناد کتاب، قرار گرفته است.

ج احادیث پیامبر اسلام و اهل بیت آن حضرت تا امام مهدی (عج)، به ترتیب تاریخی ثبت می‌شوند. البته ممکن است گاه هماهنگی چند روایت در مضمون، موجب گردد که این ترتیب، رعایت نشود.

د اگر حدیثی هم از پیامبر صلی الله علیه و آله و هم از اهل بیت علیهم السلام روایت شده باشد، آنچه از پیامبر خدا نقل شده در متن قرار می‌گیرد و به روایت دیگر در پاورقی اشاره می‌گردد.

ه احادیث با نام پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام آغاز می‌شود، مگر آن که متن روایت، مقتضی ذکر نام راوی باشد که در این صورت، نام کتابی که حدیث از آن نقل شده، در آغاز می‌آید.

و پیامبر خدا و اهل بیت آن بزرگوار، اسما و القاب متعددی دارند که در نقل مطالب، یکی از آنها انتخاب شده است.

ز پس از ذکر پیامبر خدا با جمله «صلی الله علیه و آله» و پس از ذکر اهل بیت آن حضرت با جمله «علیه السلام» و پس از ذکر فاطمه زهرا با جمله «علیها السلام»، نسبت به آنان ادای احترام می‌شود، هر چند در منبع اصلی با الفاظ دیگری از آنان تکریم شده باشد.

۷. اقدام‌های بعدی

ویرایش، شرح لغات، مقابله و تصحیح، اعراب‌گذاری و ترجمه مدخل‌ها و تحلیل‌ها، اقدامات جنبی مهم دیگری است که توسط کارشناسان خبره، انجام شده، کتاب، آماده انتشار می‌گردد. [۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹

در پایان، از همه فضلا و محققان دار الحدیث که در ساماندهی این مجموعه نفیس، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، سهیم بوده‌اند، بویژه برادران فاضل و عزیز آقایان: مرتضی خوش نصیب، محمدتقی سبحانی‌نیا و رسول افقی، صمیمانه سپاسگزارم. همچنین از فاضل گرامی آقای احمد سعادتفر که در تهیه بخش سوم این مجموعه با دار الحدیث همکاری داشتند و نیز از استاد ارجمند جناب آقای مهدی مهریزی که یادداشت‌های خود را در زمینه احادیث طبّی در اختیار این جانب قرار دادند و آقای دکتر حسین صابری، مترجم گران‌قدر این دانش‌نامه، قدردانی و تشکر می‌نمایم و از خداوند متعال برای همه آنان، پاداشی درخور فضل و کرامت خود، مسئلت دارم.

رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمدی ری شهری

۱۲ فروردین ۱۳۸۲

۲۸ محرم ۱۴۲۴

۱ آوریل ۲۰۰۳

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱

بخش اول: پزشکی

اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲

الفصل الأوّل: الطبّاه فی منظار الإسلام

۱ / ۱

أَهْمِيَّةُ عِلْمِ الطَّبِّ

۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: العِلْمُ عِلْمَانِ: عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ. [۳۲]

۲. عنه صلى الله عليه وآله: الْعُلُومُ أَرْبَعَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ، وَالنُّجُومُ لِمَعْرِفَةِ الْأَزْمَانِ. [۳۳]

۳. الإمام علي عليه السلام: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ. [۳۴]

۳. الإمام علي عليه السلام: الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: الْفِقْهُ لِلْأَدْيَانِ، وَالطَّبُّ لِلْأَبْدَانِ، وَالنَّحْوُ لِلْسَّانِ. [۳۵]

۴. الإمام الباقر عليه السلام مِنْ وَصِيَّتِهِ لِجَابِرِ الْجَعْفِيِّ: وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ، وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ. [۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳

فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام

۱ / اهمیت دانش پزشکی

۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها.
۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش‌ها بر چهار گونه‌اند: فقه (دین‌شناسی) برای دین‌ها، طب برای بدن‌ها، نحو برای زبان، و نجوم برای شناخت زمان‌ها.
۳. امام علی علیه السلام: دانش، سه گونه است: فقه برای دین‌ها، طب برای بدن‌ها، و نحو برای زبان.
۴. امام باقر علیه السلام در سفارش به جابر جعفی: بدان که نه هیچ دانشی چون جُستن [دانش سلامت است، و نه هیچ سلامتی چون سلامت دل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴

۵. الإمام الصادق علیه السلام: لَا يَسْتَعْنِي أَهْلُ كُلِّ بَلَدٍ عَنْ ثَلَاثَةِ يَفْرُغَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِ دُنْيَاهُمْ وَ آخِرَتِهِمْ، فَإِنْ عَدِمُوا ذَلِكَ كَانُوا هَمَجًا: فقيه عالم ورع، و امیر خیر مطاع، و طیب بصیر ثقه. [۳۷]

۲ / ۱

مَعْرِفَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْأَيْمَةِ بِعِلْمِ الطَّبِّ

۶. فرج المهموم: رَأَيْتُ فِي رِسَالَتِهِ أَبِي إِسْحَاقَ الطَّرْسُوسِيَّ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِكٍ فِي بَابِ مَعْرِفَةِ أَصْلِ الْعِلْمِ مَا هَذَا لَفْظُهُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ عَرَفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَفَهُ النُّجُومُ وَ الطَّبُّ. [۳۸]
۷. علل الشرائع عن الربيع صاحب المنصور: حَضَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَجْلِسَ الْمَنْصُورِ يَوْمًا وَ عِنْدَهُ رَجُلٌ مِنَ الْهِنْدِ يَقْرَأُ كُتُبَ الطَّبِّ، فَجَعَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُنصِتُ لِقِرَائَتِهِ، فَلَمَّا فَرَغَ الْهِنْدِيُّ، قَالَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتُرِيدُ مِمَّا مَعِيَ شَيْئًا؟ قَالَ: لَا، فَإِنَّ مَعِيَ مَا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا مَعَكَ.

قال: و ما هو؟

- قال: ادأوى الحارَّ بالبارد، وَ الباردَ بالحارَّ، وَ الرطبَ باليابس، وَ اليابسَ بالرطب، وَ أَرَدُ الْأَمْرَ كُلَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ أَسْتَعْمِلُ مَا قَالَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، وَ أَعْلَمُ أَنَّ الْمَعْدَةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَ أَنَّ الْحِمِيَّةَ هِيَ الدَّوَاءُ، وَ اعْوُذُ الْبَدَنَ مَا اعْتَادَ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: وَ هَلِ الطَّبُّ إِلَّا هَذَا؟

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَفْتَرَانِي مِنْ كُتُبِ الطَّبِّ أَخَذْتُ؟

قال: نَعَمْ.

قال: لَا وَ اللَّهُ، مَا أَخَذْتُ إِلَّا عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. فَأَخْبِرْنِي أَنَا أَعْلَمُ بِالطَّبِّ أَمْ أَنْتَ؟

قال الْهِنْدِيُّ: لَا، بَلْ أَنَا.

قال الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأَسْأَلُكَ شَيْئًا؟

قال: سَلْ.

قال: أَخْبِرْنِي يَا هِنْدِيُّ، لِمَ كَانَ فِي الرَّأْسِ شُؤُونَ؟

قال: لَا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَ الشَّعْرُ عَلَيْهِ مِنْ فَوْقِ؟

قال: لَا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ خَلَّتِ الْجِبَهُهُ مِنَ الشَّعْرِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَ لَهَا تَخْطِيطٌ وَ أَسَارِيرٌ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَتِ [٣٩]

الْعَيْنَانِ كَاللُّوَزَتَيْنِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَ ثَقْبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَتِ الشَّفَقَةُ وَالشَّارِبُ مِنَ فَوْقِ الْفَمِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ احْتَدَّ السِّنُّ، وَ عَرَّضَ الضُّرْسُ، وَ طَالَ النَّابُ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَتِ اللَّحْيَةُ لِلرِّجَالِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ خَلَّتِ الْكَفَّانِ مِنَ الشَّعْرِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ خَلَا الظُّفْرُ وَالشَّعْرُ مِنَ الْحَيَاةِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبَرَةِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ [٤٠] الرُّئَةُ قِطْعَتَيْنِ، وَ جُعِلَ حَرَكَتُهَا فِي مَوْضِعِهَا؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ الْكَبِدُ حَدْبَاءً؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ كَانَتْ الْكُلْيَةُ كَحَبِّ اللُّوييَا؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ جُعِلَ طِيُّ الرُّكْبَةِ إِلَى الْخَلْفِ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

قال: فَلِمَ تَخَصَّرَتِ الْقَدَمُ؟

قال: لا أَعْلَمُ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُنِّي أَعْلَمُ!

قال: فَأَجِب.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ فِي الرَّأْسِ شُؤْنٌ؛ لِأَنَّ الْمُجَوَّفَ إِذَا كَانَ بِلا فَصْلِ أُسْرِعَ إِلَيْهِ الصُّدَاعُ، فَإِذَا جُعِلَ ذَا فُصُولٍ كَانَ الصُّدَاعُ مِنْهُ أَبْعَدَ.

وَجُعِلَ الشَّعْرُ مِنْ فَوْقِهِ؛ لِيُوصَلَ بِوُصُولِ الْأَدِهَانِ إِلَى الدِّمَاغِ؛ وَيُخْرَجَ بِأَطْرَافِهِ الْبُخَارَ مِنْهُ؛ وَيُرَدُّ عَنْهُ الْحَرُّ وَالتَّبَرَدُ الْوَارِدَيْنِ عَلَيْهِ. وَخَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّهَا مَصَّبُ النُّورِ إِلَى الْعَيْنَيْنِ. وَجُعِلَ فِيهَا التَّخْطِيطُ وَالتَّسْوِيطُ؛ لِتَحْبِيسِ الْعَرَقِ الْوَارِدِ مِنَ الرَّأْسِ عَنِ الْعَيْنِ قَدْرَ مَا يُمِيطُهُ [٤١] الْإِنْسَانُ عَنِ نَفْسِهِ؛ كَالْأَنْهَارِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي تَحْبِيسُ الْمِيَاهُ.

وَجُعِلَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ؛ لِيُورِدَا عَلَيْهِمَا مِنَ النُّورِ قَدْرَ الْكِفَايَةِ، أَلَا تَرَى يَا هِنْدِيُّ أَنَّ مَنْ غَلَبَهُ النُّورُ جَعَلَ يَدُهُ عَلَى عَيْنَيْهِ لِيَرِدَ عَلَيْهِمَا قَدْرُ كِفَايَتِهِمَا مِنْهُ؟

وَجُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؛ لِتُقَسِّمَ النُّورَ قَسْمَيْنِ إِلَى كُلِّ عَيْنٍ سَوَاءً.

وَكَانَتِ الْعَيْنُ كَاللُّوزَةِ؛ لِتَجْرِيَ فِيهَا الْمَيْلُ بِالْأَدْوَاءِ وَيَخْرُجُ مِنْهَا الدَّمْعُ، وَكَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً مَا جَرَى فِيهَا الْمَيْلُ؛ وَمَا وَصَلَ إِلَيْهَا دَوَاءً، وَلَا خَرَجَ مِنْهَا دَاءً.

وَجُعِلَ ثَقْبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؛ لِتَنْزِلَ مِنْهُ الْأَدْوَاءُ الْمُتَحَدِّرَةُ مِنَ الدِّمَاغِ، وَتَصْعَدَ فِيهِ الرِّوَائِحُ إِلَى الْمَشَامِ، وَكَانَ فِي أَعْلَاهُ؛ لِمَا أَنْزَلَ دَاءً وَلَا وَجَدَ رَائِحَةً.

وَجُعِلَ الشَّارِبُ وَ الشَّفَةُ فَوْقَ الْفَمِ؛ لِتَحْبِيسِ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدِّمَاغِ عَنِ الْفَمِ، لِئَلَّا يَتَنَغَّصَ عَلَى الْإِنْسَانِ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ فَيُمِيطُهُ عَنِ نَفْسِهِ.

وَجُعِلَتِ اللَّحْيَةُ لِلرِّجَالِ؛ لِتَسْتَعِينِي بِهَا عَنِ الْكَشْفِ فِي الْمَنْظَرِ، وَيُعَلِّمُ بِهَا الذَّكْرُ مِنَ الْأُنثَى.

وَجُعِلَ السِّنُّ حَادًّا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الْعَضُّ، وَجُعِلَ الضَّرْسُ عَرِيضًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الطَّحْنُ وَ الْمَضْغُ، وَكَانَ النَّابُ طَوِيلًا؛ لِتَشْتَدَّ [٤٢] الْأَضْرَاسُ وَ الْأَسْنَانُ كَالْأَسْطُوَانَةِ فِي الْبِنَاءِ.

وَ خَلَا الْكَفَّانِ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّ بِهِمَا يَقَعُ اللَّمْسُ، فَلَوْ كَانَ بِهِمَا شَعْرٌ مَا دَرَى الْإِنْسَانُ مَا يُقَابِلُهُ وَيَلْمَسُهُ.

وَ خَلَا الشَّعْرُ وَ الطُّفْرُ مِنَ الْحَيَاةِ؛ لِأَنَّ طَوْلَهُمَا وَسِخٌ يَتَّبِعُ، وَقَصْهُمَا حَسَنٌ، فَلَوْ كَانَ فِيهِمَا حَيَاةٌ؛ لَأَلِمَ الْإِنْسَانُ لِقْصِهِمَا.

وَ كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنُوبَرِ؛ لِأَنَّهُ مُنَكَّسٌ، فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا [٤٣]؛ لِتَدْخُلَ فِي

الرَّئِةِ فَتُرَوِّحَ [٤٤] عَنْهُ بِبَرْدِهَا، لِئَلَّا يَشِيْطَ الدِّمَاغُ بِحَرِّهِ.

وَ جُعِلَتِ الرَّئِةُ قِطْعَتَيْنِ؛ لِتَدْخُلَ فِي مَضَاغِطِهَا فَتُرَوِّحَ عَنْهُ بِحَرِّكِتِهَا.

وَ كَانَتِ الْكَبِدُ حُدْبَاءً؛ لِتُسْتَقِلَ الْمَعِدَةُ وَ تَقَعُ جَمِيعُهَا عَلَيْهَا، فَتَعَصِرُهَا فَيَخْرُجُ مَا فِيهَا مِنَ الْبَخَارِ.

وَ جُعِلَتِ الْكُلْيَةُ كَحَبِّ اللَّوْبِيَا؛ لِأَنَّ عَلَيْهَا مَصَّبَ الْمَنِيِّ نُقْطَةً بَعْدَ نُقْطَةٍ، فَلَوْ كَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً؛ لَأَحْتَبَسَتِ النُّقْطَةُ الْأُولَى الثَّانِيَةَ فَلَا يَلْتَدُّ بِخُرُوجِهَا الْحَيْ، إِذَا [٤٥] الْمَنِيُّ يَنْزِلُ مِنَ فَقَارِ الظَّهْرِ إِلَى الْكُلْيَةِ، فَهِيَ كَالدُّودَةِ تَنْقَبِضُ وَ تَتَبَسِّطُ، تَرْمِيهِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا إِلَى الْمَثَانَةِ كَالْبُنْدُقَةِ مِنَ الْقَوْسِ.

وَ جُعِلَ طَيُّ الرُّكْبَةِ إِلَى خَلْفِ؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ يَمْشِي إِلَى مَا بَيْنَ يَدَيْهِ فَتَعْتَدِلُ الْحَرَكَاتُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَسَقَطَ فِي الْمَشْيِ.

وَ جُعِلَتِ الْقَدَمُ مُتَخَصَّرَةً؛ لِأَنَّ الشَّيْءَ إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعُهُ ثَقُلَ ثِقْلَ حَجَرِ الرَّحَا، وَ إِذَا كَانَ عَلَى طَرَفِهِ دَفَعَهُ (رَفَعَهُ) الصَّبِيءُ، وَ إِذَا وَقَعَ عَلَى وَجْهِهِ صَعَبَ نَقْلُهُ عَلَى الرَّجُلِ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: مِنْ أَيْنَ لَكَ هَذَا الْعِلْمُ؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخَذْتُهُ عَنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، عَنْ جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَادَ وَالْأَرْوَاحَ.

فَقَالَ الْهِنْدِيُّ: صَدَقْتَ، وَ أَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

وَ عَبْدُهُ، وَ أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ زَمَانِكَ. [۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵

۵. امام صادق علیه السلام: مردم هیچ آبادی‌ای از سه گروه، بی‌نیاز نیستند که در کار دنیا و آخرت خویش به ایشان پناه برند و چون آنان را نداشته باشند، شوربخت باشند: فقیه دانا و پرهیزگار، امیر نیکوکار و فرمان‌روا، و طیب آگاه و مورد اعتماد.

۱/ ۲ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی

۶. فرج المهموم: در نامه ابو اسحاق طرطوسی به عبد الله بن مالک درباره شناخت سرچشمه دانش، چنین دیده‌ام: خداوند، آدم را از بهشت فرو فرستاد و او را از دانش همه چیز آگاه ساخت. از جمله چیزهایی که خداوند، وی را از آنها آگاه ساخت، نجوم و طب بود.

۷. علل الشرائع به نقل از ربیع، حاجب منصور عباسی: روزی امام صادق علیه السلام به مجلس منصور درآمد، در حالی که مردی هندی نزد او بود و کتاب‌های طب می‌خواند. امام صادق علیه السلام به خواندن او گوش سپرد. چون آن مرد هندی، خواندن را به پایان برد، به امام صادق علیه السلام گفت: ای ابو عبد الله! آیا از آنچه همراه دارم، چیزی می‌خواهی؟ فرمود: «نه؛ برتر از آنچه تو همراه داری، به همراه دارم».

پرسید: آن چیست؟

فرمود: «گرم را به سرد، سرد را به گرم، خشک را به تر، و تر را به خشک درمان می‌کنم و کار را یکسره به خداوند، باز می‌گردانم و آنچه را پیامبر خدا فرموده است، به کار می‌گیرم و می‌دانم که معده، خانه همه دردها، و پرهیز، یگانه درمان است و بدن را بر همان چه بدان خو گرفته، وا می‌دارم».

مرد هندی گفت: آیا طب، چیزی جز این است؟

امام صادق علیه السلام پرسید: «آیا گمان می‌کنی از کتاب‌های طب، چیزی

فرا گرفته‌ام؟».

گفت: آری.

فرمود: «به خداوند سوگند، نه. جز از خداوند سبحان نگرفته‌ام. اینک بگو که آیا من به طب آگاه‌ترم یا تو؟».

گفت: تو نه، بلکه من.

امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا از تو چیزی بی‌رسم؟».

گفت: بی‌رسم.

فرمود: «ای هندی! به من بگو که چرا در سر، رخنه‌ها و لایه‌هاست؟».

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا موها در بالای سر قرار داده شده‌اند؟

گفت: نمی‌دانم.

پرسید: «چرا پیشانی از مو تهی است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا پیشانی دارای چین و چروک است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ابروها در بالای چشم‌ها قرار دارند؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا چشم‌ها همانند بادام قرار داده شده‌اند؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا بینی در میان دو چشم، قرار داده شده است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا سوراخ بینی در پایین آن است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا لب و سیل، بالای دهان قرار داده شده است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا دندان‌های پیشین، تیز است، دندان‌های جانبی پهن است و دندان‌نیش، بلندتر است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ریش برای مردان قرار داده شده است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کفِ دستان، از مو تهی است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ناخن و مو، فاقد حیات است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا قلب، همانند دانه صنوبر است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا ریه دو پاره است و حرکت آن، تنها در جای ثابت خویش قرار داده شده است؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کبد، قوس دار است؟»

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کلیه، همانند دانه لوبیاست؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا زنانو به عقب تا می خورد؟».

گفت: نمی دانم.

پرسید: «چرا کف پا دارای گودی است؟».

گفت: نمی دانم.

در این هنگام، امام صادق علیه السلام فرمود: «اَما من می دانم».

آن مرد گفت: پس خود پاسخ ده.

امام صادق علیه السلام فرمود: «در سر، رخنه‌ها و لایه‌هاست؛ چون هر چیز درون تهی، هر گاه یک پارچه باشد، شکستن، زودتر به سراغش آید و چون چند تکه قرارداد شود، شکستگی از آن دورتر است.

موی سر، در قسمت بالای آن قرار داده شده است تا با ریشه‌هایش چربی را به مغز برساند و سر موها، بخار را از مغز بیرون ببرد و سرما و گرمایی را که بدان می‌رسد، از آن دفع کند.

پیشانی از مو تهی است، از آن رو که محل رسیدن نور به چشمان است، و در آن، چین و چروک قرار داده شده است، بدان سبب که عرق فرو ریخته از سر را در خود، محبوس سازد و مانع رسیدن آن به چشمان شود تا بدان وقت که انسان، عرق خویش را پاک کند، آن‌سان که نهرها در زمین آب‌ها را در خود محبوس می‌سازند.

ابروها در بالای چشمان قرار داده شده‌اند تا نور را به اندازه کافی به چشمان راه دهند. ای هندی! مگر نمی‌بینی آن که نور بر وی چیره شود، دست خویش را بر فراز چشمان می‌گیرد تا نور به اندازه کافی از زیر آن به چشمان راه بگشاید.

بینی در میان دو چشم قرارداد شده است تا نور را در میان دو چشم به دو بخش مساوی قسمت کند.

چشم، همانند بادام است تا میل بتواند دارو را در داخل آن جریان دهد و بیماری (عفونت) از آن بیرون آید. اگر چشم، مربع شکل یا دایره‌ای بود، نه میل در داخل آن حرکت می‌کرد، نه دارو به همه آن می‌رسید، و نه بیماری از درون آن خارج می‌شد.

سوراخ بینی در پایین آن قرارداد شده است تا بیماری‌هایی (عفونت‌هایی) که از مغز فرو می‌آید، از آن پایین آید و بویها از آن بالا رود و به مشام رسد، در حالی که اگر این سوراخ، در بالای بینی بود، نه بیماری‌ای از آن به زیر می‌آمد و نه بویی را حس می‌کرد. سیل و لب، در بالای دهان قرار گرفته است تا مانع رسیدن آنچه از مغز فرو می‌ریزد، به دهان شود، مبادا که طعم خوراک و نوشیدن بر انسان مکدر گردد و آن را از خودش دور کند.

ریش، تنها برای مردان قرار داده شده است تا بدین وسیله از زنان متمایز گردند و نیازی به باز گشودن [همه چهره و ملاحظه آن برای شناسایی نباشد.

دندان جلو، تیز قرارداد شده است؛ زیرا به واسطه آن، کار گاز گرفتن صورت می‌پذیرد و دندان‌های جانبی پهن قرارداد شده است؛ زیرا آسیاب کردن و جویدن به کمک آنها انجام می‌گیرد و نیش، بلندتر است تا تکیه‌گاه دندان جانبی و دندان جلو باشد، به سان ستون در یک بنا.

کف دستان از مو تهی است، چون به کمک آنها کار لمس انجام می‌گیرد؛ اما اگر در آنها مو وجود داشت، انسان نمی‌دانست آنچه پیش روی اوست و آن را لمس می‌کند، چیست.

مو و ناخن، فاقد حیات است؛ زیرا بلند شدن آنها مایه کثیفی و زشتی است و کوتاه کردنشان پسندیده است. پس اگر در آنها حیات وجود می‌داشت، انسان به هنگام کوتاه کردن آنها احساس درد می‌کرد.

قلب، به شکل دانه صنوبر است؛ زیرا وارونه است و یک سر قلب، باریک

قرار داده شده تا لابه‌لای ریه برود و با سردی آن، خنک شود، مبادا که مغز از گرمای آن بسوزد.

ریه، دو پاره قرارداد شده است تا قلب در لابه‌لای فشارگاه‌های آن قرار گیرد و به کمک حرکت آن، خنک شود.

کبد، قوس‌دار است تا معده را سنگینی کند و به تمامی بر روی آن قرار گیرد و آن را بفشرد و در نتیجه، بخاری که در آن هست، بیرون برود.

کلیه، به شکل دانه لوبیا قرارداد شده است؛ زیرا مسیر ریزش منی، نقطه به نقطه آن عضو است. پس اگر کلیه به شکل مربع یا دایره

بود، نقطه نخست، مانع رسیدن منی به نقطه دوم می‌شد و موجود زنده نمی‌توانست با خروج آن، احساس لذت کند؛ چه این که منی از ستون فقرات به سمت کلیه فرو می‌آید و آن (کلیه) نیز به گرمی می‌ماند که جمع می‌شود و باز می‌شود و تدریجاً منی را به سوی مثانه می‌راند، به سان تیری که از کمان رها شود.

تا خوردن زانو به سمت عقب قرارداد شده است؛ چرا که انسان به سمت جلو راه می‌رود و حرکات او با تعادل همراه است، اما اگر این نبود، انسان در هنگام راه رفتن [بر زمین می‌افتاد.

در کف پا گودی‌ای قرارداد شده است؛ زیرا هر چیز چون به تمامی سطح بر زمین قرار گیرد، به اندازه سنگ آسیاب سنگین می‌شود، اگر با لبه‌اش بر روی زمین باشد، یک کودک هم می‌تواند آن را جاز جای خویش [براند. اگر هم چیزی به روی بر زمین قرار گیرد، جابه‌جا کردن آن، حتی بر یک مرد، سنگین می‌آید».

در این هنگام، مرد هندی پرسید: این دانش برای تو از کجا حاصل آمده است؟

فرمود: «آن را از پدرانم، از پیامبر خدا، از جبرئیل علیه السلام، از پروردگار جهانیان جل جلاله، یعنی همو که تنهاست و جان‌ها را آفریده، فرا گرفته‌ام.

پس آن هندی گفت: راست گفته‌ای و من نیز گواهی می‌دهم که

خدایی جز الله نیست و محمد، پیامبر خدا و بنده اوست و تو آگاه‌ترین کسان روزگار خویش هستی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶

۳/۱

لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ

۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، فَإِذَا أُصِيبَ دَوَاءُ الدَّاءِ بَرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. [۴۷]

۹. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الَّذِي خَلَقَ الْأَدْوَاءَ خَلَقَ لَهَا دَوَاءً. [۴۸]

۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَدَاوَوْا؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا وَ أَنْزَلَ لَهُ شِفَاءً. [۴۹]

۱۱. الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله قَالَ: تَدَاوَوْا؛ فَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ مَعَهُ دَوَاءً إِلَّا السَّامَ يَعْنِي: الْمَوْتَ؛ فَإِنَّهُ لَا دَوَاءَ لَهُ. [۵۰]

۱۲. المستدرک علی الصحیحین عن أبی سعید الخدری عن رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً أَوْ لَمْ يَخْلُقْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ أَوْ خَلَقَ لَهُ دَوَاءً؛ عِلْمُهُ مَن عِلْمُهُ، وَ جِهْلُهُ مَن جِهْلُهُ إِلَّا السَّامَ.

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا السَّامُ؟

قال: الْمَوْتُ. [۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷

۳/۱ هر دردی را درمانی است

۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر دردی را درمانی است. پس چون دارو به درد برسد، به اذن خداوند عز و جل بهبود یابد.

۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: آن که دردها را آفریده، برای آنها درمان نیز آفریده است.

۱۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند عز و جل هیچ دردی را فرو نفرستاده، مگر این که برای آن، شفایی هم نازل کرده است.

۱۱. امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانم علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «خود را مداوا کنید؛ چه، خداوند، هیچ دردی فرو

نفرستاده، مگر این که به همراهش درمانی نیز نازل کرده است، جز مرگ که آن را هیچ درمانی نیست».

۱۲. المستدرک علی الصحیحین به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا فرمود: «خداوند، هیچ دردی را فرو نفرستاده (یا هیچ دردی را نیافریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده (یا آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته‌اند و کسانی نیز از آن ناآگاه مانده‌اند، مگر سام».

پرسیدند: سام چیست؟

فرمود: «مرگ».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸

۱۳. تاریخ بغداد عن جابر: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَادَ مَرِيضًا وَأَنَا مَعَهُ، فَقَالَ: أَلَا نَدْعُو لَكَ طَبِيبًا؟ قَالَ: وَأَنْتَ تَأْمُرُ بِهَذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَ لَهُ دَوَاءً. [۵۲]

۱۴. المصنّف عن هلال بن يساف: جُرِحَ رَجُلٌ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: ادْعُوا لَهُ الطَّيِّبَ. فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَلْ يُغْنِي عَنْهُ الطَّيِّبُ؟

قَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يُنَزِلْ دَاءً إِلَّا أَنْزَلَ مَعَهُ شِفَاءً. [۵۳]

۱۵. الإمام علي عليه السلام: لِكُلِّ حَيٍّ دَاءٌ، لِكُلِّ عَلَةٍ دَوَاءٌ. [۵۴]

۱۶. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْتَلِ الْبَدَنَ بِدَاءٍ؛ حَتَّىٰ جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يُعَالِجُ بِهِ، وَ لِكُلِّ صَنِيفٍ مِنَ الدَّاءِ صَنِيفٌ مِنَ الدَّوَاءِ، وَ تَدْبِيرٌ وَ نَعْتُ. [۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹

۱۳. تاریخ بغداد به نقل از جابر: پیامبر خدا، در حالی که همراهش بودم، بیماری را عیادت کرد و به او فرمود: «آیا برایت طیبی فرا نخوانیم؟».

گفت: آیا تو، ای پیامبر خدا، به این کار، فرمان می‌دهی؟!

فرمود: «آری. خداوند، هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده است».

۱۴. المصنّف به نقل از هلال بن يساف: در روزگار پیامبر خدا، مردی مجروح شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «برایش طیبی بخوانید».

کسی گفت: ای پیامبر خدا! آیا طیب، او را سودی می‌بخشد؟

فرمود: «آری. خداوند تبارک و تعالی هیچ دردی فرو نفرستاده، مگر این که به همراهش شفایی نیز فرو فرستاده است»

۱۵. امام علی علیه السلام: هر زنده‌ای را دردی هست و هر بیماری‌ای را درمانی است.

۱۶. امام رضا علیه السلام: خداوند عز و جل بدن را به هیچ بیماری‌ای گرفتار نساخت، مگر آن هنگام که برایش دارویی قرارداد که بدان، درمان شود؛ و برای هر نوع دردی، نوعی درمان است و چاره‌ای و نسخه‌ای.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰

۴ / ۱

الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدَرِ

۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدَرِ، وَقَدْ يَنْفَعُ بِإِذْنِ اللَّهِ. [۵۶]

۱۸. عنه صلی الله علیه و آله: الدَّوَاءُ مِنَ الْقَدَرِ، وَ هُوَ يَنْفَعُ مَنْ يَشَاءُ بِمَا شَاءَ. [۵۷]

۱۹. سنن ابن ماجه عن ابي خزامة: سئل رسول الله صلى الله عليه وآله: أ رأيت أدوية تداوى بها، و رقي نسرتقى بها، و تقي نقيها، هل تزدد من قدر الله شيئاً؟ قال: هي من قدر الله. [۵۸]

۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: إن نبياً من الأنبياء مرض، فقال: لا أداوى حتى يكون الذى أمرصنى هو الذى يشفينى. فأوحى الله عز و جل: لا أشفيك حتى تداوى؛ فإن الشفاء منى. [۵۹]

۲۱. إحياء علوم الدين: ذكر بعض العلماء فى الإسرائيليات أن موسى عليه السلام اعتل بعلة، فدخل عليه بنو إسرائيل فعرفوا علة. فقالوا له: لو تداويت بكذا لبرأت. فقال: لا أداوى حتى يعافينى هو من غير دواء، فطالت علة. فقالوا له: إن دواء هذه العلة معروف مجرب، و إنا تداوى به فبرأ.

فقال: لا أداوى، و أقامت علة، فأوحى الله تعالى إليه: و عزتى و جلالى، لا أبرأتك حتى تداوى بما ذكروه لك. فقال لهم: داوونى بما ذكرتم، فداووه فبرأ، فأوجس فى نفسه من ذلك.

فأوحى الله تعالى إليه: أردت أن تبطل حكمتى بتوكلك على؛ من أودع العقاقير منافع الأشياء غيرى؟ [۶۰]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱

۱/ ۴ دارو و درمان، از تقدیر است

۱۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: درمان، از تقدیر [خداوند] است و ممکن است به اذن خداوند، نافع باشد.

۱۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: درمان، از تقدیر [خداوند] است و هر کس را که او بخواهد، به همان گونه که بخواهد، سود می‌رساند.

۱۹. سنن ابن ماجه به نقل از ابو خزامة: از پیامبر خدا پرسیدند: آیا این که با دارویی درمان کنیم یا تعویذی بر خود بندیم یا پرهیزی بکنیم، این کار چیزی از تقدیر خداوند را باز می‌دارد؟ فرمود: «این، خود از تقدیر خداوند است».

۲۰. امام صادق علیه السلام: پیامبری از پیامبران بیمار شد. گفت: درمان نمی‌کنم تا همان کسی که بیمار کرده است، خود، درمانم کند. سپس خداوند عز و جل به او وحی فرستاد: «شفایت نمی‌دهم، مگر درمان کنی، که شفا از من است».

۲۱. إحياء علوم الدين: یکی از عالمان، در شمار اسرائیلیات، یادآور شده است که موسی علیه السلام به بیماری گرفتار شد. بنی اسرائیل به حضور او رسیدند و بیماری‌اش را شناختند و به او گفتند: اگر به فلان دارو، درمان کنی، بهبود می‌یابی. اما موسی علیه السلام گفت: درمان نمی‌کنم تا او خود، بدون دارو، مرا عافیت دهد.

پس بیماری‌اش به طول انجامید. دیگر بار به او گفتند: داروی این بیماری شناخته شده و تجربه شده است و ما بدان، درمان می‌کنیم و بهبود می‌یابیم.

موسی علیه السلام گفت: درمان نمی‌کنم. پس بیماری‌اش ماندگار شد. خدا نیز به او وحی فرستاد: «به عزت و جلالم سوگند، تو را بهبود نمی‌دهم، مگر به آنچه برایت گفته‌اند، درمان کنی».

پس موسی علیه السلام به آنان گفت: مرا به آنچه گفته‌اید، درمان کنید.

او را مداوا کردند و بهبود یافت و وی نیز بدین سبب، دلگیر شد. پس خداوند تعالی، [دیگر بار] به او وحی فرستاد: «می‌خواستی با توکلت بر من، حکمت مرا ابطال کنی. مگر چه کسی جز من، منافع چیزها را در داروها به ودیعت نهاده است؟!».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲

۵ / ۱

الشِّفَاءُ مِنَ اللَّهِ

الكتاب:

«وَ إِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ». [۶۱]

الحديث:

۲۲. الطَّبُّ النَّبَوِيُّ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ؟

قَالَ: مِنِّي.

قَالَ: فَمِمَّنِ الدَّوَاءُ؟

قَالَ: مِنِّي.

قَالَ: فَمَا بِالْطَّيِّبِ؟

قَالَ: رَجُلٌ أَرْسَلَ الدَّوَاءَ عَلَى يَدِهِ. [۶۲]

۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ يُسَمَّى الطَّيِّبُ: «المُعَالِجُ»، فَقَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ؟ قَالَ: مِنِّي.

قَالَ: فَمِمَّنِ الدَّوَاءُ؟

قَالَ: مِنِّي.

قَالَ: فَمَا يَصْنَعُ النَّاسُ بِالْمُعَالِجِ؟

قَالَ: يُطَيَّبُ بِذَلِكَ أَنْفُسَهُمْ فَسُمِّيَ الطَّيِّبَ لِذَلِكَ. [۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳

۱ / ۵ شفا از خداوند است

قرآن

«چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می دهد»

حدیث

۲۲. الطَّبُّ النَّبَوِيُّ: إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَقَالَ: بِرُورِدِ الْكَارِ! دَرْدُ از كِيسْتِ؟

[خداوند] فرمود: «از من».

پرسید: پس درمان از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس طیب چه کاره است؟

فرمود: «مردی است که دارو به دست او فرستاده شده است».

۲۳. امام صادق علیه السلام: دَرِ كَظْمَةِ، بِزَشَكِّ، «مُعَالِجٌ» نَامِيْدَةٌ مِي شَد. دَرِ اَن رُوزِ كَارَانِ، مُوسَى بِنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ پَرَسِيْد:

پَرُورِدِ الْكَارِ! دَرْدُ از كِيسْتِ؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس درمان از کیست؟

فرمود: «از من».

پرسید: پس مردم با معالج چه می‌کنند؟

فرمود: «او به این کار، دل آنان را خوش و خرسند می‌سازد. پس از همین روی، او را طیب [۶۴] نام نهادند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴

۲۴. مسند ابن حنبل عن أبي رمثة: أتيت رسول الله صلى الله عليه وآله مع أبي فرأى التي بظهره.

فقال: يا رسول الله، ألا اعالجها لك فإني طيب؟

قال: أنت رفيق والله الطيب. [۶۵]

۲۵. دعائم الإسلام: عن جعفر بن محمد عليه السلام أنه سئل عن الرجل يداويه اليهودي والنصراني، قال: لا بأس بذلك، إنما الشفاء

بيد الله تعالى. [۶۶][۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۵۴

۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللهم... فلَكَ الحمدُ كما خلقتَ و صوّرتَ و قضيتَ، و أضللتَ و هديتَ، و أضحكْتَ و أبكيتَ، و

أمتَّ و أحييتَ، و أمرضتَ و شفيتَ، و أطعمتَ و سقيتَ. [۶۸]

۲۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللهم... فلَكَ الحمدُ كما خلقتَ و صوّرتَ و قضيتَ، و أضللتَ و هديتَ، و أضحكْتَ و أبكيتَ، و

أمتَّ و أحييتَ، و أمرضتَ و شفيتَ، و أطعمتَ و سقيتَ. [۶۹]

۲۷. عنه صلى الله عليه وآله في دُعاء الجوشن الكبير: يا دليلاً يا معيناً، يا حبيناً يا طيبناً... يا طيب من لا طيب له. [۷۰]

۲۸. الإمام زين العابدين عليه السلام: اللهم لك الحمد أن خلقتَ فسوّيتَ، و قدّرتَ و قضيتَ،

. و أمتَّ و أحييتَ، و أمرضتَ و شفيتَ، و عافيتَ و أبليتَ [۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵

۲۴. مسند ابن حنبل: به نقل از ابو رمثه: همراه پدرم به نزد پیامبر خدا رفتم. او آنچه را که بر پشت ایشان بود، دید و گفت: ای پیامبر

خدا: آیا آن را درمان نکنم؟ من طیبم.

فرمود: «تو رفیق هستی (نسبت به بیمار، مهربانی و مدارا می‌کنی) و خداوند، خود، طیب است».

۲۵. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام در مورد این که مردی را یک یهود یا مسیحی درمان کند، پرسیدند. فرمود: «در این

کار، اشکالی نیست. شفا به دست خداوند متعال است».

۲۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوندا! تو را سپاس، که آفریدی، صورت بخشیدی و تقدیر کردی، گمراه کردی و راه

نمودی، خندانندی و گریانندی، میراندی و زنده گرداندی، بیمار کردی و شفا بخشیدی، خوراک دادی و آب دادی.

۲۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در دعای جوشن کبیر: ای راهنمای ما، ای یاری رسان ما، ای حیب ما، ای طیب ما... ای طیب

آن کس که او را طیب نیست!

۲۸. امام سجّاد علیه السلام: خداوندا! تو را سپاس که آفریدی و اعتدال بخشیدی،

تقدیر فرمودی و حکم کردی، میراندی و زنده ساختی، بیمار کردی و شفا بخشیدی، عافیت دادی و مبتلا ساختی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶

۲۹. الإمام العسکری علیہ السلام مِن دُعَائِهِ فِي الصَّبَاحِ: يَا مَنْ يَجْعَلُ الشِّفَاءَ فِيمَا يَشَاءُ مِنَ الْأَشْيَاءِ... يَا مَنْ يُزِيلُ بِأَدْنَى الدَّوَاءِ مَا غُلِظَ مِنَ الدَّاءِ. [۷۲]

۳۰. إحياء علوم الدين: رَوَى عَنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ، مِمَّنِ الدَّاءُ وَالدَّوَاءُ؟ فَقَالَ: مَنِّي.

قَالَ: فَمَا يَصْنَعُ الْأَطْبَاءُ؟

قَالَ: يَأْكُلُونَ أَرْزَاقَهُمْ وَيُطَيِّبُونَ نُفُوسَ عِبَادِي؛ حَتَّى يَأْتِي شِفَائِي أَوْ قَضَائِي. [۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷

۲۹. امام عسکری علیہ السلام در دعای صبحگاهی خویش می گفت: ای آن که شفا را در آنچه می خواهد، می نهد ... ای آن که به کمترین دارو، سخت ترین درد را درمان می بخشد.

۳۰. إحياء علوم الدين: از موسی علیه السلام روایت شده که گفت: پروردگارا! درد و درمان از کیست؟ فرمود: «از من».

پرسید: پس طبیبان چه می کنند؟

فرمود: «روزی خویش می خورند و دلِ بندگانم خرسند می دارند تا یا شفایم و یا قضایم [به آنان برسد].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹

فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب

درآمد

حرفه پزشکی، از آن رو که با جان، ناموس و اسرار زندگی مردم سر و کار دارد، علاوه بر مقررات اسلامی، در همه حرفه ها دارای آداب و احکام ویژه ای است که رعایت آن برای پزشک مسلمان، لازم و ضروری است. در این جا اشاره ای کوتاه به مهم ترین آداب آن خواهیم کرد.

۱. احساس مسئولیت

احساس مسئولیت، از مهم ترین و اصلی ترین آداب پزشکی است؛ زیرا این احساس است که پزشک را به رعایت وظایف اخلاقی، قانونی و شرعی خود در مورد درمان بیمار، وادار می سازد.

امام صادق علیه السلام، سخنی سخت تکان دهنده درباره مسئولیت پزشک از حضرت مسیح علیه السلام نقل فرموده است:

مسیح علیه السلام می گفت: آن که درمان کردن زخم زخمیده ای را وا گذارد، ناگزیر، شریک کسی است که زخم را بر بدن وی نشانده است. [۷۴]

این سخن، متکی بر منطق روشنی است که نه تنها پیروان اسلام و مسیحیت، بلکه هیچ پزشک با وجدانی نمی تواند آن را انکار کند. از این رو، ش

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰

ایسته است همه پزشکان، آن را قاب کنند و در مطب خویش بیاویزند.

بر اساس این منطق، کوتاهی پزشک در درمان بیمار، به معنای سهمیم بودن او در بیماری و گاه، هلاکت بیمار است. لذا پزشک، مسئول است با همه توان برای درمان بیمار، تلاش کند و با هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند از زیر بار این مسئولیت، شانه خالی نماید. بر همین اساس، معتقدیم یکی از وظایف مهم دانشگاه‌های علوم پزشکی، برنامه‌ریزی برای پرورش حس مسئولیت‌شناسی در دانش‌پژوهان این دانش است.

۲. تقوای پزشکی

تقوا در هر حرفه‌ای به معنای رعایت قوانین الهی در انجام دادن آن است. بنا بر این، تقوای پزشکی، شامل همه آداب و احکام اسلامی در مورد این حرفه است؛ لیکن در تقوای پزشکی، دو نکته از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است: یکی خیرخواهی برای بیمار، و دیگری تلاش برای درمان او. از این رو، امام علی علیه السلام، پس از توصیه پزشکان به تقوا، بلافاصله به این دو مصداق بارز تقوای پزشکی اشاره می‌فرماید:

مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَ لِيَنْصَحْ وَ لِيَجْتَهِدْ. [۷۵]

هر کس طبابت پیشه کند، باید که از خدا پروا بدارد و خیرخواهی و جدیت به خرج دهد.

«نُصِيح» که در این سخن بدان اشاره شد، به معنای خیرخواهی و «اجتهاد»، به معنای به کارگیری همه توان است. بنا بر این، تقوای پزشکی بدین معناست که پزشک برای حُسن انجام وظیفه، اولاً باید سود بیمار را در نظر بگیرد نه سود خود را. ثانیاً باید از همه توان فکری و عملی خود برای درمان وی استفاده کند و پزشک ب

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱

اتقوا، کسی است که در صرف وقت برای تشخیص بیماری، در تجویز دارو، در چگونگی درمان و طول آن، به چیزی جز سود بیمار نیندیشد.

۳. پاک‌دامنی

یکی از مصادیق مهم تقوای پزشکی، عفت جنسی و پاک‌دامنی است. پزشک باتقوا، به خود اجازه نمی‌دهد از بیمار، سوء استفاده جنسی کند و حتی در نگاه کردن برای معاینه، حدود اسلامی را رعایت می‌نماید، بدین معنا که اگر از طریقی بجز نگاه کردن به مواضعی که نگران کردن به آن در اسلام ممنوع است، بتواند بیماری را تشخیص دهد، مبادرت به نگاه نامشروع نمی‌ورزد و در صورت نیاز به این کار نیز، به اندازه ضرورت، اکتفا می‌کند.

۴. اهتمام به تشخیص بیماری

یکی از نکات آداب پزشکی که در احادیث اسلامی بر آن تأکید شده، اهمیت دادن به تشخیص بیماری است. پیامبر اسلام به یکی از پزشکان معاصر خود، چنین توصیه می‌فرماید:

هیچ کس را درمان مکن، مگر آن‌گاه که بیماری او را بشناسی. [۷۶]

مکرر شنیده می‌شود که به دلیل تشخیص نادرست طبیب و داروی نامناسب، بیماری تشدید شده و گاه بیمار، هلاک شده است. رعایت این ادب، اقتضا می‌کند که پزشک، همه توان خود را برای تشخیص بیماری به کار گیرد و پیش از تشخیص آن، اقدام به تجویز دارو نکند و اگر فرصت لازم را برای تشخیص ندارد یا خسته است و یا به هر دلیل دیگر، آمادگی لازم را برای اظهار نظر ندارد، از معاینه بیمار و دادن دارو، به طور جدی خودداری کند.

۵. تلاش برای شناخت داروهای طبیعی

احادیث باب سوم از فصل اول تأکید دارند که همه بیماری‌ها به استثنای مرگ، در نظام آفرینش، دارو دارند و قابل درمان‌اند. برخی تصریح می‌کنند که خداوند برای همه بیماری‌ها دارو آفریده و برخی می‌گویند خداوند، برای همه بیماری‌ها دارو نازل کرده است.

ظاهر این دو تعبیر این است که داروی همه بیماری‌ها در طبیعت وجود دارد. بی‌تردید، داروهای طبیعی، زیان کمتر و سود بیشتری برای درمان دارند. با عنایت به این واقعیت است که گیاه درمانی، به تدریج در کشورهای پیشرفته رایج می‌گردد. بنا بر این، یکی از مسئولیت‌های مهم مراکز علمی پزشکی، تلاش برای کشف داروهای طبیعی و آشنا کردن جامعه پزشکی با این داروهاست.

۶. رعایت ضرورت در تجویز دارو

در روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام [۷۷] تأکید شده است که تا آنجا که بدن، قدرت تحمل بیماری را دارد، بیمار نباید به پزشک مراجعه کند؛ زیرا مصرف دارو بدون ضرورت برای سلامت انسان، زیانبار است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: با درد خویش تا آن هنگام که با تو مدارا می‌کند، مدارا کن. [۷۸]

و از امام کاظم علیه السلام روایت شده است:

تا زمانی که بیماری به جد با شما درگیر نشده است، درگیر معالجه طبیبان نشوید، که درمان، به مانند ساختمان است که مقدار کمی از آن، شخص را به مقدار فراوانش می‌کشاند. [۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳

طبق دلالت التزام این احادیث، بر فرض، اگر بیماری این رهنمودها را نادیده گرفت و به پزشک مراجعه کرد، پزشک متعهد و با تقوا، کسی است که پس از معاینه، اگر تشخیص داد بیماری او جزئی است و نیازی به دارو ندارد، اقدام به نوشتن نسخه و تجویز دارو نمی‌کند، و اگر تشخیص داد که مصرف دارو ضرورت دارد، بیش از اندازه لازم، دارو تجویز نمی‌نماید تا کیسه تولید کنندگان دارو را پُر کند.

۷. حفظ اسرار بیمار

یکی از آداب مهم پزشکی، رازداری است. برخی از بیماری‌ها، راز بیمار محسوب می‌شوند و او مایل نیست دیگران از آن مطلع شوند. روایات اسلامی، از یک سو به بیمار توصیه می‌کنند که بیماری پنهان خود را از پزشک، کتمان نکند، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

هر کس درد نهفته خویش را پنهان بدارد، طبیبش از درمان وی ناتوان می‌ماند. [۸۰]

و از سوی دیگر، به پزشک تأکید می‌کنند که امانت‌دار باشد و با افشای راز بیمار، به او خیانت ننماید. در حدیث نبوی آمده است:

المَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ إِفْشَاؤُكَ سِرَّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ. [۸۱]

نشستن‌ها به امانت است و افشای راز برادرت نیز خیانت. پس از این کار، پرهیز.

۸. ایجاد امیدواری در دل بیمار

یأس و نومیدی، موجب تشدید بیماری است و بیش از بیماری برای بیمار، رنج آور است. به گفته امام علی علیه السلام:

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴

أَعْظَمُ الْبَلَاءِ انْقِطَاعُ الرَّجَاءِ.

سخت‌ترین بلا، گسستن امید است.

بلکه گاه نومیدی، سبب مرگ بیمار می‌گردد، چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید:

قَتَلَ الْقُنُوطُ صَاحِبَهُ. [۸۲]

نومیدی، آن کس را که دامنگیرش بشود، می‌کشد.

به عکس، امید به درمان، از رنج بیماری می‌کاهد و به بیمار، قدرت غلبه بر بیماری می‌دهد و درمان را تسریع می‌نماید. از این رو،

یکی از وظایف مهم پزشکی، بویژه در مورد بیماری‌های خطرناک، تقویت روحیه بیمار و ایجاد امید در اوست.

گفتنی است که بهترین راه امیدوار کردن بیمار، تقویت حس مذهبی، توکل به خدا و اعتقاد به این حقیقت است که طیب واقعی

اوست و درمان هیچ دردی برای خداوند متعال، دشوار نیست و چه بسا دردهای بی‌درمان که با دعا شفا یافته و به هر حال، خداوند

متعال، چیزی جز خیر و صلاح و سود انسان را نمی‌خواهد.

۹. جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص

از نظر اسلام، طبابت افراد غیر متخصص، ممنوع و نظام اسلامی موظف است از کار آنان جلوگیری کند و در صورت سرپیچی،

آنان را مانند روحانی‌نمایان فاسق، زندانی کند. امام علی علیه السلام، در این باره می‌فرماید:

بر امام، لازم است عالمان تبهکار و پزشکان ناآگاه را به زندان درافکند. [۸۳]

مقدم داشتن ضرورت زندانی کردن علمای فاسق بر پزشکان جاهل، از آن جهت است که خطر طیب‌نمایان روحانی برای جامعه

اسلامی بیش از ط

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵

یب‌نمایان جسمانی است.

باری، پزشک غیر متخصص، در صورتی که اقدام به طبابت کرد و موجب زیان بیمار گردید، علاوه بر این که مرتکب گناه شده،

براساس قانون «ضمان»، ضامن است، چنان‌که از پیامبر اسلام روایت شده:

هر کس بدون سابقه [و تخصص لازم به کار طبابت دست یازد، ضامن است. [۸۴]

همچنین، طیب متخصص، اگر در انجام دادن وظیفه خود، کوتاهی کند و این کوتاهی به فساد بینجامد، ضامن خواهد بود. [۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶

الفصل الثانی: آداب الطبابة و أحكامها

آداب الطبابة و أحكامها

الشُّعُورُ بِالمَسْئُورِيَّةِ

۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ المَسِيحُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ التَّارِكَ شِفَاءَ المَجْرُوحِ مِنْ جُرْحِهِ شَرِيكَ لِجَارِحِهِ لَا مَحَالَةَ؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ الجَارِحَ أَرَادَ فَسَادَ المَجْرُوحِ وَ التَّارِكَ لِشِفَائِهِ لَمْ يَشَأْ صِلَاخَهُ، فَإِذَا لَمْ يَشَأْ صِلَاخَهُ فَقَدْ شَاءَ فَسَادَهُ اضْطِرَارًا.

[۸۶]

التَّقْوَى الطَّبِيَّةُ

۳۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَطَبَّبَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَ لِيَنْصَحْ وَ لِيَجْتَهِدْ. [۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷

آداب طبابت و وظائف طیب

۱ / ۲ احساس مسئولیت

۳۱. امام صادق علیه السلام: مسیح علیه السلام می فرمود: «آن که درمان کردن زخم زخمیده‌ای را وا گذارد، ناگزیر، شریک کسی است که زخم را بر بدن وی نشانده است؛ چه، آن که زخم رسانده، تباهی مجروح را خواسته است و آن که درمان وی را وا گذارده، بهبود او را نخواسته است. پس اگر که بهبود وی را نخواسته، ناگزیر، تباهی او را خواسته است.»

۲ / ۲ تقوای پزشکی

۳۲. امام علی علیه السلام: هر کس طبابت پیشه کند، باید از خدا پروا بدارد و خیرخواهی و جدیت به خرج دهد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸

الاهْتِمَامُ بِمَعْرِفَةِ الدَّاءِ

۳۳. رسول الله صلى الله عليه و آله لِلشَّمْرِ دَلِ المَتَطَبِّبِ: لَا تُدَاوِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ دَاءَهُ. [۸۸]

۳۴. الإمام زين العابدين عليه السلام: مَنْ لَمْ يُعْرِفْ دَاوُهُ، أَفْسَدَهُ دَاوُهُ. [۸۹]

حُرْمَةُ طِبَابَةِ الجَاهِلِ

۳۵. الإمام علي عليه السلام: يَجِبُ عَلَى الإِمَامِ أَنْ يَحِيسَ الفُسَاقَ مِنَ العُلَمَاءِ، وَ الجُهَالَ مِنَ الأَطِبَّاءِ. [۹۰]

ضَمَانُ الطَّبِيبِ إِذَا أَفْسَدَ

۳۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَطَبَّبَ وَ لَمْ يُعَلِّمْ مِنْهُ طِبُّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۱]

۳۷. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ تَطَبَّبَ وَ لَمْ يَكُنْ بِالطَّبِّ مَعْرُوفًا، فَأَصَابَ نَفْسًا فَمَا دُونَهَا، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹

۳۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به شَمْرَدَل طیب: هیچ کس را درمان مکن، مگر آن گاه که بیماری او را بشناسی.
۳۴. امام سجّاد علیه السلام: کسی که بیماری اش تشخیص داده نشود، دارویش او را تباہ می سازد.

۲ / ۴ حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان

۳۵. امام علی علیه السلام: بر امام، لازم است عالمان تبهکار و پزشکان ناآگاه را به زندان درافکند.

۲ / ۵ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت

۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بدون تخصّص لازم به کار طبابت دست یازد، [شرعاً] ضامن است.
۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در حالی که به طبابت شناخته شده نیست، عهده دار آن گردد و موجب فوت کسی یا صدمه ای کمتر از آن شود، ضامن است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰
۳۸. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ عَلِيًّا عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ ضَمَّنَ خَتَانًا قَطَعَ حَشَفَهُ غُلَامًا. [۹۳]
۳۹. دعائم الإسلام: ضَمَّنَ [الإمامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ] خَتَانَهُ خَتَّتْ جَارِيَةً، فَزَفَّ دَمَهَا فَمَاتَتْ. فَقَالَ لَهَا: وَيْلَكَ! فَهَلَّا أَبْقَيْتِ مِنْ ذَلِكَ؟ فَضَمَّنَهَا الدِّيَةَ، وَجَعَلَهَا عَلَى عَاقِلَةِ الْخَتَانَةِ. [۹۴]
۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ عَامِلٍ أُعْطِيَتهُ أَجْرًا عَلَى أَنْ يُصْلِحَ فَأَفْسَدَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۵]

۶ / ۲

عَدَمُ ضَمَانِ الطَّيِّبِ مَعَ الْحَذَقِ وَ أَخْذِ الْبِرَاءَةِ

۴۱. المصنّف عن الضحّاك بن مزاحم: خَطَبَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ النَّاسَ فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْأَطْبَاءِ الْبَيَاطِرَةِ وَالْمُتَطَبِّينَ! مَنْ عَالَجَ مِنْكُمْ إِنْسَانًا أَوْ دَابَّةً، فَلْيَأْخُذْ لِنَفْسِهِ الْبِرَاءَةَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ عَالَجَ شَيْئًا وَ لَمْ يَأْخُذْ لِنَفْسِهِ الْبِرَاءَةَ فَعَطِبَ، فَهُوَ ضَامِنٌ. [۹۶]
۴۲. الإمام علي عليه السلام: مَنْ تَطَبَّبَ أَوْ تَبَيَّطَرَ، فَلْيَأْخُذِ الْبِرَاءَةَ مِنْ وَلِيِّهِ، وَإِلَّا فَهُوَ لَهُ ضَامِنٌ. [۹۷]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱
۳۸. امام باقر علیه السلام: علی علیه السلام، ختنه گری را که سر آلت پسرکی را بریده بود، ضامن دانست.
۳۹. دعائم الإسلام: [امام علی علیه السلام زنی ختنه گر را که دختری را ختنه کرده و او در نتیجه آن، خونریزی کرده و مُرده بود، ضامن دانست و به او فرمود: «وای بر تو! چرا هیچ اندکی از آن [عضو] باقی نگذاردی؟». سپس به ضامن بودن او نسبت به دیه حکم کرد و این دیه را بر عاقله [۹۸] ختنه کننده دانست.
۴۰. امام صادق علیه السلام: هر کارگر [و صاحب حرفه ای که به وی برای این که کاری را درست کند، مزدی دهید، اما آن را خراب کند، ضامن است.

۲ / ۶ مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت

۴۱. المصنّف به نقل از ضحاک بن مُراحم: علی علیه السلام برای مردم سخن گفت و در سخنان خویش فرمود: «ای جماعت پزشکان، دام‌پزشکان و کسانی که به کار پزشکی دست می‌یازید! هر کدام از شما که انسانی یا حیوانی را معالجه می‌کند، باید برای خویش، برائت بگیرد؛ چرا که هر کس در حالی که برای خویش برائت نگرفته، به معالجه چیزی بپردازد و آن چیز هلاک شود، ضامن خواهد بود».

۴۲. امام علی علیه السلام: هر کس به کار طبابت انسان یا حیوان دست می‌یازد، باید از ولی آن [انسان یا حیوان برای خویش، کسب برائت کند، وگرنه ضامن آن است]. [۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۲

۴۳. الکافی عن زرارة عن أحدهما عليهما السلام: القابلهُ مأمونةٌ [۱۰۰]. [۱۰۱]

۷/۲

جوازُ العلاجِ معَ المَعْرِفَةِ و لَوِ احْتَمِلَ المَوْتَ

۴۴. الکافی عن إسماعيل بن الحسن المَظَنَّبِ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ وَلِي بِالطَّبِّ بَصَرٌ، وَطِبِّي طَبُّ عَرَبِيٍّ وَ لَسْتُ آخِذٌ عَلَيْهِ صَفْدًا.

فَقَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: إِنَّا نَبْطُ الْجُرْحِ وَ نَكُوي بِالنَّارِ!

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: وَ نَسْقِي هَذِهِ السُّمُومَ الْأَسْمَحِقُونَ، وَ الْغَارِيقُونَ.

قَالَ: لَا بَأْسَ.

قُلْتُ: إِنَّهُ رُبَّمَا مَاتَ.

قَالَ: وَ إِن مَاتَ. [۱۰۲]

۴۵. الکافی عن يونس بن يعقوب: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَشْرَبُ الدَّوَاءَ وَ يَقَطِّعُ العِرْقَ، وَ رُبَّمَا انْتَفَعَ بِهِ، وَ رُبَّمَا قَتَلَهُ؟

قَالَ: يَقَطِّعُ، وَ يَشْرَبُ. [۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۳

۴۳. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: قابله، امین [۱۰۴] دانسته شود.

۷/۲ جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ

۴۴. الکافی به نقل از اسماعیل بن حسن که پیشه طبابت داشت: به امام صادق علیه السلام گفتم: من مردی از عرب هستم و به طبابت، آگاهی ای دارم. طب من طیبی عربی است و بر این کار خویش، مزدی نمی‌گیرم. فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: ما دُمَل‌ها و غَدَه‌ها را بیشتر می‌زنیم و با آتش، داغ می‌نهم.

فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: و این زهرهای اسمحیقون [۱۰۵] و غاریقون [۱۰۶] را به مردم می‌خورانیم.

فرمود: «اشکالی ندارد».

گفتم: شاید شخص بمیرد.

فرمود: «هر چند که بمیرد».

۴۵. الکافی به نقل از یونس بن یعقوب: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی دارویی می‌نوشد یا رگ می‌زند. شاید که بدین کار، سود برد و شاید هم این کار، او را بکشد. [حکم چیست؟]
فرمود: «بزند و بنوشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۴

۴۶. طَبَّ الْأَثَمَةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَشْرَبُ الدَّوَاءَ وَرُبَّمَا قَتَلَهُ، وَرُبَّمَا يَسْلَمُ مِنْهُ، وَ مَا يَسْلَمُ أَكْثَرَ؟

قَالَ: فَقَالَ: أَنْزَلَ اللَّهُ الدَّاءَ وَأَنْزَلَ الشُّفَاءَ، وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ دَاءً إِلَّا جَعَلَ لَهُ دَوَاءً، فَاشْرَبْهُ وَ سَمَّ اللَّهُ تَعَالَى. [۱۰۷]

۴۷. الکافی عن حمدان بن إسحاق: كَانَ لِي ابْنٌ وَ كَانَ تُصِيبُهُ الْحَصَاةُ، فَقِيلَ لِي: لَيْسَ لَهُ عِلَاجٌ إِلَّا أَنْ تَبْطِئَهُ، فَبَطَّطْتُهُ فَمَاتَ. فَقَالَتِ الشَّيْعَةُ: شَرِكْتَ فِي دَمِ ابْنِكَ.

قَالَ: فَكَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

يَا أَحْمَدُ، لَيْسَ عَلَيْكَ فِيمَا فَعَلْتَ شَيْءٌ؛ إِنَّمَا التَّمَسْتَ الدَّوَاءَ وَ كَانَ أَجْلُهُ فِيمَا فَعَلْتَ. [۱۰۸]

۸ / ۲

اخْتِيَارُ الْجِنْسِ الْمُمَائِلِ لِلْفَحْصِ وَالْمُعَالَجَةِ

۴۸. الفضائل عن عمّار بن ياسر وزید بن أرقم عن الإمام علیّ علیه السلام فی خَبْرِ الْجَارِيَةِ الْعَاتِقِ الَّتِي اتَّهَمَهَا أَبُوهَا بِالْفُجُورِ فَقَالَ لَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولِينَ يَا جَارِيَةُ فِيمَا قَالَ أَبُوكَ؟
فَقَالَتْ: يَا مَوْلَايَ، أَمَا قَوْلُهُ: إِنِّي عَاتِقٌ فَقَدْ صَدَقَ، وَ أَمَا قَوْلُهُ: إِنِّي حَامِلٌ، فَوَحَقُّكَ يَا مَوْلَايَ مَا عَلِمْتُ مِنْ نَفْسِي خِيَانَةً قَطُّ...

وَ صَیَّعِدَ الْمَيْتَرَ وَقَالَ:.... عَلَيَّ بِقَابِلَةِ الْكُوفَةِ، فَجَاءَتْ امْرَأَةٌ يُقَالُ لَهَا: لُبْنَةُ؛ وَ هِيَ قَابِلَةٌ نِسَاءِ أَهْلِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لَهَا: اضْرِبِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَ النَّاسِ حِجَابًا، وَ أَنْظِرِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ أَعَاتِقٌ أَمْ حَامِلٌ؟
فَفَعَلَتْ مَا أَمَرَهَا بِهِ، ثُمَّ خَرَجَتْ وَقَالَتْ: نَعَمْ، يَا مَوْلَايَ هِيَ عَاتِقٌ حَامِلٌ...

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:.... يَا قَابِلَةُ، خُذِي هَذَا التَّلْجَ وَ اخْرُجِي بِالْجَارِيَةِ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ اُتْرِكِي تَحْتَهَا طَشْتًا، وَ ضَعِي هَذِهِ الْقِطْعَةَ مِمَّا يَلِي الْفَرْجَ، فَسَتْرِينَ عَاقَتَهُ وَ زُنْهَا سَبْعَةٌ وَ خَمْسُونَ دِرْهَمًا وَ دَانِقَانٍ... فَوَجَدْتَهَا كَمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۵

۴۶. طَبَّ الْأَثَمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از یونس بن یعقوب: از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدم که کسی دارویی می‌نوشد. شاید این دارو او را بکشد و شاید هم از آن به سلامت ماند، ولی بیشتر سالم می‌ماند. [حکم چیست؟]

امام علیه السلام فرمود: «خداوند، درد را فرو فرستاده و شفا را هم فرو فرستاده است. خداوند، هیچ دردی را نیافریده، مگر این که برایش درمانی نیز قرار داده است. آن را بنوش و نام خدای تعالی را بر زبان آور».

۴۷. الکافی به نقل از حمدان بن اسحاق: پسری داشتم که به سنگ مثانه (حصاء) [۱۱۰] مبتلا می‌شد. به من گفته شد: او را درمانی نیست، مگر این که وی را بیشتر زنی. او را بیشتر زدم و مُرد. شیعیان گفتند: در خون پسر شریک شده‌ای!

من [در این باره به ابو الحسن عسکری علیه السلام نامه نوشتم و ایشان، در پاسخ، چنین تویح فرمود: «ای احمد! در آنچه کرده‌ای، بر تو چیزی نیست. تو درصدد درمانش بوده‌ای و اجل وی نیز در آنچه تو کرده‌ای، بوده است».

۴۸. الفضائل به نقل از عمار بن یاسر و زید بن ارقم در ماجرای دوشیزه‌ای که پدرش او را به بدکارگی متهم کرده بود: امیر مؤمنان، از آن دختر پرسید: «ای دختر! درباره آنچه پدرت گفته است، چه می‌گویی؟». گفت: سرورم! این که گفته من دوشیزه‌ام، راست گفته است؛ اما اینکه گفته آبتنم، سرورم به حق تو سوگند، من هیچ خیانتی از خود، سراغ ندارم. پس امام علیه السلام بر منبر رفت و فرمود: «مامای کوفه را بیاورید!». پس زنی به نام «لُبْنَه» که مامای زنان کوفه بود، به حضور آمد. امام علیه السلام به او فرمود: «میان خود و مردم، پرده‌ای بیاویز و بنگر که آیا این دختر، دوشیزه است یا آبتن».

قابله، آنچه را امام علیه السلام فرموده بود، به انجام رساند. سپس [از پرده بیرون آمد و گفت: آری، سرورم! او هم دوشیزه و هم آبتن است.

فرمود: «ای قابله! این یخ را بگیر و آن دختر را بیرون مسجد ببر و او را در تشتی بنشان و این قطعه یخ را در جلو شرمگاه [او] بگذار. زالویی خواهی دید که ۲۵ درهم و دو دانگ وزن دارد [و از او بیرون می‌آید]». آن زن می‌گوید: من [این کار را کردم و] آن زالو را همان گونه که او فرموده بود، یافتم. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۶

۹ / ۲

جَوَازُ مُعَالَجَةِ الْجِنْسِ الْآخَرِ عِنْدَ الضَّرُورَةِ

۴۹. الإصابة عن قيس بن الربيع: نَزَلَ الشَّمْرَدَلُ بَيْنَ يَدَيْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بِأَبِي أَنْتَ وَآمِي، كُنْتُ كَاهِنَ قَوْمِي فِي الْجَاهِلِيَّةِ، وَإِنِّي كُنْتُ أَتَطَبَّبُ، فَمَا يَجِلُّ لِي؟ فَأَنَّنِي تَأْتِينِي الشَّابَّةُ. قَالَ: فَصَدُّ الْعَرِيقِ، وَتَحْسِيمُ الطَّعْنَةِ، إِنْ اضْطُرَّرْتَ. [۱۱۱]

۵۰. الإمام علي عليه السلام في المرأة يموت ولدها في بطنها فيتخوف عليها: لا بأس أن يدخل الرجل يده فيقطعها، إذا لم ترقق به النساء. [۱۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۷

۲ / ۹ جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت

۴۹. الإصابة به نقل از قیس بن ربیع: شَمْرَدَل در برابر پیامبر خدا زانو زد و گفت: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم به فدایت! من در روزگار جاهلیت، کاهن خاندان خود بودم و طبابت می‌کردم. آیا اکنون برایم حلال نیست، چرا که گاه زن جوانی بیماری به من مراجعه می‌کند؟

فرمود: «تنها در رگ زدن و داغ نهادن بر زخم، اگر که ناچار شدی».

۵۰. امام علی علیه السلام درباره زنی که فرزندش در شکمش می‌میرد و آن‌گاه، بیم جان خود او می‌رود: اشکال ندارد که مردی دست خویش را به درون [رحم

ببرد] [۱۱۳] و بچه را قطعه قطعه کند، البته اگر زنان را یارای این کار نباشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۸

۵۱. دعائم الإسلام: عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصَيِّبُهَا الْعِلَّةُ فِي جَسَدِهَا، أَيْصَلِحُ أَنْ يُعَالَجَهَا الرَّجُلُ؟

قال: إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ. [۱۱۴]

۵۲. الکافی عن اَبی حمزة الثمالی عن الإمام الباقر علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا، إِمَّا كَسْرًا، أَوْ جَرَّاحًا فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ، وَ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ، أَوْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهَا؟ قال: إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ، فَيُعَالِجُهَا إِنْ شَاءَتْ. [۱۱۵]

۱۰ / ۲

عَدَمَ جَوَازِ مُعَالَجَةِ الْجِنْسِ الْآخِرِ عِنْدَ عَدَمِ الضَّرُورَةِ

۵۳. مسائل علی بن جعفر عن الإمام کاظم علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَكُونُ بِهَا الْجُرْحُ فِي فِجْدِهَا، أَوْ بَطْنِهَا، أَوْ عَضْدِهَا، هَلْ يَصْلُحُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَيْهِ يُعَالِجُهَا؟ قال: لا. [۱۱۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۹

۵۱. دعائم الإسلام: از امام صادق علیه السلام روایت شده که از او در این باره پرسیدند که: اگر زنی به بیماری ای جسمی مبتلا شود، آیا درست است که مردی او را درمان کند؟ فرمود: «اگر چاره‌ای جز این نباشد، اشکالی ندارد».

۵۲. الکافی به نقل از ابو حمزه ثمالی: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: زن مسلمانی در جایی از بدنش که نگاه کردن به آن جایز نیست، عارضه‌ای، شکستگی یا زخمی، رخ می‌دهد و در این حال، مردان نیز در درمان وی از زنان توانمندترند. آیا برای مرد [در چنین حالتی جایز است به او بنگرد؟

فرمود: «اگر زن، ناچار شود و خودش نیز بخواهد، [جایز است مرد او را درمان کند».

۱۰ / ۲ عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار

۵۳. مسائل علی بن جعفر: از [برادرم امام کاظم علیه السلام درباره زنی پرسیدم که در ران یا شکم یا بازویش زخمی وجود دارد، آیا برای مرد، درست است در کار درمان این زخم، بدان بنگرد؟

فرمود: «نه». [۱۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۰

۵۴. قرب الإسناد عن علی بن جعفر عن الإمام کاظم علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ، لَهَا أَنْ يَحْجُمَهَا رَجُلٌ؟ قال: لا. [۱۱۸]

۱۱ / ۲

التداوی بالمحرمات

الکتاب:

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَ مَا أَهَلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». [۱۱۹]

«وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَضَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرَّرْتُمْ». [۱۲۰]

راجع: المائدة: ۳، الأنعام: ۱۴۵، النحل: ۱۱۵.

الحديث:

۵۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَدَاوَى بِحَرَامٍ، لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ فِيهِ شِفَاءً. [۱۲۱]

۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنِ الدَّوَاءِ الْخَبِيثَةِ [۱۲۲] أَنْ يُتَدَاوَى بِهِ. [۱۲۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۱

۵۴. قرب الإسناد به نقل از علی بن جعفر از [برادرش امام کاظم علیه السلام: از او در این باره پرسیدم که آیا زن، حق دارد برای حجامت، نزد مرد برود؟
فرمود: «نه».[۱۲۴]

۱۱ / ۲ درمان با آنچه حرام است

قرآن

«مردار، خون و آنچه به نام غیر خدا ذبح شده، بر شما حرام است. پس آن که بدون سرکشی و تجاوز، ناچار شود، بر او گناهی نیست. خداوند بخشایشگر مهربان است»
«چرا از آنچه بر آن، نام خدا بر زبان آورده شده نمی‌خورید، در حالی که آنچه را بر شما حرام کرده بجز آنچه بدان ناچار می‌شوید برایتان به تفصیل، بیان داشته است»
ر. ک: مائده، آیه ۳، انعام، آیه ۱۴۵؛ نحل، آیه ۱۱۵.

حدیث

۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به حرام درمان جوید، خداوند در آن شفایی قرار نمی‌دهد.

۵۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا از مداوا کردن با داروی ناپاک، نهی فرمود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۲

۵۷. مسند أبی یعلی عن امّ سلمة: اشتکت ابنة لی فتبذت لها فی کوز، فدخل النبی صلی الله علیه و آله و هو یغلی، فقال: ما هذا؟! فقلت: إن ابنتی اشتکت فتبذنا لها هذا.

فقال: إن الله عز و جل لم یجعل شفاءکم فی حرام! [۱۲۵]

۵۸. صحیح مسلم عن وائل الحضرمی: إن طارق بن سؤید الجعفی سأل النبی صلی الله علیه و آله عن الخمر، فنهاه أو کره أن یصنعها. فقال: إنما أصنعها للدواء.

فقال: إنه لیس بدواء و لکنه داء. [۱۲۶]

۵۹. الإمام الصادق علیه السلام: لیس فی حرام شفاء. [۱۲۷]

۶۰. عنه علیه السلام: إن الله عز و جل لم یجعل فی شیء مما حرّم شفاء ولا دواء. [۱۲۸]

۶۱. الکافی: عن قاتد بن طلحة أنه سأل أبا عبد الله علیه السلام عن النبیذ یجعل فی الدواء فقال: لا، لیس یتبغی لأحد أن یتشفی بالحرّم. [۱۲۹]

۶۲. الإمام الصادق علیه السلام لمن سأل عن دواء عجن بالخمیر: لا، والله ما احب أن أنظر إلیه، فكیف أتداوی به؟! إنه بمنزله شحم الخنزیر، أو لحم الخنزیر، و إن

اناساً لیتداوون به! [۱۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۳

۵۷. مسند أبی یعلی به نقل از ام سلمه: یکی از دخترانم بیمار شد و من برایش [شرابی در کوزه‌ای ریختم. در حالی که آن دارو

می‌جوئید، پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و پرسید: «این چیست؟».

گفتم: دخترم بیمار شده و برایش این دارو را گذاشته‌ام.

فرمود: «خداوند عز و جل، شفایان را در [چیز] حرام قرار نداده است.» [۱۳۱]

۵۸. صحیح مسلم به نقل از وائل خَضْرَمی: طارق بن سوید جعفی از پیامبر خدا درباره شراب پرسید. پیامبر صلی الله علیه و آله، او را

از این کار، نهی کرد، یا ساختن آن را ناخوشایند داشت. وی گفت: من آن را تنها به عنوان دارو می‌سازم.

فرمود: «این، دارو نیست؛ خود، بیماری است.».

۵۹. امام صادق علیه السلام: در هیچ حرامی، شفایی نیست.

۶۰. امام صادق علیه السلام: خداوند، در هیچ چیز از آنچه حرام کرده، نه شفایی قرار داده است و نه دواپی.

۶۱. الکافی: از قائد بن طلحه روایت شده است که از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیده که: آیا شراب خرما را در دارو قرار

دهند؟

فرمود: «نه. برای هیچ کس روا نیست به حرام، درمان بجوید.».

۶۲. امام صادق علیه السلام در پاسخ به کسی که درباره دارویی آمیخته شده به شراب پرسیده بود: نه. به خداوند سوگند، دوست

ندارم بدان بنگرم؛ چه رسد که با آن، درمان کنم. آن، به منزله پیه خوک یا گوشت خوک است. البته

مردمی با آن، دارو و درمان می‌کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۴

۶۳. مسائل علی بن جعفر عن الإمام الكاظم علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّوَاءِ هَلْ يَصْلُحُ بِالنَّبِيدِ؟

قال: لا. [۱۳۲]

۶۴. تفسیر العیاشی: عن سَيفِ بْنِ عُمَيْرَةَ، عَنِ شَيْخٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا عِنْدَهُ فَسَأَلَهُ شَيْخٌ فَقَالَ: بِي وَجَعٍ

وَأَنَا أَشْرَبُ لَهُ النَّبِيدَ، وَوَصَفَهُ لَهُ الشَّيْخُ.

فَقَالَ لَهُ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ مِنْهُ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ؟

قال: لا يُؤافِقُنِي.

قال له أبو عبد الله عليه السلام: فما يَمْنَعُكَ مِنَ الْعَسَلِ، قال الله: «فيه شفاء للناس»؟

قال: لا أَجِدُهُ. [۱۳۳]

قال: فما يَمْنَعُكَ مِنَ اللَّبَنِ الَّذِي نَبَتَ مِنْهُ لَحْمُكَ وَاشْتَدَّ عَظْمُكَ؟

قال: لا يُؤافِقُنِي.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتُرِيدُ أَنْ أَمْرَكَ بِشُرْبِ الْخَمْرِ؟ لا وَاللَّهِ، لا أَمْرَكَ. [۱۳۴]

۶۵. الکافی عن المفضل بن عمر: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ!

لِمَ حَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْخَمْرَ وَالْمَيْتَةَ وَالِدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى لَمْ يُحَرِّمْ ذَلِكَ عَلَى عِبَادِهِ، وَ أَحَلَّ لَهُمْ سِوَاهُ رَغِيَّةٍ مِنْهُ فِيمَا حَرَّمَ عَلَيْهِمْ، وَ لا زُهْدًا فِيمَا أَحَلَّ لَهُمْ، وَ لَكِنَّهُ

خَلَقَ الْخَلْقَ وَ عَلَّمَ عَزَّ وَ جَلَّ مَا تَقَوْمُ بِهِ أَبْدَانَهُمْ وَ مَا يُصْلِحُهُمْ، فَأَحَلَّهُ وَ أَباحَهُ تَفَضُّلاً مِنْهُ عَلَيْهِمْ بِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَصْلَحَتِهِمْ، وَ عَلَّمَ مَا

يَضُرُّهُمْ فَنهَاهُمْ عَنْهُ وَ حَرَّمَهُ عَلَيْهِمْ، ثُمَّ أَباحَهُ لِلْمُضْطَّرِّ وَ أَحَلَّهُ لَهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي لا يَقومُ يَدُّهُ إِلَّا بِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَنَالَ مِنْهُ بِقَدْرِ الْبَلْغَةِ لا

غَيْرِ ذَلِكَ. [۱۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۵

۶۳. مسائل علی بن جعفر: از [برادر امام کاظم علیه السلام درباره درمان پرسیدم که آیا با شراب خرما، درست است؟ فرمود: «نه».

۶۴. تفسیر العیاشی: از سیف بن عمیره، از پیری از شیعیان، از امام صادق علیه السلام روایت شده که روای گفته است نزد امام صادق علیه السلام بودیم که پیرمردی پرسید: دردی دارم و برای درمان آن، شراب خرما می نوشم. پیر، آن گاه، این شراب را برای ایشان، توصیف کرد.

امام به او فرمود: «چه چیز تو را از [نوشیدن آبی که خداوند از آن هر چیز زنده‌ای را آفریده است، باز می‌دارد؟». گفت: با مزاجم سازگار نمی‌افتد.

امام علیه السلام پرسید: «چه چیز تو را از [خوردن عسل، باز می‌دارد، در حالی که خداوند فرموده است: در آن برای مردم، شفای هست؟».

گفت: آن را نمی‌یابم.

فرمود: «پس چه چیز تو را از شیری که گوشت از آن رویده و استخوان از آن استواری یافته است، باز می‌دارد؟». گفت: با مزاجم سازگار نمی‌افتد.

امام صادق علیه السلام، در این هنگام به وی فرمود: «آیا می‌خواهی که تو را به شراب نوشیدن، امر کنم؟! نه. به خداوند سوگند، تو را به این کار، امر نمی‌کنم».

۶۵. الکافی به نقل از مفضل بن عمرو: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت

شوم! مرا آگاه ساز که چرا خداوند، شراب، مردار، خون و گوشت خوک را حرام ساخته است؟

فرمود: «خداوند سبحانه و تعالی نه از سرِ علاقه‌اش به آنچه بر مردم حرام کرده، و نه از سرِ بی‌رغبتی به آنچه بر آنان حلال ساخته، این چیزها را بر بندگان خویش حرام گردانده و جز آنها را حلال دانسته است؛ بلکه او آفریدگان را آفرید و به آنچه تن آنان، بدان برپاست و به کارشان می‌آید، آگاهی داشت و همین چیزها را از سرِ لطف و برای مصلحت بندگان خویش، بر آنان حلال و مباح کرد و [از سویی از آنچه هم به ایشان زیان می‌رساند، آگاه بوده و آنان را از آن کارها نهی فرمود و آنها را بر ایشان حرام گرداند. سپس همین محرمات را برای هر فرد، ناچار و به هنگامی که تن وی جز به آنها بر پا نمی‌شود، مباح و حلال قرارداد و البته او را بدین نیز امر فرمود که از آن، به قدر نیاز بردارد، نه بیش از آن».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۶

راجع: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۹ الی ۸۲، باب التداوی بالحرام. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۲۴ الی ص ۴۴۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۷

ر. ک: بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۹ الی ۸۲، باب التداوی بالحرام.

جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۴۲۴ الی ۴۴۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۸

الفصل الثالث: إرشادات طیبیه

۶۶. الخصال عن الأصْبَغِ بْنِ نُباتَةَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِإِبْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟ فَقَالَ: بَلَى، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

قال: لا- تجلس على الطعام إلا و أنت جائع، ولا- تقم عن الطعام إلا و أنت تشتهيهِ، و جود المَضْع، و إذا نمت فاعرض نفسك على الخلاء. فإذا استعملت هذا استغيت عن الطَّبِّ. [۱۳۶]

۶۷. الإمام علي عليه السلام: من أكل الطعام على النَّفَاءِ، و أجاد الطعام تمضغاً، و ترك الطعام و هو يشتهيهِ، و لم يحبس الغائط إذا أتى؛ لم يمرض إلا مَرَضَ المَوْتِ. [۱۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۸۹

فصل سوم: توصیه‌های پزشکی

۱/۳ آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند

۶۶. الخصال به نقل از اصبح بن نباته: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام فرمود: «پسرم! آیا تو را چهار نکته نیاموزم که به کمک آنها از طب، بی‌نیاز شوی؟».

گفت: چرا، ای امیر مؤمنان!

فرمود: «بر سفره نمی‌نشین، مگر آن هنگام که گرسنه‌ای؛ و از سفره بر نمی‌خیزی، مگر در آن حال که هنوز، میل خوردن داری؛ خوب بجو؛ و به گاه خفتن، خودت را بر خَلا [۱۳۸] عرضه کن. اگر این چهار نکته را به کار بستی، از طب، بی‌نیاز شوی».

۶۷. امام علی علیه السلام: هر کس در گرسنگی کامل، غذا بخورد، غذا را خوب بجود، در حالی که هنوز میل خوردن دارد، غذا را وا گذارد و چون احساس قضاى حاجت کرد، آن را محبوس ندارد، به هیچ بیماری‌ای جز بیماری مرگ، مبتلا نمی‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۰

۶۸. عنه عليه السلام و سُئِلَ فَقِيلَ: إِنَّ فِي الْقُرْآنِ كُلِّ عِلْمٍ إِلَّا الطَّبَّ؟ أَمَا إِنَّ فِي الْقُرْآنِ لَأَيَّةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: «وَكُلُّوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا». [۱۳۹]

۲/۳ دفعُ مُعالِجَةِ الْأَطْبَاءِ مَهْمَا أَمَكَنَّ

۶۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَجَنَّبِ الدَّوَاءَ مَا احْتَمَلَ بَدَنُكَ الدَّاءَ، فَإِذَا لَمْ يَحْتَمِلِ الدَّاءَ فَالدَّوَاءُ.

۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: [۱۴۰] مَنْ غَلَبَتْ صِحَّتُهُ مَرَضَهُ فَلَا يَتَدَاوَى. [۱۴۱]

۷۱. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَقَلَّ بِدَائِهِ فَلَا يَتَدَاوَى؛ فَإِنَّهُ رَبُّ دَوَاءِ يورثُ الدَّاءَ. [۱۴۲]

۷۲. الإمام علي عليه السلام في الحِكمِ المَنسُوبَةِ إِلَيْهِ: شَرِبُ الدَّوَاءِ لِلجَسَدِ كَالصَّابُونِ لِلثَّوْبِ؛ يُنْقِيهِ وَ لَكِنْ يُخْلِقُهُ. [۱۴۳]

۷۳. عنه عليه السلام: امشِ بِدَائِكَ مَا مَشَى بِكَ. [۱۴۴]

۷۴. عنه عليه السلام: لَا يَتَدَاوَى المُسْلِمُ؛ حَتَّى يَغْلِبَ مَرَضُهُ صِحَّتَهُ. [۱۴۵]

۷۵. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ تُعَقَّبُ مَكْرُوهًا...: وَ شَرِبُ الدَّوَاءِ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ وَ إِنْ سَلِمَ مِنْهُ. [۱۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۱

۶۸. امام علی علیه السلام در پاسخ به این پرسش که گفتند: [چرا] در قرآن، هر دانشی جز دانش طب هست؟: هان! در قرآن، آیه‌ای

است که همه طب را یکجا در خود گرد آورده است: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید».

۲/۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحد امکان

۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تا هنگامی که بدنت درد را تحمل می کند، از دارو پرهیز و آن گاه که درد را تحمل نکرد، پس دارو.

۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سلامت تنش بر بیماری اش چیرگی دارد، مداوا نکند.

۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس می تواند با بیماری خود، سر کند، از درمان پرهیزد؛ زیرا بسا دارویی که خود، بیماری بر جای می نهد.

۷۲. امام علی علیه السلام در حکمت های منسوب به ایشان: نوشیدن دارو برای بدن، به صابون برای جامه می ماند؛ آن را تمیز می کند، اما کهنه اش هم می کند.

۷۳. امام علی علیه السلام: با درد خویش، تا آن هنگام که با تو مدارا می کند، مدارا کن.

۷۴. امام علی علیه السلام: مسلمان به دارو توسل نمی جوید، مگر آن هنگام که بیماری اش بر تندرستی اش چیرگی یابد.

۷۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، ناخوشایندی در پی می آورد: ... و نوشیدن دارو بدون بیماری، هر چند شخص از آن دارو، جان به در برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۲

۷۶. عنه علیه السلام: مَنْ ظَهَرَ صِحَّتَهُ عَلَى سَقْمِهِ فَشَرِبَ الدَّوَاءَ؛ فَقَدْ أَعَانَ عَلَى نَفْسِهِ. [۱۴۷]

۷۷. عنه علیه السلام: مَنْ ظَهَرَ صِحَّتَهُ عَلَى سَقْمِهِ فَيَعَالِجُ بِشَيْءٍ فَمَاتَ، فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بَرِيءٌ. [۱۴۸]

۷۸. الإمام الكاظم عليه السلام: ادفعوا مُعَالَجَةَ الْأَطْبَاءِ مَا اندَفَعَ الدَّاءُ عَنْكُمْ؛ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الْبِنَاءِ قَلِيلُهُ يَجُزُّ إِلَى كَثِيرِهِ. [۱۴۹]

۳/۳

حِيلَةُ الصَّحَّةِ

۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ، وَ حِيلَةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعٌ خِصَالٌ: قَلَّةُ الْكَلَامِ، وَ قَلَّةُ الْمَنَامِ، وَ قَلَّةُ الْمَشْيِ، وَ قَلَّةُ الطَّعَامِ. [۱۵۰]

۸۰. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: رُوي: إِذَا جُعْتَ فَكُلْ، وَ إِذَا عَطِشْتَ فَاشْرَبْ، وَ إِذَا هَاجَ بِكَ الْبَوْلُ فَبَلِّ، وَ لَا تُجَامِعْ إِلَّا مِنْ حَاجَةٍ، وَ إِذَا نَعَسْتَ فَنَمْ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مَصَحَّةٌ لِلْبَدَنِ. [۱۵۱]

۸۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: صوموا تَصِحُّوا. [۱۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۳

۷۶. امام صادق علیه السلام: هر کس تندرستی اش بر بیماری اش چیرگی داشته باشد و دارو بنوشد، به زیان خویش، اقدام کرده است.

۷۷. امام صادق علیه السلام: هر کس تندرستی اش بر بیماری اش غلبه داشته باشد و خود را به چیزی درمانی کند و پس از آن بمیرد، من در پیشگاه خداوند، از او بیزاری می جویم.

۷۸. امام کاظم علیه السلام: تا زمانی که بیماری، به جد با شما درگیر نشده است، درگیر معالجه طیبیان نشوید، که درمان به مانند ساختمان است که مقدار کمی از آن، شخص را به مقدار فراوانش می کشاند.

۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کاری را چاره‌ای است و چاره تندرستی در دنیا، چهار چیز است: کم سخن گفتن، کم خفتن، کم راه رفتن و کم خوردن.

۸۰. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: روایت شده است: چون گرسنه شدی، بخور؛ چون تشنه شدی، بنوش؛ چون ادرار بر تو فشار آورد، ادرار کن؛ جز از سر نیاز، نزدیکی مکن؛ و چون احساس خواب آلودگی کردی، بخواب، که اینها مایه تندرستی بدن‌اند.

۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روزه بگیرد تا تندرست بماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۴

۸۲. عنه صلی الله علیه و آله: سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ تَسَلَّمُوا. [۱۵۳]

۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: سَافِرُوا تَصِحُّوا، وَ جَاهِدُوا تَغْنَمُوا، وَ حُجُّوا تَسْتَعْنُوا. [۱۵۴]

۸۴. الإمام علی علیه السلام: قِيَامُ اللَّيْلِ مَصْحَةُ الْبَدَنِ. [۱۵۵]

۸۵. الإمام زین العابدین علیه السلام: حُجُّوا وَ اعْتَمِرُوا تَصِحَّ أَبْدَانُكُمْ، وَ تَتَّسِعَ أَرْزَاقُكُمْ، وَ تُكْفُونَ [۱۵۶] مَوُونَاتِ عِيَالِكُمْ. [۱۵۷]

۴ / ۳

أسباب النَّصَارَةِ

۸۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثَةٌ يَفْرَحُ بِهِنَّ الْجِسْمُ وَ يَرَبُّو: الطَّيْبُ، وَ لِبَاسُ اللَّيْنِ [۱۵۸]، وَ شُرْبُ الْعَسَلِ. [۱۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۵

۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفر کنید تا تندرست و سالم بمانید.

۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سفر کنید تا تندرست بمانید، جهاد کنید تا غنیمت به چنگ آورید، و حج بگذارید تا بی نیاز شوید.

۸۴. امام علی علیه السلام: شب زنده‌داری، مایه تندرستی است.

۸۵. امام سجاد علیه السلام: حج و عمره بگذارید تا تندرست بمانید، روزی‌تان گشاده شود و خرجی خانواده‌تان تأمین گردد.

۴ / ۳ عوامل شادابی

۸۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز است که تن، به واسطه آنها شاداب می‌شود و رشد می‌کند: بوی خوش، جامه نرم و نوشیدن عسل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۶

۸۷. عنه صلی الله علیه و آله: الطَّيْبُ يَسُرُّ، وَ الْعَسَلُ يَسُرُّ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ يَسُرُّ، وَ الرُّكُوبُ يَسُرُّ. [۱۶۰]

۸۸. الإمام علی علیه السلام: الطَّيْبُ نُشْرَةٌ، وَ الْعَسَلُ نُشْرَةٌ، وَ الرُّكُوبُ نُشْرَةٌ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْخَضِرَةِ نُشْرَةٌ. [۱۶۱]

۸۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ كَانَ فِي سُورٍ؛ حَتَّى يُبَلِّغَهَا. [۱۶۲]

۹۰. الإمام الباقر علیه السلام: مَنْ لَبَسَ نَعْلًا صَفْرَاءَ لَمْ يَزَلْ يَنْظُرُ فِي سُورٍ مَا دَامَتْ عَلَيْهِ؛ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ

النَّاطِرِينَ» [۱۶۳]. [۱۶۴]

۹۱. الإمام الصادق علیه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسَمِّنَنَّ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلُنَّ: فَأَمَّا الَّتِي يُسَمِّنَنَّ: فَادِمَانُ الْحَمَامِ، وَ شَمُّ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ، وَ لِبَسُ الثِّيَابِ

اللَّيْنَةِ... [۱۶۵]

۹۲. الكافي عن أحمد بن محمد بن خالد عن بعض أصحابه رفعه، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: ثَلَاثٌ لَا يُؤْكَلْنَ وَ هُنَّ يُسَمِّنَنَّ، وَ

ثَلَاثٌ يُؤَكِّلَنَّ وَ هُنَّ يَهْزِلْنَ، وَ اثْنَانِ يَنْفَعَانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَنْفَعَانِ مِنْ شَيْءٍ؛ فَأَمَّا اللّٰوَاتِي لَا يُؤَكِّلَنَّ وَ يُسَمِّنَنَّ: اسْتِشْعَارُ الْكِتَّانِ، وَ الطَّيِّبُ، وَ النَّوْرَةُ، وَ أَمَّا اللّٰوَاتِي يُؤَكِّلَنَّ وَ يَهْزِلْنَ فَهَوَا: اللَّحْمُ الْيَابِسُ، وَ الْجُبْنُ، وَ الطَّلَعُ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ: الْجَرْزُ، وَ الْكُسْبُ وَ اللَّذَانِ يَنْفَعَانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَضُرَّانِ مِنْ شَيْءٍ: فَالْمَاءُ الْفَاتِرُ، وَ الرُّمَانُ، وَ اللَّذَانِ يَضُرَّانِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَنْفَعَانِ مِنْ شَيْءٍ: فَاللَّحْمُ الْيَابِسُ، وَ الْجُبْنُ [١٦٦].

قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! ثُمَّ قُلْتُ: يَهْزِلْنَ، وَ قُلْتُ هَاهُنَا: يَضُرَّانِ!

فَقَالَ: أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الْهُزَالَ مِنَ الْمَضْرَّةِ؟! [١٦٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٩٧

٨٧. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، شادی می آورد. عسل، شادی می آورد. نگریستن به سبزه، شادی می آورد. و سواری، شادی می آورد.

٨٨. امام علی علیه السلام: بوی خوش، یک تعویذ (نشاط و شادی) [١٦٨] است. عسل، یک تعویذ است. سواری، یک تعویذ است. نگریستن به سبزه، یک تعویذ است. [١٦٩]

٨٩. امام صادق علیه السلام: هر کس کفش زرد بپوشد، تا هنگامی که آن را کهنه کند، در شادمانی است.

٩٠. امام باقر علیه السلام: هر کس کفش زرد بپوشد، تا زمانی که آن کفش را داشته باشد، دل خوش دارد؛ چرا که خداوند می فرماید: «زردی پُرننگ، که دیدنش بینندگان را شاد می کند».

٩١. امام صادق علیه السلام: سه چیز چاق می کند و سه چیز دیگر، لاغر می کند: آنچه چاق می کند، عبارت است از: پیوسته حمام کردن، استشمام بوی خوش، پوشیدن جامه نرم.... [١٧٠]

٩٢. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن خالد، از یکی از یارانش: امام صادق علیه السلام فرمود: «سه چیز است که خوردنی نیست، ولی چاق می کند؛ سه چیز است که خوردنی است، ولی لاغر می کند؛ دو چیز است که برای هر چیزی سودمند است و

برای هیچ چیز، ضرر ندارد؛ و دو چیز است که از هر جهت، زیان دارد و برای هیچ چیز، فایده ای ندارد. اما آن سه چیز که خوراکی نیست و چاق می کند عبارت اند از: پوشیدن زیرپوش کتان، بوی خوش، و نوره کشیدن. آن سه چیز که خوردنی است و لاغر می کند، عبارت اند از: گوشت خشک شده، پنیر و خرماي تازه به بار نشسته (و در حدیثی دیگر آمده است: گوشت راسته شتر و لرد روغن). آن دو چیزی هم که برای هر چیزی سودمند است و برای هیچ چیز ضرر ندارد، عبارت اند از: آب نیم گرم و انار. و آن دو چیزی هم که برای هر چیز زیان دارند و برای هیچ چیز مفید نیستند، عبارت اند از: گوشت خشک شده و پنیر. [١٧١]

[راوی می گوید: گفتیم: فدایت شوم! آنجا گفتم لاغر می کنند و اینجا می گویی زیان می رسانند؟!

فرمود: «آیا نمی دانی که لاغری، خود از [مصادق های زیان دیدگی است؟!]. م. م. در مکارم الأخلاق، این دو منبع به جای «جرز» یعنی گوشت راسته شتر، کلمه «جوز» به معنای گردو و به جای، «الماء الفاتر»، یعنی آب ولرم، و از «السكر»، یعنی شکر آمده است

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٩٨

٩٣. الإمام الصادق علیه السلام: النَّشْرَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءَ: الْمَشْيُ، وَ الرُّكُوبُ، وَ الْارْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَ الْجِمَاعُ، وَ السَّوَاكُ، وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ فِي الْحَمَامِ وَ غَيْرِهِ، وَ مُحَادَثَةُ الرِّجَالِ. [١٧٢]

٩٤. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: أَرُوهُ أَنَّهُ لَوْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْبَيْدَانِ لَكَانَ الْعَمْرُ يَزِيدُ، وَ اللَّيْنُ مِنَ الثِّيَابِ، وَ كَذَلِكَ الطَّيِّبُ، وَ دُخُولُ الْحَمَامِ، وَ لَوْ عُمِرَ الْمَيِّتُ فَعَاشَ لَمَا أَنْكَرْتُ ذَلِكَ. [١٧٣]

٩٥. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُطْفِئَ الْمِرَّةَ الصَّفْرَاءَ؛ فَلْيَأْكُلْ كُلَّ بَارِدٍ لَيْنٍ [١٧٤]، وَ يُرْوِحَ يَدَيْهِ، وَ يُقَلِّلِ الْإِنْتِصَابَ [١٧٥]، وَ يُكْثِرِ النَّظَرَ إِلَى مَنْ يُحِبُّ. [١٧٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۹۹

۹۳. امام صادق علیه السلام: تعویذ (نشاط و شادی)، در ده چیز است: قدم زدن، سواری، در آب غوطه خوردن، به سبزه نگرستن، خوردن و آشامیدن، به زن خوش سیما نگاه کردن، آمیزش جنسی، مسواک زدن، سر را با خَطْمی در حَمَام و جز آن شستن، و با مردمان هم سخن شدن. [۱۷۷]

۹۴. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: روایت می‌کنم که اگر چیزی موجب افزایش [نیرو و نشاط] بدن باشد، ماساژ دادن بدن و لباس نرم، همچنین بوی خوش و استحمام، [جزیی از] آن است، و اگر [گزارش شود که مرده‌ای در اثر ماساژ دادن زنده شده است، من آن را انکار نمی‌کنم.

۹۵. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد مزاج صفاوی [۱۷۸] را فرو بنشانند، هر روز، چیزی تر

بخورد، بدن خویش را باد بزنند، کمتر حرکت کند، و به آن که وی را دوست دارد، فراوان بنگرد. [۱۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۰

۵ / ۳

أَسْبَابُ طَوْلِ الْعُمْرِ

۹۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَرْبَعَةٌ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ: التَّرْوِيحُ بِالْأَبْكَارِ [۱۸۰]، وَ الْاِغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ، وَ النَّوْمُ عَلَى الْيَسَارِ، وَ أَكْلُ التَّفَّاحِ بِالْأَسْحَارِ. [۱۸۱]

۹۷. عنه صلى الله عليه وآله: بَشْرُ الْمَحْرُورِينَ بِطَوْلِ الْعُمْرِ. [۱۸۲]

۹۸. كتاب من لا يحضره الفقيه عن رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْعِدَاءَ، وَ لِيَجُودِ الْحِدَاءَ، وَ لِيَخَفِّفِ الرِّدَاءَ، وَ لِيَقِلَّ مُجَامَعَةَ النِّسَاءِ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا خَفَّفَ الرِّدَاءَ؟

قَالَ: قَلَّةُ الدِّينِ. [۱۸۳]

۹۹. الإمام علي عليه السلام: مَنْ أَرَادَ الْبَقَاءَ وَلَا بَقَاءَ فَلْيَبَاكِرِ الْغِدَاءَ، وَ لِيُوَخِّرِ الْعِشَاءَ، وَ لِيَقِلَّ غِشْيَانَ النِّسَاءِ، وَ لِيَخَفِّفِ الرِّدَاءَ. [۱۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۱

۵ / ۳ عوامل طول عمر

۹۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چهار چیز، بر عمر می‌افزاید: ازدواج با دوشیزگان، غسل کردن با آب گرم، خفتن بر شانه چپ، و خوردن سیب در سحر گاهان.

۹۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گرم مزاجان را به درازی عمر، مژده ده. [۱۸۵]

۹۸. كتاب من لا يحضره الفقيه پیامبر خدا فرمود: «هر که جاودانگی را می‌خواهد و البته جاودانگی‌ای [برای غیر خدا] نیست باید که چاشت را زودتر بخورد، کفش خوب (و مناسب) بپوشد، [۱۸۶] ردای سُبُك برگیرد، و کمتر با زنان بیامیزد».

پرسیدند: ای پیامبر خدا! ردای سُبُك چیست؟

فرمود: «کم بودن بدهی».

۹۹. امام علی علیه السلام: هر که خواهان جاودانگی است و البته جاودانگی‌ای [برای غیر خدا] نیست زود صبحانه بخورد، دیرتر شام بخورد، [۱۸۷] با زنان کمتر درآمیزد، و ردای سُبُك برگیرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۲

۱۰۰. عنه عليه السلام: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ زِيَادَةٌ فِي الْعُمْرِ. [۱۸۸]

۱۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: اغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ يَزِيدُ فِي الْعُمْرِ. [۱۸۹]

۶/۳

ما يورث الشَّيبَ المُبَكَّرَ

۱۰۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَشْرَةُ أَشْيَاءَ تَوْرِثُ الشَّيْبَ: كَثْرَةُ مُعَانَقَةِ النِّسَاءِ، وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالطَّيْنِ، وَ طَوْلُ الْمُقَامِ عَلَى الْخَلَاءِ، وَ الْكَلَامُ عَلَى رَأْسِ الْحَدِيثِ، وَ كَثْرَةُ الطَّيْبِ، وَ شُرْبُ الْمَاءِ بِاللَّيْلِ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْفَرْجِ، وَ النَّوْمُ عَلَى الْوَجْهِ، وَ شُرْبُ الْمَاءِ مِنْ قِيَامٍ، وَ مَسْحُ الْوَجْهِ بِالْكَؤْمِينِ. [۱۹۰]

۱۰۳. عنه صلى الله عليه و آله: لَا تَدْعُوا الْعِشَاءَ وَ لَوْ عَلَى حَشْفَةٍ، إِنِّي أَخْشَى عَلَى أُمَّتِي مِنْ تَرْكِ الْعِشَاءِ الْهَرَمَ؛ فَإِنَّ الْعِشَاءَ قُوَّةُ الشَّيْخِ وَ الشَّابِّ. [۱۹۱]

۱۰۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعَةٌ تُهْرِمُ قَبْلَ أَوَانِ الْهَرَمِ: أَكْلُ الْقَدِيدِ، وَ الْقُعُودُ عَلَى النَّدَاوَةِ، وَ الصُّعُودُ فِي الدَّرَجِ، وَ مُجَامَعَةُ الْعَجُوزِ. [۱۹۲]

راجع: ج ۱ ص ۱۰۴ (الحزن و المرض). [۱۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۱۰۲

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۳

۱۰۰. امام علی علیه السلام: شستن دست‌ها پیش و پس از غذا خوردن، [موجب فزونی عمر است.

۱۰۱. امام صادق علیه السلام: دست‌هایتان را پیش و پس از غذا خوردن بشوید، که فقر را می‌برد و بر عمر می‌افزاید. [۱۹۴]

۶/۳ آنچه موجب پیری زود رس می‌شود

۱۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ده چیز پیری به بار می‌آورد: فراوانی آمیزش [جنسی با زنان، شستن سر با گل، توقف زیاد در آبریزگاه، سخن گفتن به گاه قضای حاجت، فراوانی [استعمال بوی خوش، نوشیدن آب به هنگام شب، نگرستن به شرمگاه زن، به رو خفتن، شبانه ایستاده آب نوشیدن، و آستین را به صورت مالیدن.

۱۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه خرماي خشکیده‌ای باشد. من بر امت خویش از این بیم دارم که از وا گذاردن شام پیری و درهم شکستگی به سراغشان آید؛ چرا که شام، مایه نیرومندی پیر و جوان است.

۱۰۴. امام صادق علیه السلام: چهار چیز [انسان را] پیش از فرارسیدن هنگام پیری پیر می‌کند: خوردن گوشت خشک شده، نشستن بر جای مرطوب، بالا رفتن بر پلکان، و آمیزش با پیر زنان.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۱۰۵ (اندوه و بیماری)

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۴

۷/۳

ما يَهْدِمُ الْبَدَنَ

۱۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا قَتَلَنَّ: دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَ الْغِشْيَانُ عَلَى الْاِمْتِلَاءِ، وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۱۹۵]

۱۰۶. عنه عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمَنَّ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا قَتَلَنَّ: أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَابِّ، وَ دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبِطْنَةِ، وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ. [۱۹۶]

۱۰۷. عنه عليه السلام: شَيْئَانِ صَالِحَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفَ وَاحِدٍ قَطَّ فَاسِدًا إِلَّا أَصْلَحَاهُ، وَ شَيْئَانِ فَاسِدَانِ لَمْ يَدْخُلَا جَوْفًا قَطَّ صَالِحًا إِلَّا أَفْسَدَاهُ؛ فَالْصَّالِحَانِ: الرُّمَانُ، وَ المَاءُ الفَاتِرُ، وَ الفَاسِدَانِ: الجُبْنُ [۱۹۷]، وَ القَدِيدُ. [۱۹۸]
 راجع: العنوان الآتی (الحزن و المرض). و أيضا: أسباب النضارة ح ۹۲.

۸ / ۳

الْحُزْنُ وَ المَرَضُ

الکتاب:

«وَ تَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ». [۱۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۵

۷ / ۳ آنچه بدن را فرسوده می کند

۱۰۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می کند و شاید هم [فرد را] بکشد: حمام رفتن با شکم پُر، آمیزش کردن با شکم پُر [۲۰۰] و همبستری با پیرزنان.

۱۰۶. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می کند و شاید هم [فرد را] بکشد: خوردن گوشت خشکیده فاسد، حمام رفتن با شکم پُر، و همبستری با پیرزنان.

۱۰۷. امام صادق علیه السلام: دو چیز مناسب اند که به هیچ درونِ نادرستی درنیابند، مگر این که آن را به درستی آورند، و دو چیز نامناسب اند که به هیچ درونِ سالمی درنیابند، مگر این که آن را نادرست [و ناسالم] کنند. آن دو چیز مناسب، عبارت اند از: انار و آب نیم گرم؛ و آن دو چیز نامناسب نیز عبارت اند از: پنیر و گوشت خشک شده.
 همچنین، ر. ک: مبحث بعد (اندوه و بیماری) و ج ۱ ص ۹۷ (عوامل شادابی، ح ۹۲).

۸ / ۳ اندوه و بیماری

قرآن

«به آنان پشت کرد و گفت: «آه و اندوه بر یوسف». و چشمانش از اندوه، سفید شده بود، در حالی که اندوه خود را فرو می خورد»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۶

الحديث:

۱۰۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ كَثُرَ هَمُّهُ، سَقِمَ بَدَنُهُ. [۲۰۱]

۱۰۹. عنه صلى الله عليه و آله: الهمُّ نِصْفُ الهَرَمِ. [۲۰۲]

۱۱۰. الإمام علي عليه السلام: الهمُّ أَحَدُ الهَرَمَيْنِ. [۲۰۳]

۱۱۱. عنه عليه السلام: الهمُّ يُذِيبُ الجَسَدَ. [۲۰۴]

۱۱۲. عنه عليه السلام: الهمُّ يُنْجِلُ البَدْنَ. [۲۰۵]

۱۱۳. عنه عليه السلام: الحُزْنُ يَهْدِمُ الجَسَدَ. [۲۰۶]

۹ / ۳

تَوَقَّى البَرْدَ وَ تَلَقَّيْهِ

۱۱۴. الإمام علي عليه السلام: تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ، وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفِعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ؛ أَوَّلُهُ يُحْرِقُ، وَ آخِرُهُ يُورِقُ. [۲۰۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۷

حدیث

۱۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس اندوه (و دغدغه‌اش) فراوان شود، بدنش بیمار گردد.

۱۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اندوه (و دغدغه)، نیمی از پیری است.

۱۱۰. امام علی علیه السلام: اندوه، یکی از دو پیری است.

۱۱۱. امام علی علیه السلام: اندوه، تن را ذوب می‌کند. [۲۰۸]

۱۱۲. امام علی علیه السلام: اندوه، تن را نحیف می‌کند.

۱۱۳. امام علی علیه السلام: اندوه، بدن را فرسوده می‌کند.

۹/۳ پرهیز از سرما، و استقبال از آن

۱۱۴. امام علی علیه السلام: از سرما در آغازش پرهیزید و در پایانش استقبال کنید؛ چه، سرما با بدن، همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند: در آغازش می‌سوزاند و در پایانش شاخ و برگ می‌رویاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۸

۱۱۵. الدعوات عن زر بن حبیش: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَرْبَعُ كَلِمَاتٍ فِي الطَّبِّ لَوْ قَالَهَا بَقْرَاطُ أَوْ جَالِينُوسُ لَقَدَّمَ أَمَامَهَا مِئَةً وَرَقَةً، ثُمَّ زَيَّنَهَا بِهَذِهِ الْكَلِمَاتِ، وَ هِيَ قَوْلُهُ:

تَوَقَّوْا الْبَرْدَ فِي أَوَّلِهِ، وَ تَلَقَّوْهُ فِي آخِرِهِ، فَإِنَّهُ يَفْعَلُ فِي الْأَبْدَانِ كَفِعْلِهِ فِي الْأَشْجَارِ، أَوَّلُهُ يُحْرِقُ، وَ آخِرُهُ يُورِقُ. [۲۰۹]

۱۰/۳

خَوَاصُّ الطَّيِّبِ

۱۱۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: الطَّيِّبُ يُشَدُّ الْقَلْبَ. [۲۱۰]

۱۱۷. عنه صلی الله علیه و آله: مَا طَابَتْ رَائِحَةُ عَبْدٍ إِلَّا زَادَ عَقْلَهُ. [۲۱۱]

۱۱۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ؛ تَشَدُّ الْقَلْبَ، وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۲۱۲]

۱۱۹. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ أَكَلَ قَبْلَ أَنْ يَشْرَبَ وَ تَسَحَّرَ، وَ مَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ؛ قَوِيَ عَلَى الصِّيَامِ. [۲۱۳]

۱۲۰. الإمام الصادق علیه السلام: الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ؛ تَشَدُّ الْعَقْلَ، وَ تَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۲۱۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۰۹

۱۱۵. الدعوات به نقل از زر بن حبیش: امیر مؤمنان، چهار جمله در طب فرموده که اگر بقراط یا جالینوس آنها را گفته بودند، صد ورق، مقابلشان نهاده می‌شد و آنها را بدین سخنان، می‌آراستند. آن سخنان، این است که فرمود:

«از سرما در آغازش پرهیزید و در پایانش استقبال کنید؛ چه، سرما با بدن، همان کاری را می‌کند که با درختان می‌کند: در آغازش می‌سوزاند و پایانش شاخ و برگ می‌رویاند.»

۱۰/۳ خاصیت‌های بوی خوش

۱۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را تقویت می کند.

۱۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای خوش بو نباشد، مگر آن که عقلش افزون گردد.

۱۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را محکم می کند و بر [توان آمیزش می افزاید]. [۲۱۵]

۱۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس پیش از نوشیدن چیزی، غذا بخورد و سِحری میل کند و قدری بوی خوش [بر خود] بمالد، بر روزه گرفتن، توان بیشتری یابد.

۱۲۰. امام صادق علیه السلام: بوی خوش، عقل را استوار می کند و بر توان جنسی می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۰

۱۲۱. عنه علیه السلام: مَنْ تَطَيَّبَ أَوَّلَ النَّهَارِ؛ لَمْ يَزَلْ عَقْلُهُ مَعَهُ إِلَى اللَّيْلِ. [۲۱۶]

۱۲۲. عنه علیه السلام: مَنْ تَطَيَّبَ بِطِيبٍ أَوَّلَ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ؛ لَمْ يَفْقِدْ عَقْلَهُ. [۲۱۷]

۱۲۳. الإمام الرضا علیه السلام: ... وَ لَيْسَ مِنَ النَّرَجِسِ؛ فَإِنَّهُ يَأْمَنُ الزُّكَّامَ [۲۱۸]، وَ كَذَلِكَ الْحَبَّةُ السَّوْدَاءُ. [۲۱۹]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۲ ما یورث الشیب المبکر، ح ۱۰۲. ص ۲۷۰ (ما یمنع من الجنون/ النرجس).

۱۱/۳

النَّظَافَةُ وَ الصُّحَّةُ

۱۱۱/۳

عَسَلُ التَّوْبِ

۱۲۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ اتَّخَذَ تَوْبًا، فَلْيَنْظِفْهُ. [۲۲۰]

۱۲۵. الإمام علی علیه السلام: مَنْ نَظَّفَ تَوْبَهُ، قَلَّ هَمُّهُ. [۲۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۱

۱۲۱. امام صادق علیه السلام: هر کس در آغاز روز، بوی خوش استعمال کند، تا شب، عقلش او را همراهی می کند.

۱۲۲. امام صادق علیه السلام: هر کس در حالی که روزه است، در آغاز روزه، خوش بو کننده‌ای به کار ببرد، عقل خویش را از کف ندهد.

۱۲۳. امام رضا علیه السلام: ... گل نرگس بویید؛ زیرا از زکام، ایمنی می بخشد. [۲۲۲] همچنین است سیاه دانه.

ر. ک: ج ۱ ص ۱۰۳، ح ۱۰۲ (آنچه موجب پیری زود رس می شود). ج ۱، ص ۲۷۱ (آنچه مانع دیوانگی می شود، بوییدن نرگس).

۱۱/۳ پاکیزگی و بهداشت

۱۱۱/۳ شستن جامه

۱۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جامه‌ای بر می گیرد، باید آن را تمیز کند.

۱۲۵. امام علی علیه السلام: هر کس جامه خویش را تمیز کند، اندیشه و اندوهش کم شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۲

۱۲۶. عنه علیه السلام: النَّظِيفُ مِنَ الثِّيَابِ؛ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَ هُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ. [۲۲۳]

۱۲۷. عنه علیه السلام: عَسَلُ الثِّيَابِ؛ يُذْهِبُ الْهَمَّ وَالْحُزْنَ، وَ هُوَ طَهْوَرٌ لِلصَّلَاةِ. [۲۲۴]

۲۱۱/۳

عَسَلُ الْمِنْدِيلِ

۱۲۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تُؤوُوا مِنْدِيلَ الْعَمْرِ فِي الْبَيْتِ؛ فَإِنَّهُ مَرِيضٌ لِلشَّيَاطِينِ. [۲۲۵]

۳ / ۱۱

تَغْطِيَةُ الْإِنَاءِ

۱۲۹. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْجِبُهُ الْإِنَاءُ الْمَطْبُوقُ. [۲۲۶]

۱۳۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: غَلَّقُوا أَبْوَابَكُمْ، وَ أَوْكِنُوا أَسْقِيَتَكُمْ، وَ خَمَّرُوا آيَتَكُمْ. [۲۲۷]

۱۳۱. عنه صلى الله عليه وآله: أَجِفُوا أَبْوَابَكُمْ، وَ أَكْفُوا آيَتَكُمْ، وَ أَوْكِنُوا أَسْقِيَتَكُمْ، وَ أَطْفِنُوا

سُرُجَكُمْ؛ فَإِنَّهُ لَمْ يُؤْذَنَ لَهُمْ بِالتَّسْوِيرِ عَلَيْكُمْ. [۲۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۳

۱۲۶. امام علی علیه السلام: جامه تمیز، اندوه و غم را می برد و مایه طهارت برای نماز است.

۱۲۷. امام علی علیه السلام: شستن جامه، اندوه و غم را می برد و مایه طهارت برای نماز است.

۲ / ۱۱ شستن دستمال

۱۲۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: دستمال آلوده به چربی و بوی گوشت را در خانه مگذارید، که آن، خفتنگاه شیطان هاست.

۳ / ۱۱ پوشاندن روی ظرف

۱۲۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله، ظرف سرپوش دار را می پسندید. [۲۲۹]

۱۳۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر درهایتان قفل بزنید، دهانه مشک هایتان را ببندید و بر ظرف هایتان درپوش بگذارید.

۱۳۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در [خانه هایتان را ببندید، ظرف هایتان را وارونه بگذارید، دهانه مشک هایتان را ببندید، و

چراغ هایتان را خاموش کنید؛ چه، به آنان

(شیاطین) اجازه داده نشده است بر دیوار خانه های در بسته شما بالا روند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۴

۱۳۲. مسند ابن حنبل عن أبي هريرة: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِتَغْطِيَةِ الْوُضُوءِ، وَ إِيْكَاءِ السَّقَاءِ، وَ إِكْفَاءِ الْإِنَاءِ. [۲۳۰]

۱۳۳. سنن الترمذی عن جابر الأنصاری عن رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْلَقُوا الْبَابَ وَ أَوْكِنُوا السَّقَاءَ، وَ أَكْفُوا الْإِنَاءَ أَوْ خَمَّرُوا

الْإِنَاءَ وَ أَطْفِنُوا الْمِصْبَاحَ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ غَلَقًا، وَ لَا يَجْلُ وَ كَاءً، وَ لَا يَكْشِفُ آيَتَهُ، وَ إِنَّ الْفُؤَيْسِقَةَ تُضْرِمُ عَلَى النَّاسِ بَيْتَهُمْ. [۲۳۱]

۴ / ۱۱

عَسَلُ الرَّأْسِ بِالسِّدْرِ

۱۳۴. الإمام علی علیه السلام: لَمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِإِظْهَارِ الْإِسْلَامِ وَ ظَهَرَ الْوَحْيُ، رَأَى قَلْبَهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَ

كَثْرَةَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، فَاهْتَمَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمًّا شَدِيدًا، فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسِدْرٍ مِنْ سِدْرَةِ

الْمُنْتَهَى، فَغَسَلَ بِهِ رَأْسَهُ؛ فَجَلَا بِهِ هَمُّهُ. [۲۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۵

۱۳۲. مسند ابن حنبل به نقل از ابو هریره: پیامبر خدا به ما فرمود که آب وضو را بپوشانیم، دهانه مشک را ببندیم و ظرف را وارونه

بگذاریم. [۲۳۳]

۱۳۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در [خانه هایتان را ببندید، دهانه مشک را ببندید، ظرف را وارونه بگذارید (یا درپوش

بگذارید) و چراغ را خاموش کنید؛ زیرا شیطان، در بسته‌ای را باز نمی‌کند، سر بسته مشکمی را نمی‌گشاید، در ظرفی را بر نمی‌دارد، و موش، خانه مردم را بر سرشان آتش می‌زند.

۴۱۱/۳ شستن سر با سدر

۱۳۴. امام علی علیه السلام: هنگامی که خداوند، پیامبر خویش را به آشکار ساختن اسلام فرمان داد و وحی هویدا شد، کم بودن شمار مسلمانان و فراوان بودن شمار کافران را دید. پس پیامبر خدا به سختی اندوهگین شد. در این هنگام، خداوند، جبرئیل را با قدری سدر از سدره المنتهی فرستاد. وی، سرش را با آن شست و بدین وسیله، اندوهش برطرف شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۶

۱۳۵. کتاب من لا- یحضره الفقیه: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اغْتَمَّ، فَأَمَرَهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالسَّدْرِ، وَكَانَ ذَلِكَ سِدْرًا مِنْ سِدْرَةِ الْمُنتَهَى. [۲۳۴]

۵۱۱/۳

أَخَذَ الشَّارِبِ

۱۳۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَأَظْفَارِهِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، أَدَخَلَ اللَّهُ فِيهِ شِفَاءً، وَ أَخْرَجَ مِنْهُ دَاءً. [۲۳۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۴۰ (الشعر/ أخذ الشارب).

۶۱۱/۳

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ

۱۳۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ؛ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَ يُدْرُ الرِّزْقَ. [۲۳۶]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۰ (الظفر/ تقليم الأظفار).

۱۲/۳

الْحِذَاءُ وَ الصَّحَّةُ

۱۳۸. الإمام الحسين عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بُنَيَّ... وَ اسْتَجِدِ النَّعَالَ؛ فَإِنَّهَا خَلَاخِيلُ الرَّجَالِ. [۲۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۷

۱۳۵. کتاب من لا یحضره الفقیه: پیامبر خدا، اندوهگین شد. پس جبرئیل به او توصیه کرد سر خویش را با سدر بشوید. آن سدر، از سدره المنتهی بود.

۵۱۱/۳ گرفتن سیبیل

۱۳۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس در هر جمعه، قدری از سیبیل و ناخن‌های خود را بگیرد، خداوند به [بدن او شفایی نهد و دردی از او برون برد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۴۱ (مو/ گرفتن سیبیل).

۶۱۱/۳ کوتاه کردن ناخن‌ها

۱۳۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: کوتاه کردن ناخن‌ها، مانع [بروز] درد بزرگ می‌شود و روزی را سرشار می‌سازد.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۱ (ناخن / کوتاه کردن ناخن).

۱۲ / ۳ نقش کفش در سلامت

۱۳۸. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم!... کفش خوب به پا کن که کفش، خلخال (زینت پای) مردان است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۸

۱۳۹. الإمام علی علیه السلام: استِجَادَةُ الْحِذَاءِ؛ وَ قَايَةُ لِلْبَدَنِ، وَ عَوْنٌ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الطَّهْوَرِ. [۲۳۸]

۱۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِدْمَانُ الْخُفِّ؛ يَقِي مَيْتَةَ السَّوَاءِ. [۲۳۹]

۱۴۱. عنه علیه السلام وَ قَدْ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ وَ عَلَيْهِ نَعْلٌ سَوْدَاءٌ فَقَالَ: مَا لَكَ وَ لِلنَّعْلِ السَّوْدَاءِ؟! أَمَا عَلِمْتَ؛ أَنَّهَا تَصُرُّ بِالْبَصِيرِ، وَ تُرْخِي الذَّكْرَ، وَ هِيَ بِأَعْلَى الثَّمَنِ مِنْ غَيْرِهَا، وَ مَا لَيْسَهَا أَحَدٌ إِلَّا اخْتَالَ فِيهَا؟ [۲۴۰]

راجع: ج ۱، ص ۹۶، أسباب النضارة، ح ۸۹ و ۹۰. ج ۱، ص ۱۰۰، أسباب طول العمر ح ۹۸. ج ۱، ص ۳۰۸ (ما یجلو البصر و یزید فیہ / لبس الخف). ج ۱، ص ۳۴۴ (ما ینفع لعلاج السل). ج ۱، ص ۶۴۶ (ما یضعف عن الجماع / النعل السوداء). ج ۲، ص ۷۲ (آداب أكل الطعام / خلع النعال).

۱۳ / ۳

النَّهْيُ عَنِ الاسْتِشْفَاءِ بِالْعِيُونِ الْحَارَّةِ وَ الْمِيَاهِ الْمُرَّةِ

۱۴۲. الإمام الصادق علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنِ الاسْتِشْفَاءِ بِالْحَمَاتِ [۲۴۱]؛ وَ هِيَ الْعِيُونُ

الْحَارَّةُ الَّتِي تَكُونُ فِي الْجِبَالِ الَّتِي تَوْجَدُ فِيهَا رَائِحَةُ الْكِبْرِيَّتِ. [۲۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۱۹

۱۳۹. امام علی علیه السلام: کفش خوب به پا کردن، مایه نگهداری بدن است و یاری دهنده‌ای است بر نماز و طهارت.

۱۴۰. امام صادق علیه السلام: عادت به پوشیدن کفش، از مرگ‌های بد، جلوگیری می‌کند.

۱۴۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که به یکی از اصحاب خود نگریست که کفش سیاه داشت: تو را کفش مشک‌مانند به چه کار؟! آیا نمی‌دانی که این کفش به چشم زیان می‌رساند، آلت مردانگی را سست می‌کند، از دیگر انواع، گران‌تر است و هیچ کس آن را نمی‌پوشد، مگر این که با آن، احساس [۲۴۳] نخوت می‌کند؟!]

ر. ک: ج ۱، ص ۹۷ عوامل شادابی، ح ۸۹ و ۹۰، ج ۱، ص ۱۰۱ عوامل طول عمر ح ۹۸، ج ۱، ص ۳۰۹ (آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند / پوشیدن کفش). ج ۱، ص ۳۴۵ (آنچه برای درمان سل، سودمند است). ج ۱، ص ۶۴۷ (آنچه از توان جنسی می‌کاهد / کفش مشک‌مانند). ج ۲، ص ۷۵ (آداب غذا خوردن / در آوردن کفش).

۱۳ / ۳ نهی از درمان با چشمه‌های آب گرم و آب‌های تلخ

۱۴۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از درمان با چشمه‌های آب گرم، نهی فرموده است، و آنها، چشمه‌هایی از آب گرم در کوهستان‌هاست که بوی گوگرد دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۰

۱۴۳. عنه علیه السلام: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرَهُ أَنْ يَتَدَاوَى بِالْمَاءِ الْمُرِّ، وَ بِمَاءِ الْكِبْرِيَّتِ، وَ كَانَ يَقُولُ: إِنَّ نَوْحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا كَانَ الطَّوْفَانَ دَعَا الْمِيَاءَ فَأَجَابَتْهُ كُلُّهَا إِلَّا الْمَاءَ الْمُرَّ، وَ مَاءَ الْكِبْرِيَّتِ، فَدَعَا عَلَيْهِمَا وَ لَعَنَهُمَا. [۲۴۴]

راجع: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۹ باب النهي عن الاستشفاء بالمياه الحارة الكبريتية و المرّة و أشباههما.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۱

۱۴۳. امام صادق علیه السلام: پدرم خوش نداشت به آب تلخ و آب گوگرددار، درمان کند. او می فرمود: «نوح، آن هنگام که توفان به پا شده بود، آبها را فرا خواند و همه آنها به او پاسخ دادند، مگر آبهای تلخ و آبهای گوگرددار. پس، این آبها را نفرین کرد».

ر. ک: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۷۹ (باب النهی عن الاستشفاء بالمیاء الحارّة الکبریّتیّه و المرّة و أشباههما).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۳

بخش دوم: بیماری

اشاره

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۵

درآمد

در روایات اسلامی، بیماری به عنوان زندان بدن و یکی از سخت ترین بلاها تعریف شده است. از دیگر سو، همه مردم در طول زندگی خویش، کم و بیش گرفتار این زندان می شوند و طعم تلخِ بلای بیماری را می چشند. از همین جاست که پژوهشگر با پرسش هایی از این دست، رویارو می شود:

حکمت موجود در قرار دادن زندانی به نام «بیماری» در نظام هستی چیست؟

آیا بهتر نیست که خداوند، انسان را به گونه ای بیافریند که در طول زندگی به بلای بیماری گرفتار نشود؟

اصولاً چرا انسان، بیمار می شود؟ آیا می توان کاری کرد که انسان، هیچ گاه به زندان بیماری گرفتار نیاید؟

پاسخ این پرسش ها را با نگاهی به علت بیماری انسان، آغاز می کنیم: چرا انسان بیمار می شود؟

پاسخ دانش پزشکی به این پرسش، بیان عوامل مادی انواع بیماری هاست، بدین معنا که علت یک بیماری ممکن است وراثت، یا انتقال میکروب، یا تغذیه بد، یا عوامل دیگر از این دست باشد. اما مسئله اصلی این است: آیا آنچه در جهان طب، عوامل بیماری شناخته می شوند، علل تامه اند یا آن که ممکن است

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۶

عوامل ناشناخته دیگری نیز در کنار این عوامل وجود داشته باشند؟

بی گمان، عقل انسان نمی تواند احتمال وجود عوامل ناشناخته بیماری را انکار کند، هر چند اثبات این عوامل هم نیازمند دلیل است.

روایات اسلامی، ضمن تأیید علل مادی بیماری ها و تأکید بر این که برخی بخشی از بیماری ها می توان از طریق مبارزه با علل آنها،

پیشگیری کرد، در کنار علل مادی، علل ناشناخته ای را برای بیماری ها اثبات می کنند. این علل، در واقع، حکمت بیماری ها در نظام

آفرینش است. [۲۴۵]

حکمت بیماری

تردیدی وجود ندارد که در نظام هستی، هیچ پدیده‌ای بی حکمت نیست، هر چند این حکمت، بر ما پوشیده مانده باشد. امام صادق علیه السلام، درباره حکمت بیماری فرموده است:

بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری‌ای که علت مرگ قرارداد شده است. [۲۴۶]
 امام صادق علیه السلام، در این سخن، سه حکمت برای بیماری ذکر کرده و این هر سه، بر دانش طب، ناشناخته است. در سطوری که پیش رو دارید، مختصراً به حکمت نهفته در بیماری‌ها از دیدگاه روایات، پرداخته شده است: دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۷

۱. تربیت

مهم‌ترین حکمت بیماری، نقش سازنده تربیتی آن در زندگی انسان است. از پیامبر خدا روایت شده که در این زمینه فرمود: بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را ادب می‌کند. [۲۴۷]
 آنچه در سخن امام صادق علیه السلام در تبیین گونه نخست از گونه‌های بیماری آمده، یعنی «بیماری آزمون» و این خود، اشاره‌ای به همین حکمت است؛ زیرا کلمه «بلوی» در متن عربی روایت، به معنای آزمایش است و از سوی دیگر، فلسفه همه امتحان‌های الهی نیز تربیت انسان و رشد و شکوفایی استعدادهای نهفته در درون اوست.
 البته، نه فقط حکمت بیماری‌ها تحقق امتحان الهی است؛ بلکه فلسفه تندرستی و سلامت نیز همین است. به دیگر سخن، هر یک از دو حالت تندرستی و ناتن‌درستی، آثار تربیتی مثبتی دارند و برای تکامل انسان نیز ضروری‌اند. در این موضوع، حکایت جالبی از امام صادق علیه السلام نقل شده که امیر مؤمنان به بیماری‌ای گرفتار شد. جمعی ایشان را عیادت کردند و از حال وی پرسیدند و گفتند: ای امیر مؤمنان، به چه حالتی شب را به روز درآوردی؟ امام علیه السلام، بر خلاف عادت متعارف فرمود:
 أَصْبَحْتُ بِشَرٍّ.
 با بدی شب را به صبح آورده‌ام.

آنان از این سخن، شگفت‌زده شدند و گفتند: سبحان الله! آیا این، سخن چون تویی است؟
 امام علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: خداوند متعال می‌فرماید: «وَنَبَلُّوْكُمْ بِالشَّرِّ»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۸

وَ الْخَيْرِ فِتْنَةً وَ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» [۲۴۸] فَالْخَيْرُ: الصَّحَّةُ وَ الْغِنَى، وَ الشَّرُّ: الْمَرَضُ وَ الْفَقْرُ، ابْتِلَاءٌ وَ اخْتِبَارًا. یعنی در این سخن خداوند، خیر، همان تندرستی و بی‌نیازی، و شر نیز همان بیماری و فقر است که آزمون و امتحان هستند. [۲۴۹]

۱ / ۱ پاکسازی جان: در مورد خطاکاران، نقش تربیتی بیماری در پاره کردن پرده‌های غفلت، بیدار کردن آنها و تزکیه جانشان از ناپاکی‌ها و آلودگی‌ها تجلی می‌یابد، چونان که امیر مؤمنان فرموده است: «چون خداوند، بنده‌ای را مبتلا به بیماری کند، به اندازه بیماری‌اش از گناهان او فرو می‌کاهد». [۲۵۰]

۲ / ۱: تکامل انسان: اما بیماری نیکوکاران و پرهیزگاران، مرتبه آنان در پیشگاه خداوند را بالاتر می‌برد و به تکاملشان می‌انجامد، چنان که از پیامبر خدا نقل شده است که فرمود:

مرد، گاه دارای مرتبه‌ای [منظور] در پیشگاه خداوند است، که به عمل خویش بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلائی در جسم خود آزموده شود و بدین واسطه به آن مرتبت برسد.

با توجه به آث [۲۵۱] ار تربیتی بیماری در زندگی انسان، این که شخص در همه عمر سالم بماند و هیچ‌گاه بیمار نشود، از دیدگاه روایات رسیده از معصومان، پدیده‌ای نکوهیده است. پیامبر خدا در این باره می‌فرماید:

كَفَى بِالسَّلَامَةِ دَاءً. [۲۵۲]

درد همین بس که [هماره سلامت باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۲۹

همچنین در حدیث دیگری این گونه آمده است:

إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْعَفْرِيَّةَ النَّفْرِيَّةَ الَّذِي لَمْ يُرْزَأْ فِي جِسْمِهِ وَلَا مَالِهِ. [۲۵۳]

خداوند، آن بد نهاد بد کرداری را که به هیچ بلایی در تن و دارایی خویش گرفتار نمی آید، دوست ندارد.

البته باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که مطلق بیماری، همانند مطلق تندرستی، دارای آثار تربیتی مثبتی در انسان نیست. از

همین رو، موسی علیه السلام در دعای خویش چنین از خداوند، طلب می کرد:

يَا رَبِّ! مَرَضٌ يُضْنِنِي وَلَا صِحَّةٌ تُنْسِنِي، وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ، أَمْرٌ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ، وَأَصِحُّ تَارَةً فَأَشْكُرُكَ. [۲۵۴]

خداوند! نه آن بیماری ای که مرا زمینگیر کند و نه آن تندرستی ای که به فراموشی [تو] در افکند، بلکه حالتی میانه [می خواهم؛ گاه

بیمار شوم تا پس از آن شکر تو گویم و گاه تندرست باشم تا سپاس تو بگزارم.

از داوود نبی علیه السلام نیز نقل شده است که در دعای خویش چنین می گفت:

اللَّهُمَّ لَا صِحَّةَ تُطْغِنِي وَلَا مَرَضًا يُضْنِنِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَيْنِكَ. [۲۵۵]

خداوند! نه تندرستی ای می خواهم که به طغیانم کشاند و نه بیماری ای که زمینگیرم سازد؛ بلکه حالتی میان این دو را خواهانم.

امیر مؤمنان نیز چنین دعا می کرد:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ ... مِنْ سَقَمٍ يَشْغَلُنِي، وَ مِنْ صِحَّةٍ تُلْهِنُنِي. [۲۵۶]

خداوند! به تو پناه می برم... از ناتن درستی ای که به خویش مشغولم دارد و از تندرستی ای که به بازی ام سرگرم سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۰

۲. کيفر

در نظام حکیمانه هستی مشاهده می کنیم که بیماری برای کسانی که زمینه تربیتی را در نفس و روان خویش تباه نساخته اند چنان که

توضیح داده شد به کنار زدن پرده های غفلت و آگاهی افزون تر و سازندگی می انجامد؛ اما برای کسانی که بدان پایه از آلودگی

روحي دچار شده اند که جانشان اصلاح و تربیت را بر نمی تابد، همین بیماری، نوعی کيفر الهی به شمار می رود، چنان که امام

صادق علیه السلام، در حدیثی که گذشت، از آن با عنوان «بیماری کيفر» یاد کرد.

امام رضا علیه السلام نیز درباره نقش بیماری برای آنان که استعداد بهره گیری مثبت از آن را دارند و آنان که چنین قابلیت را دارا

نیستند، فرموده است:

بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است. [۲۵۷]

۳. عامل مرگ

گاه در بیماری، نه حکمتی تربیتی نهفته است، و نه فلسفه ای کيفری، بلکه مرگ را در پی می آورد. اما در نظام آفرینش، مرگ هم

بدون حکمت نیست؛ چه، همه باید بمیرند:

«كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». [۲۵۸]

هر کس طعم مرگ را می چشد.

از دیدگاه احادیث اسلامی، هر بیماری‌ای درمانی دارد و یگانه دردی که هیچ درمانی ندارد، مرگ است. در حدیث نبوی آمده است:

خداوند، هیچ دردی را فرو نفرستاده (یا هیچ دردی را نیافریده)، مگر این که درمانی نیز برایش فرو فرستاده (یا آفریده) است و کسانی از آن آگاهی یافته‌اند و

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۱

کسانی نیز از آن ناآگاه مانده‌اند، مگر مرگ. [۲۵۹]

در پرتو این رهنمودهاست که می‌گوییم: دانش پزشکی، به قله کمال خویش دست نمی‌یابد، مگر هنگامی که برای همه بیماری‌ها درمان کشف کند. اما با این همه، بی‌گمان، دانش یاد شده نمی‌تواند برای مرگ، دارو و درمانی فراهم سازد.

از همین جاست که امام صادق علیه السلام در گفتگوی خود با مدعی‌ای که می‌پنداشت می‌تواند با مراقبت درست و کامل از بدن و خوردن غذاهای مناسب، مانع مرگ شود، بر این نکته تأکید می‌کند که درمان آن بیماری‌ای که مقرر است به مرگ بینجامد، امکان ندارد. ایشان، به تسلیم شدن سه تن از طبیبان و حکیمان بزرگ در برابر مرگ، اشاره کرد و فرمود:

قَدْ مَاتَ أَرْسَطَاطَالِيْسُ مُعَلِّمُ الْأَطْبَاءِ، وَ أَفْلَاطُونُ رَئِيسُ الْحُكَمَاءِ، وَ جَالِينُوسُ شَاخٍ وَ دَقَّ بَصْرُهُ، وَ مَا دَفَعَ الْمَوْتَ حِينَ نَزَلَ بِسَاحَتِهِ، وَ لَمْ يَأْلُوا [۲۶۰] حَفِظَ أَنْفُسِهِمْ، وَ النَّظَرَ لِمَا يُوَافِقُهَا. [۲۶۱]

ارسطو، که استاد طبیبان بود، و افلاطون، که سرآمد حکیمان بود، و جالینوس، که پیر و پرتجربه بود، اما نتوانست مرگ را آن‌گاه که در آستانه وی فرود آمد، از خویش براند، همه مُردند، در حالی که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است، از هیچ کوششی فروگذار نکردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۲

الفصل الأوّل: تعريف المرض

۱ / ۱

حَبْسُ الْبَدَنِ

۱۴۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَيْسَ مِنْ عَمَلِ يَوْمِ الْإِلا وَ هُوَ يُخْتَمُ، فَإِذَا مَرَضَ الْمُؤْمِنُ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَا رَبَّنَا، عَبْدُكَ فُلَانٌ قَدْ حَبَسَتْهُ.

فَيَقُولُ الرَّبُّ تَعَالَى: اخْتَمُوا لَهُ عَلَى مِثْلِ عَمَلِهِ حَتَّى يَبْرَأَ، أَوْ يَمُوتَ. [۲۶۲]

۱۴۵. الإمام علي عليه السلام: الْمَرَضُ حَبْسُ الْبَدَنِ. [۲۶۳]

۱۴۶. عنه عليه السلام: الْمَرَضُ أَحَدُ الْحَبْسَيْنِ. [۲۶۴]

راجع: ج ۱، ص ۱۵۴ (منافع المرض / ثواب ما كان يعمل في الصحّة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۳

فصل یکم: تعريف بیماری

۱ / ۱ بازداشتگاه تن

۱۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عمل هیچ روزی نیست، مگر این که بر آن مَهر زده می‌شود. چون بنده مؤمن، بیمار شود، فرشتگان می‌گویند: پروردگارا! فلان بنده‌ات را باز داشته‌ای! خداوند متعال در این هنگام می‌فرماید: «برای او بر عملی همانند آنچه همیشه داشته است، مَهر بزیند تا زمانی که از این بیماری بهبود یابد یا بمیرد».

۱۴۵. امام علی علیه السلام: بیماری، بازداشتگاه بدن است.

۱۴۶. امام علی علیه السلام: بیماری، یکی از دو زندان است.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۵۵ (منافع بیماری/ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۴

۲ / ۱

من أعظم البلاء

۱۴۷. الإمام علی علیه السلام: ألا وإنَّ من البلاءِ الفاقه، و أشدُّ من الفاقه مَرَضُ البدنِ، و أشدُّ من مَرَضِ البدنِ مَرَضُ القلبِ. [۲۶۵]

۱۴۸. عنه علیه السلام: لا رزیه أعظم من دوام سقم الجسد. [۲۶۶]

۱۴۹. عنه علیه السلام: ثلاث من أعظم البلاء: كثرة العائله، و غلبه الدين، و دوام المرض. [۲۶۷]

۱۵۰. عنه علیه السلام: من كثرت أدواؤه لم يعرف شفاؤه. [۲۶۸]

۱۵۱. الإمام الصادق علیه السلام: أربعة أشياء القليل منها كثير: النار، و العداوة، و الفقر، و المرض. [۲۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۵

۲ / ۱

از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها

۱۴۷. امام علی علیه السلام: هان! یکی از گرفتاری‌ها تهی دستی است. سخت‌تر از تهی دستی، بیماری تن است و سخت‌تر از بیماری تن، بیماری دل.

۱۴۸. امام علی علیه السلام: مصیبتی سخت‌تر از استمرار ناتن درستی نیست.

۱۴۹. امام علی علیه السلام: سه چیز از بزرگ‌ترین گرفتاری‌هاست: فراوانی نانخوران، چیرگی بدهی، و استمرار بیماری.

۱۵۰. امام علی علیه السلام: هر کس بیماری‌های فراوان باشد، درمانش شناخته نمی‌شود.

۱۵۱. امام صادق علیه السلام: چهار چیز است که اندکش هم بسیار است: آتش، دشمنی، تهی دستی و بیماری. [۲۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۶

الفصل الثانی: وجوه من الحکمه فی الأمراض

۱۵۲. الإمام الصادق علیه السلام لزندیق و قد سأله: فيما استحقَّ الطفل الصَّغِيرُ ما يُصِيبُهُ مِنَ الأوجاعِ وَ الأمراضِ بلا ذنبِ عَمَلِهِ وَ لا جرمِ سَلَفٍ مِنْهُ؟ فقال: إِنَّ المَرَضَ عَلَيَّ وَ جُوهِ شَتَى: مَرَضُ بلوى، وَ مَرَضُ عَقوبَةٍ، وَ مَرَضُ جُعَلٍ عَلَيَّ لِلْفَناءِ، وَ أَنْتَ تَزْعُمُ أَنَّ ذلِكَ مِنْ أَغْدِيَةِ رَدِيَّةٍ، وَ أَشْرِيَّةٍ وَ بِيَّةٍ أَوْ عَلَيَّ كَانَتْ بِأَمِّي، وَ تَزْعُمُ أَنَّ مِنْ أَحْسَنِ السِّيَاسَةِ لِبَدَنِهِ وَ أَجْمَلَ النَّظَرِ فِي أَحْوالِ نَفْسِهِ وَ عَرَفَ الضَّارَّ مِمَّا يَأْكُلُ مِنَ النَّافعِ لَمْ يَمْرُضْ، وَ تَمِيلُ فِي قَوْلِكَ إِلى مَنْ يَزْعُمُ أَنَّهُ لا يَكُونُ المَرَضُ وَ المَوْتُ إِلاَّ مِنَ المَطْعَمِ وَ المَشْرَبِ! قَدْ ماتَ «أرسطاطاليس» مُعَلِّمُ الأَطِبياءِ، وَ «أفلاطون» رَئِيسُ الحُكَماءِ، وَ «جالينوس» شاحٍ وَ دَقَّ بَصِيرَتَهُ، وَ ما دَفَعَ المَوْتَ حِينَ نَزَلَ بِساحَتِهِ، وَ لَمْ يَألُوا حِفْظَ

أَنْفُسِهِمْ، وَالنَّظَرَ لِمَا يُوَافِقُهَا، كَمِ مِنْ مَرِيضٍ قَدْ زَادَهُ الْمُعَالِجُ سُقْمًا؟ وَكَمِ مِنْ طَيِّبٍ عَالِمٍ وَبَصِيرٍ بِالْأَدْوَاءِ وَالْأَدْوِيَةِ مَاهِرٍ مَاتَ، وَعَاشَ الْجَاهِلُ بِالطَّبِّ بَعْدَهُ زَمَانًا؟! فَلَا ذَاكَ نَفَعَهُ عِلْمُهُ بِطَبِّهِ عِنْدَ انْقِطَاعِ مُدَّتِهِ وَحُضُورِ أَجَلِهِ، وَلَا هَذَا ضَرَرَهُ الْجَهْلُ بِالطَّبِّ مَعَ بَقَاءِ الْمُدَّةِ وَتَأَخُّرِ الْأَجْلِ! [٢٧١]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۷

فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها

۱۵۲. امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی زندیق [۲۷۲] که پرسیده بود: کودک خردسالی که نه گناهی کرده و نه جرمی از او سر زده، به چه سبب، مستحق دردها و بیماری‌هایی شده است که به وی می‌رسد: بیماری بر چند گونه است: بیماری آزمون، بیماری کیفر و بیماری ای که علت مرگ قرارداد شده است. اما تو مدعی هستی که آن از خوراک نامناسب، نوشیدنی آلوده و بیماری‌ای است که در مادر وی وجود داشته است و گمان می‌کنی که هر کس، بدن خویش را درست تدبیر کند و در احوال خود، نیک بنگرد و در آنچه می‌خورد، سودمند و زیان‌آور را از همدیگر باز شناسد، بیمار نمی‌شود. تو در این دعوی خود، به [عقیده کسانی می‌گویی که می‌پندارند بیماری و مرگ، جز از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها نیست. ارسطو، استاد طبیبان بود. افلاطون، سرآمد حکیمان بود و جالینوس، پیر و پُر تجربه بود؛ اما نتوانست مرگ را آن‌گاه که در آستانه وی فرود آمد، از خویش براند. همه مُردند، در حالی که در حفظ خویش و در اندیشیدن به آنچه با بدن سازگار است از هیچ کوششی فروگذار نکردند. چه بسیار بیماری که درمان‌کننده او را ناتوان درستی افزوده است و چه بسیار طبیب دانای آشنای به دارو و درمان، که خود مُرده و [در برابر] فردی ناآگاه به طب مدّتی درازتر پس از او زنده مانده است و نه آن را پس از سرآمدن مدّت [زندگی و فرا رسیدن اجلش، آگاهی به طب، سودی نبخشیده، و نه این را پیش از سرآمدن مدّت [زندگی و به گاه دورتر بودن اجل، ناآگاهی از طب، زیانی رسانده است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۸

الفصل الثالث: منافع المرض

۱ / ۳

التأديب

۱۵۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْمَرَضُ سَوْطُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ يُؤَدِّبُ بِهِ عِبَادَهُ. [۲۷۳]

۱۵۴. عنه صلى الله عليه و آله: لَوْلَا ثَلَاثٌ فِي ابْنِ آدَمَ مَا طَاطَأَ رَأْسُهُ شَيْءًا: الْمَرَضُ، وَالْفَقْرُ، وَالْمَيُوتُ، كُلُّهُمْ فِيهِ، وَإِنَّهُ مَعَهُنَّ لَوَثَابٌ! [۲۷۴]

۱۵۵. الإمام الباقر عليه السلام: الْجَسَدُ إِذَا لَمْ يَمْرَضْ أَشْرٌ، وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ يَأْشُرُ. [۲۷۵]

۱۵۶. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ كَانَ الْإِنْسَانُ لَا يُصِيبُهُ أَلَمٌ وَلَا وَجَعٌ، بِمَ كَانَ يَرْتَدِعُ عَنِ الْفَوَاحِشِ وَيَتَوَاضَعُ لِلَّهِ وَيَتَعَطَّفُ عَلَى النَّاسِ؟ أَمَا تَرَى الْإِنْسَانَ إِذَا عَرَضَ لَهُ

وَجَعٌ خَضَعَ وَاسْتَكَانَ، وَرَغِبَ إِلَى رَبِّهِ فِي الْعَافِيَةِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ بِالصَّدَقَةِ؟ [۲۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۳۹

۱۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، تازیانه خدا در زمین است که با آن، بندگان خویش را ادب می‌کند.

۱۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر سه چیز در آدمیزاد نبود، هیچ چیز سر او را فرو نمی‌آورد: بیماری، تهی دستی و مرگ. اینها همه در انسان هست و با این حال، انسان، همچنان گستاخ است.

۱۵۵. امام باقر علیه السلام: تن اگر بیمار نشود، به سرمستی می‌گراید، و در آن تنی که به سرمستی گراییده، هیچ خیری نیست.

۱۵۶. امام صادق علیه السلام: اگر بنا بود هیچ درد و رنجی به انسان نرسد، به کدامین وسیله از زشتی‌ها دامن در می‌کشید و در برابر خداوند، فروتنی می‌کرد و با مردم، مهربانی می‌ورزید؟ آیا نمی‌بینی انسان، آن هنگام که دردی دامنگیرش می‌شود، فروتن می‌شود، و سر تسلیم فرود می‌آورد و بر درگاه پروردگار خویش، عافیت می‌جوید و دست به صدقه می‌گشاید؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۰

۱۵۷. عنه علیه السلام فی دُعَائِهِ لَمَّا اشْتَكَى: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدْبًا لَا غَضَبًا. [۲۷۷]

۲ / ۳

الْكَفَّارَةُ

۱۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: السُّقْمُ، يَمْحُو الذُّنُوبَ. [۲۷۸]

۱۵۹. عنه صلی الله علیه و آله: سَاعَاتُ الْوَجَعِ، يُذْهِبَنَّ سَاعَاتِ الْخَطَايَا. [۲۷۹]

۱۶۰. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُوجِرُ فِي مَرَضِهِ، وَلَكِنْ يُكْفِرُ عَنْهُ. [۲۸۰]

۱۶۱. عنه صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَمْرُضُ مَرَضًا يُحْرِضُهُ الْمَرَضُ إِلَّا غُفِرَ لَهُ. [۲۸۱]

۱۶۲. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ؛ فَهُوَ لَهُ حِطَّةٌ. [۲۸۲]

۱۶۳. عنه صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَصَابَهُ السُّقْمُ، ثُمَّ أَعْفَاهُ اللَّهُ مِنْهُ، كَانَ كَفَّارَةً لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَ مَوْعِظَةً لَهُ فِيمَا يَسْتَقْبِلُ. [۲۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۱

۱۵۷. امام صادق علیه السلام در دعای خویش آن هنگام که بیمار شده بود: خداوند! این را نه [نشان غضب، بلکه] مایه ادب قرار ده.

۳ / ۲ کفاره

۱۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، گناهان را محو می‌کند.

۱۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لحظه‌های درد، [آثار] لحظه‌های گناه را از میان می‌برد.

۱۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن در بیماری‌اش پاداش داده نمی‌شود؛ اما گناه او فرو پوشانده می‌شود.

۱۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مؤمنی به بیماری‌ای جانکاه مبتلا نمی‌شود، مگر آن که گناهِش بخشوده می‌گردد.

۱۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که خداوند، او را به گرفتاری جسمی بیازماید، آن گرفتاری برایش مایه فرو ریختن گناهان است.

۱۶۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان مؤمن، چون بیماری به وی برسد و خداوند، او را عافیت دهد، این بیماری، کفاره گناهان

گذشته او و مایه اندرز برای آینده اوست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۲

۱۶۴. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ لَيَتَلَى عَبْدَهُ بِالسُّقْمِ، حَتَّى يُكْفِرَ ذَلِكَ عَنْهُ كُلَّ ذَنْبٍ. [۲۸۴]

۱۶۵. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا مَرَضَ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مَلَائِكَتِهِ: يَا مَلَائِكَتِي، أَنَا قَيْدُ عَبْدِ بَقِيدٍ مِنْ قِيُودِي، فَإِنْ أَقْبَضَهُ أَغْفِرْ لَهُ، وَإِنْ أَعَاَفَهُ فَحَيِّئْهُ يَتَعَدَّى وَلَا ذَنْبَ لَهُ. [۲۸۵]

۱۶۶. عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ وَلَا مُسْلِمَةٍ وَلَا مُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ يَمْرُضُ مَرَضًا، إِلَّا حَطَّ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ خَطَايَاهُ. [۲۸۶]

۱۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ عَبْدٍ تُصِيبُهُ زَمَانَةٌ تَمْنَعُهُ مِمَّا يَصِلُ إِلَيْهِ الْأَصْحَاءُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ مُسَدَّدًا، إِلَّا كَانَتْ كَفَّارَةً لِدُنُوبِهِ، وَكَانَ عَمَلُهُ بَعْدَ فَضْلًا. [۲۸۷]

۱۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصِيبُهُ مِنَ الْمَصَائِبِ، حَتَّى يَمْشِيَ عَلَى الْأَرْضِ وَ مَا عَلَيْهِ خَطِيئَةٌ. [۲۸۸]

۱۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: أَرْبَعَةٌ يَسْتَأْنِفُونَ الْعَمَلَ: الْمَرِيضُ إِذَا بَرَأَ، وَالْمُشْرِكُ إِذَا أَسْلَمَ... [۲۸۹]

۱۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: يَا عَلِيُّ، أَنْيْنُ الْمُؤْمِنِ تَسْبِيحٌ، وَصَيَاحُهُ تَهْلِيلٌ، وَنَوْمُهُ عَلَى الْفِرَاشِ عِبَادَةٌ، وَتَقَلُّبُهُ مِنْ جَنْبٍ إِلَى جَنْبٍ

جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِنْ عَوْفَى مَشَى فِي

النَّاسِ وَ مَا عَلَيْهِ مِنْ ذَنْبٍ. [۲۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۳

۱۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، گاه بنده خویش را به ناتن درستی گرفتار می کند تا این ناتن درستی، کفاره هر گناه وی شود.

۱۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده چون بیمار شود، خداوند به فرشتگان خویش چنین وحی کند: ای فرشتگانم! من بنده‌ام را به بندی از بندهای خویش گرفتار ساخته‌ام. اینک اگر جانش را بستانم، او را می‌آموزم و اگر او را عافیت بخشم، در حالی از بستر بر می‌خیزد که هیچ گناهی ندارد.

۱۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ مرد و زن مسلمان و هیچ مرد و زن مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر آن که خداوند، [برخی از گناهانش را از او فرو نهد.

۱۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده‌ای نیست که بیماری دامنگیرش شود و او را از آنچه تندرستان انجام می‌دهند، باز دارد، مگر آن که این بیماری کفاره گناهانش شود و هر چه پس از آن انجام دهد، فزونی‌ای بر کفه اعمالش باشد.

۱۶۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گاه به بنده خدا برخی از مصائب می‌رسد تا در حالی بر زمین گام بردارد که هیچ گناهی بر وی نیست.

۱۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار تن هستند که اعمال خویش را در حالی که هیچ گناهی بر آنان نمانده است، از نو می‌آغازند: بیمار، چون بهبود یابد، مشرک، چون مسلمان شود،....

۱۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! ناله مؤمن [به گناه بیماری «سبحان الله» گفتن است، فریادش «لا اله الا الله» گفتن، خفتنش بر بستر، عبادت است و از پهلو به پهلو چرخیدنش، جهاد در راه خداست؛ و اگر بهبود یابد، در حالی در میان مردم راه می‌رود که هیچ گناهی بر او نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۴

۱۷۱. تاریخ بغداد عن أم سليم الأنصارية: مَرَضْتُ فَعَادَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَقَالَ: يَا أُمَّ سُلَيْمِ، أَتَعْرِفِينَ النَّارَ وَ الْحَدِيدَ وَ حَبَّتِ الْحَدِيدِ؟

قُلْتُ: نَعَمْ، يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قال: فَأَبْشِرِي يَا أُمَّ سَلِيمٍ، فَإِنَّكَ إِنْ تَخَلَّصِي مِنْ وَجْعِكَ هَذَا تَخَلَّصِي [٢٩١] مِنَ الذُّنُوبِ، كَمَا يَخْلُصُ الْحَدِيدُ مِنْ حَيْثِهِ. [٢٩٢] ١٧٢. سنن أبي داود عن أمّ العلاء: عاذني رسول الله صلى الله عليه وآله وأنا مريضة، فقال:

أَبْشِرِي يَا أُمَّ الْعَلَاءِ؛ فَإِنَّ مَرَضَ الْمُسْلِمِ يَذْهَبُ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ، كَمَا تَذْهَبُ النَّارُ حَبْتِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ. [٢٩٣]

١٧٣. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرِيضِ إِذَا بَرَأَ وَصَحَّ، كَالْبُرْدَةِ تَقَعُ مِنَ السَّمَاءِ فِي صَفَائِهَا وَلَوْنِهَا. [٢٩٤]

١٧٤. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ أَلَمَ اللَّهُ بِهِ الْفَقْرَ وَالْمَرَضَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُرِيدُ أَنْ يُصَافِيَهُ. [٢٩٥]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٥

١٧١. تاریخ بغداد به نقل از امّ سلیم انصاری: بیمار شدم و پیامبر خدا به عیادت آمد. پرسید: «ای مادر سلیم! آیا آتش و آهن و ناخالصی‌های آهن [به گاه گذاخته شدن را می‌شناسی؟].»

گفتم: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «پس ای مادر سلیم، تو را مژده باد! اگر که از این درد به سلامت جان به در بری، از گناهان خویش نیز رسته‌ای، آن‌سان که آهن از ناخالصی‌های خود، رها می‌شود.»

١٧٢. سنن ابی داود به نقل از امّ علاء: هنگامی که بیمار بودم، پیامبر خدا به عیادت آمد. او فرمود: «ای مادر علاء! مژدهات باد؛ چرا که بیماری مسلمان، چیزی است که خدا به واسطه آن، گناهان او را از میان می‌برد، آن‌سان که آتش، ناخالصی‌های طلا و نقره را می‌برد.»

١٧٣. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: مَثَلُ [جانِ بیمار، آن‌گاه که بهبود می‌یابد، همانند شفافیت و [زلالی رنگِ تگرگ است هنگامی که از آسمان، فرو می‌ریزد.

١٧٤. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون کسی را دیدید که خداوند، او را به ناداری و بیماری در میان گرفته، [بدانید که خداوند متعال، اراده کرده است که او را پاک کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٦

١٧٥. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْعَبْدَ لَيَمْرُضُ الْمَرَضَ فَيَرِقُّ قَلْبُهُ، فَيَذْكُرُ بَعْضَ ذُنُوبِهِ الَّتِي سَلَفَتْ مِنْهُ، فَيَقْطُرُ مِنْ عَيْنَيْهِ مِثْلَ الذَّبَابِ مِنَ الدَّمْعِ فَيَطْهَرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ ذُنُوبِهِ، فَإِنْ بَعَثَهُ بَعَثَهُ مُطَهَّرًا، وَإِنْ قَبَضَهُ قَبَضَهُ مُطَهَّرًا. [٢٩٧]

١٧٦. الإمام علي عليه السلام: إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ عَبْدًا أَسْقَطَ عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ بِقَدْرِ عِلَّتِهِ. [٢٩٨]

١٧٧. عنه عليه السلام لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ فِي عِلَّةِ اعْتَلَّهَا: جَعَلَ اللَّهُ مَا كَانَ مِنْ شَكْوَاكَ حَطًّا لِسَيِّئَاتِكَ؛ فَإِنَّ الْمَرَضَ لَا أَجْرَ فِيهِ، وَ لَكِنَّهُ يَحُطُّ السَّيِّئَاتِ وَيُحْتُّهَا حَتَّ الْأَوْرَاقِ، وَإِنَّمَا الْأَجْرُ فِي الْقَوْلِ بِاللُّسَانِ وَالْعَمَلِ بِالْأَيْدِي وَالْأَقْدَامِ، وَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يُدْخِلُ بِصَدَقِ النَّيِّهِ وَالسَّرِيرَةِ الصَّالِحَةِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ الْجَنَّةَ. [٢٩٩]

١٧٨. الإمام زين العابدين عليه السلام لِمَرِيضٍ قَدِ بَرَأَ: يَهْنُتُكَ الطَّهْوَرُ مِنَ الذُّنُوبِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ ذَكَرَكَ فَادْكُرْهُ، وَأَقَالَكَ فَاشْكُرْهُ. [٣٠٠]

١٧٩. الإمام الرضا عليه السلام: الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ؛ تَطْهِيرٌ وَرَحْمَةٌ، وَلِلْكَافِرِ؛ تَعْذِيبٌ وَلَعْنَةٌ، وَإِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ، حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ. [٣٠١]

راجع: ج ١، ص ١٥٦، ح ١٩٦.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ١٤٧

١٧٥. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گاه بنده بیمار می‌گردد. پس دلش نازک می‌شود و برخی از گناهانی را که از او سر زده است، به یاد می‌آورد و قطره اشکی، هر چند کوچک، از دیدگانش سرازیر می‌شود و آن‌گاه، خداوند عز و جل، او را از گناهانش

پاک می‌سازد. پس اگر او را از این بستر بیماری برخیزاند، او را پاک شده [از گناه بر می‌خیزاند، و اگر جانش را بستاند، پاکیزه شده [از گناه می‌ستاند.

۱۷۶. امام علی علیه السلام: اگر خداوند، بنده‌ای را گرفتار [بیماری سازد، به اندازه بیماری‌اش از گناهان او فرو می‌کاهد.

۱۷۷. امام علی علیه السلام به یکی از یاران خویش که به بیماری‌ای گرفتار شده بود: خداوند، آن درد و رنجی را که داشته‌ای، مایه ریختن گناهانت قرار دهد؛ چرا که در بیماری، پاداشی نیست؛ اما گناهان را فرو می‌کاهد و چنان که برگ از درخت می‌ریزد، از انسان فرو می‌ریزد. پاداش، تنها در گفتن به زبان، و عمل کردن به دست و پای است و خداوند سبحان، هر یک از بندگان خویش را که بخواهد، به راستی‌تیت و به نهادِ درست، به بهشت درمی‌آورد.

۱۷۸. امام سجّاد علیه السلام خطاب به بیماری که بهبود یافته بود: پاک شدن از گناهان، بر تو مبارک باد! خداوند، تو را یاد کرده است. او را یاد کن، و از تو در گذشته است. او را سپاس گوی.

۱۷۹. امام رضا علیه السلام: بیماری برای مؤمن، تطهیر و رحمت، و برای کافر، عذاب و لعنت است. بیماری، همدم مؤمن می‌ماند، تا هنگامی که هیچ گناهی بر وی نباشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۵۷ ح ۱۹۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۸

۳/۳

الْكَرَامَةُ

۱۸۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ لَهُ الدَّرَجَةُ عِنْدَ اللَّهِ لَا يَبْلُغُهَا بِعَمَلِهِ؛ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلَاءٍ فِي جَسَمِهِ، فَيَبْلُغُهَا بِذَلِكَ. [۳۰۲]

۱۸۱. عنه صلی الله علیه و آله: الْأَمْرُ هَدَايَا مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْعَبْدِ، فَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ أَكْثَرُهُمْ هَدِيَّةً. [۳۰۳]

۱۸۲. عنه صلی الله علیه و آله: الْمَرَضَى أَجْبَأُ اللَّهُ. [۳۰۴]

۱۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: يَسْبِقُ الْمَقْتُولُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ الْمَقْتُولَ الْمُدْبِرَ إِلَى الْجَنَّةِ بِسَبْعِينَ خَرِيفًا، وَ مَرَضَى أُمَّتِي قَبْلَ أَصْحَابِهِمْ بِسَبْعِينَ خَرِيفًا، وَ الْأَنْبِيَاءُ قَبْلَ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ بِأَرْبَعِينَ خَرِيفًا؛ لِمَا كَانَ فِيهِ مِنَ الْمَلِكِ. [۳۰۵]

۱۸۴. عنه صلی الله علیه و آله لِسَلْمَانَ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ لَكَ فِي عِلَّتِكَ إِذَا اعْتَلَّتْ ثَلَاثَ خِصَالٍ: أَنْتَ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِجَدِّكَ، وَ دُعَاؤُكَ فِيهَا مُسْتَجَابٌ، وَ لَا تَدْعُ الْعِلَّةَ عَلَيْكَ ذَنْبًا إِلَّا حَطَّتْهُ، مَتَّعَكَ اللَّهُ بِالْعَافِيَةِ إِلَى انْقِضَاءِ أَجَلِكَ. [۳۰۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۴۹

۳/۳ گرامیداشت

۱۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انسان، گاه دارای مرتبه‌ای در پیشگاه خداوند است که با عمل خویش، بدان نمی‌رسد تا آن هنگام که به ابتلای در جسم خود، آزموده شود و بدین واسطه، بدان مرتبت برسد.

۱۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماری، هدیه‌هایی از جانب خداوند عز و جل به بنده است. پس محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسی است که بیشترین هدیه به وی رسیده باشد.

۱۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماران، دوستان خدایند.

۱۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در جهاد در راه خدا، در حالی کشته شده که نه پشت به دشمن، بلکه رو به دشمن داشته است، هفتاد سال [۳۰۷] بر آن که پشت به دشمن کشته شده است، به سوی بهشت، پیشی می‌گیرد. [همچنین بیماران امت من

نیز هفتاد سال پیش از تندرستان امت [به بهشت می‌روند]؛ و پیامبران، چهل سال پیش از سلیمان بن داوود به بهشت درمی‌آیند، بدان سبب که وی [در دنیای خویش سلطنتی داشته است.

۱۸۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به سلمان: ای سلمان! اگر بیمار شوی، در بیماری‌ات سه فایده است: تو به یاد خدای تبارک و تعالی هستی؛ دعایت در این حال، مستجاب است؛ و بیماری، هیچ گناهی را در تو نمی‌گذارد، مگر این که آن را فرو می‌ریزد. خداوند تو را تا پایان مهلت از بیماری به سلامت بدارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۰

۱۸۵. عنه صلی الله علیه و آله: لَوْ يَعْلَمُ الْمُؤْمِنُ حَالَهُ فِي السَّقْمِ، مَا أَحَبَّ أَنْ يُفَارِقَ السَّقْمَ أَبَدًا. [۳۰۸]

۱۸۶. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا كَانَ مِنْ أَمْرِهِ أَنْ يُكْرِمَ عَبْدًا وَ لَهُ ذَنْبٌ؛ ابْتَلَاهُ بِالسَّقْمِ. [۳۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۲۱۶، ح ۳۰۴.

۴ / ۳

الثَّوَابُ

۱۸۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَجِبْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ جَزَعِهِ مِنَ السَّقْمِ، وَ لَوْ يَعْلَمُ مَا لَهُ فِي السَّقْمِ مِنَ الثَّوَابِ؛ لَمَّا أَحَبَّ أَلَّا يَزَالَ سَقِيمًا حَتَّى يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. [۳۱۰]

۱۸۸. الإمام الحسين علیه السلام: عَادَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَلِمَانَ الْفَارِسِيِّ، فَقَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، كَيْفَ أَصْبَحْتَ مِنْ عَلَّتِكَ؟

فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، أَحْمَدُ اللَّهُ كَثِيرًا وَ أَشْكُو إِلَيْكَ كَثْرَةَ الضَّجْرِ.

قَالَ: فَلَا تَضْجِرْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ شِيعَتِنَا يُصِيبُهُ وَجَعٌ إِلَّا بِذَنْبٍ قَدْ سَبَقَ مِنْهُ؛ وَ ذَلِكَ الْوَجَعُ تَطْهِيرٌ لَهُ.

قَالَ سَلْمَانُ: فَإِنْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى مَا ذَكَرْتَ وَ هُوَ كَمَا ذَكَرْتَ فَلَيْسَ لَنَا فِي شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ أَجْرٌ خَلَا التَّطْهِيرَ.

قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَلْمَانُ، إِنَّ لَكُمْ الْأَجْرَ بِالصَّبْرِ عَلَيْهِ، وَ التَّضَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ اسْمُهُ، وَ الدُّعَاءِ لَهُ، بِهِمَا يُكْتَبُ لَكُمْ الْحَسَنَاتُ، وَ يُرْفَعُ لَكُمْ الدَّرَجَاتُ، وَ أَمَّا الْوَجَعُ فَهُوَ خَاصَّةٌ تَطْهِيرٌ وَ كَفَّارَةٌ.

قَالَ: فَقَبَّلَ سَلْمَانُ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ بَكَى، وَ قَالَ: مَنْ كَانَ يُمَيِّزُ لَنَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ لَوْلَاكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟! [۳۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۱

۱۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مؤمن از حال خویش در ناتن درستی آگاه بود، هرگز دوست نداشت که از این ناتن درستی جدا شود.

۱۸۶. امام باقر علیه السلام: آن‌گاه که خداوند عز و جل اراده کرده باشد بنده‌ای را که گناهی دارد، گرامی بدارد، وی را به بیماری گرفتار می‌سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۱۷ ح ۳۰۴.

۴ / ۳ پاداش

۱۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از مؤمن و این که از بیماری بی‌تابی کند، در شگفتم. اگر او می‌دانست که در بیماری چه پاداشی دارد، دوست داشت پیوسته بیمار باشد تا آن هنگام که به لقای پروردگار خویش پیوندد.

۱۸۸. امام حسین علیه السلام: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام، سلمان فارسی را عیادت کرد و فرمود: «ای ابو عبد الله! از بیماری خویش، در چه حالی؟».

گفت: ای امیر مؤمنان! فراوان، خدا را سپاس می‌گویم و از دل آزرده‌گی بسیار به تو شکایت می‌آورم.

فرمود: «ای ابو عبد الله! دل آزرده مباش؛ چه، هیچ کس از شیعیان ما نیست که به او دردی رسد، مگر به واسطه گناهی که پیش‌تر از او سر زده و آن بیماری، مایه پاک شدن اوست».

پس سلمان گفت: اگر چنان باشد که تو می‌گویی که چنان نیز هست، پس در این کار برای ما پاداشی جز پاک شدن از گناهان نیست.

علی علیه السلام فرمود: «ای سلمان! به واسطه شکیبایی بر بیماری، نالیدن به درگاه خداوند عزّ اسمه و دعا کردن در پیشگاه او، برایتان پاداش نیز هست و به همین کارهاست که برای شما حسنه نوشته می‌شود و مرتبت‌هایتان فراتر برده می‌شود؛ اما درد، فقط موجب پاک شدن گناه، و یک کفاره است».

سلمان پس از شنیدن این سخن، پیشانی علی علیه السلام را بوسید و گریست و گفت: ای امیر مؤمنان! اگر تو نبودی، چه کسی برای ما این چیزها را از هم باز می‌شناساند؟!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۲

۱۸۹. الکافی عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام: حُمِي لَيْلَةً تَعْدِلُ عِبَادَةَ سِنِيهِ، وَ حُمِي لَيْلَتَيْنِ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَتَيْنِ، وَ حُمِي ثَلَاثِ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَبْعِينَ سَنَةً.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغِ سَبْعِينَ سَنَةً؟

قَالَ: فَلَأَمِّهِ وَ أُبِيهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغَا؟

قَالَ: فَلَقَرَاتِهِ.

قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَبْلُغِ قَرَاتَهُ؟

قَالَ: فَلِجِرَانِهِ. [۳۱۲]

۱۹۰. الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام: سَهْرُ لَيْلَةٍ مِنْ مَرَضٍ أَوْ وَجَعٍ، أَفْضَلُ وَ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ. [۳۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۳

۱۸۹. الکافی به نقل از ابو حمزه: امام باقر علیه السلام فرمود: «یک شب تب‌داری، با عبادت یک سال، برابر است، دو شب تب‌داری، با عبادت دو سال برابری می‌کند و سه شب تب‌داری، با عبادت هفتاد سال، برابری می‌کند».

پرسیدم: اگر شخصی به هفتاد سالگی نرسد، [چه طور]؟

فرمود: «برای پدر و مادرش خواهد بود».

پرسیدم: اگر آنها نیز به هفتاد سال نرسیده باشند؟

فرمود: «برای خویشاوندانش خواهد بود».

پرسیدم: اگر خویشاوندان او نیز نرسند؟

فرمود: «برای همسایگانش».

۱۹۰. امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام: بیداری یک شب به علت بیماری یا درد، برتر و پُرپاداش‌تر از عبادت یک سال است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۴

۱۹۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: رُوي أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَرُودُ أَهْلَ الْبَلَاءِ وَ الْمَرْضَى أَنَّ لِحَوْمَهُمْ قَدْ قُرِضَتْ

بِالْمَقَارِضِ؛ لِمَا يَزُونَ مِنْ جَزِيلِ ثَوَابِ الْعَلِيلِ. [۳۱۴]

راجع: ج ۱، ص ۱۶۸، ح ۲۱۱ و ص ۱۷۲، ح ۲۱۸. ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۲۷۶ و ص ۲۰۸، ح ۲۸۳.

۵/۳

ثَوَابُ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي الصَّحَّةِ

۱۹۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ مَرِضَ أَوْ سَافَرَ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَا كَانَ يَعْمَلُ وَهُوَ صَحِيحٌ مُقِيمٌ. [۳۱۵]

۱۹۳. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ مُسْلِمٍ يُبْتَلَى فِي جَسَدِهِ إِلَّا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي أَفْضَلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ فِي

صِحَّتِهِ. [۳۱۶]

۱۹۴. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا ابْتَلَى اللَّهُ الْعَبْدَ الْمُسْلِمَ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ، قَالَ اللَّهُ:

اَكْتُبْ لَهُ صَالِحَ عَمَلِهِ الَّذِي كَانَ يَعْمَلُهُ. فَإِنْ شَفَاهُ عَسَلَهُ وَطَهَّرَهُ، وَإِنْ قَبَضَهُ عَفَّرَ لَهُ وَرَحِمَهُ. [۳۱۷][۳۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۱۵۵

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۵

۱۹۱. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: روایت شده که چون قیامت شود، گرفتار شدگان به بلا و بیماران، به جهت پاداش

فراوانی که برای بیمار می‌بینند، آرزو می‌کنند که کاش در دنیا گوشه‌شان با قیچی، پاره پاره شده بود.

ر. ک: ج ۱، ص ۱۶۹ ح ۲۱۱. ج ۱، ص ۱۷۳ ح ۲۱۸. ج ۱، ص ۲۰۵ ح ۲۷۶. ج ۱، ص ۲۰۹ ح ۲۸۳. ج ۱، ص ۱۶۱ (تحلیلی درباره

احادیث پاداش بیماری‌ها).

۳/۵ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است

۱۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس بیمار شود یا به سفر برود، [اعمالی که در اثر سفر یا بیماری ترک می‌شود]، پاداشی

همانند آن خواهد داشت که در دوران تندرستی و زمان اقامت در وطن، انجام داده است.

۱۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ مسلمانی نیست که به گرفتاری‌ای جسمی مبتلا شود، مگر آن که خداوند عز و جل، به

فرشتگان خویش می‌فرماید: «برای او پاداش بهترین کارهایی را که در دوران تندرستی انجام می‌داده است، بنویسد».

۱۹۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: اگر خداوند، بنده مسلمان را به بلایی در جسمش گرفتار سازد، [به فرشته می‌فرماید: «برای او

عمل صالحی را که پیش‌تر انجام می‌داده است، بنویس». پس خداوند، اگر او را شفا دهد، او را می‌شوید و تطهیر می‌کند و اگر

جانش بستاند، وی را می‌آمرزد و رحمت می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۶

۱۹۵. عنه صلى الله عليه وآله: مَا أَحَدٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يُصَابُ بِبَلَاءٍ فِي جَسَدِهِ إِلَّا أَمَرَ اللَّهُ الْحَفَظَةَ الَّذِينَ يَحْفَظُونَهُ فَقَالَ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي فِي

كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُ مِنَ الْخَيْرِ مَا كَانَ مَحْبُوسًا فِي وَتَاقِي. [۳۱۹]

۱۹۶. عنه صلى الله عليه وآله: لِلْمَرِيضِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يُرْفَعُ عَنْهُ الْقَلَمُ، وَ يَأْمُرُ اللَّهُ الْمَلَكَ يَكْتُبُ لَهُ كُلَّ فَضْلٍ كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ، وَ

يَتَّبِعُ مَرَضُهُ كُلَّ عُضْوٍ فِي جَسَدِهِ فَيَسْتَخْرِجُ ذُنُوبَهُ مِنْهُ، فَإِنْ مَاتَ مَغْفُورًا لَهُ، وَ إِنْ عَاشَ عَاشَ مَغْفُورًا لَهُ. [۳۲۰]

۱۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَتَبَسَّمَ.

فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، رَأْيُنَاكَ رَفَعْتَ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ، فَتَبَسَّمْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ، عَجِبْتُ لِمَلَائِكِينَ هَبَطُوا مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ يَلْتَمِسَانِ عَبْدًا مُؤْمِنًا صَالِحًا فِي مُصَيِّمِي كَانَ يُصَيِّمِي فِيهِ لِيَكْتُبَا لَهُ عَمَلَهُ فِي يَوْمِهِ وَ

لَيْتَهُ فَلَمْ يَجِدْهُ فِي مُصَيِّمَاءُ، فَعَرَجَا إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَا: رَبَّنَا عَبْدُكَ الْمُؤْمِنُ فُلَانُ التَّمَسَّنَا فِي مُصَلَّاهُ لِنَكْتُبَ لَهُ عَمَلَهُ لِيَوْمِهِ وَ لَيْتَهُ فَلَمْ نُصِبْهُ، فَوَجَدْنَاهُ فِي جِبَالِكُ؟!

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: اَكْتُبَا لِعَبْدِي مِثْلَ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ مِنَ الْخَيْرِ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْتَهُ مَا دَامَ فِي جِبَالِي، فَإِنَّ عَلَيَّ أَنْ أَكْتُبَ لَهُ أَجْرَ مَا كَانَ يَعْمَلُهُ فِي صِحَّتِهِ إِذَا حَبَسْتُهُ عَنْهُ. [۳۲۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۷

۱۹۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کسی از مسلمانان نیست که به بلایی در جسم خویش گرفتار شود، مگر آن که خداوند به فرشتگان پاسبانی که او را حفظ می کنند، می فرماید: «برای بنده ام، تا زمانی که در بند من (بیماری) گرفتار باشد، در هر روز همانند آن کارهای نیکی را [برایش بنویسید که پیش تر انجام می داده است].»

۱۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای بیمار، چهار ویژگی است: قلم تکلیف از او برداشته می شود؛ خداوند به فرشته فرمان می دهد همه پاداش آنچه را در دوران تندرستی خویش انجام می داده است، بنویسید؛ بیماری وی بر همه اندام هایش گذر می کند و گناهانش را از آن بیرون می برد. پس اگر بمیرد، آمرزیده شده می میرد و اگر زنده بماند، آمرزیده شده زندگی می کند.

۱۹۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، سر خود را به سوی آسمان بلند کرد و لبخند زد.

پرسیدند: ای پیامبر خدا! دیدیم سر خویش را به سوی آسمان بلند کردی و لبخند زدی.

فرمود: «آری! از دو فرشته در شگفت شدم که از آسمان به زمین آمدند و بنده مؤمن درستکاری را در جای نماز خویش که همواره در آن نماز می گزارد، جستند تا برای وی، عمل آن شب و روزش را بنویسند؛ اما وی را در مصلائی خویش نیافتند. پس به آسمان بازگشتند و گفتند: پروردگارا! فلان بنده مؤمن را در مکان نماز جستیم تا برای وی عملش را در آن روز و شب بنویسیم، ولی آنجا به او دست نیافتیم و او را در بند [بیماری] تو دیدیم. پس خداوند عز و جل [به آنان فرمود]: "تا زمانی که بنده ام در بند من است، برای او در هر شب و روز، همانند آنچه در دوران تندرستی اش انجام می داده است، بنویسید؛ چه، بر من است هنگامی که او را از آنچه در دوران تندرستی انجام می داده، باز داشته ام، برای وی پاداش همان را بنویسم."»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۸

۱۹۸. عنه علیه السلام: إِذَا صَبَدَ مَلَكًا الْعَبْدِ الْمَرِيضِ إِلَى السَّمَاءِ عِنْدَ كُلِّ مَسَاءٍ، يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: مَاذَا كُتِبْنَا لِعَبْدِي فِي مَرَضِهِ؟

فَيَقُولَانِ: الشُّكَايَةُ.

فَيَقُولُ: مَا أَنْصَفْتُ عَبْدِي إِنْ حَبَسْتُهُ فِي حَبْسٍ مِنْ حَبْسِي، ثُمَّ أَمْنَعُهُ الشُّكَايَةَ.

فَيَقُولُ: اَكْتُبَا لِعَبْدِي مِثْلَ مَا كُنْتُمْ تَكْتُبَانِ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ فِي صِحَّتِهِ، وَ لَا تَكْتُبَا عَلَيْهِ سَيِّئَةً حَتَّى أُطَلِّقَهُ مِنْ حَبْسِي، فَإِنَّهُ فِي حَبْسٍ مِنْ حَبْسِي. [۳۲۲]

۱۹۹. الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا مَرَضَ الْمُؤْمِنُ أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى صَاحِبِ الشَّمَالِ: لَا تَكْتُبْ عَلَيَّ عَبْدِي مَا دَامَ فِي حَبْسِي وَ وَثَاقِي ذَنْبًا.

وَ يُوْحَى إِلَى صَاحِبِ الْيَمِينِ: أَنْ اَكْتُبْ لِعَبْدِي مَا كُنْتُ تَكْتُبُهُ فِي صِحَّتِهِ مِنَ الْحَسَنَاتِ. [۳۲۳]

راجع: ج ۱، ص ۱۳۲ (تعريف المرض / حبس البدن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۵۹

۱۹۸. امام صادق علیه السلام: چون در هر شامگاه، دو فرشته بنده بیمار به آسمان می روند، پروردگار تبارک و تعالی می پرسد: «برای بنده ام در بیماری اش چه نوشته اید؟»

می گویند: نالیدن.

پس خداوند می فرماید: «با بنده خویش، انصاف روا نداشته‌ام اگر او را در بازداشتی از بازداشت‌های خود بدارم و آن گاه، مانع نالیدن او شوم».

پس [به فرشتگان می فرماید: «برای بنده‌ام، همانند آن کارهای نیکی را که در دوران تندرستی‌اش می نوشتید، بنویسید و هیچ گناهی را بر او ننویسید تا هنگامی که وی را از بازداشت خویش، آزاد کنم؛ چرا که او اکنون، در زندانی از زندان‌های من است»].
۱۹۹. امام کاظم علیه السلام: چون مؤمن بیمار شود، خداوند عز و جل به آن [فرشته که عهده‌دار جانب چپ است، وحی می فرستد: «بر بنده‌ام، تا زمانی که در بازداشت و در بند من است، چیزی منویس؛» نیز به آن که عهده‌دار جانب راست است، وحی می فرستد که: «برای بنده‌ام، آن حسناتی را که در دوران تندرستی وی می نوشتی، بنویس»].
ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۳ (تعریف بیماری / بازداشتگاه تن).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۱

تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها

سید رضی رضوان الله تعالی علیه در ذیل حکمت چهل و دوم نهج البلاغه، یعنی این سخن امیر مؤمنان که فرمود: «خداوند، آن درد و رنجی را که داشته‌ای، مایه ریختن گناهانت قرار دهد؛ چرا که در بیماری، پاداشی نیست»، [۳۲۴] چنین می گوید:
امام علیه السلام راست فرموده که در بیماری، اجری نیست؛ چرا که بیماری، از قبیل آن چیزهایی است که بنده به موجب آن، مستحقّ عوض می شود؛ زیرا استحقاق عوض، در مقابل چیزهایی پیدا می شود که از قبیل دردها و بیماری‌ها و آنچه در این حکم است، فعل خداوند با بنده خویش باشند. اما استحقاق اجر و ثواب در مقابل فعل بنده تحقّق می یابد. بنا بر این، میان این دو تفاوتی وجود دارد که آن حضرت، چنان که دانش ژرف کاو و رأی درست وی اقتضا می کرده، بیان فرموده است.
باید گفت: مؤلف گران قدر نهج البلاغه، در تبیین کلام امام علیه السلام، میان «عوض» و «اجر»، در معنا تفاوت قائل شده است.
از این رو، بیمار را مستحقّ «عوض» دانسته، نه «اجر»؛ چون بیماری، فعل

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۲

خداوند متعال است، لیکن تأمل در احادیث رسیده در مورد پاداش بیماری‌ها، ما را بدین رهنمون می شود که این احادیث، در چند دسته جای می گیرند:

۱. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۶۰ و ۱۷۷) بر این تصریح کرده‌اند که در بیماری، هیچ پاداشی وجود ندارد؛ اما بیماری، مایه طهارت شخص از گناهان است.

۲. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱ و ...) بیان می کنند که بیماری، گناهان انسان را می ریزد، با این تفاوت که این دسته احادیث، نسبت به مسئله اجر و پاداش، سکوت کرده‌اند.

۳. برخی احادیث (همانند حدیث شماره ۱۸۰) بیان می کنند که بیماری، مرتبه انسان را بالا می برد.

۴. برخی احادیث (همانند احادیث شماره ۱۸۷ و ۱۹۰) به وجود پاداش بزرگی برای بیماری تصریح می کند و برخی (مانند حدیث شماره ۱۸۹) از این خبر می دهند که پاداش سه شب تبار بودن، با عبادت هفتاد سال، برابر است.

۵. در برخی احادیث (مانند احادیث باب ۵/۳) آمده که در نامه عمل بیمار، پاداشی معادل انجام دادن اعمالی که به سبب بیماری توفیق انجام دادن آنها را نیافته، نوشته می شود.

۶. حدیث شماره ۱۸۸، در حقیقت، جمع بندی همه انواع احادیث پیش گفته است و در آن، امیر مؤمنان، در پاسخ این پرسش سلمان

که: «آیا اگر بیمار شدیم، بهره‌ای جز پاک شدن از گناهان نیز برایمان هست یا نه؟»، فرمود: «به واسطه شکیبایی بر بیماری، نالیدن به درگاه خداوند عزّ و جلال و دعا کردن در پیشگاه او، برایتان پاداشی نیز هست و به همین کارهاست که برای شما حسنه نوشته می‌شود و مرتبت‌هایتان فراتر برده می‌شود. اما درد، فقط موجب پاک شدن از گناه

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۳

ناه و یک کفّاره است».[۳۲۵]

ناگفته پیداست که بیماری، یک عمل برای انسان نیست تا برای وی پاداش در بر داشته باشد و از همین رو، از دیدگاه امام علیه السلام، آن‌گاه که مؤمنی در برابر درد و بیماری شکیبایی ورزد و در پیشگاه خداوند، دعا و زاری کند، بدان سبب که این شکیبایی و دعا، عملی از اعمال انسان است، پاداش خواهد داشت و به واسطه آن به مرتبت وی در پیشگاه خداوند، افزوده می‌شود و برای او حسنات نوشته خواهد شد.

از همین جاست که می‌بینیم روایت‌های این فصل، به رغم همه اختلافات ظاهری، هیچ تعارضی با همدیگر ندارند؛ چه، روایت‌هایی که از پاداش نداشتن بیماری سخن می‌گویند، نه به عمل و نیت بیمار، بلکه به نفس بیماری نظر دارند، و روایت‌هایی که به ثواب بیمار و بالا رفتن مرتبت او تصریح می‌کنند، به شکیبایی و مقاومت و نیت او ناظرند و از این رو، اگر بیمار در دوران تندرستی، برای مثال، نماز شب می‌خوانده، برای وی در دوران بیماری، پاداش آن نیز نوشته می‌شود. بیماری که علاوه بر این، صبر هم می‌کند، افزون بر این پاداش، پاداش شکیبایی خویش را هم می‌گیرد، و بیماری هم که علاوه بر آن، دعا و تضرّع می‌کند، مرتبت وی نیز نزد خداوند، بالا می‌رود و از مراتب بالا برخوردار می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۴

الفصل الرابع: واجبات المريض

۱ / ۴

كِتْمَانُ الْمَرَضِ

۲۰۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ كِتْمَانُ الْمَصَائِبِ، وَ الْأَمْرَاضِ، وَ الصَّدَقَةِ. [۳۲۶]

۲۰۱. عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: إِذَا اسْتَكَى عَبْدِي فَأَظْهَرَ الْمَرَضَ مِنْ قَبْلِ ثَلَاثِ، فَقَدْ شَكَانِي. [۳۲۷]

۲۰۲. ربيع الأبرار عن عمران بن الحصين أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ رِجَالًا كَانُوا يَأْتُونَنِي، لَمْ أَرِ أَحْسَنَ وَجُوهًا وَلَا أَطْيَبَ أَرْوَاحًا مِنْهُمْ، ثُمَّ انْقَطَعُوا عَنِّي! فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: أَصَابَكَ جُرْحٌ فَكُنْتَ تَكْتُمُهُ؟ فَقَالَ: أَجَل.

[قال:] [۳۲۸] ثُمَّ أَظْهَرْتَهُ؟

قال: كَانَ ذَاكَ.

قال: أَمَا لَوْ أَقَمْتَ عَلَى كِتْمَانِهِ لَزَارَتْكَ الْمَلَائِكَةُ إِلَى أَنْ تَمُوتَ.

وَ كَانَ ذَلِكَ جُرْحًا أَصَابَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. [۳۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۵

فصل چهارم: وظایف بیماران

۲۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: یکی از گنج‌های نیکی، پوشیده داشتن مصیبت‌ها، بیماری‌ها و صدقه است.

۲۰۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرموده است: «وقتی بنده‌ام به درد و رنجی گرفتار شود و بیماری را پیش از سه [روز] آشکار سازد، از من گلایه کرده است».

۲۰۲. ربیع الأبرار: عمران بن حصین به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! مردانی نزد من می‌آمدند که از آنان، خوش‌سیماتر و خوش‌بوتر ندیده‌ام؛ اما پس از چندی از من بریدند.

پیامبر خدا پرسید: «آیا زخمی به تو رسیده بود و آن را پنهان می‌داشتی؟».

گفت: آری.

جعفرمود: [۳۳۰] ج «سپس، آن را آشکار ساختی؟».

گفت: چنین بود.

فرمود: «لیکن اگر همچنان پوشیده می‌داشتی، تا زمانی که زنده بودی، فرشتگان به دیدارت می‌آمدند».

[راوی می‌گوید: آن زخم، جراحتی بود که وی در جهاد در راه خدا برداشته بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۶

۲۰۳. الإمام علی علیه السلام: مَنْ كَتَمَ وَجَعًا أَصَابَهُ ثَلَاثَةٌ أَيَّامٍ مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا إِلَى اللَّهِ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْهُ. [۳۳۱]

۲۰۴. عنه علیه السلام: إِخْفَاءُ الْفَاقَةِ وَالْأَمْرَاضِ مِنَ الْمَرْؤَةِ. [۳۳۲]

۲۰۵. عنه علیه السلام: كَانَ لِي فِيهَا مَضَى أَخٌ فِي اللَّهِ، وَ كَانَ يُعْظِمُهُ فِي عَيْنِي صِعْرُ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ... وَ كَانَ لَا يَشْكُو وَجَعًا إِلَّا عِنْدَ

بُرْئِهِ. [۳۳۳]

۲۰۶. الإمام الباقر علیه السلام لابن الصّادق علیه السلام: يَا بُنَيَّ، مَنْ كَتَمَ بَلَاءً ابْتُلِيَ بِهِ مِنَ النَّاسِ وَ شَكَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، كَانَ

حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُعَافِيَهُ مِنْ ذَلِكَ الْبَلَاءِ. [۳۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۷

۲۰۳. امام علی علیه السلام: هر کس دردی را که به وی رسیده است، سه روز از مردم پنهان بدارد و تنها به درگاه خداوند شکایت

ببرد، بر خداوند حق است که او را از این بیماری عافیت دهد.

۲۰۴. امام علی علیه السلام: پوشیده داشتن تهی‌دستی و بیماری‌ها از مردانگی است.

۲۰۵. امام علی علیه السلام: در گذشته، مرا برادری الهی بود؛ خردی دنیا در نگاه وی، او را در نظرم بزرگ می‌ساخت ... او از هیچ

بیماری‌ای، مگر به گاه بهبود، نمی‌نالید.

۲۰۶. امام باقر علیه السلام خطاب به فرزند خویش امام صادق علیه السلام: پسر! هر کس بلایی را که بدان گرفتار آمده است، از

مردم پنهان بدارد و در این باره، تنها به درگاه خداوند عز و جل بنالد، بر خداوند حق است که او را از آن بلا به عافیت برهاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۸

۲۰۷. الکافی عن ابن ابی عمیر عن بعض أصحابه عن الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ مَرَضَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَكَتَمَهُ وَ لَمْ يُخْبِرْ بِهِ أَحَدًا، أَبَدَلَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَ دَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَ بَشْرَةً خَيْرًا مِنْ بَشْرَتِهِ، وَ شَعْرًا خَيْرًا مِنْ شَعْرِهِ.

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! وَ كَيْفَ يُبَدِّلُهُ؟

قَالَ: يُبَدِّلُهُ لَحْمًا وَ دَمًا، وَ شَعْرًا وَ بَشْرَةً لَمْ يَذَنْبْ فِيهَا. [۳۳۵]

إِظْهَارُ الْمَرَضِ عِنْدَ الطَّيِّبِ

۲۰۸. الإمام علي عليه السلام: مَنْ كَتَمَ الْأَطِبَاءَ مَرَضَهُ، خَانَ بَدَنَهُ. [۳۳۶]

۲۰۹. عنه عليه السلام: مَنْ كَتَمَ مَكُونِ دَائِهِ، عَجَزَ طَبِيبُهُ عَنِ شِفَائِهِ. [۳۳۷]

۲۱۰. عنه عليه السلام: لَا شِفَاءَ لِمَنْ كَتَمَ طَبِيبَهُ دَاءَهُ. [۳۳۸]

الصَّبْرُ

۲۱۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: يُكْتَبُ أَنْيُنُ الْمَرِيضِ، فَإِنْ كَانَ صَابِرًا كُتِبَ حَسَنَاتٍ، وَإِنْ كَانَ جَزِعًا كُتِبَ هَلُوعًا لَا أَجْرَ لَهُ. [۳۳۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۶۹

۲۰۷. الکافی به نقل از ابن ابی عمیر، از یکی از یاران امام صادق علیه السلام: امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس سه روز بیمار باشد و آن را پنهان کند و هیچ کس را از آن آگاه نسازد، خداوند برای او گوشتی بهتر از آن گوشت [که در بیماری از دست رفته است، خونی بهتر از خونس، پوستی بهتر از پوست وی و مویی بهتر از موی وی، جایگزین می کند».

پرسیدم: فدایت شوم! چگونه جایگزین می سازد؟

فرمود: «برای او گوشت، خون، پوست و مویی را جایگزین می کند که با آنها گناه نکرده است».

۲ / ۴ اظهار بیماری نزد پزشک

۲۰۸. امام علی علیه السلام: هر کس بیماری خود را از طیبیان پنهان دارد، بر بدن خویش، خیانت روا داشته است.

۲۰۹. امام علی علیه السلام: هر کس دردهای نهفته خویش را پنهان بدارد، طیبیش از درمان وی فرو ماند.

۲۱۰. امام علی علیه السلام: برای کسی که بیماری خویش را از طیب خود پنهان بدارد، درمانی نیست.

۳ / ۴ شکبایی

۲۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناله بیمار، نوشته می شود. پس اگر شکبیا باشد، [این ناله حسنه نوشته می شود و اگر بی تاب باشد، ناشکیبا و بی پاداش نوشته می شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۰

۲۱۲. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُّ عَبْدٍ مُوَكَّلٌ بِهِ مَلَكَانِ فِي مَرَضِهِ، فَإِذَا مَرَضَ قَالَ: يَا رَبِّ، إِنَّ عَبْدَكَ فُلَانًا قَدْ مَرَضَ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِ فَيَقُولُ:

انظروا ما ذا يَقُولُ فَإِنْ صَبَرَ وَاحْتَسَبَ وَرَجَا فِيهِ الْخَيْرَ، أَدْبَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ، فَيَقُولُ اللَّهُ: فَإِنِّي أَشْهَدُكُمْ أَنَّهُ إِنْ رَفَعْتَهُ أَبَدَلْتُهُ دَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَ غَفَرْتُ لَهُ ذَنْبَهُ. وَإِنْ قَبَضْتَهُ أَدَخَلْتُهُ الْجَنَّةَ.

وَ إِنْ جَزِعَ وَ هَلِعَ قَالَ: إِنْ رَفَعْتَهُ أَبَدَلْتُهُ لَحْمًا شَرًّا مِنْ لَحْمِهِ، وَ دَمًا شَرًّا مِنْ دَمِهِ، وَ عَاقَبْتَهُ بِذَنْبِهِ، وَ إِنْ عَاقَبْتَهُ أَدَخَلْتُهُ النَّارَ. [۳۴۰]

۲۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ مَرَضَ يَوْمًا وَ لَيْلَةً فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَادِهِ، بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حَتَّى يَجُوزَ الصَّرَاطَ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ. [۳۴۱]

۲۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: مَنْ مَرَضَ ثَلَاثًا فَلَمْ يَشْكُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ عُوَادِهِ، أَبَدَلْتُهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ وَ دَمًا خَيْرًا

مِنْ دَمِهِ، فَإِنْ عَافَيْتُهُ عَافَيْتُهُ وَلَا ذَنْبَ لَهُ، وَإِنْ قَبِضْتُهُ قَبِضْتُهُ إِلَى رَحْمَتِي. [۳۴۲]

۲۱۵. الإمام علي عليه السلام: المَرِيضُ فِي سِجْنِ اللَّهِ مَا لَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَاذِهِ تُمَحَى سَيِّئَاتُهُ. [۳۴۳]

۲۱۶. الإمام الصادق عليه السلام وَقَدْ سُئِلَ عَنْ حَيْدِ الشُّكَايَةِ لِلْمَرِيضِ فَقَالَ: إِنَّ الرَّجُلَ يَقُولُ: حُمِمْتُ الْيَوْمَ وَسَيَّهَرْتُ الْبَارِحَةَ، وَقَدْ صَدَقَ وَ لَيْسَ هَذَا شِكَايَةً، وَإِنَّمَا

الشُّكْوَى أَنْ يَقُولَ: قَدْ ابْتَلَيْتُ بِمَا لَمْ يُتَّلَ بِهِ أَحَدٌ، وَيَقُولَ: لَقَدْ أَصَابَنِي مَا لَمْ يُصِبْ أَحَدًا. وَ لَيْسَ الشُّكْوَى أَنْ يَقُولَ: سَيَّهَرْتُ الْبَارِحَةَ وَ حُمِمْتُ الْيَوْمَ، وَ نَحْوَ هَذَا. [۳۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۱

۲۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر هر بنده‌ای در هنگام بیماری، دو فرشته گمارده می‌شود. آنان چون شخص بیمار شود، می‌گویند: پروردگارا! فلان بنده تو بیمار شده است؛ و البته او خود، به این نکته آگاه‌تر است. پس خداوند می‌فرماید: «بنگرید که چه می‌گوید». اگر شکیبایی کند و پاداش خویش از خداوند خواهد و در این بیماری، امید خیر داشته باشد، آن را به بارگاه خدا می‌رسانند.

پس خداوند می‌فرماید: «اینک من، شما را گواه می‌گیرم که چنانچه بیماری او را برطرف کنم، برایش خونی بهتر از خون وی، و گوشتی بهتر از گوشت وی، جایگزین می‌سازم و او را می‌آمزم؛ و اگر نیز جان او را بستانم، وی را به بهشت درمی‌آورم. اما اگر بی‌تابی و ناشکیبی کند، خداوند می‌فرماید: «اگر بیماری او را برطرف کنم، بر این، گوشتی بدتر از گوشتش، و خونی بدتر از خونسش جایگزین می‌کنم و او را به گناهش کیفر می‌دهم و چنانچه او را کیفر دهم، او را به دوزخ درمی‌آورم». [۳۴۵]

۲۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک شبانه روز بیمار شود و نزد عیادت‌کنندگانش شکوه نکند، خداوند، او را در روز قیامت، با خلیل خویش، ابراهیم خلیل الرحمن، برمی‌انگیزد، تا به سان برقی پُر درخشش، از صراط بگذرد.

۲۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل فرموده است: «هر کس، سه روز بیمار باشد و در این مدت، نزد هیچ‌یک از عیادت‌کنندگان شکوه نکند، برای او گوشتی بهتر از گوشت [پیشین وی، و خونی بهتر از خون وی، جایگزین می‌سازم و اگر او را بهبود بخشم، در حالی عافیت می‌دهم که هیچ گناهی برایش نمانده است، و اگر جان او را بستانم، به سوی رحمت خویش می‌ستانم».

۲۱۵. امام علی علیه السلام: بیمار، تا آن هنگام که نزد عیادت‌کنندگان خویش شکوه نکرده، در زندان خداوند است و گناهانش محو می‌شوند.

۲۱۶. امام صادق علیه السلام هنگامی که از ایشان درباره تعریف شکوه از سوی بیمار پرسیده شد: گاه شخص می‌گوید: «امروز، تب دارم» و «دیشب، بیدار ماندم». این سخن او، راست است و شکوه نیست. شکوه، تنها آن است که بگوید: «به چیزی مبتلا شدم که هیچ کس، بدان گرفتار نیامده است»؛ و بگوید: «چیزی دامنگیرم شده که دامنگیر هیچ کس دیگر نشده است»؛ اما شکوه آن نیست که بگوید: «دیشب، بیدار بودم» و «امروز، تب دارم»، یا سخنی دیگر از این قبیل.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۲

۴ / ۴

الشُّكْرُ

۲۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا مَرَضَ الْعَبْدُ بَعَثَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ مَلَكَينَ، فَقَالَ: انظُرَا مَاذَا يَقُولُ لِعُوَاذِهِ؟ فَإِنْ هُوَ إِذَا جَاؤُوهُ حَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ، رَفَعْنَا ذَلِكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. وَ هُوَ أَعْلَمُ.

يَقُولُ: لِعَبْدِي عَلَيَّ إِنْ تَوَفَّيْتُهُ أَنْ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ، وَ إِنْ أَنَا سَفَّيْتُهُ أَنْ ابدِلْ لَهُ لَحْمًا خَيْرًا مِنْ لَحْمِهِ، وَ دَمًا خَيْرًا مِنْ دَمِهِ، وَ أَنْ اكَفِّرْ عَنْهُ

۲۱۸. الکافی عن العزومی عن أبيه عن الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ اشْتَكَى لَيْلَةً فَقَبِلَهَا بِقَبُولِهَا وَ أَدَّى إِلَى اللَّهِ شُكْرَهَا، كَانَتْ كَعِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.

قال أبي: فَقُلْتُ لَهُ: مَا قَبُولُهَا؟

قال: يَصْبِرُ عَلَيْهَا وَلَا يُخْبِرُ بِمَا كَانَ فِيهَا، فَإِذَا أَصْبَحَ حَمِدَ اللَّهَ عَلَى مَا كَانَ. [۳۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۳

۴ / ۴ سیاست‌گذاری

۲۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بنده بیمار شود، خداوند، دو فرشته را به سوی او می‌فرستد و می‌فرماید: «بنگرید او به عیادت کنندگان خویش، چه می‌گوید». اگر هنگامی که آنان نزد او آمدند، خداوند را سپاس و ستایش گفت، آن سپاس و ستایش وی را نزد خداوند عز و جل می‌برند؛ هر چند البته خداوند، خود، آگاه‌تر است. پس خداوند می‌فرماید: «بنده‌ام بر من حق دارد که اگر او را به سوی خویش ببرم، به بهشتش درمی‌آورم و اگر او را شفا دهم، گوشتی بهتر از گوشت وی، و خونی بهتر از خون وی برایش جایگزین می‌سازم و از گناهان او درمی‌گذرم».

۲۱۸. الکافی به نقل از عزومی، از پدرش، از امام صادق علیه السلام: «هر کس شبی بیمار باشد و این بیماری را به جان بپذیرد و سپاس آن را به درگاه خداوند بگزارد، آن شب، برایش همانند عبادت شصت سال است».

از امام علیه السلام پرسیدم: پذیرفتن بیماری چیست؟

فرمود: «بر آن شکیبایی کند، دیگران را از آنچه در این شب بیماری بر او گذشته است، خبر ندهد، و چون شب را به صبح آورد، خداوند را بر آنچه بوده است، سپاس گوید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۴

۵ / ۴

الصَّدَقَةُ

۲۱۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا عُولِجَ مَرِيضٌ بِأَفْضَلٍ مِنَ الصَّدَقَةِ. [۳۴۸]

۲۲۰. عنه صلی الله علیه و آله: دَاوُوا مَرَضَكُمْ بِالصَّدَقَةِ؛ فَإِنَّهَا تَدْفَعُ عَنْكُمْ الْأَمْرَاضَ وَالْأَعْرَاضَ. [۳۴۹]

۲۲۱. الإمام علي عليه السلام: الصَّدَقَةُ دَوَاءٌ مُنْجِحٌ. [۳۵۰]

۲۲۲. الإمام الصادق عليه السلام: يُسْتَحَبُّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُعْطِيَ السَّائِلَ بِيَدِهِ، وَ يَأْمُرَ السَّائِلَ أَنْ يَدْعُوَ لَهُ. [۳۵۱]

۲۲۳. طَبَّ الْأَنْمَةِ: إِنَّ رَجُلًا شَكَا إِلَيْهِ [أَيَ الْإِمَامِ الْكَاطِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ] إِنَّنِي فِي كَثْرَةِ مِنَ الْعِيَالِ كُلُّهُمْ مَرَضَى.

فَقَالَ لَهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: دَاوُوهُمْ بِالصَّدَقَةِ، فَلَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ إِجَابَةً مِنَ الصَّدَقَةِ، وَلَا أَجْدَى مَنَفَعَةً عَلَى الْمَرِيضِ مِنَ

الصَّدَقَةِ. [۳۵۲]

۶ / ۴

الدُّعَاءُ

۲۲۴. الإمام علي عليه السلام: مَرِضْتُ فَعَادَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَقَالَ:

قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ، وَ صَبْرًا عَلَى بِلَّتِكَ، وَ خُرُوجًا إِلَى رَحْمَتِكَ».

فَقُلْتُهَا، فَقُمَّتْ كَأَنَّمَا نَشَطْتُ مِنْ عِقَالٍ. [۳۵۳]

۴/۵ صدقه دادن

۲۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بیماری ای به چیزی برتر از صدقه، درمان نشده است.
۲۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیماران را با صدقه درمان کنید، که آن، بیماری ها و آفت ها را از شما دور می کند.
۲۲۱. امام علی علیه السلام: صدقه، دارویی مؤثر است.
۲۲۲. امام صادق علیه السلام: مستحب است بیمار به دست خود، صدقه ای به سائل بدهد و از او بخواهد برای وی، دعا کند.
۲۲۳. طَبَّ الْأَثَمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَرْدِيْ بِهٖ اِمَامِ كَازِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِزْ اِيْنِ نَّالِيْدِ كِه: نانخور زیادی دارم که همه نیز بیمارند.
- امام کاظم علیه السلام به او فرمود: «آنان را با صدقه درمان کنید؛ زیرا هیچ چیز به اندازه صدقه به اجابت، نزدیک نیست و بیش از صدقه برای بیمار، منفعت در پی نمی آورد».

۴/۶ دعا کردن

۲۲۴. امام علی علیه السلام: بیمار شدم و پیامبر خدا به عیادت آمد و فرمود: «بگو: خداوندا! از تو می خواهم عافیتی را که می دهی، پیش اندازی، بر امتحان خویش، بردباری ام بخشی، و مرا به سوی رحمت خویش ببری».
- من، این دعا را خواندم و پس از آن [دعا]، از بستر بیماری برخاستم، گویا که از بندی رسته باشم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۶

۲۲۵. عنه عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَي رَجُلٍ مِّنَ الْأَنْصَارِ مَرِيضٍ يَعُوْدُهُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، ادْعُ اللَّهُ لِي. فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: قُلْ: «أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ، رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَ أَسْأَلُ اللَّهَ الْكَبِيْرَ».
- فَقَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَامَ كَأَنَّمَا نَشَطَ مِنْ عِقَالٍ. [۳۵۴]

۲۲۶. السنن الكبرى عن عبد الله بن حسن: إِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ جَعْفَرٍ دَخَلَ عَلَي ابْنِ لَه مَرِيضٍ، يُقَالُ لَهُ صَالِحٌ، فَقَالَ: قُلْ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي، اللَّهُمَّ اِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ تَجَاوَزْ عَنِّي، اللَّهُمَّ اعْفُ عَنِّي فَإِنَّكَ عَفُوٌّ غَفُورٌ».

ثُمَّ قَالَ: هُوَ لِإِ الْكَلِمَاتِ عَلَّمْنِيهِنَّ عَمِّي، ذَكَرَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَلَّمَهُنَّ إِيَّاهُ. [۳۵۵]

۲۲۷. الإمام زين العابدين عليه السلام في دُعَائِهِ عِنْدَ الْمَرَضِ: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي مَا لَمْ أَزَلْ أَتَصَيَّرْ فِيهِ مِنْ سَلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَي مَا أَحْدَثَتْ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي، فَمَا أَدْرِي يَا إِلَهِي أَيُّ الْحَالِيْنَ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتِيْنَ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ؟ أَوْ قَتِ الصَّحَّةِ الَّتِي هَنَأْتَنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ،

وَ نَشَطْتَنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوَّيْتَنِي مَعَهَا عَلَي مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ؟ أَمْ وَقَتِ الْعِلَّةِ الَّتِي مَحَّصْتَنِي بِهَا، وَ النَّعْمِ الَّتِي أَتَحَفَّنِي بِهَا تَخْفِيْفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَي ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيْرًا لِمَا انْعَمَسْتُ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيْهًا لِتَنَاوُلِ التَّوْبَةِ، وَ تَذَكِيْرًا لِمَحْوِ الْخَوْبَةِ بِسَدِيمِ النَّعْمَةِ؟ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَ لَا لِسَانٌ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَةٌ تَكَلَّمَتْهُ، بَلْ إِفْضَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانًا مِنْ صَنِيعِكَ إِلَيَّ.

اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آله، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيْتَنِي لِي، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَلْتَ بِي، وَ طَهِّرْ نِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَ امْحُ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ، وَ أَوْجِدْ نِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ وَ أذِقْ نِي بَرْدَ السَّلَامَةِ.

وَاجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عَلْتِي إِلَى عَفْوِكَ وَ مُتَحَوِّلِي عَنْ صِرْعَتِي إِلَى تَجَاوُزِكَ وَ خَلَاصِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ وَ سَيِّلَاتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَّةِ إِلَى فَرْجِكَ؛ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِمْتِنَانِ الْوَهَّابُ الْكَرِيمُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. [۳۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۷

۲۲۵. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، بر مردی از انصار که بیمار شده بود، وارد شد تا او را عیادت کند. او گفت: ای پیامبر خدا! برای من به درگاه خداوند، دعا کن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بگو: "از خداوند بزرگ، پروردگار عرش بزرگ، مسئلت می کنم و از خداوند بزرگ، می خواهم."»

مرد، این دعا را سه بار خواند و در پی آن، از بستر بیماری برخاست، چنان که از بند، رسته باشد.

۲۲۶. السنن الکبری به نقل از عبد الله بن حسن: عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، بر یکی از فرزندان خویش به نام «صالح» که بیمار بود، در آمد و به او گفت: «بگو: "خدایی نیست جز خداوند بر دبار بزرگوار. منزّه است پروردگار عرش بزرگ! پروردگارا، مرا

بیمارز! پروردگارا، بر من رحمت فرست! پروردگارا، از من در گذر! پروردگارا، بر من ببخشای که تو بخشایشگر آمرزنده ای."»!

[عبد الله بن جعفر] سپس گفت: اینها کلماتی است که عمویم [علی علیه السلام به من آموخته و یادآور شده که پیامبر خدا، آنها را به وی، تعلیم فرموده است.

۲۲۷. امام سجّاد علیه السلام در دعای خویش به گاه بیماری: خداوند! بر سلامت تنم که پیوسته با آن به کار خویش پرداخته ام، تو را سپاس می گویم، و [نیز] بر آن بیماری ای که بر تنم عارض کردی، تو را سپاس می گویم. اکنون ای خدای من! نمی دانم کدام یک از این دو حال، سزامنتر برای سپاس گزاردن توست و کدام یک از این دو وقت، سزاوارتر برای ستودن تو.

زمان تندرستی، که در آن روزی های پاک خویش را گوارایم ساختی و مرا به آنها برای جُستن خشنودی و فضل خود، شور و نشاط بخشیدی و با برخورداری از آنها، بر آن طاعت ها که توفیقش را ارزانی ام داشتی توانا ساختی؟ یا زمان بیماری که مرا بدان آزمودی؟ و نعمت هایی که به من

ارمغان دادی تا مایه سبک شدن بار گناھانی شود که پُشتم را سنگین کرده بود و مایه طهارت از آن گناھانی باشد که در آن، غوطه ور شده بودم، و توجّه دهنده ای باشد که به توبه باز گردم، و یادآوری باشد که گناه را به برکت نعمت دیرین تو بزدایم.

و در این مدّت بیماری، کاتبان اعمال، برایم آن اندازه اعمال پاک نوشتند که نه به دلی خطور کرده است، نه بر زبانی گذشته، و نه اندامی توان انجام دادنش را یافته؛ بلکه این همه فضل تو بر من بوده و احسان و نیکی ای بوده است که بر من روا داشته ای. پروردگارا! پس بر محمّد و خاندانش، درود فرست و آنچه را برایم بدان خرسندی، محبوبم بدار. آنچه را بر من وارد آورده ای، آسان و گوارایم ساز و مرا از آلودگی هایی که پیش تر انجام داده ام، پاک بدار و بدی هایی را که پیش فرستاده ام، [از نامه عملم بزدای، و شیرینی عافیت و خُنکای سلامت را به من بچشان.

برون شد مرا از بیماری به سوی عفو خویش، باز گشت مرا از دوران بسترنشینی ام به سوی چشم پوشی خویش، رهایی ام از درد و رنجم را به فراخانی رحمت خویش، و سلامت یافتنم از این سختی را به آستان گشایش خویش، قرار ده! تویی که نیکی ات سرشار است و دست منتت بر همه، گشاده. بخشنده و بزرگوار و صاحب جلال و اکرامی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۸

۲۲۸. الإمام الصادق علیه السلام كَانَ يَقُولُ عِنْدَ الْعِلَّةِ: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَيَّرْتَ أَقْوَامًا فَقُلْتَ: «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا» [۳۵۷] فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشْفَ ضُرِّي وَلَا تَحْوِيلَهُ عَنِّي أَحْيِدْ غَيْرَهُ، صَيِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْشِفْ ضُرِّي وَ حَوْلَهُ إِلَى مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ. [۳۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۷۹

۲۲۸. امام صادق علیه السلام دعای ایشان به هنگام بیماری: خداوند! تو خود، کسانی را سرزنش کردی و فرمودی: «بگو کسانی را که به جای خداوند به خدایی می‌پنداشته‌اید، فرا خوانید تا ببینید که نه نمی‌توانند سختی‌ای از شما بکشایند، و نه شما را به حالتی دیگر درآورند». پس ای آن که هیچ کس جز او نتواند سختی‌ای از من بکشاید و مرا به حالتی دیگر ببرد! بر محمد و خاندانش درود فرست، و سختی را از من بکشای و آن را به سوی کسانی ببر که در کنار تو که خدایی جز تو نیست خدایی دیگر را می‌خوانند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۰

الفصل الخامس: التمریض

۱ / ۵

ثواب التمریض

۲۲۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَامَ عَلَي مَرِيضٍ يَوْمًا وَلَيْلَةً، بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَازَ عَلَي الصَّرَاطِ كَالْبُرْقِ اللَّامِعِ. [۳۵۹]

۲۳۰. الإمام علي عليه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا أَبَتِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ كَانَ الْمَرِيضُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، أَوْ لَيْسَ ذَلِكَ أَعْظَمَ أَجْرًا إِذَا سَعَى فِي حَاجَةٍ أَهْلِ بَيْتِهِ؟

قَالَ: نَعَمْ. [۳۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۱

فصل پنجم: پرستاری

۱ / ۵ پاداش پرستاری

۲۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس یک شبانه روز بیماری را پرستاری کند، خداوند، او را همراه با ابراهیم خلیل، برمی‌انگیزد و به سان برقی پُر درخشش، از صراط می‌گذرد.

۲۳۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «هر کس در برآوردن نیاز بیماری بکوشد، خواه آن را برآورد و خواه برنیاورد، از زیر بار گناه خویش بیرون می‌رود، به‌سان آن روز که از مادر، زاده شده است».

در این هنگام، مردی از انصار گفت: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم به فدایت! اگر بیمار از خانواده شخص باشد، آیا در صورتی که در برآوردن نیاز خانواده خویش بکوشد، این کار، پاداش بیشتری ندارد؟

فرمود: «چرا».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۲

۲۳۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَطْعَمَ مَرِيضًا شَهْوَتَهُ، أَطْعَمَهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا مِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ. [۳۶۱]

۲۳۲. الکافی عن مرزم بن حکیم: زاملتُ مُحَمَّدَ بْنَ مُصَادِفٍ، فَلَمَّا دَخَلْنَا الْمَدِينَةَ اعْتَلَّتْ، فَكَانَ يَمْضِي إِلَى الْمَسْجِدِ وَيَدْعُنِي وَحْدِي، فَشَكَوتُ ذَلِكَ إِلَى مُصَادِفٍ، فَأَخْبَرَ بِهِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ: فَعَوَّدَكَ عِنْدَهُ أَفْضَلَ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْمَسْجِدِ. [۳۶۲]

۲۳۳. الإمام الصادق عليه السلام في تفسير «الإحسان» في قوله تعالى في قصه يوسف: «بَنَيْنَا بُتَاوِيلَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» [۳۶۳]: كَانَ يَوْسُفُ يَقُومُ عَلَى الْمَرِيضِ. [۳۶۴]

۲ / ۵

أَدَبُ التَّمْرِيزِ

۲۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تُكْرِهُوا مَرَضَكُمْ عَلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُهُمْ وَيَسْقِيهِمْ. [۳۶۵]

۲۳۵. سنن ابن ماجه عن ابن عباس: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَادَ رَجُلًا، فَقَالَ: مَا تَشْتَهِي؟ قَالَ: أَشْتَهِي خُبْزَ بُرٍّ.

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ خُبْزُ بُرٍّ فَلْيَبِعْهُ إِلَى أَخِيهِ.

ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا أَشْتَهَى مَرِيضٌ أَحَدَكُمْ شَيْئًا فَلْيُطْعِمْهُ. [۳۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۳

۲۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس غذایی را که بیمار هوس کرده است، به او برساند، خداوند، از میوه‌های بهشتی به او خواهد خوراند.

۲۳۲. الکافی به نقل از مرزم بن حکیم: با محمد بن مصادف همسفر شدم. چون به مدینه وارد شدیم، بیمار شدم. او [در این مدت به مسجد می‌رفت و مرا تنها می‌گذاشت. از این کار به مصادف، گلایه کردم. او هم امام صادق علیه السلام را از این جریان، آگاه کرد.

امام علیه السلام برایش چنین پاسخ فرستاد: «نشستن تو نزد او، از نماز خواندن در مسجد [پیامبر صلی الله علیه و آله برتر است».

۲۳۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر واژه «احسان» در این سخن خداوند در سوره یوسف که فرمود: «ما را از تأویل آن، آگاه کن که تو را از نیکوکاران می‌بینم»: یوسف، از بیماران، پرستاری می‌کرد.

۲ / ۵ آداب پرستاری

۲۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیمارانتان را به خوردنی و نوشیدنی وادار مکنید؛ چرا که خداوند، به آنان می‌خوراند و می‌نوشاند.

۲۳۵. سنن ابن ماجه به نقل از ابن عباس: پیامبر خدا، مردی را عیادت کرد و از او پرسید: «چه میل داری؟».

گفت: نان گندم، دوست دارم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس نان گندمی دارد، برای برادر خویش بفرستد».

سپس فرمود: «اگر بیماری از بیمارانتان، چیزی را هوس کرد، آن را به وی بخورانید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۴

۲۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: اتى أمير المؤمنين عليه السلام بقوم سراقٍ قد قامت عليهم البيئته و أقرؤا.

قال: ففقطع أيديهم، ثم قال: يا قنبر، ضممهم إليك فداو كلوهمهم، و أحسن القيام عليهم. [۳۶۷]

۲۳۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أروى أن الصَّحَّةَ وَالْعِلَّةَ يَفْتَتِلَانِ فِي الْجَسَدِ؛ فَإِنَّ غَلَبَتِ الْعِلَّةُ الصَّحَّةَ اسْتَيْقَطَ الْمَرِيضُ، وَ

إِنْ غَلَبَتِ الصَّحَّةُ الْعِلَّةَ اشْتَهَى الطَّعَامَ، فَإِذَا اشْتَهَى الطَّعَامَ فَاطْعِمُوهُ فَلَرُبَّمَا فِيهِ الشِّفَاءُ. [۳۶۸]

۳ / ۵

المُمَرِّضَاتُ فِي غَزَوَاتِ النَّبِيِّ

۲۳۸. السنن الكبرى عن الزبيح [۳۶۹]: كُنَّا نَغْزُو مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَانْسَقَى الْقَوْمَ وَنَخِدْمُهُمْ، وَتَرُدُّ الْجَرْحَى وَالْقَتْلَى إِلَى الْمَدِينَةِ. [۳۷۰]

۲۳۹. صحيح البخاري عن سهل بن سعد الساعدي: لَمَّا كُسِرَتْ عَلَى رَأْسِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْبَيْضَةُ، وَادْمَى وَجْهُهُ وَكُسِرَتْ رِجْلَيْهِ [۳۷۱]، وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْتَلِفُ بِالْمَاءِ فِي الْمَجْنِّ، وَجَاءَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَغْسِلُ عَنْ وَجْهِهِ الدَّمَ، فَلَمَّا رَأَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ الدَّمَ يَزِيدُ عَلَى الْمَاءِ كَثْرَةً، عَمَدَتْ إِلَى حَصِيرٍ فَأَحْرَقَتْهَا، وَأَلْصَقَتْهَا عَلَى جُرْحِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَرَقَّ الدَّمَ. [۳۷۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۵

۲۳۶. امام صادق علیه السلام: طایفه‌ای از دزدان را که دلیل بر ضدشان اقامه شده بود و اقرار کرده بودند، نزد امیر مؤمنان آوردند. پس دستان آنان را بُرید و سپس فرمود: «ای قنبر! آنان را نزد خود ببر، زخم‌هایشان را درمان ساز و به نیکی از آنان، پرستاری کن».

۲۳۷. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: روایت می‌کنم که تندرستی و بیماری در بدن با همدیگر، پیکار می‌کنند. پس اگر تندرستی بر بیماری چیرگی یابد، بیمار از بستر برمی‌خیزد؛ اما اگر بیماری بر تندرستی چیره شود، بیمار، اشتهاى به غذا پیدا می‌کند. اگر او اشتها پیدا کرد، به او بخورانید، شاید که شفایش در همان باشد.

توضیح

حدیث نخست در این باب، اشاره به این است که نداشتن اشتها نشانه‌ای از مفید نبودن و یا زیان داشتن غذا و آب برای بیمار است، چنان که مقصود از این بخش حدیث هم که فرموده «خداوند، خود به آنان می‌خوراند و می‌نوشاند»، نبود نیاز طبیعی بیمار به غذا و آب در هنگام بی‌اشتهایی است.

اما بر عکس، اشتها به غذا، نشانه‌ای از نیاز بدن به آن و فایده آن برای بیمار است و از همین رو، حدیث دوم و چهارم، به دادن آب و غذا به بیمار، سفارش کرده است. البته، طبیعی است که این نکته با آن منافات ندارد که برخی از غذاها یا نوشیدنی‌ها برای برخی از بیماران، زیان داشته باشد. بنا بر این، ریزنی با پزشک درباره کیفیت و چگونگی غذای بیمار، ضروری است.

۳ / ۵ زنان پرستار در نبردهای پیامبر

۲۳۸. السنن الكبرى به نقل از ربیع [۳۷۳]: ما همراه با پیامبر خدا به پیکار می‌رفتیم و به مردم، آب می‌رساندیم، آنان را خدمت می‌کردیم و معجروان و کشتگان را به مدینه باز می‌گرداندیم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۶

۲۴۰. السيرة النبوية عن ابن إسحاق: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ جَعَلَ سَعْدَ بْنَ مُعَاذٍ فِي حَيْمِهِ لِامْرَأَةٍ مِنْ أَسْلَمٍ يُقَالُ لَهَا «رُفَيْدَةُ» فِي مَسْجِدِهِ، كَانَتْ تُدَاوِي الْجَرْحَى، وَتَحْتَسِبُ بِنَفْسِهَا عَلَى خِدْمَةِ مَنْ كَانَتْ بِهِ ضَيْعَةٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ قَالَ لِقَوْمِهِ حِينَ أَصَابَهُ السَّهْمُ بِالْخَنْدِقِ: اجْعَلُوهُ فِي حَيْمِهِ رُفَيْدَةَ حَتَّى أَعُوذَهُ مِنْ قَرِيبٍ. [۳۷۴]

۲۴۱. المعجم الصغير عن أنس: قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْرُجْ مَعَكَ إِلَى الْغَزْوِ؟

فَقَالَ: يَا أُمَّ سَلَمَةَ، إِنَّهُ لَمْ يُكْتَبْ عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ.

فَقَالَتْ: اِذَاوَى الْجَرْحَى، وَاعَالِجِ الْعَيْنَ، وَاسْقِي الْمَاءَ.

قَالَ: فَتَنَعَم، إِذَا. [۳۷۵]

۲۴۲. صحیح مسلم عن أنس: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغْزُو بِأُمَّ سَلِيمٍ وَنِسْوَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ مَعَهُ إِذَا غَزَا، فَيَسْقِيَنَّ الْمَاءَ، وَ يُدَاوِيَنَّ الْجَرْحَى. [۳۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۷

۲۳۹. صحیح البخاری به نقل از سهل بن سعد ساعدی: هنگامی که کلاه خود بر سر پیامبر خدا شکست، چهره وی به خون نشست و دندان رباعی [۳۷۷] ایشان نیز شکست و زمانی که علی علیه السلام با سپر، آب می آورد و فاطمه علیها السلام، بدان جا آمد و از چهره ایشان، خون را می شست، چون فاطمه علیها السلام مشاهده کرد که خون بر چهره بیشتر می شود، حصیری را برداشت و سوزاند و این سوزانده را به زخم پیامبر خدا چسباند و پس از آن، خون، فرو نشست.

۲۴۰. السیره النبویه به نقل از ابن اسحاق: پیامبر خدا، سعد بن معاذ را در خیمه زنی از خاندان اسلم، قرار داده بود که او را «رُفیده» می نامیدند، و این خیمه را در مسجد، برافراشته بود و در آن، مجروحان را درمان می کرد و به رایگان، به کسانی از مسلمانان که گرفتاری ای داشتند، خدمت می کرد. پیامبر خدا، هنگامی که در نبرد خندق، تیری به سعد اصابت کرد، به کسان وی چنین فرمان داده بود: «او را به خیمه رفیده ببرید تا وی را از نزدیک، عیادت کنم».

۲۴۱. المعجم الصغیر به نقل از انس: امّ سلمه گفت: ای پیامبر خدا! آیا می توانم به همراهت روانه پیکار شوم؟ فرمود: «ای امّ سلمه! جهاد بر زنان نوشته نشده است».

امّ سلمه گفت: مجروحان را درمان می کنم، چشم را علاج می سازم و آب می رسانم. فرمود: «در این صورت، آری».

۲۴۲. صحیح مسلم به نقل از انس: پیامبر خدا، امّ سلیم و زنانی از انصار را با خود به پیکار می برد و آنان، آب می رساندند و مجروحان را درمان می کردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۸

۲۴۳. الطبقات الکبری: أَسْلَمَتْ أُمُّ سَلِيمٍ، وَبَايَعَتْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَشَهِدَتْ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَهِيَ حَامِلٌ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي طَلْحَةَ، وَشَهِدَتْ قَبْلَ ذَلِكَ يَوْمَ أُحُدٍ تَسْقِي الْعَطْشَى، وَتُدَاوِي الْجَرْحَى. [۳۷۸]

۲۴۴. الطبقات الکبری عن امّ سنان الأسلمیه: لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْخُرُوجَ إِلَى خَيْبَرَ جِئْتُهُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَخْرُجْ مَعَكَ فِي وَجْهِكَ هَذَا أَخْرَزُ السَّقَاءَ، وَادَاوِي الْمَرِيضَ وَالْجَرِيحَ إِنْ كَانَتْ جِرَاحٌ وَلا تَكُونُ، وَابْصُرِ الرَّحَلَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْرُجِي عَلَيَّ بِرَكَةِ اللَّهِ؛ فَإِنَّ لَكَ صَوَاحِبَ قَدْ كَلَّمَنِي وَأَذِنْتُ لَهُنَّ مِنْ قَوْمِكَ وَمِنْ غَيْرِهِمْ، فَإِنْ شِئْتَ فَمَعَ قَوْمِكَ، وَإِنْ شِئْتَ فَمَعْنَا. قُلْتُ: مَعَكَ.

قَالَ: فَكُونِي مَعَ أُمَّ سَلَمَةَ زَوْجَتِي.

قَالَتْ: فَكُنْتُ مَعَهَا. [۳۷۹]

۲۴۵. سنن الترمذی عن یزید بن هرمل: إِنَّ نَجْدَةَ الْحَرُورِيَّ كَتَبَ إِلَى ابْنِ عَبَّاسٍ يَسْأَلُهُ: هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغْزُو بِالنِّسَاءِ؟ وَهَلْ كَانَ يَضْرِبُ لَهُنَّ بِسَهْمٍ؟

فَكَتَبَ إِلَيْهِ ابْنُ عَبَّاسٍ: كَتَبْتُ إِلَيْكَ تَسْأَلُنِي هَلْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغْزُو بِالنِّسَاءِ؟ وَكَانَ يَغْزُو بِهِنَّ فَيُدَاوِيَنَّ الْمَرَضَى، وَ يُحَدِّثَنَّ مِنَ الْغَنِيمَةِ. [۳۸۰]

۲۴۶. صحیح مسلم عن امّ عطیة الأنصاریة: غَزَوْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبْعَ غَزَوَاتٍ، أَخْلَفُهُمْ فِي رِحَالِهِمْ. فَأَصْنَعُ لَهُمُ الطَّعَامَ، وَادَاوِي الْجَرْحَى، وَاقُومُ عَلَى الْمَرْضَى. [۳۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۸۹

۲۴۳. الطبقات الكبرى: امّ سلیم، اسلام آورد و با پیامبر خدا، بیعت کرد و در نبرد حنین هم، در حالی که به عبد الله بن ابی طلحه آبتن بود، حضور یافت. او پیش تر در نبرد احد به تشنگان، آب می‌رساند و مجروحان را درمان می‌کرد.

۲۴۴. الطبقات الكبرى به نقل از امّ سنان اسلمی: هنگامی که پیامبر خدا، آهنگ خیر داشت، به حضور وی رسیدم و گفتم: ای پیامبر خدا! آیا در این آهنگی که داری، می‌توانم با تو روانه شوم تا در آنجا مشک پاره شده‌ای را بدوزم، بیمار و مجروح را اگر خدای نکرده، مجروحانی باشند درمان کنم و پاسبان زاد و توشه باشم؟

پیامبر خدا به او فرمود: «به برکت خداوند، روانه شو؛ چه، دوستانی از تو از خاندانت و از دیگر کسان، [پیش‌تر] با من سخن گفته‌اند و من به آنان اجازه داده‌ام. اینک، اگر که خواستی، با خاندان خویش روانه می‌شوی و اگر هم خواستی، با ما». گفتم: با شما.

فرمود: «پس با امّ سلمه، همسرم، همراه باش».

پس من با او (امّ سلمه) بودم!

۲۴۵. سنن الترمذی به نقل از یزید بن هرمز: نجده حروری [۳۸۲] به ابن عباس نوشت و از او پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه و آله، زنان را به نبردها می‌برد؟ و آیا برای آنان، سهمی مقرر می‌داشت؟

ابن عباس، در پاسخ او چنین نوشت: به من نامه نوشته‌ای و از من پرسیده‌ای که آیا پیامبر خدا، زنان را به پیکار می‌برد؟ [آری!]. او زنان را به پیکار می‌برد و آنان، بیماران را درمان می‌کردند و از غنیمت نیز بهره‌ای داده می‌شدند.

۲۴۶. صحیح مسلم به نقل از امّ عطیة انصاری: همراه پیامبر خدا، در هفت

جنگ، حضور یافتم. من در خیمه‌گاه آنان می‌ماندم و برایشان غذا آماده می‌کردم، مجروحان را درمان می‌ساختم و بیماران را پرستاری می‌کردم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۰

۲۴۷. مسند ابن حنبل عن امیة بنت ابي الصلت عن امرأة من بنی غفار: أتیْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي نِسْوَةٍ مِنْ بَنِي غِفَارٍ، فَقُلْنَا لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَدْ أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ مَعَكَ إِلَى وَجْهِكَ هَذَا وَهُوَ يَسِيرُ إِلَى خَيْبَرَ فَنُداوِي الْجَرْحَى، وَنُعِينُ الْمُسْلِمِينَ بِمَا اسْتَطَعْنَا.

فَقَالَ: عَلَى بَرَكَهٍ اللَّهِ.

قَالَتْ: فَخَرَجْنَا مَعَهُ...

قَالَتْ: فَلَمَّا فَتِحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْبَرَ، رَضَخَ لَنَا مِنَ الْفَيْءِ، وَأَخَذَ هَذِهِ الْقِلَادَةَ الَّتِي تَرِينَ فِي عُنُقِي فَأَعْطَانِيهَا، وَجَعَلَهَا بِيَدِي فِي عُنُقِي، فَوَاللَّهِ لَا تُفَارِقُنِي أَبَدًا. [۳۸۳]

۲۴۸. السنن الكبرى عن حشر بن زياد عن جدته امّ أبيه: خَرَجْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي غَزَاةِ خَيْبَرَ وَأَنَا سَادِسَةٌ سِتِّ نِسْوَةٍ، فَبَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ مَعَهُ نِسَاءٌ، فَأَرْسَلَ إِلَيْنَا فَأَتَيْنَاهُ، فَرَأَيْنَا عَلَى وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْغَضَبَ.

فَقَالَ لَنَا: مَا أَخْرَجَكُنَّ وَبِأَمْرِ مَنْ خَرَجْتُنَّ؟

قُلْنَا: خَرَجْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَكَ نُنَاوِلُ السَّهَامَ، وَنَسْقِي السَّوِيقَ، وَنُداوِي الْجَرْحَى، وَنَغْزِلُ الشَّعْرَ نُعِينُ بِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

قَالَ: فَمَنْ فَاَنْصَرَفَنَ.

قَالَتْ: فَلَمَّا فَتَحَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ خَيْبَرَ أَسْهَمَ لَنَا كَسِهَامِ الرِّجَالِ.

قَالَ: فَقُلْتُ لَهَا: يَا جَدَّةُ، مَا الَّذِي أَسْهَمَ لَكِنَّ؟

قَالَتْ: التَّمَرُ. [۳۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۱

۲۴۷. مسند ابن حنبل به نقل از امیه دختر ابو الصلت، از یکی از زنان خاندان بنی غفار: همراه با شماری از زنان بنی غفار، به حضور پیامبر خدا رسیدم. به ایشان گفتیم: ای پیامبر خدا! ما می‌خواهیم در این پیکاری که آهنگش را کرده‌ای و در آن زمان، پیامبر صلی الله علیه و آله آهنگ خبیر داشت با تو روانه شویم و آنجا مجروحان را درمان کنیم و به مسلمانان، با آنچه در توانمان هست، یاری رسانیم.

فرمود: «در سایه برکت خداوند!».

پس ما با ایشان، روانه شدیم

چون پیامبر خدا، خیبر را گشود، از غنایم، قدری نیز به ما بخشید. او این گردنبند را که اکنون در گردن دارم، [از میان غنایم برداشت و به من داد و به دست خویش، بر گردنم آویخت. به خداوند سوگند، هرگز این گردنبند از من جدا نخواهد شد.

۲۴۸. السنن الکبری به نقل از حشر بن زیاد، از مادر بزرگ وی (مادر پدرش): در نبرد خیبر، در حالی که یکی از شش زن حضور یافته در آن نبرد بودم، شرکت کردم. به پیامبر خدا خبر رسید که تنی چند از زنان با او همراه شده‌اند. او در پی ما فرستاد و ما نیز نزد وی رسیدیم. بر چهره پیامبر خدا، خشم را دیدم.

او به ما فرمود: «به چه سبب و به دستور چه کسی روانه شده‌اید؟».

گفتیم: ای پیامبر خدا! همراهت روانه شده‌ایم تا تیری به دست تیراندازان دهیم و سویقی [۳۸۵] به شما بخورانیم و مجروحان را درمان کنیم و مو بیافیم و بدین وسیله، به جهاد در راه خدا، یاری برسانیم.

فرمود: «برخیزید و بروید».

هنگامی که خداوند، فتح خیبر را نصیب پیامبرش کرد، وی به ما سهمی همانند سهم مردان، اختصاص داد.

راوی (حشر) می‌گوید: به او گفتیم: مادر بزرگ! سهمی که به شما داد، چه بود؟

گفت: میوه.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۲

۲۴۹. الطبقات الکبری عن محمّد بن عمر: حَضَرَتِ امُّ اَیْمَنَ اُحَدًا، وَ كَانَتْ تَسْقِي الْمَاءَ وَ تُدَاوِي الْجَرْحِي، وَ شَهِدَتْ خَيْبَرَ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله. [۳۸۶]

۲۵۰. الطبقات الکبری: أَسَلَمَتْ امُّ عُمَارَةَ وَ حَضَرَتْ لَيْلَةَ الْعَقَبَةِ، وَ بَايَعَتْ رَسُولَ اللّٰهِ وَ شَهِدَتْ اُحَدًا، وَ اَلْحُدَيْبِيَّةَ وَ خَيْبَرَ، وَ عُمَرَةَ الْقَضِيَّةَ، وَ حُنَيْنًا، وَ يَوْمَ الْيَمَامَةِ، وَ قُطِعَتْ يَدُهَا، وَ سَمِعَتْ مِنَ النَّبِيِّ اَحَادِيثَ. [۳۸۷]

۲۵۱. الطبقات الکبری عن محمّد بن يحيى بن حبان: جَرِحَتْ امُّ عُمَارَةَ بِاِحْدِ اثْنَيْ عَشَرَ جُرْحًا، وَ قُطِعَتْ يَدُهَا بِالْيَمَامَةِ، وَ جَرِحَتْ يَوْمَ الْيَمَامَةِ سِوَى يَدِهَا اَحَدَ عَشَرَ جُرْحًا، فَقَدِمَتِ الْمَدِينَةَ وَ بِهَا الْجِرَاحَةُ. [۳۸۸]

۲۵۲. الطبقات الکبری عن عبد الله بن زيد في ذِكْرِ مَعْرِكَةِ اُحَدٍ: جَرِحْتُ يَوْمَئِذٍ جُرْحًا فِي عَضِدِي الْيُسْرَى؛ ضَرَبَنِي رَجُلٌ كَأَنَّهُ الرَّقْلُ وَ لَمْ يُعْرِجْ عَلَيَّ وَ مَضَى عَنِّي، وَ جَعَلَ الدَّمُ لَا يَرِقًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللّٰهِ: اعْصِبْ جُرْحَكَ، فَتَقْبَلُ امِّي اِلَيَّ وَ مَعَهَا عَصَائِبُ فِي

حَقْوِيهَا قَدْ اَعْدَدْتَهَا لِلْجِرَاحِ فَرَبَطْتُ جُرْحِي، وَ النَّبِيُّ واقِفٌ يَنْظُرُ اِلَيَّ. ثُمَّ قَالَتْ: انْهَضَ بَنِي فَضَارِبِ الْقَوْمِ، فَجَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ: وَ مَنْ يُطِيقُ مَا تُطِيقِينَ يَا امَّ عُمَارَةَ! [۳۸۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۳

۲۴۹. الطبقات الکبری به نقل از محمد بن عمر: ام ایمن در اُحُد حضور یافت. او آب می‌رساند و مجروحان را درمان می‌کرد. وی در نبرد خیبر نیز همراه با پیامبر خدا، حضور یافت.

۲۵۰. الطبقات الکبری: ام عماره، اسلام آورد و در شب عَقَبه [۳۹۰] حضور یافت و با پیامبر خدا، بیعت کرد. او در نبردهای اُحُد، حُدَیبیه، خیبر، عمره القضا، [۳۹۱] حُتین و یمامه نیز حضور داشت، دستش قطع شد و از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیثی نیز شنید.

۲۵۱. الطبقات الکبری به نقل از محمد بن یحیی بن حَبان: ام عماره در اُحُد، دوازده زخم برداشت و دستش در نبرد یمامه، قطع شد. او افزون بر دستش، در نبرد یمامه، یازده زخم دیگر برداشت و در حالی به مدینه بازگشت که هنوز این زخم‌ها بر او بود.

۲۵۲. الطبقات الکبری در شرح نبرد اُحُد، از عبد الله بن زید: در آن روز، دست چپم زخمی شد. مردی همانند تنه نخل، ضربتی بر من وارد آورد و بی‌آنکه کارم را یکسره کند، مرا فرو گذاشت. خون می‌ریخت و توقفی نداشت. در این هنگام، پیامبر خدا فرمود: «زخم خویش را ببند». پس مادرم که باندهایی برای زخم‌ها آماده ساخته و به کمر خویش بسته بود، به سراغم آمد و در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاده بود و او را می‌نگریست، زخم مرا بست. سپس گفت: پسر! برخیز و با این مردمان، پیکار کن. پیامبر خدا که این را دید، فرمود: «ای مادر عماره! چه کسی را این طاقت است که تو داری؟».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۴

۲۵۳. الطبقات الکبری عن محمد بن عمر: شَهِدَتْ اُمُّ عُمَارَةَ بِنْتُ كَعْبٍ اِحْدًا مَعَ زَوْجِهَا غَزِيَّةَ بِنِ عَمْرٍو وَ ابْنَيْهَا، وَ خَرَجَتْ مَعَهُمْ بِشَنْ لَهَا فِي اَوَّلِ النَّهَارِ تُرِيدُ اَنْ تَسْقِيَ الْجُرْحِي، فَقَاتَلَتْ يَوْمَئِذٍ وَ اَبْلَتْ بِلَاءً حَسِنًا، وَ جَرِحَتْ اِثْنَيْ عَشَرَ جُرْحًا بَيْنَ طَعْنِيهِ بِرُمْحٍ اَوْ ضَرْبِيهِ بِسَيْفٍ، فَكَانَتْ اُمُّ سَعِيدٍ بِنْتُ سَعِدِ بْنِ رَبِيعٍ تَقُولُ: دَخَلْتُ عَلَيْهَا فَقُلْتُ: حَدِّثِي خَبْرَكَ يَوْمَ اِحْدٍ.

قَالَتْ: خَرَجْتُ اَوَّلَ النَّهَارِ اِلَى اِحْدٍ وَ اَنَا اَنْظُرُ مَا يَصْنَعُ النَّاسُ، وَ مَعِيَ سِقَاءٌ فِيهِ مَاءٌ، فَانْتَهَيْتُ اِلَى رَسولِ اللّهِ وَ هُوَ فِي اَصْحَابِهِ وَ الدَّوْلَةَ وَ الرِّيحُ لِلْمُسْلِمِينَ، فَلَمَّا انْهَزَمَ الْمُسْلِمُونَ انْحَزْتُ اِلَى رَسولِ اللّهِ، فَجَعَلْتُ اِبَاشِرُ الْقِتَالِ وَ اُذُبُّ عَنْ رَسولِ اللّهِ بِالسَّيْفِ وَ اُرْمِي بِالْقَوْسِ، حَتَّى خَلَصْتُ اِلَى الْجِرَاحِ. [۳۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۵

۲۵۳. الطبقات الکبری به نقل از محمد بن عمر: ام عماره، دختر کعب، همراه با شوهرش غزیه بن عمرو و نیز دو پسرش در نبرد اُحُد حضور یافت. او اول روز، مشکی با خود برداشت و با سپاه اسلام، همراه شد، بدان هدف که به مجروحان، آب برساند. وی در آن نبرد، پیکار کرد و جانانه جنگید. وی دوازده زخم، از ضربه نیزه تا ضربه شمشیر، برداشت.

ام سعید، دختر سعد بن ربیع، می‌گفت: [روزی بر او وارد شدم و گفتم: از ماجرای خود در نبرد اُحُد برایم بگو. گفت: در آغاز روز، روانه احد شدم، در حالی که مشک آبی به همراه داشتم و می‌نگریستم که مردم، چه می‌کنند. در این میان به پیامبر خدا رسیدم، در حالی که در میان یارانش بود و هنوز، چیرگی و سرافرازی از آن مسلمانان بود. هنگامی که مسلمانان شکست خوردند، به سمت پیامبر خدا رفتم و دست به کار پیکار شدم و با شمشیر زدن یا با تیر افکندن، از پیامبر خدا، دفاع می‌کردم تا زمانی که آن زخم‌ها به من رسید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۶

الفصل السادس: عيادة المريض

۲۵۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعِيَادَةُ سُنَّةٌ. [۳۹۳]

۲۵۵. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا الْجَائِعَ، وَ عَوَّدُوا الْمَرِيضَ، وَ فُكُّوا الْعَانِيَّ. [۳۹۴]

۲۵۶. عنه صلى الله عليه وآله مِنْ وَصَايَاهُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ... سِرِّ مَيْلًا عُدَّ مَرِيضًا. [۳۹۵]

۲۵۷. عنه صلى الله عليه وآله: عَوَّدُوا الْمَرِيضَ، وَ امشَوْا مَعَ الْجَنَائِزِ؛ تَدَكَّرْكُمْ الْآخِرَةَ. [۳۹۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۷

فصل ششم: عیادت بیماران

۶ / ۱ تشویق به عیادت

۲۵۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عیادت، سنت است.

۲۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: گرسنه را غذا بدهید، به عیادت بیماران بروید و اسیران را آزاد کنید.

۲۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! ... [حتی اگر شده یک فرسخ برو و بیماری را عیادت کن.

۲۵۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بیماران را عیادت کنید و برای تشییع جنازه، همراه شوید که شما را به یاد آخرت می‌اندازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۸

۲۵۸. تاریخ دمشق عن ابن عمر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا صَلَّى بِالنَّاسِ الْغَدَاةَ، أَقْبَلَ عَلَيْهِمْ بِوَجْهِهِ فَقَالَ:

هَلْ فِيكُمْ مَرِيضٌ أَعُوذُ؟ فَإِنْ قَالُوا: لَا.

قَالَ: فَهَلْ فِيكُمْ جِنَازَةٌ أَتَبْعُهَا؟ [۳۹۷]

۲۵۹. الامام علي عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله عَادَ يَهُودِيًّا فِي مَرَضِهِ. [۳۹۸]

۲۶۰. عنه عليه السلام فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ: الْمَرِيضُ يُعَادُ، وَ الصَّحِيحُ يُرَازُ. [۳۹۹]

، ۲۶۱. عنه عليه السلام: مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ. [۴۰۰]

۲۶۲. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَ الاجْتِهَادِ، وَ اشْهَدُوا الْجَنَائِزَ، وَ عَوَّدُوا الْمَرَضِيَّ. [۴۰۱]

۲۶۳. حلیة الأولیاء عن وهب بن متهبه: قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، أُنِي عِبَادَكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ؟

قَالَ: الَّذِينَ يَعُودُونَ الْمَرَضِيَّ، وَ يُعَزِّوْنَ التَّكْلِيَّ، وَ يُشَيِّعُونَ الْهَلَكِيَّ. [۴۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۱۹۹

۲۵۸. تاریخ دمشق به نقل از ابن عمر: پیامبر خدا، هنگامی که نماز صبح را با مردم می‌خواند، رو به آنان می‌کرد و می‌فرمود: «آیا در

میان شما کسی بیمار شده است تا به عیادت او بروم؟».

اگر می‌گفتند: نه، می‌فرمود: «آیا جنازه‌ای هست تا برای تشییع آن حاضر شوم؟».

۲۵۹. امام علی علیه السلام: پیامبر صلى الله عليه وآله، یهودی‌ای را به هنگام بیماری‌اش عیادت کرد.

۲۶۰. امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: بیمار را عیادت کنند و تندرست را دیدار.

۲۶۱. امام علی علیه السلام: عیادت بیمار، یکی از پسندیده‌ترین کارهای نیک است. [۴۰۳]

۲۶۲. امام صادق علیه السلام: بر شما باد پاک‌دامنی و تلاش در انجام دادن وظایف دینی! در تشییع جنازه، حاضر شوید و به عیادت

بیماران بروید.

۲۶۳. حلیة الأولیاء به نقل از وهب بن متبه: موسی علیه السلام گفت: پروردگارا! کدام بنده‌ات در پیشگاه تو محبوب‌تر است؟ فرمود: «کسانی که بیماران را عیادت می‌کنند، به مادرانِ داغدار، تسلیت می‌گویند و مردگان را تشییع می‌کنند».

۶ / ۲ پاداش عیادت

۲۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت بیمار، پاداشی بزرگ‌تر از تشییع جنازه دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۰

۲ / ۶

ثَوَابُ الْعِيَادَةِ

۲۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عِيَادَةُ الْمَرِيضِ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ. [۴۰۴]

۲۶۵. عنه صلی الله علیه و آله: خُطَا عَائِدِ السَّقِيمِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ السَّقِيمِ فِي رِيَاضِ الْجَنَّةِ. [۴۰۵]

۲۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ يَخْوُضُ الرَّحْمَةَ حَتَّى يَجْلِسَ، فَإِذَا جَلَسَ اغْتَمَسَ فِيهَا. [۴۰۶]

۲۶۷. عنه صلی الله علیه و آله: عَائِدُ الْمَرِيضِ عَلَى مَخَارِفِ الْجَنَّةِ. [۴۰۷]

۲۶۸. صحیح مسلم عن ثوبان مولى رسول الله صلی الله علیه و آله عن رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا لَمْ يَزَلْ فِي خُرْفَةِ

الْجَنَّةِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا خُرْفَةُ الْجَنَّةِ؟

قَالَ: جَنَاهَا. [۴۰۸]

۲۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ عَادَ مَرِيضًا نَادَاهُ مُنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ: يَا فُلَانُ، طِبْتَ

وَ طَابَ لَكَ مَمَشَاكَ بِثَوَابٍ مِنَ الْجَنَّةِ. [۴۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۱

۲۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گام‌هایی که عیادت کننده بیمار از خانه خود تا نزد او برمی‌دارد، در باغ‌های بهشت برداشته شود.

۲۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به عیادت بیماری برود، [تا در راه است] پیوسته به درون رحمت، گام می‌گذارد و

چون [نزد او] بنشیند، به تمامی در رحمت، غوطه‌ور می‌شود. [۴۱۰]

۲۶۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت کننده بیمار، در راه بهشت گام می‌نهد. [۴۱۱]

۲۶۸. صحیح مسلم به نقل از ثوبان (وابسته پیامبر خدا): پیامبر خدا فرمود: «هر کس به عیادت بیماری برود، در "خرفه" [۴۱۲] بهشت

است». پرسیدند: خرفه بهشت چیست؟

فرمود: «چیدن میوه‌هایش».

۲۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس بیماری را عیادت کند، منادی‌ای از آسمان او را می‌خواند:

«ای فلانی! خوش باش، و گام برداشتنت به پاداش بهشت، گوارایت باد!».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۲

۲۷۰. مسند ابن حنبل عن أبي فاخته عن الإمام عليّ عليه السلام: إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: مَا عَادَ مُسْلِمٌ مُسْلِمًا

إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ حِينَ يُصْبِحُ إِلَى أَنْ يُمَسِيَ، وَ جَعَلَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ خَرِيفًا فِي الْجَنَّةِ

قَالَ: فَقُلْنَا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ مَا الْخَرِيفُ؟ قَالَ: السَّاقِيَةُ الَّتِي تَسْقِي النَّخْلَ. [۴۱۳]

۲۷۱. الإمام علی علیه السلام: ضَمِنْتُ لِسَيِّئَةِ الْجَنَّةِ: ... وَ رَجُلٌ خَرَجَ يَعُودُ مَرِيضًا فَمَاتَ، فَلَهُ الْجَنَّةُ. [۴۱۴]

۲۷۲. الإمام الباقر علیه السلام: كَانَ فِيمَا نَاجَى بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ أَنْ قَالَ: يَا رَبِّ مَا بَلَغَ مِنْ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ مِنَ الْأَجْرِ؟

فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَوْكُلُّ بِهِ مَلَكًا يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى مَحْشَرِهِ. [۴۱۵]

۲۷۳. الإمام الصادق علیه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي مَرَضِهِ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ مَلَكًا مِنَ الْعُودِ يَعُودُهُ فِي قَبْرِهِ، وَ يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. [۴۱۶]

۲۷۴. عنه علیه السلام: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ عَادَ مُؤْمِنًا مَرِيضًا فِي مَرَضِهِ حِينَ يُصْبِحُ شَيْعَهُ سَبْعُونَ

أَلْفَ مَلَكٍ، فَإِذَا قَعَدَ غَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ وَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَتَّى يُمَسِّيَ، وَ إِنْ عَادَهُ مَسَاءً كَانَ لَهُ مِثْلُ ذَلِكَ حَتَّى يُصْبِحَ. [۴۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۳

۲۷۰. مسند ابن حنبل به نقل از ابوفاخته، از امام علی علیه السلام: از پیامبر خدا شنیدم که می فرمود: «هیچ مسلمانی، مسلمان دیگر را عیادت نکند، مگر این که از پگاه تا شامگاه، هفتاد هزار فرشته بر او درود فرستند و خداوند، برای او "خریفی" در بهشت قرار می دهد».

پرسیدم: ای امیر مؤمنان! مقصود از «خریف» چیست؟

فرمود: «نهری که نخل را سیراب کند».

۲۷۱. امام علی علیه السلام: برای شش تن، بهشت را ضمانت می کنم: ... مردی که به عیادت بیماری روانه شود و بمیرد، برای او بهشت است.

۲۷۲. امام باقر علیه السلام: در مناجات‌های موسی علیه السلام با پروردگار خویش آمده است که پرسید: پروردگارا! پاداش عیادت بیمار به چه مرتبه‌ای رسیده است؟

خداوند عز و جل فرمود: «فرشته‌ای را با او می گمارم که تا رستاخیز، وی را در قبرش عیادت کند».

۲۷۳. امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که مؤمنی دیگر را در هنگام بیماری‌اش برای خداوند عز و جل عیادت کند، خداوند، فرشته‌ای از فرشتگان عیادت کننده را با او می گمارد که در قبرش از وی عیادت نماید و تا روز قیامت برای وی آمرزش بطلبد.

۲۷۴. امام صادق علیه السلام: هر مؤمنی که مؤمن دیگری را در زمان بیماری‌اش به هنگام صبح عیادت کند، هفتاد هزار فرشته، او را همراهی کنند و چون

[در نزد او] بنشینند، رحمت، او را در میان می گیرد و فرشتگان برای او از خداوند عز و جل آمرزش طلبند تا زمانی که شامگاه فرا رسد؛ و اگر هم او را شامگاهان عیادت کند، او را پاداشی همانند باشد تا زمانی که شب را به صبح برساند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۴

۲۷۵. عنه علیه السلام: مَنْ عَادَ مَرِيضًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَبَدًا سَبْعِينَ أَلْفًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَغْشَوْنَ رَحْلَهُ وَ يُسَبِّحُونَ فِيهِ وَ يُقَدِّسُونَ وَ يُهَلِّلُونَ وَ يُكَبِّرُونَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، نِصْفُ صَلَاتِهِمْ لِعَائِدِ الْمَرِيضِ. [۴۱۸]

۲۷۶. الكافي عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام: يَتَّبِعِي لِلْمَرِيضِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤْذَنَ إِخْوَانَهُ بِمَرَضِهِ، فَيَعُودُوهُ فَيُؤَجِّرُ فِيهِمْ وَ يُؤَجِّرُونَ فِيهِ.

قال: فقيل له: نعم، هم يؤجرون بمشاهم إليه، فكيف يؤجر هو فيهم؟

قال: فقال: باكتسابه لهم الحسنات فيؤجر فيهم، فيكتب له بذلك عشر حسنات، ويرفع له عشر درجات، ويمحي بها عنه عشر سيئات. [۴۱۹]

آدابُ العیادَةِ

أُ العیادَةُ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ

۲۷۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُعَادُ الْمَرِيضُ إِلَّا بَعْدَ ثَلَاثٍ. [۴۲۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۵

۲۷۵. امام صادق علیه السلام: هر کس بیماری از مسلمانان را عیادت کند، خداوند برای همیشه، هفتاد هزار فرشته را با او می‌گمارد که به خانه او در می‌آیند و در آن تا روز قیامت، تسبیح و تقدیس خداوند و «لا اله الا الله» و «الله اکبر» می‌گویند و نیمی از نماز آنان برای عیادت کننده بیمار است.

۲۷۶. الکافی به نقل از عبد الله بن سنان، از امام صادق علیه السلام: «بایسته است بیمار شما، برادران خویش را از بیماری خود، آگاه سازد تا آنان، به عیادت وی بروند و هم او به سبب کار آنان، پاداشی یابد و هم آنان، در برابر آنچه برای او کرده‌اند، پاداش بگیرند».

در این هنگام گفته شد: آری. [می‌فهمیم که آنان با رفتن به عیادت بیمار، پاداش می‌گیرند؛ اما او چگونه به سبب کار آنان، پاداش می‌یابد؟]

فرمود: «به این سبب که واسطه کسب حسنات از سوی آنان شده است، به سبب آنان پاداش می‌یابد و بدین واسطه، برای او ده حسنه نوشته می‌شود، ده مرتبه مقامش بالاتر برده می‌شود و بدین وسیله، ده گناه از او محو می‌گردد».

۶ / ۳ آداب عیادت

الف عیادت، پس از سه روز

۲۷۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بیمار عیادت نشود، مگر پس از سه روز.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۶

ب عیادَةُ مَنْ لَا يَعُودُكَ

۲۷۸. الإمام علی علیه السلام: عُدْ مَنْ لَا يَعُودُكَ، وَ أَهْدِ إِلَى مَنْ لَا يُهْدِي إِلَيْكَ. [۴۲۱]

ج إتحافُ المریضِ

۲۷۹. الکافی عن مولی لجعفر بن محمد علیهما السلام: مَرِضٌ بَعْضُ مَوَالِيهِ فَخَرَجْنَا إِلَيْهِ نَعُودُهُ، وَ نَحْنُ عِدَّةٌ مِنْ مَوَالِي جَعْفَرٍ، فَاسْتَقْبَلَنَا جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ لَنَا:

أَيْنَ تُرِيدُونَ؟

فَقُلْنَا: نُرِيدُ فَلَانَا نَعُودُهُ.

فَقَالَ لَنَا: قِفُوا، فَوَقَفْنَا. فَقَالَ: مَعَ أَحَدِكُمْ تَفَاحَةٌ أَوْ سَفَرَجَلَةٌ أَوْ اُتْرَاجَةٌ أَوْ لُعَقَةٌ مِنْ طِيبٍ أَوْ قِطْعَةٌ مِنْ عَوْدٍ بَخُورٍ؟

فَقُلْنَا: مَا مَعَنَا شَيْءٌ مِنْ هَذَا.

فَقَالَ: أَمَا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلَى كُلِّ مَا ادْخَلَ بِهِ عَلَيْهِ! [۴۲۲]

د التَّلَطُّفُ لِلْمَرِيضِ

۲۸۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَرِيضٍ فَلْيَصَافِحْهُ، وَ لِيَضَعْ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ، وَ لِيَسْأَلْهُ كَيْفَ هُوَ، وَ لِيُنْسِئْ لَهُ فِي الْأَجْلِ وَ يَسْأَلْهُ أَنْ يَدْعُوَ لَهُمْ، فَإِنَّ دُعَاءَ الْمَرِيضِ كَدُعَاءِ الْمَلَائِكَةِ. [۴۲۳]

۲۸۱. سنن الترمذی عن أبي امامة عن رسول الله صلى الله عليه و آله: تَمَامُ عِيَادَةِ الْمَرِيضِ أَنْ يَضَعَ

أَحَدُكُمْ يَدُهُ عَلَى جَبْهَتِهِ أَوْ قَالَ: عَلَى يَدِهِ فَيَسْأَلُهُ كَيْفَ هُوَ. [۴۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۷

ب عیادت کسی که به عیادت نیامده است

۲۷۸. امام علی علیه السلام: به عیادت کسی که به عیادت نیامده برو، و به کسی که به تو هدیده‌ای نداده هدیه بده.

ج هدیه دادن به بیمار

۲۷۹. الکافی به نقل از یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام: یکی از وابستگان امام صادق علیه السلام بیمار شد و ما که شماری از وابستگان او بودیم، روانه عیادت آن بیمار شدیم. در میانه راه، امام صادق علیه السلام با ما رویارو شد و پرسید: «آهنگ کجا دارید؟».

گفتیم: آهنگ فلان کس داریم تا از او عیادت کنیم.

فرمود: «بایستید».

ما ایستادیم. پس فرمود: «آیا سیب، به، یا قطعه‌ای عود به همراه دارید؟».

گفتیم: هیچ‌یک از این چیزها را همراه نداریم.

فرمود: «آیا نمی‌دانید که بیمار از آنچه نزد وی می‌برند، احساس آرامش می‌کند؟».

د مهربانی با بیمار

۲۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون کسی از شما بر بیماری وارد شود، با او دست بدهد، دست خویش بر پیشانی وی نهد، احوالپرسی کند، آرزوی درازتر شدن عمر وی نماید و از او بخواهد برایش دعا کند؛ چرا که دعای بیمار، به سان دعای فرشتگان است.

۲۸۱. سنن الترمذی به نقل از ابو امامه: پیامبر خدا فرمود: «کامل شدن عیادت بیمار، به آن است که هر یک از شما، دست خویش را بر پیشانی بیمار [۴۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۲۰۷

بگذارد» یا فرمود: «بر روی دست وی بگذارد و از حال او بپرسد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۸

ه الدُّعَاءُ لِلْمَرِيضِ

۲۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ عَلَى الْمَرِيضِ فَتَنَفَسُوا لَهُ فِي أَجَلِهِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ لَا يَزِدُّ شَيْئًا وَيُطَيِّبُ بِنَفْسِهِ [۴۲۶].

۲۸۳. عنه صلی الله علیه و آله في دُعَائِهِ لِمَرِيضٍ عِنْدَ عِيَادَتِهِ لَهُ: اللَّهُمَّ أَجْرُهُ عَلَيَّ وَجَعِهِ، وَ عَافِهِ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِهِ. [۴۲۷]

۲۸۴. السنن الكبرى عن ابن عباس: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا عَادَ الْمَرِيضَ جَلَسَ عِنْدَ رَأْسِهِ، ثُمَّ قَالَ سَبْعَ مَرَّاتٍ:

«أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَظِيمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ أَنْ يَشْفِيكَ»، فَإِنْ كَانَ فِي أَجَلِهِ تَأْخِيرٌ عَوْفَى مِنْ وَجَعِهِ ذَلِكَ. [۴۲۸]

۲۸۵. صحيح البخاری عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله كَانَ إِذَا أَتَى مَرِيضًا أَوْ أَتَى

بِهِ، قَالَ:

«أَذْهَبِ الْبَأْسَ رَبِّ النَّاسِ، اشْفِ وَأَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُعَادِرُ سُقْمًا».[۴۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۰۹

ه دعا برای بیمار

۲۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بر بیمار درآمدید، برای وی، آرزوی عمر دراز کنید؛ چه، این [دعا] چیزی [از اجل او] را دفع نمی کند، اما مایه خرسندی وی می شود.

۲۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در دعای خود به هنگام عیادت یک بیمار: خداوندا! او را بر دردش پاداش ده، و او را تا پایان عمرش عافیت عطا کن.

۲۸۴. السنن الکبری به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که به عیادت بیماری می رفت، بالای سر او می نشست و سپس، هفت بار می گفت: «از خداوند بزرگ، پروردگار عرش عظیم، مسئلت دارم که شفایت دهد». پس اگر هنوز اجل آن شخص فرا نرسیده بود، از آن بیماری شفا می یافت.

۲۸۵. صحیح البخاری به نقل از عایشه: پیامبر خدا، چون نزد بیماری می رفت یا بیماری را نزد وی می آوردند، می گفت: «درد را ببر، ای پروردگار مردمان!

شفا ده که تو خود، شفا دهنده ای. شفایی جز شفای تو نیست. شفایی [ده که] [چون بیاید]، هیچ بیماری ای بر جای نگذارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۰

۲۸۶. صحیح مسلم عن أبي سعيد: إِنَّ جَبْرَيْلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، اَشْتَكَيْتَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ.

قال: «بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ».[۴۳۰]
و طَلَبَ الدُّعَاءَ مِنَ الْمَرِيضِ

۲۸۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتَ عَلَى مَرِيضٍ فَمُرَّهُ أَنْ يَدْعُوَ لَكَ؛ فَإِنَّ دُعَاءَهُ كَدُعَائِ الْمَلَائِكَةِ.[۴۳۱]

۲۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ عَادَ مَرِيضًا فِي اللَّهِ، لَمْ يَسْأَلِ الْمَرِيضُ لِلْعَائِدِ شَيْئًا إِلَّا اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ.[۴۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۱

۲۸۹. صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خدری: جبرئیل، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد! آیا بیمار شده ای؟ فرمود: «آری».

گفت: به نام خدا، تو را از هر آنچه آزارت دهد، از شر هر کس و یا هر چشم حسود، به پناه خداوند در می آورم. خداوند، شفایت دهد. به نام خدا، بر تو تعویذ می نهم.

و التماس دعا از بیمار

۲۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون بر بیماری وارد شدی، از او بخواه برایت دعا کند؛ چرا که دعای او، به سان دعای فرشتگان است.

۲۸۸. امام صادق علیه السلام: هر کس بیماری را برای خدا عیادت کند، آن بیمار برای عیادت کننده، از خداوند چیزی نخواهد مگر آن که خداوند دعایش را استجابت کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۲

راجع: ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۲۸۰.

زَعْدَمُ الْأَكْلِ عِنْدَ الْمَرِيضِ

۲۸۹. الإمام علي عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَأْكُلَ الْعَائِدُ عِنْدَ الْعَلِيلِ، فَيَحْبِطَ اللَّهُ أَجْرَ عِيَادَتِهِ. [۴۳۳]

ح تَخْفِيفُ الْجُلُوسِ عِنْدَ الْمَرِيضِ

۲۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْظَمُ الْعِيَادَةِ أَجْرًا أَخْفَاهَا. [۴۳۴]

۲۹۱. عنه صلى الله عليه وآله: الْعِيَادَةُ فَوْقَ نَاقَةٍ. [۴۳۵]

۲۹۲. عنه صلى الله عليه وآله: أَفْضَلُ الْعِيَادَةِ أَجْرًا، سُرْعَةُ الْقِيَامِ مِنَ عِنْدِ الْمَرِيضِ. [۴۳۶]

۲۹۳. عنه صلى الله عليه وآله: خَيْرُ الْعِيَادَةِ أَخْفَاهَا. [۴۳۷]

۲۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَعْظَمُكُمْ أَجْرًا فِي الْعِيَادَةِ أَخْفَكُمُ جُلُوسًا. [۴۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۳

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۲۰۷ ح ۲۸۰.

ز نخوردن چیزی نزد بیمار

۲۸۹. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، از این که عیادت کننده نزد بیمار چیزی خورد، نهی فرمود، مبدا که خداوند، پاداش عیادت او را از میان ببرد.

ح کم نشستن نزد بیمار

۲۹۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پُر پاداش ترین عیادت، سُبُك ترین آن است.

۲۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: عیادت به اندازه زمان یک بار فشردن پستان شتر، مناسب است.

۲۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: پُر پاداش ترین عیادت، [عیادت همراه با] زود برخاستن از نزد بیمار است.

۲۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بهترین عیادت، سُبُك ترین آن است.

۲۹۴. امام صادق علیه السلام: در عیادت، آن کس از شما بیشترین پاداش را می برد که کمتر از همه بنشیند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۴

۲۹۵. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْعَوَادِ أَجْرًا عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ لَمَنْ إِذَا عَادَ أَخَاهُ خَفَّفَ الْجُلُوسَ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْمَرِيضُ

يُحِبُّ ذَلِكَ وَيُرِيدُهُ وَيَسْأَلُهُ ذَلِكَ. [۴۳۹]

ط الإِغْبَابُ فِي الْعِيَادَةِ

۲۹۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَعْثَبُوا فِي الْعِيَادَةِ. [۴۴۰]

۲۹۷. عنه صلى الله عليه وآله: أَعْثَبُوا فِي الْعِيَادَةِ وَأَرْبَعُوا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَغْلُوبًا. [۴۴۱]

۲۹۸. عنه صلى الله عليه وآله: عودوا غنبا، فإن اغمى على مريض فحتى يفتيق. [۴۴۲]

۲۹۹. عنه صلى الله عليه وآله: أَعْثَبُوا فِي الْعِيَادَةِ وَأَرْبَعُوا فِي الْعِيَادَةِ، وَخَيْرُ الْعِيَادَةِ أَخْفَاهَا، إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَغْلُوبًا فَلَا يُعَاد. [۴۴۳]

۳۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَكُونُ عِيَادَةٌ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، فَإِذَا وَجِبَتْ فَيَوْمٌ وَيَوْمٌ لَا، فَإِذَا طَالَتِ الْعِلَّةُ تُرِكَ الْمَرِيضُ وَ

عِيَالُهُ. [۴۴۴]

۳۰۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: عِيَادَةُ الْمَرِيضِ أَوْلَ يَوْمٍ فَرِيضَةٌ، و مَا بَعْدَ ذَلِكَ تَطَوُّعٌ. [۴۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۵

۲۹۵. امام علی علیه السلام: پُر پاداش ترین عیادت کنندگان نزد خداوند عز و جل، کسی است که چون برادر خویش را عیادت کند سُبُک بنشیند، مگر آن که بیمار، خود نشستن نزد وی را دوست داشته باشد، آن را بخواهد و از وی خواستار آن شود.

ط یک روز در میان عیادت کردن

۲۹۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یک روز در میان، عیادت کنید.

۲۹۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یک روز در میان و دو روز در میان، عیادت کنید، مگر آن که بیمار، شکست خورده بیماری خویش [و حال او وخیم باشد].

۲۹۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یک روز در میان، عیادت کنید و اگر بیماری بیهوش شده باشد، تا زمان به هوش آمدنش.

۲۹۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: یک روز در میان، عیادت کنید و سه روز در میان، عیادت کنید. بهترین عیادت‌ها، سُبُک ترین آنهاست، مگر آن که [حالش وخیم باشد، که در این صورت، او را عیادت نکنند].

۳۰۰. امام صادق علیه السلام: در کمتر از سه روز، عیادتی نیست و آن گاه که عیادت لازم شود، یک روز در میان باشد. اگر هم بیماری به درازا انجامد، بیمار به کسانش وا گذارده می شود.

۳۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: عیادت بیمار در روز نخست، واجب است و پس از آن، دل بخواه.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۶

۴ / ۶

مَنْ أَكَدَّتْ عِيَادَتَهُ مِنَ الْمَرَضِيِّ

أَلِ الْمُؤْمِنِ

۳۰۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ: ... و أَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ. [۴۴۶]

۳۰۳. عنه صلى الله عليه و آله: حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ خَمْسٌ: رَدُّ السَّلَامِ، وَ عِيَادَةُ الْمَرِيضِ وَ... [۴۴۷]

۳۰۴. عنه صلى الله عليه و آله: يُعَيِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ: عَبْدِي مَا مَنَعَكَ إِذْ مَرَضْتُ أَنْ تَعُودَنِي؟ يَقُولُ: سُبْحَانَكَ! أَنْتَ رَبُّ الْعِبَادِ لَا تَأَلَّمُ وَلَا تَمْرَضُ.

فَيَقُولُ: مَرِضَ أَخُوكَ الْمُؤْمِنُ فَلَمْ تَعُدَّهُ، وَ عَزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ عُدْتَهُ لَوْجَدْتَنِي عِنْدَهُ، ثُمَّ لَتَكَلَّفْتُ بِحَوَائِجِكَ فَقَضَيْتُهَا لَكَ، وَ ذَلِكَ مِنْ كَرَامَةِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، وَ أَنَا الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ. [۴۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۷

۴ / ۶ بیماریانی که بر عیادت آنان تأکید شده است

الف مؤمن

۳۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مؤمن بر مؤمن، هفت حق دارد که خداوند عز و جل، آنها را بر او واجب ساخته است: ... و یکی آن که او را در بیماری اش عیادت کند.

۳۰۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: حَقُّ مُسْلِمَانٍ بِرِ مُسْلِمَانٍ، پَنج چیز است: پَاسِخ دادن سلام، عیادت بیمار و ...

۳۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل، در روز قیامت، بنده‌ای از بندگان خویش را نکوهش می‌کند و می‌گوید: «بنده من! چه چیز تو را از این، باز داشت که چون بیمار شدم، عیادتم کنی؟».

بنده می‌گوید: سبحان الله! تو پروردگارِ بندگانِی که نه دردی بر تو عارض می‌شود و نه بیمار می‌شوی.

خداوند می‌گوید: «برادر مؤمنت، بیمار شد و او را عیادت نکردی. به عزّت و جلالم سوگند، اگر او را عیادت کرده بودی، مرا نزد او می‌یافتی و پس از آن، خود، عهده‌دار حاجت‌هایت می‌شدم و آنها را برایت بر می‌آوردم؛ و این همه از کرامت بنده مؤمن من است و من، خدای بخشاینده مهربانم».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۸

۳۰۵. عنه صلی الله علیه و آله عن الله عز و جل فی الحدیث القدسی: مَرَضْتُ فَلَمْ یُعِدْنِی ابْنُ آدَمَ، وَ ظَمِئْتُ فَلَمْ یَسْقِنِی ابْنُ آدَمَ. فَقُلْتُ: أَمْرَضُ یَا رَبِّ؟!

قال: یمرض العبد من عبادی ممن فی الأرض فلا- یعاد؛ فلو عادته كان ما یعوده لی، و یظمأ فی الأرض فلا یسقی؛ فلو سقی كان ما سقا لی. [۴۴۹]

ب بنو هاشم

۳۰۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: عیاده بنی هاشم فریضه، و زیارتهم سنه. [۴۵۰]

ج العشیره

۳۰۷. الإمام علی علیه السلام من وصیته لابنه الحسن علیه السلام: أكرم عشیرتک؛ فانهم جناحک الذی به تطیر... و عُد سقیمهم. [۴۵۱]

د المساکین

۳۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله لأبی ذرّ: جالس المساکین، و عدهم إذا مرّوا. [۴۵۲]

۳۰۹. سنن النسائی عن أبی امامه بن سهل بن حنیف: كان رسول الله صلی الله علیه و آله یعود المساکین و یسأل عنهم. [۴۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۱۹

۳۰۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در گفتگو با خداوند (در حدیث قدسی): خداوند فرمود: «ای آدمی زاده! بیمار شدم و مرا عیادت نکردی. ای آدمی زاده! تشنه شدم و سیرابم نساختی؟».

گفتم: پروردگارا! آیا تو بیمار می‌شوی؟!

فرمود: «بنده‌ای از بندگانم از همه آنها که بر روی زمین‌اند، بیمار می‌شود و او را عیادت نمی‌کنند. اگر کسی او را عیادت می‌کرد، عیادتش برای من می‌بود؛ و بنده‌ام در زمین تشنه می‌شود و او را آبی نمی‌دهند. اگر کسی او را آبی می‌رساند، آب دادن به او [همانند] آب دادن به من بود».

ب بنی هاشم

۳۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عیادت بنی هاشم، واجب است و زیارت آنان، مستحب.

ج خاندان

۳۰۷. امام علی علیه السلام در توصیه‌های ایشان به فرزندش امام حسن علیه السلام: خاندانت را گرمی بدار، که آنان، بال و پر تو اند که با آنها پرواز می‌کنی ... و به عیادت بیمارانشان برو.

۳۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به ابو ذر: با بینویان، همنشین شو و چون بیمار شوند، عیادتشان کن.
 ۳۰۹. سنن النسائی به نقل از ابو امامه بن سهل بن حنیف: پیامبر خدا، بینویان را عیادت می کرد و از حال آنان می پرسید.
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۰

۵ / ۶

مَنْ لَا يُعَادُ مِنَ الْمَرْضَى

۳۱۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثَةٌ لَا يُعَادُونَ: صَاحِبُ الضَّرْسِ، وَ صَاحِبُ الرَّمَدِ، وَ صَاحِبُ الدُّمَلِ. [۴۵۴]
 ۳۱۱. عنه صلی الله علیه و آله: شَارِبُ الخَمْرِ لَا يُعَادُ إِذَا مَرَضَ. [۴۵۵]

۶ / ۶

مَا لَا يَتَّبِعِي فِي مُوَاجَهَةِ الْمَرِيضِ

۳۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا رَأَى أَحَدَكُمْ بِأَخِيهِ بَلَاءً، فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا يُسْمِعْهُ ذَلِكَ. [۴۵۶]
 ۳۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: أَقْلَبُوا مِنَ النَّظَرِ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَلَا تَدْخُلُوا عَلَيْهِمْ، وَ إِذَا مَرَرْتُمْ بِهِمْ فَاسْرِعُوا الْمَشَى لَا يُصِيبُكُمْ مَا أَصَابَهُمْ. [۴۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۱

۵ / ۶ بیماری که نباید عیادت شوند

۳۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه طایفه عیادت نشوند: گرفتار دندان درد، گرفتار چشم درد، و آن که در بدن، دُملی دارد.
 ۳۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شرابخوار، چون بیمار شود، او را عیادت نکنند.

۶ / ۶ آنچه روی بیمار، نباید انجام داد

۳۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما، برادر خویش را گرفتار بلایی ببیند، خداوند عز و جل را [بر سلامت خویش بستاید، و البته این حمد گفتن را به گوش بیمار نرساند.
 ۳۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گرفتار شدگان به بلا- را کمتر تماشا کنید و بر آنان، وارد نشوید و چون با آنان برخورد کردید، راه رفتن خویش را تندتر کنید تا آنچه بدانان رسیده است، به شما نیز نرسد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۲

۳۱۴. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى الْمَجْدُومِينَ. [۴۵۸]

۳۱۵. عنه صلی الله علیه و آله: لَا تُدِيمُوا النَّظَرَ إِلَى أَهْلِ الْبَلَاءِ وَالْمَجْدُومِينَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يَحْزُنُهُمْ. [۴۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۳

۳۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به جذامیان، نگاه پیوسته می فکنید.

۳۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به گرفتار شدگان بلا و جذامیان، نگاه پیوسته می فکنید؛ چه، این کار، آنان را اندوهگین می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۵

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۶

الفصل الأول: القلب و العروق

۱ / ۱

الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۳۱۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: إنَّ في الرَّجُلِ مُضَعَّةً إذا صَيَّحَتْ صَيَّحَ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ، و إن سَيَقَمَتْ سَيَقَمَ لَهَا سَائِرُ جَسَدِهِ قَلْبُهُ. [۴۶۰]

۳۱۷. الإمام الرضا عليه السلام: إنَّ الله عز وجل لم يبتلِ البَدَنَ بِداءٍ [۴۶۱] حَتَّى جَعَلَ لَهُ دَوَاءً يُعَالِجُ بِهِ، و لِكُلِّ صَنِيفٍ مِنَ الدَّاءِ صِنْفٌ مِنَ الدَّوَاءِ و تَدْبِيرٌ و نَعْتٌ، و ذَلِكَ أَنَّ هَذِهِ الأَجْسَامَ اسَّسَتْ عَلَى مِثَالِ المُلْكِ. فَمَلِكُ الجَسَدِ هُوَ القَلْبُ، و العُمَالُ العُرُوقُ فِي الأَوْصَالِ [۴۶۲] و الدِّماغُ، و بَيْتُ المَلِكِ قَلْبُهُ، و أَرْضُهُ الجَسَدُ، و الأَعْوَانُ يَدَاؤُهُ و رِجَالُهُ و عَيْنَاؤُهُ و شَفَتَاؤُهُ و لِسَانُهُ و أُذُنَاؤُهُ. [۴۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۷

فصل یکم: قلب و عروق

۱ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه

۳۱۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در انسان، پاره گوستی است که اگر سالم باشد، همه بدن به سلامت آن، سالم است و اگر گرفتار بیماری باشد، همه بدن به بیماری آن، بیمار است: قلب انسان.

۳۱۷. امام رضا علیه السلام: خداوند، بدن را به هیچ دردی گرفتار نساخته، مگر این که برای آن، دارویی هم قرار داده است که بدان، درمان شود. هر نوع درد نیز نوعی درمان و چاره دارد؛ چرا که این بدن‌ها بر سیاق یک مملکت، ساخته شده‌اند. پادشاه این سرزمین، قلب است. رگ‌هایی که در بدن و مغز وجود دارد، کارگران‌اند. خانه آن پادشاه، قلب انسان است. سرزمین آن پادشاه، بدن انسان است، و دستان، پاها، چشمان، لب‌ها، زبان و گوش‌ها نیز یاران اویند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۸

۳۱۸. الإمام الصادق عليه السلام لِلطَّيِّبِ الهِنْدِيِّ: كَانَ القَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبَرِ؛ لِأَنَّهُ مُنَكَّسٌ، فَجُعِلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا لِيَدْخُلَ فِي الرِّئَةِ فَتُرَوِّحَ عَنْهُ بِبَرْدِهَا، لِنَلَا يَشِيْطُ الدِّماغُ بِحَرِّهِ. [۴۶۴]

۳۱۹. عنه عليه السلام لِلْمُفَضَّلِ بنِ عُمَرَ: أَصِفْ لَكَ الآنَ يا مُفَضَّلُ الفُؤَادَ: اعْلَمْ أَنَّ فِيهِ نُقْبًا مُوجَّهَةٌ نَحْوَ الثُّقْبِ الَّتِي فِي الرِّئَةِ تُرَوِّحُ عَنِ الفُؤَادِ، حَتَّى لَوْ اخْتَلَفَتْ تِلْكَ الثُّقْبُ و تَرَائِلَ بَعْضِهَا عَنِ بَعْضٍ لَمَا وَصَلَ الرُّوحُ إِلَى الفُؤَادِ و لَهَلَكَ الإنسانُ، أ فَيَسْتَجِيزُ ذُو فِكْرٍ و رَوِيَّةٍ أَنْ يَزْعُمَ أَنَّ مِثْلَ هَذَا يَكُونُ بِالإِهْمَالِ، و لا يَجِدُ شَاهِدًا مِنْ نَفْسِهِ يَنْزِعُهُ عَنِ هَذَا القَوْلِ؟! [۴۶۵]

۳۲۰. رسول الله عليه السلام: فِي ابْنِ آدَمَ ثَلَاثِمِئَةٌ وَسِتُّونَ عِرْقًا، مِنْهَا مِئَةٌ وَثَمَانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ، وَ مِائَةٌ وَ ثَمَانُونَ سَاكِنَةٌ، فَلَوْ سَاكِنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَبْقَ الْإِنْسَانُ، وَ لَوْ تَحَرَّكَ السَّاكِنُ لَهَلَكَ الْإِنْسَانُ؟! [۴۶۶]

۳۲۱. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَحْمِدُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثِمِئَةَ مَرَّةٍ وَ سِتِّينَ مَرَّةً عِدَدَ عُرُوقِ الْجَسَدِ، يَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ». [۴۶۷]

۳۲۲. عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ فِي ابْنِ آدَمَ ثَلَاثِمِئَةَ وَسِتِّينَ عِرْقًا، مِنْهَا مِئَةٌ وَ ثَمَانُونَ مُتَحَرِّكَةٌ، وَ مِنْهَا مِئَةٌ وَ ثَمَانُونَ سَاكِنَةٌ، فَلَوْ سَاكِنَ الْمُتَحَرِّكُ لَمْ يَنْمِ وَ لَوْ تَحَرَّكَ السَّاكِنُ لَمْ يَنْمِ، وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَصْبَحَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا عَلَى كُلِّ حَالٍ» ثَلَاثِمِئَةَ وَسِتِّينَ مَرَّةً، وَ إِذَا أَمْسَى قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ. [۴۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۲۹

۳۱۸. امام صادق عليه السلام خطاب به طیب هندی: قلب، به شکل دانه صنوبر است؛ زیرا وارونه است و یک سر قلب، باریک قرار داده شده است تا به لا به لای ریه برود و با سردی آن، خودش را خنک کند، مبدا مغز از گرمای آن بسوزد.

۳۱۹. امام صادق عليه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! اکنون، قلب را برایت وصف می‌کنم: بدان که در آن، سوراخ‌هایی است، سوداده شده به سمت سوراخ‌هایی که در ریه است، و همین‌هاست که قلب را خنک می‌کند، به گونه‌ای که اگر این سوراخ‌ها با همدیگر تفاوت می‌یافتند و رو به رو می‌بودند، خنکا به قلب نمی‌رسید و انسان می‌مرد. اکنون آیا صاحب اندیشه و تأمل، روا می‌داند که بگوید چنین پدیده‌ای، به اهمال پدید آمده است، و در درون خویش، گواهی نیابد که او را از این پندار، باز بدارد؟!!

۳۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آدمی زاده، سیصد و شصت رگ است و از این شمار، صد و هشتاد تا متحرک، و صد و هشتاد تا ساکن‌اند. اگر آن رگ‌های متحرک، ساکن می‌بود، انسان باقی نبود و اگر هم آن رگ‌های ساکن، متحرک می‌یافت، انسان از میان می‌رفت.

۳۲۱. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا، در هر روز، سیصد و شصت بار، به شمار رگ‌های بدن، خداوند را سپاس می‌گفت و می‌فرمود: «پروردگار جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!».

۳۲۲. امام صادق عليه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «در بدن آدمیزاد، سیصد و شصت رگ است: صد و هشتاد تای آن متحرک، و صد و هشتاد تای دیگر، ساکن‌اند. اگر آن رگ‌های متحرک، ساکن بودند، انسان نمی‌خفت؛ و اگر آن رگ‌های ساکن، متحرک بودند نیز انسان نمی‌خفت». پیامبر خدا، هر روز

صبح، سیصد و شصت بار می‌گفت: «خداوند جهانیان را به فراوانی و در هر حال، سپاس!» و شامگهان نیز چنین می‌گفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۰

۲/۱

مَا يَنْفَعُ لِسَلَامَةِ الْقَلْبِ وَقُوَّتِهِ

أَتُفَّاحُ

۳۲۳. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي التُّفَّاحِ مَا دَاوَوْا مَرَضَهُمْ إِلَّا بِهِ، أَلَا وَ إِنَّهُ أَسْرَعُ شَيْءٍ مَنْفَعَةً لِلْفُؤَادِ خَاصَّةً، وَ إِنَّهُ نَضُوحُهُ. [۴۶۹]

بِ الْحَلِّ

۳۲۴. الإمام علي عليه السلام: نِعَمَ الْإِدَامِ الْحَلُّ يَكْسِرُ الْمِرَّةَ، وَ يُطْفِئُ الصَّفْرَاءَ، وَ يُحْيِي الْقَلْبَ. [۴۷۰]

۳۲۵. الإمام الصادق عليه السلام: الخَلُّ يُنِيرُ الْقَلْبَ. [۴۷۱]

ج الرُّمَانُ

۳۲۶. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ رُمَانَةً عَلَى الرَّيْقِ، أَنْارَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۴۷۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۰۸ ۳۱۰، ح ۱۷۰۶ إلى ح ۱۷۰۸ و ص ۳۱۲، ح ۱۷۱۵ و ح ۱۷۱۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۱

۱/ ۲ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است

الف سیب

۳۲۳. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می‌دانستند در سیب چیست، بیمارانشان را جز به آن درمان نمی‌کردند. بدانید که سیب، بویژه، سودمندترین چیز برای قلب و مایه شست‌وشوی آن است.

ب سرکه

۳۲۴. امام علی علیه السلام: سرکه، نیکو خورشتی است؛ زرداب را می‌شکند، صفرا را فرو می‌نشاند و قلب را زنده می‌کند.

۳۲۵. امام صادق علیه السلام: سرکه، قلب را روشن می‌کند.

ج انار

۳۲۶. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا انار بخورد، [آن انار]، قلبش را چهل روز روشن می‌کند.

ر. ک: خواص انار/ ج ۲، ص ۳۰۹ ۳۱۱، ح ۱۷۰۶ ۱۷۰۸

و ص ۳۱۳، ح ۱۷۱۵ و ح ۱۷۱۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۲

د العَدَسُ

۳۲۷. الإمام علی علیه السلام: أَكَلُ الْعَدَسِ، يُرِقُّ الْقَلْبَ، وَ يُكَيِّرُ الدَّمْعَةَ. [۴۷۳]

۳۲۸. الكافي عن فرات بن أحنف: إِنَّ بَعْضَ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَسْوَةَ الْقَلْبِ، وَقِلَّةَ الدَّمْعَةِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ

أَنْ كُلَّ الْعَدَسِ، فَأَكَلَ الْعَدَسَ؛ فَفَرَّقَ قَلْبُهُ، وَ جَرَّتْ دَمْعَتُهُ. [۴۷۴]

راجع: ج ۲، ص ۳۹۲ (العدس).

ه السَّفَرَجَلُ

۳۲۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْفُؤَادَ. [۴۷۵]

۳۳۰. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيَكُمْ بِالسَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَ يَذْهَبُ بِطَخَاءِ الصَّدْرِ. [۴۷۶]

۳۳۱. عنه صلى الله عليه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يُجِمُّ الْفُؤَادَ، وَ يُشَجِّعُ الْقَلْبَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۴۷۷]

۳۳۲. الإمام الكاظم عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لِجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا جَعْفَرُ، كُلِّ السَّفَرَجَلَ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الْقَلْبَ، وَ

يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۷۸]

د عدس

۳۲۷. امام علی علیه السلام: عدس، دل را نازک می کند و اشک را می افزاید.
۳۲۸. الکافی به نقل از فرات بن احنف: یکی از پیامبران بنی اسرائیل، از سنگ دلی و کمی اشک به درگاه خداوند عز و جل نالید. خداوند عز و جل به او وحی فرستاد که: «عدس بخور». او نیز عدس خورد و از آن پس، دلش نازک شد و اشکش جاری گشت. همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۳۹۳ (عدس).

ه به

۳۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید، که دل را جلا می دهد.
۳۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن به؛ چرا که دل را جلا می دهد و سنگینی و تاریکی سینه را از میان می برد.
۳۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید، که دل را استواری و نشاط می بخشد، قلب را شجاعت می دهد و فرزند را نکو می سازد.
۳۳۲. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، به جعفر بن ابی طالب فرمود: «ای جعفر! به بخور، که قلب را قوت می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۴

۳۳۳. الإمام علی علیه السلام: السَّفْرَجَلُ قُوَّةُ الْقَلْبِ، وَ حَيَاءُ الْفُؤَادِ، وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۷۹]
۳۳۴. عنه علیه السلام: أَكَلُ السَّفْرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَ يُطَيِّبُ الْمَعِدَّةَ، وَ يُدَكِّئُ الْفُؤَادَ، وَ يُشَجِّعُ الْجَبَانَ. [۴۸۰]
راجع: ص ۳۴۰ (خواص السفرجل).
و الكُمَثْرَى

۳۳۵. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُوا الْكُمَثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَ يُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۴۸۱]
راجع: ج ۲ ص ۴۵۰ (الکُمَثْرَى).
ز الْعَسَلُ

۳۳۶. الإمام علی علیه السلام: الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَلَا دَاءَ فِيهِ؛ يُقِلُّ الْبَلْغَمَ، وَ يَجْلُو الْقَلْبَ. [۴۸۲]
۳۳۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الشَّرَابِ الْعَسَلُ يَرَعَى الْقَلْبَ، وَ يُذْهِبُ بَرْدَ الصَّدْرِ. [۴۸۳]
ح التَّلْبِينُ

۳۳۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ التَّلْبِينَ يَجْلُو الْقَلْبَ الْحَزِينَ، كَمَا تَجْلُو الْأَصَابِعُ الْعَرَقَ مِنَ الْجَبِينِ. [۴۸۴]
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۵

۳۳۳. امام علی علیه السلام: به، قوت قلب و حیات دل است و ترسو را شجاعت می بخشد.
۳۳۴. امام علی علیه السلام: خوردن به، نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را نشاط می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۴۱ (خواص به).

۳۳۵. امام صادق علیه السلام: گلابی بخورید، که به اذن خداوند متعال، دل را جلا می‌دهد و دردهای درون را تسکین می‌بخشد.
ر. ک: ج ۲، ص ۴۵۱ (گلابی).

ز غسل

۳۳۶. امام علی علیه السلام: غسل، شفای هر بیماری‌ای است و بیماری‌ای هم در آن نیست؛ بلغم را کم می‌کند و دل را جلا می‌دهد.
۳۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: غسل، چه خوب نوشیدنی‌ای است! قلب را مراقبت می‌کند و سردی سینه را از میان می‌برد. [۴۸۵]

ح تلبینه [۴۸۶]

۳۳۸. امام صادق علیه السلام: تلبینه، دل اندوهگین را جلا می‌بخشد، چنان که انگشتان، عرق را از پیشانی می‌زدایند.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۶

ط الزَّيْحُ الطَّيْبُ

۳۳۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الزَّيْحَ الطَّيْبَةَ تُشَدُّ الْقَلْبَ، وَ تَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۴۸۷]

۳ / ۱

مَا يَنْفَعُ لِسَلَامَةِ الْعُرُوقِ

أُ الْبَادَنْجَانُ

۳۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: أَكْثَرُوا مِنَ الْبَادَنْجَانِ عِنْدَ جَدَادِ النَّخْلِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَ يَزِيدُ فِي بَهَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُلَيِّنُ الْعُرُوقَ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ. [۴۸۸]

ب الْحَوْكُ

۳۴۱. الإمام الصادق علیه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ، أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَةَ [۴۸۹] خِصَالٍ: يُمِرُّ، وَ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَ يُطَيِّبُ الْجُشَاءَ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُشْهِئُ الطَّعَامَ، وَ يَسْلُ الدَّاءَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ فَمَعَ الدَّاءُ كُلَّهُ. [۴۹۰]

ج التَّيْنُ

۳۴۲. الإمام عليّ علیه السلام: أَكَلُ التَّيْنِ يُلَيِّنُ [۴۹۱] الشَّدَدَ. [۴۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۷

ط بوی خوش

۳۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی خوش، قلب را استواری می‌بخشد و بر توان همبستری می‌افزاید.

۳ / ۱ آنچه برای سلامتی رگ‌ها سودمند است

الف بادنجان

۳۴۰. امام صادق علیه السلام: در هنگام خرماچینی، فراوان بادنجان (/ بادمجان) بخورید؛ چرا که شفای هر درد است، بر روشنی چهره می‌افزاید، رگ‌ها را نرم می‌کند و آب کمر (نیروی جنسی) را افزون می‌سازد.

ب حوک

۳۴۱. امام صادق علیه السلام: حوک [۴۹۳] (/ باذروج) سبزی پیامبران است. بدان که در آن، هشت ویژگی است: هضم کننده است؛ گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید؛ آروغ را خوش بو می‌سازد؛ دهان را بوی خوش می‌بخشد؛ غذا را دوست‌داشتنی می‌سازد؛ درد و بیماری را از درون بدن، بیرون می‌کشد؛ و امان انسان از جذام است؛ [و] چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری‌ها را فرو می‌نشانند. [۴۹۴]

ج انجیر

۳۴۲. امام علی علیه السلام: خوردن انجیر، رسوبات مجاری و رگ‌ها را نرم می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۸

دَقَصَبُ السُّكَّرِ

۳۴۳. الإمام الكاظم عليه السلام: قَصَبُ السُّكَّرِ يَفْتَحُ الشُّدُودَ [۴۹۵]، وَلَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ. [۴۹۶]

ه الصَّوْمِ

۳۴۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ مَحْسَمَةٌ لِلْعُرُوقِ وَ مَذْهَبَةٌ لِلْأَشْرِ. [۴۹۷]

و العشاء

۳۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَدَعِ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِنِثْلٍ لَقَمٍ بِمِلْحٍ. مَنْ تَرَكَ الْعِشَاءَ لَيْلَةً مَاتَ عِرْقٌ فِي جَسَدِهِ وَلَا يَحْيَا أَبَدًا. [۴۹۸]

۳۴۶. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ فِي الْجَسَدِ عِرْقًا يُقَالُ لَهُ: الْعِشَاءُ، فَإِنْ تَرَكَ الرَّجُلُ الْعِشَاءَ لَمْ يَزَلْ يَدْعُو عَلَيْهِ ذَلِكَ الْعِرْقُ إِلَى أَنْ يُصْبِحَ، يَقُولُ: أَجَاعَكَ اللَّهُ كَمَا أَجَعْتَنِي، وَ أَظْمَأَكَ اللَّهُ كَمَا أَظْمَأْتَنِي. فَلَا يَدْعَنَّ أَحَدُكُمْ الْعِشَاءَ وَ لَوْ بِلُقْمَةٍ مِنْ خُبْزٍ أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ

ماء. [۴۹۹]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۳۹

د نیشکر

۳۴۳. امام کاظم علیه السلام: نیشکر، گرفتگی‌های مجاری و رگ‌ها را باز می‌کند و هیچ بیماری و بدی‌ای در آن نیست.

ه روزه

۳۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد روزه؛ چرا که طغیان رگ‌ها را فرو می‌نشانند و سرمستی را می‌برد. [۵۰۰]

و شام خوردن

۳۴۵. امام صادق علیه السلام: شام را وا مگذار، هر چند به سه لقمه نان و نمک باشد. هر کس یک شب شام را واگذارد [۵۰۱]، یک رگ در بدن وی می‌میرد و این رگ، هرگز زنده نمی‌شود.

۳۴۶. امام رضا علیه السلام: در بدن، رگی است که آن را «عشا (شام)» گویند. اگر شخص شام خوردن را واگذارد، آن رگ تا صبح او را نفرین می‌کند و می‌گوید: «خدا، تو را گرسنه بدارد، چنان که مرا گرسنه بداشتی، و تشنه بدارد، چنان که تشنه‌ام نگاه داشتی» [۵۰۲] پس مبادا کسی از شما شام را واگذارد، هر چند به یک لقمه نان یا جرعه‌ای آب باشد.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳ ح ۱۷۵۶

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۰

الفصل الثانی: الدماغ و الأعصاب

۱ / ۲

الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۳۴۷. الإمام الصادق عليه السلام لطيب عجز عن الجواب لما سأله عليه السلام: لم كان في الرأس شؤون؟ كان في الرأس شؤون؛ لأنه [۵۰۳] المَجْوَفُ إذا كان بلا فصل أسرع إليه الصداع، فإذا جعل ذا فصول كان الصداع منه أبعد. [۵۰۴]

۳۴۸. عنه عليه السلام للمفضل بن عمر: لو رأيت الدماغ إذا كشف عنه لرأيتَه قد لُفَّ بِحُجْبٍ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ؛ لِتَصُونَهُ مِنَ الْأَعْرَاضِ وَ تُمَسِكَهَا فَلَا يَضْطَرِّبُ، وَ لَرَأَيْتَ عَلَيْهِ الْجُمُجِمَةَ بِمَنْزِلَةِ الْبَيْضَةِ؛ كَيْمَا يُفْتُهُ هَيْدُ الصَّدْمَةِ وَ الصَّكَّةِ الَّتِي رُبَّمَا وَقَعَتْ فِي الرَّأْسِ، ثُمَّ قَدْ جُلَّتِ الْجُمُجِمَةُ بِالشَّعْرِ حَتَّى صَارَ بِمَنْزِلَةِ الْفَرِّو لِلرَّأْسِ تَسْتُرُهُ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ؛ فَمَنْ حَصَّنَ الدَّمَاعَ هَذَا التَّحْصِينَ إِلَّا الَّذِي خَلَقَهُ وَ جَعَلَهُ يَنْبُوعَ الْحِسِّ وَ الْمُسْتَحَقَّ لِلْحَيْطَةِ وَ الصَّيَانَةِ لِعُلُوِّ مَنْزِلَتِهِ مِنَ الْبَدَنِ وَ ارْتِفَاعِ دَرَجَتِهِ وَ خَطَرِ مَرَاتِبَتِهِ...؟

یا مُفَضَّلُ، مَنْ عَيَّبَ الْفُؤَادَ فِي جَوْفِ الصَّدْرِ وَ كَسَاهُ الْمِدْرَعَةَ الَّتِي هِيَ غِشَاؤُهُ، وَ حَصَّنَهُ بِالْجَوَائِحِ وَ مَا عَلَيْهَا مِنَ اللَّحْمِ وَ الْعَصَبِ؛ لِنَلَا يَصِلَ إِلَيْهِ مَا يَنْكُؤُهُ...؟

فَكَرَّ يَا مُفَضَّلُ، لِمَ صَارَ الْمُخُّ الرَّقِيقُ مُحَصَّنًا فِي أَنْبَابِ الْعِظَامِ، هَلْ ذَلِكَ إِلَّا لِحِفْظِهِ وَ يَصُونُهُ؟! [۵۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۱

فصل دوم: مغز و اعصاب

۱ / ۲ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی

۳۴۷. امام صادق علیه السلام در پاسخ طیبی فرومانده از پاسخ به این پرسش امام که: «چرا کاسه سر، از چند استخوان و لایه تشکیل می‌شود؟»: چون هر چیز درون تهی اگر یک پارچه باشد، شکستن، زودتر به سراغش می‌آید و چون چند تکه قرار داده شود، شکستگی از آن دورتر است.

۳۴۸. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: اگر جمجمه باز می‌شد و می‌توانستی مغز را ببینی، می‌دیدى که به حجاب‌هایی (لایه‌هایی) که روی همدیگر قرار گرفته‌اند، در میان گرفته شده است تا هم آن را از عارضه‌ها مصون بدارد، و هم آن را استوار نگه دارد، تا بدان، لرزش راه نیابد؛ و می‌دیدى که جمجمه، به سان کله خودی بر آن قرار گرفته است تا آن را از اثر ضربت‌های سختی که ممکن است به سر برسد، حفظ کند. سپس، تاجی از مو بر روی جمجمه پوشانده شده و این پوشش، همانند

پوستینی برای سر است که آن را از شدت سرما و گرما، نگه می‌دارد. پس چه کسی مغز را در چنین دژی جای داده است، مگر همو که آن را آفرید و سرچشمه احساس ساخت و به واسطه منزلت والایی که در بدن دارد، و نیز به واسطه مرتبه بلند و جایگاه برجسته‌اش آن را سزایند این همه حفظ و مراقبت دانست؟ ای مفضل! چه کسی قلب را در درون سینه انسان قرار داد و زِرهِی که پوشش استوار آن است، بر آن قرار داد و آن را به دنده‌ها و گوشت و پی‌ای که بر آن است، مصونیت داد تا جراحی و آزاری بدان نرسد؟ ای مفضل! نیک بیندیش که چرا مغز که جسمی رقیق است، در لابه‌لای استخوان‌ها حصار یافته است. آیا جز برای این است که از آن، حفاظت کند و آن را مصون بدارد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۲

۲ / ۲

مَا يَشُدُّ الْعَقْلَ

أُ الْبَاقِلَاءُ

۳۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: أكلُ الباقلي يُمخِّخُ السَّاقِينَ، و يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، و يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۵۰۶]

ب التَّدْهِينِ

۳۵۰. الإمام علي عليه السلام: الدَّهْنُ يُلَيِّنُ البَشْرَةَ، و يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ، و يُسَهِّلُ مَجَارِيَ المَاءِ، و يُذْهِبُ القَشْفَ، و يُسَفِّرُ اللَّوْنَ. [۵۰۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۳

۲ / ۲ آنچه عقل را استحکام می‌بخشد

الف باقلا

اشاره

۳۴۹. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون تازه تولید می‌کند.

ب روغن مالیدن

۳۵۰. امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می‌کند، بر توان مغز می‌افزاید، مجاری آب را در بدن می‌گشاید، کثافت پوست را از میان می‌برد و رنگ را روشن می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۴

۳۵۱. الإمام الصادق عليه السلام: دُهْنُ البَنْفَسِجِ يَرْزُقُ الدِّمَاغَ. [۵۰۸]

ج الحِجَامَةُ

۳۵۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: الحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ، و تَزِيدُ الحَافِظَ حِفْظًا. [۵۰۹]

۳۵۳. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ الحِجَامَةَ تُصَحِّحُ البَدْنَ، و تَشُدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۰]

د الخَلُّ

۳۵۴. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّا لَنَبْدَأُ بِالْخَلِّ عِنْدَنَا، كَمَا تَبْدَوْنَ بِالْمِلْحِ عِنْدَكُمْ؛ فَإِنَّ الْخَلَّ لَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۱]

ه خَلُّ الْخَمْرِ

۳۵۵. الإمام الصادق عليه السلام: خَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَيَشُدُّ الْعَقْلَ. [۵۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۵

۳۵۱. امام صادق عليه السلام: روغن بنفشه، مغز را نیرو می بخشد.

ج حجامت

۳۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت، عقل را افزون می کند و بر قدرت حافظه می افزاید.

۳۵۳. امام علی علیه السلام: حجامت، بدن را صحت می دهد و عقل را استحکام می بخشد.

د سرکه

۳۵۴. امام صادق علیه السلام: ما با سرکه آغاز می کنیم، چنان که شما با نمک آغاز می کنید؛ چرا که سرکه، عقل را استحکام

می بخشد.

ه سرکه شراب

۳۵۵. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را استحکام می بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۶

و السَّدَابُ

۳۵۶. الإمام الرضا عليه السلام: السَّدَابُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۵۱۳]

۳۵۷. الكافي: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ أَوْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: ذَكَرَ السَّدَابُ فَقَالَ: أَمَا إِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ:

زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ، وَ تَوْفِيرٌ فِي الدِّمَاغِ؛ غَيْرَ أَنَّهُ يُنْتِنُ مَاءَ الظَّهْرِ. [۵۱۴]

ز السَّلْقُ

۳۵۸. الإمام الرضا عليه السلام في ذِكْرِ فَوَائِدِ السَّلْقِ: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ. [۵۱۵]

ح السَّوَاكُ

۳۵۹. الإمام الباقر عليه السلام: السَّوَاكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۵۱۶]

ط الْفَرْفَخُ

۳۶۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْفَرْفَخِ؛ فَهِيَ الْمِكْيَسَةُ؛ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهِيَ. [۵۱۷]

ي الْقَرْعُ

۳۶۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْقَرْعِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ يُكَبِّرُ الدِّمَاغَ. [۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۷

و سداب

۳۵۶. امام کاظم علیه السلام: سُداب [۵۱۹]، عقل را افزون می کند.

۳۵۷. الکافی به نقل از محمد بن عمرو بن ابراهیم، از امام باقر علیه السلام یا امام کاظم علیه السلام: [نزد او] از سداب نام برده شد. فرمود: «بدانید که در آن، منافی است: افزودن بر عقل و فراوان ساختن هوش، هر چند که آبِ کمر را بدبو می کند».

ز چغندر

۳۵۸. امام رضا علیه السلام درباره فواید چغندر: عقل را استحکام می بخشد و خون را تصفیه می کند.

ح مسواک زدن

۳۵۹. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن، بَلْغَم را می بَرَد و عقل را افزون می کند.

ط خُرفه

۳۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خُرفه، که زیرکی دهد و اگر تنها یک چیز باشد که عقل را افزون می کند، همان است.

ی کدو

۳۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را افزون سازد و مغز را بزرگ می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۸

۳۶۲. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَیْكُمْ بِالذُّبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُزَكِّي الْعَقْلَ، وَ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۵۲۰]

۳۶۳. الإمام علی علیه السلام: كُلُوا الذُّبَاءَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الدِّمَاغِ. [۵۲۱]

راجع: ج ۲، ص ۴۲۶ (القرع).

ك الكرفس

۳۶۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَیْكُمْ بِالْكَرْفَسِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ كَانَ شَيْءٌ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ فَهُوَ هُوَ. [۵۲۲]

ل اللبان

۳۶۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَطْعِمُوا نِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلَ اللَّبَانَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ. [۵۲۳]

۳۶۶. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَیْكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ يَذْكِي الدَّهْنَ، وَ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يَذْهَبُ النَّسِيَانَ. [۵۲۴]

۳۶۷. الإمام الرضا علیه السلام: اسْتَكْثَرُوا مِنَ اللَّبَانِ وَ اسْتَبْقَوْهُ وَ امْضَغُوهُ، وَ أَحْبَبُهُ إِلَى الْمَضْغِ؛ فَإِنَّهُ يَنْزِفُ بَلْغَمَ الْمَعِدَةِ وَ يُنْظِفُهَا، وَ يَشُدُّ

العقل، وَ يُمِرُّ الطَّعَامَ. [۵۲۵]

راجع: ج ۱، ص ۶۵۸ (ما ينفع الجنين من الأغذية).

م اللحم

۳۶۸. الإمام الصادق علیه السلام: اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ مَنْ تَرَكَ أَكْلَهُ أَيَّامًا فَسَدَ عَقْلُهُ. [۵۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۴۹

۳۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کدو؛ چرا که عقل را می پالاید و مغز را می افزاید.

۳۶۳. امام علی علیه السلام: کدو بخورید؛ چرا که مغز را افزون می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۲۷ (کدو).

ک کرفس

۳۶۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کرفس؛ چرا که اگر بنا بود تنها یک چیز عقل را افزون کند، آن، همین بود.

ل کُنْدُر

۳۶۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان آبستن خود، کُنْدُر بدهید؛ چرا که عقل کودک را افزون می‌کند.

۳۶۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدُر؛ چرا که ... عقل را افزون می‌کند، ذهن را ذکاوت می‌دهد، چشم را جلا می‌بخشد و فراموشی را از میان می‌برد.

۳۶۷. امام رضا علیه السلام: فراوان کُنْدُر بخورید، آن را در دهان نگه دارید و بجوید. برای من، جویدن آن، دوست داشتنی تر است؛ بلغم معده را می‌زداید و آن را تمیز می‌کند، عقل را استحکام می‌بخشد و غذا را می‌گوارد.
ر. ک: ج ۱، ص ۶۵۹ (غذاهایی که برای جنین، سودمند است).

م گوشت

۳۶۸. امام صادق علیه السلام: گوشت، گوشت می‌رویاند و بر عقل می‌افزاید؛ و هر کس آن را چند روز وا گذارد، عقلش تباه شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۰

۳ / ۲

ما یزیدُ فی الذَّهْنِ

۳۶۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَمَّنَ أَكَلَ الزَّيْبِ عَلَى الرَّيْقِ، رُزِقَ الْفَهْمَ وَالْحِفْظَ وَالذَّهْنَ، وَنَقَصَ مِنَ الْبَلْعَمِ. [۵۲۷]

۳۷۰. عنه صلی الله علیه و آله: كُلُّوا السَّفْرَجْلَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الذَّهْنِ... [۵۲۸]

۳۷۱. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَيُدْكِي الذَّهْنَ. [۵۲۹]

۳۷۲. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُّوا الرُّمَانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ الْمَعْدَةَ، وَيَزِيدُ فِي الذَّهْنِ. [۵۳۰]

۳۷۳. الكافي عن محمد بن علي الهمداني: إِنَّ رَجُلًا كَانَ عِنْدَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخُرَاسَانَ، فَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ عَلَيْهَا حَلٌّ وَمِلْحٌ، فَافْتَتَحَ

عليه السلام بِالْحَلِّ فَقَالَ الرَّجُلُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَمَرْتَنَا أَنْ نَفْتَتِحَ بِالْمِلْحِ؟!

فَقَالَ: هَذَا مِثْلُ هَذَا يَعْنِي الْخَلَّ وَإِنَّ الْخَلَّ يَشُدُّ الذَّهْنَ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۵۳۱]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۳۷۶.

۴ / ۲

ما يورثُ الحِفْظَ

أُ الزَّيْبِ

۳۷۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَدَمَّنَ أَكَلَ الزَّيْبِ عَلَى الرَّيْقِ، رُزِقَ الْفَهْمَ وَالْحِفْظَ وَالذَّهْنَ، وَنَقَصَ مِنَ الْبَلْعَمِ. [۵۳۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۲۲ (خواص إدمان أكل الزبيب على الريق).

۳ / ۲ آنچه بر توان ذهن می‌افزاید

۳۶۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا به خوردن مویز مداومت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می‌شود و از بلغم وی، کاسته می‌شود.

۳۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به بخورید؛ چرا که ... ذهن را افزون می‌کند.

۳۷۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد گُنْدُر؛ چرا که ... عقل را افزون می‌کند و ذهن را ذکاوت می‌دهد.

۳۷۲. امام صادق علیه السلام: انار را با پیه [۵۳۳] آن بخورید؛ چرا که معده را می‌پالاید و ذهن را افزون می‌کند.

۳۷۳. الکافی به نقل از محمد بن علی همدانی: مردی در خراسان، نزد امام رضا علیه السلام بود. در این هنگام، نزد ایشان سفره‌ای گسترده بودند که در آن، سرکه و نمک بود. امام علیه السلام با سرکه آغاز کرد. آن مرد گفت: فدایت شوم! به ما فرموده‌ای که با نمک، آغاز کنیم.

فرمود: «این، همانند آن (یعنی نمک) است. سرکه، ذهن را استحکام می‌بخشد و عقل را افزون می‌کند».

ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۳، ح ۳۷۶.

۴ / ۲ آنچه حافظه را تقویت می‌کند

الف مویز

۳۷۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس ناشتا بر خوردن مویز مداومت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می‌شود و از بلغم وی، کاسته می‌شود.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۲۳ (خواص خوردن مویز در حالت ناشتا).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۲

ب العسل

۳۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ الْحِفْظَ، فَلْيَأْكُلِ الْعَسْلَ. [۵۳۴]

۳۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: قَالَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ. مَنْ لَعِقَ لَعَقَةً عَسَلٍ عَلَى الرَّبِيقِ يَقَطِّعَ الْبَلْغَمَ، وَيَحْسِمُ الصَّفْرَةَ، وَيَمْنَعُ الْمِرَّةَ السُّودَاءَ، وَيُصَفِّي الذَّهْنَ، وَيُجَوِّدُ الْحِفْظَ إِذَا كَانَ مَعَ اللَّبَانِ الذَّكْرِ. [۵۳۵]

ج الكرفس

۳۷۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْكَرْفَسُ يَفْتِيحُ السُّدَدَ، وَيُدَكِّي الْقَلْبَ، وَيَرْثُ الْحِفْظَ، وَيَطْرُدُ الْجُنُونََ وَالْجُدَامَ وَالْبَرَصَ وَ

الْجَبْنَ. [۵۳۶]

۳۷۸. الدرر في بيان فوائد الكرفس: رُوِيَ أَنَّهُ يورث الحفظ، و يُدَكِّي القلب، و ينفى الجنونَ و الجُدَامَ و البرصَ. [۵۳۷]

د الحجامة

۳۷۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحِجَامَةُ تَزِيدُ الْعَقْلَ، وَ تَزِيدُ الْحَافِظَ حِفْظًا. [۵۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۳

ب عسل

۳۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حافظه می خواهد، عسل بخورد.

۳۷۶. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: عالم (امام رضا علیه السلام) فرمود: «در عسل، درمان هر دردی است. هر کس ناشتا یک قاشق عسل بخورد، این عسل، بلغم را پایان می دهد، صفرا را فرو می نشاند، مانع از تلخه سیاه (سودا) می شود و ذهن را صفا می بخشد، و اگر که همراه با کُنْدُر خورده شود، حافظه را نکو می سازد».

ج کرفس

۳۷۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کرفس، انسدادها را می گشاید، دل را طراوت می دهد، حافظه می آورد و دیوانگی، جذام، پیسی و ترس را دور می کند.

۳۷۸. الدروس در بیان فواید کرفس: روایت شده که کرفس، حافظه می آورد، دل را طراوت می دهد و دیوانگی، جذام و پیسی را دور می کند.

د حجامت

۳۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت، عقل را افزون می کند و بر قدرت حافظه می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۴

ه أسبابُ اخرى لِتَقْوِيَةِ الحَافِظَةِ

۳۸۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الحِيفِ وَيُذْهِبْنَ بِالْبَلْغَمِ: قِرَاءَةُ القُرْآنِ، وَالعَسَلُ، وَاللَّبَانُ. [۵۳۹]

۳۸۱. الإمام علي عليه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ البَلْغَمَ وَيَزِدْنَ فِي الحِيفِ: السَّوَاكُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ القُرْآنِ. [۵۴۰]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۳۸۸.

۵ / ۲

ما يورثُ النَّسيَانَ

۳۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، تِسْعَةُ أَشْيَاءٍ تَوْرِثُ النَّسيَانَ: أَكْلُ التُّفَاحِ الحَامِضِ، وَ أَكْلُ الكُرْبُرَةِ، وَ الجُبْنِ، وَ سُورِ الفَأْرَةِ، وَ قِرَاءَةُ كِتَابِيَةِ القُبُورِ، وَ المَشْيُ بَيْنَ امرَأَتَيْنِ، وَ طَرْحُ القَمَلَةِ، وَ الحِجَامَةُ فِي التُّقْرَةِ، وَ البَوْلُ فِي المَاءِ الزَّاكِدِ. [۵۴۱]

۳۸۳. عنه صلى الله عليه و آله: عَشْرُ خِصَالٍ تَوْرِثُ النَّسيَانَ: أَكْلُ الجُبْنِ، وَ أَكْلُ سُورِ الفَأْرِ، وَ أَكْلُ

التُّفَاحِ الحَامِضِ، وَ الجُلْجُلَانِ، وَ الحِجَامَةُ فِي التُّقْرَةِ، وَ المَشْيُ بَيْنَ امرَأَتَيْنِ، وَ النَّظَرُ إِلَى المَصْلُوبِ، وَ التَّعَارُّ، [وَ] قِرَاءَةُ لَوْحِ المَقَابِرِ. [۵۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۵

ه سایر عوامل تقویت حافظه

۳۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز، حافظه را افزون می کند و بلغم را از میان می برد: قرائت قرآن، عسل و کُنْدُر.

۳۸۱. امام علی علیه السلام: سه چیز، بلغم را از میان می برد و حافظه را افزون می کند: مسواک زدن، روزه گرفتن و قرائت قرآن.

ر. ک به: ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۳۸۸.

۳۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش های ایشان به علی علیه السلام: ای علی! هفت چیز است که فراموشی می آورد: خوردن سیب تُرش، خوردن گشنیز، پنیر و پس مانده موش، خواندن نوشته های روی قبر، راه رفتن میان دو زن، افکندن شپش، حجامت در گودیِ پس سر، و ادرار کردن در آب راکد.

۳۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ده چیز، فراموشی می آورد: خوردن پنیر، خوردن پس مانده موش، خوردن سیب تُرش و گشنیز، [۵۴۳] حجامت در گودیِ پس سر، راه رفتن میان دو زن، نگرستن به دار آویخته، بیدار خوابی، و خواندن سنگ قبرها.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۶

۳۸۴. الإمام الباقر علیه السلام: إِنَّمَا قُصَّ الْأَطْفَارُ؛ لِأَنَّهَا مَقِيلُ الشَّيْطَانِ، وَ مِنْهُ يَكُونُ النَّسْيَانُ. [۵۴۴]

۳۸۵. الإمام الرضا علیه السلام: الْإِكْتِثَارُ مِنْ أَكْلِ لُحُومِ الْوَحْشِ وَ الْبَقَرِ؛ يورثُ تَبْيِيسَ الْعَقْلِ وَ تَحْيِيرَ الْفَهْمِ فِي بَحَارِ الْأَنْوَارِ: «... تَغْيِيرَ الْعَقْلِ وَ تَحْيِيرَ الْفَهْمِ». وَ تَلَبُّدٌ [۵۴۵] الذَّهْنِ وَ كَثْرَةُ النَّسْيَانِ. [۵۴۶]

۳۸۶. مكارم الأخلاق: فِي الْحَدِيثِ: إِنَّ التُّفَّاحَ يورثُ النَّسْيَانَ؛ وَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ يُؤَلِّدُ فِي الْمَعِدَةِ لُزُوجَةً. [۵۴۷][۵۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۲۵۶

۳۸۷. الإمام الكاظم علیه السلام: أَكَلُ التُّفَّاحِ وَ الْكُرْبُرَةِ يورثُ النَّسْيَانَ. [۵۴۹]

۶ / ۲

مَا يَنْفَعُ لِدَفْعِ النَّسْيَانِ

۳۸۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ يَذْهَبْنَ بِالنَّسْيَانِ وَ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَ يَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ: السُّوَاكُ، وَ الصِّيَامُ، وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَ الْعَسَلُ، وَ اللَّبَانُ. [۵۵۰]

۳۸۹. عنه صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ... يَزِيدُ فِي الْعَقْلِ، وَ يُذَكِّي الذَّهْنَ، وَ يَجْلُو

الْبَصَرَ، وَ يَذْهَبُ النَّسْيَانَ. [۵۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۷

۳۸۴. امام باقر علیه السلام: کوتان کردنِ ناخن، از آن رو لازم است که پناهگاه شیطان است و فراموشی از آن پدید می آید.

۳۸۵. امام رضا علیه السلام: فراوان خوردنِ گوشت حیوان وحشی و گاو، خشکیِ عقل، سرگشتگیِ فهم، کندیِ ذهن و فراوانیِ فراموشی می آورد.

۳۸۶. مكارم الأخلاق: در حدیث است که سیب، فراموشی می آورد؛ چرا که در معده نوعی چسبندگی ایجاد می کند.

۳۸۷. امام کاظم علیه السلام: خوردن سیب و گشنیز، فراموشی می آورد.

۲ / ۶ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است

۳۸۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز، فراموشی را از میان می برد و بر حافظه می افزاید و بلغم را نیز می برد: مسواک زدن، روزه گرفتن، قرائت قرآن، [و خوردن عسل و کندر.

۳۸۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کندر؛ چرا که ... عقل را افزون می کند، ذهن را ذکاوت می دهد، چشم را جلا می بخشد و فراموشی را از میان می برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۸

۳۹۰. کنز العمال عن عبد الله بن جعفر: جاء رجلٌ إلى علي بن أبي طالب عليه السلام يشتكى إليه النسيان. فقال: عليك باللبن؛ فإنه يشجع القلب، ويذهب النسيان. [۵۵۲]

۳۹۱. الإمام الصادق عليه السلام: ثلاثٌ يذهبن النسيانَ ويحدثن الذكرَ: قراءة القرآن، والسواك، والصيام. [۵۵۳]

۳۹۲. الإمام الرضا عليه السلام: من أراد أن يقل نسيانه ويكون حافظاً، فلْيَأْكُلْ في كُلِّ يَوْمٍ ثلاثَ قطعٍ زنجبيلٍ مُرَبِّي بِالْعَسَلِ، وَيَصْطَنِعَ [۵۵۴] بِالْخَرْدَلِ مَعَ طَعَامِهِ في كُلِّ يَوْمٍ.

وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَزِيدَ في عَقْلِهِ، فَلَا يَخْرُجْ كُلَّ يَوْمٍ حَتَّى يَلُوكَ عَلَى الرِّيقِ ثلاثَ هَلِجَاتٍ سَوْدٍ مَعَ سُكَّرٍ طَبْرَزْدٍ [۵۵۵]. [۵۵۶]

۷ / ۲

ما يَشُدُّ العَصَبَ

أَكْلُ الزَّيْبِ

۳۹۳. الاختصاص عن أبي هند الدارمي: اهدى إلى رسول الله صلى الله عليه وآله طَبَقٌ [۵۵۷] مَغْطَى،

فَكَشَفَ الغِطَاءَ عَنْهُ، ثُمَّ قَالَ: كُلُوا بِاسْمِ اللَّهِ، نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّيْبُ؛ يَشُدُّ العَصَبَ ... [۵۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۵۹

۳۹۰. کنز العمال به نقل از عبد الله بن جعفر: مردی نزد علی بن ابی طالب علیه السلام آمد و از فراموشی، اظهار ناراحتی کرد. فرمود: «بر تو باد کُنْدُر، که دل را شجاعت می بخشد و فراموشی را از میان می برد».

۳۹۱. امام صادق علیه السلام: سه چیز، فراموشی را از میان می برد و حافظه به بار می آورد: قرائت قرآن، مسواک زدن و روزه گرفتن. [۵۵۹]

۳۹۲. امام رضا علیه السلام: هر کس بخواهد فراموشی اش کم شود و دارای حافظه ای قوی شود، هر روز، سه قطعه زنجبیل به عسل درآمیخته بخورد و در هر روز، با غذای خویش، چیزی که با خردل [۵۶۰] تهیه شده نیز میل کند. هر کس هم بخواهد عقل وی افزون شود، هیچ روزی از خانه بیرون نرود، مگر پس از آن که ناشتا، سه هلیله سیاه با شکر طبرزد بخورد. [۵۶۱]

۷ / ۲ آنچه اعصاب را استحکام می بخشد

الف خوردن مویز

۳۹۳. الاختصاص به نقل از ابو هند داری: طَبَقٌ روی پوشیده‌ای به پیامبر خدا اهدا کردند. پوشش را از آن برداشت و سپس فرمود: «به نام خدا بخورید.

مویز، چه نیکو خوراکی است، که اعصاب را استحکام می بخشد! ...

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۰

۳۹۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ المِرَّةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَشُدُّ العَصَبَ، وَيَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ، وَيُحَسِّنُ الخُلُقَ، وَيُطَيِّبُ النَّفْسَ، وَيَذْهَبُ بِالْعَمِّ. [۵۶۲]

بِأَكْلِ لَحْمِ الضَّانِ بِاللَّبَنِ

۳۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ في قَلْبِهِ أَوْ بَدَنِهِ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الضَّانِ بِاللَّبَنِ؛ فَإِنَّهُ يُخْرِجُ مِنَ أَوْصَالِهِ كُلَّ دَاءٍ وَغَائِلَةٍ، وَ يُقَوِّى جِسْمَهُ وَيَشُدُّ لِسْتَهُ. [۵۶۳]

مَا يُلَيِّنُ الْعَصَبَ

۳۹۶. الإمام الرضا عليه السلام... وَمَنْعَةُ الْحَمَامِ تُؤَدِّي إِلَى الْإِعْتِدَالِ، وَتُنْقِي الدَّرَنَ، وَتُلَيِّنُ الْعَصَبَ وَالْعُرُوقَ، وَتُقَوِّي الْأَعْضَاءَ الْكِبَارَ، وَتُذَيِّبُ الْفُضُولَ وَالْعُقُونَاتِ. [۵۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۱

۳۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز، چرا که تلخه را می‌زداید، بلغم را می‌برد، پی را استحکام می‌دهد، رنجیدگی و خستگی را از میان بر می‌دارد، خوی را خوش می‌سازد، دل را پاک و پیراسته می‌دارد و اندوه را می‌برد.

ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر

۳۹۵. امام صادق علیه السلام: هر کس به ضعفی در قلب یا بدن خویش گرفتار آمد، گوشت گوسفند همراه با شیر بخورد؛ چرا که این خوراک، هر درد و عارضه‌ای را از اندام وی بیرون می‌برد، تن او را تقویت می‌کند و لته‌های او را نیز استحکام می‌دهد.

۸ / ۲ آنچه پی را نرم می‌کند

۳۹۶. امام رضا علیه السلام: فایده حمام کردن آن است که به اعتدال می‌انجامد، چرک را می‌زداید، پی و رگ‌ها را نرم می‌سازد، اندام‌های بزرگ را تقویت می‌کند، و مواد زاید و عفونت‌ها را نیز ذوب می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۲

مَا يَنْفَعُ لِلصُّدَاعِ

أَعْسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِي

۳۹۷. الإمام الصادق عليه السلام: عَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِي أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۵]

۳۹۸. الإمام الكاظم عليه السلام: عَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ مِنَ السُّنَّةِ، يُدْرُ الرِّزْقَ، وَيَصْرِفُ الْفَقْرَ، وَيُحَسِّنُ الشَّعْرَ وَالْبَشْرَةَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۶]

ب شرب الماء الفاتر

۳۹۹. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلُوَاءَ يُفْطِرُ عَلَيْهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَشِ كَرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءَ فَاتِرٍ، وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقِي الْمَعِدَةَ وَالْكَبِدَ... وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ. [۵۶۷]

ج عَسَلُ الْقَدَمَيْنِ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ

۴۰۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَسَلُ الْقَدَمَيْنِ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ عَقِيبَ الْخُرُوجِ مِنَ الْحَمَامِ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ. [۵۶۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۳

۹ / ۲ آنچه برای سردرد، سودمند است

الف شستن سر با خطمی

۳۹۷. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خطمی، مایه ایمنی از سردرد است.

۳۹۸. امام کاظم علیه السلام: شستن سر با خطمی در روز جمعه، از سنت است، روزی را سرشار می‌سازد، فقر را باز می‌دارد، مو و پوست را نکو می‌کند و مایه ایمنی از سردرد است.

ب نوشیدن آب نیم‌گرم (ولرم)

۳۹۹. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به هنگام افطار، با حلوایی آغاز می‌کرد و بدان، روزه می‌گشود. اگر حلوا نمی‌یافت، با شکرینه‌ای دیگر یا چند دانه خرما؛ و اگر نیز یافت نمی‌شد، با آب نیم‌گرم. آن‌گاه می‌فرمود: «این، معده و جگر را پاک می‌کند ... و سردرد را از میان می‌برد».

ج شستن پاها با آب سرد

۴۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن پاها با آب سرد پس از بیرون آمدن از حمام، مایه ایمنی از سردرد است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۴

د التَّدهِينُ بِدُهْنِ الْبَنْفَسَجِ

۴۰۱. الإمام الصادق علیه السلام: نَعَمَ الدُّهْنُ الْبَنْفَسَجُ! لِيَذْهَبَ بِالذَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ، فَادَّهِنُوا بِهِ. [۵۶۹]

۴۰۲. الكافي عن علي بن أسباط رفعه: دُهْنُ الْحَاجِجِينَ بِالْبَنْفَسَجِ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ. [۵۷۰]

ه الخِضَابُ بِالْحِنَاءِ

۴۰۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْحِنَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ؛ يَزِيدُ فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ، وَيَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ، وَيُخَدِّدُ الْبَصِيرَ، وَيَزِيدُ فِي الْوِقَاعِ، وَهُوَ سَيِّدُ الرِّيَاحِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. [۵۷۱]

و الشُّعُوطُ

۴۰۴. الإمام علي عليه السلام: الْمَضْمَضَةُ وَالْاسْتِنشَاقُ سِنَّةٌ وَ طَهْرٌ لِلْفَمِ وَالْأَنْفِ، وَالشُّعُوطُ مَصِيحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَ تَنْقِيَةٌ لِلْيَدَيْنِ وَ سَائِرِ

أَوْجَاعِ الرَّأْسِ. [۵۷۲]

۴۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ إِذَا اشْتَكَى رَأْسَهُ اسْتَعَطَّ بِدُهْنِ الْجُلْجُلَانِ وَ هُوَ السَّمِسِمُ. [۵۷۳]

۴۰۶. طب الأئمة عن علي بن يقطين: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَجِدُ بَرْدًا

شَدِيدًا فِي رَأْسِي، حَتَّى إِذَا هَبَّتْ عَلَيَّ الرِّيحُ كِدْتُ أَنْ يُغْشَى عَلَيَّ.

فَكَتَبَ إِلَيَّ: عَلَيْكَ بِسُعُوطِ الْعَبْتَرِ وَ الزَّنْبِقِ بَعْدَ الطَّعَامِ، تُعَافِي مِنْهُ يَأْذِنُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ. [۵۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۵

د مالیدن روغن بنفشه

۴۰۱. امام صادق علیه السلام: چه خوب روغنی است روغن بنفشه! درد را از سر و چشمان می‌برد. آن را به خود بمالید.

۴۰۲. الكافي به نقل از علی بن اسباط، در حدیثی که سند آن را به معصوم رساند: مالیدن روغن بنفشه به ابروها، سردرد را از میان می‌برد.

ه خضاب کردن با حنا

۴۰۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حنا، خضاب اسلام است؛ [ثواب عمل مؤمن را می‌افزاید، سردرد را از میان می‌برد، چشم را تیزبین می‌کند، قدرت آمیزش را افزون می‌سازد؛ و مهتر گیاهان خوش‌بو در دنیا و آخرت است.

و استعمال انفيه

۴۰۴. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاک‌سازی دهان و بینی است و انفیه کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی بدن و همه انواع سردرد است.

۴۰۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، چون سردرد می‌کرد، به روغن کُنجد، انفیه می‌کرد.

۴۰۶. طَبُّ الْأُئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از علی بن یقطين: به امام رضا علیه السلام نوشتم که در سرم، سردی شدیدی حس می‌کنم، به گونه‌ای که چون بادی به من می‌خورد، چیزی نمی‌ماند که از هوش بروم.

امام در پاسخ برایم چنین نوشت: «بر تو باد انفیه عنبر و زنبق، پس از غذا خوردن، تا به اذن خداوند جَلَّ جلاله عافیت یابی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۶

ز الْحِجَامَةِ

۴۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْحِجَامَةَ فِي الرَّأْسِ دَوَاءٌ مِنَ الدَّاءِ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْعَشَا وَالْبَرَصِ وَالصُّدَاعِ. [۵۷۵]

۴۰۸. المعجم الكبير عن سلمی خادمه رسول الله صلی الله علیه و آله: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اشْتَكَى أَخَذَ مِنَّا رَأْسَهُ قَالَ: اذْهَبْ فَاحْتَجِمِ، وَإِذَا اشْتَكَى رِجْلَهُ قَالَ: اذْهَبْ فَاخْضِبْهَا بِالْحِنَاءِ. [۵۷۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۰۲، ح ۶۸۰.

ح الهِنْدَبَاءِ

۴۰۹. الكافي عن محمد بن إسماعيل: سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الْهِنْدَبَاءُ شِفَاءٌ مِنَ الْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدَبَاءُ.

قَالَ: وَدَعَا بِهِ يَوْمًا لِبَعْضِ الْحَشَمِ وَكَانَ تَأْخُذُهُ الْحُمَى وَالصُّدَاعُ، فَأَمَرَ أَنْ يُدَقَّ وَصَيَّرَهُ عَلَى قِرطاسٍ، وَصَبَّ عَلَيْهِ دُهْنَ الْبَنْفَسِجِ وَوَضَعَهُ عَلَى جَبِينِهِ.

ثُمَّ قَالَ: أَمَا إِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْحُمَى، وَيَنْفَعُ مِنَ الصُّدَاعِ وَيَذْهَبُ بِهِ. [۵۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۷

ز حجامت

۴۰۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حجامت در سر، درمانی برای دیوانگی، جذام، شب‌کوری، پیسی و سردرد است.

۴۰۸. المعجم الكبير به نقل از سلمی خدمتگزار پیامبر خدا: هر گاه کسی از ما از سردرد، اظهار ناراحتی می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه

و آله می‌فرمود: «برو حجامت کن»؛ و چون کسی از ما پادرد داشت، می‌فرمود: «برو آن را به حنا خضاب کن».

همچنین بنگرید به: ج ۱، ص ۴۰۳ ح ۶۸۰.

ح کاسنی

۴۰۹. الکافی به نقل از محمد بن اسماعیل: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می فرمود: «کاسنی، شفای هزار درد است؛ و دردی در درون آدمیزاد نیست، مگر این که کاسنی، آن را به کلی از میان ببرد».

روزی امام علیه السلام برای یکی از خدمتکاران که گرفتار تب و سردرد می شد، کاسنی خواست و فرمود تا آن را آرد کنند، سپس آن را بر روی کاغذی قرار داد و روغن بنفشه بر رویش ریخت و این مخلوط را بر پیشانی شخص گذاشت. آن گاه فرمود: «بدانید که این، تب را می برد، برای سردرد، سودمند است و آن را از میان بر می دارد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۸

راجع: ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۶۷۶.

ط أَكُلَ السَّمَكِ الطَّرِي

۴۱۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ خَشِيَ الشَّقِيقَةَ وَالشَّوْصَةَ، فَلَا يُؤَخَّرُ أَكْلَ السَّمَكِ الطَّرِي صَيْفًا وَشِتَاءً. [۵۷۸]

۱۰ / ۲

ما يورثُ جُنُونََ الْوَالِدِ

۴۱۱. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ بَعْدَ الْجِمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ؛ يورثُ لِلْوَالِدِ الْجُنُونََ. [۵۷۹]

۴۱۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْشَى الْمَرْأَةَ وَقَدِ احْتَلَمَ، حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى؛ فَإِنْ فَعَلَ وَخَرَجَ الْوَالِدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۵۸۰]

۴۱۳. عنه صلى الله عليه وآله فى وصاياه لعلي عليه السلام: يا علي، لا تُجامعِ امرأتَكَ فى أوَّلِ الشَّهْرِ وَوَسَيْطِهِ وَآخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونََ وَالْجُدَامَ وَالْحَبْلَ لَيَسْرِعُ إِلَيْهَا وَإِلَى وَلَدِهَا. [۵۸۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۶۹

ر. ک: ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۶۷۶.

ط خوردن ماهی تازه

۴۱۰. امام رضا علیه السلام: هر کس از درد شقیقه و شکم درد می ترسد، نباید در تابستان و زمستان، خوردن ماهی تازه را به تأخیر افکند. [۵۸۲]

۱۰ / ۲ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می آورد

۴۱۱. امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بی آنکه میان آنها غسلی صورت پذیرفته باشد، دیوانگی فرزند را در پی می آورد.

۴۱۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: برای مرد، مکروه است که پس از احتلام، با زن همبستری کند، مگر آن که از احتلام پیشین، غسل کرده باشد؛ چه، اگر چنین کند و فرزندش دیوانه زاده شود، جز خویش را نکوهش نکند.

۴۱۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله در سفارش های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! در آغاز، میان و پایان ماه با همسرت همبستری مکن؛ چه، [در این صورت دیوانگی، جذام و تباه مغزی به سوی وی و فرزندش خواهد شتافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۰

۱۱ / ۲

ما يَمْنَعُ الْجُنُونََ

أ المِلْحُ

۴۱۴. رسول الله صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، افْتَتِحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ وَ اخْتِمِ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ مَنْ افْتَتَحَ طَعَامَهُ بِالْمِلْحِ وَ خَتَمَ بِالْمِلْحِ عَوفَى مِنْ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، مِنْهُ الْجُدَامُ، وَ الْجُنُونُ، وَ الْبَرَصُ. [۵۸۳]

راجع: ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد / افتتاح الطعام بالملح).

ب التَّرْجِسُ

۴۱۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: شُمُوا التَّرْجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْإِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ وَ شَمُّهُ يَدْفَعُهَا. [۵۸۴]

ج أَخَذَ الشَّارِبِ وَ الْأَطْفَارِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ

۴۱۶. الإمام الصادق عليه السلام: خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَطْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؛ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحُكَّهَا لَا يُصِيبُكَ جُنُونٌ وَ لَا جُدَامٌ وَ لَا بَرَصٌ. [۵۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۱

۲ / ۱۱ آنچه مانع دیوانگی می شود

الف نمک

۴۱۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در سفارش های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک، پایان ده؛ چه، هر کس غذای خویش را با نمک آغاز کند و با نمک پایان دهد، از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که جذام، دیوانگی و پیسی از آن جمله است، به دور باشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۱ (بهداشت پوست / آغاز کردن غذا با نمک).

ب بوییدن نرگس

۴۱۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: [كُلُّ نَرْغَسٍ رَا بُوِيْدًا، هِرْچِنْدَ دَر رُوْزِ يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر هَفْتِه يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر مَاه يَكِّ بَارًا، هِرْچِنْدَ دَر سَال يَكِّ بَارًا، وَ هِرْچِنْدَ دَر هَمِه عَمْرٍ، يَكِّ بَارًا؛ چَرَاكِه دَر قَلْبٍ، هِسْتِه آي از دِيوَانْگِي، جَذَامِ وَ پِيْسِي وَ جُوْد دَارْدِ وَ بُوِيْدِن نَرْگَسِ، آن رَا دُوْر مِي كَنْدِ.

ج کوتاه کردن سبیل و ناخن در هر جمعه

۴۱۶. امام صادق علیه السلام: در هر جمعه، اندکی از سبیل و ناخن های خود را بگیر؛ و اگر هم چیزی وجود نداشته باشد، آن را [کمی بسای، دیوانگی، جذام و پیسی به تو نمی رسد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۲

د مَا يَسِيْلُ مِنْ أَفْوَاهِ الْأَطْفَالِ مِنَ الرَّيْقِ

۴۱۷. الإمام الصادق عليه السلام في بيان النعم التي وهبها الله تعالى للإنسان: فَأَمَّا مَا يَسِيْلُ مِنْ أَفْوَاهِ الْأَطْفَالِ مِنَ الرَّيْقِ فَفِي ذَلِكَ خُرُوجُ الرُّطُوِيَّةِ الَّتِي لَوْ بَقِيَتْ فِي أَبْدَانِهِمْ، لَأَحْدَثَتْ عَلَيْهِمُ الْأُمُورَ الْعَظِيْمَةَ، كَمَنْ تَرَاهُ قَدْ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الرُّطُوِيَّةُ فَأَخْرَجَتْهُ إِلَى حَدِّ الْبَلْهِ وَ

الْجُنُونِ وَالتَّخْلِيطِ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ [٥٨٦] كَالْفَالِجِ وَاللَّقْوَةِ وَ مَا أَشَبَّهُهُمَا، فَجَعَلَ اللَّهُ تِلْكَ الرُّطوبَةَ تَسِيلُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ فِي صَدْرِهِمْ، لِمَا لَهُمْ فِي ذَلِكَ مِنَ الصَّحَّةِ فِي كِبَرِهِمْ، فَتَفْضَلَ عَلَى خَلْقِهِ بِمَا جَهِلُوهُ وَ نَظَرَ لَهُمْ بِمَا لَمْ يَعْرِفُوهُ، وَ لَوْ عَرَفُوا نِعْمَتَهُ عَلَيْهِمْ لَشَغَلَتْهُمْ ذَلِكَ عَنِ التَّمَادَى فِي مَعْصِيَتِهِ، فَسُبْحَانَهُ مَا أَجَلَ نِعْمَتَهُ وَ أَسْبَغَهَا عَلَى الْمُسْتَحِقِّينَ وَ غَيْرِهِمْ مِنْ خَلْقِهِ، وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْمُبْطِلُونَ عُلوًّا كَبِيرًا؟! [٥٨٧]

راجع: ج ١، ص ٤٨٤ (صححه الجلد / السنة).

١٢ / ٢

ما يورث الفالج

أ أكل البطيخ على الرقيق

٤١٨. الإمام الرضا عليه السلام: البطيخ على الرقيق يورث الفالج نعوذ بالله منه! [٥٨٨]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٧٣

د آبی که از دهان کودک می‌ریزد

٤١٧. امام صادق علیه السلام: در بیان نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان بخشیده است: ای آبی که از دهان کودکان می‌ریزد، خود، موجب بیرون رفتن رطوبتی است که اگر در بدن‌هایشان می‌ماند، در آنان پدیده‌هایی گران رخ می‌داد. چنان که می‌بینید برخی کسان رطوبت بر آنان غلبه یافته و آنان را به مرز پِخْمِگی، دیوانگی و آشفته‌عقلی و بیماری‌های مختلف دیگری چون: سست‌اندامی و کج‌دهانی و همانند آنها رانده است. از این روی، خداوند، آن رطوبتی را که در خردسالی از دهان کودکان فرو می‌ریزد، زمینه سلامت و تندرستی آنان در بزرگ‌سالی قرار داده، و بدین‌سان، بر خلق خویش به آنچه از آن آگاهی نداشته‌اند، منت نهاده و بدانچه از شناختش فرو مانده‌اند، به ایشان لطف کرده است. آنان، اگر نعمت‌های خداوند بر خویش را می‌شناختند، این شناخت، ایشان را از فرو غلتیدن به نافرمانی او باز می‌داشت. پس، پاکی‌هایی که چه نعمت‌های گرانی داده و بر سزاواران و ناسزاواران، ارزانی داشته است. او از آنچه بی‌عقیدگان می‌پندارند، بسیار والاتر و فراتر است!

ر. ک: ج ١، ص ٤٨٥ (بهداشت پوست / گیاه سنا).

١٢ / ٢ آنچه سستی اندام می‌آورد

الف خوردن خربزه در حالت ناشتا

٤١٨. امام رضا علیه السلام: خوردن خربزه، ناشتا، سستی‌اندامی پناه بر خدا بر جای می‌گذارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٧٤

ب الاغتسال بالماء البارد بعد أكل السمك

٤١٩. الإمام الرضا عليه السلام: الاغتسال بالماء البارد بعد أكل السمك يورث الفالج. [٥٨٩]

راجع: ج ١، ص ٦١٠ (ما ينبغي قبل الجماع / اختيار الأوقات الصالحة).

١٣ / ٢

ما يمنع الفالج

أ أكل التمر بعد أكل السمك

۴۲۰. الکافی عن سعید بن جناح عن مولى للإمام الصادق عليه السلام، قال: دَعَا [عليه السلام بِتَمْرٍ فَأَكَلَهُ، ثُمَّ قَالَ: مَا بِي شَهْوَةٌ، وَ لِكِنِّي أَكَلْتُ سَمَكًا.]

ثُمَّ قَالَ: مَنْ بَاتَ وَ فِي جَوْفِهِ سَمَكٌ لَمْ يَتَّبِعْهُ بِتَمْرَاتٍ أَوْ عَسَلٍ، لَمْ يَزَلْ عِرْقُ الْفَالِجِ يَضْرِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يُصْبِحَ. [۵۹۰]

ب الشُّعَالُ

۴۲۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً... وَ الشُّعَالُ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ عُرُوقَ الْفَالِجِ. [۵۹۱]

ج الدُّعَاءُ

۴۲۲. رسول الله صلى الله عليه و آله لَأَنْسِ: أَلَا اعْلَمُكَ دُعَاءً تَدْعُو بِهِ كُلَّمَا صَلَّيْتَ الْغَدَاةَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ دَفَعَ اللَّهُ عَنْكَ الْجُدَامَ وَ الْبِرَصَّ وَ الْفَالِجَ وَ الْعَمَى فِي الدُّنْيَا؟ قُل:

«اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَ أَسْبِغْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ». [۵۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۵

ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی

۴۱۹. امام رضا علیه السلام: غسل کردن با آب سرد پس از خوردن ماهی، سست اندامی در پی می آورد. همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۱ (آنچه پیش از آمیزش، بایسته است / انتخاب زمان مناسب).

۲ / ۱۳ آنچه مانع سست اندامی می شود

الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی

۴۲۰. الکافی به نقل از سعید بن جناح، از یکی از وابسته های امام صادق علیه السلام: [امام علیه السلام چند خرمایی خواست و خورد. سپس فرمود: «اشتهایی نداشتیم؛ اما ماهی خورده بودم».

سپس فرمود: «هر کس در حالی بخوابد که ماهی خورده و در پی آن، چند خرما یا مقداری عسل نخورده است، تا صبح، رگ سست اندامی بر او غلبه خواهد داشت».

ب سرفه

۴۲۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... و سرفه را؛ چرا که فلیح را ریشه کن می کند. [۵۹۳]

ج دعا

۴۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خطاب به انس: آیا نمی خواهی دعایی به تو بیاموزم که هر گاه نماز صبح گزاردی، آن را سه بار بگویی تا خداوند، جذام، پیسی، سست اندامی و کوری را از تو دور کند؟ بگو: «خداوندا! از پیشگاه خویش، مرا راه نمای، از فضل خود، بر من فرو بار، از رحمت خویش، نعمتی سرشارم ده، و از برکات خود، بر من نازل فرمای».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۶

ما يُؤْمِنُ مِنَ اللَّقْوَةِ

۴۲۳. مکارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ دَعَا بِالْهَاضِمِ وَالسَّعْتَرِ وَالْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ، فَكَانَ يَسْتَفُّهُ إِذَا أَكَلَ الْبَيَاضَ وَطَعَامًا لَهُ غَائِلَةٌ، وَكَانَ يَجْعَلُهُ مَعَ الْمِلْحِ الْجَرِيشِ وَيَفْتَتِحُ بِهِ الطَّعَامَ، وَيَقُولُ: مَا ابَالِي إِذَا تَعَادَيْتُهُ مَا أَكَلْتُ مِنْ شَيْءٍ. وَكَانَ يَقُولُ: يُقْوِي الْمَعْدَةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ اللَّقْوَةِ. [۵۹۴]

راجع: ج ۱، ص ۶۱۰ (ما ینبغی قبل الجماع / اختیار الأوقات الصالحة).

۱۵ / ۲

ما يَنْفَعُ لِلْفَرْعِ

۴۲۴. طب الأئمة عن محمد بن مسكان الحلبي: قال أبو عبد الله عليه السلام لِرَجُلٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَقَدْ سَأَلَهُ الرَّجُلُ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّ لِي بِنْتًا وَأَنَا أَرِقُّ لَهَا وَاشْفِقُ عَلَيْهَا، وَإِنَّهَا تَفْزَعُ كَثِيرًا لَيْلًا وَنَهَارًا، فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَدْعُو اللَّهَ لَهَا بِالْعَافِيَةِ. قَالَ: فَدَعَا لَهَا، ثُمَّ قَالَ: مُرَّهَا بِالْفَصْدِ؛ فَإِنَّهَا تَنْتَفِعُ بِذَلِكَ. [۵۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۷

۱۴ / ۲

آنچه از کزدهانی ایمنی می دهد

۴۲۳. مکارم الأخلاق: درباره پیامبر خدا، چنین روایت شده که داروی هضم کننده [۵۹۶] و آویشن و سیاه دانه خواست. چون مواد سفیده دار [۵۹۷] یا غذایی که سنگین بود، می خورد این موارد را با هم آسیاب کرده، آرد آن را با نمک نیم کوفته همراه می کرد و غذای خویش را بدان آغاز می کرد و می فرمود: «چون این دارو را بخورم، باکی از این ندارم که چه چیزی خورده باشم». او می فرمود: «همین دارو معده را تقویت می کند، بلغم را از میان برمی دارد و مایه ایمنی از کزی دهان است».

ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۱ (آنچه پیش از آمیزش، بایسته است / انتخاب زمان مناسب).

۱۵ / ۲

آنچه برای درمان وحشت، سودمند است

۴۲۴. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از محمد بن مسكان حلبي: امام صادق عليه السلام، در پاسخ یکی از دوستدارانش که گفته بود: ای پسر پیامبر خدا! من دختری دارم و پیوسته، نگران و بیدار خواب اویم و او، شب و روز، در بسیاری از اوقات، آشفته خاطر است. اگر مصلحت می دانی، برای او از خداوند، عافیت مسئلت فرما، برای آن دختر، دعا کرد و سپس فرمود: «به او بگو رگرنی کند؛ چرا که از این کار، سود خواهد برد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۸

الفصل الثالث: العين

۱ / ۳

الإشارة إلى ما فيها من الحكمة

۴۲۵. الإمام علي عليه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ ينظر بشحم، و يتكلم بلحم، و يسمع بعظم، [و] يتنفس من حرم! [۵۹۸]
 ۴۲۶. الإمام الصادق عليه السلام في مُحاجَّته مع الطَّيِّبِ الهِنْدِيِّ: خَلَّتِ الْجَبْهَةُ مِنَ الشَّعْرِ؛ لِأَنَّهَا مَصَّبُ النُّورِ إِلَى الْعَيْنَيْنِ، وَ جُعِلَ فِيهَا التَّنْخِيطُ وَ الْأَسَارِيرُ؛ لِیَحْتَسِبَ الْعَرَقَ الْوَارِدَ مِنَ الرَّأْسِ عَنِ الْعَيْنِ قَدَرَ مَا يُمِيطُهُ الْإِنْسَانُ عَنِ نَفْسِهِ، كَالْأَنْهَارِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي تَحْبِسُ الْمِيَاءَ، وَ جُعِلَ الْحَاجِبَانِ مِنَ فَوْقِ الْعَيْنَيْنِ؛ لِیُرَدَّ عَلَيَهُمَا مِنَ النُّورِ قَدَرَ الْكِفَايَةِ.
 أَلَا تَرَى يَا هِنْدِيُّ، إِنَّ مَنْ غَلَبَهُ النُّورُ جَعَلَ يَدَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ؛ لِیُرَدَّ عَلَيَهُمَا قَدْرُ كِفَايَتِهِمَا مِنْهُ، وَ جُعِلَ الْأَنْفُ فِيمَا بَيْنَهُمَا؛ لِیُقَسِّمَ النُّورَ قِسْمَيْنِ إِلَى كُلِّ

عَيْنٍ سَوَاءً، وَ كَانَتْ الْعَيْنُ كَاللُّوزَةِ؛ لِیَجْرِيَ فِيهَا الْمِيلُ بِالْذَّوَاءِ وَ یَخْرُجُ مِنْهَا الدَّاءُ. وَ لَوْ كَانَتْ مُرَبَّعَةً أَوْ مُدَوَّرَةً مَا جَرَى فِيهَا الْمِيلُ، وَ مَا وَصَلَ إِلَيْهَا دَوَاءً، وَ لَا خَرَجَ مِنْهَا دَاءً. [۵۹۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۷۹

فصل سوم: چشم

۳ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در چشم

۴۲۵. امام علی علیه السلام: از [خلقت این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، به کمک قطعه استخوانی، می‌شنود و از سوراخی، نفس می‌کشد.

۴۲۶. امام صادق علیه السلام در مناظره با طیب هندی: پیشانی، از مو تهی است، از آن رو که محل رسیدن نور به چشمان است؛ و در آن چین و چروک قرار داده شده است، بدان سبب که عرق فرو ریخته شده از سر را در خود، محبوس سازد و مانع رسیدن آن به چشمان شود، تا بدان وقت که انسان، عرق خویش را پاک کند، آن‌سان که نهرهای زمین، آب‌ها را در خود، محبوس می‌سازند. ابروها در بالای چشمان قرار داده شده‌اند تا نور را بدان اندازه که بسنده است، به چشمان راه دهند. ای هندی! مگر نمی‌بینی آن که نور بر وی چیره می‌شود، دست خویش را بر فراز چشمان می‌گیرد تا نور، بدان اندازه که بسنده است، از زیر آن به چشمان راه گشاید؟

بینی، در میان دو چشم قرار داده شده است تا نور را در میان دو چشم، به دو بخش مساوی قسمت کند.

چشم، همانند بادام است، تا میل بتواند دارو را در داخل آن جریان دهد و

بیماری (عفونت) از آن بیرون آید. اگر چشم، مربع شکل یا دایره‌ای بود، نه میل در داخل آن حرکت می‌کرد، نه دارو به همه آن می‌رسید، و نه بیماری از درون آن خارج می‌شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۰

۴۲۷. عنه علیه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: انْظُرِ الْآنَ يَا مُفْضَلُ إِلَى هَذِهِ الْحَوَاسِ الَّتِي خُصَّ بِهَا الْإِنْسَانُ فِي خَلْقِهِ وَ شُرِّفَ بِهَا عَلَى غَيْرِهِ، كَيْفَ جُعِلَتِ الْعَيْنَانِ فِي الرَّأْسِ كَالْمَصَابِيحِ فَوْقَ الْمَنَارَةِ لِیَتِمَّ كُنَّ مِنْ مُطَالَعَةِ الْأَشْيَاءِ، وَ لَمْ تُجْعَلْ فِي الْأَعْضَاءِ الَّتِي تَحْتَهُنَّ كَالْيَدَيْنِ وَ الرَّجْلَيْنِ فَتَعْرِضُهَا الْآفَاتُ وَ تُصِيبُهَا مِنْ مُبَاشَرَةِ الْعَمَلِ وَ الْحَرَكَهٖ مَا يُعْلَلُهَا وَ يُؤَثِّرُ فِيهَا وَ یَنْقُصُ مِنْهَا، وَ لَا فِي الْأَعْضَاءِ الَّتِي وَسَطَ الْيَدَيْنِ كَالْبَطْنِ وَ الظَّهْرِ فِیَعْسِرُ تَقْلُبُهَا وَ اِطْلَاعُهَا نَحْوَ الْأَشْيَاءِ، فَلَمَّا لَمْ یَكُنْ لَهَا فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَعْضَاءِ مَوْضِعٌ، كَانَ الرَّأْسُ أَسْنَى الْمَوَاضِعِ لِلْحَوَاسِ، وَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ الصَّوْمَعَةِ لَهَا.

فَجُعِلَ الْحَوَاسُ خَمْسًا تَلْقَى خَمْسًا لِكَيْلَا یَفُوتَهَا شَيْءٌ مِنَ الْمَحْسُوسَاتِ، فَخُلِقَ الْبَصَرُ، لِیُدْرِكَ الْأَلْوَانَ؛ فَلَوْ كَانَتْ الْأَلْوَانُ وَ لَمْ یَكُنْ بَصَرٌ

يُدْرِكُهَا لَمْ يَكُنْ مَنْفَعَةً فِيهَا.

و خُلِقَ السَّمْعُ لِيُدْرِكَ الْأَصْوَاتَ، فَلَوْ كَانَتِ الْأَصْوَاتُ وَ لَمْ يَكُنْ سَمْعٌ يُدْرِكُهَا لَمْ يَكُنْ فِيهَا إِرْبٌ، وَ كَذَلِكَ سَائِرُ الْحَوَاسِّ. ثُمَّ هَذَا يَرْجِعُ مُتَكَافِئًا، فَلَوْ كَانَ بَصِيرٌ وَ لَمْ يَكُنْ الْوَانُ؛ لَمَا كَانَ لِلْبَصِيرِ مَعْنَى، وَ لَوْ كَانَ سَمْعٌ وَ لَمْ يَكُنْ أَصْوَاتٌ؛ لَمْ يَكُنْ لِلْسَّمْعِ مَوْضِعٌ، فَانظُرْ كَيْفَ قُدِّرَ بَعْضُهَا يَلْقَى بَعْضًا، فَجُعِلَ لِكُلِّ حَاسَّةٍ مَحْسُوسٌ يَعْمَلُ فِيهِ، وَ لِكُلِّ مَحْسُوسٍ حَاسَّةٌ تُدْرِكُهُ، وَ مَعَ هَذَا فَقَدْ جُعِلَتْ أَشْيَاءٌ مُتَوَسِّطَةٌ بَيْنَ الْحَوَاسِّ

وَ الْمَحْسُوسَاتِ لَا يَتِمُّ الْحَوَاسُّ إِلَّا بِهَا كَمِثْلِ الضِّيَاءِ وَ الْهَوَاءِ؛ فَإِنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنْ ضِيَاءٌ يُظْهِرُ اللَّوْنَ لِلْبَصِيرِ لَمْ يَكُنِ الْبَصِيرُ يُدْرِكُ اللَّوْنَ، وَ لَوْ لَمْ يَكُنْ هَوَاءٌ يُؤَدِّي الصَّوْتَ إِلَى السَّمْعِ؛ لَمْ يَكُنِ السَّمْعُ يُدْرِكُ الصَّوْتَ.

فَهَلْ يَخْفَى عَلَى مَنْ صَيَّحَ نَظْرُهُ وَ أَعْمَلَ فِكْرَهُ أَنْ مِثْلَ هَذَا الَّذِي وَصِفْتُ مِنْ تَهَيُّةِ الْحَوَاسِّ وَ الْمَحْسُوسَاتِ بَعْضُهَا يَلْقَى بَعْضًا، وَ تَهَيُّةِ أَشْيَاءٍ آخَرَ بِهَا تَتِمُّ الْحَوَاسُّ لَا يَكُونُ إِلَّا بِعَمْدٍ وَ تَقْدِيرٍ مِنْ لَطِيفٍ خَبِيرٍ؟

فَكِّرْ يَا مُفْضَلُ، فِي مَنْ عَدِمَ الْبَصَرَ مِنَ النَّاسِ وَ مَا يَنَالُهُ مِنَ الْخَلَلِ فِي أَمُورِهِ؟ فَإِنَّهُ لَا يَعْرِفُ مَوْضِعَ قَدَمِهِ، وَلَا يُبْصِرُ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَا يُفَرِّقُ بَيْنَ الْأَلْوَانِ، وَ بَيْنَ الْمَنْظَرِ الْحَسَنِ وَ الْقَبِيحِ، وَلَا يَرَى حُفْرَةً إِنْ هَجَمَ عَلَيْهَا، وَلَا عَيْدُوا إِنْ أَهْوَى إِلَيْهِ بِسَيْفٍ، وَلَا يَكُونُ لَهُ سَبِيلٌ إِلَى أَنْ يَعْمَلَ شَيْئًا مِنْ هَذِهِ الصَّنَاعَاتِ، مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَ التَّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ، حَتَّى أَنَّهُ لَوْ لَا نَفَاذُ ذَهْنِهِ لَكَانَ بِمَنْزِلَةِ الْحَجَرِ الْمُلْقَى...

تَأَمَّلْ يَا مُفْضَلُ الْجِفْنَ عَلَى الْعَيْنِ كَيْفَ جُعِلَ كَالْغِشَاءِ، وَ الْأَشْفَارَ كَالْأَشْرَاجِ وَ أَوْلَجَهَا فِي هَذَا الْغَارِ، وَ أَظْلَمَهَا بِالْحِجَابِ وَ مَا عَلَيْهِ مِنَ الشَّعْرِ. [٦٠٠]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٢٨١

٤٢٧. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! اکنون به این حواسی که خداوند از میان همه آفریدگان، آنها را به انسان اختصاص داده و بدین واسطه، او را بر دیگران گرامی داشته است، بنگر. چگونه چشمان انسان به سان چراغ‌هایی که فراز مناره است، در سر انسان قرار گرفته تا قادر بر مطالعه اشیا باشد و در اندام‌های پایین تر (از قبیل دست و پا) قرار نگرفته است تا آفت‌ها بدان برسد و از پرداختن مستقیم به کار و حرکت، چیزهایی بدانها برسد که ناتوانش سازد، در آن، اثر گذارد و از آن بکاهد. چشم‌ها در اندام‌های میانی بدن (چون شکم و پشت) نیز قرار نگرفته است تا چرخش آنها به سوی چیزها و نگاهشان به سوی اشیا، دشوار باشد. بدین سان، از آن رو که جای چشم ما هیچ کدام از این اندام‌ها نبوده، عالی‌ترین جای هواس، همان سر است که خود، به صومعه حواس می‌ماند.

حواس نیز پنج چیز قرار داده شده که پنج چیز را درک می‌کنند تا چیزی از این محسوسات، از کف نرود. چشم آفریده شده است تا رنگ‌ها را درک کند. اگر رنگ‌ها وجود داشتند و در این حالت، چشمی نبود که آنها را درک کند، هیچ سودی در آنها متصور نبود.

گوش آفریده شده تا صداها را درک کند. اگر صداها وجود داشتند و گوش نبود که آنها را ادراک کند، دیگر هیچ نیازی به آنها نبود و هیچ مقصودی را برآورده نمی‌ساختند. دیگر حواس نیز چنین‌اند.

از سویی دیگر نیز همین حقیقت، صادق است. اگر چشم وجود داشت، ولی رنگ‌ها وجود نمی‌داشتند، چشم را هیچ خاصیتی نبود؛ یا اگر گوش وجود داشت، ولی صداها وجود نمی‌داشتند گوش را هیچ جایگاهی نبود. پس ببین که چگونه این حواس و محسوس‌ها با همدیگر اندازه و همسان شده‌اند و هر حسی را محسوسی است که بر آن، اثر می‌گذارد و هر محسوسی را نیز حسی است که آن را درک می‌کند.

با وجود اینها، چیزهایی همانند نور و هوا، واسطه میان حواس و محسوس‌ها آفریده شده‌اند که حواس، جز به کمک آنها کامل نمی‌شوند؛ چه، اگر نوری که رنگ را بر چشم آشکار سازد، نبود، چشم نمی‌توانست رنگ را درک کند و اگر هوایی که صدا را به

گوش برساند، نبود، گوش نیز نمی‌توانست صدا را درک کند.

پس آیا بر هر کس که نگاهی درست بیفکند و فکر خویش را به کار گیرد، پوشیده می‌ماند که پدیده‌ای چون فراهم بودن حواس و محسوس‌های همسان و همناخت با یکدیگر، و نیز فراهم شدن چیزهای دیگر که حواس به کمک آنها کامل می‌شود و توصیف آنها را گفتم، می‌تواند از چیزی جز هدفداری و اندازه‌گیری از جانب خدای لطیف آگاه، سرچشمه گرفته باشد؟

ای مفضل! در زندگی ناینایان و خللی که در کارشان روی می‌دهد، اندیشه کن و ببین که چگونه چنین کسی، نه جای گام‌های خویش را می‌بیند، نه پیش روی خود را می‌بیند، نه میان رنگ‌ها تفاوت می‌گذارد، نه چشم‌اندازهای زیبا و زشت را از هم باز می‌شناسد، نه اگر از سویی به او حمله ببرند، گودالی را که پیش پایش هست، می‌بیند، نه اگر ضربه شمشیری به سویش فرود آید، دشمن و ضربت او را می‌بیند، و نه به انجام دادن کارهایی چون: نوشتن، داد و ستد و زرگری راهی می‌یابد، تا آنجا که اگر کارآیی ذهنی وی نبود، به پاره‌سنگی افتاده بر زمین می‌مانست ...

ای مفضل! در پلک چشم، تأمل کن و بنگر که چگونه به سان پوشش، بر آن قرار گرفته و چگونه مژه‌ها به آویخته گاه‌های ریسمان می‌مانند و چه سان خداوند، چشم را در درون غار خویش نشانده و پرده موهایی [که اطراف آن است، بر آن افکنده است. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۲

۲ / ۳

أسبابُ بعضِ أمراضِ العینِ

۴۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَثَلُ النَّاطِرِ فِي الْقَدَرِ كَالنَّاطِرِ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ؛ كَلَّمَا اشْتَدَّ نَظْرُهُ فِيهَا ذَهَبَ بَصَرُهُ. [۶۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۳

۲ / ۳ عوامل برخی از بیماری‌های چشم

۴۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن که در مسئله «قضا و قدر» [۶۰۲] بنگرد، حکایت کسی را دارد که به خورشید، خیره می‌شود. هر اندازه بیشتر بدان چشم بدوزد، بینایی وی، بیشتر از میان می‌رود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۴

۴۲۹. الإمام الرضا علیه السلام: أكلُ الأترجِ بالليلِ يقلبُ العینَ، و یورثُ الحولَ. [۶۰۳]

۴۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله فی وصایاهُ لعلیِّ علیه السلام: یا علیُّ، لا یَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ وَ لَیَغُضَّ بَصِيرَهُ عِنْدَ الْجَمَاعِ؛ فَإِنَّ النَّظْرَ إِلَى الْفَرْجِ یورثُ العمی فی الولدِ. [۶۰۴]

۴۳۱. الإمام علی علیه السلام: لا یَنْظُرَنَّ أَحَدُكُمْ إِلَى بَاطِنِ فَرْجِ امْرَأَتِهِ؛ فَلَعَلَّهُ یرى ما یکره و یورثُ العمی. [۶۰۵]

۴۳۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فی وصایاهُ لعلیِّ علیه السلام: یا علیُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الظُّهْرِ، فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَیْنَكُمَا وَلَدٌ فِی ذَلِكِ الْوَقْتِ یكونُ أَحْوَلَ، وَ الشَّیْطَانُ یَفْرَحُ بِالْحَوْلِ فی الْإِنْسَانِ. [۶۰۶]

۴۳۳. الإمام الرضا علیه السلام: لا تَقْرَبِ النِّسَاءَ فی أَوَّلِ اللَّیْلِ لا شَتَاءً وَ لا صَیْفًا؛ وَ ذَلِكَ أَنْ الْمَعْدَةَ وَ العُرُوقَ تَكونُ مُمْتَلِئَةً وَ هُوَ غَیْرُ مَحْمُودٍ، یَتَخَوَّفُ مِنْهُ... ضَعْفُ البَصْرِ وَ الدِّمَاغِ. [۶۰۷]

راجع: ج ۱، ص ۳۰۶ (ما یجلو البصر و یزید فیهِ / تقصیر الشعر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۵

۴۲۹. امام رضا علیه السلام: خوردن ترنج در هنگام شب، چشم را انحراف می‌دهد و کزچشمی می‌آورد.

۴۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! مبادا کسی در هنگام آمیزش به شرمگاه

همسر خویش بنگرد؛ بلکه باید در هنگام آمیزش، چشم فرو هلد؛ چرا که نگریستن به شرمگاه، کوری فرزند را در پی می آورد. ۴۳۱. امام علی علیه السلام: مبدا کسی از شما به درون شرمگاه همسر خویش بنگرد؛ چه، شاید چیزی بیند که ناخوشایندش آید و شاید هم کوری بیاورد.

۴۳۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از سفارش های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! بعد از ظهر با همسرت نزدیکی مکن، که اگر در این هنگام برایتان فرزندی تقدیر شود، کژ چشم خواهد بود، و شیطان نیز به کژ چشمی انسان، شادمان می گردد. ۴۳۳. امام رضا علیه السلام: در اوایل شب، چه زمستان و چه پاییز، با زنان نزدیکی مکن؛ چرا که معده و رگ ها [در این هنگام، پُر است و این کار، ناستوده است و از آن بیم ... ضعف بینایی و سست خردی می رود. ر. ک: ج ۱، ص ۳۰۷ (آنچه چشم را جلا می دهد و تقویت می کند/ کوتاه کردن مو). دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۶

۳ / ۳

الْوَقَايَةُ مِنْ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْعَيْنِ

۴۳۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: لا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً: الرَّمَدَ؛ فَإِنَّهُ يَقَطُّعُ عُرُوقَ الْعَمَى... [۶۰۸] ۴۳۵. عنه صلی الله علیه و آله: مَنِ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِثْنِ شَارِبِهِ عَوْفَى مِثْنِ وَجِحِ الضُّرْسِ، وَ وَجِعِ الْعَيْنِ. [۶۰۹]

۴۳۶. الإمام الباقر علیه السلام: مَنْ أَدَمَّنَ أَخَذَ أَظْفَارِهِ كُلَّ خَمِيسٍ لَمْ تَرَمِدْ عَيْنُهُ. [۶۱۰] ۴۳۷. کتاب من لا يحضره الفقيه: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! يُقَالُ: مَا اسْتُنزَلَ الرِّزْقُ بِشَيْءٍ مِثْلِ التَّعْقِيبِ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ. فَقَالَ: أَجَلٌ، وَ لَكِنْ اخْبِرْكَ بِخَيْرٍ مِنْ ذَلِكَ، أَخَذِ الشَّارِبِ وَ تَقْلِيمِ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَ تَقْلِيمِ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْخَمِيسِ يَدْفَعُ الرَّمَدَ. [۶۱۱] ۴۳۸. الإمام الصادق علیه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجَذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى، وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجَّ فَحُكَّهَا. [۶۱۲] دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۷

۳ / ۳ پیشگیری از برخی بیماری های چشم

۴۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... چشم درد؛ چرا که رگ های کوری را قطع می کند. [۶۱۳] ۴۳۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز پنجشنبه و شنبه، ناخن های خود را کوتاه کند و قدری از سیبیل خود بگیرد، از دندان درد و درد چشم در امان باشد.

۴۳۶. امام باقر علیه السلام: هر کس به گرفتن ناخن در هر پنجشنبه مداومت ورزد، چشم درد نمی گیرد. ۴۳۷. کتاب من لا- يحضره الفقيه: عبد الله بن ابی يعفور به امام صادق علیه السلام گفت: فدایت شوم! گفته می شود هیچ چیز به اندازه تعقیبات میان طلوع سپیده و طلوع خورشید، سبب نزول روزی نشده است. فرمود: «آری؛ آری تو را از بهتر از این آگاه سازم: گرفتن سیبیل و کوتاه کردن ناخن در روز جمعه. کوتاه کردن ناخن ها در روز پنجشنبه نیز چشم درد را دور می کند».

۴۳۸. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه، از جذام و پیسی و کوری، ایمن می دهد. اگر هم نیازی به کوتاه کردن نبود، آنها را بسای.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۸

۴۳۹. الکافی عن علی بن اسباط عن خلف: رآنی أبو الحسنِ علیه السلام یُخراسانَ و أنا اشتکی عینی، فقال: أ لا أدلک علی شیءٍ إن فعلتَه لم تشتک عینک؟
فقلت: بلی.

فقال: خذ من أظفارک فی کلّ خمیس.

قال: ففعلت، فما اشتکت عینی إلى یومٍ أخبرتک. [۶۱۴]

۴۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: الکحل عند النوم أمان من الماء. [۶۱۵]

۴۴۱. عنه علیه السلام: من نام علی إثمید غیر مُمسکٍ أمن من الماء الأسود أبدا ما دام ینام علیهِ. [۶۱۶]

۴۴۲. عنه علیه السلام: إن الرّجل إذا صام زالت عیناه من مکانیهما، فإذا أفطر علی الحلو عادتا إلى مکانیهما. [۶۱۷]

۴۴۳. مکارم الأخلاق عن أبي بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام: کثرة العطاس یأمن صاحبه من خمسہ أشياء: أولها: الجذام.

و الثاني: الزیج الخبیثة التي تنزل فی الرأس و الوجه.

و الثالث: یأمن نزول الماء فی العین.

و الرابع: یأمن من شدة [۶۱۸] الخیاشیم.

و الخامس: یأمن من خروج الشعر فی العین.

قال: و إن أحببت أن یقل عطاسک فاستعط بدهن المرزنجوش.

قلت: مقدار کم؟

قال: مقدار دانق.

قال: ففعلت ذلك خمسة أيام فذهب عني. [۶۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۸۹

۴۳۹. الکافی به نقل از علی بن اسباط، از خلف: امام رضا علیه السلام، مرا در خراسان دید، در حالی که چشم درد داشتم. فرمود: «آیا می خواهی تو را به کاری رهنمون شوم که اگر آن را انجام دهی، چشمانت درد نکند؟». گفتم: چرا.

فرمود: «در هر روز پنجشنبه، قدری از ناخن هایت بگیر».

راوی گوید: من آن کار را انجام دادم و از آن پس تا امروز که این روایت را نقل می کنم، به چشم درد، مبتلا نشده ام.

۴۴۰. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن در هنگام خواب، مایه ایمنی از آب [چشم است.

۴۴۱. امام صادق علیه السلام: هر کس با سرمه اثمید آمیخته ناشده با مُشک بخوابد، برای همیشه، تا زمانی که بر این حالت می خوابد، از آب سیاه در امان می ماند.

۴۴۲. امام صادق علیه السلام: مرد، چون روزه بگیرد، چشمانش از جای خویش می رود [۶۲۰] و چون با شیرینی روزه بگشاید، دیگر بار، چشمانش به جای خویش باز می گردد.

۴۴۳. مکارم الأخلاق به نقل از ابو بصیر، از امام صادق علیه السلام: فراوانی عطسه، شخص را از پنج چیز، ایمن می سازد: نخستین آنها جذام است؛ دوم، بادهای بدخیمی که در سر و صورت، جای می گیرد؛ سوم آن که مایه ایمنی از جای گرفتن آب در چشم می شود؛ چهارم آن که از سختی حفره های بینی، مصنوعیت می دهد؛ و پنجم آن که از بیرون آمدن مو از چشم، ایمنی می دهد. فرمود: «اگر دوست داشتی که عطسه ات کم شود، با روغن مرزنجوش، انفیہ کن».

پرسیدم: چه مقدار؟

فرمود: «به اندازه یک دانگ [۶۲۱]».

راوی گوید: این کار را پنج روز انجام دادم و [عارضه‌ام از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۰

۴/۳

ما يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْعَيْنِ

۴۴۴. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْكَمَاءُ مِنْ نَبْتِ الْجَنَّةِ، و ماؤها نافعٌ مِنْ وَجَعِ الْعَيْنِ. [۶۲۲]

۴۴۵. عنه صلى الله عليه و آله: الْكَمَاءُ مِنَ الْمَنِّ وَالْمَنْ مِنْ الْجَنَّةِ، و ماؤها شفاءٌ لِلْعَيْنِ. [۶۲۳]

۴۴۶. مسند ابن حنبل عن عثمان: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَخَّصَ أَوْ: قَالَ فِي الْمُحْرَمِ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَهُ أَنْ يُضْمَدَهَا

بِالصَّبْرِ. [۶۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۱

۴/۳ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های چشم سودمند است

۴۴۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: قارچ، از گیاهان بهشتی است و آبش برای چشم درد، سودمند است.

۴۴۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: قارچ، از همان «مَنْ»، و «مَنْ» از بهشت است [۶۲۵] و آبش نیز شفایی برای چشم است.

۴۴۶. مسند ابن حنبل به نقل از عثمان: پیامبر خدا، درباره مُحْرَمِ اجازه داد (یا فرموده) که اگر چشم درد داشته باشد، مرهم گیاه سَبْر

بر چشم خویش بنهد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۲

۴۴۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْمُحْرَمَ إِذَا اشْتَكَى عَيْنَهُ ضَمَدَهَا بِالصَّبْرِ. [۶۲۶]

۴۴۸. طَبُّ الْأَنْثَمَةِ عَنْ ذَرِيحٍ: شَكَرَا رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِيَاضًا فِي عَيْنِهِ، فَقَالَ: خُذْ تَوْتِيَا هِنْدِيَّ جُزْءًا وَ إِقْلِيمِيَا الذَّهَبِ

جُزْءًا، وَ إِثْمِدَ [۱] جِيدًا جُزْءًا [و] [۶۲۷] لِيَجْعَلَ جُزْءًا مِنَ الْهَلِيلِجِ الْأَصْفَرِ، وَ جُزْءًا مِنْ مِلْحِ أَنْدَرَانِيٍّ، وَ اسْحَقْ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهَا عَلَى حِدَّةٍ

بِمَاءِ السَّمَاءِ، ثُمَّ اجْمَعُهُ بَعْدَ السَّحْقِ [۶۲۸] فَاصْبُرْ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْبِيَاضَ، وَ يُصَيِّفِي لَحْمَ الْعَيْنِ وَ يُتَّقِيهِ مِنْ كُلِّ عَلِيٍّ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ

جَل. [۶۲۹]

۴۴۹. الكافي عن جميل بن صالح: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لَنَا فِتَاءً كَانَتْ تَرَى الْكَوْكَبَ مِثْلَ الْجَزَّةِ.

قَالَ: نَعَمْ، وَ تَرَاهُ مِثْلَ الْحُبِّ.

قُلْتُ: إِنَّ بَصَرَهَا ضَعْفٌ.

فَقَالَ: أَكْطَلُهَا بِالصَّبْرِ وَ الْمُرِّ وَ الْكَافُورِ أَجْزَاءً سِوَاءً.

فَكَحَلْنَاهَا بِهِ فَنَفَعَهَا. [۶۳۰]

۴۵۰. الكافي عن ابن محبوب عن رجل: دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَشْتَكِي عَيْنَيْهِ.

فَقَالَ لَهُ: أَيْنَ أَنْتَ عَنْ هَذِهِ الْأَجْزَاءِ الثَّلَاثَةِ: الصَّبْرِ، وَ الْكَافُورِ، وَ الْمُرِّ؟

فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَذَهَبَتْ عَنْهُ. [۶۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۳

۴۴۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: اگر مُحْرَمِ چشمش درد گرفت، بر آن مرهم گیاه سَبْر بنهد.

۴۴۸. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از ذُرَيْح: مردی نزد امام باقر علیه السلام از سفیدی‌ای در چشمش اظهار ناراحتی کرد. فرمود: «قدری توتیای هندی، قدری جوش کوره (ریم) سیم و زر، و قدری سنگِ سرمه مرغوب بردار و سهمی هلیله زرد و سهمی نیز نمکِ ترکی (نمک بلور) [همراه آن بردار و هر یک از آنها را جداگانه در آب باران، خوب بساب و سپس، همه را پس از ساییدن به هم درآمیز و از آن سرمه ساز. این [کار]، به اذن خداوند عز و جل، سفیدی عارض بر چشم را از میان می‌برد، گوشت چشم را تصفیه می‌کند و از هر بیماری‌ای می‌پالاید».

۴۴۹. الکافی به نقل از جمیل بن صالح: به امام صادق علیه السلام گفتم: دختر جوانی داریم که ستاره را به سان کِهکشان می‌بیند. فرمود: «خوب! و گاه نیز آن را به سان یک دانه می‌بیند». [۶۳۲] گفتم: چشمش ضعیف شده است.

فرمود: «آن را به گیاه سبر و تلخه [۶۳۳] و کافور، به سهم‌های برابر، سرمه کن». وی را بدان چیزها سرمه کردیم و برایش سودمند افتاد.

۴۵۰. الکافی به نقل از ابن محبوب، از راوی دیگری: مردی که چشم‌درد داشت، بر امام صادق علیه السلام وارد شد. امام علیه السلام به او فرمود: «چرا از این سه چیز: گیاه سبر، کافور و تلخه، غافل‌ی؟». مرد، آن کار را انجام داد و چشم‌درد او از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۴

۴۵۱. طَبُّ الْأَثْمَةِ: عَنْ عُمَرَ بْنِ تَوْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَجُلًا شَكَاَ إِلَيْهِ بِيَاضَا فِي عَيْنِهِ، وَوَجَعَا فِي ضِرْسِهِ، وَرِيَاحَا فِي مَفَاصِلِهِ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَأْخُذَ فُلْفُلًا أَيْضًا وَدَارْفَلًا، مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ وَزَنَ دِرْهَمَيْنِ، وَنُشَادِرًا جَيِّدًا صَافِيَا وَزَنَ دِرْهَمًا، وَاسْحَقَهَا كُلَّهَا وَانْخَلَهَا، وَاکْتَحَلْ بِهَا فِي كُلِّ عَيْنٍ ثَلَاثَةَ مَرَاوِدَ، وَاصْبِرْ عَلَيْهَا سَاعَةً؛ فَإِنَّهُ يَقَطُّعُ الْبِيَاضَ، وَيُنْقَى لَحْمَ الْعَيْنِ، وَيُسَكِّنُ الْوَجَعَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى، فَاعْسِلْ [۶۳۴] عَيْنَيْكَ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ وَاتَّبِعْهُ بِالْإِثْمِدِ. [۶۳۵]

۴۵۲. الکافی: عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ سُلَيْمِ مَوْلَى عَلِيِّ بْنِ يَقْتِينٍ أَنَّهُ كَانَ يَلْقَى مِنْ رَمِيدِ عَيْنَيْهِ أَدَى، قَالَ: فَكَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْتِدَاءً مِنْ عِنْدِهِ: مَا يَمْنَعُكَ مِنْ كُحْلِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ جُزْءُ كَافُورٍ رِبَاحِيٍّ وَجُزْءُ صَبْرِ اصْقُوطِيٍّ، يُدَقَّانِ جَمِيعًا وَيُنْخَلَانِ بِحَرِيرَةٍ يُكْتَحَلُ مِنْهُ مِثْلَ مَا يُكْتَحَلُ مِنَ الْإِثْمِدِ، الْكُحْلَةُ فِي الشَّهْرِ تَحْدُرُ كُلَّ دَاءٍ فِي الرَّأْسِ وَتُخْرِجُهُ مِنَ الْبَدَنِ. قَالَ: فَكَانَ يُكْتَحَلُ بِهِ، فَمَا اشْتَكَى عَيْنَيْهِ حَتَّى مَاتَ. [۶۳۶]

۴۵۳. الإمام الصادق عليه السلام: نَعِمَ الدُّهْنُ الْبَنْفَسَجُ، لِيَذْهَبَ بِالْدَاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ؛ فَادَّهِنُوا بِهِ. [۶۳۷] راجع: ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۶۷۶ و ص ۴۰۴ ح ۶۸۱.

ج ۲، ص ۴۱۲ (العناب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۵

۴۵۱. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ از عمر بن توبه، از پدرش، درباره امام صادق علیه السلام نقل شد که مردی نزد آن حضرت از سفیدی‌ای در چشمش، دردی در دندان‌ش و بادی در مفاصل‌هایش اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام به او فرمود که قدری فلفل سفید و قدری دار فلفل [۶۳۸]، از هر کدام به وزن یک درهم، و نیز به وزن یک درهم، نشادر بر دارد.

[سپس فرمود:] «همه اینها را بساب و غربال کن و در هر چشمی از این مخلوط، سه میل سرمه کن و دمی آن را نگاه‌دار که به اذن خداوند عز و جل، سفیدی را ریشه‌کن می‌کند، گوشت چشم را تمیز می‌کند و درد را تسکین می‌دهد. پس چشمانت را با آب سرد بشوی و در پی آن، با سرمه سیاه، سرمه کن».

۴۵۲. الکافی به نقل از ابن ابی عمیر: از سلیم، وابسته علی بن یقطين، نقل شده که وی (احتمالاً علی بن یقطين)، از درد چشم در رنج

بود. پس امام کاظم علیه السلام، خود و بی آنکه وی، اطلاعی داده باشد یا پرسیده باشد، برای وی چنین نوشت: «چه چیز تو را از سرمه ابو جعفر (امام باقر علیه السلام) باز می‌دارد؟ یک سهم کافور رباحی، [۶۳۹] یک سهم سیر اصقطری [۶۴۰] که با هم آرد و بر پارچه‌ای حریر، غربال می‌شوند و به همان اندازه که از سنگ سرمه، بر چشم کنند، از این مخلوط نیز چشم را ماهی یک بار، سرمه کند تا هر دردی را که در سر هست، فرود آورد و از بدن، بیرون برد».

وی (ابن یقطين)، به این مخلوط سرمه می‌کرد و از آن پس تا زنده بود، چشم درد نداشت.

۴۵۳. امام صادق علیه السلام: بنفشه، چه نیکو روغنی است! درد را از سر و از چشمان می‌برد. آن را به خود بمالید.

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۴۰۱ ح ۶۷۶ و ص ۴۰۵ ح ۶۸۱ و ج ۲، ص ۴۱۳ (عَنَاب).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۶

۵ / ۳

مَا يَجْلُو الْبَصَرَ وَيَزِيدُ فِيهِ

۱۵ / ۳

السَّفَرَجَلُ

۴۵۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا السَّفَرَجَلَ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُبَيِّتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ. [۶۴۱]

۴۵۵. عنه صلی الله علیه و آله: أَكَلُ السَّفَرَجَلِ يُذْهِبُ ظُلْمَةَ الْبَصَرِ. [۶۴۲]

۲۵ / ۳

التَّمْرُ

۴۵۶. رسول الله صلی الله علیه و آله فی خَوَاصِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ: هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِي تَمْرَتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خِصَالٍ... وَ تَزِيدُ فِي

السَّمْعِ وَ الْبَصَرِ... [۶۴۳]

۳۵ / ۳

الْبَصَلُ

۴۵۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَ بَيْتًا فَخِفْتُمْ وَ بَاءَهَا فَعَلَيْكُمْ بِبَصَلِهَا.... [۶۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۷

۵ / ۳ آنچه چشم را جلا می‌دهد و تقویت می‌کند

۱۵ / ۳ به

۴۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بِهِ بَخُورِيْدُ وَ بِهِ هَمْدِيْغَرُ هَدِيْهٌ دَهِيْدُ؛ چَرا که چَشم را جَلا می‌دهد و دوستی را در دل می‌رویاَند.

۴۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خورْدنِ بِهِ، تیرگی چَشم را از میان می‌بَرْد.

۲۵ / ۳ خرما

۴۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره خواص خرماي بَرْنِيِّ: این جبرئیل است که به من خبر می‌دهد که در این خرمايتان هفت

ویژگی است: ... و بر شنوایی و بینایی تان می‌افزاید. [۶۴۵]

۴۵۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر به آبادی ای و بازده در آمدید و از وبای [۶۴۶] آن ترسیدید، بر شما باد پیاز آن؛ چرا که چشم را جلا می دهد... [۶۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۸

۴۵ / ۳

اللَّبَانُ

۴۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللَّبَانِ؛ فَإِنَّهُ يَمَسْحُ الْحَرَ عَنِ الْقَلْبِ... وَيَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُذْهِبُ النَّسِيَانَ. [۶۴۸]

۵۵ / ۳

اللَّحْمُ

۴۵۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: اللَّحْمُ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ. [۶۴۹]

۴۶۰. الإمام الباقر عليه السلام: أَكُلُ اللَّحْمِ يَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصْرِ وَالْقُوَّةِ. [۶۵۰]

راجع: ج ۲، ص ۴۷۰، ح ۱۹۸۴ و ح ۱۹۸۷، و ص ۴۷۲، ح ۱۹۹۱.

۶۵ / ۳

الْمَرَزَنْجُوشُ

۴۶۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الرَّيْحَانِ الْمَرَزَنْجُوشُ، يَثْبُتُ تَحْتَ سَاقِي الْعَرْشِ؛ وَ مَأْوَةٌ شِفَاءُ الْعَيْنِ. [۶۵۱]

۷۵ / ۳

مَاءُ زَمْرَمَ

۴۶۲. الدعوات عن ابن عباس: إِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ الْمِيَاهَ الْعِدَابَ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ غَيْرَ زَمْرَمَ،

وَ إِنَّ مَاءَهَا يَذْهَبُ بِالْحَمَى وَالصُّدَاعِ، وَ الْإِطْلَاعُ فِيهَا يَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۲۹۹

۴۵ / ۳

كُنْدُرٌ

۴۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد کُنْدُر؛ چرا که گرمزدگی را از قلب می زداید... و دیده را جلا می دهد و فراموشی را از میان می برد.

۳ / ۵۵ گوشت

۴۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می کند.

۴۶۰. امام باقر علیه السلام: خوردن گوشت، شنوایی، بینایی و قدرت را افزون می کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۴۷۱ و ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷، ص ۴۷۳، ح ۱۹۹۱.

۳ / ۶۵ مرزنگوش

۴۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو گیاهی است مرزنگوش! در زیر پایه های عرش می روید و آبش شفای چشم است.

۴۶۲. الدعوات: از ابن عباس چنین نقل شده است: خداوند، پیش از روز قیامت،

همه آب‌های شیرین را می‌خشکاند، مگر زمزم، که آبش تب و سردرد را از میان می‌برد و نگریستن در آن، چشم را جلا می‌دهد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۰

۸۵ / ۳

الاکْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ

۴۶۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: الكحلُّ في العينين يجلو البصر. [۶۵۳]

۴۶۴. الإمام الحسين عليه السلام: قال لى رسول الله صلى الله عليه و آله: يا بُنَيَّ، نَمَّ عَلَى قَفَاكَ يَخْمَصُ بَطْنُكَ، وَ اشْرَبِ الْمَاءَ مَصِيًّا يَمْرَأَكَ أَكْلُكَ، وَ اكْتَحِلْ وَ تَرَا يُضِي لَكَ بَصْرُكَ، وَ ادَّهِنْ غَبَا تَشَبَّهُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ. [۶۵۴]

۴۶۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: ثلاثٌ يزدن في قوَّةِ البصرِ: الكحلُّ بالإثمدِ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَ النَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. [۶۵۵]

۴۶۶. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكَ بِالْكَحْلِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يَشُدُّ الْعَيْنَ. [۶۵۶]

۴۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْإِثْمِدِ؛ فَإِنَّهُ مَبْتَهَةٌ لِلشَّعْرِ، مَذْهَبَةٌ لِلْقَدَى، مَصْفَاءٌ لِلْبَصْرِ. [۶۵۷]

۴۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: خَيْرٌ مَا اكْتَحَلْتُمْ بِهِ الْإِثْمِدُ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصْرَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ. [۶۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۱

۳ / ۵ / ۸ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «اِثْمِدُ»

۴۶۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سرمه کشیدن چشمان، دیده را جلا می‌دهد.

۴۶۴. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم! به پشت بخواب تا شکمت کوچک شود، آب را به مکیدن بنوش تا خوردنت بر تو گوارا آید، به شمار دفعات فرد، سرمه بکش تا چشمانت روشن شود و یک روز در میان، روغن بز تا به سنت پیامبر خویش، عمل کرده باشی».

۴۶۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: سه چیز، قدرت بینایی را افزون می‌کند: سرمه کشیدن به اِثْمِدُ، نگریستن به سبزی، و نگاه کردن به چهره زیبا.

۴۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر تو باد سرمه؛ چرا که موی را بر می‌رویانَد و چشم را تقویت می‌کند.

۴۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد سرمه با اِثْمِدُ؛ چرا که مایه رویدن مو، از میان رفتن آلودگی و صفا یافتن دیده است.

۴۶۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: اِثْمِدُ، بهترین چیزی است که با آن، سرمه می‌کنید؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد و مو بر می‌رویانَد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۲

۴۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: اكْتَحِلُوا بِالْإِثْمِدِ الْمُرْوَحِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصْرَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ. [۶۵۹] [۶۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۰۲

۴۷۰. الإمام الباقر عليه السلام: الاكْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ أَشْفَارَ الْعَيْنِ. [۶۶۱]

۴۷۱. الإمام الصادق عليه السلام: أتى النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله أعرابِيٌّ يُقَالُ لَهُ: قَلْبٌ، رَطَبُ الْعَيْنَيْنِ.

فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنِّي أَرَى عَيْنَيْكَ رَطْبَتَيْنِ يَا قَلِيبُ، عَلَيْكَ بِالْإِثْمِدِ؛ فَإِنَّهُ سَرَّاحٌ [٦٦٢] الْعَيْنِ. [٦٦٣]

٤٧٢. عنه عليه السلام: الْإِثْمِدُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْذَّمْعَةِ. [٦٦٤]

٤٧٣. عنه عليه السلام: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يُجَفِّفُ الذَّمْعَةَ، وَ يُعَذِّبُ الزَّيْقَ، وَ يَجْلُو الْبَصَرَ. [٦٦٥]

٤٧٤. عنه عليه السلام: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يُحِدُّ الْبَصَرَ، وَ يُعِينُ عَلَى طَوْلِ السُّجُودِ. [٦٦٦]

٤٧٥. سنن الترمذی عن ابن عباس: كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُكْحَلَةٌ يَكْتَحِلُ بِهَا عِنْدَ

التَّوْمِ ثَلَاثًا فِي كُلِّ عَيْنٍ. [٦٦٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٠٣

٤٦٩. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به سرمه ائمه خوش بو شده با مشک، سرمه بکشید، که دیده را جلا می دهد و مو برمی رویاند.

٤٧٠. امام باقر علیه السلام: سرمه کشیدن به ائمه، بوی را خوش می سازد و مژه گاه ها را استحکام می بخشد.

٤٧١. امام صادق علیه السلام: عربی بادیه نشین که او را «قلیب» می گفتند و آبریزش چشم داشت، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد.

به او فرمود: «ای قلیب! می بینم چشمانت آبریزش دارد. بر تو باد سرمه ائمه، که روشنایی چشم است».

٤٧٢. امام صادق علیه السلام: سرمه ائمه، چشم را جلا می دهد، موی بر می رویاند و اشک ریزش را می برد.

٤٧٣. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می رویاند، اشک ریزش را می خشکاند، آب دهان را گوارا می سازد و دیده را جلا

می دهد.

٤٧٤. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می رویاند، دیده را تیزی می بخشد، و انسان را بر طولانی ساختن سجده، یاری می رساند.

٤٧٥. سنن الترمذی به نقل از ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله، سرمه دانی داشت که با آن،

در هنگام خفتن، هر چشم را سه بار سرمه می کشید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٠٤

٤٧٦. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا اكْتَحَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَكْتَحِلْ وَتَرَا. [٦٦٨]

راجع: ج ١، ص ٢٩٠ (ما ینفع لعلاج بعض أمراض العین). ج ١، ص ٣٨٨ (ما یطیب الفم / الکحل).

٩٥ / ٣

السَّوَاكُ

٤٧٧. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ. [٦٦٩]

٤٧٨. عنه عليه السلام: السَّوَاكُ يَذْهَبُ بِالْذَّمْعَةِ، وَ يَجْلُو الْبَصَرَ. [٦٧٠]

راجع: ج ١، ص ٣٧٢، ح ٦١٨ و ص ٣٧٤، ح ٦٢١ و ٦٢٢.

١٠٥ / ٣

غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ

٤٧٩. رسول الله صلی الله علیه و آله: الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَنْفِي الْفَقْرَ، وَ بَعْدَهُ يَنْفِي الْهَمَّ [٦٧١]،

وَ يُصِحُّ الْبَصَرَ. [٦٧٢]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٠٥

٤٧٦. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما سرمه کشید، به شمار دفعات فرد، سرمه بکشد.

همچنین، ر. ک: ج ١، ص ٢٩١ (آنچه برای درمان برخی بیماری های چشم، سودمند است). ج ١، ص ٣٨٩ (آنچه دهان را خوش بو

می کند / سرمه کشیدن).

۴۷۷. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد.
۴۷۸. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، اشک ریزش را می‌برد و دیده را جلا می‌دهد.
- همچنین، ر.ک: ج ۱، ص ۳۷۳، ح ۶۱۸ و ص ۳۷۵، ح ۶۲۱ و ۶۲۲.

۱۰۵ / ۳ شستن دست‌ها، پیش و پس از غذا خوردن

۴۷۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شستن دست پیش از غذا خوردن، فقر را می‌زداید، و پس از غذا خوردن، غم و اندوه را می‌برد و چشم را سلامت می‌بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۶

۴۸۰. الإمام علی علیه السلام: غَسَلُ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ... يَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۷۳]

۱۱۵ / ۳

تَقْصِيرُ الشَّعْرِ

۴۸۱. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ شَعْرَ الرَّأْسِ إِذَا طَالَ ضَعَفَ الْبَصَرَ، وَ ذَهَبَ بِضَوْءِ نَوْرِهِ. وَ طَمَّ الشَّعْرُ؛ يُجْلِي الْبَصَرَ، وَ يَزِيدُ فِي ضَوْءِ نَوْرِهِ. [۶۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۹۰۷.

۱۲۵ / ۳

الْخِضَابُ بِالْحِنَاءِ

۴۸۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: اخْتَضَبُوا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنِيبُ الشَّعْرَ، وَ يُطَيِّبُ الرِّيحَ، وَ يُسَكِّنُ الزَّوْجَةَ. [۶۷۵]

۴۸۳. عنه صلی الله علیه و آله: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ فِيهِ

أَرْبَعٌ عَشْرَةَ حَصَلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ، وَ يَجْلُو الْغِشَاءَ عَنِ الْبَصَرِ... [۶۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۰۷

۴۸۰. امام علی علیه السلام: شستن دست‌ها پیش و پس از خوردن غذا ... دیده را جلا می‌دهد.

۱۱۵ / ۳ کوتاه کردن موها

۴۸۱. امام کاظم علیه السلام: موی سر، اگر بلند شود، دیده به ضعف می‌گراید و فروغِ نورش می‌رود؛ اما کوتاه کردن مو، دیده را جلا می‌دهد و بر فروغِ نور آن می‌افزاید.

ر.ک: ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۹۰۷.

۱۲۵ / ۳ خضاب بستن به حنا

۴۸۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به حنا خضاب بندید؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد، مو بر می‌رویاند، بو را خوش می‌سازد و همسر مرد را آرامش می‌بخشد.

۴۸۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرج کردن یک درهم برای خضاب، برتر از انفاق یک درهم در راه خداست. این کار،

چهارده فايده دارد: بو را از گوش ها دور مي کند، پرده
[تاريكي را از برابر ديده کنار مي زند و آن را جلا مي دهد ...

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۳۰۸

۴۸۴. عنه صلى الله عليه و آله: الْحِجَاءُ خِضَابُ الْإِسْلَامِ؛ يَزِيدُ فِي الْمُؤْمِنِ عَمَلَهُ، وَ يَذْهَبُ بِالصُّدَاعِ، وَ يُحَدِّثُ الْبَصِيرَ، وَ يَزِيدُ فِي الْوِقَاعِ، وَ هُوَ سَيِّدُ الرِّيَاحِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. [۶۷۷]

۱۳۵ / ۳

لُبْسُ الْخُفِّ

۴۸۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْخُفُّ مَصْحَةٌ لِلْبَصْرِ. [۶۷۸]

۴۸۶. عنه عليه السلام: لُبْسُ الْخُفِّ يَزِيدُ فِي قُوَّةِ الْبَصْرِ. [۶۷۹]

راجع: ج ۱، ص ۶۴۶ (ما يضعف عن الجماع/ النعل السوداء).

۱۴۵ / ۳

الْحِجَامَةُ

۴۸۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْحِجَامَةُ فِي الرَّأْسِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِ إِذَا مَا نَوَى صَاحِبُهَا: مِنَ الْجُنُونِ، وَ الْجُدَامِ، وَ الْبِرَصِ، وَ النَّعَاسِ، وَ وَجَعِ الضَّرْسِ، وَ الصُّدَاعِ، وَ ظُلْمَةِ يَجِدُهَا فِي عَيْنَيْهِ. [۶۸۰]

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۳۰۹

۴۸۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: حنا، خضاب اسلام است؛ بر [ثواب عمل مؤمن می افزاید، سردرد را از میان می برد، چشم را تیزبین می کند، قدرت آمیزش را افزون می سازد و مهتر گیاهان خوش بو در دنیا و آخرت است.

۱۳۵ / ۳ پوشیدن کفش

۴۸۵. امام صادق عليه السلام: کفش، مایه سلامت دیده است.

۴۸۶. امام صادق عليه السلام: به پا کردن کفش، قدرت بینایی را افزون می کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۷ (آنچه از توان جنسی می کاهد/ کفش مشکي).

۱۴۵ / ۳ حجامت

۴۸۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: حجامت در سر، شفای از هفت چیز است، آن گاه که بر شخص، عارض شود: دیوانگی، جذام، پیسی، چرت آلودگی، دندان درد، سردرد و تیرگی ای که شخص در چشم احساس می کند.

دانشنامه احاديث پزشكي، ج ۱، ص: ۳۱۰

۴۸۸. عنه صلى الله عليه و آله: نَعَمَ الدَّوَاءُ الْحِجَامَةُ تَذْهَبُ الدَّمَ، وَ تَجْلُو الْبَصَرَ، وَ تُخَفِّفُ الصُّلْبَ. [۶۸۱]

۴۸۹. عنه صلى الله عليه و آله: نَعَمَ الْعَيْدُ الْحِجَامَةُ يَعْنِي الْعَادَةَ، تَجْلُو الْبَصَرَ، وَ تَذْهَبُ بِالْدَاءِ. [۶۸۲]

۱۵۵ / ۳

النَّظَرُ إِلَى الْمُصْحَفِ

۴۹۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ أَدَامَ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ، مُتَّعَ بِبَصَرِهِ مَا دَامَ فِي الدُّنْيَا. [۶۸۳]

۴۹۱. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ، مُتَّعَ بِبَصَرِهِ، وَ خُفِّفَ عَنِ الْوَالِدِيَّةِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرِينَ. [۶۸۴]

۴۹۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ نَظْرًا مُتَّعَ بِبَصَرِهِ. [۶۸۵]

۱۶۵ / ۳

النَّظْرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَالْخُضْرَةِ

۴۹۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: النَّظْرُ إِلَى وَجْهِ الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ، وَالْخُضْرَةُ يَزِيدَانِ فِي الْبَصَرِ. [۶۸۶]

۴۹۴. الإمام الكاظم عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُجَلِّينَ الْبَصَرَ: النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَالنَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ

الْجَارِي، وَالنَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ. [۶۸۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۱

۴۸۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چه نیکو درمانی است حجامت! خون را می برد، دیده را جلا می دهد و پشت را سبک می کند.

۴۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چه نیکو عادتی است حجامت! دیده را جلا می دهد و درد را می برد.

۱۵۵ / ۳ نگرستن به قرآن

۴۹۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس پیوسته به قرآن بنگرد، تا زنده است، از بهره بینایی برخوردار می شود.

۴۹۱. امام صادق علیه السلام: هر کس قرآن را از رو بخواند، از بهره بینایی برخوردار است و از گناه پدر و مادرش کاسته می شود،

هر چند کافر باشند.

۴۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس قرآن را با نگرستن در آن بخواند، از بهره بینایی برخوردار می شود.

۱۶۵ / ۳ نگرستن به زنان زیاروی و سبزه

۴۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: نگرستن به صورت زنان زیاروی و به سبزه، بینایی را افزون می کند.

۴۹۴. امام کاظم علیه السلام: سه چیز دیده را جلا می دهد: نگرستن به سبزه، نگرستن به آب جاری و نگرستن به روی نکو.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۲

۴۹۵. الإمام الصادق عليه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: فَكَّرَ فِي لَوْنِ السَّمَاءِ وَمَا فِيهِ مِنْ صَوَابِ التَّدْبِيرِ؛ فَإِنَّ هَذَا اللَّوْنَ أَشَدُّ الْأَلْوَانِ مُوَافَقَةً

لِلْبَصِيرِ وَتَقْوِيَةً، حَتَّى أَنْ مِنْ صِنْفَاتِ الْأَطْبَاءِ لِمَنْ أَصَابَهُ شَيْءٌ أَضْرَّ بِبَصِيرِهِ إِدْمَانَ النَّظْرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَمَا قَرَّبَ مِنْهَا إِلَى السَّوَادِ، وَقَدْ

وَصَفَّ الْحَدَاقُ مِنْهُمْ لِمَنْ كَلَّ بَصْرُهُ الْأَطْلَاعَ فِي إِجَانَةِ خَضْرَاءَ مَمْلُوءَةٍ مَاءً. [۶۸۸]

۱۷۵ / ۳

صَلَاةُ اللَّيْلِ

۴۹۶. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُحَسِّنُ الْوَجْهَ، وَتُدْهِبُ الْهَمَّ، وَتَجْلُو الْبَصَرَ. [۶۸۹]

۱۸۵ / ۳

آيَةُ الْكُرْسِيِّ

۴۹۷. الإمام علي عليه السلام: إِذَا اشْتَكَى أَحَدُكُمْ عَيْنَيْهِ فَلْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَلْيُضْمِرْ فِي نَفْسِهِ أَنَّهَا تَبْرَأُ؛ فَإِنَّهُ يُعَافَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۶۹۰]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۳

۴۹۵. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: در رنگ آسمان و درستی تدبیری که در آن است، بیندیش. این رنگ،

سازگارترین رنگ با چشم و تقویت کننده ترین رنگ برای آن است، تا جایی که یکی از سفارش های طیبیان به کسانی که

عارضه‌ای بدانان رسیده و به بینایی ایشان ضرر رسانده، این است که پیوسته به رنگ سبز و سبزی که مایل به سیاه است، بنگرند. طبیبان چیره‌دست، برای کسانی که چشمشان خسته است نیز این نسخه را تجویز کرده‌اند که: «در ظرف سبزی که پُر آب است، بنگرید».

۱۷۵ / ۳ نماز شب

۴۹۶. امام صادق علیه السلام: نماز شب، روی را نکو می‌سازد، اندوه و غم را می‌برد و دیده را جلا می‌دهد.

۱۸۵ / ۳ آیه الکرسی

۴۹۷. امام علی علیه السلام: اگر کسی از شما چشمانش ناراحت بود، آیه الکرسی بخواند و در دل، تبت شفا کند. به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت.

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۴

۶ / ۳

فوائد البكاء للأطفال

۴۹۸. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: اعرف يا مفضل، ما للأطفال في البكاء من المنفعة؟ و اعلم أن في أدمغة الأطفال رطوبة إن بقيت فيها أحدثت عليهم أحداثا جليمة و عللا عظيمة من ذهاب البصير و غيره! فالبكاء يسيل تلك الرطوبة من رؤوسهم فيعقبهم ذلك الصحة في أبدانهم و السلامة في أبصارهم، أليس قد جاز أن يكون الطفل ينتفع بالبكاء و الإمداء لا يعرفان ذلك؟ فهما دائبان ليسكتاه و يتوخيان في الامور مرضاته لئلا يبكي، و هما لا يعلمان أن البكاء أصلح له و أجمل عاقبة. [۶۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۵

۶ / ۳ فایده‌های گریه برای کودکان

۴۹۸. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! از سودی که در گریه برای کودکان هست، آگاه شو و بدان که در مغز کودکان، رطوبتی است که اگر بماند، برای آنان، رخدادهایی سخت و بیماری‌هایی گران (اعم از نابینایی و جز آن) پدید می‌آورد. از این رو، گریه، آن رطوبت را از سر آنان روان می‌سازد و این خود، تندرستی و سلامت چشم را برایشان در پی می‌آورد. اکنون، آیا این احتمال وجود ندارد که کودک، از گریه سود ببرد و پدر و مادرش، این را ندانند و در تلاش پیگیر باشند که او را ساکت کنند و خواسته‌های وی را برآورند تا گریه نکند، در حالی که نمی‌دانند گریه، برایش کارآمدتر و خوش فرجام‌تر است؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۶

الفصل الرابع: الأذن

۱ / ۴

الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

۴۹۹. الإمام علی علیه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ ينظرُ بِشحم، و يتكلمُ بِلحم، و يسمعُ بِعظم، [و] يتنفّسُ من خرم! [۶۹۲]
 ۵۰۰. الإمام الصادق علیه السلام للمفضل بن عمر: فكر يا مفضل... لم صار داخل الأذن ملتويًا كهَيْئَةِ الكوكبِ [۶۹۳]؟ إلا ليطرَد فيه الصَّوتُ، حتَّى يتنهَى إلى السَّمعِ، و ليتكسَّر حُمَةُ الرِّيحِ فلا يُنكأ في السَّمعِ. [۶۹۴]

۲ / ۴

حِكْمَةُ السَّائِلِ الْمَوْجُودِ فِي الْأُذُنِ

۵۰۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... جَعَلَ الْمَرَارَةَ فِي الْأُذُنِ حِجَابًا مِنَ الدِّمَاغِ، فَلَيْسَ مِنْ دَائِهِ تَقَعُ فِيهِ إِلَّا التَّمَسُّتِ الْخُرُوجِ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَوَصَلَتْ إِلَى الدِّمَاغِ. [۶۹۵]
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۷

فصل چهارم: گوش

۱ / ۴ اشاره به حکمت نهفته در آن

۴۹۹. امام علی علیه السلام: از [آفرینش این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، با قطعه استخوانی می‌شنود،] [و] از سوراخی نفس می‌کشد.

۵۰۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! بیندیش... که چرا درون گوش، به سان یک زندان [۶۹۶] پیچ‌درپیچ است؟ مگر جز برای آن است که صدا در آن، پیاپی روان شود و سرانجام، به شنوایی برسد، و نیز برای آن که شتاب باد را درهم شکنند و به گوش، صدمه نرسانند.

۲ / ۴ حکمت موجود در مایع گوش

۵۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خداوند تبارک و تعالی... تلخی را در دو گوش، مانعی برای حفاظت مغز، قرار داد. هیچ جنبه‌ای نیست که در آن بیفتد، مگر این که راه خروج را می‌جوید؛ اما اگر این نبود، آن جنبه به مغز می‌رسید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۸

۵۰۲. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ... جَعَلَ الْأُذُنَ مُرْتَيْنِ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَهَجَمَتِ الدَّوَابُّ وَ أَكَلَتْ دِمَاعَهُ. [۶۹۷]
 ۵۰۳. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ ... جَعَلَ الْمَرَارَةَ فِي الْأُذُنِ مِمَّا مِنْهُ عَلَى ابْنِ آدَمَ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَقَحَمَتِ الدَّوَابُّ فَأَكَلَتْ دِمَاعَهُ. [۶۹۸]
 ۵۰۴. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ الْأُذُنَ مُرْتَيْنِ لئَلَّا يَدْخُلَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا مَاتَ؛ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَقَتَلَ ابْنَ آدَمَ الْهَوَامُّ. [۶۹۹]

۳ / ۴

الْوَقَايَةُ مِنْ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأُذُنِ

۵۰۵. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَشْتَكِيَ أُذُنَهُ، فَلْيَجْعَلْ فِيهَا عِنْدَ النَّوْمِ قُطْنَةً. [۷۰۰]

۴ / ۴

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأُذُنِ

۵۰۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: السَّدَابُ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الْأُذُنِ. [۷۰۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۱۹

۵۰۲. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی... گوش‌ها را تلخ قرار داد؛ و اگر این نبود، جنبندگان بر آن هجوم می‌بردند و مغز وی را می‌خوردند.

۵۰۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، از سر منت، بر آدمی زاده در گوش وی، تلخی قرار داد؛ و اگر این نبود، جنبندگان، بدان در می‌آمدند و مغز وی را می‌خوردند.

۵۰۴. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل، گوش‌ها را تلخ قرارداد تا هر چه بدانها درمی‌آید، بمیرد؛ و اگر این نبود، حشرات [خزنده آدمی زاده را می‌کشتند.

۴/۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش

۵۰۵. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد گوش‌هایش درد نگیرد، به هنگام خواب در آنها پنبه بگذارد.

۴/۴ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است

۵۰۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شداب برای درد گوش، مفید است. [۷۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۰

۵۰۷. طَبَّ الْأَثَمَةِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَطَبِّبِ: شَكَا رَجُلٌ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ إِلَى بَعْضَةِ هِمَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَجَعَ الْأُذُنَ وَأَنَّهٗ يَسِيلُ مِنْهُ الْقَيْحُ وَالِدَّمُ.

قَالَ لَهُ: خُذْ جُبْنَا عَتِيقًا أَعْتَقَ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَدَقَّهُ دَقًّا جَيِّدًا نَاعِمًا، ثُمَّ اخْلِطْهُ بِلَبَنٍ امْرَأَةٍ، وَسِخْنَهُ بِنَارٍ لَيِّنَةٍ، ثُمَّ صَبَّ مِنْهُ قَطْرَاتٍ فِي الْأُذُنِ الَّتِي يَسِيلُ مِنْهَا الدَّمُ؛ فَإِنَّهَا تَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. [۷۰۳]

۵۰۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ إِنَّ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصَلَةً: يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ.... [۷۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۱

۵۰۷. طَبَّ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ: يَكِيٌّ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ، نَزِدَ يَكِيٌّ مِنَ الْأَثَمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ دَرْدِ الْغُوشِ وَخُرُوجِ چَرَكٍ وَخُونٍ مِنْهَا، أَظْهَرَ نَارَاحَتِي كَرْد.

امام علیه السلام فرمود: «قدری پنیر کاملاً کهنه بردار، آن را خوب نرم کن و بساب. سپس با شیر زن درآمیز. آن گاه بر آتش ملایم، گرم کن و سپس، قطره‌هایی از آن را در گوشی که از آن خون می‌آید، بریز. به خواست خداوند عز و جل، بهبود خواهد یافت.»

۵۰۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرج کردن یک درهم برای خضاب، برتر از انفاق یک درهم در راه خداست. این کار، چهارده خاصیت دارد: ... باد را از گوش‌ها دور می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۲

الفصل الخامس: جهاز التنفس

۱ / ۵

الإشارة إلى ما في الأنف من الحكمة

۵۰۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى... جَعَلَ الْبُرُودَةَ فِي الْمِنْخَرَيْنِ؛ لِئَلَّا تَدَعَّ فِي الرَّأْسِ شَيْئًا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ. [۷۰۵]

۵۱۰. الإمام علی علیه السلام: اعجبوا لهذا الإنسان؛ يَنْظُرُ بِشَحْمٍ، وَ يَتَكَلَّمُ بِلَحْمٍ، وَ يَسْمَعُ بِعَظْمٍ، [و] [۷۰۶] يَتَنَفَّسُ مِنْ خَرَمٍ! [۷۰۷]
۵۱۱. الإمام الصادق علیه السلام: جُعِلَ ثَقَبُ الْأَنْفِ فِي أَسْفَلِهِ؛ لِتَنْزِلَ مِنْهُ الْأَدْوَاءُ الْمُنْحَدِرَةُ مِنَ الدِّمَاغِ، وَ يَصْعَدَ فِيهِ الْأَرَائِيحُ [۷۰۸] إِلَى الْمَشَامِّ، وَ لَوْ كَانَ عَلَى أَعْلَاهُ لَمَا انزَلَ دَاءٌ وَلَا وَجَدَ رَائِحَةً. [۷۰۹]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۳

فصل پنجم: دستگاه تنفس

۵ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در بینی

۵۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند تبارک و تعالی سردی را در سوراخ‌های بینی قرار داد تا هیچ چیز را در سر و مگذازد، مگر این که آن را بیرون بکشد.

۵۱۰. امام علی علیه السلام: از این انسان، در شگفت آید! با تکه‌ای پیه می‌بیند، با پاره گوشتی سخن می‌گوید، با تکه استخوانی می‌شنود، [و] از سوراخی نفس می‌کشد.

۵۱۱. امام صادق علیه السلام: سوراخ بینی، در پایین آن قرارداده شده است تا بیماری (عفونت) هایی که از مغز فرو می‌آید، از آن پایین بیاید و بوها از آن بالا برود و به مشام برسد، در حالی که اگر این سوراخ در بالای بینی بود، نه بیماری‌ای از آن به زیر می‌آمد و نه بویی را حس می‌کرد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۴

۵۱۲. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... جَعَلَ الْمَاءَ فِي الْمِنْخَرَيْنِ؛ لِيَصْعَدَ مِنْهُ النَّفْسُ وَ يَنْزِلَ، وَ يَجِدَ مِنْهُ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ مِنَ الْخَيْثَةِ. [۷۱۰]

۵۱۳. عنه علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ... جَعَلَ الْأَنْفَ بَارِدًا سَائِلًا؛ لِئَلَّا يَدَعَ فِي الرَّأْسِ دَاءً إِلَّا أَخْرَجَهُ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَثَقَلَ الدِّمَاغُ وَ تَدَوَّدَ. [۷۱۱]

۲ / ۵

الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة

۵۱۴. الإمام الصادق علیه السلام لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: أَطَّلِ الْفِكْرَ يَا مُفَضَّلُ فِي الصَّوْتِ وَ الْكَلَامِ وَ تَهْيِئَةُ آلَاتِهِ فِي الْإِنْسَانِ؛ فَالْحَنْجَرَةُ كَالنَّبْوَةِ لِخُرُوجِ الصَّوْتِ، وَ اللِّسَانُ وَ الشَّفَتَانِ وَ الْأَسْنَانُ لِصَيَاغَةِ الْحُرُوفِ وَ النَّعْمِ، أَلَا تَرَى أَنَّ مَنْ سَقَطَتْ أَسْنَانُهُ لَمْ يَقُمْ السَّيْنُ، وَ مَنْ سَقَطَتْ شَفَتُهُ لَمْ يُصِدِّحْ الْفَاءَ، وَ مَنْ ثَقُلَ لِسَانُهُ لَمْ يُفْصِحِ الرَّاءَ؟ وَ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِذَلِكَ الْمِزْمَارُ الْأَعْظَمُ؛ فَالْحَنْجَرَةُ يُشَبَّهُ قَصَبَهُ الْمِزْمَارِ، وَ الرَّئَةُ يُشَبَّهُ الرِّقَّ الَّذِي يُنْفَخُ فِيهِ، لِتَدْخُلَ الرِّيحُ، وَ الْعَضَلَاتُ الَّتِي تَقْبِضُ عَلَى الرَّئَةِ لِخُرُوجِ الصَّوْتِ كَالْأَصَابِعِ الَّتِي تَقْبِضُ عَلَى الرِّقِّ حَتَّى تَجْرِيَ الرِّيحُ فِي الْمِزْمَارِ، وَ الشَّفَتَانِ وَ الْأَسْنَانُ الَّتِي تَصَوِّغُ الصَّوْتَ حُرُوفًا وَ نِعْمًا كَالْأَصَابِعِ الَّتِي يَخْتَلِفُ فِي فَمِ الْمِزْمَارِ فَتَصَوِّغُ صَفِيرَهُ أَلْحَانًا، غَيْرَ أَنَّهُ وَ إِنْ كَانَ مَخْرُجَ الصَّوْتِ يُشَبَّهُ الْمِزْمَارَ بِالذَّلَالَةِ وَ التَّعْرِيفِ، فَإِنَّ الْمِزْمَارَ بِالْحَقِيقَةِ هُوَ الْمُسْتَبْتُّ بِمَخْرَجِ الصَّوْتِ.

قد أتباتك بما في الأعضاء من الغناء في صيغته الكلام و إقامة الحروف، و فيها مع الذي ذكرت لك مآرب أخرى، فالحنجرة؛ ليسلك فيها هذا النسيم إلى الرئة فتروح على الفؤاد بالنفس الدائم المتتابع الذي لو احتبس شيئاً يسيراً لهلك الإنسان، و باللسان تذاق الطعوم فيميز بينها و يعرف كل واحد منها؛ حلوها من مرها، و حامضها من مرها، و مالحها من عذبها، و طيبها من خبيثها، و فيه مع ذلك معونة

عَلَى إِسَاعَةِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ.
 وَالْأَسْنَانُ تَمَضُّعُ الطَّعَامِ؛ حَتَّى يَلِينَ [٧١٢] وَيَسْهَلُ إِسَاعَتُهُ، وَهِيَ مَعَ ذَلِكَ كَالسَّنَدِ لِلشَّفَتَيْنِ تُمَسِّكُهُمَا وَتَدَعُمُهُمَا مِنْ دَاخِلِ الفَمِّ. وَ
 اعْتَبِرْ ذَلِكَ بِأَنَّكَ تَرَى مَنْ سَقَطَتْ أَسْنَانُهُ مُسْتَرَحِي الشَّفَةِ وَمُضْطَرِبَهَا.
 وَبِالشَّفَتَيْنِ يُتَرَشَّفُ الشَّرَابُ؛ حَتَّى يَكُونَ الَّذِي يَصِلُ إِلَى الجَوْفِ مِنْهُ بِقَصْدٍ وَقَدْرِ، لَا يَتَّجُّ تَجًّا فَيَعَصَّ بِهِ الشَّرَابُ، أَوْ يُنْكَأَ فِي الجَوْفِ،
 ثُمَّ هُمَا بَعْدَ ذَلِكَ كَالْبَابِ الْمُطْبِقِ عَلَى الفَمِّ يَفْتَحُهُمَا الْإِنْسَانُ إِذَا شَاءَ وَيُطْبِقُهُمَا إِذَا شَاءَ.
 فَفِيمَا وَصَفْنَا مِنْ هَذَا بَيَانٌ أَنَّ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْأَعْضَاءِ يَتَصَرَّفُ وَنَقَسِمُ إِلَى وُجُوهِ مِنَ الْمَنَافِعِ كَمَا تَتَصَرَّفُ الْأَدَاةُ الْوَاحِدَةُ فِي أَعْمَالِ
 شَيْءٍ، وَذَلِكَ كَالْفَأْسِ يُسْتَعْمَلُ فِي النَّجَارَةِ وَالْحَفْرِ وَغَيْرِهِمَا مِنَ الْأَعْمَالِ....
 يَا مُفْضَلُ... مَنْ جَعَلَ فِي الْحَلْقِ مَنْفَذَيْنِ: أَحَدُهُمَا لِمَخْرَجِ الصَّوْتِ؛ وَهُوَ الْحُلُقُومُ الْمُتَّصِلُ بِالرِّئَّةِ، وَالْآخَرُ مَنْفَذُ الْعِذَاءِ؛ وَهُوَ الْمَرِيُّ
 الْمُتَّصِلُ

بِالْمَعِدَةِ الْمَوْصِلِ الْعِذَاءِ إِلَيْهَا، وَجَعَلَ عَلَى الْحُلُقُومِ طَبَقًا يَمْنَعُ الطَّعَامَ أَنْ يَصِلَ إِلَى الرِّئَةِ فَيَقْتُلَ؟
 مَنْ جَعَلَ الرِّئَةَ مَرُوحَةً الْفُوَادِ لَا تَفْتَرُّ وَلَا تُحَلُّ؛ لِكَيْلَا تَتَحَيَّرَ الْحَرَارَةُ فِي الْفُوَادِ فَتَوَدَّى إِلَى التَّلْفِ؟ [٧١٣]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٢٥

٥١٢. امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی در سوراخ‌های بینی، آب (مخاط) قرار داد تا به کمک آن، نفس، بالا و پایین
 برود و شخص، بوی خوش را از بد، باز شناسد.

٥١٣. امام صادق علیه السلام: خداوند عز و جل، بینی را سرد و مخاطی قرار داد تا هیچ دردی را در سر، فرو نگذارد، مگر این که
 بیرونش آورد؛ و اگر این نبود، مغز سنگین، می شد و کرم می افتاد.

٥ / ٢ اشاره به حکمت نهفته در حنجره

٥١٤. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در صدا و کلام و فراهم بودن ابزارهای آن در انسان، فراوان
 اندیشه کن. حنجره، همانند لوله‌ای برای بیرون آمدن صداست و زبان، لب‌ها و دندان‌ها، برای شکل گرفتن حروف و آواها. مگر
 نمی بینی هر کس دندان‌هایش بیفتند، نمی تواند «سین» را درست ادا کند و هر کس دارای لب نباشد، نمی تواند «فاء» را درست
 بگوید و هر کس زبانش سنگین باشد نمی تواند «راء» را به فصاحت، ادا کند؟

همانندترین چیز به این پدیده، یک سر سُرنا بزرگ است. حنجره به نی آن می ماند. ریه، همانند آن انبانی است که دمیدن را انجام
 می دهد تا هوا به نی درآید، اندام‌هایی هم که بر ریه فشار وارد می آورند تا صدا [از حنجره بیرون آید، همانند آن انگشت‌هایی
 است که انبان را می فشرد تا هوا در نی در آید و لب‌ها و دندان‌هایی هم که صدا را به حروف و آواها بدل کنند، به انگشت‌هایی
 می مانند که در دهانه نی حرکت می کنند تا از نای نی، آهنگ بسازند. البته، هر چند در دلالت و تعریف، مخرج صدا را به این سُرنا
 تشبیه کنند، اما در حقیقت، این سُرناست که باید به مخرج صدا تشبیه شود.

اکنون تو را از آوایی که برای ساخت کلام و ایجاد حروف در اندام‌ها هست، آگاه ساختم؛ امّا در این اندام‌ها، افزون بر آنچه
 یاد آور شدم، منافع دیگری نیز هست:

حنجره، جایی است که این نسیم، از آن به سوی ریه راه می گشاید تا با تنفس دایمی که اگر اندکی متوقف شود، انسان می میرد
 قلب را باد بزند و خنکش گرداند.

با زبان، مزه‌ها احساس می شود و انسان، می تواند آنها را از هم باز شناسد و هر یک را به تنهایی تشخیص دهد: شیرین را از تلخ،
 تُرش را از مَلَس، شور را از گوارا، و خوش مزه را از بدمزه؛ افزون بر این که همین اندام، بر فرو بردن آسان خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

یاری می‌رساند.

دندان‌ها، غذا را می‌جوند تا نرم شود و گوارش آن، آسان گردد. دندان‌ها با وجود این، تکیه‌گاهی برای لب‌هایند که از درون دهان، آنها را نگه می‌دارد و تقویت می‌کند. گواه آن که می‌بینی کسی که دندان‌هایش ریخته، لب‌هایش نیز افتاده و حرکت آنها نابه‌سامان است.

با لب‌ها نوشیدنی مکیده می‌شود تا آنچه از نوشیدنی‌ها به درون می‌رسد، به اندازه و سنجیده باشد؛ نه یک‌باره به درون فرو ریزد و شخص از آن گلوگیر گردد یا درون را بیازارد. دو لب، افزون بر این، به دو لنگه در هماهنگی می‌مانند که بر روی دهان، بسته می‌شوند و انسان، هر گاه بخواهد، آنها را باز می‌کند و هر گاه بخواهد، می‌بندد.

در آنچه از این حقایق وصف کردیم، این نکته روشن می‌شود که هر یک از این اندام‌ها، به گونه‌ای ویژه عمل می‌کنند و هر یک، منافعی چند دارند، آن‌سان که یک ابزار، به چند کار می‌آید؛ همانند تیشه که هم در نجاری از آن استفاده شود، هم در کندن و هم در دیگر کارها

ای مفضل! چه کسی در حلق، دو روزن قرار داده است: یکی برای خروج صدا و این، همان حلقوم (نای) است که به ریه می‌پیوندد و دیگری برای گذر غذا و این، مری است که به معده می‌پیوندد و غذا را بدان می‌رساند؛ و [چه کسی بر حلقوم، سرپوشی قرار داده است (زبان کوچک)، تا نگذارد غذا به ریه برسد و [شخص را] بکشد؟ چه کسی ریه را خنک‌کننده سستی‌ناپذیر و بی‌توقف قلب، قرار داده است تا نگذارد حرارت در قلب، جای گیرد و به نابودی بینجامد؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۸

۳ / ۵

الإِشَارَةُ إِلَى مَا فِي الرُّئَةِ مِنَ الْحِكْمَةِ

۵۱۵. الإمام الصادق عليه السلام للطبيب الهندي: كَانَ الْقَلْبُ كَحَبِّ الصَّنَوْبِرِ؛ لِأَنَّهُ مُنْكَسٌّ، فَجَعَلَ رَأْسُهُ دَقِيقًا لِيَدْخُلَ فِي الرُّئَةِ فَتُرَوِّحَ عَنْهُ بِبَرْدِهَا، لِيَلَّا يَشِيْطَ الدَّمَاعُ بِحَرِّهِ.

و جُعِلَتِ الرُّئَةُ قِطْعَتَيْنِ؛ لِيَدْخُلَ بَيْنَ مَضَاغِطِهَا [۷۱۴] فَيَتَرَوَّحَ عَنْهُ بِحَرِّ كَتَبِهَا. [۷۱۵]

۵۱۶. عنه عليه السلام: الْعَقْلُ مِنَ الْقَلْبِ، وَالْحُزْنُ مِنَ الْكَبِدِ، وَالنَّفْسُ مِنَ الرُّئَةِ. [۷۱۶]

۴ / ۵

الْوَقَايَةُ مِنْ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَنْفِ وَالْحَنْجَرَةِ

۵۱۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ مَاءً، ثُمَّ لِيَنْتَشِرْ. [۷۱۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۲۹

۳ / ۵ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها

۵۱۵. امام صادق علیه السلام به طبیب هندی: قلب به شکل میوه صنوبر است؛ زیرا وارونه است. یک سر قلب، باریک قرار داده شده است تا لابه‌لای ریه برود و با سردی آن خنک شود، مبدا که مغز از گرمای آن بسوزد. ریه، دو پاره قرار داده شده است تا قلب، در لابه‌لای فشارگاه‌های آن قرار گیرد و با حرکت آن، خنک شود.

۵۱۶. امام صادق علیه السلام: عقل از قلب است، اندوه از جگر، نفس از ریه.

۴ / ۵ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره

۵۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون کسی از شما وضو می‌گیرد، آب را به بینی خویش ببرد و بیرون افکند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۰

۵۱۸. عنه صلی الله علیه و آله: إِذَا اسْتَيْقَظَ أَحَدُكُمْ مِنْ مَنَامِهِ فَتَوَضَّأَ فَلْيَسْتَنْثِرْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَبِيتُ عَلَى خِيَاشِيمِهِ. [۷۱۸]

۵۱۹. الإمام علی علیه السلام: المضمضة والاستنشاق سنة، و طهور للغم والأنف، والسعوط مصححة للرأس، وتنقيته لليدين، و سائر

أوجاع الرأس. [۷۱۹]

۵۲۰. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَسْقُطَ أُذُنَاهُ وَلَا لَهَاتُهُ، فَلَا يَأْكُلْ حُلُوهَا إِلَّا تَغَرَّزَ بِحُلٍّ. [۷۲۰]

۵ / ۵

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْأَنْفِ وَالْحَنْجَرَةِ

۵۲۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ أَنْ أَبْدَأَ بِالْمِلْحِ وَأَخْتِمَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّ فِي الْمِلْحِ دَوَاءً

مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، أَوْهَنْهَا الْجُنُونُ، وَالْجُدَامُ، وَالْبَرَصُ، وَوَجَعُ الْحَلْقِ وَالْأَضْرَاسِ، وَوَجَعُ الْبُطْنِ. [۷۲۱]

۵۲۲. المستدرک عن جابر: جَاءَتْ امْرَأَةٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ ابْنِي هَذَا بِهِ الْعُدْرَةُ.

قَالَ: لَا تُحْرِقَنَّ خُلُوقَ أَوْلَادِكُنَّ، عَلَيْكُنَّ بِقُسْطٍ هِنْدِيٍّ وَوَرَسٍ، فَاسْعِطْنَهُ إِثَاءً. [۷۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۱

۵۱۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه کسی از شما از خواب برخیزد، وضو بسازد و سه بار آب در بینی بچرخاند و بیرون

بریزد؛ چرا که شیطان در بن بینی [۷۲۳] جای می‌گیرد.

۵۱۹. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاکی دهان و بینی است و انفیه کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی

بدن و همه انواع سردرد است.

۵۲۰. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد گوش‌هایش و نیز زبان کوچکش فرو نیفتد، هیچ‌گاه شیرینی نخورد، مگر این که

پس از آن، سرکه غرغره کند.

۵ / ۵ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های بینی و حنجره، مفید است

۵۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل به موسی بن عمران، وحی فرستاد که: «غذا را با نمک، آغاز کن و با نمک،

پایان ده؛ چرا که در نمک، درمان هفتاد درد است که کمترین آنها، دیوانگی، جذام، پیسی، گلودرد، دندان‌درد و شکم درد باشد».

۵۲۲. المستدرک به نقل از جابر: زنی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این کودک، گلو درد دارد.

فرمود: «حلق‌های فرزندان خویش را مسوزانید. بر شما باد قسط [۷۲۴] هندی و برداع [۷۲۵]. با آنها برایش انفیه کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۲

۵۲۳. المستدرک عن جابر: دَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَائِشَةَ وَعِنْدَهَا امْرَأَةٌ مَعَهَا صَبِيٌّ لَهَا يَسِيلُ مِِنْخَرَاهُ دَمَا.

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا شَأْنُ هَذَا؟

قَالُوا: بِهِ الْعُدْرَةُ.

قَالَ: وَيْلُكُمْ! لَا تَقْتُلَنَّ أَوْلَادَكُمْ. أَيُّهُ امْرَأَةٌ يَأْتِي وَلَدَهَا الْعُدْرَةُ فَلَتَأْخُذَ قِسْطًا هِنْدِيًّا فَلَتَحْكُهُ بِالْمَاءِ، ثُمَّ تُسْعِطُهُ إِثَاءً.

ثُمَّ أَمَرَ عَائِشَةَ فَفَعَلَتْهُ بِالصَّبِيِّ فَبُرِيَ. [۷۲۶]

۵۲۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْمَرَزَنْجُوشِ فَشُمُوهُ؛ فَإِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْحُشَامِ. [۷۲۷]

۵۲۵. الإمام الصادق عليه السلام: ما وجدنا لوجع الحلقِ مثل حسو اللبَنِ. [۷۲۸]

راجع: ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲.

۶ / ۵

فَوَائِدُ الزُّكَّامِ

۵۲۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: الزُّكَّامُ جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى الدَّاءِ فَيُزِيلُهُ. [۷۲۹]

۵۲۷. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَا يَتَدَاوَى مِنَ الزُّكَّامِ، وَ يَقُولُ: «مَا مِنْ

أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَإِذَا أَصَابَهُ الزُّكَّامُ قَمَعَهُ». [۷۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۳

۵۲۳. المستدرک به نقل از جابر: زنی با فرزندش نزد عایشه بود و از سوراخ‌های بینی آن کودک، خون می‌آمد. در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله در آمد. پرسید: «این را چه شده است؟».

گفت: گلو درد دارد.

فرمود: «وای بر شما! کودکان خویش را مکشید. هر مادری که فرزندش به گلودرد گرفتار شود، قدری بُستک هندی بردارد و در آب بساید و سپس به کودک، انفییه کند.».

پیامبر صلی الله علیه و آله، سپس عایشه را به این کار، امر فرمود. او این کار را با کودک انجام داد و وی، بهبود یافت.

۵۲۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مرزنگوش! آن را ببوید، که برای ناتوانان از بویایی، خوب است.

۵۲۵. امام صادق علیه السلام: برای گلودرد، چیزی همانند شوربای شیر نیافته‌ایم.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۱۸۴۱ و ۱۸۴۲.

۶ / ۵ فَوَائِدُ زُّكَّامِ

۵۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زُكَّامٌ، سِرْبَازِيٌّ مِنْ سِرْبَازِيَّةِ خَدَائِذِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ جَلَّ عَزَّ وَ جَلَّ، أَنْ رَأَى بِهٖ سِرْكُوبٌ دَرْدٌ بِرِ مِي انْگِيزِد وَ دَرْدٌ رَا اَز مِيان مِي بَرَد.

۵۲۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، زکام را درمان نمی‌کرد و می‌فرمود: «هیچ کس

نیست که رگی از جذام در او نباشد؛ و چون زکام به شخص برسد، این رگ را درهم می‌کوبد.».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۴

راجع: ج ۱، ص ۴۸۸ (دور الزکام و العطاس فی الوقایه من الأمراض الجلديّة). ج ۱، ص ۵۰۴ (دور الزکام فی الوقایه من الجذام).

۷ / ۵

مَا يَقِي مِنَ الزُّكَّامِ

۵۲۸. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ دَفْعَ الزُّكَّامِ فِي الشِّتَاءِ أَجْمَعَ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثَ لُقْمٍ شَهْدٍ...

وَ لِيَسْتَمِ الثَّرَجِسَ؛ فَإِنَّهُ يَأْمَنُ مِنَ الزُّكَّامِ، وَ كَذَلِكَ الحَبَّةُ السَّوَدَاءُ.

وَ إِذَا جَاءَ الزُّكَّامُ فِي الصَّيْفِ، فَلْيَأْكُلْ كُلَّ يَوْمٍ خِيَارَةً وَاحِدَةً، وَ لِيَحْذَرَ الجُلُوسَ فِي الشَّمْسِ. [۷۳۱]

۸ / ۵

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الزُّكَّامِ

۵۲۹. الإمام الصادق عليه السلام: تَأْخُذُ دُهْنٌ بَنَفْسِجٍ فِي قُطْنَةٍ فَاحْتَمِلُهُ فِي سِفْلَتِكَ عِنْدَ مَنَامِكَ؛ فَإِنَّهُ نَافِعٌ لِلزُّكَّامِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ

۵۳۰. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَّوتُ إِلَيْهِ الزُّكَّامَ، فَقَالَ: صُنْعٌ مِنْ صُنْعِ اللَّهِ، [و] [۷۳۳] جُنْدٌ مِنْ جُنُودِ اللَّهِ، بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى عَلِيٍّ فِي بَدَنِكَ لِيَقْلَعَهَا، فَإِذَا قَلَعَهَا فَعَلَيْكَ بِوَزْنِ دَاتِقِ شُونِيزٍ وَنِصْفِ دَاتِقِ كُنْدُسٍ، يُدَقُّ وَيُنْفَخُ فِي الْأَنْفِ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالزُّكَّامِ، وَإِنْ أَمَكَنَّكَ أَلَّا تُعَالِجَهُ بِشَيْءٍ فَافْعَلْ، فَإِنَّ فِيهِ مَنَافِعَ كَثِيرَةً. [۷۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۵

ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹ (تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ص ۵۰۵ (تأثیر زکام در پیشگیری از جذام).

۷ / ۵ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند

۵۲۸. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد در همه زمستان از زکام ایمن بماند، هر روز، سه لقمه عسل با موم آن بخورد... و نرگس ببوید؛ چرا که از زکام، ایمنی می‌دهد. سیاه‌دانه نیز چنین است.

اما اگر زکام در تابستان پیش آید، در هر روز، یک خیار بخورد و از نشستن در آفتاب، خودداری ورزد.

۸ / ۵ آنچه برای درمان زکام، سودمند است

۵۲۹. امام صادق علیه السلام: پنبه‌ای را به روغن بنفشه آغشته می‌کنی و به هنگام خفتن در نشیمنگاهت می‌گذاری. به خواست خداوند، برای زکام، سودمند است.

۵۳۰. طَبَّ الْأَثْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه نَقَلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى، أَنَّ الْإِمَامَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا زَكَّامَ نَزِدَ الْإِمَامُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَظْهَارَ نَارِاحَتِي كَرْدَمٍ. فَرَمُودُ: «كُرْدَه‌ای از كُرْدَه‌های خداوند، و سربازی از سربازان خداست که خداوند، آن را به پیکار با بیمارانی در تن تو برانگیخته، تا آن را از جای برکنند. پس چون آن را از میان برکنند، بر تو باد

به وزن یک دانگ [۷۳۵] شونیز و نیم دانگ کُنْدُس، [۷۳۶] که آرد گردد و به بینی رانده شود. این کار، زکام را از میان می‌برد. اگر هم می‌توانی هیچ درمانی برایش به کارگیری، این کار را بکن؛ چرا که آن، منافی بسیار دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۶

۹ / ۵

فَوَائِدُ الْعَطْسَةِ

۵۳۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْعَطْسُ لِلْمَرِيضِ دَلِيلُ الْعَافِيَةِ، وَ رَاحَةُ اللَّبَدَنِ. [۷۳۷]

۵۳۲. الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ الْعَطْسِ يَأْمَنُ صَاحِبُهُ مِنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ:

أَوَّلُهَا: الْجُدَامُ.

وَ الثَّانِي: الرِّيحُ الخَبِيثَةُ الَّتِي تَنْزِلُ فِي الرَّأْسِ وَ الْوَجْهِ.

وَ الثَّلَاثُ: يَأْمَنُ نُزُولَ الْمَاءِ فِي الْعَيْنِ.

وَ الرَّابِعُ: يَأْمَنُ مِنْ شِدَّةِ الْخِيَاشِيمِ.

وَ الْخَامِسُ: يَأْمَنُ مِنْ خُرُوجِ الشَّعْرِ فِي الْعَيْنِ. [۷۳۸]

۵۳۳. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: اعْلَمْ أَنَّ عَلَّةَ الْعَطْسِ، هِيَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَنَسِيَ أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا، سَلَطَ عَلَيْهِ رِيحاً

تَدورُ فِي بَدَنِهِ، فَتَخْرُجُ [۷۳۹] مِنْ خِيَاشِيمِهِ، فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى تِلْكَ الْعَطْسَةِ، فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْرًا لِتِلْكَ النِّعْمَةِ، وَ مَا عَطَسَ عَاطِسٌ

۹ / ۵ فایده‌های عطسه

۵۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: عطسه کردن، برای بیمار، نشان بهبود و راحت بدن است.

۵۳۲. امام صادق علیه السلام: عطسه فراوان، شخص را از پنج چیز، ایمن می‌بخشد: نخستین آنها جذام است؛ دوم، بادهای بدخیمی که در سر و صورت، جای می‌گیرند؛ سوم آن که مایه ایمنی از ریزش آب در چشم می‌شود؛ چهارم آن که از سختی حفره‌های بینی [۷۴۱] مصونیت می‌دهد؛ و پنجم آن که از بیرون آمدن مو در چشم، ایمنی می‌دهد.

۵۳۳. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: بدان که علت عطسه آن است که خداوند، چون بنده‌ای را نعمتی دهد و او سپاسگزاری بر آن را از یاد ببرد، خداوند، بادی بر او چیره می‌سازد که در تن وی می‌چرخد و سرانجام، از سوراخ‌های بینی او بیرون می‌آید و شخص، خداوند را بر آن عطسه، سپاس گوید و خدا، این سپاس گفتن را سپاس آن نعمت قرار می‌دهد. همچنین، هیچ کس عطسه نمی‌کند، مگر این که غذایش گوارا می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۸

۵۳۴. کمال الدین عن نسیم خادمه الإمام العسکری علیه السلام: قَالَ لِي صَاحِبُ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَوْلِدِهِ بَلِيلَةً فَعَطَسْتُ عِنْدَهُ فَقَالَ لِي: يَرْحَمُكَ اللَّهُ.

قَالَتْ نَسِيمٌ: فَفَرِحْتُ بِذَلِكَ.

فَقَالَ لِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا ابْتَشُرُكَ فِي الْعُطَاسِ؟

فَقُلْتُ: بَلَى، يَا مَوْلَايَ.

فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. [۷۴۲]

۵۳۵. الکافی: عن أحمد بن محمد بن محمد عن بعض أصحابه، رواه عن رجلٍ من العامة قال: كنتُ اجالسُ أبا عبد الله عليه السلام؛ فلا والله، ما رأيتُ مجلساً أتبلُّ من مجلسه.

قال: فقال لي ذات يومٍ: من أين تخرج العطسة؟

فقلتُ: من الأنف.

فقال لي: أصبت الخطأ.

فقلتُ: جعلتُ فداك! من أين تخرجُ؟

فقال: من جميع البدن، كما أن النطفة تخرج من جميع البدن و مخرجها من الإحليل.

ثم قال: أما رأيت الإنسان إذا عطس نُفِضَ أعضاؤه؟ و صاحب العطسة يأمن الموت سبعة أيام. [۷۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۳۹

۵۳۴. کمال الدین به نقل از نسیم، بانوی خدمتگزار امام عسکری علیه السلام: یک شب پس از میلاد صاحب الزمان علیه السلام، هنگامی که در حضور وی (امام زمان) رسیدم و نزد او عطسه‌ای کردم، به من فرمود: «خدایت رحمت کناد!».

از این دعا، شادمان شدم. پس به من فرمود: «آیا به تو درباره عطسه، مژده‌ای ندهم؟».

گفتم: چرا، سرورم.

فرمود: «آن [به معنای در امان بودن از مرگ تا سه روز است].».

۵۳۵. الکافی از احمد بن محمد، از یکی از دوستانش نقل شده که وی نیز از مردی از اهل سنت روایت کرده است: با ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) همنشینی داشتم؛ و به خداوند سوگند، مجلسی پربارتر از نشست با او ندیدم. روزی به من گفت: «عطسه از کجا بیرون می آید؟».

گفتم: از بینی.

گفت: «نادرست گفتم».

پرسیدم: فدایت شوم! از کجا بیرون می آید؟

گفت: «از همه بدن، آن سان که نطفه از همه بدن، سرچشمه می گیرد و از آلت، بیرون می زند».

سپس فرمود: «آیا نمی بینی که انسان چون عطسه می کند همه اندام هایش تکان می خورد؟ کسی که عطسه کند، تا هفت روز از مرگ، در امان است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۰

۱۰ / ۵

مَا يَضُرُّ مِنَ الْعَطْسَةِ

۵۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْعَطْسُ يَنْفَعُ فِي الْبَدَنِ كُلِّهِ مَا لَمْ يَزِدْ عَلَى الثَّلَاثِ، فَإِذَا زَادَ عَلَى الثَّلَاثِ فَهُوَ دَاءٌ وَسُقْمٌ. [۷۴۴]

۱۱ / ۵

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ كَثْرَةِ الْعَطْسِ

۵۳۷. مكارم الأخلاق عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام: إن أحببت أن يقلَّ عطاسك، فاستعطي بدهن المرزنجوش.

قلت: مقدار كم؟

قال: مقدار دائق.

قال: ففعلت ذلك خمسة أيام فذهب عني. [۷۴۵]

۱۲ / ۵

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ السُّعَالِ

۵۳۸. الکافی عن محمد بن اذینه: شكا رجل إلى أبي عبد الله عليه السلام السعال و أنا حاضر، فقال له: خذ في راحتك شيئاً من كاشم

و مثله من سكر، فاستفه يوماً أو يومين.

قال ابن اذینه: فلقيت الرجل بعد ذلك.

فقال: ما فعلته إلا مرة واحدة حتى ذهب. [۷۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۱

۱۰ / ۵ عطسه زیانبار

۵۳۶. امام صادق علیه السلام: هر عطسه‌ای برای بدن، سودمند است، تا زمانی که شمار آنها از سه افزون نشده است؛ اما چون از سه افزون شود، درد و بیماری است.

۱۱ / ۵ آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است

۵۳۷. مكارم الأخلاق به نقل از ابو بصیر: امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر دوست داری که عطسه‌هایت کم باشد، با روغن

مرزنگوش، انفيه كن.»

پرسيدم: به چه مقدار؟

فرمود: «به مقدار يك دانگ.»

من، اين كار را پنج روز انجام دادم و اين حالت در من از ميان رفت.

۵/ ۱۲ آنچه برای درمان سرفه، سودمند است

۵۳۸. الكافي به نقل از محمد بن اذينه: مردی نزد امام صادق عليه السلام از سرفه اظهار ناراحتی کرد، در حالی که من نیز حضور داشتم. امام به او فرمود: «در كف دست خود، قدری کاشم (نوعی زیره کوهی) و به همان اندازه، شکر بریز و برای یک یا دو روز، این سفوف [۷۴۷] را بخور.

پس از این ماجرا، آن مرد را دیدم. گفت: تنها یک بار این کار را انجام دادم که آن حالت، از میان رفت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۲

۱۳/۵

ما یورث السَّلَّ

۵۳۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: مُشَاشُ الطَّيْرِ يورثُ السَّلَّ. [۷۴۸]

۵۴۰. الإمام الصادق علیه السلام: أكلُ الحيتانِ يورثُ السَّلَّ. [۷۴۹]

۵۴۱. الكافي عن سعد بن سعد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [۷۵۰]: إِنَّا نَأْكُلُ الْأَشْنَانَ.

فَقَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا تَوَضَّأَ ضَمَّ شَفْتَيْهِ.

و فِيهِ خِصَالٌ تُكْرَهُ: إِنَّهُ يورثُ السَّلَّ، وَ يَذْهَبُ بِمَاءِ الظَّهْرِ، وَ يوهي الرُّكْبَتَيْنِ. [۷۵۱]

۵۴۲. الكافي عن سليمان الجعفری: مَرِضْتُ حَتَّى ذَهَبَ لَحْمِي، فَدَخَلْتُ عَلَى الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، فَقَالَ:

أَيَسْرُكَ أَنْ يَعُودَ إِلَيْكَ لَحْمُكَ؟

قُلْتُ: بَلَى.

قَالَ: الزَّمِ الْحَمَامَ غَبِيًّا؛ فَإِنَّهُ يَعُودُ إِلَيْكَ لَحْمُكَ، وَ إِيَّاكَ أَنْ تُدْمِنَهُ؛ فَإِنَّ إِدْمَانَهُ يورثُ السَّلَّ. [۷۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۳

۱۳/۵

آنچه سل می آورد

۵۳۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [خوردن سر استخوان‌های نرم پرندگان، سل می آورد.

۵۴۰. امام صادق علیه السلام: خوردن ماهی، سل [۷۵۳] می آورد. [۷۵۴]

۵۴۱. الكافي به نقل از سعد بن سعد: به امام رضا علیه السلام گفتم: ما اشنان [۷۵۵] می خوریم.

فرمود: ابو الحسن (امام کاظم علیه السلام) چون دست و دهان خود را می شست، لب‌های خویش را جمع می کرد. [۷۵۶] در این

[گیاه، و بزرگی‌های ناخوشایندی است: سل می آورد، آب کمر را می برد و زانوها را سست می کند].

۵۴۲. الكافي به نقل از سليمان جعفری: چنان بیمار شدم که گوشت تنم تحلیل رفت. در همین زمان، [روزی بر امام رضا علیه السلام

درودهای خدا بر او باد وارد شدم.

فرمود: «آیا خوش داری که گوشتت باز گردد؟».

گفتم: آری.

فرمود: «یک روز در میان، حمام کن، که گوشتت باز می گردد؛ اما مبادا به این کار [به صورت روزانه عادت کنی؛ چرا که اعتیاد به حمام، سِل می آورد]. [۷۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۴

۵۴۳. غریب الحدیث: جاء فی الحدیث: غبارُ ذیلِ المرأةِ الفاجرةِ یورثُ السِّلَّ. [۷۵۸]

۱۴ / ۵

ما یقی مِنَ السِّلِّ

۵۴۴. الإمام الباقر علیه السلام: لبسُ الخُفِّ أمانٌ مِنَ السِّلِّ. [۷۵۹]

۵۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: إدمانُ لبسِ الخُفِّ أمانٌ مِنَ السِّلِّ. [۷۶۰]

۱۵ / ۵

ما یَنفَعُ لِإِعلاجِ السِّلِّ

۵۴۶. طب الأئمة عن أحمد بن بشاره: حججتُ فأتيتُ المدينة، فدخلتُ مسجدَ الرسولِ صلى الله عليه وآله فإذا أبو إبراهيم عليه السلام جالسٌ في جنبِ المنبرِ، فدنوتُ فقبلتُ رأسه و يديه و سلمتُ عليه، فردَّ عليّ السلام، و قال: كيف أنت من علتك؟

قلتُ: شاكياً بعدُ. و كانَ بى السِّلِّ.

فقال: خذ هذا الدواءَ بالمدينة قبل أن تخرجَ إلى مَكَّة، فإنَّكَ تُوفيها [۷۶۱] و قد عوفيتُ بإذنِ الله تعالى.

فأخرجتُ الدواءَ و الكاغدَ و أملی عَلینا:

يُؤخذُ سَبْطُلٌ، و قاقلةٌ، و زعفرانٌ، و عاقرِ قرحاً، و بَنَجٌ، و خربقٌ أبيضٌ؛ أجزاءً بالسَّويَّةِ، و إبرفيونٌ جُزءٌ بِنِ، يُدقُّ و يُنخلُ بحريزٍ، و يُعجنُ بعسلٍ متزوعِ الرِّغوةِ، و يُسقى صاحبُ السِّلِّ مِنْهُ مِثْلَ الحِمصِ بِماءٍ مُسَخَّنٍ عِنْدَ النَّومِ، و إنَّكَ لا تشربُ ذلكَ إلا ثلاثَ لَيالٍ، حتَّى تُعافى مِنْهُ بإذنِ الله تعالى.

فَفَعَلْتُ، فدَفَعَ اللهُ عَنِّي فَعُوفيتُ بإذنِ الله تعالى. [۷۶۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۵

۵۴۳. غریب الحدیث: در حدیث آمده: غبار دامنِ زنِ بدکار، سِل می آورد.

۱۴ / ۵ آنچه از سل، پیشگیری می کند

۵۴۴. امام باقر علیه السلام: پوشیدن موزه، [۷۶۳] مایه ایمنی از سل است.

۵۴۵. امام صادق علیه السلام: عادت داشتن به پوشیدن موزه، مایه ایمنی از سل است.

۱۵ / ۵ آنچه برای درمان سل سودمند است

۵۴۶. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از احمد بن بشاره: حج گزاردم و به مدینه رفتم. آنجا وارد مسجد النبی صلی الله علیه و آله شدم و به ناگاه، امام کاظم علیه السلام را دیدم که در کنار منبر نشسته است. به او نزدیک شدم، بر سر و دستانش بوسه زدم و به او سلام کردم. او سلامم را پاسخ داد و فرمود: «با بیماریات چه طوری؟».

گفتم: هنوز، از آن در رنجم. من پیش تر، سیل داشتم.

فرمود: «این دارو را در مدینه بگیر، پیش از آن که روانه مکه شوی؛ چه، در این صورت، در حالتی به مکه خواهی رسید که به اذن خداوند متعال، بهبود یافته‌ای». من دوات و کاغذ بیرون آوردم و او برایمان چنین املا فرمود: «مقادیری همانند از سنبل، قاقله، [۷۶۴] زعفران، آککرا، [۷۶۵]

بنج [۷۶۶] و پلخم سفید (ابریون) [۷۶۷] و از همین پیمانه، دو واحد گاوکشک (فریون) [۷۶۸] برداشته، آرد می‌شود و بر پارچه‌ای حریر، غربال می‌گردد. آن گاه، از آن با عسلی که کف رویش برداشته شده، خمیری ساخته می‌شود و در هنگام خواب، به اندازه یک نخود از آن در آب گرم [به بیمار] خورانده می‌شود. از این [محلول]، تنها سه شب نخواهی خورد که به اذن خداوند عز و جل بهبود خواهی یافت».

من، این کار را انجام دادم و خداوند، بلا را از من راند و به اذن خداوند متعال، بهبود یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۶

۱۶ / ۵

ما یورثُ الرِّبَّوَ وَ البَّهْرَ

۵۴۷. الإمام الرضا علیه السلام: الامتلاءُ مِنَ البیضِ المَسْلُوقِ یورثُ الرِّبَّوَ وَ الایْتِهَارَ [۷۶۹]. [۷۷۰]

۱۷ / ۵

ما ینفَعُ لِعیلاجِ الرِّبَّوِ

۵۴۸. طَبُّ الأئِمَّةِ عَنِ المَفْضَلِ بِنِ عمر: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَیهِ السَّلَامُ قُلْتُ: یا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنَّهُ یُصِیْبُنِي رَبُّو شَدِيدٌ إِذَا مَشَيْتُ، حَتَّى لَرُبَّمَا جَلَسْتُ فِي مَسَافَةٍ ما بَیْنَ دَارِي وَ دَارِكٍ فِي مَوْضِعَيْنِ.

قال: یا مَفْضَلُ، اشْرَبْ لَهُ أُوَالَ اللُّقَاحِ.

قال: فَشَرِبْتُ ذَلِكَ فَمَسَحَ اللَّهُ دَائِي. [۷۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۷

۱۶ / ۵ آنچه تنگی نفس می آورد

۵۴۷. امام رضا علیه السلام: پُر خُورِي از تخم مرغ آب پز، نفس تنگی و نفس بُریدگی می آورد. [۷۷۲]

۱۷ / ۵ آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است

۵۴۸. طَبُّ الأئِمَّةِ عَلَیهِمُ السَّلَامُ به نقل از مفضل بن عمر: از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

ای پسر پیامبر خدا! در هنگام راه رفتن، نفس تنگی شدیدی مرا می‌آزارد تا جایی که گاه در فاصله میان خانه خود و خانه شما، دوبار می‌نشینم.

فرمود: «ای مفضل! برای این عارضه، ادرار شتر شیرده بخور».

من از آن خوردم و خداوند، بیماری‌ام را زدود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۸

۱۸ / ۵

ما ینفَعُ لِعیلاجِ ذَاتِ الجَنْبِ

۵۴۹. صحیح البخاری عن امّ قیس: دَخَلْتُ بَابِنِ لِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَدْ أَعْلَقْتُ عَلَيْهِ مِنَ الْعُدْرَةِ. فَقَالَ: عَلَيَّ مَا تَدْعِرْنَ أَوْلَادَكُمْ بِهَذَا الْعِلَاقِ؟! عَلَيَكُنَّ بِهَذَا الْعُودِ الْهِنْدِيِّ؛ فَإِنَّ فِيهِ سَبْعَةَ أَشْفِيَةٍ مِنْهَا ذَاتُ الْجَنْبِ. [۷۷۳][۷۷۴]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۴۸

۵۵۰. سنن الترمذی عن زید بن أرقم: أَمَرْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَتَدَاوَى مِنْ ذَاتِ الْجَنْبِ بِالْقَسَطِ الْبَحْرِيِّ، وَالزَّيْتِ. [۷۷۵]

۵۵۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكَلَ السَّدَابَ وَ نَامَ عَلَيْهِ؛ أَمِنَ مِنَ الدُّوَارِ وَ ذَاتِ الْجَنْبِ. [۷۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۴۹

۵ / ۱۸ آنچه برای درمان ذات الجنب سودمند است

۵۴۹. صحیح البخاری به نقل از امّ قیس: همراه با یکی از کودکانم و در حالی که به سبب گلودرد، کام وی را با انگشت فشردم، بر پیامبر خدا وارد شدم. فرمود: «چرا کام کودک خود را چنین می‌فشردی و بالا می‌آوردی؟ بر شما باد که از این عود هندی [۷۷۷] بهره برید. در این چوب، هفت درمان است که یکی از آنها [درمان ذات الجنب ۷۷۸] است».

۵۵۰. سنن الترمذی به نقل از زید بن ارقم: پیامبر خدا به ما فرمود: «ذات الجنب را با بستک دریایی و روغن زیتون، درمان کنیم».

۵۵۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر کس سداب [۷۷۹] بخورد و بر آن بخوابد، از سرگیجه و ذات الجنب، ایمن باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۰

الفصل السادس: الفم و الأسنان

۱ / ۶

الإشارة إلى ما فيهما من الحكمة

۵۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: جُعِلَ الشَّارِبُ وَ الشَّفَّةُ فَوْقَ الفَمِ؛ لِيَحْتَسِبَ مَا يَنْزِلُ مِنَ الدِّمَاغِ عَنِ الفَمِ لئَلَّا يَتَنَغَّصَ عَلَى الْإِنْسَانِ طَعَامُهُ وَ شَرَابُهُ فَيَمِيطَهُ عَن نَفْسِهِ ... وَ جُعِلَ السِّنُّ حَادًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ المَضْغُ، وَ جُعِلَ الضَّرْسُ عَرِيضًا؛ لِأَنَّ بِهِ يَقَعُ الطَّحْنُ وَ المَضْغُ، وَ كَانَ النَّابُ طَوِيلًا لِيَسْنِدَ الْأَضْرَاسَ وَ الْأَسْنَانَ كَالْأَسْطُوَانَةِ فِي الْبِنَاءِ. [۷۸۰]

۵۵۳. عنه عليه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: فَكَّرَ يَا مُفْضَلُ فِي هَذِهِ الطَّوَاحِنِ الَّتِي جُعِلَتْ لِلْإِنْسَانِ، فَبَعْضُهَا حُرْدَادٌ لِقَطْعِ الطَّعَامِ وَ قَرَضِيهِ، وَ بَعْضُهَا عُرَاضٌ لِمَضْغِهِ وَ رَضِيهِ، فَلَمْ يَنْقُصْ وَاحِدًا مِنَ الصِّفَتَيْنِ إِذْ كَانَ مُحْتَاجًا إِلَيْهِمَا جَمِيعًا. [۷۸۱]

راجع: ج ۱، ص ۳۲۴ (الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۱

فصل ششم: دهان و دندان

۶ / ۱ اشاره به حکمت نهفته در دهان و دندان

۵۵۲. امام صادق علیه السلام: سیل و لب، در بالای دهان قرار گرفته است تا مانع رسیدن آنچه از مغز فرو می‌ریزد، به دهان شود، مبدا که طعم خوراک و نوشیدن، بر انسان، ناگوار گردد و آن را وا گذارد...

دندان جلو تیز قرارداد شده است؛ زیرا به واسطه آن، کار قطع کردن صورت می پذیرد؛ و دندان های آسیا، پهن قرارداد شده اند؛ زیرا آسیاب کردن و جویدن، به کمک آنها انجام می گیرد؛ و نیش بلندتر است تا تکیه گاه دندان جانبی و دندان جلو باشد، به سان استوانه ای در یک بنا.

۵۵۳. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این آسیاهایی که برای انسان قرارداد شده است، بیندیش. برخی از آنها تیز هستند تا غذا را بترند و قطعه قطعه کنند، برخی پهن اند تا غذا را بجوند و نرم کنند. هیچ یک از این دو ویژگی، مفقود نیستند؛ چرا که به هر دو آنها نیاز است.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۲۵ (اشاره به حکمت نهفته در حنجره).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۲

۲ / ۶

صِحَّةُ الْفَمِّ وَالْأَسْنَانِ

۱۲ / ۶

التَّخَلُّلُ

أ تَأْكِيدُ التَّخَلُّلِ

۵۵۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: نَزَلَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَيَّ بِالْخِلَالِ. [۷۸۲]

۵۵۵. عنه صلی الله علیه و آله: حَبَدًا الْمُتَخَلِّلُونَ مِنْ أُمَّتِي. [۷۸۳]

۵۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ مِنَ الطَّعَامِ وَمِنَ الطَّهْوَرِ. [۷۸۴]

۵۵۷. أبو الحسن علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَحِمَ اللَّهُ الْمُتَخَلِّلِينَ!

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا الْمُتَخَلِّلُونَ؟

قَالَ: يَتَخَلَّلُونَ مِنَ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ إِذَا بَقِيَ فِي الْفَمِّ تَغَيَّرَ فَآذَى الْمَلَكَ رِيحُهُ. [۷۸۵]

۵۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: يَا حَبَدًا الْمُتَخَلِّلُونَ مِنَ الطَّعَامِ! إِنَّهُ لَيْسَ أَشَدُّ عَلَى الْمَلَكِ مِنْ بَقِيَّتِهِ تَبْقَى مِنَ الْفَمِّ مِنْ أَثَرِ

الطَّعَامِ. [۷۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۳

۲ / ۶ بهداشت دهان و دندان

۱۲ / ۶ خلال کردن

الف تأکید بر خلال کردن

۵۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، بر من به [پیام وحیانی درباره خلال، نازل شد.

۵۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا بر کسانی از امت من که خلال کنند!

۵۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خداوند بر کسانی که پس از غذا و در وضو، خلال می کنند!

۵۵۷. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رحمت خدا بر خلال کنندگان!»

پرسیده شد: ای پیامبر خدا! خلال کنندگان چه کسانی اند؟

فرمود: «آنان که از غذا، خلال می کنند؛ چه، اگر چیزی از غذا در دهان بماند، تغییر می کند و بویش فرشته را می آزارد.»

۵۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال آنان که از غذا، خلال می کنند! بر فرشته، هیچ چیز سخت تر از باقی مانده‌ای نیست که در پی غذا خوردن، در دهان بر جای می ماند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۴

۵۵۹. عنه صلی الله علیه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَبْغَضَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فِي أَسْنَانِ الْعَبْدِ طَعَامًا. [۷۸۷]

۵۶۰. عنه صلی الله علیه و آله: تَرَكُ الْخِلَالَ وَهِنَّ لِلْأَسْنَانِ. [۷۸۸]

۵۶۱. عنه صلی الله علیه و آله: نَقُّوا أَفْوَاهَكُمْ بِالْخِلَالِ. [۷۸۹]

۵۶۲. الإمام الباقر علیه السلام: شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ مَا تَلَقَى مِنْ أَنْفَاسِ الْمُشْرِكِينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا: أَنْ قَرِي يَا كَعْبَةُ؛ فَإِنِّي أَبْدِلُكَ بِهِمْ قَوْمًا يَتَخَلَّلُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ.

فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جِبْرِئِيلَ بِالسُّوَاكِ وَالْخِلَالِ. [۷۹۰]

۵۶۳. الإمام الصادق علیه السلام: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالسُّوَاكِ وَالْخِلَالِ وَالْحِجَامَةِ. [۷۹۱]

۵۶۴. عنه علیه السلام: مَنْ أَكَلَ طَعَامًا فَلْيَتَخَلَّلْ؛ وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ حَرْجٌ. [۷۹۲]

۵۶۵. مكارم الأخلاق: رُوِيَ عَنِ الْإِمَامِ الْكَاظِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: اللَّهُمَّ بَارِكْ فِي الْخَلَّالِينَ وَالْمُتَخَلِّلِينَ. وَالْخَلُّ بِمَنْزِلَةِ الرَّجُلِ الصَّالِحِ يَدْعُو لِأَهْلِ الْبَيْتِ بِالْبَرَكَهَةِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا الْخَلَّالُونَ وَ مَا الْمُتَخَلِّلُونَ؟

قَالَ: الَّذِينَ فِي بُيُوتِهِمُ الْخَلُّ وَالَّذِينَ يَتَخَلَّلُونَ. [۷۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۵

۵۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خلال کنید؛ زیرا نزد فرشتگان، هیچ چیز ناخوشایندتر از آن نیست که در [لابه لای دندان‌های انسان، غذا بینند.

۵۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وا گذاشتن خلال، مایه سستی دندان‌هاست.

۵۶۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دهانتان را با خلال کردن، تمیز کنید.

۵۶۲. امام باقر علیه السلام: کعبه از آنچه از نفس‌های مشرکان با آن رویاروی می‌شود، به درگاه خداوند نالید. پس خداوند، بدان وحی کرد که: «ای کعبه! شادمان باش؛ زیرا که برای تو مردمانی را جایگزین این قوم خواهیم ساخت که با شاخه‌های درخت، خلال می‌کنند».

هنگامی که خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت، توسط جبرئیل، سفارش مسواک زدن و خلال را به او وحی کرد.

۵۶۳. امام صادق علیه السلام: جبرئیل به سفارش بر مسواک، خلال و حجامت، بر پیامبر خدا نازل شد.

۵۶۴. امام صادق علیه السلام: هر کس غذایی بخورد، پس از آن خلال کند؛ و هر کس چنین نکند، مشکل [بهداشتی پیدا خواهد کرد.

۵۶۵. مکارم الأخلاق: از امام کاظم علیه السلام روایت شده است: منادی‌ای از آسمان ندا می‌دهد: «خداوند! خَلَّالان و متخللان را برکت ده! سرکه، به‌سان مردی درست‌کار برای اهل خانه دعای برکت می‌کند.

[راوی می‌گوید: گفتم: فدایت شوم! مقصود از «خَلَّالان» و «متخللان» چیست؟

فرمود: «کسانی که در خانه‌هایشان سرکه (خل) هست و کسانی که خلال می‌کنند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۶

بِ مَنَافِعِ التَّخَلُّلِ

۵۶۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ نَظَافَةٌ، وَ النَّظَافَةُ تَدْعُو إِلَى الْإِيمَانِ، وَ الْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ. [۷۹۴]

۵۶۷. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ؛ فَإِنَّهُ صِحَّةٌ لِلنَّابِ وَ النَّوَاجِدِ، وَ يَجْلِبُ عَلَى الْعَبْدِ الرِّزْقَ. [۷۹۵]
۵۶۸. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا عَلَى أَثَرِ الطَّعَامِ، وَ تَمَضَّمُوا؛ فَإِنَّهُ مَصْحَةٌ لِلنَّابِ وَ النَّاجِدِ. [۷۹۶]
۵۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهُ يُنْقَى الْفَمَ وَ مَصْلَحَةٌ لِلثَّنَّةِ. [۷۹۷]
۵۷۰. عنه صلى الله عليه و آله: تَخَلَّلُوا؛ فَإِنَّهَا مَصْلَحَةٌ لِلنَّابِ وَ النَّوَاجِدِ. [۷۹۸]
۵۷۱. عنه صلى الله عليه و آله مِنْ وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ... الْخِلَالُ يُحَبِّبُكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ؛ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَى بِرِيحِ فَمٍ مَنْ لَا يَتَخَلَّلُ بَعْدَ الطَّعَامِ. [۷۹۹]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۷

ب منافع خلال کردن

۵۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خلال کنید؛ زیرا آن، پاکیزگی است و پاکیزگی به ایمان فرا می خواند و ایمان به همراه دارنده اش در بهشت است.
۵۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در پی غذا خوردن، خلال کنید؛ چرا که مایه سلامت دندان های نیش و نواجذ [۸۰۰] (آسیا) است و برای انسان، جلب روزی می کند. [۸۰۱]
۵۶۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: در پی غذا، خلال کنید و آب در دهان بچرخانید؛ چرا که مایه سلامت دندان های نیش و آسیاست.
۵۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خلال کنید؛ چرا که دهان را تمیز می کند و مایه سلامت لثه است.
۵۷۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خلال کنید؛ چرا که مایه سلامت [دندان های نیش و نواجذ] است.
۵۷۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله از سفارش های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! خلال کردن، تو را محبوب فرشتگان می سازد؛ چرا که فرشتگان، از بوی دهان کسی که پس از غذا خلال نمی کند، آزرده می شوند.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۸
۵۷۲. الکافی عن أحمد بن عبد الله الأسدي عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: ناول النبي صلى الله عليه و آله جعفر بن أبي طالب عليه السلام خلالاً، فقال له: يا جعفر، تخلل؛ فإنه مصلحة للفم أو قال: للثة، و مجلبة للرّزق. [۸۰۲]
۵۷۳. الکافی عن وهب بن عبد ربه: رأيت أبا عبد الله عليه السلام يتخلل فنظرت إليه، فقال: إن رسول الله صلى الله عليه و آله كان يتخلل، و هو يطيب الفم. [۸۰۳]
۵۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: الخلال بعد الطعام؛ يشد اللثات، و يجلب الرزق، و يطيب النكهة. [۸۰۴]
- ج آداب التخلل
۵۷۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ تَخَلَّلَ فَلْيَلْفِظْ، مَنْ فَعَلَ فَقَدْ أَحْسَنَ، وَ مَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا حَرَجَ. [۸۰۵]
۵۷۶. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يَزِدُ رَدَّنَ أَحَدُكُمْ مَا يَتَخَلَّلُ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ الدُّبَيْلَةُ. [۸۰۶]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۵۹
۵۷۲. الکافی به نقل از احمد بن عبد الله اسدی، از مردی، از امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خلالی به جعفر بن ابی طالب داد و فرمود: «ای جعفر! خلال کن، که این کار، موجب بهداشت دهان (یا فرمود: لثه) و سبب جلب روزی است».

۵۷۳. الکافی به نقل از وَهَب بن عبد ربّه: امام صادق علیه السلام را دیدم که خلال می کرد. به او نگریستم. فرمود: «پیامبر خدا هم خلال می کرد؛ و این کار، دهان را خوش بو می کند».

۵۷۴. امام صادق علیه السلام: خلال کردن پس از [خوردن غذا، لته‌ها را محکم می کند، روزی می آورد و بوی دهان را خوش می سازد.

ج آداب خلال کردن

۵۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس خلال می کند، [پس مانده‌ها را] بیرون افکند. هر کس چنین کند، کار خوبی کرده است و هر کس چنین نکند، [بر او] ایرادی نیست.

۵۷۶. امام صادق علیه السلام: مبدا کسی از شما آنچه را با آن خلال می کند، فرو دهد؛ چرا که شکم کلن، [۸۰۷] از آن می خیزد. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۰

۵۷۷. عنه علیه السلام: مَا أَدْرَتْ عَلَيْهِ لِسَانِكَ فَأَخْرَجْتَهُ فَابْلَعَهُ، وَ مَا أَخْرَجْتَهُ بِالْخِلَالِ فَارْمِ بِهِ. [۸۰۸]

۵۷۸. الإمام کاظم علیه السلام لِلْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ: يَا فَضْلُ، أَدْرِ لِسَانَكَ فِي فَمِكَ؛ فَمَا تَبَعَ لِسَانَكَ فَكَلَهُ إِنْ شِئْتَ، وَ مَا اسْتَكْرَهْتَهُ بِالْخِلَالِ فَالْفِظْهُ. [۸۰۹]

۵۷۹. عنه علیه السلام: مَن حَقَّ الْخِلَالُ أَنْ تُدِيرَ لِسَانَكَ فِي فَمِكَ؛ فَمَا أَجَايِكَ تَبْتَلِعُهُ، وَ مَا امْتَنَعَ تَحْرُكُهُ بِالْخِلَالِ، ثُمَّ تُخْرِجُهُ فَتَلْفِظْهُ. [۸۱۰]

۵۸۰. الکافی عن الفضل بن یونس: تَعَدَّى عِنْدِي أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ الطَّعَامِ أَتَى بِالْخِلَالِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! مَا حَدَّ هَذَا الْخِلَالِ؟

فَقَالَ: يَا فَضْلُ، كُلُّ مَا بَقِيَ فِي فَمِكَ فَمَا أَدْرَتْ عَلَيْهِ لِسَانَكَ فَكَلَهُ، وَ مَا اسْتَكْرَهْتَهُ بِالْخِلَالِ فَأَنْتَ فِيهِ بِالْخِيَارِ؛ إِنْ شِئْتَ أَكَلْتَهُ وَ إِنْ شِئْتَ طَرَحْتَهُ. [۸۱۱]

۵۸۱. المحاسن عن الفضل بن یونس الكاتب: أَتَانِي أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَاجَةٍ لِلْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ، فَقُلْتُ: إِنَّ طَعَامَنَا قَدْ حَضَرَ، فَاجِبُ أَنْ تَتَّعَدَى عِنْدِي. قَالَ: نَحْنُ نَأْكُلُ طَعَامَ الْفَجَاءِ.

ثُمَّ نَزَلَ فَجِئْتُهُ بِغَدَاءٍ وَ وَضَعْتُ مِندِيلًا عَلَى فِخْدَيْهِ، فَأَخَذَهُ فَنَحَّاهُ نَاحِيَهُ، ثُمَّ أَكَلَ، ثُمَّ قَالَ لِي: يَا فَضْلُ، كُلِّ مِمَّا فِي اللَّهْوَاتِ وَ الْأَشْدَاقِ، وَ لَا تَأْكُلْ مَا بَيْنَ أَعْصَافِ الْأَسْنَانِ. [۸۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۱

۵۷۷. امام صادق علیه السلام: آنچه زبانت را بر آن چرخاندی و از [لای دندان بیرون کشیدی، فرو ده؛ ولی آنچه را با خلال بیرون کشیدی، بیرون افکن.

۵۷۸. امام کاظم علیه السلام به فضل بن یونس: ای فضل! زبان خویش را در دهان بچرخان. آنچه را در پی زبانت به حرکت در آمد، اگر خواستی، بخور، و آنچه را با خلال [بیرون کشیدی و] خوش نداشتی، بیرون افکن.

۵۷۹. امام کاظم علیه السلام: بایسته خلال، آن است که زبان خویش را در دهان بچرخانی و آن گاه، آنچه را بدین سان از جای درآید، بخوری؛ ولی آنچه را سرسختی کند، به خلال جابه‌جا کنی و سپس [از لای دندان‌ها] بیرون آوری و از دهان، بیرون افکنی.

۵۸۰. الکافی به نقل از فضل بن یونس: امام کاظم علیه السلام، نزد من ناهار خورد. چون از خوردن فراغت یافت، خلال آوردند. گفتم: فدایت شوم! اندازه این خلال چیست؟

فرمود: «ای فضل! از آنچه در دهانت مانده است، هر چه زبان خویش را بر آن می‌چرخانی، بخور؛ اما هر چه را در جای خود محکم شده است، با خلال بیرون آور و از آن پس نیز خود، انتخابگری. اگر خواستی، آن را می‌خوری [۸۱۳] و اگر خواستی، بیرون می‌افکنی.

۵۸۱. المحاسن به نقل از فضل بن یونس کاتب: امام کاظم علیه السلام، در پی کاری برای حسین بن یزید، نزد من آمد. گفتم: غذایمان آماده است. دوست دارم نزد ما غذا بخوری.

فرمود: «ما غذای ناگهانی (بدون دعوت قبلی) را می‌خوریم».

سپس، فرود آمد و من برای وی، ناشتایی آوردم و دستمالی نیز روی پای وی گذاردم. او دستمال را برداشت و به کناری انداخت. سپس خورد.

آن‌گاه به من فرمود: «ای فضل! آنچه را در بالای کام و کناره‌های دهان مانده است، بخور؛ اما آنچه را لابه‌لای دندان‌هاست، نخور». دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۲

۵۸۲. الإمام الحسين عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَمَرَنَا إِذَا تَخَلَّلْنَا أَلَّا نَشْرَبَ الْمَاءَ، حَتَّى نَتَمَضَّمَصَ ثَلَاثًا. [۸۱۴]

۵۸۳. مكارم الأخلاق: عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يُونُسَ أَنَّهُ سَأَلَ الْكَاظِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ حَدِّ الْخِلَالِ، قَالَ: أَنْ تَكْسِرَ رَأْسَهُ؛ لِئَلَّا يُدْمِيَ اللَّهُ. [۸۱۵]
د ما لا يَتَّبِعِي التَّخَلُّلُ بِهِ

۵۸۴. الإمام الصادق عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُتَخَلَّلَ بِالْقَصَبِ وَالرَّيْحَانِ. [۸۱۶]

۵۸۵. عنه عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ التَّخَلُّلِ بِالرُّمَّانِ وَالْأَسِّ وَالْقَصَبِ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّهُمْ يُحَرِّكْنَ عِرْقَ الْأَكِلَةِ. [۸۱۷]

۵۸۶. عنه عليه السلام: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَتَخَلَّلُ بِكُلِّ مَا أَصَابَ مَا خَلَا الْخَوْصَ وَالْقَصَبِ. [۸۱۸]

۵۸۷. الإمام الكاظم عليه السلام: لَا تَخَلَّلُوا بَعْدَ الرِّيحَانِ وَلَا بِقَصَبِ الرُّمَّانِ؛ فَإِنَّهُمَا يَهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجَذَامِ. [۸۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۳

۵۸۲. امام حسین علیه السلام: امیر مؤمنان، به ما فرموده بود که به هنگام خلال کردن، آب ننوشیم، مگر پس از سه بار چرخاندن آن در دهان.

۵۸۳. مكارم الأخلاق: از فضل بن یونس رسیده که از امام کاظم علیه السلام، درباره اندازه خلال پرسید. فرمود: «این که سر آن را بشکنی [۸۲۰] تا لثه را خونی نکند».

د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست

۵۸۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا از این که با نی و [ساقه نازبویه خلال شود، نهی فرمود.

۵۸۵. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، از خلال کردن با [چوب انار، آس و نی، نهی کرد و فرمود: «اینها، رگ خوره را تحریک می‌کنند».

۵۸۶. امام صادق علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، به هر چه بدان دست می‌یافت، خلال می‌کرد، مگر به برگ درخت خرما و نی.

۵۸۷. امام کاظم علیه السلام: به ساقه سبزی و شاخه انار خلال نکنید؛ چرا که رگ جذام را فعال می‌کنند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۴

۵۸۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنَ الْفِطْرَةِ الْمُضْمَضَةُ وَالْاِسْتِنَاقُ. [۸۲۱]

۵۸۹. الإمام علي عليه السلام: الْمُضْمَضَةُ وَالْاِسْتِنَاقُ سِنَّةٌ وَ طَهْوَرُ لِلْقَمِّ وَالْاَنْفِ، وَالسُّعُوْطُ مَصِيْحَةٌ لِلرَّأْسِ، وَ تَنْقِيَةٌ لِلْيَدَيْنِ، وَ سَائِرِ اَوْجَاعِ الرَّأْسِ. [۸۲۲]

۵۹۰. الإمام الكاظم عليه السلام: خَمْسٌ مِنَ السُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَ خَمْسٌ فِي الْجَسَدِ:

فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَالْسُّوَاكُ، وَ اِحْدُ الشَّارِبِ، وَ فَرْقُ الشَّعْرِ، وَ الْمُضْمَضَةُ، وَ الْاِسْتِنَاقُ.

وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْخِتَانُ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ، وَ نَتْفُ الْاِبْطِينِ، وَ تَقْلِيمُ الْاَظْفَارِ، وَ الْاِسْتِنَاقُ. [۸۲۳]

۵۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِيُبَالِغَ اِحْدُكُمْ فِي الْمُضْمَضَةِ وَالْاِسْتِنَاقِ؛ فَإِنَّهُ غُفْرَانٌ لَكُمْ، وَ مَنَفَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ. [۸۲۴]

۵۹۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا اسْتَنَشَقْتَ فَانْتَشِرْ. [۸۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۵

۶/۲۲ شستشوی دهان و بینی

۵۸۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: شستشوی دهان و بینی، از فطرت [توحیدی] است.

۵۸۹. امام علی علیه السلام: شستشوی دهان و بینی، سنت و مایه پاکی دهان و بینی است و انفییه کردن، مایه سلامت سر و پاکسازی بدن و همه انواع سردرد است.

۵۹۰. امام کاظم علیه السلام: پنج چیز درباره سر، از سنت هاست و پنج چیز هم درباره تن.

اما آنچه درباره سر است، مسواک زدن، گرفتن سیبل، از هم گشودن موها از میانه سر، و شستشوی دهان و بینی است.

آنچه درباره تن است: ختنه کردن، تراشیدن موی زهار، زدودن موهای زیر بغل، کوتاه کردن ناخن‌ها، و زدودن پلیدی مخرج است.

۵۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بایسته است کسی از شما در چرخاندن آب در دهان و بینی، مبالغه ورزد؛ چرا که این کار، مایه آمرزش برای شما و باعث گریز شیطان است.

۵۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: چون آب در بینی چرخاندى، همه را بیرون بریز.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۶

۵۹۳. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَسْتَنْشِقْ بِمِنْخَرِيهِ مِنَ الْمَاءِ، ثُمَّ لِيَسْتَشِرْ. [۸۲۶]

۵۹۴. عنه صلى الله عليه وآله: اسْتَشِرُوا مَرَّتَيْنِ بِالْغَتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا. [۸۲۷]

۶/۳۲

الاستیاک

أَلِ التَّأَكِيدُ عَلَى الْاِسْتِيَاكُ

۵۹۵. الإمام الصادق عليه السلام: مِنَ اخْلَاقِ الْاَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ السُّوَاكُ. [۸۲۸]

۵۹۶. رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنَ الْفِطْرَةِ... السُّوَاكُ. [۸۲۹]

۵۹۷. عنه صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي بِالسُّوَاكِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ اِدْرَدَ وَ اِحْفَى. [۸۳۰]

۵۹۸. عنه صلى الله عليه وآله: مَا زَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوَصِّنِي... بِالسُّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً. [۸۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۷

۵۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هر گاه کسی از شما وضو گرفت، به سوراخ‌های بینی آب ببرد و سپس، همه را بیرون بریزد.

۵۹۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوبار محکم یا سه بار [به صورت عادی بینی را خالی کنید.

۶ / ۳۲ مسواک زدن

الف تأکید بر مسواک زدن

۵۹۵. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، از سنت‌های پیامبران است.

۵۹۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک زدن... از فطرت [توحیدی است.

۵۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، آن اندازه مرا به مسواک زدن سفارش می‌کرد که ترسیدم دندان‌هایم یک‌به‌یک بریزد و بی‌دندان شوم.

۵۹۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، آن اندازه مرا به... مسواک زدن سفارش می‌کرد که گمان بردم آن را واجب قرار خواهد داد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۸

۵۹۹. عنه صلی الله علیه و آله: أَوْصَانِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالسُّوَاكِ حَتَّى خِيفْتُ عَلَى أَسْنَانِي. [۸۳۲]

۶۰۰. عنه صلی الله علیه و آله: مَا جَاءَنِي جِبْرِئِيلُ إِلَّا أَوْصَانِي بِالسُّوَاكِ، حَتَّى لَقَدْ خَشِيتُ أَنْ يُفَرِّضَ عَلَيَّ وَ عَلَى أُمَّتِي. [۸۳۳]

۶۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ السُّوَاكِ. [۸۳۴]

۶۰۲. عنه عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَمَّا دَخَلَ النَّاسُ فِي الدِّينِ أَفْوَاجًا، أَتَتْهُمْ الْأَزْدُ أَرْقَهَا قُلُوبًا، وَ أَعْدَبَهَا أَفْوَاهًا. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذِهِ أَرْقَهَا قُلُوبًا عَرَفْنَا، فَلِمَ صَارَتْ أَعْدَبَهَا أَفْوَاهًا؟

قَالَ: لِأَنَّهَا كَانَتْ تَسْتَاكُ فِي الْجَاهِلِيَّةِ. [۸۳۵]

۶۰۳. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: صَلَاةُ رَكَعَتَيْنِ بِسُوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سُوَاكِ. [۸۳۶]

۶۰۴. الإمام الباقر عليه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي السُّوَاكِ لَأَبَاتَوْهُ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ. [۸۳۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۶۹

۵۹۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، چندان مرا به مسواک زدن سفارش کرد که بر دندان‌هایم ترسیدم.

۶۰۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: جبرئیل، هیچ نزد من نیامد، مگر که مرا به مسواک زدن سفارش کرد تا جایی که ترسیدم این کار بر من و ائمتم واجب شود.

۶۰۱. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، از سنت‌های فرستادگان [الهی است.

۶۰۲. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، آن هنگام که مردم، دسته دسته به دین درآمدند، فرمود: «طایفه ازد که نازک‌دل‌ترین و خوش‌دهان‌ترین مردم‌اند، به آنان (مسلمانان) در پیوستند».

گفته شد: ای پیامبر خدا! «نازک‌دل‌ترین» را فهمیدیم، اما چرا «خوش‌دهان‌ترین»؟
فرمود: «از آن رو که این طایفه، در روزگار جاهلیت، مسواک می‌زدند».

۶۰۳. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: خواندن دو رکعت نماز با مسواک، بافضیلت‌تر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.

۶۰۴. امام باقر علیه السلام: اگر مردم می‌دانستند که مسواک زدن چه [فضیلت و فوایدی دارد، آن را با خود به بستر می‌بردند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۰

ب دَمُّ تَرَكَ الْاِسْتِيَاكِ

۶۰۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَا لِي أَرَاكُمْ قُلْحًا! مَا لَكُمْ لَا تَسْتَاكُونَ؟! [۸۳۸]

۶۰۶. عنه صلى الله عليه و آله: أتانى جبرائيل عليه السلام فقال: يا مُحَمَّدُ، كَيْفَ نَزَلَ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَسْتَاكُونَ؟! [۸۳۹]

۶۰۷. الخصال: عَن أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَرَى هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُ مِنَ النَّاسِ؟ فَقَالَ: أَلْقِي مِنْهُمْ التَّارِكَ لِلسُّوَائِكِ، وَالْمُتَرَبِّعَ فِي مَوْضِعِ الضَّيْقِ وَ... [۸۴۰]

ج فوائد الاستياك

۶۰۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: تَسَوَّكُوا؛ فَإِنَّ السُّوَائِكَ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ، مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ. [۸۴۱]

۶۰۹. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ فِي الْفَمِ يُنَبِّتُ الْأَضْرَاسَ. [۸۴۲]

۶۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ يَزِيدُ الرَّجُلَ فَصَاحَةً. [۸۴۳]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۱

ب نکوهش ترک مسواک زدن

۶۰۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: چرا شما را با دندان‌های زرد می‌بینم؟ چرا مسواک نمی‌زنید؟

۶۰۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: جبرئیل، نزد من آمد و گفت: ای مُحَمَّد! چگونه در حالی که مسواک نمی‌زنید، بر شما نازل شویم؟

۶۰۷. الخصال: از ابو یحیی واسطی، از کسی که این راوی از او نام برده، نقل شده که وی به امام صادق علیه السلام گفته است: آیا همه این خلق را از مردم می‌دانی؟

فرمود: «از این میان، آنان را که مسواک نمی‌زنند و در جای تنگ، چهار زانو می‌نشینند (فضای وسیع تری را می‌گیرند) و... بینداز.»

ج فواید مسواک زدن

۶۰۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک بزیند؛ چرا که مسواک، مایه پاکیزگی دهان و خشنودی پروردگار است. [۸۴۴]

۶۰۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک، دندان‌ها را در دهان تثبیت می‌کند.

۶۱۰. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مسواک، بر فصاحت مرد می‌افزاید.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۲

۶۱۱. عنه صلى الله عليه و آله: السُّوَائِكُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ، وَالسَّامُ: الْمَوْتُ. [۸۴۵]

۶۱۲. الإمام الباقر عليه السلام: السُّوَائِكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَزِيدُ فِي الْعَقْلِ. [۸۴۶]

۶۱۳. عنه عليه السلام: السُّوَائِكُ... مَنْفَعَةٌ لِلْبَلْغَمِ. [۸۴۷]

۶۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ طَهْوَرٌ، وَ طَهْوَرُ الْفَمِ السُّوَائِكُ. [۸۴۸]

۶۱۵. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسُّوَائِكِ؛ فَإِنَّهُ يُذْهَبُ وَسَوْسَةَ الصَّدْرِ. [۸۴۹]

۶۱۶. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالسُّوَائِكِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ. [۸۵۰]

۶۱۷. الإمام الصادق عليه السلام: السُّوَائِكُ يَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ، وَيَجْلُو الْبَصَرَ. [۸۵۱]

۶۱۸. الإمام الرضا عليه السلام: السُّوَائِكُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ. [۸۵۲]

۶۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَدْ أَدَامَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ يُصَلِّيْهَا ثَوَابَ مِائَةِ رَكْعَةٍ، وَ اسْتَعْنَى عَنِ الْفَقْرِ، وَ تَطْيَبَ نَكْهَتَهُ، وَ يَزِيدُ فِي حِفْظِهِ، وَ يَسْتَدُّ لَهُ فَهْمُهُ، وَ يَمْرَأُ طَعَامُهُ، وَ يَذْهَبُ أَوْجَاعُ أَضْرَاسِهِ، وَ

يُدْفَعُ

عَنْهُ السُّقْمُ، وَ تُصَافِحُهُ الْمَلَائِكَةُ لِمَا يَرَوْنَ عَلَيْهِ مِنَ النُّورِ، وَ يَنْقَى أَسْنَانَهُ. [۸۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۳

۶۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک، شفای هر دردی است، مگر سام، و سام، مرگ است.

۶۱۲. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن، بلغم را از میان می‌برد و عقل را افزون می‌سازد.

۶۱۳. امام باقر علیه السلام: مسواک زدن،... مایه دور کردن بلغم است.

۶۱۴. امام صادق علیه السلام: هر چیز را پاک‌کننده‌ای است و پاک‌کننده دهان، مسواک است.

۶۱۵. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که وسوسه دل را از میان می‌برد.

۶۱۶. امام صادق علیه السلام: بر شما باد مسواک زدن؛ چرا که دیده را جلا می‌دهد.

۶۱۷. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، اشک‌ریزش را می‌برد و دیده را جلا می‌دهد.

۶۱۸. امام رضا علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می‌بخشد، مو بر می‌رویانند و اشک‌ریزش را از میان می‌برد.

۶۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در هر روز، دو بار مسواک بزند، سنت پیامبران را استمرار بخشیده است، در برابر هر

نمازی که بخواند، خداوند، برایش پاداش صد رکعت می‌نویسد، از فقر به غنا (و بی‌نیازی) درمی‌آید، دهانش خوش بو می‌شود،

حافظه‌اش فزونی می‌یابد، فهمش استوار می‌گردد، غذایش گوارش می‌یابد، درد دندان‌هایش از میان می‌رود، بیماری از او دور

می‌گردد، و فرشتگان، به واسطه نوری که بر او می‌بینند، با او دست می‌دهند و دندان‌هایش تمیز می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۴

۶۲۰. عنه صلی الله علیه و آله: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَرْضَاءٌ لِلرَّبِّ، وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ يُقَلُّ

الْبَلْغَمَ، وَ يُشَدُّهُ الطَّعَامَ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ، وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ هُوَ يَمُرُّ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ، وَ رَكَعَتَيْنِ

بِسُوَاكِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بغيرِ سُوَاكِ. [۸۵۴]

۶۲۱. عنه صلی الله علیه و آله: فِي السُّوَاكِ عَشْرُ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يَذْهَبُ الْبَلْغَمَ، وَ يَجْلُو الْبَصِيرَةَ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ

يُصَلِّحُ الْمَعْدَةَ، وَ يُوَفِّقُ السُّنَّةَ، وَ يُفْرِّحُ الْمَلَائِكَةَ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ. [۸۵۵]

۶۲۲. الإمام الصادق علیه السلام: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السُّنَّةِ، وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَجْلَاءٌ لِلْبَصِيرِ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَذْهَبُ

بِالْبَلْغَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يُشَدُّ الطَّعَامَ، وَ تَفْرُحُ بِهِ

الْمَلَائِكَةُ. [۸۵۶]

۶۲۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: الطَّهَارَاتُ أَرْبَعٌ: قَصُّ الشَّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ، وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَرِ، وَ السُّوَاكِ. [۸۵۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۵

۶۲۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مسواک زدن، دوازده ویژگی است: مایه پاکی دهان است؛ سبب خشنودی پروردگار است؛

دندان‌ها را سفید می‌کند؛ جرم دندان را از میان می‌برد؛ بلغم را می‌کاهد؛ غذا را مطبوع می‌سازد؛ حسنات را دو چندان می‌کند؛ به

واسطه آن، سنت انجام می‌گیرد؛ فرشتگان بدین وسیله حضور می‌یابند؛ لثه را تقویت می‌کند؛ بر گذرگاه قرآن می‌گذرد و نزد

خداوند، هر دو رکعت نماز با مسواک، دوست داشتنی‌تر از هفتاد رکعت بی‌مسواک است.

۶۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در مسواک زدن، ده ویژگی است: دهان را خوش بو می‌کند؛ لثه را استحکام می‌بخشد؛ بلغم را

می‌برد؛ دیده را جلا می‌دهد؛ جرم دندان را از میان می‌برد؛ معده را سامان می‌بخشد؛ با سنت سازگار است؛ فرشتگان را شاد

می‌کند؛ پروردگار را خرسند می‌سازد؛ و بر حسنات، می‌افزاید.

۶۲۲. امام صادق علیه السلام: در مسواک زدن، دوازده ویژگی است: از سنت است؛ مایه پاکیزگی دهان است؛ مایه جلای دیدگان

است؛ پروردگار را خشنود می‌کند؛ بلغم را می‌برد؛ حافظه را افزون می‌سازد؛ دندان‌ها را سفید می‌کند؛ حسنات را دو چندان می‌کند؛ جرم دندان را می‌برد؛ لثه را استحکام می‌دهد؛ غذا را مطبوع می‌سازد؛ و فرشتگان، بدان شاد می‌شوند.

۶۲۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پاکیزگی‌ها، چهار چیز است: کوتاه کردن سیبل، تراشیدن موی زهار، گرفتن ناخن‌ها، و مسواک زدن.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۶

۶۲۴. الإمام علی علیه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ الْبَلْغَمَ وَيَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ: السُّوَاكُ، وَالصَّوْمُ، وَقِرَاءَةُ الْقُرْآنِ. [۸۵۸]

۶۲۵. الإمام الصادق علیه السلام: ثَلَاثٌ يُذْهِبْنَ النَّسِيَانَ وَيُحْدِثْنَ الذُّكْرَ: قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ، وَالسُّوَاكُ، وَالصَّيَامُ. [۸۵۹]

د آداب الاستیاء

۶۲۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: اَكْتَحِلُوا وَتَرَاءُ، وَاسْتَاكُوا عَرْضًا. [۸۶۰]

۶۲۷. عنه صلی الله علیه و آله: اسْتَاكُوا عَرْضًا، وَلَا تَسْتَاكُوا طَوْلًا. [۸۶۱]

۶۲۸. مسند ابن حنبل عن أبي موسى: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَسْتَاكُ، وَهُوَ وَاضِعٌ طَرْفَ السُّوَاكِ عَلَى لِسَانِهِ يَسْتُنُّ إِلَى فَوْقِ. [۸۶۲]

۶۲۹. السنن الكبرى، عن ربيعة بن أكرم: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَاكُ عَرْضًا. [۸۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۷

۶۲۴. امام علی علیه السلام: سه چیز، بلغم را از میان می‌برد و حافظه را افزون می‌کند: مسواک زدن، روزه گرفتن و قرائت قرآن.

۶۲۵. امام صادق علیه السلام: سه چیز، فراموشی را از میان می‌برد و حافظه به بار می‌آورد [۸۶۴]: قرائت قرآن، مسواک زدن و روزه گرفتن.

د آداب مسواک زدن

۶۲۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به شمار دفعات فرد (یک روز در میان) سرمه بکشید و به عرض، مسواک بنزید.

۶۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به عرض، مسواک بنزید و به سمت طول [دهان، مسواک بنزید.

۶۲۸. مسند ابن حنبل به نقل از ابو موسی: بر پیامبر خدا وارد شدم، در حالی که مسواک می‌زد و سر مسواک را روی زبان، گذاشته بود و به سمت بالا، مسواک می‌کشید.

۶۲۹. السنن الكبرى به نقل از ربيعة بن أكرم: پیامبر خدا، به عرض، مسواک می‌زد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۸

۶۳۰. الكافي عن علي بن محمد رفعه: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَسْتَاكُ عَرْضًا. [۸۶۵]

۶۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ اسْتَاكَ فَلَيْتَمَضَّمْص. [۸۶۶]

ه ما يتبعني أن يستاك به

۶۳۲. مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... يَسْتَاكُ بِالْأَرَاكِ، أَمْرُهُ بِذَلِكَ جَبْرَتِيلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۸۶۷]

۶۳۳. المعجم الكبير عن أبي خيرة الصّباحي: كُنْتُ فِي الْوَفْدِ الَّذِينَ أَتَوْا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ... ثُمَّ أَمَرَ لَنَا بِأَرَاكِ، فَقَالَ:

استاكو بهذا. [۸۶۸]

۶۳۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ السُّوَاكِ الزَّيْتُونُ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ، يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَيَذْهَبُ بِالْحَفْرِ، هُوَ سِوَاكِي وَسِوَاكُ

الأنبياء قبلي. [۸۶۹]

۶۳۵. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ أَجْوَدَ مَا اسْتَكْتَبَ بِهِ لَيْفُ الْأَرَاكِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْأَسْنَانَ وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَشُدُّ اللَّثَّةَ وَيُسَنِّنُهَا، وَهُوَ نَافِعٌ مِنَ الْحَقْرِ إِذَا كَانَ بِاعْتِدَالٍ.

وَالْإِكْتَارُ مِنْهُ يُرِقُّ الْأَسْنَانَ وَيَزَعِزِعُهَا، وَيُضَعِفُ أَصُولَهَا فَمَنْ أَرَادَ حِفْظَ الْأَسْنَانِ فَلْيَأْخُذْ قَرْنَ الْإَيْلِ مُحَرِّقًا وَكَرْمَازَجًا وَسُعْدًا وَوَرْدًا وَسُبُلَ الطَّيْبِ وَحَبَّ الْأَثَلِ أَجْزَاءً سَوَاءً وَمِلْحًا أَنْدَرَانِيًّا رُبْعَ جُزْءٍ، فَيَدُقُّ الْجَمِيعَ نَاعِمًا وَيَسْتَنْ بِه؛ فَإِنَّهُ يُمَسِّكُ الْأَسْنَانَ وَيَحْفَظُ أَصُولَهَا مِنَ الْآفَاتِ الْعَارِضَةِ. وَمَنْ

أَرَادَ أَنْ يُبَيِّضَ أَسْنَانَهُ فَلْيَأْخُذْ جُزْءًا مِنْ مِلْحِ أَنْدَرَانِيٍّ وَمِثْلَهُ زَبَدَ الْبَحْرِ، فَيَسْحَقْهُمَا نَاعِمًا وَيَسْتَنْ بِهِ. [۸۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۷۹

۶۳۰. الكافي به نقل از علی بن محمد در حدیثی مرفوع: امیر مؤمنان، به عرض، مسواک می‌زد.

۶۳۱. امام صادق علیه السلام: هر کس مسواک می‌زند، پس از آن، دهان را شستشو دهد.

ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است

۶۳۲. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، به چوب اراک، مسواک می‌زد. جبرئیل، او را بدین کار، امر کرده بود.

۶۳۳. المعجم الكبير به نقل از ابو خیره صباحی: من همراه با هیئتی به حضور پیامبر خدا رسیده بودم... ایشان، دستور داد چوب اراکی برای ما آوردند و فرمود: «با این، مسواک بزنید».

۶۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو مسواکی است زیتون! از درختی خجسته که دهان را خوش بو می‌کند و جرم دندان را از میان می‌برد. این، مسواک من و پیامبران پیش از من است.

۶۳۵. امام رضا علیه السلام: مرغوب‌ترین چیزی که با آن مسواک می‌زنید، تارچه اراک است؛ چرا که چنانچه به اندازه باشد، دندان‌ها را جلا می‌دهد، بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را تقویت می‌کند و مالش می‌دهد و در برابر پوسیدگی، مفید است. اما انجام فراوان‌تر از اندازه آن، دندان‌ها را نازک و لثه می‌کند و بُنِ آن را نیز سست می‌کند.

هر کس می‌خواهد که دندان‌های خویش را حفظ کند، اندازه‌هایی برابر از سوخته شاخ بُزِ نَرِ کوهی، گزمازک، [۸۷۱] مُشکک [۸۷۲] گل، سنبل رومی، [۸۷۳] حَبِّ الْأَثَلِ (احتمالاً نوعی دیگر از گزمازک) و به یک چهارم این مقدار، نمک اندرانی [۸۷۴] بردارد و همه را نرم آرد کند و با این مخلوط، مسواک بزند؛ چرا که این مسواک، دندان‌ها را محکم می‌سازد و از بُنِ دندان‌ها در برابر آفت‌هایی که بر آنها عارض می‌شود، حفاظت می‌کند.

هر کس هم می‌خواهد دندان‌هایش سفید شود، قدری نمک اندرانی، و به همان اندازه کف دریا، بردارد و نرم بساید و با آن، مسواک بزند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۰

۶۳۶. دعائم الإسلام: إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنِ السُّوَاكِ بِالْقَصْبِ، وَالرَّيْحَانِ، وَالرُّمْيَانِ، وَقَالَ: إِنَّ ذَلِكَ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۸۷۵]

و سِيرَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي اسْتِعْمَالِ السُّوَاكِ

۶۳۷. المعجم الكبير عن زيد بن خالد الجهني: ما كان رسول الله صلى الله عليه وآله يخرج من شيءٍ لشيءٍ من الصَّلواتِ حَتَّى يَسْتَاك. [۸۷۶]

۶۳۸. مکارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: مَرَّةً قَبْلَ نَوْمِهِ، وَ مَرَّةً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وَرْدِهِ، وَ مَرَّةً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاةِ الصُّبْحِ. [۸۷۷]

۶۳۹. کتاب من لا- يحضره الفقيه: رَوَى مُعَمَّرُ بْنُ خَلْمَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ وَهُوَ بِخُرَاسَانَ إِذَا صَيَّأَ الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مِصْمَلَاهُ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ، ثُمَّ يُؤْتَى بِخَرِيطَةٍ فِيهَا مَسَاوِيكُ فَيَسْتَاكُ بِهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، ثُمَّ يُؤْتَى بِكُنْدُرٍ فَيَمِضُ غُهُ، ثُمَّ يَدْعُ ذَلِكَ فَيُؤْتَى بِالْمُصْحَفِ فَيَقْرَأُ فِيهِ. [۸۷۸]

۶۴۰. کتاب من لا يحضره الفقيه: تَرَكَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ السُّوَاكَ قَبْلَ أَنْ يُقْبِضَ بِسَتَيْنِ؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَسْنَانَهُ ضَعُفَتْ. [۸۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۱

۶۳۶. دعائم الإسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله، از مسواک زدن با نی، [ساقه ریحان و انار، نهی کرد و فرمود: «این چیزها، رگ جذام را فعال می کنند».

و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک

۶۳۷. المعجم الكبير به نقل از زید بن خالد جُهَنِي: پیامبر خدا، از هیچ نمازی به نماز دیگر در نمی آمد، مگر آن که [در این فاصله مسواک می زد.

۶۳۸. مکارم الأخلاق: پیامبر صلی الله علیه و آله، هر شب سه بار مسواک می زد: یک بار پیش از خفتن، یک بار هنگامی که از خواب بر می خاست و آهنگ نیاش شبانه داشت، و یک بار هم پیش از آن که روانه نماز صبح شود.

۶۳۹. کتاب من لا- يحضره الفقيه: معمر بن خَلْمَاد، درباره امام رضا علیه السلام روایت کرده و گفته است: او، در روزگاری که در خراسان بود، پس از گزاردن نماز صبح تا طلوع خورشید، در جای نماز خویش می نشست. سپس خلیطه ای را که در آن چند مسواک بود، می آوردند و او با آنها، یک به یک، مسواک می زد. سپس، قدری کُنْدُر می آوردند و آن را می جَوید. آن گاه، این کار را او می گذاشت و نزد وی قرآنی می آوردند و از آن، می خواند.

۶۴۰. کتاب من لا يحضره الفقيه: امام صادق علیه السلام، دو سال پیش از وفات، مسواک زدن را وا نهاد؛ چرا که دندان هایش سست شده بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۲

ز أدنى السُّوَاكِ

۶۴۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: الأَصَابِعُ تَجْرِي مَجْرَى السُّوَاكِ، إِذْ لَمْ يَكُنْ سِوَاكُ. [۸۸۰]

۶۴۲. عنه صلی الله علیه و آله: تَجْرِي مِنَ السُّوَاكِ الأَصَابِعُ. [۸۸۱]

۶۴۳. الإمام الباقر علیه السلام: أدنى السُّوَاكِ أَنْ تَدْلِكَ بِإِصْبَعِكَ. [۸۸۲]

۴۲ / ۶

مَا يُطَيَّبُ الْفَمَ

أَلِ الزَّبِيْبِ

۶۴۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: نِعَمَ الطَّعَامِ الزَّبِيْبُ؛ يَشُدُّ العَصَبَ، وَ يَذْهَبُ بِالْوَصْبِ، وَ يُطْفِئُ العَصَبَ، وَ يُرَضِّي الرِّبَّ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَ يُطَيَّبُ النِّكْهَةَ، وَ يُصْفِي اللُّوْنَ. [۸۸۳]

بِ الْجُبْنِ

۶۴۵. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ اللُّقْمَةِ الْجُبْنِ؛ تُعَذِّبُ الْفَمَ، وَ تُطَيَّبُ النِّكْهَةَ، وَ تَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَ تُشَهِّي الطَّعَامَ. [۸۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۳

ز حد اقل مسواک

۶۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر مسواکی نباشد، انگشتان نیز در حکم مسواک‌اند.
۶۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انگشتان هم به جای مسواک، بسنده‌اند.
۶۴۳. امام باقر علیه السلام: کمترین مسواک، آن است که با انگشت خویش، مالش دهی.

۶/۲ آنچه دهان را خوش‌بو می‌کند

الف مویز

۶۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مویز، چه نیکو خوراکی است! پی را استحکام می‌بخشد، بیماری را از میان می‌برد، خشم را فرو می‌نشاند، پروردگار را خشنود می‌سازد، بلغم را می‌برد، بوی دهان را خوش می‌سازد و رنگ را صفا می‌دهد.

ب پنیر

۶۴۵. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه‌ای است پنیر! دهان را تر و تازه می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، غذای پیشین را هضم می‌کند و غذا را مطبوع می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۴

ج البصل

۶۴۶. الکافی عن عبد الله بن محمد الجعفی: ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْبَصْلَ، فَقَالَ:

يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ، وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۸۸۵]

د الحوك

۶۴۷. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَ خِصَالٍ: يُمَرِّئُ، وَيَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَيُطَيِّبُ الْجُشَاءَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيُشَهِّي الطَّعَامَ... [۸۸۶]

۶۴۸. الکافی عن أيوب بن نوح: حَدَّثَنِي مَنْ حَضَرَ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَائِدَةَ فَدَعَا بِالْبَاذِرُوجِ وَقَالَ: إِنِّي أَحِبُّ أَنْ أَسْتَفْتِحَ بِهِ الطَّعَامَ؛ فَإِنَّهُ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَيُشَهِّي الطَّعَامَ... اخْتِمَ طَعَامَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُمَرِّئُ مَا قَبْلُ كَمَا يُشَهِّي مَا بَعْدُ، وَيَذْهَبُ بِالثَّقَلِ، وَيُطَيِّبُ الْجُشَاءَ وَ النَّكْهَةَ. [۸۸۷]

راجع: ص ۱۹۶ (الباذرودج [الحوك]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۵

ج پیاز

۶۴۶. الکافی به نقل از عبد الله بن محمد جعفی: امام صادق علیه السلام، از پیاز یاد کرد و فرمود: «بوی دهان را خوش می‌سازد، بلغم را می‌برد و بر توان آمیزش می‌افزاید».

د حوک

۶۴۷. امام صادق علیه السلام: حَوْكُ (بَاذِرُوجِ)، سَبْزِي پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: هضم‌کننده است؛ گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید؛ آروغ را خوش‌بو می‌سازد؛ دهان را بوی خوش می‌بخشد؛ اشتها آور است... [۸۸۸]

۶۴۸. الکافی به نقل از ایوب بن نوح: یکی از کسانی که با ابو الحسن اول (امام کاظم علیه السلام) بر سر سفره‌ای حضور یافته بود، برایم نقل کرد که ایشان، بادروج خواست و فرمود: «دوست دارم غذا را با آن آغاز کنم. انسدادها را باز می‌کند، غذا را دوست داشتنی می‌سازد و... غذای خویش را با آن، پایان ده؛ زیرا آنچه را پیش تر بوده، گوارش می‌دهد و آنچه را پس از آن خواهد بود، دوست داشتنی می‌سازد، سنگینی را از میان می‌برد و بوی آروغ و بوی دهان را خوش می‌سازد».[۸۸۹]

ر. ک: ص ۱۹۷ (بادروج [/ حوک]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۶
ه الكراثُ

۶۴۹. الکافی عن فرات بن أحنف: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ... [۸۹۰]

و السُّعْدُ

۶۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخِذُوا فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۸۹۱]

راجع: ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۶۳۵.

ج ۲، ص ۳۳۶، ح ۱۷۶۰ و ۱۷۶۱.

ز مَضْعُ اللَّبَانِ

۶۵۱. الإمام علي عليه السلام: مَضْعُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَ يَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَ يَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ. [۸۹۲]

ح السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ

۶۵۲. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: أَرْبَعُهُ أَشْيَاءُ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَنْفَعَنَ وَ لَا يَضُرُّنَ، فَسُئِلَ عَنْهُنَّ فَقَالَ: السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا... يَطْرُدَانِ الرِّيَّاحَ مِنَ الْفَوَادِ، وَ يَفْتَحَانِ السُّدَدَ،

وَ يُحْرِقَانِ الْبَلْغَمَ، وَ يُدْرَانِ الْمَاءَ، وَ يُطَيِّبَانِ النَّكْهَةَ، وَ يُلَيِّنَانِ الْمَعْدَةَ، وَ يُذْهِبَانِ الرِّيَّاحَ الْخَبِيثَةَ مِنَ الْفَمِ، وَ يُصَلِّبَانِ الذِّكْرَ. [۸۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۷

ه تَرَهُ

۶۴۹. الکافی به نقل از فرات بن احنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد...».[۸۹۴]

و مشك

۶۵۰. امام صادق علیه السلام: مُشَكُّكَ رَالَابَهُ لَای دَنَدَانِ هَی خَوِیْش كَنِیْد؛ چَرا كِه دِهَان رَا خَوِش بُو مِی كِنْد وَ بَر تَوَان هَمبَسْتَرِی مِی اَفزاید.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۹ ح ۶۳۵ ج ۲، ص ۳۳۷ ح ۱۷۶۰ و ۱۷۶۱.

ز جویدن كُنْدَر

۶۵۱. امام علی علیه السلام: جَوِیْدَن كُنْدَر، دَنَدَانِ هَا رَا اسْتَحْكَام مِی دِهْد، بَلْغَم رَا مِی رَا نْد وَ بُوِی [بَد] دِهَان رَا مِی بَرْد.

۶۵۲. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «چهار چیز است که دیده را جلا می‌دهد و سود دارد و زیانی نمی‌آورد». درباره آنها از او پرسیدند.

فرمود: «آویشن و نمک که چون در بر هم قرار گیرند... بادها را از دل برون می‌رانند، انسداد را می‌کشایند، بلغم را می‌سوزانند، آب را [در بدن

به جریان در آورند، بوی دهان را خوش می‌سازند، معده را نرمی می‌دهند، بوهای بد را از دهان ببرند و آلت را سفتی می‌بخشند». [۸۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۸

ط الكحلُّ

۶۵۳. الإمام الصادق علیه السلام: الكحلُّ يُعَذِّبُ الفمَّ. [۸۹۶]

۶۵۴. عنه علیه السلام: الكحلُّ باللیلِ یطیبُ الفمَّ، و منفعتهُ إلى أربعین صباحاً. [۸۹۷]

۶۵۵. مکارم الأخلاق عن الإمام الصادق علیه السلام: علیکم بالكحلِّ؛ فَإِنَّهُ یطیبُ الفمَّ، و علیکم بالسواک؛ فَإِنَّهُ یجلو البصرَ.

قال [الزّاوی]: کیف هذا؟ قال: لَأَنَّهُ إِذَا استاکَ نَزَلَ البلغمُ فجلا البصرَ، و إِذَا اکتحلَّ ذَهَبَ البلغمُ فَطیبَ الفمَّ. [۸۹۸]

۶۵۶. الإمام الصادق علیه السلام: الكحلُّ ینبِتُ الشَّعرَ، و یجفِّفُ الدَّمْعَ، و یُعَذِّبُ الرِّیقَ، و یجلو البصرَ. [۸۹۹]

۶۵۷. الإمام الباقر علیه السلام: الاکتحالُ بالایمِدِ یطیبُ النِّکَهَ، و یشدُّ أشفَارَ العینِ. [۹۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۸۹

ط. سرمه کشیدن

۶۵۳. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن، دهان را تر و تازه می‌کند.

۶۵۴. امام صادق علیه السلام: سرمه کشیدن در هنگام شب، دهان را خوش بو می‌کند و منفعت آن تا چهل روز، استمرار می‌یابد.

۶۵۵. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «بر شما باد سرمه، که دهان را خوش بو می‌کند؛ و بر شما باد مسواک، که دیده را جلا می‌دهد».

[راوی پرسید: چگونه؟]

فرمود: «زیرا چون مسواک زند، بلغم فرو نشیند و در پی آن، دیده جلا یابد؛ و چون سرمه کشد، بلغم برود و دهان، خوش بو شود».

۶۵۶. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو را می‌رویاند، اشک‌ریزش را می‌خشکاند، آب دهان را گوارا می‌سازد و دیده را جلا می‌دهد.

۶۵۷. امام باقر علیه السلام: سرمه کشیدن به ائمه، بوی را خوش می‌سازد و مژه‌گاه‌ها را استحکام می‌بخشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۰

ی الخضابُ

۶۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: نَفَقَةُ دِرْهَمٍ فِی الخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ دِرْهَمٍ فِی سَبِيلِ اللَّهِ، إِنَّ فِیهِ أَرْبَعُ عَشْرَةَ حَصلَةً: یطرُدُ الرِّیحَ مِنَ الأذُنِینِ، و یجلو الغشاءَ عَنِ البصرِ، و یلینُ الخِیاشِیمَ، و یطیبُ النِّکَهَ، و یشدُّ اللُّثَّةَ، و یدهبُ بالغِشیانِ، و یقلُّ وَسْوَسةَ الشَّیطانِ، و تفرِّحُ بِهِ الملائِکَةُ، و یستبشِرُ بِهِ المؤمنُ، و یغیظُ بِهِ الکافرُ، و هُوَ زینَةٌ، و هُوَ طیبٌ، و براءةٌ فی قَبْرِهٖ، و یستحیی مِنْهُ مُنْکَرٌ و نَکیرٌ. [۹۰۱]

۶۵۹. الإمام الصادق عليه السلام: الحِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهَكِ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [۹۰۲]

ك الماء الفاتر

۶۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلُوءٍ يُفِطِرُ عَلَيْهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فُسَيْكِرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعُوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَاتِرٌ، وَ كَانَ يَقُولُ: يُنْقَى الْمَعِدَةُ وَ الْكَبِدُ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ الْفَمَ، وَ يَقْوَى الْأَضْرَاسَ.... [۹۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۱

ی خضاب کردن

۶۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خرج کردن یک درهم برای خضاب، برتر از خرج کردن یک درهم در راه خداست. در خضاب کردن، چهارده خاصیت است: باد (یا بو) را از گوش‌ها می‌برد، تیرگی را از چشمان می‌گیرد، دیده را جلا می‌دهد، حفره‌های بینی را نرم می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌دهد، حالت غش را از [۹۰۴] بین می‌برد، از وسوسه شیطان می‌کاهد، فرشتگان از آن شادمان می‌شوند، مؤمن از آن خرسند می‌گردد، کافر از آن به خشم می‌آید، زینت است، عطر است، برائتی در قبر است، و منکر و نکیر از آن شرم می‌کنند.

۶۵۹. امام صادق علیه السلام: حنا کردن، بدبویی عرق را از میان می‌برد، بر طراوت و تازگی چهره می‌افزاید، بوی دهان را خوش می‌سازد و فرزند را نکو می‌کند.

ک آب نیم گرم (ولرم)

۶۶۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا به هنگام افطار با حلوایی آغاز می‌کرد و بدان، روزه می‌گشود. اگر حلوا نمی‌یافت، با شکرینه‌ای دیگر یا چند دانه خرما، و اگر این نیز یافت نمی‌شد، با آب نیم گرم. آن گاه می‌فرمود: «معدة و جگر را پاک می‌کند، دهان را خوش بو می‌سازد و دندان‌ها را تقویت می‌کند...». [۹۰۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۲

۵۲/۶

مَا يَشُدُّ الْفَمَ وَاللِّثَةَ

أَخْلُ الْخَمْرِ

۶۶۱. الإمام الصادق عليه السلام وَ ذُكِرَ عِنْدَهُ حَلُّ الْخَمْرِ فَقَالَ: إِنَّهُ لَيَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَ يَشُدُّ الْفَمَ. [۹۰۶]

۶۶۲. عنه عليه السلام: حَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَةَ، وَ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبَطْنِ، وَ يَشُدُّ الْعَقْلَ. [۹۰۷]

۶۶۳. الإمام الكاظم عليه السلام: حَلُّ الْخَمْرِ يَشُدُّ اللَّثَةَ. [۹۰۸]

راجع: ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱۶۹۳، و ص ۳۰۴، ح ۱۶۹۴.

ب البصل

۶۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ حِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ اللَّثَةَ، وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ الْجِمَاعِ. [۹۰۹]

۶۲/۶

مَا يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ

أَمْضَغُ الْعَلِكِ

۶۶۵. الكافي عن محمد بن مسلم: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَمْضَغُ عَلِكًا، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ،

نَقَضَتِ الْوَسْمَةَ أَضْرَاسِي فَمَضَعَتْ هَذَا الْعَلَكُ لِأَشُدَّهَا.

قال: و كانت استرخت، فشدّها بالذهب. [۹۱۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۳

۶ / ۵ آنچه دهان و لثه را استحکام می دهد

الف سرکه شراب

۶۶۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که نزد ایشان از سرکه شراب یاد شد: آن، جنبندگان شکم را می کشد و دهان را استحکام می دهد.

۶۶۲. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند، جنبندگان شکم را می کشد و عقل را نیز نیرو می بخشد. [۹۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۳۹۳

۶۶۳. امام کاظم علیه السلام: سرکه شراب، لثه را تقویت می کند.

ر. ک: ج ۲ ص ۳۰۳، (خواص سرکه، ح ۱۶۹۳ و ص ۳۰۵، ح ۱۶۹۵).

ب پیاز

۶۶۴. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می سازد، لثه را نیرو می بخشد، و آب و توان آمیزش را افزون می کند.

۶ / ۶ آنچه دندانها را تقویت می کند

الف جویدن سقز

۶۶۵. الکافی به نقل از محمد بن سلم: امام باقر علیه السلام را دیدم که سقز می جوید. او فرمود: «ای محمد! وسمه، [۹۱۲] پایه

دندانهایم را سست کرده است. این سقز

را می جوم تا آنها را استحکام ببخشم».

راوی می گوید: دندانهای حضرت، سست شده بود و وی، آنها را با طلا بسته بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۴

ب مضغ اللبان

۶۶۶. الإمام علی علیه السلام: مَضَغُ اللَّبَانِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ، وَ يَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَ يَذْهَبُ بِرِيحِ الْفَمِ. [۹۱۳]

ج التمشيط

۶۶۷. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَشْطُ لِلْحَيَةِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ. [۹۱۴]

۶۶۸. عنه علیه السلام: تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَ تَسْرِيحُ الْحَاجِبِينَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ تَسْرِيحُ الْعَارِضِينَ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ. [۹۱۵]

د الاستياك ببعض المرکبات

۶۶۹. طب الأئمة عن خالد القمّاط: أملى عَلِيٌّ عَلَيَّ بِنُ مُوسَى الرضا عليهما السلام هذه الأدوية للبلغم.

قال: تَأْخُذُ إِهْلِيَجَ أَصْفَرَ وَزْنَ مِثْقَالٍ، وَ مِثْقَالَيْنِ خَرْدَلٍ، وَ مِثْقَالَ عَاقِرِ قِرْحَا، فَتَسْحَقُهُ سَيِّحَقًا نَاعِمًا وَ تَسْتَاكُّ بِهِ عَلَي الرِّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْبَلْغَمَ، وَ يُطَيِّبُ النِّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [٩١٦]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٩٥

ب جویدن کُنْدَر

٦٦٦. امام علی علیه السلام: جویدن کُنْدَر، دندان‌ها را استحکام می‌دهد، بلغم را می‌راند و بوی [بد] دهان را می‌برد.

ج شانه زدن

٦٦٧. امام صادق علیه السلام: شانه زدن ریش، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد.

٦٦٨. امام صادق علیه السلام: شانه کردن موی سر، بلغم را از میان می‌برد، شانه زدن ابروها، ایمنی از جذام است و شانه زدن موی گونه‌ها، دندان‌ها را استحکام می‌دهد.

د. مسواک زدن با برخی از ترکیب‌ها

٦٦٩. طَبُّ الْأَنْثِيَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به نقل از خالد قَمَاط: علی بن موسی الرضا علیه السلام، این داروها را برای بلغم به من املا کرد و فرمود: «به وزن یک مثقال هلیله زرد، دو مثقال خَرْدَل [٩١٧] و یک مثقال آککرا [٩١٨] بر می‌داری و همه را نرم می‌سایبی و ناشتا با آن مسواک می‌زنی. به خواست خداوند، بلغم را می‌زداید، بوی دهان را خوش می‌سازد و دندان‌ها را استحکام می‌بخشد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٣٩٦

٣ / ٦

بَعْضُ مَا يُسَبِّبُ أَمْرَاضَ الْفَمِّ وَالْأَسْنَانِ

٦٧٠. الإمام علی علیه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله... عَنِ السَّوَاكِ فِي الْحَمَامِ. [٩١٩]

٦٧١. الإمام الصادق علیه السلام: إِيَّاكَ وَ السَّوَاكَ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ وَ بَاءَ الْأَسْنَانِ. [٩٢٠]

٦٧٢. الإمام الكاظم علیه السلام: السَّوَاكُ فِي الْخَلَاءِ يورِثُ الْبَخْرَ. [٩٢١]

٦٧٣. الإمام الرضا علیه السلام: شَرِبْتُ الْمَاءَ الْبَارِدَ عَقِيبَ الشَّيْءِ الْحَارِّ وَ عَقِيبَ الْحَلَاوَةِ؛ يَذْهَبُ بِالْأَسْنَانِ...

وَ مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَفْسُدَ أَسْنَانُهُ فَلَا يَأْكُلْ حُلُوًّا إِلَّا أَكَلَ بَعْدَهُ كَسْرَةَ خَبِزٍ [٩٢٢]. [٩٢٣]

راجع: ج ٢، ص ٤٨٦ (لحم السمك / النهي عن الجمع بين البيض و السمك).

٤ / ٦

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَوْجَاعِ الْفَمِّ

٦٧٤. الإمام الكاظم علیه السلام: لَوْجِعِ الْفَمِّ وَ الدَّمِ الَّذِي يَخْرُجُ مِنَ الْأَسْنَانِ، وَ الضَّرْبَانِ وَ الْحُمْرَةِ الَّتِي تَقَعُ فِي الْفَمِّ: تَأْخُذُ حَنْظَلَةً رَطْبَةً قَدْ أَصْفَرَتْ فَتَجْعَلُ عَلَيْهَا قَالِبًا مِنْ طِينٍ، ثُمَّ تَتَّقُبُ رَأْسَهَا وَ تُدْخِلُ سَيِّكِنًا جَوْفَهَا فَتَحْكُ جَوَانِبَهَا بِرَفِقٍ، ثُمَّ تُصَبُّ عَلَيْهَا حَلَّ تَمْرٍ حَامِضًا شَدِيدَ الْحُمُوضَةِ، ثُمَّ تَضَعُهَا عَلَى النَّارِ فَتَغْلِيهَا غَلِيَانًا شَدِيدًا.

ثُمَّ يَأْخُذُ صَاحِبُهُ مِنْهُ كُلَّمَا احْتَمَلَ ظَفْرَهُ فَيَدْلُكُ بِهِ فِيهِ وَ يَتَمَضَّمُ بِحَلٍّ، وَ إِنْ أَحَبَّ أَنْ يُحَوَّلَ مَا فِي الْحَنْظَلَةِ فِي زُجَاجَةٍ أَوْ بَسْتَوْقَةٍ فَعَلَّ، وَ كُلَّمَا فَنِيَ خَلُّهُ أَعَادَ مَكَانَهُ، وَ كُلَّمَا عَتَقَ كَانَ خَيْرًا لَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [٩٢٤]

۳/۶ برخی از عوامل بیماری‌های دهان و دندان

۶۷۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از مسواک زدن در حَمَام، نهی فرمود.
۶۷۱. امام صادق علیه السلام: از مسواک زدن در حَمَام، حذر کن؛ چرا که وبای دندان‌ها را در پی می‌آورد.
۶۷۲. امام کاظم علیه السلام: مسواک زدن در آبریزگاه، بد بویی دهان را در پی می‌آورد.
۶۷۳. امام رضا علیه السلام: نوشیدن آب سرد در پی چیزهای گرم و نیز در پی شیرینی، دندان‌ها را از میان می‌برد... هر کس می‌خواهد دندان‌هایش فاسد نشود، حتماً هر گاه شیرینی می‌خورد، پس از آن؛ قطعه نانی نیز بخورد. [۹۲۵]
- ر. ک: ج ۲، ص ۴۸۷ (گوشت ماهی / نهی از خوردن تخم مرغ و ماهی با همدیگر).

۴/۶ آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است

۶۷۴. امام کاظم علیه السلام: برای درد دهان و خونی که از لابه‌لای دندان‌ها بیرون می‌آید و نیز درمان شدت درد و سرخه‌ای که در دهان رُخ می‌نماید، یک تلخک تازه که زرد شده باشد، بر می‌داری، قالبی از گِل بر آن می‌گذاری، سپس سر آن را سوراخ می‌کنی و چاقویی به درونش می‌بری و آرام، اطراف آن را از داخل می‌تراشی. آن‌گاه، قدری سرکه خرمای بسیار ترش، روی آن می‌ریزی و سپس، همه را روی آتش می‌گذاری و کاملاً می‌جوشانی.
- پس از آن، به قدر گنجایش یک ناخن، از این ترکیب بر می‌دارد و دهانش را با آن مالش می‌دهد و سپس، سرکه را در دهان می‌چرخاند. اگر هم دوست داشته باشد که آنچه را درون تلخک هست، در شیشه یا روغن دانی جای دهد، می‌تواند این کار را بکند. هر گاه هم سرکه موجود در این ترکیب از میان برود، آن را جایگزین کند. هر اندازه هم این ترکیب کهنه‌تر باشد، به خواست خداوند، برای شخص بهتر است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۸

۶۷۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام عن عبد الله بن عبد الرحمن المعروف بالصفوانی: قَدْ خَرَجَتْ قَافِلَةٌ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى كِرْمَانَ، فَقَطَعَ اللَّصُوصُ عَلَيْهِمُ الطَّرِيقَ وَأَخَذُوا مِنْهُمْ رَجُلًا أَتْهَمُوهُ بِكَرْتِهِ الْمَالِ، فَبَقِيَ فِي أَيْدِيهِمْ مُدَّةً يُعَذِّبُونَهُ لِيَفْتَدِيَ مِنْهُمْ نَفْسَهُ، وَأَقَامُوهُ فِي التَّلْحِجِ، وَمَلَّوْا فَاهُ مِنْ ذَلِكَ التَّلْحِجِ فَشَدَّوهُ، فَرَحِمَتْهُ امْرَأَةٌ مِنْ نِسَائِهِمْ فَأَطْلَقَتْهُ وَهَرَبَ، فَانْفَسَدَ فَمَهُ وَ لِسَانَهُ حَتَّى لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْكَلَامِ.
- ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى خُرَاسَانَ وَسَجَّعَ بِخَبْرِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامَ وَأَنَّهُ بِنِسَابُورَ، فَرَأَى فِيهَا يَرَى النَّائِمَ كَأَنَّ قَائِلًا يَقُولُ لَهُ: إِنَّ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ قَدْ وَرَدَ خُرَاسَانَ فَسَلِّهِ عَن عِلَّتِكَ، فَرُبَّمَا يُعَلِّمُكَ دَوَاءً تَنْتَفِعُ بِهِ.
- قَالَ: فَرَأَيْتُ كَأَنِّي قَدْ قَصَدْتُهِ عَلَيْهِ السَّلَامَ وَ شَكُوتُ إِلَيْهِ مَا كُنْتُ دُفِعْتُ إِلَيْهِ [۹۲۶] وَ أَخْبَرْتُهُ بِعِلَّتِي، فَقَالَ لِي: خُذْ مِنَ الْكَمُونِ وَ السَّعْتَرِ وَ الْمِلْحِ وَ دُقَّهُ، وَ خُذْ مِنْهُ فِي فَمِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، فَإِنَّكَ تُعَافَى.
- فَأَنْتَبَهَ الرَّجُلُ مِنْ مَنَامِهِ، وَ لَمْ يُفَكِّرْ فِيهَا كَأَنَّ رَأَى فِي مَنَامِهِ وَلَا اعْتَدَّ بِهِ حَتَّى وَرَدَ بَابَ نِسَابُورَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامَ قَدْ ارْتَحَلَ مِنْ نِسَابُورَ وَ هُوَ بِرِبَاطِ سَعْدٍ، فَوَقَعَ فِي نَفْسِ الرَّجُلِ أَنْ يَقْضِدَهُ وَ يَصِفَ لَهُ أَمْرَهُ لِيَصِفَ لَهُ مَا يَنْتَفِعُ بِهِ مِنَ الدَّوَاءِ، فَصَدَّهُ إِلَى رِبَاطِ سَعْدٍ، فَدَخَلَ إِلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ:
- يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، كَانَ مِنْ أَمْرِي كَيْتٌ وَ كَيْتٌ، وَ قَبِدَ انْفَسِدَ عَلَيَّ فَمِي وَ لِسَانِي، حَتَّى لَا أَقْدِرَ عَلَى الْكَلَامِ إِلَّا بِجُهْدٍ، فَعَلَّمَنِي دَوَاءً أَنْتَفِعُ بِهِ.

فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: أ لَمْ أَعْلَمَكَ؟! اذْهَبْ فَاسْتَعْمِلْ مَا وَصَفْتَهُ لَكَ فِي مَنَامِكَ.

فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، إِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعِيدَهُ عَلَيَّ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِي: خُذْ مِنَ الْكَمُونِ وَالسَّعْتَرِ وَالْمِلْحِ قَدْفَةً وَخُذْ مِنْهُ فِي فَمِكَ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثًا، فَإِنَّكَ سَتُعَافَى.

قَالَ الرَّجُلُ: فَاسْتَعْمَلْتُ مَا وَصَفَ لِي، فَعُوِفْتُ. [۹۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۳۹۹

۶۷۵. عیون أخبار الرضا علیه السلام به نقل از عبد الله بن عبد الرحمن، معروف به صفوانی: کاروانی از خراسان، روانه کرمان شد. دزدان به راهزنی آنان آمدند و مردی از میان آنها را که به فراوانی ثروت وی گمان داشتند، در اختیار گرفتند. او مدتی در چنگال آنان بود و او را شکنجه می‌دادند تا خود را با دادن فدیهای از [دست آنان برهاند. آنها او را در میان یخ گذاردند و دهان وی را نیز از یخ، آکنند و بستند. در این هنگام، یکی از زنان همراه راهزنان، بر او دل سوزاند و او را آزاد کرد و وی نیز گریخت. اما پس از آن، دهان و زبان وی آسیبی سخت دید تا جایی که وی را توان سخن گفتن نبود.

پس از چندی به خراسان بازگشت. آنجا خبر علی بن موسی الرضا علیه السلام و این را که او در نیشابور است، شنید. پس در خواب دید که گویا کسی به وی می‌گوید: «پسر پیامبر خدا، وارد خراسان شده است. از او درباره بیماریات پیرس. شاید درمانی به تو تعلیم دهد که بدان، سود بری».

راوی می‌گوید: جان شخص گفت: در عالم رؤیای دیدم که گویا آهنگ او کردم و مشکلی را که بدان گرفتار آمده بودم، نزد وی اظهار ساختم و او را از بیماری خویش، آگاهاندم و او نیز به من فرمود: «قدری زیره و آویشن و نمک، بردار و آرد کن و دو یا سه بار از آن در دهان خود نگه دار. بهبود خواهی یافت».

مرد از خواب بیدار شد. نه در آنچه در خواب دیده بود، اندیشید و نه بدان اعتنایی کرد تا هنگامی که به دروازه نیشابور رسید. در این هنگام به او گفتند: علی بن موسی الرضا علیه السلام از نیشابور، بار سفر بسته و اکنون در رباط سعد است. در دل آن مرد، چنین افتاد که آهنگ وی کند و [بیماری خویش را برای او بیان دارد تا وی نیز دارویی سودمند برایش نسخه کند.

بدین‌سان، آهنگ وی در رباط سعد کرد. بر او وارد شد و به وی گفت: ای پسر پیامبر خدا! ماجرای من چنین و چنان بود و اکنون، دهان و زبانم به سختی آسیب دیده است، به گونه‌ای که با دشواری بسیار می‌توانم سخن گویم. مرا دارویی تعلیم ده تا از آن سود ببرم.

امام رضا علیه السلام فرمود: «مگر تو را تعلیم ندادم؟ برو و آنچه را در خواب برایت نسخه کردم، به کار گیر».

آن مرد به امام علیه السلام گفت: ای پسر پیامبر خدا! اگر صلاح می‌دانی، آن را برایم تکرار کن.

فرمود: «قدری زیره و آویشن و نمک، بردار و آرد کن و دو یا سه بار از آن در دهان خود، نگه دار. بهبود خواهی یافت».

آن مرد گوید: آنچه را برایم نسخه کرده بود، استفاده کردم و بهبود یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۰

۵ / ۶

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ وَجَعِ الْأَسْنَانِ

۶۷۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْإِمَامِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: شَكَوْتُ إِلَيْهِ هَيْجَانًا فِي رَأْسِي وَأَضْرَاسِي وَضَرْبَانًا فِي عَيْنِي، حَتَّى تَوَرَّمْتُ وَجْهِي مِنْهُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِهَذَا الْهِنْدَبَاءِ فَأَعِصِرْهُ وَخُذْ مَاءَهُ وَصُبَّ عَلَيْهِ مِنْ هَذَا الشُّكْرِ الطَّبْرَزْدِ وَ أَكْثِرْ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُهُ وَيَدْفَعُ ضَرْرَهُ.

قَالَ: فَانصرفتُ إِلَى مَنْزِلِي فَعَالَجْتُهُ مِنْ لَيْلَتِي قَبْلَ أَنْ أَنَامَ وَ شَرِبْتُهُ وَ نِمْتُ عَلَيْهِ، فَأَصْبَحْتُ وَ قَدْ عُوِفْتُ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ مَنَّهُ. [۹۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۱

۶۷۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ، أَنَّ يَدْرُسَ، أَنَّ أَمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَزَدَ أَمَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ نَاآرَامِي سِرِّ وَدَنَدَانِ هَايِمٍ وَ مِنْ دَرْدِي شَدِيدٍ فِي عَيْنَيْهِ هَايِمٌ تَا جَايِي كِه صَوْرَتَم دَر اَثَرِ اَن وِرْم كَرْدِه بُوَد اَظْهَارِ نَارَا حَتِي كَرْدَم. فرمود: «بر تو باد این کاسنی. آن را بِقُشُرِّ و آبش را بگیری و از این شکر طَبْرَزْد، به مقدار فراوان، بر آن بریز؛ چرا که درد را تسکین دهد و ضرر آن را دفع کند».

من به خانه خود رفتم و همان شب، پیش از آن که بخوابم، این دارو را ساختم و خوردم و بر آن خوابیدم. صبح که شد، به حمد و مَنَّتِ الهی بهبود یافته بودم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۲

۶۷۷. الكافي عن حمزة بن الطيار: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَأَوْتُ أَتَاوَهُ، فَقَالَ: مَا لَكَ؟ قُلْتُ: ضَرَسِي.

فَقَالَ: لَوْ احْتَجَمْتَ!

فَاَحْتَجَمْتُ فَسَكَنَ، فَأَعْلَمْتُهُ.

فَقَالَ لِي: مَا تَدَاوَى النَّاسُ بِشَيْءٍ خَيْرٍ مِنْ مَصِّهِ دَمٍ، أَوْ مُرْعَةِ عَسَلٍ.

قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! مَا الْمُرْعَةُ عَسَلٍ؟

قَالَ: لَعَقَةُ عَسَلٍ. [۹۲۹]

۶۷۸. الكافي عن أبي ولاد: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْحِجْرِ وَهُوَ قَاعِدٌ وَمَعَهُ عِدَّةٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: ضَرَبْتَ عَلِيَّ أَسْنَانِي، فَأَخَذْتُ السُّعْدَ فَدَلَكْتُ بِهِ أَسْنَانِي، فَتَفَعَّنِي ذَلِكَ وَ سَكَنْتَ عَنِّي. [۹۳۰]

۶۷۹. الإمام الكاظم عليه السلام: ضَرَبْتَ عَلِيَّ أَسْنَانِي، فَجَعَلْتُ عَلَيْهَا السُّعْدَ. [۹۳۱]

۶۸۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثِ لِسَبْعِ عَشْرَةَ أَوْ تِسْعِ عَشْرَةَ أَوْ لِإِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ، كَانَتْ لَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا، وَ كَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ وَ الْأَصْرَاسِ وَ الْجُنُونِ وَ الْجُدَامِ وَ الْبَرَصِ. [۹۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۳

۶۷۷. الكافي به نقل از حمزه بن طيار: نزد امام کاظم علیه السلام بودم. دید که آه و ناله می‌کنم. فرمود: «تو را چه شده است؟».

گفتم: دندانم.

فرمود: «چه خوب بود حجامت می‌کردی!».

من نیز حجامت کردم و دردم، فرو نشست. امام علیه السلام را از این موضوع، آگاه کردم. به من فرمود: «مردم به هیچ دارویی بهتر از یک مکش خون یا یک "مرعه" عسل، درمان نجسته‌اند».

گفتم: فدایت شوم! یک "مرعه" عسل چیست؟

فرمود: «یک قاشق عسل».

۶۷۸. الكافي به نقل از ابو ولاد: امام کاظم علیه السلام را دیدم که در حجر اسماعیل [۹۳۳] نشسته است و شماری از خانواده وی نیز با اویند. از او شنیدم که می‌گفت: «دندان‌هایم دردی سخت گرفت. پس قدری مُشکک برداشتم و دندان‌های خویش را با آن، مالش دادم. این درمان، مرا سودمند افتاد و درد، فرو نشست».

۶۷۹. امام کاظم علیه السلام: دندان‌هایم دردی سخت گرفت. پس بر آنها مُشکک نهادم.

۶۸۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز سه‌شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه، حجامت کند، این حجامت برای وی شفای همه دردهای سال خواهد بود و افزون بر آن، شفای سردرد، دندان‌درد، دیوانگی، جذام و پیسی نیز خواهد بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۴

۶۸۱. عنه صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ وَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عَوْفَى مِنْ وَجَعِ الصُّرْسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ. [۹۳۴] ۶/۶

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَخْرِ

۶۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: السَّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ الْإِثْمُ يَذْهَبُ بِالْبَخْرِ. [۹۳۵]

۶۸۳. المحاسن عن محمد بن الحسن بن شَمُون: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا يَشْكُو الْبَخْرَ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ.

قَالَ: وَ كَتَبَ إِلَيْهِ آخَرُ يَشْكُو بَيْسًا، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ عَلَى الرِّيقِ وَ اشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ. فَفَعَلَ فَسَمِنَ وَ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الرُّطُوبَةُ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ يَشْكُو ذَلِكَ.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: كُلِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ عَلَى الرِّيقِ وَ لَا تَشْرَبْ عَلَيْهِ الْمَاءَ. فَاعْتَدَلَ. [۹۳۶]

۶۸۴. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَخْرِ، وَ يَشُدُّ الْفَمَ وَ الْعَظْمَ، وَ يُبَيِّتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ، وَ لَا يَحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۹۳۷]

راجع: ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۱۷۲۵.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۵

۶۸۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز پنج‌شنبه و شنبه ناخن‌های خود را کوتاه کند و قدری از سیبیل خود بگیرد، از دندان‌درد و سردرد، در امان باشد.

۶/۶ آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است

۶۸۲. امام صادق علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می‌دهد و سرمه، بوی بد دهان را می‌برد.

۶۸۳. المحاسن به نقل از محمد بن حسن بن شَمُون: برای امام کاظم علیه السلام چنین نوشتیم: یکی از شیعیان از بوی بد دهان، اظهار ناراحتی می‌کند. برای وی این گونه نوشت: «خرمای بَرْنِی بخور».

یکی دیگر برای وی نوشت و از خشکی مزاج، اظهار ناراحتی کرد. امام علیه السلام برای وی نوشت: «ناشتا، خرمای برنی بخور و بر روی آن نیز آب بنوش».

آن شخص، چنین کرد و از آن پس، چاق شد و رطوبت بر مزاج وی غلبه یافت.

دیگر بار به امام علیه السلام نوشت و از این پیشامد، اظهار ناراحتی کرد. برای وی نوشت: «ناشتا، خرمای برنی بخور؛ اما بر روی آن آب منوش». پس اعتدال یافت.

۶۸۴. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو بر می‌رویانند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۱۷ (خواص خوردن انار با پیه آن/ ح ۱۷۲۵).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۶

الإشارة إلى ما فيها من الحكمة

٦٨٥. الإمام الصادق عليه السلام للطبيب الهندي: كان الكبِدُ حِدْبَاءً لِيَتَقَلَّ المَعِدَةُ وَيَقَعَ جَمِيعُهَا عَلَيْهَا، فَيَعَصِرُهَا لِيُخْرِجَ مَا فِيهَا مِنَ البُخَارِ. [٩٣٨]

٦٨٦. عنه عليه السلام للمفضّل بن عُمَرَ: فَكَّرَ يَا مُفَضَّلُ فِي أَعْضَاءِ البَدَنِ أَجْمَعِ، وَتَدْبِيرِ كُلِّ مِنْهَا لِلإِبْر... الفَمِّ لِلإِعْدَاءِ، وَالمَعِدَةِ لِلهَضْمِ، وَالكَبِدِ لِلتَّخْلِيسِ، وَالمَنَافِدِ لِتَنْفِيذِ الفُضُولِ، وَالأَوْعِيَةِ لِحَمْلِهَا...

مَنْ جَعَلَ المَعِدَةَ عَصْبَانِيَّةً شَدِيدَةً، وَقَدَّرَهَا لِهَضْمِ الطَّعَامِ العَلِيظِ؟

وَمَنْ جَعَلَ الكَبِدَ رَقِيقَةً نَاعِمَةً، لِقبُولِ الصَّفْوِ اللطيفِ مِنَ العِذَاءِ، وَلِتَهَضِمَ

وَتَعْمَلَ مَا هُوَ أَلطَفُ مِنَ عَمَلِ المَعِدَةِ، إِلَّا اللَّهُ القَادِرُ؟ أَمْ تَرَى الإِهْمَالَ يَأْتِي بِشَيْءٍ مِنَ ذَلِكَ؟ كَلَّا، بَلْ هُوَ تَدْبِيرٌ مِنْ مُدَبِّرٍ حَكِيمٍ قَادِرٍ، عَلِيمٍ بِالأَشْيَاءِ قَبْلَ خَلْقِهَا، لَا يُعْجِزُهُ شَيْءٌ وَهُوَ اللطيفُ الخَبِيرُ...

جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ المَنْفَذَ المُهَيَّأَ لِلخَلَاءِ مِنَ الإِنْسَانِ فِي أَسْتَرِ مَوْضِعٍ مِنْهُ، فَلَمْ يَجْعَلْهُ بَارِزًا مِنْ خَلْفِهِ، وَلَا نَاشِرًا مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، بَلْ هُوَ مُعْتَبَرٌ فِي مَوْضِعٍ غَامِضٍ مِنَ البَدَنِ، مَسْتَوْرٌ مَحْجُوبٌ، يَلْتَقِي عَلَيْهِ الفِخْدَانُ، وَتَحْجُبُهُ الأَلْيَتَانِ بِمَا عَلِيَهُمَا مِنَ اللّحْمِ فَيُؤَارِيَانِهِ، فَإِذَا احتَاجَ الإِنْسَانُ إِلَى الخَلَاءِ وَجَلَسَ تِلْكَ الجِلْسَةَ أَلْفَى ذَلِكَ المَنْفَذَ مِنْهُ مُنْصِبًا بِمُهَيَّئًا لِانْحِدَارِ الثُّفْلِ، فَتَبَارَكَ اللَّهُ مَنْ تَظَاهَرَتِ الآوَةُ وَلَا تُحْصَى نِعْمَاؤُهُ!...

تَأَمَّلِ الرِّيقَ وَمَا فِيهِ مِنَ المَنْفَعَةِ؛ فَإِنَّهُ جُعِلَ يَجْرِي جَرِيَانًا دَائِمًا إِلَى الفَمِّ، لِيُثَلِّ الحَلَقَ وَاللَّهَوَاتِ فَلَا يَجِفُّ؛ فَإِنَّ هَذِهِ المَوَاضِعَ لَوْ جُعِلَتْ كَذَلِكَ كَانَ فِيهِ هَلَاكُ الإِنْسَانِ، ثُمَّ كَانَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُسَبِّغَ طَعَامًا إِذَا لَمْ يَكُنْ فِي الفَمِّ بَلَّةٌ تُنْفِذُهُ، تَشْهَدُ بِذَلِكَ المُشَاهَدَةَ. وَاعْلَمْ أَنَّ الرُّطُوبِيَّةَ مُطَيِّئَةَ العِذَاءِ. وَقَدْ تَجَرَى مِنْ هَذَا البَلَّةِ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ مِنَ المُرَّةِ، فَيَكُونُ فِي ذَلِكَ صَيَّاحٌ تَأَمُّ لِلإِنْسَانِ، وَلَوْ يَسِيَّتِ المُرَّةُ لَهَلَكَ الإِنْسَانُ...

اعْلَمْ أَنَّ فِي الإِنْسَانِ قُوَى أَرْبَعًا: قُوَّةً جاذِبَةً تَقْبَلُ العِذَاءَ وَتوردُهُ عَلَى المَعِدَةِ، وَقُوَّةً مُمَسِّكَةً تَحْبِسُ الطَّعَامَ حَتَّى تَفْعَلَ فِيهِ الطَّبِيعَةُ فِعْلَهَا، وَقُوَّةً هَاضِمَةً؛ وَهِيَ الَّتِي تَطْبَحُهُ وَتَسْتَخْرِجُ صَيِّفُوهُ وَتَبْتُهُ فِي البَدَنِ، وَقُوَّةً دَافِعَةً تَدْفَعُهُ وَتَحْدِرُ الثُّفْلَ الفَاضِلَ بَعْدَ أَخْذِ الهَاضِمَةِ حَاجَتَهَا.

تَفَكَّرْ فِي تَقْدِيرِ هَذِهِ القُوَى الأَرْبَعَةِ الَّتِي فِي البَدَنِ، وَأَفْعَالِهَا وَتَقْدِيرِهَا لِلحَاجَةِ إِلَيْهَا، وَالإِبْرِ فِيهَا، وَمَا فِي ذَلِكَ مِنَ التَّدْبِيرِ وَالحِكْمَةِ، وَلَوْ لَاجذِبَةٌ

كَيْفَ يَتَحَرَّكُ الإِنْسَانُ لِطَلَبِ العِذَاءِ الَّتِي بِهَا قِوَامُ البَدَنِ؟ وَلَوْ لَامَسِكَ كَيْفَ كَانَ يَلْبَثُ الطَّعَامُ فِي الجَوْفِ حَتَّى تَهْضِمَهُ المَعِدَةُ؟ وَلَوْ لَاهَاضِمَهُ كَيْفَ كَانَ يَنْطَبِخُ حَتَّى يَخْلُصَ مِنْهُ الصَّفْوُ الَّذِي يَغْدُو البَدَنَ وَيَسُدُّ خَلْلَهُ؟ وَلَوْ لَادَافَعَهُ كَيْفَ كَانَ الثُّفْلُ الَّذِي تُخَلِّفُهُ الهَاضِمَةُ يَنْدَفِعُ وَيَخْرُجُ أَوَّلًا فَأَوَّلًا؟

أَفَلَا تَرَى كَيْفَ وَكَلَّ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِلطيفِ صُنْعِهِ وَحُسْنِ تَقْدِيرِهِ هَذِهِ القُوَى بِالْبَدَنِ وَالقِيَامِ بِمَا فِيهِ صَيِّلَاحُهُ؟ وَسَامِثُ لَكَ فِي ذَلِكَ مِثَالًا: إِنَّ البَدَنَ بِمَنْزِلَةِ دَارِ المَلِكِ، وَلَهُ فِيهَا حَشَمٌ وَصَبِيَّةٌ وَقِوَامٌ مُوَكَّلُونَ بِالدَّارِ، فَوَاحِدٌ لِإِقْضَاءِ حَوَائِجِ الحَشَمِ وَإِيرَادِهَا عَلَيْهِمْ، وَآخَرُ لِقَبْضِ مَا يَرْدُ وَخَزَنِهِ إِلَى أَنْ يُعَالَجَ وَيُهَيَّأَ، وَآخَرُ لِإِعْلَاجِ ذَلِكَ وَتَهْيِئَتِهِ وَتَفْرِيقِهِ، وَآخَرُ لِتَنْظِيفِ مَا فِي الدَّارِ مِنَ الأَقْدَارِ وَإِخْرَاجِهِ مِنْهَا، فَالْمَلِكُ فِي هَذَا هُوَ الخَلِيقُ الحَكِيمُ مَلِكُ العَالَمِينَ، وَالدَّارُ هِيَ البَدَنُ، وَالحَشَمُ هِيَ الأَعْضَاءُ، وَالقِوَامُ هِيَ هَذِهِ القُوَى الأَرْبَعُ. وَلَعَلَّكَ تَرَى ذِكْرَنَا هَذِهِ القُوَى الأَرْبَعُ وَأَفْعَالَهَا بَعْدَ الَّذِي وَصَفْنَا فَضْلًا وَتَرَدَادًا، وَلَيْسَ مَا ذَكَرْتَهُ مِنْ هَذِهِ القُوَى عَلَى الجِهَةِ الَّتِي

ذُكِرَتْ فِي كُتُبِ الْأَطِبَّاءِ وَلَا قَوْلُنَا فِيهِ كَقَوْلِهِمْ؛ لِأَنَّهُمْ ذَكَرُوهَا عَلَى مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي صِنَاعَةِ الطَّبِّ وَتَصْحِيحِ الْأَبْدَانِ، وَذَكَرْنَاهَا عَلَى مَا يُحْتَاجُ فِي صَلَاحِ الدِّينِ وَشِفَاءِ النَّفْسِ مِنَ الْعَيْ، كَالَّذِي أَوْصَحَّتُهُ بِالْوَصْفِ الشَّافِي، وَالْمَثَلِ الْمَضْرُوبِ مِنَ التَّدْبِيرِ وَالْحِكْمَةِ فِيهَا... فَكَّرَ يَا مُفَضَّلُ فِي طُلُوعِ الشَّمْسِ وَغُرُوبِهَا لِإِقَامَتِهِ دَوْلَتِي النَّهَارِ وَاللَّيْلِ... فَلَوْلَا غُرُوبُهَا لَمْ يَكُنْ لِلنَّاسِ هِدْيَةٌ وَلَا قَرَارٌ مَعَ عَظَمِ حَاجَتِهِمْ إِلَى الْهَدْيِ وَالزَّاحَةِ، لِشُكُونِ أَبْدَانِهِمْ، وَجُمُومِ حَوَاسِهِمْ، وَانْبِعَاطِ الْقُوَّةِ الْهَاضِمَةِ لِهَضْمِ الطَّعَامِ، وَتَنْفِيذِ الْغِذَاءِ إِلَى الْأَعْضَاءِ. [٩٣٩]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۰۷

فصل هفتم: دستگاه گوارش

۱/۷ اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش

۶۸۵. امام صادق علیه السلام خطاب به طیب هندی: کبد، قوس دار است تا معده را سنگینی کند و به تمامی بر روی آن قرار گیرد و آن را بفشرد و در نتیجه، بخاری که در آن هست، بیرون رود.

۶۸۶. امام صادق علیه السلام خطاب به مُفَضَّلُ بن عمر: ای مُفَضَّلُ! در همه اندام‌های بدن و در این حقیقت بیندیش که چگونه هر کدام از آنها برای هدفی سامان یافته‌اند: ... دهان برای غذا خوردن، معده برای هضم کردن، جگر برای افسرده ساختن، گذرها برای برون شد پس مانده‌ها، و روده‌ها برای انتقال آنها ...

چه کسی معده را درشت و سخت قرار داده و آن را بر گوارش غذاهای دیژهضم، توانمند ساخته است؟ و چه کسی جگر را نازک و نرم قرار داده است تا غذای ناب و نرم را پذیرا شود و گوارشی که دقیق تر و حساس تر از کار معده است، انجام دهد؟ آیا به گمان تو در هیچ کدام از اینها، اهمال و به خود وا گذاشتگی پذیرفته است؟ نه، هرگز! بلکه اینها همه تدبیری است از سوی مدبری حکیم، توانا و آگاه به چیزها، پیش از این که آنها را بیافریند، هیچ چیز او را ناتوان نسازد، و همو لطیف و خبیر است...

خداوند، مخرج انسان را در پوشیده‌ترین جای بدن او قرار داده، نه پیش نشسته از جلو، و نه برجسته از عقب؛ بلکه نهفته در جایی بسته، پوشیده و پنهان از بدن؛ جایی که در آن، دو سرِ ران به هم رسند؛ و سرین‌ها با گوشتی که در آنهاست، بر آن پرده افکند و آن را پوشاند، و چون انسان را به قضای حاجت نیاز افتد و آن‌سان بنشیند، آن مخرج، برای بیرون دادن کُنْجاره، آماده می‌شود. آفرین بر خدایی که منت‌هایش پی‌درپی رسیده و نعمت‌هایش از شمار، بیرون است!...

در آب دهان و سودی که در آن است، تأمیل کن. آن، به گونه‌ای آفریده شده که پیوسته در دهان جریان داشته باشد تا حلق و ملازه‌ها را تر بردارد و نگذارد خشک شوند؛ چه، این جای‌ها اگر بدین [گونه] وا گذاشته شوند، نابودی انسان را در بردارند، افزون بر این که اگر در دهان، رطوبتی نبود که در غذاها نفوذ کند، انسان نمی‌توانست هیچ غذایی را مزه کند و گواراتر را بیابد. تجربه، بر این حقیقت، گواهی می‌دهد...

بدان که رطوبت، مرکب رَهوار غذاست و قدری از این تری در جایی دیگر از مَرّه [۹۴۰] نیز جریان می‌یابد و این خود، تندرستی کامل انسان را میسر می‌سازد، در حالی که اگر مَرّه خشک شود، انسان، نابود می‌شود...

بدان که در بدن انسان، چهار نیرو وجود دارد: نیروی جذب کننده که غذا را می‌پذیرد و به معده می‌رساند؛ نیروی نگه‌دارنده که غذا را حبس می‌کند تا طبیعت، اثر خود را در آن بگذارد؛ نیروی گوارش که غذا را می‌پرورد و افشره آن را بیرون می‌کشد و در بدن می‌پراکند؛ و نیروی دفع کننده که کُنْجاره پس مانده را پس از این که نیروی گوارش کننده، نیاز خود را از آنها بر می‌گیرد، از بدن بیرون می‌راند.

در سامان یافتگی این نیروهای چهارگانه در بدن، در عملکرد آنها و به اندازه بودن آنها با نیازی که بدانها هست و هدفی که از

وجودشان هست و سرانجام، در

تدبیر و حکمتی که در این همه هست، بیندیش، اگر آن نیروی جذب کننده نبود، چگونه انسان در جستجوی غذایی که مایه برپایی جسم است، به راه می افتاد؟ اگر نیروی نگه دارنده نبود، چگونه غذا در درون می ماند تا معده، آن را هضم کند؟ اگر نیروی گوارش نبود، چگونه غذا پخته می شد تا افشراهی که خوراک بدن را تأمین می کند و رخنه گاه های آن را پُر می کند، از آن بیرون کشیده شود؟ و اگر آن نیروی دفع کننده نبود، چگونه کُنجاهای که هاضمه بر جای می گذارد، یک به یک، از بدن رانده و بیرون فرستاده می شد؟

اکنون مگر نمی بینی که چگونه خداوند به صُنعِ دقیقِ خود و حُسنِ تقدیرِ خویش، این نیروها را به خدمت بدن انسان و انجام دادن آنچه درستی اش در آن است، گمارد؟ در این باره، برایت مثالی می آورم. جسم انسان، سرای پادشاهی را می ماند که در آن، خدمتگزاران، غلامانِ سبک پای و سرگماشتگانی هستند و کارِ سرای را بر عهده دارند: یکی، نیازمندی های خدمتگزاران را فراهم می آورد و در اختیارشان می نهد؛ یکی آنچه را آمده است، تحویل می گیرد و برای فراورده شدن و آماده شدن به انبار می سپرد؛ دیگری آن را آماده و پرورده می سازد و می پراکند؛ و دیگری، آلودگی را از خانه می پالاید و بیرون می برد. در این جا نیز، آفریدگار حکیم و پروردگار جهان و جهانیان، همان پادشاه است. پیکر انسان، آن سرای است. خدمتگزاران، اندام های بدن اند، و سرگماشتگان نیز همان چهار نیرو هستند.

شاید گمان کنی آنچه درباره این چهار نیرو و عملکرد آنها پس از بیان کلی درباره شان آورده ام، زیادت و افزونی است؛ اما نه آنچه گفتم، بر سیاق آن چیزی است که در کتاب های پزشکان آمده، و نه سخن ما در این باره به سان سخن آنان است؛ چه، آنها این آگاهی را به عنوان چیزهایی که در فن طبابت و تندرستی بدان نیاز است، یادآور شده اند و ما آنها را به عنوان آنچه در درستی دین و شفای دل ها از گمراهی بدان نیاز می افتد، یادآور شده ایم؛ همانند آن تدبیر و حکمتی که در کار بدن است و آن را به توصیفی فراگیر و حکایتی آشنا، باز گفتم...

ای مفضل! در طلوع و غروب خورشید، بیندیش که جابه جایی روز و شب را

سامان می دهد...؛ چه، اگر غروب نبود، مردم آرام و قرار نداشتند، در حالی که آنان را به آرامش و راحتی، نیازی فراوان است تا بدن هایشان بیاساید، حواسشان جمع شود، دستگاه گوارش، به کار گوارش غذا برانگیخته گردد، و غذا به اندام ها راه بگشاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۲

۶۸۷. عنه علیه السلام فی حدیث: ثُمَّ أُجْرِي فِي آدَمَ النَّوْرَ وَالنَّارَ وَالرِّيحَ وَالْمَاءَ، فَبِالنَّوْرِ أَبْصَرَ وَعَقَلَ وَفَهِمَ، وَبِالنَّارِ أَكَلَ وَشَرِبَ. وَ لَوْ لَا أَنَّ النَّارَ فِي الْمَعِدَةِ لَمْ تَطْحَنِ الْمَعِدَةُ، الطَّعَامَ، وَ لَوْ لَا أَنَّ الرِّيحَ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ يُلْهَبُ نَارَ الْمَعِدَةِ لَمْ يَلْتَهَبْ، وَ لَوْ لَا أَنَّ الْمَاءَ فِي جَوْفِ ابْنِ آدَمَ يُطْفِئُ حَرَّ نَارِ الْمَعِدَةِ؛ لَأَحْرَقَتِ النَّارُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ. [۹۴۱]

۶۸۸. الإمام الكاظم عليه السلام: طَبَائِعُ الْجِسْمِ عَلَى أَرْبَعَةٍ: فَمِنْهَا الْهَوَاءُ الَّذِي لَا تَحْيَا النَّفْسُ إِلَّا بِهِ وَبِنَسِيمِهِ، وَ يُخْرِجُ مَا فِي الْجِسْمِ مِنْ دَاءٍ وَ عُفُونَةٍ، وَ الْأَرْضُ الَّتِي قَدْ تُوَلَّدَ الثِّيْسُ وَ الْحَرَارَةُ، وَ الطَّعَامُ وَ مِنْهُ يَتَوَلَّدُ الدَّمُ. أَلَا تَرَى أَنَّهُ يَصِيرُ إِلَى الْمَعِدَةِ فَتَعْدِيهِ حَتَّى يَلِينُ، ثُمَّ يَصْفُو فَتَأْخُذُ الطَّبِيعَةُ صَفْوَهُ دَمًا، ثُمَّ يَنْحَدِرُ الثُّفْلُ، وَ الْمَاءُ وَ هُوَ يُوَلَّدُ الْبَلْغَمَ. [۹۴۲]

راجع: ج ۱، ص ۳۲۴ (الإشارة إلى ما في الحنجرة من الحكمة).

۲/۷

صِحَّةُ جِهَازِ الْهَضْمِ

۱۲/۷

الْحِمِيَّةُ

۶۸۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمَعِدَّةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ، وَالْحِمِيَّةُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. [۹۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۳

۶۸۷. امام صادق علیه السلام در روایتی از ایشان: سپس در آدم، نور، آتش، باد و آب را به جریان انداخت. انسان، به نور دید و اندیشید و فهمید، و به آتش خورد و نوشید. اگر در معده آتش نبود، معده غذا را نرم نمی کرد؛ اگر در درون آدمیزاد بادی نبود که آتش معده را شعله ور سازد، آن آتش بر نمی افروخت؛ و اگر درون آدمی زاده، آبی نبود که زبانه های آتش معده را فرو نشاند، آن آتش، درون آدمی را یکسره می سوزاند.

۶۸۸. امام کاظم علیه السلام: سرشت آدم، بر چهار چیز نهاده است: یکی از آنها هواست که شخص، جز بدان و به نسیم آن، زنده نمی ماند و هر درد و عفونتی را هم که در جسم است، بیرون می راند. دیگری خاک است که ممکن است خشکی و حرارت را پدید آورد. دیگری خوراک است که خون از آن پدید می آید. مگر نمی بینی غذا به معده در می آید و آنجا، معده آن را می پرورد تا نرم و آن گاه، ناب شود و طبیعت، افشرد آن را به عنوان خون می گیرد و سپس، گنجاره به پایین بدن سرازیر می شود. و چهارم، آب است که بلغم را می سازد.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۲۵ (اشاره به حکمت نهفته در حنجره).

۲/۷ سلامت دستگاه گوارش

۱۲/۷ پرهیز

۶۸۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: معده، خانه همه دردهاست و پرهیز، ریشه همه درمان ها.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۴

۶۹۰. الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ الْمَعِدَّةَ بَيْتُ الدَّاءِ، وَالْحِمِيَّةُ هِيَ الدَّوَاءُ. [۹۴۴]

راجع: ج ۲، ص ۱۰ القسم الرابع/ دور الأكل و الشرب في الصحّة و المرض.

۲۲/۷

مَا يَنْفَعُ لِلْهَضْمِ

أَلِ الْخَسِّ

۶۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلِّ الْخَسِّ؛ فَإِنَّهُ يورثُ التُّعَاسَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ. [۹۴۵]

ب التَّمْرِ

۶۹۲. رسول الله صلى الله عليه وآله في خَوَاصِّ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ: إِنَّ هَذَا جَبْرَيْلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ فِيهِ تِسْعَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النِّكْحَةَ، وَ يُطَيِّبُ

الْمَعِدَّةَ، وَ يَهْضِمُ الطَّعَامَ... [۹۴۶]

۶۹۳. الكافي عن أبي عمرو عن رجل عن الإمام الصادق عليه السلام: خَيْرُ تَمُورِكُمْ الْبَرْنِيُّ؛ يَذْهَبُ بِالذَّاءِ وَلَا دَاءَ فِيهِ، وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَلَا ضَرَرَ لَهُ، وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْعَمِ، وَ مَعَ كُلِّ تَمْرَةٍ حَسَنَةٌ.

و في رِوَايَةٍ أُخْرَى: يُهْنِي وَ يُمِرِّي، وَ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ يُشْبِعُ. [۹۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۵

۶۹۰. امام صادق علیه السلام: معده، خانه درد است و پرهیز، یگانه درمان.

ر. ک: ج ۲، ص ۹ بخش چهارم/ تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری.

الف کاهو

۶۹۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کاهو بخور، که خواب آور است و غذا را هضم می کند.

ب خرما

۶۹۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره خواص خرما می فرماید: این جبرئیل است که به من خبر می دهد که در آن (خرمای برنی)، نه ویژگی است: بوی دهان را خوش می سازد، معده را می پالاید و غذا را گوارش می دهد. [۹۴۸]

۶۹۳. الکافی به نقل از ابو عمرو، از مردی، از امام صادق علیه السلام: «بهترین خرما شما، خرمای برنی است؛ دردها را می برد و خود، بیماری نمی زاید، خستگی را می زداید و زیانی در بر ندارد، بلغم را از میان می برد، و با هر خرمایی خوبی ای همراه است». در روایتی دیگر است که فرمود: « [خرما] گوارا و سبک می کند، و خستگی را می برد و سیر می کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۶

ج الجبن

۶۹۴. الإمام الصادق علیه السلام: الجبن يهضم ما قبله، و يشهي ما بعده. [۹۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۴ (خواص الجبن).

د السويق

۶۹۵. الإمام الصادق علیه السلام: السويق يهضم الرؤوس. [۹۵۰]

۶۹۶. مكارم الأخلاق عن علي بن سليمان: أكلنا عند الرضا عليه السلام رؤوسا فدعا بالسويق، فقلت: إني قد امتلأت.

فقال: إن قليل السويق يهضم الرؤوس وهو دواؤه. [۹۵۱]

ه السواك

۶۹۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: من استاك كل يوم مرتين فقد أدام سنه الأنبياء عليهم السلام... و يمرأ طعامه. [۹۵۲]

راجع: ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۶۲۰ و ۶۲۱.

و الاستلقاء بعد الطعام

۶۹۸. الإمام الصادق علیه السلام: الاستلقاء بعد الشبع يسمن البدن، و يمرئ الطعام، و يسئل الداء. [۹۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۷

ج پنیر

۶۹۴. امام صادق علیه السلام: پنیر، غذاهای پیش از خود را گوارش می دهد و برای پس از خود، اشتها می آورد.

ر. ک: ص ۲۶۵ (خواص پنیر).

د سویق

۶۹۵. امام صادق علیه السلام: سویق، [۹۵۴] کله پاچه را هضم می کند.

۶۹۶. مكارم الأخلاق به نقل از علی بن سليمان: نزد امام رضا علیه السلام کله پاچه خوردیم. پس سویق خواست. گفتیم: من سیر

شده‌ام. فرمود: «اندکی از سویق، کله پاچه را هضم می‌کند و دوی آن است».

ه مسواک زدن

۶۹۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روزی دو بار مسواک بزند، سنت پیامبران را استمرار بخشیده است... و غذایش گوارا می‌شود.

ر. ک: ج ۱، ص ۳۷۵ (فواید مسواک زدن/ ح ۶۲۰ و ۶۲۱).

و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن

۶۹۸. امام صادق علیه السلام: به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن، بدن را چاق می‌کند، غذا را گوارا می‌سازد و درد را [از درون انسان بیرون می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۸

۶۹۹. کتاب التعریف: رَوَى: الاستلقاء بعد الطعام مُمِرٌّ و يُدْرِئُ العروق، وَ النَّوْمُ بَعْدَ الطَّعَامِ يَهْضِمُ و يُمْرِئُ. [۹۵۵]

۳۲/۷

مَا يَدْبَغُ الْمَعِدَةَ و يُقَوِّئِهَا

أُ التُّفَّاحُ

۷۰۰. الإمام على عليه السلام: كُلُوا التُّفَّاحَ؛ فَإِنَّهُ يَدْبَغُ الْمَعِدَةَ. [۹۵۶]

۷۰۱. الإمام الصادق عليه السلام: التُّفَّاحُ نَضُوحُ الْمَعِدَةِ. [۹۵۷]

ب الرُّمَّانُ

۷۰۲. الإمام على عليه السلام: كُلُوا الرُّمَّانَ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةِ. [۹۵۸]

۷۰۳. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الرُّمَّانَ الْمُرَّ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ دِبَاغٌ لِلْمَعِدَةِ. [۹۵۹].

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۱۹

۶۹۹. التعریف: روایت شده است: به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن، گوارا کننده است و عروق را به جریان می‌اندازد، و خواب پس از غذا خوردن نیز غذا را هضم می‌کند و گوارا می‌سازد.

۳۲/۷ آنچه معده را می‌پالاید و تقویت می‌کند

الف سیب

۷۰۰. امام علی علیه السلام: سیب بخورید، که معده را می‌پالاید.

۷۰۱. امام صادق علیه السلام: سیب، پالاینده و خوش بو کننده معده است. [۹۶۰]

ب انار

۷۰۲. امام علی علیه السلام: انار را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

۷۰۳. امام صادق علیه السلام: انار مَلَسٌ را با پیه آن بخورید؛ چرا که معده را پاک می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۰

۷۰۴. طب الأئمة عن الحارث بن المغيرة: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثِقَلًا أُجِدُّهُ فِي فُؤَادِي، وَكَثْرَةَ التَّخَمَةِ مِنَ طَعَامِي. فَقَالَ: تَنَاولَ مِن هَذَا الرُّمْيَانَ الحُلْوِ، وَكُلَّهُ بِشَحْمِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبِغُ المَعِدَّةَ دَبْغًا، وَيشْفِي التَّخَمَةَ، وَ يَهْضُمُ الطَّعَامَ، وَيَسْبِجُ [۹۶۱] فِي الجَوْفِ. [۹۶۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۱۶ (خواص اكل الرمان بشحمه).

ج الكُمثرى

۷۰۵. الإمام الصادق عليه السلام: الكُمثرى يَدْبِغُ المَعِدَّةَ وَيَقْوِيهَا، هُوَ وَالسَّفَرَجَلُ سِوَاءً، وَهُوَ عَلَى الشَّيْخِ أَنْفَعُ مِنْهُ عَلَى الرِّيقِ، وَ مَنْ أَصَابَهُ طَخَاءٌ فَلْيَأْكُلْهُ يَعْنِي عَلَى الطَّعَامِ. [۹۶۳]

د السَّفَرَجَلُ

۷۰۶. الإمام علي عليه السلام: أكل السَّفَرَجَلِ قُوَّةٌ لِلْقَلْبِ الضَّعِيفِ، وَيُطَيِّبُ المَعِدَّةَ، وَيَذَكِّي الفُؤَادَ، وَيَشَجِّعُ الجَبَانَ. [۹۶۴]

۷۰۷. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكَ بِأَكْلِ السَّفَرَجَلِ الحُلْوِ مَعَ حَبِّهِ؛ فَإِنَّهُ يَقْوِي الضَّعْفَ،

و يُطَيِّبُ المَعِدَّةَ، وَ يُزَكِّي المَعِدَّةَ. [۹۶۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۱

۷۰۴. طب الأئمة عليهم السلام به نقل از حارث بن مغیره: از سنگینی ای که در قلبم احساس می کردم و از بد گواری و سوء هاضمه ای که داشتم، نزد امام صادق علیه السلام اظهار ناراحتی کردم. فرمود: «از این انار شیرین، میل کن و آن را با پیه اش بخور؛ چرا که معده را کاملاً پاک می کند، بد گواری را درمان می سازد، غذا را هضم می کند و در درون بدن، تسبیح می گوید». [۹۶۶]

ر. ک: ج ۲، ص ۳۱۷ (خواص خوردن انار با پیه آن).

ج گلابی

۷۰۵. امام صادق علیه السلام: گلابی، معده را می پالاید و تقویت می کند و با به، همگون است. خوردنش روی غذا سودمندتر است تا چاشت ناخورده. هر کس هم که احساس سنگینی می کند، از آن [بر روی غذا] بخورد.

د به

۷۰۶. امام علی علیه السلام: خوردن به نیروی قلب ضعیف است، معده را پاک می سازد، دل را فراست می دهد و ترسو را شجاعت می بخشد.

۷۰۷. امام صادق علیه السلام: بر تو باد خوردن به شیرین با دانه هایش؛ چرا که قلب ضعیف

را تقویت می کند، معده را می پالاید و معده را پاک می سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۲

۷۰۸. عنه عليه السلام: السَّفَرَجَلُ يُفَرِّجُ المَعِدَّةَ، وَيَشُدُّ الفُؤَادَ، وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا أَكَلَ السَّفَرَجَلِ. [۹۶۷]

ه البَطِيخُ

۷۰۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْنَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ المَثَانَةَ، وَ

يَغْسِلُ البَطْنَ، وَ يَكْثُرُ مَاءُ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الجِمَاعِ، وَ يَقْطَعُ البُرُودَةَ، وَ يُنْقِي البَشْرَةَ. [۹۶۸]

و الباقلاء

۷۱۰. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْبَاقِلَى بِقَشِرِهِ؛ فَإِنَّهُ يَدْبُغُ الْمَعِدَةَ. [۹۶۹]

ز الحزاء

۷۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ الْحَزَاءَ جَيِّدٌ لِلْمَعِدَةِ بِمَاءٍ بَارِدٍ. [۹۷۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۳

۷۰۸. امام صادق علیه السلام: به، معده را گشایش می دهد، [۹۷۱] دل را استحکام می بخشد؛ و خداوند، هیچ پیامبری را بر نینگیخته، مگر آن که به نیز خورده است.

ه خریزه

۷۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن خریزه؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: غذاست، آب است، شستشو دهنده است، خوش بو کننده است، [۹۷۲] مئانه را می شوید، شکم را می شوید، آب کمر را فراوان می سازد، بر نیروی همبستری می افزاید، سردی مزاج را از میان می برد، و پوست را تمیز می کند.

و باقلا

۷۱۰. امام صادق علیه السلام: باقلا را با پوستش بخورید؛ چرا که معده را پاک می کند.

ز حزا

۷۱۱. امام صادق علیه السلام: حزا [۹۷۳] به همراه آب سرد، برای معده سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۴

ح التَّلْبِينَةُ

۷۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله فی مَنْ بِهِ وَجَعٌ لَا يَطْعَمُ الطَّعَامَ: عَلَيْكُمْ بِالتَّلْبِينَةِ فَحَسَّوْهُ إِيَّاهَا، فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهَا لَتَغْسِلُ بَطْنَ أَحَدِكُمْ، كَمَا يَغْسِلُ أَحَدُكُمْ وَجْهَهُ بِالمَاءِ مِنَ الوَسَخِ. [۹۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۲۷۶ (ما يؤمن من اللقوة). ج ۲، ص ۳۳۲ (السعتر). ج ۲، ص ۴۱۴ (الغبيراء). ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۱۹۷۰.

۴۲/۷

مَا يَضُرُّ الْمَعِدَةَ

أ التُّخْمَةُ

۷۱۳. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُّ دَاءٍ مِنَ التُّخْمَةِ مَا خَلَا الْحُمَى؛ فَإِنَّهَا تَرُدُّ وَرُودًا. [۹۷۵]

۷۱۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: أَصْلُ كُلِّ دَاءٍ الْبَرْدَةُ. [۹۷۶]

ب كَثْرَةُ الْأَكْلِ

۷۱۵. الإمام علي عليه السلام: يَا كَمِيلُ، لَا تَوْقِرَنَّ مَعِدَتَكَ طَعَامًا، وَدَعَّ فِيهَا لِلْمَاءِ مَوْضِعًا، وَ لِلرِّيحِ مَجَالًا، وَلَا تَرْفَعْ يَدَكَ مِنَ الطَّعَامِ إِلَّا

وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ؛ فَإِنْ فَعَلْتَ ذَلِكَ

فَأَنْتَ تَسْتَمِرُّهُ؛ فَإِنَّ صِحَّةَ الْجِسْمِ مِنْ قَلَّةِ الطَّعَامِ وَقِلَّةِ الْمَاءِ. [۹۷۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۵

ح تلبينه

۷۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره کسی که به بیماری بی‌اشتهایی گرفتار آمده بود: بر شما باد [خوردن تلپینه]. [۹۷۸] آن را به وی [جرعه جرعه بخورانید، که سوگند به آن که جانم در دست اوست، شکم هر یک از شما را چونان می‌شوید که کسی با آب، چرک را از صورت خویش، فرو بشوید.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۷۷ (آنچه از کژدهانی ایمنی می‌دهد). ج ۲، ص ۳۳۳ (آویشن). ج ۲، ص ۴۱۵ (سنجد). ج ۲، ص ۴۶۳ (شفا جُستن با شیر گاو/ ح ۱۹۷۰).

۴۲/۷ آنچه به معده زیان می‌رساند

الف بدگواری

۷۱۳. امام صادق علیه السلام: هر دردی از بدگواری (سنگین خواری) است، مگر تب، که به خودی خود به بدن در می‌آید.

۷۱۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سنگینی معده (برده)، [۹۷۹] ریشه هر بیماری‌ای است.

ب پُرخوری

۷۱۵. امام علی علیه السلام: ای کمیل! مبدا معده‌ات را از خوراک، سنگین کنی. در آن، جایی برای آب و جایی برای باد و گذار و هنگامی که هنوز به خوردن اشتها داری، از غذا خوردن دست بکش، که اگر چنین کنی، غذا را گوارا خواهی یافت؛ چه، تندرستی، از کم خوردن و کم آشامیدن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۶

ج شُرْبُ الْمَاءِ بَيْنَ الطَّعَامِ

۷۱۶. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ لَا تُؤْذِيَهُ مَعِدَتُهُ فَلَا يَشْرَبْ عَلَى طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ، وَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ رَطَبَ يَدَيْتُهُ، وَ ضَعَفَتْ مَعِدَتُهُ، وَ لَمْ تَأْخُذِ الْعُرُوقُ قُوَّةَ الطَّعَامِ؛ لِأَنَّهُ يَصِيرُ فِي الْمَعِدَةِ فِجَاً [۹۸۰] إِذَا صَبَّ الْمَاءُ عَلَى الطَّعَامِ أَوَّلًا فَأَوَّلًا. [۹۸۱]

د شُرْبُ الْمَاءِ عَبَاً

۷۱۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: مُصُّوا الْمَاءَ مَصًّا وَ لَا تَعْبُوهُ عَبَاً؛ فَإِنَّهُ يَوْجَدُ مِنْهُ الْكِبَادُ. [۹۸۲]

ه شُرْبُ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَ الْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ

۷۱۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِتَاكَ وَ شُرْبَ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَ الْفُقَّاعِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْمَعِدَةَ. [۹۸۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۷

ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا

۷۱۶. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد معده‌اش او را آزار ندهد، میان غذا خوردن، آب ننوشد تا آن را به پایان برساند؛ زیرا که هر کس چنین کند، رطوبت در بدنش می‌نشیند و معده‌اش ضعیف می‌شود و رگ‌ها نمی‌توانند نیروی موجود در غذا را بگیرند؛ چه، اگر پی‌درپی آب به معده ریخته شود، معده، فراخ می‌گردد.

د یکسره سر کشیدن آب

۷۱۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب را به آهستگی بمکید و آن را یکباره سر مکشید؛ زیرا که از آن، بیماری جگر برمی خیزد.

ه نوشیدن آب سرد و فقاغ در حَمَام

۷۱۸. امام صادق علیه السلام: از نوشیدن آب سرد و فقاغ [۹۸۴] در حَمَام، حذر کن؛ چرا که معده را تباه می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۸

و أَكَلُ الْقَدِيدِ

۷۱۹. الإمام الهادی علیه السلام: الْقَدِيدُ لَحْمٌ سَوِيٌّ؛ لِأَنَّهُ يَسْتَرُخِي فِي الْمَعِدَةِ، وَيُهَيِّجُ كُلَّ دَاءٍ، وَلَا يَنْفَعُ مِنْ شَيْءٍ، بَلْ يَضُرُّهُ. [۹۸۵]

ز أَكَلُ اللَّحْمِ النَّيِّ

۷۲۰. الإمام الرضا علیه السلام: أَكَلُ اللَّحْمِ النَّيِّ يورِثُ الدُّوْدَ فِي الْبَطْنِ. [۹۸۶]

ح كَثْرَةُ أَكَلِ الْبَيْضِ

۷۲۱. الإمام الرضا علیه السلام: كَثْرَةُ أَكَلِ الْبَيْضِ وَإِدْمَانُهُ يورِثُ الطُّحَالَ، وَرِيَاحًا فِي رَأْسِ الْمَعِدَةِ. [۹۸۷]

۳ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِإِعْلَاجِ بَعْضِ أَوْجَاعِ الْبَطْنِ

۱۳ / ۷

الْكُمَثْرَى

۷۲۲. الإمام الصادق علیه السلام: كُلُّوا الْكُمَثْرَى؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْقَلْبَ، وَيُسَكِّنُ أَوْجَاعَ الْجَوْفِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۹۸۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۲۹

و خوردن گوشت نمک‌سود خشک‌شده

۷۱۹. امام هادی علیه السلام: گوشت نمک‌سود خشک‌شده، بد گوشتی است؛ زیرا در معده از هم باز می شود، هر بیماری ای را بر می انگیزد، هیچ سودی در بر ندارد، و تنها، زیان می رساند.

ز خوردن گوشت ناپخته

۷۲۰. امام رضا علیه السلام: خوردن گوشت ناپخته، در شکم، کرم ایجاد می کند.

ح بسیار خوردن تخم مرغ

۷۲۱. امام رضا علیه السلام: تخم مرغ بسیار خوردن و مداومت بر آن، بیماری سپرز می آورد و ایجاد کننده بادهایی در سر معده است.

۳ / ۷ آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است

۱۳ / ۷ گلابی

۷۲۲. امام صادق علیه السلام: گلابی بخورید، که به اذن خداوند عز و جل دل را جلا می دهد و دردهای درون را تسکین می بخشد.

۷۲۳. الکافی عن حرمان: كَانَ بِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعُ الْبَطْنِ، فَأَمَرَ أَنْ يُطَبَّخَ لَهُ الْأَرْزُ وَيُجْعَلَ عَلَيْهِ السَّمَاقُ، فَأَكَلَهُ فَبَرَأَ. [۹۸۹]

۷۲۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كَانَ دَوَاءُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ السَّعْتَرُ، وَكَانَ يَقُولُ: إِنَّهُ يَصِيرُ لِلْمَعِدَةِ خَمَلًا، كَخَمَلِ

الْقَطِيفَةِ. [۹۹۰]

۷۲۵. صحيح مسلم عن أبي سعيد الخدري: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ أَخِي اسْتَطَلَقَ بَطْنَهُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اسْقِهِ عَسَلًا» فَسَقَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ فَقَالَ: إِنِّي سَقَيْتُهُ فَلَمْ يَزِدْهُ إِلَّا اسْتِطْلَاقًا.

فَقَالَ لَهُ: ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

ثُمَّ جَاءَ الرَّابِعَةَ فَقَالَ: «اسْقِهِ عَسَلًا».

فَقَالَ: لَقَدْ سَقَيْتُهُ فَلَمْ يَزِدْهُ إِلَّا اسْتِطْلَاقًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «صَدَّقَ اللَّهُ وَكَذَّبَ بَطْنُ أَخِيكَ» فَسَقَاهُ فَبَرَأَ. [۹۹۱]

۲۳ / ۷ برنج و سماق

۷۲۳. الکافی به نقل از عمران: امام صادق علیه السلام، شکم درد داشت. فرمود برای او برنج بپزند و بر آن، سماق بیفزایند. آن گاه،

آن را خورد و بهبود یافت.

۳۳ / ۷ آویشن

۷۲۴. امام کاظم علیه السلام: داروی امیر مؤمنان علیه السلام، آویشن [۹۹۲] بود. او می فرمود: «آویشن برای معده، پُرزی همانند پُرز

پارچه های مخمل می شود».

۴۳ / ۷ عسل و شونیز

۷۲۵. صحیح مسلم به نقل از ابو سعید خُدَری: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: برادرم به اسهال مبتلا شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «به او عسل بنوشان».

وی به او عسل نوشاند و دیگر بار نزد پیامبر خدا آمد و گفت: به وی خوراندم؛ اما بر اسهال وی افزود.

او سه بار مراجعه کرد و همین را گفت و پیامبر خدا نیز سخن پیشین را به او فرمود. برای چهارمین بار، به حضور رسید و پیامبر خدا

فرمود: «به او عسل بنوشان». گفت: به او خورانده‌ام؛ اما فقط بر اسهالش افزوده است.

پیامبر خدا فرمود: «سخن خدایت را باور مدار و شکم برادر خویش را باور مدار».

پس، آن مرد دیگر بار به او عسل خورانید و او نیز بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۲

۷۲۶. الإمام علی علیه السلام: إِنَّ رَجُلًا شَكَاَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَجَعًا يَجِدُهُ فِي جَوْفِهِ فَقَالَ: خُذْ شَرْبَةَ عَسَلٍ وَ أَلِقْ فِيهَا ثَلَاثَ حَبَاتِ شُونِيزٍ أَوْ خَمْسًا أَوْ سَبْعًا، وَ اشْرِبْهُ تَبْرَأَ بِإِذْنِ اللَّهِ. فَفَعَلَ ذَلِكَ الرَّجُلُ فَبَرَأَ. [۹۹۳]

۵۳/۷

الجوزُ المَشْوِيُّ

۷۲۷. طَبَّ الْأَثَمَةُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفِيِّ: شَكَاَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْصَا كَادَ يَقْتُلُهُ، وَ سَأَلَهُ أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ فَقَدَ أَعْيَاهُ كَثْرَةُ مَا يَتَّخِذُ لَهُ مِنَ الْأَدْوِيَةِ، وَ لَيْسَ يَنْفَعُهُ ذَلِكَ، بَلْ يَزِدَادُ عَلَيْهِ شِدَّةً. قَالَ: فَتَبَسَّمَ صَيَلَمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَالَ: وَيَحْكُ! إِنَّ دُعَاءَنَا مِنَ اللَّهِ بِمَكَانٍ، وَ إِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكَ بِحَوْلِهِ وَ قُوَّتِهِ، فَإِذَا اسْتَدَّ بِكَ الْأَمْرُ وَ التَّوَيْتَ مِنْهُ، فَخُذْ جَوْزَةً وَ اطْرَحْهَا عَلَى النَّارِ، حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهَا قَدِ اشْتَوَى مَا فِي جَوْفِهَا وَ غَيَّرَتِ النَّارُ قِشْرَهَا، كُلِّهَا [۹۹۴]؛ فَإِنَّهَا تَسْكُنُ مِنْ سَاعَتِهَا.

قال: فَوَ اللَّهُ، مَا فَعَلْتَ ذَلِكَ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً فَسَكَنَ عَنِّي الْمَغْصُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. [۹۹۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۳

۷۲۶. امام علی علیه السلام: مردی نزد پیامبر خدا از دردی که در درون خویش داشت، اظهار ناراحتی کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شربتتی از عسل بردار و سه یا پنج یا هفت دانه شونیز در آن بینداز و بنوش تا به اذن خداوند عز و جل بهبود یابی». او این کار را انجام داد و بهبود یافت.

۵۳/۷ گردوی تف داده

۷۲۷. طَبَّ الْأَثَمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه نَقَلَ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ جَعْفِيِّ: مَرَدٌ مِنْ شَكْمِ دَرْدِي كِه چيزی نمانده بود باعث مرگش شود، به نزد علی بن موسی الرضا علیه السلام نالید و از ایشان خواست برای او در پیشگاه خداوند عز و جل دعا کند؛ چرا که دارو و درمان‌های فراوانی که به وی داده‌اند، او را به ستوه آورده است و نه فقط او را سودی نرسانده، بلکه بر شدت درد او نیز افزوده است.

امام که درود خدا بر او باد لبخند زد و فرمود: «نیک بخت مرد! دعای ما به درگاه خداوند، جای خود دارد و من از خداوند می‌خواهم به مدد و نیروی خود، درد تو را بکاهد، اما چون درد بر تو غلبه کرد و از آن به خود پیچیدی، گردویی بردار و بر آتش بگیر تا هنگامی که بدانی آنچه در درون آن هست، کباب شده و آتش، رنگ پوست آن را نیز دیگرگون کرده باشد. در این هنگام، آن را بخور که در دم، درد را آرام می‌کند». [۹۹۶]

او می‌گوید: به خداوند سوگند، تنها یک بار این کار را انجام دادم و به اذن خداوند، آن شکم‌درد من، آرام شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۴

۶۳/۷

الحُقْنَةُ

۷۲۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَدَاوَيْتُمْ بِهِ الْحُقْنَةُ، وَ هِيَ تُعْظَمُ الْبَطْنَ، وَ تُنْقَى دَاءَ الْجَوْفِ، وَ تُقَوِّى الْبَدْنَ. [۹۹۷]

۷۲۹. عنه صلى الله عليه و آله: لَا بَأْسَ بِالْحُقْنَةِ؛ لَوْ لَا أَنَّهَا تُعْظَمُ الْبَطْنَ. [۹۹۸]

۷۳۰. الإمام الصادق عليه السلام: الحُقْنَةُ هِيَ مِنَ الدَّوَاءِ، وَ زَعَمُوا أَنَّهَا تُعْظِمُ البَطْنَ، وَ قَدْ فَعَلَهَا رِجَالٌ صَالِحُونَ. [۹۹۹]

۷۳ / ۷

سَوِيقُ الأُرْزِ

۷۳۱. المحاسن عن محمد بن مروان: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بِهِ بَطْنٌ ذَرِيعٌ، فَانصَرَفْتُ مِنْ عِنْدِهِ عَشِيَّةً وَ أَنَا مِنَ أَشْفَقِ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَأَتَيْتُهُ مِنَ العَدِ فَوَجَدْتُهُ قَدْ سَكَرَ مَا بِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ فَارَقْتُكَ عَشِيَّةً أَمْسِ وَ بِكَ مِنَ العِلَّةِ مَا بِكَ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَمَرْتُ بِشَيْءٍ مِنَ الأُرْزِ؛ فَعُغِلَ وَ جُفِّفَ وَ دُقَّ، ثُمَّ اسْتَفْتُهُ فَاسْتَدَّ بَطْنِي. [۱۰۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۵

۷۳ / ۶ تنقیه کردن

۷۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین درمانی که به کار می‌گیرید، تنقیه کردن است. شکم را بزرگ می‌کند، درد درون را می‌شوید و بدن را قوی می‌کند.

۷۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: تنقیه کردن، هیچ ایرادی ندارد، جز این که شکم را بزرگ می‌کند.

۷۳۰. امام صادق علیه السلام: تنقیه کردن، نوعی درمان است. گفته‌اند که شکم را بزرگ می‌کند، در حالی که مردان صالحی این کار را انجام داده‌اند.

۷۳ / ۷ آرد برنج

۷۳۱. المحاسن به نقل از محمد بن مروان: نزد امام صادق علیه السلام بودم. ایشان شکم‌درد (اسهال) سختی داشت. شامگاهان، در حالی که بسیار بر حال ایشان نگران بودم، از نزد وی رفتم. فردا روز، نزد ایشان باز گشتم و دیدم دردی که داشته، فرو نشسته است. گفتم: فدایت شوم! شامگاه دیروز که از تو جدا شدم، آن چنان بیمار بودی؟! فرمود: «گفتم قدری برنج آوردند، شستند، خشک کردند و آسیاب کردند. سپس از آن، دارویی (سفوفی) ساختم [و خوردم و شکمم، بند آمد].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۶

۷۳۲. الکافی عن خالد بن نجیح: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَعَّ بَطْنِي، فَقَالَ لِي: خُذِ الأُرْزَ فَاعْسِلْهُ، ثُمَّ جَفِّفْهُ فِي الظِّلِّ، ثُمَّ رُضِّهِ وَ خُذْ مِنْهُ فِي كُلِّ عَدَاةٍ مِلَّةً رَاحِتِكَ. وَ زَادَ فِيهِ إِسْحَاقُ الجَرِيرِيُّ: تَقْلِيهِ قَلِيلًا وَ زَنَ أَوْقِيَهُ وَ اشْرَبْهُ. [۱۰۰۱]

۷۳۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَرِضْتُ مَرَضًا شَدِيدًا، فَأَصَابَنِي بَطْنٌ، فَذَهَبَ جِسْمِي، فَأَمَرْتُ بِأُرْزٍ فَقَلِي، ثُمَّ جَعَلْتُ سَوِيقًا، فَكُنْتُ آخِذَةً، فَجَعَعْتُ إِلَيْ جِسْمِي. [۱۰۰۲]

راجع: ج ۲، ص ۳۸۲ (خواص بعض انواع السويق / سويق الأرز).

۸۳ / ۷

خُبِزُ الأُرْزِ

۷۳۴. الإمام الصادق عليه السلام: أَطْعَمُوا المَبْطُونَ خُبْزَ الأُرْزِ، فَمَا دَخَلَ جَوْفَ المَبْطُونَ شَيْءٌ أَنْفَعَ مِنْهُ، أَمَا إِنَّهُ يَدْبِغُ المَعِدَةَ، وَ يَسِيلُ الدَّاءَ سَلًّا. [۱۰۰۳]

۹۳ / ۷

سَوِيقُ الجَاوَرِسِ

۷۳۵. الکافی عن عبد الرحمن بن كثير: مَرَضْتُ بِالْمَدِينَةِ فَانطَلَقَ بطنِي، فَوَصَفَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَوِيقَ الْجَاوَرِسِ، وَ أَمَرَنِي أَنْ أَخُذَ سَوِيقَ الْجَاوَرِسِ وَ أَشْرَبُهُ بِمَاءِ الْكَمُونِ، فَفَعَلْتُ، فَأَمَسَكَ بطنِي وَ عَوَيْتُ. [۱۰۰۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۷

۷۳۲. الکافی به نقل از خالد بن نجیح: از شکم درد، نزد امام صادق علیه السلام اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «قدری برنج بگیر، آن را بشوی و در سایه، خشک کن. سپس، آن را آسیاب کن و در هر صبحگاه، به اندازه یک کف دست از آن بردار». اسحاق جریری بدین حدیث افزوده است: «آن را در آبی به وزن یک اوقیه [۱۰۰۵] بجوشان و آن گاه بخور». ۷۳۳. امام صادق علیه السلام: سخت بیمار شدم و در این بیماری به شکم درد گرفتار آمدم و تنم تحلیل رفت. گفتم که قدری برنج در آب جوشاندند و از آن، آشی ساخته شد و من، از آن استفاده می کردم. پس [نیروی تنم به من بازگشت. ر. ک: ج ۲، ص ۳۸۳] (خواص برخی از انواع سویق / سویق برنج).

۷/ ۸۳ نان برنج

۷۳۴. امام صادق علیه السلام: به کسی که شکم درد دارد، نان برنج بدهید؛ چرا که هیچ چیز، سودمندتر از آن به شکم چنین بیماری در نیامده است. آن، معده را پاک می کند و درد را به کلی از بدن بیرون می کشد.

۷/ ۹۳ آرد گاوَرَس [۱۰۰۶]

۷۳۵. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن كثير: در مدینه بیمار شدم و به اسهال، گرفتار آمدم. امام صادق علیه السلام، برایم آرد گاوَرَس نسخه کرد و مرا فرمود که

آرد گاوَرَس بگیرم و با آب زیره بخورم. این کار را کردم و اسهالم متوقف شد و بهبود یافتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۸

۷/ ۱۰۳

ألبان الإبل

۷۳۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: في ألبان الإبل... دَوَاءٌ لِدَرَبِ كُم. [۱۰۰۷]

۷۳۷. عنه صلى الله عليه و آله: إنَّ في... ألبانها شفاءٌ لِلدَّرَبِ بَطُونُهُمْ. [۱۰۰۸]

۷/ ۴

ما يورث البواسير

۷/ ۱۴

طول الجلوس على الخلاء

۷۳۸. الإمام الباقر عليه السلام: طول الجلوس على الخلاء يورث الباسور. [۱۰۰۹]

۷۳۹. الإمام الرضا عليه السلام: ادخُلِ الخلاءَ لِحَاجَةِ الإنسانِ، وَ البَثِّ فِيهِ بِقَدَرِ ما تَقْضِي حاجَتَكَ، وَ لا تُطَلِّ فِيهِ؛ فَإِنَّ ذَليكَ يورثُ الدَّاءَ

الدَّفِينِ [۱۰۱۰]. [۱۰۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۳۹

۷/ ۱۰۳ شیر شتر

۷۳۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درمان اسهال شما در شیر شتر... است.

۷۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در شیر شتر، شفای اسهال است.

۷ / ۴ آنچه بواسیر می آورد

۷ / ۴ زیاد نشستن به گاه قضای حاجت

۷۳۸. امام باقر علیه السلام: زیاد نشستن در آبریزگاه، بواسیر می آورد.

۷۳۹. امام رضا علیه السلام: برای قضای حاجت، به آبریزگاه برو و در آنجا به همان اندازه که قضای حاجت کنی، بمان و آن را به درازا مکشان؛ چرا که این کار، درد نهفته [۱۰۱۲] را در پی می آورد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۰

۷۴۰. مجمع البیان: قیل: إِنَّ مَوْلَاهُ [مولى لُقمانَ دَخَلَ المَخْرَجَ فَأَطَالَ فِيهِ الجُلُوسَ، فَنَادَاهُ لُقمانُ: إِنَّ طَوْلَ الجُلُوسِ عَلَى الحَاجَةِ يُفَجِّعُ مِنْهُ الكَبِدَ، و يورثُ مِنْهُ البَاسورَ، و يَصْعَدُ الحَرَارَةُ إِلَى الرَّأْسِ، فَاجْلِسْ هَونا و قُمْ هَونا.

قال: فَكَتَبَ حِكْمَتَهُ عَلَى بابِ الحُشِّ. [۱۰۱۳]

۲۴ / ۷

الجِماعُ حَاقِنًا

۷۴۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: لا يُجامِعَنَّ أَحَدُكُمْ و بِهِ حَقْنٌ مِّنْ خَلاءٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ البَواسيرُ، و لا يُجامِعَنَّ أَحَدُكُمْ و بِهِ حَقْنٌ مِّنْ بَوْلٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ النَّوَصيرُ. [۱۰۱۴]

۳۴ / ۷

الجَمْعُ بَيْنَ البِيضِ وَ السَّمَكِ [۱۰۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۴۴۰

۷۴۲. الإمام الرضا علیه السلام: يَتَّبِعِي أَنْ تَحَذَرَ... أَنْ تَجَمَعَ فِي جَوْفِكَ البِيضَ وَ السَّمَكِ فِي حَالٍ واحِدَةٍ؛ فَإِنَّهُما إِذا اجْتَمَعا وُلِّدا القَوْلَجَ، و رِياحَ البَواسيرِ، و وَجَعَ الأَضراسِ. [۱۰۱۶]

راجع: ج ۱، ص ۴۹۴ (أسباب الأمراض الجلديّة/ أكل الطين).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۱

۷۴۰. مجمع البیان: گفته‌اند که خواجه لقمان، به آبریزگاه رفت و نشستن در آنجا را به درازا کشاند. لقمان، بر او چنین بانگ زد: «از نشستن زیاد به گاه قضای حاجت، جگر به درد می آید، بواسیر ایجاد می شود، و حرارت، به سر می رسد. سَبِکُ بَنشین و سَبِکُ برخیز». راوی می گوید: از آن پس، خواجه لقمان، این حکمت وی را بر در آبریزگاه نوشت.

۷ / ۲۴ همبستری در حال خودداری از قضای حاجت

۷۴۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا کسی در حالی که از قضای حاجت خودداری می ورزد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، بواسیر می آورد؛ و مبادا کسی در حالی که پیشاب خود را نگه می دارد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، ناسور می آورد.

۷ / ۳۴ با هم خوردن نخم مرغ و ماهی

۷۴۲. امام رضا علیه السلام: باید از این بپرهیزی که... تخم مرغ و ماهی را هم‌زمان در معده گردد آوری؛ چه، هر گاه این دو با یکدیگر گرد آیند، قولنج، باد بواسیر و دندان درد به وجود می‌آورند.
 ر. ک: ج ۱، ص ۴۹۵ (عوامل بیماری‌های پوستی / خوردن خاک).
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۲

۵ / ۷

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَوَاسِيرِ

۱۵ / ۷

التَّيْنُ

۷۴۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: كُلُوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرِسِ وَ الْإِبْرَدَةِ. [۱۰۱۷]

۲۵ / ۷

الْكُرَاتُ

۷۴۴. الكافي عن فرات بن أحنف: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاتِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ. [۱۰۱۸]
 راجع: ج ۲، ص ۴۳۸، ح ۱۹۳۳.

۳۵ / ۷

الْجَزْرُ

۷۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلَنْجِ وَ الْبَوَاسِيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الْجِمَاعِ. [۱۰۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۳

۷ / ۵ آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است

۷ / ۱۵ انجیر

۷۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه کن می‌کند و برای درمان نقرس و سردی مزاج، سودمند است.

۷ / ۲۵ تره

۷۴۴. الكافي به نقل از فرات بن أحنف: از امام صادق علیه السلام، درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخور؛ چرا که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را [از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و برای کسی که بر [خوردن آن مداومت ورزد، مایه ایمنی از جذام است».
 ر. ک: ج ۲، ص ۴۳۹ (خوردن تره تازه / ح ۱۹۳۳).

۷ / ۳۵ زردک

۷۴۵. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و توان نزدیکی را تقویت می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۴

۴۵ / ۷

الْأَرْزُ

۷۴۶. الإمام الصادق علیه السلام: نِعَمَ الطَّعَامِ الْأَرْزُ؛ يُوسِّعُ الْأَمْعَاءَ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ إِنَّا لَنَغِيظُ أَهْلَ الْعِرَاقِ بِأَكْلِهِمُ الْأَرْزَ وَ الْبُسْرَ؛ فَإِنَّهُمَا

يُوسِّعَانِ الْأَمْعَاءَ، وَ يَقَطِّعَانِ الْبَوَاسِيرَ. [۱۰۲۰]

۵۵ / ۷

التَّمْرُ وَ سَمْنُ الْبَقَرِ

۷۴۷. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ وَجَعَ الشَّفْلِ، وَ لَا يَضُرُّهُ شَيْءٌ مِنْ أَرْيَاحِ الْبَوَاسِيرِ [۱۰۲۱]، فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ تَمَرَاتِ هَيْرُونَ

بَسْمَنِ بَقَرٍ، وَ يَدُهْنُ انْتِيهِ بِزُبُقٍ خَالِصٍ. [۱۰۲۲]

۶۵ / ۷

الْحُبَّارَى

۷۴۸. الإمام الكاظم علیه السلام: لَا أَرَى بِأَكْلِ الْحُبَّارَى بَأْسًا؛ وَ إِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَ وَجَعَ الظَّهْرِ. [۱۰۲۳]

۷۵ / ۷

الْغُبَيْرَاءُ

۷۴۹. الإمام الصادق علیه السلام: الْغُبَيْرَاءُ... يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَدْبِغُ الْمَعِدَةَ، وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ

الْبَوَاسِيرِ، وَ التَّقْتِيرِ. [۱۰۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۵

۴۵ / ۷ برنج

۷۴۶. امام صادق علیه السلام: برنج، خوب خوراکی است! روده‌ها را فراخ می کند و بواسیر را ریشه کن می سازد. ما بر مردم عراق،

غبطه می خوریم که برنج و خرما خرک می خورند. این دو، روده‌ها را فراخ می کنند و بواسیر را ریشه کن می سازند.

۵۵ / ۷ خرما با روغن گاو

۷۴۷. امام رضا علیه السلام: هر کس می خواهد از درد نشیمنگاه در امان بماند و باد بواسیر، هیچ زیانی به او نرساند، هر شب، هفت

خرمای هیرون [۱۰۲۵] با روغن گاو بخورد و بیضه‌های خود را با روغن زنبک خالص، چرب کند.

۶۵ / ۷ هویره

۷۴۸. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هویره [۱۰۲۶] اشکالی نمی بینم. آن، برای بواسیر و درد کمر، خوب است.

۷۵ / ۷ سنجد

۷۴۹. امام صادق علیه السلام: سنجد... کلیه‌ها را گرم می کند، معده را پاک می سازد و مایه

ایمنی از بواسیر و تنگ دستی است. [۱۰۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۶

۸۵ / ۷

الاستِنجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ

۷۵۰. الإمام الصادق عليه السلام: الاستِنجَاءُ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ يَقَطِّعُ الْبُؤَاسِيرَ. [۱۰۲۸]

۹۵ / ۷

الاستِنجَاءُ بِالشُّعْدِ

۷۵۱. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ اسْتَنْجَى بِالشُّعْدِ بَعْدَ الْغَائِطِ وَغَسَلَ بِهِ فَمَهُ بَعْدَ الطَّعَامِ لَمْ تُصَبِّهِ عِلَّةٌ فِي فَمِهِ، وَلَا يَخَافُ شَيْئًا مِنْ

أَرْيَاحِ الْبُؤَاسِيرِ. [۱۰۲۹]

راجع: ج ۱، ص ۴۳۸، (ما یورث البواسیر). ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۶ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِأَوْجَاعِ الْكَبِدِ

۱۶ / ۷

لَبْنُ التَّيْنِ

۷۵۲. الإمام الباقر عليه السلام في حَزَقِيلِ النَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَرَجَتْ قَرْحَةٌ عَلَى كَبِدِهِ فَأَذَتْهُ

فَحَشَعَ لِلَّهِ وَتَذَلَّلَ وَقَعَدَ عَلَى الرَّمَادِ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَنْ خُذْ لَبْنَ التَّيْنِ فَحَكَّهُ عَلَى صَدْرِكَ مِنْ خَارِجٍ، فَفَعَلَ فَسَكَنَ عَنْهُ ذَلِكَ. [۱۰۳۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۷

۸۵ / ۷ طهارت گرفتن با آب سرد

۷۵۰. امام صادق علیه السلام: طهارت گرفتن با آب سرد، بواسیر را از میان می‌برد.

۹۵ / ۷ استنجا با مُشکک

۷۵۱. امام کاظم علیه السلام: هر کس پس از قضای حاجت، با مُشکک، آلودگی مخرج را بزدايد و پس از غذا خوردن نیز دهان

خویش را با مُشکک بشوید، نه بیماری‌ای از بیماری‌های دهان به او می‌رسد و نه از باد بواسیر می‌ترسد.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۳۹ (آنچه بواسیر می‌آورد). ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

۶ / ۷ آنچه برای دردهای کبد، سودمند است

۱۶ / ۷ شیر انجیر

۷۵۲. امام باقر علیه السلام درباره حزقیل علیه السلام: زخمی بر کبد او رسید و او را آزار می‌داد. وی بر درگاه خداوند، زاری و

خشوع کرد و بر خاکستر نشست. پس خداوند

به وی وحی فرستاد که: «شیر انجیر بردار و از بیرون، بر سینه خویش بمال.»

او نیز چنین کرد و آن عارضه از وی برطرف شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۸

۷۵۳. مکارم الأخلاق عن محسن الوشاء: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَ الْكَبِدَ، فَدَعَا بِالْفَاصِدِ فَفَصَدَنِي مِنْ قَدَمِي، وَقَالَ: اشْرَبُوا الْكَاشِمَ لَوَجَعِ الْخَاصِرَةِ. [۱۰۳۱]

۷ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ رِيَاكِ الْبَطْنِ

۱۷ / ۷

الْحَبَّةُ السُّودَاءُ

۷۵۴. طَبَّ الْأَثَمَةُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْجَهْمِ: شَكََا ذَرِيحَ الْمُحَارِبِيِّ قَرَأَرَهُ فِي بَطْنِهِ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: أَمْ تَوَجَّعُكَ؟ قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ الْحَبَّةِ السُّودَاءِ وَالْعَسَلِ لَهَا. [۱۰۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۴۹

۷ / ۲۶ رگزنی

۷۵۳. مکارم الأخلاق به نقل از محسن و شاء: نزد امام صادق علیه السلام از درد کبد، اظهار ناراحتی کردم. امام علیه السلام، رگزنی را خواست و او پای مرا رگ زد. همچنین فرمود: «برای درد پهلو، آب زیره کوهی بنوشید».

۷ / ۷ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است

۷ / ۱۷ سیاه‌دانه

۷۵۴. طَبَّ الْأَثَمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه نَقَلَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ جَهْمٍ: ذَرِيحَ مُحَارِبِي، نَزَدَ إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَظْهَرَ كَرْدَ كِهْ شَكْمِ وَيْ غُرْغُرَ مِي كَنْد. إِمَامُ پَرْسِيد: «آيَا دَرْدِ هَمْ دَارِي؟». كَفْت: آرِي.

فرمود: «چرا برای درمان آن، از سیاه‌دانه و عسل، بهره نمی‌جویی؟».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۰

۲۷ / ۷

الزَّيْتُونُ

۷۵۵. الْكَافِي عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ أَوْ غَيْرِهِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: الزَّيْتُونُ يُهَيِّجُ الرِّيَّاحَ.

فَقَالَ: إِنَّ الزَّيْتُونَ يَطْرُدُ الرِّيَّاحَ. [۱۰۳۳]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۸ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ دَوَابِّ الْبَطْنِ

۱۸ / ۷

حَلُّ الْخَمْرِ

۷۵۶. الإمام على عليه السلام: كُلُوا خَلَّ الْخَمْرِ فَإِنَّهُ يَقْتُلُ الدَّيْدَانَ فِي الْبُطْنِ. [۱۰۳۴]
۷۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: خَلَّ الْخَمْرِ يَقْتُلُ دَوَابَّ الْبُطْنِ. [۱۰۳۵]
۷۵۸. عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِخَلِّ الْخَمْرِ، فَاعْمِسْ فِيهِ؛ فَإِنَّهُ لَا يَبْقَى فِي جَوْفِكَ دَابَّةٌ إِلَّا قَتَلَهَا. [۱۰۳۶]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۱

۲۷ / ۷ زیتون

۷۵۵. الکافی به نقل از اسحاق بن عمار یا راوی دیگری: به امام صادق علیه السلام گفتم: مردم می گویند که زیتون، باد آور است. فرمود: «زیتون، بادیر است».
- ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

۸ / ۷ آنچه برای درمان کرم های شکم، سودمند است

۱۸ / ۷ سرکه شراب

۷۵۶. امام علی علیه السلام: سرکه شراب بخورید؛ چرا که کرم ها را در شکم می کشد. [۱۰۳۷]
۷۵۷. امام صادق علیه السلام: سرکه شراب، جنیندگان شکم را می کشد.
۷۵۸. امام صادق علیه السلام: بر تو باد [خوردن سرکه شراب؛ چرا که هر جنبنده ای را در درونت می کشد.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۲

۲۸ / ۷

أَكَلُ التَّمْرِ عَلَى الرَّيْقِ

۷۵۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا التَّمْرَ عَلَى الرَّيْقِ؛ فَإِنَّهُ يَقْتُلُ الدَّيْدَانَ فِي الْبُطْنِ. [۱۰۳۸]
۷۶۰. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَكَلَ سَعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ عِنْدَ مَنَامِهِ؛ قَتَلَ الدَّيْدَانَ مِنْ بَطْنِهِ. [۱۰۳۹]
- ۹ / ۷

عِلَاجَاتُ أُخْرَى

أُمُحُّ الْبَيْضِ لِعِلَاجِ قَلْعِ الْاسْتِمْرَاءِ

۷۶۱. مكارم الأخلاق عن علي بن محمد بن أشيم: شَكَوْتُ إِلَى الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلْعَ اسْتِمْرَائِي الطَّعَامِ، فَقَالَ: كُلْ مُيْحَ الْبَيْضِ، قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَانْتَفَعْتُ بِهِ. [۱۰۴۰]

بِالتَّفَاحِ لِعِلَاجِ السَّمِّ

۷۶۲. الإمام الكاظم عليه السلام: التَّفَاحُ يَنْفَعُ مِنْ خِصَالِ عِدَّةٍ: مِنَ السَّمِّ، وَ السَّحْرِ، وَ اللَّمَمِ يَعْرِضُ مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ، وَ الْبَلْعَمِ الْغَالِبِ، وَ لَيْسَ شَيْءٌ أَسْرَعَ مِنْهُ مَنَفَعَةً. [۱۰۴۱]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۳

۲۸ / ۷ خرما خوردن ناشتا

۷۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ناشنا خرما بخورید؛ چرا که کرم های شکم را می کشد.

۷۶۰. امام صادق علیه السلام: هر کس به هنگام خواب، هفت خرماى عَجْوَه [۱۰۴۲] بخورد، خرماها کرم‌های شکم او را می‌کشند.

۷ / ۹ درمان‌هایی دیگر

الف زرده تخم‌مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا

۷۶۱. مکارم الأخلاق به نقل از علی بن محمّد بن اشیم: نزد امام رضا علیه السلام از این شکایت کردم که کمتر غذا را گوارا می‌یابم.

فرمود: «زرده تخم‌مرغ بخور».

من این کار را انجام دادم و از آن، سود بردم.

ب سیب برای درمان مسمومیت

۷۶۲. امام کاظم علیه السلام: سیب، برای درمان چند چیز سودمند است: مسمومیت، سحر، جنونی که از زمینیان [۱۰۴۳] پیش می‌آید، و بلغمی که چیره شده باشد. هیچ چیز منفعتش سریع‌تر از این نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۴

ج العلاج بالماء

۷۶۳. الکافی عن ابي طيفور المتطبب: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَهَيْتُهُ عَنْ شُرْبِ الْمَاءِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَمَا بِأَسِّ بِالْمَاءِ؛ وَهُوَ يُدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمَعْدَةِ، وَيُسَكِّنُ الْعَضَبَ، وَيَزِيدُ فِي اللَّبِّ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ. [۱۰۴۴]

۷۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ بَدَأَ بِحُلْوَاءٍ يُفِطِرُ عَلَيْهَا؛ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فُسَيْكِرَةً أَوْ تَمْرَاتٍ، فَإِذَا أَعْوَزَ ذَلِكَ كُلَّهُ فَمَاءٌ فَاتِرٍ. وَكَانَ يَقُولُ: يُنْقَى الْمَعْدَةُ وَالْكَبِدَ، وَيُطَيَّبُ النَّكْهَةَ وَالْفَمَ، وَيُقَوِّى الْأَضْرَاسَ، وَيُقَوِّى الْحَدَقَ وَيَجْلُو التَّيَاطِرَ، وَيَغْسِلُ الذُّنُوبَ غَسْلًا، وَيَسْكُنُ الْعُرُوقَ الْهَائِجَةَ وَالْمِرَّةَ الْغَالِيَةَ، وَيَقْطَعُ الْبَلْغَمَ، وَيُطْفِئُ الْحَرَارَةَ عَنِ الْمَعْدَةِ، وَيَذْهَبُ بِالضُّدَاعِ. [۱۰۴۵]

۷۶۵. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: أَرَوَى فِي الْمَاءِ الْبَارِدِ أَنَّهُ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَيَسْكُنُ الصَّفْرَاءَ، وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ، وَيُذِيبُ الْفُضْلَةَ الَّتِي عَلَى رَأْسِ الْمَعْدَةِ، وَيَذْهَبُ بِالْحُمَى. [۱۰۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۵

ج آب‌درمانی

۷۶۳. الکافی به نقل از ابوطیفور طیب: بر امام کاظم علیه السلام وارد شدم و او را از نوشیدن آب، باز داشتم.

فرمود: «نوشیدن آب، اشکالی ندارد. آب، غذا را در معده می‌چرخاند، خشم را فرو می‌نشانند، بر هوش می‌افزاید و تلخه را خاموش می‌کند».

۷۶۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، به هنگام روزه گشودن، با حلوا افطار می‌کرد. اگر حلوا نبود، با شکرینه‌ای دیگر یا چند دانه خرما، و اگر آن نیز نبود، با آب خالی. می‌فرمود: «آب، معده و کبد را تمیز می‌کند، دهان را خوش‌بو می‌کند، دندان‌ها را محکم می‌سازد، چشم را قدرت می‌دهد و دیده را جلا می‌بخشد، گناهان را از انسان می‌شوید، رگ‌های برآشفته و تلخه تحریک شده را فرو می‌نشانند، بلغم را از میان می‌برد، حرارت را از معده برمی‌دارد، و سردرد را نیز از میان می‌برد».

۷۶۵. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: درباره آب سرد، روایت می‌کنم که حرارت بدن را فرو می‌نشانند، صفرا را آرام می‌سازد، غذا را هضم می‌کند، پس مانده‌ای را که در سرِ معده هست، ذوب می‌سازد و تب را از میان می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۶

د الْعِلَاجُ بِالتَّقْيُوتِ اخْتِياراً

۷۶۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنِ تَقَيَّأَ قَبْلَ أَنْ يَتَقَيَّأَ كَانَ أَفْضَلَ مَنِ سَبَّعِينَ دَوَاءً، وَ يُخْرِجُ الْقَيْءَ عَنِ هَذَا السَّبِيلِ كُلِّ دَاءٍ وَ عِلَّةٍ [۱۰۴۷]. [۱۰۴۸]

۱۰ / ۷

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ انْسِدَادِ الشَّهِيَّةِ

أَلِ الْجُبْنِ

۷۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: نَعِمَ اللُّقْمَةُ الْجُبْنُ، تُعَذِّبُ الْفَمَ، وَ تُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ تَهْضِمُ مَا قَبْلَهُ، وَ تُشَهِّي الطَّعَامَ. [۱۰۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۶۴ (خواص الجبن).

ب الْحَوْكُ

۷۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ، أَمَا إِنَّ فِيهِ ثَمَانَةَ خِصَالٍ: يُمِرُّ، وَ يَفْتَحُ الشَّدَدَ، وَ يُطَيِّبُ الْجُشَاءَ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَسْلُ الدَّاءَ... [۱۰۵۰]

راجع: ج ۲، ص ۱۹۶ (البازروج [الحوك]).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۷

د درمان باقی کردن عمدی

۷۶۶. امام باقر علیه السلام: هر کس پیش از آن که خود به خود، حالش به هم بخورد، عمداً قی کند، [این کار] از هفتاد دارو بهتر است و این نوع قی کردن، هر درد و بیماری‌ای را [که در او هست، از تنش بیرون می‌آورد]. [۱۰۵۱]

۱۰ / ۷ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است

الف پنیر

۷۶۷. امام صادق علیه السلام: چه نیکو لقمه‌ای است پنیر! دهان را تر و تازه می‌کند، بوی دهان را خوش می‌سازد، غذای پیشین را هضم می‌کند و برای غذای بعد، اشتها را باز می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۶۵ (خواص پنیر).

ب حوک

۷۶۸. امام صادق علیه السلام: حوک، سبزی پیامبران است. بدانید که در آن، هشت ویژگی است: هضم کننده است؛ گرفتگی‌های عروق و مجاری را می‌گشاید؛ آروغ را خوش بو می‌سازد؛ دهان را بوی خوش می‌بخشد؛ اشتها آور است؛ و درد را [از بدن بیرون می‌کشد].

ر. ک: ج ۲، ص ۱۹۷ (بادروج [حوک]).

الفصل الثامن: الدّم و الطّحال

۱ / ۸

عَلَامَاتُ أَمْرَاضِ الدَّمِ

۷۶۹. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلدَّمِ وَهَيْجَانَهُ ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ: الْبَثْرَةُ [۱۰۵۲] فِي الْجَسَدِ، وَ الْحِكَّةُ، وَ دَيْبِ الدَّوَابِّ. [۱۰۵۳]

۷۷۰. أبو الحسن عليه السلام: عَلَامَاتُ الدَّمِ أَرْبَعٌ: الْحِكَّةُ، وَ الْبَثْرَةُ وَ النَّعَاسُ، وَ الدَّوْرَانُ. [۱۰۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۵۹

فصل هشتم: خون و سپرز

۱ / ۸ نشانه‌های بیماری‌های خون

۷۶۹. امام صادق علیه السلام: خون و جوش آمدنش، سه نشانه دارد: جوششی که از اندام بر آید، خارش، و حرکت

جنبندگان. [۱۰۵۵]

۷۷۰. امام کاظم علیه السلام: خون (غلبه خون) را چهار نشانی است: خارش، جوش، چرت زدگی و سرگیجه.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۰

۲ / ۸

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ أَمْرَاضِ الدَّمِ

أَسْوِيقُ الْعَدَسِ

۷۷۱. الإمام الصادق عليه السلام إذا هَاجَ الدَّمُ بِأَحَدٍ مِنْ حَشَمِهِ قَالَ لَهُ: اشْرَبْ مِنْ سَوِيقِ الْعَدَسِ؛ فَإِنَّهُ يُسَيِّئُ كُنْ هَيْجَانَ الدَّمِ وَ يُطْفِئُ

الْحَرَارَةَ. [۱۰۵۶]

بِ الْإِجَاصِ

۷۷۲. الكافي عن زياد القندي: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ تَوْرٌ مَاءٍ فِيهِ إِجَاصٌ أَسْوَدٌ فِي إِبَانِهِ.

فَقَالَ: إِنَّهُ هَاجَتْ بِي حَرَارَةٌ وَ أَنَّ الْإِجَاصَ الطَّرِيَّ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ يُسَيِّئُ كُنْ الصَّفْرَاءَ، وَ إِنَّ الْيَابِسَ مِنْهُ يُسَيِّئُ كُنْ الدَّمِ، وَ يَسِيلُ الدَّاءَ

الدَّوِيَّ. [۱۰۵۷]

جِ السَّلْقُ

۷۷۳. الإمام الرضا عليه السلام في فَوَائِدِ السَّلْقِ: يَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ يُصَفِّي الدَّمِ. [۱۰۵۸]

دِ الْحَسِّ

۷۷۴. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْحَسِّ؛ فَإِنَّهُ يُصَفِّي الدَّمِ. [۱۰۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۱

۲ / ۸ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است

الف سويق عدس

۷۷۱. امام صادق علیه السلام هنگامی که خون کسی از خدمتگزارانش جوش می‌آمد، به وی می‌فرمود: قدری سویق عدس بخور؛ چرا که جوشش خون را آرام می‌کند و حرارت را فرو می‌نشاند.

ب آلو

۷۷۲. الکافی به نقل از زیاد قندی: بر امام کاظم علیه السلام در آمدم، در حالی که نزد وی، ظرف آبی قرار داشت و چند آلوی سیاه که در همان زمان، هنگام چیدنش بود در آن دیده می‌شد. فرمود: «حرارت در من بالا- گرفته و آلوی تازه، حرارت را خاموش می‌کند و صفرا را فرو می‌نشاند. خشک آن نیز خون را آرام می‌کند و دردهای بی‌درمان را از تن، بیرون می‌کشد».

ج چغندر

۷۷۳. امام رضا علیه السلام در فواید چغندر: عقل را استحکام می‌بخشد و خون را تصفیه می‌کند. [۱۰۶۰]

د کاهو

۷۷۴. امام صادق علیه السلام: بر شما باد کاهو؛ چرا که خون را تصفیه می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۲

ه الحجامه

۷۷۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: احتجموا إذا هاج بكم الدم؛ فإنَّ الدمَ ربَّما تبيغ بصاحبه فيقتله. [۱۰۶۱]

۷۷۶. عنه صلی الله علیه و آله: الداء ثلاثة و الدواء ثلاثة؛ فأما الداء: فالدم و المرء و البلغم؛ فدواء الدم الحجامه، و دواء البلغم الحمام،

و دواء المرء المشي. [۱۰۶۲]

و أكل السمك الطري بعد الحجامه

۷۷۷. الکافی عن محمد بن یحیی: کتب بعض أصحابنا إلى أبي محمد عليه السلام يشكو إليه دما و صفراء، فقال: إذا احتجمت هاجت

الصفراء و إذا أخرت الحجامه أضرتني الدم، فما ترى في ذلك؟

فكتب عليه السلام: احتجم و كل على أثر الحجامه سمكا طريا كبابا.

قال: فأعدت عليه المسألة بعينها.

فكتب عليه السلام: احتجم و كل على أثر الحجامه سمكا طريا كبابا بماء و ملح.

قال: فاستعملت ذلك فكنت في عافيه و صار غذاي. [۱۰۶۳]

ز أكل الرمان بعد الحجامه

۷۷۸. مکارم الأخلاق عن زيد الشحام: كنت عند أبي عبد الله عليه السلام فدعا بالحجام فقال له: اغسل محاجمك و علقها. و دعا

برمانه فأكلها. فلما فرغ من الحجامه دعا برمانه اخرى فأكلها، و قال: هذا يطفي المراز. [۱۰۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۳

ه حجامت

۷۷۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خون در درونتان به جوش می‌آید، حجامت کنید؛ چرا که خون، گاه ممکن است در درون

شخص، طغیان کند و وی را بکشد.

۷۷۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: درد، سه چیز است و درمان نیز سه چیز. اُمّیا درد، عبارت است از: خون، تلخه و بلغم. درمان خون، حجامت است، درمان بلغم، حَمَام است، و داروی تلخه نیز راه رفتن. [۱۰۶۵]

و خوردن ماهی تازه پس از حجامت

۷۷۷. الکافی به نقل از محمد بن یحیی: یکی از شیعیان به امام عسکری علیه السلام نامه نوشت و از خون و صفرا به وی اظهار ناراحتی کرد و نوشت: چون حجامت می‌کنم، صفرا به جوش می‌آید و چون حجامت را به تأخیر می‌افکنم، خون، مرا زیان می‌رساند. چاره را در چه می‌بینی؟

امام نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب‌شده بخور».

این پرسش را دیگر بار تکرار کردم. او نوشت: «حجامت کن و در پی حجامت، ماهی تازه کباب‌شده همراه با آب و نمک بخور». این کار را عیناً انجام دادم و از آن پس، هماره در عافیت بودم و آن، خوراک من شده بود.

ز خوردن انار پس از حجامت

۷۷۸. مکارم الأخلاق به نقل از زید شحّام: نزد امام صادق علیه السلام بودم که حجامت‌گری را طلبید. پس به او فرمود: «ابزارهای حجامت خود را بشوی و بیاویز».

آن‌گاه، اناری طلبید و خورد. چون حجامت را به پایان برد، انار دیگری طلبید و خورد و فرمود: «این، تلخه را فرو می‌نشاند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۴

۷۷۹. الإمام العسکریّ علیه السلام: كُلِّ الرُّمَانَ بَعْدَ الْحِجَامَةِ رُمَانًا حُلُوا؛ فَإِنَّهُ يُسَكِّنُ الدَّمَ، وَ يُصَفِّي الدَّمَ فِي الْجَوْفِ. [۱۰۶۶]

ح الفَصْدُ

۷۸۰. الإمام الرضا علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُحْرِقَهُ السُّودَاءُ، فَعَلَيْهِ بِالْقَيْءِ، وَ فَصِدِ الْعُرُوقِ، وَ الْإِطْلَاءِ بِالتُّورَةِ. [۱۰۶۷]

۳ / ۸

مَا يُؤَلِّدُ الدَّمَ النَّقَى

أ الْبَاقِلَاءُ

۷۸۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَكَلُ الْبَاقِلِيِّ يُمَخِّخُ السَّاقِينَ، وَ يَزِيدُ فِي الدَّمَاغِ، وَ يُؤَلِّدُ الدَّمَ الطَّرِيَّ. [۱۰۶۸]

ب الرُّمَانُ

۷۸۲. الإمام الرضا علیه السلام: مُصَّ مِنَ الرُّمَانِ الْإِمْلِسِيِّ [۱۰۶۹]؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّى النَّفْسَ، وَ يُحْيِي الدَّمَ. [۱۰۷۰]

راجع: ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۱۸۱۲.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۵

۷۷۹. امام حسن عسکری علیه السلام: پس از حجامت، انار بخور، اناری شیرین؛ چرا که خون را فرو می‌نشاند و خون را در درون، تصفیه می‌کند.

ح رگزنی

۷۸۰. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد سودا [۱۰۷۱] او را نسوزاند، [۱۰۷۲] بر او بادقی کردن، رگ زدن و نوره کشیدن.

الف باقلا

۷۸۱. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا، استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون تازه تولید می‌کند.

ب انار

۷۸۲. امام رضا علیه السلام: آب انار مَلَسِ بِمَكِّ؛ زیرا انسان را قوی می‌کند و خون را زنده می‌سازد. [۱۰۷۳]

ر. ک: ج ۲، ص ۳۶۷ ح ۱۸۱۲.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۶

۴ / ۸

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ وَجَعِ الطَّحَالِ

۷۸۳. الإمام الصادق عن الإمام الباقر عليهما السلام: شَكَا إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَجَعِ الطَّحَالِ، وَقَدْ عَالَجَهُ بِكُلِّ عِلَاجٍ وَ أَنَّهٗ يَزِدَادُ كُلَّ يَوْمٍ شَرًّا حَتَّى أَشْرَفَ عَلَى الْهَلَكَةِ.

فَقَالَ لَهُ: اشْتَرِ بَقِطْعِيَةً فَضْضِ كُرَاتِنَا وَ أَقْلِهِ قَلِيًا جَيِّدًا بِسَمِّ عَرَبِيٍّ، وَ أَطْعِمِ مَنْ بِهِ هَذَا الْوَجْعَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ؛ فَإِنَّهُ إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ بَرَأَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. [۱۰۷۴]

۷۸۴. الكافي عن موسى بن بكر: اشْتَكَى غُلامٌ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَسَأَلَ عَنْهُ، فَقِيلَ: بِهِ طُحَالٌ.

فَقَالَ: أَطْعِمُوهُ الْكُرَاتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ. فَأَطْعَمْنَاهُ، فَقَعَدَ الدَّمُ [۱۰۷۵]، ثُمَّ بَرِيَ. [۱۰۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۷

۸ / ۴ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است

۷۸۳. امام صادق علیه السلام درباره امام باقر علیه السلام: مردی از دوستان وی، نزد او از درد طحال اظهار ناراحتی کرد، در حالی که پیش‌تر هر درمانی را برای این درد به کار بسته بود، اما هر روز بر درد وی افزوده می‌شد تا جایی که در آستانه مرگ قرار گرفته بود.

[امام باقر علیه السلام به او فرمود: «با سگه‌ای نقره، قدری تره بخر و آن را در روغن عربی، کاملاً بجوشان و هر کس را که چنین دردی دارد، سه روز از این بخوران؛ چرا که اگر چنین کند، به خواست خداوند، بهبود خواهد یافت».

۷۸۴. الكافي به نقل از موسى بن بكر: یکی از غلامان امام کاظم علیه السلام، بیمار شد. امام علیه السلام از حال او پرسید. گفتند: بیماری طحال گرفته است.

فرمود: «سه روز به او تره بخوراند».

ما آن را به او خوراندیم. پس خون فرونشست، [۱۰۷۷] و سپس، بهبود یافت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۸

۱ / ۹

صِحَّةُ الْجِلْدِ

۱۱ / ۹

النَّظَافَةُ

۷۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقَّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْسِلُ فِيهِ رَأْسَهُ وَجَسَدَهُ. [۱۰۷۸]

۷۸۶. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ تَحْتَ كُلِّ شَعْرَةٍ جَنَابَةٌ؛ فَاغْسِلُوا الشَّعْرَ، وَأَنْقُوا الْبَشَرَ. [۱۰۷۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۶۹

فصل نهم: پوست

۱ / ۹ بهداشت پوست

۱۱ / ۹ پاکیزگی

۷۸۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر هر مسلمان، لازم است که در هر هفت روز یک بار، غسل کند و در آن، سر و تن خود را بشوید.

۷۸۶. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: در زیر هر مویی جنابتی است. پس موها را بشوید و پوست را پاکیزه کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۰

۲۱ / ۹

التَّدهِينُ

أَخْوَاصُ التَّدهِينِ

۷۸۷. الإمام علي عليه السلام: الدُّهْنُ يُلَيِّنُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الدَّمَاعِ، وَيُسَهِّلُ مَجَارِيَ الْمَاءِ، وَيُذْهِبُ الْقَشْفَ، وَيُسْفِرُ اللَّوْنَ. [۱۰۸۰]

۷۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالسَّوْءِ. [۱۰۸۱]

۷۸۹. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا تُشْفَقَ شَفَاتُهُ، وَلَا يَخْرُجَ فِيهَا نَاسُورٌ، فَلْيُدْهِنْ حَاجِيَهُ. [۱۰۸۲]

ب أَفْضَلِ أَوْقَاتِ التَّدهِينِ

۷۹۰. الإمام الحسين عليه السلام: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: يَا بُنَيَّ... وَأَدْهِنْ عَيْنًا تَشَبَّهُ بِسُنَّةِ نَبِيِّكَ. [۱۰۸۳]

۷۹۱. الإمام الباقر عليه السلام: دُهْنُ اللَّيْلِ يَجْرِي فِي الْعُرُوقِ، وَيُرَوِّي الْبَشْرَةَ، وَيُبَيِّضُ الْوَجْهَ. [۱۰۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۱

۲۱ / ۹ مالیدن روغن به بدن

الف خواص جرب کردن پوست

۷۸۷. امام علی علیه السلام: روغن، پوست را نرم می کند، بر توان مغز می افزاید، مجاری آب را در بدن می گشاید، کثافت پوست را از میان می برد و رنگ را روشن تر می کند.

۷۸۸. امام صادق علیه السلام: روغن، بدی را از میان می‌برد.

۷۸۹. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد که لب‌هایش نترکد و از آن ناسور [۱۰۸۵] بیرون نزنند، به ابروهای خود، روغن بمالد. [۱۰۸۶]

ب بهترین زمان برای روغن زدن

۷۹۰. امام حسین علیه السلام: پیامبر خدا به من فرمود: «فرزندم!... یک روز در میان، روغن بمال تا به سنت پیامبرت عمل کرده باشی».

۷۹۱. امام باقر علیه السلام: روغن [مالیدن شبانه، در رگ‌ها جریان می‌یابد و پوست را آبیاری و چهره را سفید می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۲

۷۹۲. الکافی عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اخَالِطُ أَهْلَ الْمُرُوءَةِ مِنَ النَّاسِ وَقَدْ أَكْتَفَى مِنَ الدَّهْنِ بِالْيَسِيرِ، فَأَتَمَسَّحُ بِهِ كُلَّ يَوْمٍ، فَقَالَ: مَا أَحْبُّ لَكَ ذَلِكَ.

فَقُلْتُ: يَوْمٌ وَيَوْمٌ لَّا.

فَقَالَ: وَمَا أَحْبُّ لَكَ ذَلِكَ.

قُلْتُ: يَوْمٌ وَيَوْمَيْنِ لَّا.

فَقَالَ: الْجُمُعَةُ إِلَى الْجُمُعَةِ يَوْمٌ وَيَوْمَيْنِ. [۱۰۸۷]

ج اَدِّهَانَ بِالْبَنْفَسِجِ

۷۹۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: اَدِّهِنُوا بِالْبَنْفَسِجِ؛ فَإِنَّهُ [۱۰۸۸] بَارِدٌ فِي الصَّيْفِ وَ حَارٌّ فِي الشِّتَاءِ. [۱۰۸۹]

۷۹۴. الإمام الصادق عليه السلام: الْبَنْفَسِجُ سَيِّدُ أَدْهَانِكُمْ. [۱۰۹۰]

۷۹۵. عنه عليه السلام: مَثَلُ الْبَنْفَسِجِ فِي الْأَدْهَانِ مَثَلُنَا فِي النَّاسِ. [۱۰۹۱]

۷۹۶. عنه عليه السلام: فَضْلُ الْبَنْفَسِجِ عَلَى الْأَدْهَانِ كَفَضْلِ الْإِسْلَامِ عَلَى الْأَدْيَانِ. نِعَمَ الدُّهْنُ

الْبَنْفَسِجِ، لِيَذْهَبَ بِالذَّاءِ مِنَ الرَّأْسِ وَالْعَيْنَيْنِ، فَادِّهِنُوا بِهِ. [۱۰۹۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۳

۷۹۲. الکافی به نقل از اسحاق بن عمار: به امام صادق علیه السلام گفتم: من با مردمانی اهل مروّت (و سرشناس) آمیزش دارم و به

مقدار اندکی روغن بسنده می‌کنم. آیا هر روز، اندکی بر خویش بمالم؟

فرمود: «این را برای تو دوست ندارم».

گفتم: یک روز در میان؟

فرمود: «این را هم برایت نمی‌پسندم».

گفتم: دو روز در میان؟

فرمود: «جمعه تا جمعه، یک روز و دو روز».

ج چرب کردن با روغن بنفشه

۷۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: با روغن بنفشه، بدن خود را چرب کنید؛ چرا که آن در تابستان، سرد و در زمستان، گرم است.

۷۹۴. امام صادق علیه السلام: بنفشه، مهتر همه روغن‌های شماست.

۷۹۵. امام صادق علیه السلام: حکایت بنفشه در میان روغن‌ها، حکایت ما در میان مردم است. [۱۰۹۳]

۷۹۶. امام صادق علیه السلام: برتری بنفشه بر دیگر روغن‌ها به سان برتری اسلام بر دیگر ادیان است. بنفشه، خوب روغنی است! درد را از سر و چشمان می‌برد.

خود را بدان، چرب کنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۴

۷۹۷. الکافی عن محمد بن فیض: ذُکِرَتْ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْأَدْهَانُ، فَذُكِرَ الْبَنْفَسِجُ وَفَضْلُهُ، فَقَالَ: نَعَمْ الدُّهْنُ الْبَنْفَسِجُ! اَدَّهِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّ فَضْلَهُ عَلَى الْأَدْهَانِ كَفَضْلِنَا عَلَى النَّاسِ. [۱۰۹۴]

۷۹۸. الإمام الرضا عليه السلام: إذا أزدت ألما يظهر في يديك يثره ولا- غيرها، فابدأ عند دخول الحمام بدهن يديك، بدهن البنفسج. [۱۰۹۵]

۷۹۹. الکافی عن علی بن أسباط رفعه: دهن الحاجین بالبنفسج يذهب بالصداع. [۱۰۹۶]

د الأدهان بالزيت

۸۰۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: كلوا الزيت، وادهنوا بالزيت؛ فإنه من شجرة مباركة. [۱۰۹۷]

۸۰۱. الإمام علي عليه السلام: ادهنوا بالزيت واثدوا به؛ فإنه دهنه الأختيار، وإدام المصطفين. [۱۰۹۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۵

۷۹۷. الکافی به نقل از محمد بن فیض: نزد امام صادق علیه السلام از روغن‌ها سخن به میان آوردند و از آن جمله، از بنفشه و برتری آن گفتند.

فرمود: «بنفشه، خوب روغنی است! خود را با آن چرب کنید که برتری آن بر روغن‌ها، به سان برتری ما بر مردمان است».

۷۹۸. امام رضا علیه السلام: اگر می‌خواهی که در بدنت جوش و جز آن رخ ننماید، هنگام در آمدن به حمام، چرب کردن بدن خود را به روغن بنفشه، آغاز کن.

۷۹۹. الکافی به نقل از علی بن اسباط در حدیثی که سند آن را به معصوم رساند: مالیدن روغن بنفشه به ابروها، سردرد را از میان می‌برد.

د مالیدن روغن زیتون به بدن

۸۰۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: زیتون بخورید و خود را با روغن زیتون چرب کنید؛ چرا که آن، از درختی خجسته است.

۸۰۱. امام علی علیه السلام: به روغن زیتون، خود را چرب کنید و از آن، خورش سازید؛ چرا که آن، روغن نیکان و خورش برگزیدگان است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۶

ه الإدهان بالبأن

۸۰۲. الإمام الصادق عليه السلام: نعم الدهن البأن! [۱۰۹۹]

۸۰۳. عنه عليه السلام: البأن دهن ذكرك، نعم الدهن البأن، وإنه ليعجني الخلق. [۱۱۰۰]

و الأدهان بالزيت

۸۰۴. الکافی عن السیاری رفعه، قال: قال النبي صلى الله عليه وآله: إنه ليس شيء خيرا للجسد من دهن الزبقي. يعنى الزارقى. [۱۱۰۱]

ز الأدهان بالخيري

۸۰۵. الإمام الصادق عليه السلام و ذكر دهن البنفسج فركاه، ثم قال: وإن الخيري لطيف. [۱۱۰۲]

۳۱ / ۹

استعمال الخطمي

۸۰۶. الإمام الصادق عليه السلام: غسل الرأس بالخطمي نشرة. [۱۱۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۷

ه استفاده از روغن بان

۸۰۲. امام صادق عليه السلام: خوب روغنی است روغن بان [۱۱۰۴]!

۸۰۳. امام صادق عليه السلام: بان، روغن مردانه است. چه خوب روغنی است بان؛ اما من از خلوق، خوشم می آید.

و استفاده از روغن زنبق

۸۰۴. الكافي به نقل از سیاری در حدیثی که سند آن را به پیامبر خدا رساند: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «برای بدن،

هیچ چیز از روغن زنبق (رازقی) بهتر نیست».

ز استفاده از خیری

۸۰۵. امام صادق عليه السلام از روغن بنفشه نام برد و آن را ستود و سپس فرمود: خیری، [۱۱۰۵] نرم و لطیف است.

۳۱ / ۹ استفاده از خطمی

۸۰۶. امام صادق عليه السلام: شستن سر با خطمی، مایه شادابی است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۸

۸۰۷. عنه عليه السلام: النشرة في عشرة أشياء: ... و غسل الرأس بالخطمي في الحمام وغيره. [۱۱۰۶]

۸۰۸. الإمام علي عليه السلام: غسل الرأس بالخطمي يذهب بالدرن، و ينفي الأقداء. [۱۱۰۷]

۴۱ / ۹

الخضاب

۸۰۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: عليكم بسيد الخضاب الحناء؛ فإنه يطيب البشرة، و يزيد في الجماع. [۱۱۰۸]

۸۱۰. عنه صلى الله عليه و آله: من اطلی و اختضب بالحناء آمنه الله تعالى من ثلاث خصال: الجذام، و البرص، و الأكله إلى طليته

مثلها. [۱۱۰۹]

۸۱۱. الإمام الصادق عليه السلام: الحناء على أثر النورة أمان من الجذام و البرص. [۱۱۱۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۷۹

۸۰۷. امام صادق عليه السلام: شادابی، در ده چیز است: ... و شستن سر با خطمی در حمام و غیر آن.

۸۰۸. امام علی علیه السلام: شستن سر با خطمی، چرک را می برد و آلودگی ها را از میان برمی دارد.

۴۱/۹ خضاب کردن

۸۰۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مهتر همه خضاب‌ها، حنا، که پوست را پاکیزه می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.
۸۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس حنا بر بدن خود بمالد و با آن خضاب کند، خداوند، او را تا هنگامی که بخواهد دیگر بار خضاب کند، از سه چیز در امان می‌دارد: جذام، پیسی و خوره.
۸۱۱. امام صادق علیه السلام: حنا کردن، در پی نوره کشیدن، مایه ایمنی از جذام و پیسی است.
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۰

۵۱/۹

افْتِتَاحُ الطَّعَامِ بِالْمِلْحِ

۸۱۲. رسول الله صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلَيْكَ بِالْمِلْحِ؛ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِّنْ سَبْعِينَ دَاءً؛ أَدْنَاهُمَا الْجُدَامُ، وَالْبَرَصُ، وَالْجُنُونُ. [۱۱۱۱]
۸۱۳. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْأَبْيَضِينَ الْخُبْزِ وَالرُّقَّةِ، يَعْنِي الْمِلْحَ... وَإِنَّ فِي الرُّقْمَةِ أَمَانًا [۱۱۱۲] مِنَ الْجُدَامِ، وَالْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ. [۱۱۱۳]
- راجع: ج ۲ ص ۴۹۴ (الملح).

۶۱/۹

شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ

۸۱۴. الإمام الصادق عليه السلام: شُرْبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يُبَيِّتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۱۱۴]

۷۱/۹

البَطِيخُ

۸۱۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ؛ هُوَ طَعَامٌ، وَشَرَابٌ، وَاشْنَانٌ، وَرِيحَانٌ، وَيَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَيَغْسِلُ الْبَطْنَ، وَيُكَيِّرُ مَاءَ الظَّهْرِ، وَيَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَيَقَطِّعُ الْبِرُودَةَ، وَيُنْقِي الْبَشْرَةَ. [۱۱۱۵]
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۱

۵۱/۹ آغاز کردن غذا با نمک

۸۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امام علی علیه السلام: بر تو باد نمک؛ چرا که در آن، شفای هفتاد درد است که کمترین آنها جذام، پیسی و دیوانگی است.
۸۱۳. امام صادق علیه السلام: بر شما باد آن دو سفید: نان و نمک... که ایمنی از جذام و پیسی و دیوانگی، در نمک است.
- ر. ک: ج ۲، ص ۴۹۵ (نمک).

۶۱/۹ نوشیدن سویق با روغن زیتون

۸۱۴. امام صادق علیه السلام: نوشیدن سویقی [۱۱۱۶] که با روغن زیتون فراهم آمده باشد، گوشت را می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

۷۱/۹ خربزه

۸۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن خریزه؛ چرا که در آن ده، ویژگی است: غذاست؛ آب است؛ شستشو دهنده است، [۱۱۱۷] خوش بو کننده است؛ مthane را می شوید؛ شکم را می شوید؛ آب کمر را فراوان می سازد؛ نیروی همبستری را می افزایش؛ سردی را از میان برمی دارد؛ و پوست را تمیز می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۲

۸۱ / ۹

الْغُبَيْرَاءُ

۸۱۶. الإمام الصادق علیه السلام: الْغُبَيْرَاءُ لَحْمُهُ يُنَبِّتُ اللَّحْمَ، وَ عَظْمُهُ يُنَبِّتُ الْعَظْمَ، وَ جِلْدُهُ يُنَبِّتُ الْجِلْدَ،... وَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۱۸]

۹۱ / ۹

الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ

۸۱۷. مكارم الأخلاق عن الإمام الصادق علیه السلام: أَرْبَعَةُ أَشْيَاءَ تَجْلُو الْبَصَرَ وَ يَنْفَعْنَ وَ لَا يَضُرُّنَّ، فَسُئِلَ عَنْهُنَّ، فَقَالَ: السَّعْتَرُ وَ الْمِلْحُ إِذَا اجْتَمَعَا، وَ الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ إِذَا اجْتَمَعَا.

فَقِيلَ لَهُ: وَ لِمَا تَصْلُحُ هَذِهِ الْأَرْبَعَةُ إِذَا اجْتَمَعَتْ؟

فَقَالَ: الْتَانِخَوَاهُ وَ الْجَوْزُ يُحْرِقَانِ الْبَوَاسِيرَ، وَ يَطْرُدَانِ الرِّيحَ، وَ يُحَسِّنَانِ اللَّوْنَ... [۱۱۱۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۳

۸۱ / ۹ سنجد

۸۱۶. امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می رویاند، هسته اش استخوان را رشد می دهد، پوستش پوست را می پرورد... رگ جدام را به کلی از میان می برد.

۹۱ / ۹ نانخواه و گردو

۸۱۷. امام صادق علیه السلام: چهار چیز، چشم را جلا می دهد، سودمند است و هیچ زیانی ندارد.

درباره آنها از امام علیه السلام پرسیدند. فرمود: «آویشن و نمک، وقتی با هم باشند، و نانخواه [۱۱۲۰] و گردو، وقتی با هم باشند».

به آن حضرت گفتند: این چهار چیز وقتی با هم باشند، به چه کار می آیند؟

فرمود: «نانخواه و گردو، بواسیر را می سوزانند، باد را دور می کنند و رنگ پوست را زیبا می سازند...».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۴

۱۰۱ / ۹

الْبَصَلُ

۸۱۸. الإمام الصادق علیه السلام: الْبَصَلُ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ، وَ يُرِقُّ الْبَشْرَةَ. [۱۱۲۱]

۸۱۹. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلْتُمْ بَلَدَهُ وَ بَيْتًا فَخِفْتُمْ وَ بَاءَهَا، فَعَلَيْكُمْ بِبَصَلِهَا؛ فَإِنَّهُ يُجَلِّي الْبَصِيرَةَ، وَ يُنْقِي الشَّعْرَ، وَ يَزِيدُ فِي

مَاءِ الصُّلْبِ، وَ يَزِيدُ فِي الْخُطَى، وَ يَذْهَبُ بِالْحَمَا وَ هُوَ السَّوَادُ فِي الْوَجْهِ وَ الْإِعْيَاءِ أَيْضًا. [۱۱۲۲]

۱۱۱ / ۹

السَّنَا

۸۲۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي السَّنَا لَبَلَّغُوا كُلَّ مِثْقَالٍ مِنْهُ بِمِثْقَالَيْنِ مِنْ ذَهَبٍ! أَمَا إِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْبَهَقِ وَالْبَرَصِ وَالْجُذَامِ وَالْجُنُونِ وَالْفَالِجِ وَاللَّقْوَةَ... وَيُؤَخِّدُ مَعَ الزَّيْبِ الْأَحْمَرَ الَّذِي لَا نَوَى لَهُ، وَيُجْعَلُ مَعَهُ هَلِيلَجٌ كَائِلِيٌّ وَأَصْفَرٌ وَأَسْوَدٌ أَجْزَاءً سَوَاءً، يُؤَخِّدُ عَلَى الرَّيْقِ مِقْدَارُ ثَلَاثَةِ دَرَاهِمٍ، وَإِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ مِثْلُهُ، وَهُوَ سَيِّدُ الْأَدْوِيَةِ. [۱۱۲۳]

۱۲۱/۹

دَوْرُ الْمَشْمُومَاتِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

۸۲۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: شُمُوا النَّرَجِسَ وَ لَوْ فِي الْيَوْمِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الْإِسْبُوعِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الشَّهْرِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي السَّنَةِ مَرَّةً، وَ لَوْ فِي الدَّهْرِ مَرَّةً؛ فَإِنَّ فِي الْقَلْبِ حَبَّةً مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُذَامِ وَالْبَرَصِ، وَ شَمُّهُ يَدْفَعُهَا. [۱۱۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۵

۱۰۱/۹ پیاز

۸۱۸. امام صادق علیه السلام: پیاز، دهان را خوش بو می کند، پشت را قوی می سازد و پوست را نرمی می دهد.

۸۱۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه وارد آبادی و با زدهای شدید و از وبای آن ترسیدید، از پیاز آن جا بخورید؛ زیرا که آن، چشم را جلا می دهد، مو را پاکیزه می گرداند، آب کمر را زیاد می کند، گامها را سرعت می بخشد، تیرگی چهره را می برد و خستگی را نیز می زداید.

۱۱۱/۹ گیاه سنا [۱۱۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۴۸۵

۸۲۰. امام صادق علیه السلام: اگر مردم می دانستند گیاه سنا [۱۱۲۶] چه خواصی دارد، ارزش هر مثقال آن را به اندازه دو مثقال طلا می رسانند. هان! بدانید که این گیاه، مایه ایمنی یافتن از بهک، پیسی، جذام، دیوانگی، فلج و لقوه است. باید آن را با کشمش سرخ و بدون هسته، همراه با مقداری برابر از هلیله کابلی، زرد و سیاه، و به صورت ناشتا، به اندازه سه درهم، مصرف کرد و هنگامی که به بستر خواب می روی نیز، همین اندازه مصرف کن، که این، مهتر همه داروهاست.

۱۲۱/۹ تأثیر بوییدنی ها در پیشگیری از بیماری های پوستی

۸۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نرگس را بویید، هر چند روزی یک بار، هر چند هفته ای یک بار، هر چند ماهی یک بار، هر چند سالی یک بار و هر چند در همه عمر، یک بار؛ چرا که در قلب، هسته ای از دیوانگی، جذام و پیسی وجود دارد و بوییدن نرگس، آن را دور می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۶

۱۳۱/۹

دَوْرُ الْحِجَامَةِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ وَ مُعَالَجَتِهَا

۸۲۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْحِجَامَةَ فِي الرَّأْسِ دَوَاءٌ مِنْ دَاءِ الْجُنُونِ، وَالْجُذَامِ، وَالْعَشَا، وَالْبَرَصِ، وَالصُّدَاعِ. [۱۱۲۷]

۸۲۳. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْحِجَامَةِ فِي جَوْزَةِ الْقَمَحْدُوَّةِ؛ فَإِنَّهُ دَوَاءٌ مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً، وَ حَمْسِيَّةِ أَدْوَاءِ مِنَ الْجُنُونِ، وَ الْجُذَامِ، وَ الْبَرَصِ، وَ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ. [۱۱۲۸]

۸۲۴. عنه صلى الله عليه و آله: مَنْ احْتَجَمَ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ لِسَبْعِ عَشْرَةَ، أَوْ تِسْعِ عَشْرَةَ، أَوْ لِاحْدَى وَعِشْرِينَ مِنَ الشَّهْرِ كَانَتْ لَهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ مِنْ أَدْوَاءِ السَّنَةِ كُلِّهَا، وَكَانَتْ لِمَا سِوَى ذَلِكَ شِفَاءً مِنْ وَجَعِ الرَّأْسِ، وَ الْأَصْرَاسِ، وَ الْجُنُونِ، وَ الْجُدَامِ، وَ الْبَرَصِ. [۱۱۲۹]

۸۲۵. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ الْحِجَامَةَ... الَّتِي تَوْضَعُ بَيْنَ الْكِتْفَيْنِ تَنْفَعُ مِنَ الْخَفَقَانِ الَّذِي يَكُونُ مَعَ الْإِمْتِلَاءِ وَ الْحَرَارَةِ. وَ الَّتِي تَوْضَعُ عَلَى السَّاقَيْنِ قَدْ يَنْقُصُ مِنَ الْإِمْتِلَاءِ فِي الْكُلِيِّ، وَ الْمَثَانَةِ، وَ الْأَرْحَامِ، وَ يُدِرُّ الطَّمْثَ غَيْرَ أَنَّهَا مَنْهَكَةٌ لِلْجَسَدِ، وَ قَدْ تَعَرَّضُ مِنْهَا الْعَشْوَةُ الشَّدِيدَةُ [۱۱۳۰]، إِلَّا أَنَّهَا نَافِعَةٌ لِدَوَى الْبَثُورِ وَ الدَّمَامِيلِ. [۱۱۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۷

۱/۹ اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی

۸۲۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: حجامت در سر، درمانی برای دیوانگی، جذام، شب کوری، پیسی و سزرد است.

۸۲۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد حجامت در استخوان پس سر؛ چرا که درمان ۷۲ بیماری است و درمان پنج بیماری، از جمله: دیوانگی، جذام، پیسی و دندان درد است.

۸۲۴. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس در روز سه‌شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه حجامت کند، این حجامت برای وی شفای همه دردهای سال خواهد بود و افزون بر آن، شفای سزرد، دندان درد، دیوانگی، جذام و پیسی نیز خواهد بود.

۸۲۵. امام رضا علیه السلام: حجامتی... که میان شانه‌ها صورت می‌گیرد، در بهبود ضربان قلب ناشی از شکم پُری و حرارت، سودمند است. آن [حجامتی که در ساق پا صورت پذیرد، ممکن است از کلیه، مثانه و زهدان بکاهد و خون قاعدگی را به جریان اندازد. تنها مشکلی که دارد، این است که تن را ضعیف می‌کند و ممکن است از آن، شب کوری شدیدی بر شخص عارض گردد. با این همه، برای کسانی که جوش و کورک دارند، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۸

۸۲۶. مکارم الأخلاق: رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ شَكَاَ إِلَيْهِ رَجُلٌ الْحِكَّةَ، فَقَالَ: احْتَجِمِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فِي الرَّجْلَيْنِ جَمِيعًا فِيمَا بَيْنَ الْعُرْقُوبِ وَ الْكَعْبِ، فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَذَهَبَ عَنْهُ.

وَ شَكَاَ إِلَيْهِ آخَرَ، فَقَالَ: احْتَجِمِ فِي وَاحِدِ عَقَبَيْكَ، أَوْ مِنَ الرَّجْلَيْنِ جَمِيعًا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، تَبْرَأُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. [۱۱۳۲]

۱۴۱/۹

دَوْرُ الزُّكَامِ وَ الْعُطَاسِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

۸۲۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ وُلْدِ آدَمَ إِلَّا وَ فِيهِ عِرْقَانِ: عِرْقٌ فِي رَأْسِهِ يُهَيِّجُ الْجُدَامَ، وَ عِرْقٌ فِي يَدَيْهِ يُهَيِّجُ الْبَرَصَ؛ فَإِذَا هَاجَ الْعِرْقُ الَّذِي فِي الرَّأْسِ سَلَطَ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ الزُّكَامَ حَتَّى يَسِيلَ مَا فِيهِ مِنَ الدَّاءِ، وَ إِذَا هَاجَ الْعِرْقُ الَّذِي فِي الْجَسَدِ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ الدَّمَامِيلَ حَتَّى يَسِيلَ مَا فِيهِ مِنَ الدَّاءِ، فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ بِهِ زُكَامًا وَ دَمَامِيلًا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عِزَّ وَ جَلَّ عَلَى الْعَافِيَةِ.

وَ قَالَ: الزُّكَامُ فُضُولٌ فِي الرَّأْسِ. [۱۱۳۳]

۸۲۸. عنه صلى الله عليه و آله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً؛ فَإِنَّهَا لِأَرْبَعَةٍ: لَا تَكْرَهُوا الزُّكَامَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ لَا تَكْرَهُوا الدَّمَامِيلَ؛ فَإِنَّهَا أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ، وَ لَا تَكْرَهُوا الرَّمْدَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ

مِنَ الْعَمَى، وَ لَا تَكْرَهُوا السُّعَالَ؛ فَإِنَّهُ أَمَانٌ مِنَ الْفَالِحِ. [۱۱۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۸۹

۸۲۶. مکارم الأخلاق: از امام صادق علیه السلام روایت شده که مردی در حضور ایشان از خارش (کَهِیر)، اظهار ناراحتی کرد. امام

علیه السلام فرمود: «سه بار در هر دو پا، در فاصله میان پی پا و استخوان قوزک، حجامت کن». آن مرد، این کار را انجام داد و خارش بدن وی از میان رفت. مردی دیگر نیز اظهار ناراحتی کرد.

امام علیه السلام فرمود: «در پی پا (یکی از پاها یا هر دو پا) سه بار حجامت کن که به خواست خداوند، بهبود یابی».

۱۴۱/۹ تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی

۸۲۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: «در هر یک از آدمی‌زادگان، دو رگ هست: رگی در سر، که جذام را تحریک می‌کند، و رگی در بدن، که پیسی را می‌انگیزد. چون آن رگی که در سر است، به حرکت آید، خداوند، زکام را بر آن مسلط می‌سازد تا هر بیماری‌ای که در آن است، بیرون رود؛ و چون آن رگی که در تن است، به جنب و جوش آید، خداوند، کورک‌ها را بر بدن مسلط سازد تا هر چه بیماری در آن است، بیرون رود. از این رو، اگر کسی از شما در بدن خود، احساس زکام کرد یا کورکی دید، خداوند را شکر عافیت گوید».

همچنین فرمود: «زکام، فضولاتی در سر است».

۸۲۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید؛ زیرا که برای چهار چیز، سودمندند: زکام را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از جذام است. کورک‌ها را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از پیسی‌اند. چشم‌درد را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از کوری است. و سرفه را ناخوشایند مدارید؛ زیرا مایه ایمنی از فلج شدن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۰

۱۵۱/۹

دَوْرُ بَعْضِ الْأَذْكَارِ فِي صِحَّةِ الْجِلْدِ

۸۲۹. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ قَالَ بَعْدَ صِيَلَةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، وَ مَنْ قَالَهَا إِذَا صَلَّى الْمَغْرِبَ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ؛ أَوْ نُهَا الْجُدَامَ وَ الْبَرَصَ. [۱۱۳۵]

راجع: ج ۱، ص ۴۹۸ (الوقایه من الجذام) ج ۱، ص ۵۱۰ (الوقایه من البرص).

۲/۹

أَسْبَابُ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ

أَسْتِقْبَالُ الشَّمْسِ

۸۳۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: «إِيَّاكُمْ وَ الْجُلُوسَ فِي الشَّمْسِ؛ فَإِنَّهَا تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُنْتِنُ الرِّيحَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ». [۱۱۳۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۱

۱۵۱/۹ تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست

۸۲۹. امام صادق علیه السلام: هر کس پس از نماز صبح و پیش از آن که با کسی سخن بگوید، هفت بار بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»، خداوند، هفتاد گونه بلا را از او دفع کند؛ و هر کس این [ذکر] را پس از نماز مغرب و پیش از آن که با کسی سخن بگوید، بر زبان آورد، خداوند، هفتاد گونه بلا را که کمترین آنها جذام و پیسی است، از او دور کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۹۹ (پیشگیری از جذام). ج ۱، ص ۵۱۱ (پیشگیری از پستی).

۲/۹ عوامل بیماری‌های پوستی

الف قرار گرفتن در مقابل آفتاب

۸۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نشستن در آفتاب، حذر کنید؛ چرا که جامه را کهنه می‌کند، بوی [بدن را بد می‌سازد و درد نهفته را آشکار می‌نماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۲

۸۳۱. عنه صلی الله علیه و آله: فِي الشَّمْسِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: تُغَيِّرُ اللَّوْنَ، وَ تُتِنُّ الرِّيحَ، وَ تُخَلِّقُ الثِّيَابَ، وَ تَوْرِثُ الدَّاءَ. [۱۱۳۷]

۸۳۲. الإمام علي عليه السلام: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ؛ فَإِنَّهَا مَبْحَرَةٌ، تَسْحَبُ اللَّوْنَ، وَ تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۳۸]

۸۳۳. عنه عليه السلام: إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ فِي الشَّمْسِ فَلَيْسَتْ دَبْرَهَا بِظَهْرِهِ؛ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۳۹]

۸۳۴. غريب الحديث: إِنَّهُ [عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى رَجُلًا فِي الشَّمْسِ فَقَالَ: قُمْ عَنْهَا؛ فَإِنَّهَا مَبْحَرَةٌ مَجْفَرَةٌ، تُتْفِلُ الرِّيحَ، وَ تُبْلِي الثَّوْبَ، وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينِ. [۱۱۴۰]

ب أَكُلَ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ

۸۳۵. الإمام علي عليه السلام: أَكُلَ الْجَوْزِ فِي شِدَّةِ الْحَرِّ يُهَيِّجُ الْحَرَّ فِي الْجَوْفِ، وَ يُهَيِّجُ الْقُرُوحَ عَلَى الْجَسَدِ، وَ أَكَلُهُ فِي الشِّتَاءِ يُسَبِّحُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يَدْفَعُ الْبَرْدَ. [۱۱۴۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۳

۸۳۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در آفتاب، چهار چیز است: رنگ را دیگرگون می‌سازد، بوی [بدن را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌نماید، و بیماری بر جای می‌نهد.

۸۳۲. امام علی علیه السلام: رو به خورشید قرار مگیرید؛ زیرا بدبو کننده دهان است، رنگ را می‌پرانند، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌نماید.

۸۳۳. امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما در زیر آفتاب می‌نشیند، پشت به خورشید قرار گیرد؛ چرا که آفتاب، بیماری‌های نهفته را آشکار می‌سازد.

۸۳۴. غريب الحديث: امام علي عليه السلام، مردی را در آفتاب دید. فرمود: «از آفتاب برخیز. این حرارت، بدبو کننده دهان و سست کننده شهوت است، بوی بدن را بد می‌کند، جامه را کهنه می‌سازد و دردهای نهفته را آشکار می‌کند.» [۱۱۴۲]

ب خوردن گردو در گرمای شدید

۸۳۵. امام علی علیه السلام: خوردن گردو در گرمای شدید، حرارت را در بدن بر می‌انگیزد و زخم‌های تن را تحریک می‌کند؛ اما خوردن آن در زمستان، کلیه‌ها را گرم می‌کند و سرما را می‌راند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۴

ج أَكُلَ الطَّيْنِ

۸۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الطَّيْنَ فَإِنَّهُ يَقَعُ الْحِكْمَةُ فِي جَسَدِهِ، وَ الْبَوَاسِيرُ، وَ يُهَيِّجُ عَلَيْهِ السُّوءَ، وَ يَذْهَبُ بِالْقُوَّةِ مِنْ سَاقِيهِ وَ قَدَمِيهِ، وَ مَا نَقَصَ مِنْ عَمَلِهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ صِحَّتِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْكُلَهُ حَوْسَبَ عَلَيْهِ، وَ عُذَّبَ عَلَيْهِ. [۱۱۴۳]

د هَيَجَانُ الدَّمِ

۸۳۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ لِلدَّمِ وَهَيْجَانَهُ ثَلَاثَ عِلَامَاتٍ: الْبَثْرَةَ فِي الْجَسَدِ، وَالْحِكَّةَ، وَدَيْبَ الدَّوَابِّ. [۱۱۴۴]

ه مُدَاوِمَةٌ أَكَلَ الْبَيْضِ

۸۳۸. الإمام الرضا عليه السلام: مُدَاوِمَةٌ أَكَلَ الْبَيْضِ يَعْرِضُ مِنْهُ الْكَلْفُ فِي الْوَجْهِ. [۱۱۴۵]

و أَكَلَ السَّمَكِ الْمَمْلُوحِ بَعْدَ الْفَصْدِ وَالْحِجَامَةِ

۸۳۹. الإمام الرضا عليه السلام: أَكَلَ الْمَمْلُوحِ وَاللَّحْمَانَ الْمَمْلُوحِيَّ وَ أَكَلَ السَّمَكِ الْمَمْلُوحِ، بَعْدَ الْحِجَامَةِ وَالْفَصْدِ لِلْعُرُوقِ، يُؤَلِّدَا

الْبَهَقَ وَالْجَرْبَ. [۱۱۴۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۵

ج خوردن خاک

۸۳۶. امام باقر علیه السلام: هر کس خاک بخورد، تنش به خارش می افتد، به بواسیر گرفتار می شود، بیماری و بدی در درونش برانگیخته می گردد، و نیرو از پاهایش می رود، و هر چه نیز در این فاصله، یعنی از دوره سلامت پیش از خوردن خاک تا بهبود دوباره، از اعمال [عبادی او کم شود، بر آن، بازخواست گردد و کیفر ببیند.

د به جوش آمدن خون

۸۳۷. امام صادق علیه السلام: خون و جوش آمدنش سه نشانه دارد: جوشی که از اندام برآید، خارش (کهیر)، و حرکت جنبندگان (مور مور شدن بدن).

ه خوردن همیشگی تخم مرغ

۸۳۸. امام رضا علیه السلام: خوردن همیشگی تخم مرغ، سبب پیدایش کک مک در صورت می شود. [۱۱۴۷]

و خوردن ماهی نمک سود پس از رگزنی و حجامت

۸۳۹. امام رضا علیه السلام: خوردن غذای نمک سود، گوشت نمک سود و خوردن ماهی نمک سود، پس از رگزنی و حجامت، بَهْک و گری ایجاد می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۶

۳ / ۹

أَسْبَابُ الْإِصَابَةِ بِالْجُذَامِ

أَ الْغُسْلُ بِالْمَاءِ الْمُغْتَسَلِ فِيهِ

۸۴۰. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ اغْتَسَلَ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي قَدِ اغْتَسَلَ فِيهِ فَأَصَابَهُ الْجُذَامُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۴۸]

ب تَدْلِيكُ الْجَسَدِ بِالْخَرْفِ فِي الْحَمَامِ

۸۴۱. الإمام علي عليه السلام كَانَ يَقُولُ: أَلَا لَا يَسْتَلْقِيَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُدَيْبُ شَحْمَ الْكُلَيْتَيْنِ، وَلَا يَدْلُكَنَّ رِجْلِيهِ بِالْخَرْفِ؛

فَإِنَّهُ يورثُ الْجُذَامَ. [۱۱۴۹]

ج أَكَلُ الْغُدَدِ

۸۴۲. الإمام علی علیه السلام: إِذَا اشْتَرَى أَحَدُكُمْ لَحْمًا فَلْيُخْرِجْ مِنْهُ الْغُدَدَ؛ فَإِنَّهُ يُحَرِّكُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۵۰]

د أَكَلُ الْجِرْجِيرِ بِاللَّيْلِ

۸۴۳. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَكَلَ الْجِرْجِيرَ بِاللَّيْلِ ضَرَبَ عَلَيْهِ عِرْقُ الْجُدَامِ مِنْ

أَنْفِهِ، وَبَاتَ يُنَزِّفُ الدَّمَ. [۱۱۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۷

۳ / ۹ عوامل ابتلا به جذام

الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است

۸۴۰. امام رضا علیه السلام: هر کس با آبی غسل کند که پیش‌تر در آن غسل شده است و بدین سبب به جذام مبتلا شود، کسی جز خود را نکوهش نکند.

ب مالیدن سفال بر بدن در حمام

۸۴۱. امام علی علیه السلام: زنه‌ار! مبادا که کسی در حمام، به پشت بخوابد؛ زیرا این کار، چربی کلیه‌ها را ذوب می‌کند؛ و مبادا کسی پاهای خود را سفال (سنگ پا) بکشد؛ زیرا این کار، جذام می‌آورد.

ج خوردن غده

۸۴۲. امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از شما گوشت خرید، غده‌ها را از آن بیرون آورد؛ زیرا آنها رگ جذام را تحریک می‌کنند.

د خوردن تره تیزک به هنگام شب

۸۴۳. امام صادق علیه السلام: هر کس شب هنگام، تره تیزک [۱۱۵۲] بخورد، رگ جذام به بینی او

حمله کند و چون شب بخوابد، خون دماغ شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۸

راجع: ج ۲، ص ۲۷۰ (الجرجیر).

ه التَّخَلُّلُ بَعْدَ الرَّيْحَانِ وَ قَضِيبِ الرُّمَانِ

۸۴۴. الإمام الكاظم علیه السلام: لَا تَخَلُّوْا بَعْدَ الرَّيْحَانِ، وَلَا بِقَضِيبِ الرُّمَانِ؛ فَإِنَّهُمَا يَهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۵۳]

و جِمَاعِ الْحَائِضِ

۸۴۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ وَطِئَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَقَضَى بَيْنَهُمَا وَلَدٌ فَأَصَابَهُ جُدَامٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۵۴]

راجع: ج ۱، ص ۶۰۲ (أضرار وطء الحائض).

الْوَقَايَهُ مِنَ الْجُدَامِ

أَتَتَّجُنَّبُ مِنَ الْمُصَابِينَ بِالْجُدَامِ

۸۴۶. رسول الله صلى الله عليه وآله من وصيته لعلِّي عليه السلام: يا علي، كره الله عز وجل لامتي... أن يكلم الرجل مجذوماً إلا أن يكون بينه وبينه قدر ذراع. وقال صلى الله عليه وآله: فر من المجذوم فرارك من الأسد. [۱۱۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۴۹۹

همچنین بنگرید به: ج ۲، ص ۲۷۱ (جرجیر).

ه خلال کردن با چوب و چوب انار

۸۴۴. امام کاظم علیه السلام: با چوب ریحان [۱۱۵۶] و چوب انار، خلال نکنید؛ زیرا که رگ جذام را تحریک می کنند.

و همبستری با زن حائض

۸۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با زنش در حالی که وی حائض است، نزدیکی کند و برایشان فرزندی تقدیر شود و این فرزند به جذام مبتلا گردد، کسی جز خویش را نکوهد.
ر. ک: ج ۱، ص ۶۰۳ (زیان‌های آمیزش با زن حائض).

۴ / ۹ پیشگیری از جذام

الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام

۸۴۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: «ای علی! خداوند برای امت من، این را خوش ندارد... که کسی با جذامیان سخن گوید، مگر این که میانشان به اندازه یک ذراع، فاصله باشد». همچنین فرمود: «از جذامی بگریز، چنان که از شیری می گریزی».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۰

۸۴۷. عنه صلى الله عليه وآله: كَلِمَ الْمَجْذُومِ وَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ قَدْرُ رُمْحٍ، أَوْ رُمْحَيْنِ. [۱۱۵۷]

ب الاجتناب عن الجماع في أول الشهر و وسطه و آخره

۸۴۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: يا علي، لا تجامع امرأتك في أول الشهر و وسطه و آخره؛ فإن الجنون، و الجذام، و الخبل، ليسرُ إليها و إلى ولدها. [۱۱۵۸]

ج أكل السلجم

۸۴۹. الإمام الصادق عليه السلام: ما من أحدٍ إلّا و فيه عرقٌ من الجذام، فأذيبوه بالسلجم. [۱۱۵۹]

۸۵۰. الإمام الكاظم عليه السلام: عَلَيْكَ بِاللَّفْتِ فَكُلُّهُ يَعْنِي السَّلْجَمَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ إلّا و لَهُ عَرَقٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَ اللَّفْتُ يُذِيبُهُ. [۱۱۶۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۱

۸۴۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در حالی با جذامی سخن بگو که میان تو و او، به اندازه یک یا دو نیزه، فاصله است.

ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه

۸۴۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! در آغاز و پایان ماه با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که در این صورت، دیوانگی، جذام و تباہ مغزی به سراغ او و فرزندش می آید.

ج خوردن شلغم

۸۴۹. امام صادق علیه السلام: هیچ کس نیست که در او ریشه‌ای از جذام نباشد. این ریشه را با [خوردن شلغم بسوزانید.

۸۵۰. امام کاظم علیه السلام: بر تو باد شلغم! آن (یعنی شلغم) را بخور؛ زیرا هیچ کس نیست که در او رگی از جذام نباشد، اما شلغم، این رگ را می‌سوزاند. [۱۱۶۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۲

د اکل الکراث

۸۵۱. الکافی عن فرات بن أحنف: سئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْكُرَاثِ، فَقَالَ: كُلُّهُ؛ فَإِنَّ فِيهِ أَرْبَعٌ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَطْرُدُ الرِّيَّاحَ، وَيَقَطِّعُ الْبُؤَاسِيرَ، وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ لِمَنْ أَدْمَنَ عَلَيْهِ. [۱۱۶۲]

ه اكل السلقي

۸۵۲. الإمام الصادق عليه السلام: أكلُ السَّلْقِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُدَامِ. [۱۱۶۳]

۸۵۳. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ رَفَعَ عَنِ الْيَهُودِ الْجُدَامَ بِأَكْلِهِمُ السَّلْقَ، وَقَلَعِهِمُ الْعُرُوقَ. [۱۱۶۴]

۸۵۴. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ السَّلْقَ يَقْمَعُ عِرْقَ الْجُدَامِ. [۱۱۶۵]

و اكل الحوك

۸۵۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَوْكُ بَقْلَةُ الْأَنْبِيَاءِ... وَهُوَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، إِذَا اسْتَقَرَّ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ قَمَعَ الدَّاءَ كُلَّهُ. [۱۱۶۶]

ز شرب الحرمل

۸۵۶. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ شَرِبَ الْحَرْمَلَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا كُلَّ يَوْمٍ مِثْقَالًا لَأَسْتَنَارَ الْحِكْمَةُ فِي قَلْبِهِ، وَعَفَى مِنْ اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دَاءً؛ أَهْوَنُهُ الْجُدَامُ. [۱۱۶۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۳

د خوردن تره

۸۵۱. الکافی به نقل از فرات بن أحنف: از امام صادق علیه السلام درباره تره پرسیدند. فرمود: «آن را بخورید که در آن، چهار ویژگی است: بوی دهان را خوش می‌سازد؛ بادها را از بدن می‌راند؛ بواسیر را ریشه کن می‌کند؛ و هر کس را که بدان مداومت داشته باشد، از جذام، ایمن می‌دارد.»

ه خوردن چغندر

۸۵۲. امام صادق علیه السلام: خوردن چغندر در برابر جذام ایمنی می‌دهد.

۸۵۳. امام صادق علیه السلام: خداوند، جذام را از میان یهودیان برداشت، بدان سبب که چغندر می‌خوردند و رگ‌ها را بیرون

می کشیدند. [۱۱۶۸]

۸۵۴. امام کاظم علیه السلام: چغندر، رگ جذام را به کلی از میان می برد.

و خوردن حوک

۸۵۵. امام صادق علیه السلام: حوک (بادروج)، سبزی پیامبران است ... و امان انسان از جذام است. چون در درون انسان جای گیرد، همه بیماری‌ها را فرو می‌نشاند.

ز خوردن هزار اسپند

۸۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به مدت چهل روز، هر صبح، یک مثقال هزار اسپند حل کرده در آب بخورد، نور حکمت در دلش روشن می‌شود و از ۷۲

بیماری که کمترین آنها جذام است، ایمنی می‌یابد. [۱۱۶۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۴

۸۵۷. الإمام الصادق علیه السلام و سَيِّلَ عَنِ الْحَرَمِیْلِ وَاللَّبَانِ: أَمَّا الْحَرَمِیْلُ؛ فَإِنَّهُ فَمَا تَغْلَغَلَ لَهُ عِرْقٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا ارْتَفَعَ لَهُ فَرْعٌ فِي السَّمَاءِ إِلَّا وَكَلَّ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ بِهِ مَلَكًا، حَتَّى يَصِيرَ حَطَامًا، أَوْ يَصِيرَ إِلَى مَا صَارَ إِلَيْهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَتَنَكَّبُ سَبْعِينَ دَارًا دُونَ الدَّارِ الَّتِي فِيهَا الْحَرَمِیْلُ؛ وَ هُوَ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً أَهْوَنُ الْجُدَامِ، فَلَا يَفُوتَنَّكُمْ. [۱۱۷۰]

ح دَوْرَ الزُّكَامِ فِي الْوَقَايَةِ مِنَ الْجُدَامِ

۸۵۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً... وَ الزُّكَامَ؛ فَإِنَّهُ يَقَطِّعُ عُرُوقَ الْجُدَامِ. [۱۱۷۱]

۸۵۹. عنه صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ إِنْسَانٍ إِلَّا وَ فِي رَأْسِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَيَبِيعُ اللَّهُ عَلَيْهِ الزُّكَامَ فَيَذِيئُهُ، وَ إِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ فَلْيَدْعُهُ وَ لَا يُدَاوِيهِ، حَتَّى يَكُونَ اللَّهُ يُدَاوِيهِ. [۱۱۷۲]

۸۶۰. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله لَا يَدَاوِي مِنَ الزُّكَامِ، وَ يَقُولُ: مَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِرْقٌ مِنَ الْجُدَامِ، فَإِذَا أَصَابَهُ الزُّكَامُ قَمَعَهُ. [۱۱۷۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۵

۸۵۷. امام صادق علیه السلام در پاسخ پرسشی درباره هزار اسپند و کُنْدُر: اَمَّا هِزَارُ اسْپِنْدِ، هِيْج رِيْشِه‌اِي از آن در زمين فرو نمي‌رود و هيْج شاخه‌اِي از آن به آسمان بلند نمي‌شود، مگر اين که خداوند عز و جل، فرشته‌اِي را بر آن گمارد تا آن هنگام که خشک شود يا به سرنوشتي ديگر درآيد. شيطان نيز از خانه‌اِي که در آن هزار اسپند است، هفتاد خانه دور مي‌شود، و آن، شفای هفتاد بیماری است که کمترین آنها جذام است. پس مبدا که آن را از دست بدهيد.

ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام

۸۵۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید: ... و زکام را؛ چرا که رگ‌های جذام را به کلی از میان می‌برد.

۸۵۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ انسانی نیست، مگر این که در سر او رگی از جذام هست. پس خداوند، زکام را به نابودی آن برمی‌انگیزد و زکام آن را می‌سوزاند. هر گاه کسی از شما زکام یافت، آن را واگذارد و درمان نکند، تا آن که خداوند خود، آن را درمان سازد.

۸۶۰. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، زکام را درمان نمی‌کرد و می‌فرمود: «هیچ کس نیست که رگی از جذام در او نباشد؛ اما چون زکام به شخص رسد، این رگ را می‌زداید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۶

ط أَخَذَ الشَّارِبِ وَالْأَظْفَارِ

۸۶۱. الإمام الصادق عليه السلام: أَخَذَ الشَّارِبِ وَالْأَظْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ. [۱۱۷۴]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۴ (تقلیم الأظفار يوم الجمعة). ج ۱، ص ۴۷۸ (صحة الجلد/ الخضاب). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/ افتتاح الطعام بالملح). ج ۱، ص ۴۸۲ (صحة الجلد/ الغبيراء). ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنا). ج ۱، ص ۴۸۴ (دور المشومات في الوقاية من الأمراض الجلدية) ج ۱، ص ۴۸۶ (دور الحجامية في الوقاية من الأمراض الجلدية و معالجتها). ج ۱، ص ۴۹۰ (دور بعض الأذكار في صحة الجلد). ج ۱، ص ۴۹۸ (الوقاية من الجذام).

۵ / ۹

أسبابُ الابتلاءِ بالبَرَصِ

أستعمالُ ماءٍ سَخَّنَتْهُ الشَّمْسُ

۸۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: الماءُ الَّذِي تُسَّخَّنُهُ الشَّمْسُ لَا تَوَضَّؤُوا بِهِ، وَلَا تَغْتَسِلُوا بِهِ، وَلَا تَعَجِنُوا بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ

البَرَصَ. [۱۱۷۵]

۸۶۳. الإمام الكاظم عليه السلام: دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى عَائِشَةَ وَقَدْ وَضَعَتْ قُمَّمَتَهَا فِي الشَّمْسِ، فَقَالَ: يَا حُمَيْرَاءُ،

ما هذا؟

قَالَتْ: أُغْسِلُ رَأْسِي وَجَسَدِي.

فَقَالَ: لَا تَعُودِي؛ فَإِنَّهُ يُورِثُ البَرَصَ. [۱۱۷۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۷

ط کوتاه کردن سبیل و ناخن‌ها

۸۶۱. امام صادق علیه السلام: گرفتن سبیل و ناخن‌ها از جمعه تا جمعه، مایه ایمنی از جذام است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه). ج ۱، ص ۴۷۹ (بهداشت پوست/ خضاب کردن) ج ۱، ص ۴۸۱

(بهداشت پوست/ آغاز کردن غذا با نمک). ج ۱، ص ۴۸۳ (بهداشت پوست/ سنجد) ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست/ گیاه سنا). ج

۱، ص ۴۸۵ (تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۷ (اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های

پوستی). ج ۱، ص ۴۹۱ (تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست). ج ۱، ص ۴۹۹ (پیشگیری از جذام).

۹ / ۵ عوامل ابتلا به پیسی

الف استفاده از آبی که با آفتاب گرم شده است

۸۶۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: با آبی که به آفتاب گرم شده است، نه وضو سازید، نه غسل کنید و نه خمیر بسازید؛ چرا که

پیسی می‌آورد.

۸۶۳. امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا، در حالی که عایشه، قمقمه آب خود را در آفتاب گذاشته بود، بر او وارد شد. فرمود: «ای

حُمیرا! این چیست؟».

گفت: سر و تنم را با آن می شویم.

فرمود: «دیگر این کار را نکن؛ چرا که پیسی می آورد».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۸

ب تَدْلِيكُ الْجَسَدِ بِالْخَرْفِ فِي الْحَمَامِ

۸۶۴. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَتَكَّ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلَيْتَيْنِ، وَلَا تُسْرَحُ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الشَّعْرَ... وَلَا تَتَدَلَّكَ

بِالْخَرْفِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الْبَرَصَ، وَلَا تَمَسَّحُ وَجْهَكَ بِالْإِزَارِ؛ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ. [۱۱۷۷]

۸۶۵. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَخَذَ مِنَ الْحَمَامِ خَرْفَةً، فَحَكَ بِهَا جَسَدَهُ، فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۱۷۸]

ج الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ

۸۶۶. رسول الله صلى الله عليه و آله: الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ يورثُ الْبَرَصَ. [۱۱۷۹]

د خَمْسُ خِصَالٍ

۸۶۷. رسول الله صلى الله عليه و آله: خَمْسُ خِصَالٍ تورثُ الْبَرَصَ: النُّورَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ، وَ التَّوَضُّؤُ وَ الْاِغْتِسَالُ بِالمَاءِ الَّذِي

تُسَخِّنُهُ الشَّمْسُ، وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَةِ، وَ غِشْيَانُ الْمَرَأَةِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهَا، وَ الْأَكْلُ عَلَى الشُّبْعِ. [۱۱۸۰]

راجع: ج ۱، ص ۵۷۲ (ما یورث البرص). ج ۱، ص ۶۰۲ (أضرار وطء الحائض).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۰۹

ب مالیدن سفال بر بدن در حمام

۸۶۴. امام صادق علیه السلام: در حمام، تکیه نزن؛ چرا که چربی کلیه‌ها را ذوب می کند. در حمام، شانه مزن؛ چرا که مو را باریک

می کند. سفال (سنگ پا) را به تن ممال؛ چرا که پیسی می آورد. لنگ را نیز بر صورت خود مکش؛ چرا که آب روی را می برد.

۸۶۵. امام رضا علیه السلام: هر کس از حمام، سفالی برگیرد و تن خود را با آن بسابد و از آن پس به جذام مبتلا شود، مبادا جز

خویش را سرزنش کند. [۱۱۸۱]

ج خوردن از روی سیری

۸۶۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: خوردن از روی سیری، پیسی می آورد.

د پنج عامل

۸۶۷. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: پنج چیز است که پیسی می آورد: نوره کشیدن در روز جمعه و چهارشنبه؛ وضو گرفتن و غسل

کردن با آبی که به آفتاب گرم شده است؛ خوردن در حال جنابت؛ آمیزش با زن در هنگام حائض بودنش؛ و خوردن در حال

سیری.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۷۳ (آنچه نقرس می آورد). ج ۱، ص ۶۰۳ (زیان‌های آمیزش با زن حائض).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۰

الْوَقَايَةُ مِنَ الْبَرَصِ
أَسْتِعْمَالُ الْخَطْمِيِّ

۸۶۸. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ؛ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُنُونِ. [۱۱۸۲]

ب أَكَلُ الْبَادَنْجَانِ

۸۶۹. الإمام الصادق عليه السلام: عَلَيكُمْ بِالْبَادَنْجَانِ الْبُورَانِيِّ؛ فَهُوَ شِفَاءٌ يُؤْمِنُ مِنَ الْبَرَصِ، وَكَذَا الْمَقْلِيُّ بِالزَّيْتِ. [۱۱۸۳]

ج ظُهُورُ الدَّمَامِيلِ

۸۷۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَكْرَهُوا أَرْبَعَةً...: وَالدَّمَامِيلَ؛ فَإِنَّهَا [۱۱۸۴] تَقَطُّعُ عُرُوقَ الْبَرَصِ. [۱۱۸۵]

راجع: ج ۱، ص ۲۵۲ (ما یورث الحفظ/ الكرفس). ج ۱، ص ۴۷۸ (صحة الجلد/ الخضاب). ج ۱، ص ۴۸۰ (صحة الجلد/ افتتاح

الطعام بالملح). ج ۱، ص ۴۸۴ (صحة الجلد/ السنا). ج ۱، ص ۴۸۴ (دور المشمومات في الوقاية من الأمراض الجلدية). ج ۱، ص

۴۸۶ (دور الحجامة في الوقاية من الأمراض الجلدية و معالجاتها). ج ۱، ص ۴۸۸ (دور الزكام و العطاس في الوقاية من الأمراض

الجلدية). ج ۱، ص ۴۹۰ (دور بعض الأذكار في صحة الجلد). ج ۱، ص ۵۵۴، ح ۹۵۲ و ۹۵۳.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۱

۹/۶ پیشگیری از پیسی

الف استفاده از خطمی

۸۶۸. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خطمی در هر جمعه، مایه ایمنی از پیسی و دیوانگی است.

ب خوردن بادنجان

۸۶۹. امام صادق علیه السلام: بر شما باد بادنجان (/ بادمجان) بورانی؛ زیرا شفایی است که از پیسی ایمنی می دهد. بادنجانی هم که

به روغن زیتون سرخ شود، چنین است.

ج بیرون زدن کورک

۸۷۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چهار چیز را ناخوشایند مدارید:... و کورک را؛ چرا که ریشه های پیسی را قطع می کند.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۵۳ (آنچه حافظه را تقویت می کند/ کرفس) ج ۱، ص ۴۷۹ (بهداشت پوست/ خضاب کردن). ج ۱، ص ۴۸۱

(بهداشت پوست/ آغاز کردن غذا با نمک). ج ۱، ص ۴۸۵ (بهداشت پوست/ گیاه سنا). ج ۱، ص ۴۸۵ (تأثیر بوییدنی ها در

پیشگیری از بیماری های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۷ (اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری های پوستی). ج ۱، ص ۴۸۹ (تأثیر زکام

و عطسه در پیشگیری از بیماری های پوستی). ج ۱، ص ۴۹۱ (تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست). ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه

کردن ناخن ها در روز جمعه/ ح ۹۵۲ و ۹۵۳).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۲

۷/۹

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْبَرَصِ

أ أكل لحم البقرِ بالسلقِ

۸۷۱. الإمام الباقر عليه السلام: إنَّ بنى إسرائيلَ شكَّوا إلى موسى عليه السلام ما يلقونَ مِنَ البياضِ، فَشَكَا ذلِكَ إلى الله عز و جل فَأَوْحَى اللهُ عز و جل إليه: مُرَّهُم يَأْكُلُوا لَحْمَ البَقْرِ بالسَّلِقِ. [۱۱۸۶]

۸۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّقُ السَّلِقِ بِلَحْمِ البَقْرِ يَذْهَبُ بِالبِياضِ. [۱۱۸۷]

ب مَرَّقُ لَحْمِ البَقْرِ

۸۷۳. الإمام الصادق عليه السلام: مَرَّقُ لَحْمِ البَقْرِ يَذْهَبُ بِالبِياضِ. [۱۱۸۸]

۸۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ مَرَّقًا بِلَحْمِ بَقْرٍ أَذْهَبَ اللهُ تَعَالَى عَنْهُ البَرَصَ وَالجُدَامَ. [۱۱۸۹]

ج السَّوِيقُ

۸۷۵. الإمام الصادق عليه السلام: السَّوِيقُ الجافُّ يَذْهَبُ بِالبِياضِ. [۱۱۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۳

۹ / ۷ آنچه برای درمان پیسی سودمند است

الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر

۸۷۱. امام باقر علیه السلام: بنی اسرائیل، از لکه‌های سفیدی که [بر پوست می‌دیدند، نزد موسی علیه السلام اظهار ناراحتی کردند. پس خداوند به موسی علیه السلام چنین وحی فرستاد: «به آنان بگو که گوشت گاو، همراه با چغندر بخورند».

۸۷۲. امام صادق علیه السلام: آب گوشت چغندر با گوشت گاو، سفیدی [۱۱۹۱] را از میان می‌برد.

ب آب گوشت گاو

۸۷۳. امام صادق علیه السلام: آب گوشتِ گاو، پیسی را از میان می‌برد.

۸۷۴. امام کاظم علیه السلام: هر کس آب گوشت گاو بخورد، خداوند، پیسی و جذام را از او دور می‌کند.

ج سويق

۸۷۵. امام صادق علیه السلام: سويق [۱۱۹۲] خشك، سفیدی را از میان می‌برد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۴

۸۷۶. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّوِيقُ وَ مَرَّقُ لَحْمِ البَقْرِ يَذْهَبَانِ بِالْوَضْحِ. [۱۱۹۳]

۸۷۷. عنه عليه السلام: مَرَّقُ لَحْمِ البَقْرِ مَعَ السَّوِيقِ الجافُّ يَذْهَبُ بِالبَرَصِ. [۱۱۹۴]

راجع: ج ۲، ص ۴۹۴، ح ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶.

۸ / ۹

ما يَنْفَعُ لِعِلاجِ البَهَقِ

۸۷۸. الكافي عن أحمد بن الحسن الجلاب عن بعض أصحابنا: شكَّا رجُلٌ إلى أبي الحسنِ عليه السلام البَهَقَ، فَأَمَرَهُ أَنْ يَطْبِخَ الماشَ وَ

يَتَحَسَّاهُ وَ يَجْعَلُهُ في طَعامِهِ. [۱۱۹۵]

۸۷۹. مكارم الأخلاق عَنِ الإمام الرِّضا عليه السلام و سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ عَنِ البَهَقِ: خُذِ الماشَ الرِّطَبَ فِي أَيامِهِ، وَ دُقَّهُ مَعَ وَرَقِهِ، وَ اعْصِرِ المَاءَ، وَ اشْرَبْهُ عَلَى الرِّيقِ، وَ أَطْلِهِ عَلَى البَهَقِ.
قال: فَفَعَلْتُ، فَعَوَيْتُ. [۱۱۹۶]

۸۸۰. طَبَّ الأَثْمِيَّةُ عَنِ عبدِ اللَّهِ بنِ سنان: شَكَا رَجُلٌ إِلى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الوَضَحَ وَ البَهَقَ، فَقَالَ: ادْخُلِ الحَمَّامَ وَ اخْلُطِ الحِنَاءَ بِالتُّورَةِ وَ أَطْلِ بِهِمَا؛ فَإِنَّكَ لا تُعاني بَعَدَ ذَلِكَ شَيْئاً.
قالَ الرَّجُلُ: فَوَ اللَّهُ ما فَعَلْتُهُ إِلا مَرَّةً واحِدَةً، فَعافاني اللَّهُ مِنْهُ، وَ ما عادَ بَعَدَ ذَلِكَ. [۱۱۹۷]
دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۵

۸۷۶. امام كاظم عليه السلام: سويق و آب گوشتی كه با گوشت گاو فراهم آمده باشد، پيسی را از میان می‌برد.

۸۷۷. امام كاظم عليه السلام: آب گوشت فراهم آمده با گوشت گاو همراه با سويق، پيسی را از میان می‌برد.
همچنين، ر. ك به: ج ۲، ص ۴۹۵ ح ۲۰۳۵ و ۲۰۳۶.

۹ / ۸ آنچه برای درمان بهك، سودمند است

۸۷۸. الكافي به نقل از احمد بن حسن بن جلاب، از یکی از یاران امام كاظم عليه السلام: مردی نزد امام كاظم عليه السلام از بهك اظهار ناراحتی كرد. امام عليه السلام، به او فرمود كه ماش بپزد و از آن شوربایی بسازد و در خوراك خود، قرار دهد.
۸۷۹. مكارم الأخلاق به نقل از امام رضا عليه السلام در پاسخ و پرسش با یکی از یارانش در مورد بهك: «ماش تازه را در هنگام خاصّ خودش فراهم كن و آن را با برگش بكوب و آب آن را بگير و ناشتا بخور و بر روی محلّ بهك نیز بمال.»
آن مرد می‌گوید: این كار را انجام دادم و بهبود یافتم.

۸۸۰. طَبَّ الأَثْمِيَّةُ عَلَيْهِم السلام به نقل از عبدِ اللَّهِ بنِ سنان: مردی نزد امام صادق عليه السلام از لك و پيسی اظهار ناخرسندی كرد.
فرمود: «به حَمَّام برو و حنا را به نوره درآمیز و بر محل بمال؛ چه، پس از این كار، هیچ ناراحتی ای نخواهی داشت.»
آن مرد می‌گوید: به خداوند سوگند، تنها يك بار این كار را انجام دادم و خداوند، مرا بهبود بخشید و آن بیماری [دیگر] باز نگشت.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۱۶

۹ / ۹

ما يَنْفَعُ لِعِلاجِ الجَرَبِ

۸۸۱. مكارم الأخلاق: شَكَا بَعْضُهُم إِلى أَبِي الحَسَنِ عليه السلام كَثْرَةَ ما يُصِيبُهُ مِنَ الجَرَبِ، فَقَالَ: إِنَّ الجَرَبَ مِنْ بُخارِ الكِيدِ؛ فَادْهَبْ وَ افْتَصِدْ مِنَ قَدَمِكَ اليَمَنِ، وَ الزَّمْ أَخَذَ دِرْهَمَيْنِ مِنَ دُهْنِ اللُّوزِ الحُلُوِّ عَلَى ماءِ الكَشْكِ، وَ اتَّقِ الحِيتانَ وَ الخَلَّ.
فَفَعَلَ فَبَرِيءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۱۹۹]

۱۰ / ۹

ما يَنْفَعُ لِعِلاجِ الشَّقَاقِ

۸۸۲. الكافي عن عمر بن اذينة: شَكَا رَجُلٌ إِلى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام شَقَاقاً فِي يَدَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: خُذْ قُطْنَةً فَاجْعَلْ فِيها بانا وَ صَعْها فِي سُرَّتِكَ.

فَقَالَ إِسْحاقُ بَنُ عَمَّارٍ: جُعِلَتْ فِدَاكَ! يَجْعَلُ البانَ فِي قُطْنَةٍ وَ يَجْعَلُها فِي سُرَّتِهِ؟
فَقَالَ: أَمّا أَنْتَ يا إِسْحاقُ، فَصَبَّ البانَ فِي سُرَّتِكَ؛ فَإِنَّها كَبِيرَةٌ.

قَالَ ابْنُ أَدِيْنَةَ: لَقِيْتُ الرَّجُلَ بَعْدَ ذَلِكَ، فَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ فَعَلَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً فَذَهَبَ عَنْهُ. [١٢٠٠]

١١ / ٩

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ نَمَشِ الْوَجْهِ

٨٨٣. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ ذَرَّ عَلَى أَوَّلِ لُقْمَةٍ مِنْ طَعَامِهِ الْمِلْحَ ذَهَبَ عَنْهُ بِنَمَشِ الْوَجْهِ. [١٢٠١]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٥١٧

٩ / ٩ آنچه برای درمان گری سودمند است

٨٨١. مکارم الأخلاق: کسی نزد امام کاظم علیه السلام، از فراوانی گری ای که بدان مبتلا بود، اظهار ناراحتی کرد. فرمود: «گری، از بخار جگر است. برو و پای راست خود را رنگ بزن و بر استفاده کردن از دو درهم روغن بادام شیرین، همراه با آب کشک جو، ملازمت کن و از [خوردن ماهی و سرکه نیز حذر کن].»
آن مرد، این کار را انجام داد و به اذن خداوند عز و جل، بهبود یافت.

١٠ / ٩ آنچه برای درمان ترک پوست، سودمند است

٨٨٢. الکافی به نقل از عمر بن ادینه: مردی از ترک پوست دست و پای خود، نزد امام صادق علیه السلام اظهار ناراحتی کرد. امام به او فرمود: «پنبه‌ای بردار و یک گیاه بان [١٢٠٢] در میان آن قرار ده و آن را در ناف خود کن.»
اسحاق بن عمّار گفت: فدایت شوم! گیاه بان را در میان پنبه‌ای بیچد و آن را در ناف خود قرار دهد؟
فرمود: «اما تو ای اسحاق! بان را در ناف خود بریز، که بزرگ است [و گنجایش دارد].»
ابن ادینه می‌گوید: پس از آن ماجرا، آن مرد را دیدم و به من گفت که آن کار را یک بار انجام داده و ناراحتی او از میان رفته است.

١١ / ٩ آنچه برای درمان کک و مک صورت، سودمند است

٨٨٣. امام صادق علیه السلام: هر کس بر نخستین لقمه غذای خود، نمک پیاشد، کک و مک صورت او از میان می‌رود.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٥١٨

١٢ / ٩

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْقَرْحَةِ

٨٨٤. سنن ابن ماجه عن سلمی ام رافع: كَانَ لَا يُصِيبُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَرْحَةٌ وَلَا شَوْكَةٌ إِلَّا وَضَعَ عَلَيْهِ الْجِنَاءَ. [١٢٠٣]

١٣ / ٩

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْحَزَاةِ

٨٨٥. الإمام الصادق عليه السلام: غَسَلُ الرَّأْسِ بِالْخَطْمِيِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ، وَ بَرَاءَةٌ مِنَ الْفَقْرِ، وَ طَهْوَرُ لِلرَّأْسِ مِنَ الْحَزَاةِ. [١٢٠٤]

١٤ / ٩

مَا يَنْفَعُ لِعِلَاجِ السَّهَكِ

٨٨٦. الإمام الصادق عليه السلام: الْجِنَاءُ يَذْهَبُ بِالسَّهَكِ، وَ يَزِيدُ فِي مَاءِ الْوَجْهِ، وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ. [١٢٠٥]

۱۲/۹ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است

۸۸۴. سنن ابن ماجه به نقل از سلمی امّ رافع: پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ زخم چرکین یا خار گوشتی ای بر بدنش عارض نمی‌شد، مگر این که بر آن، حنا می‌نهاد.

۱۳/۹ آنچه برای درمان سبوسه (شوره سر) سودمند است

۸۸۵. امام صادق علیه السلام: شستن سر با خَطْمی، مایه ایمنی از سردرد، بر کنار ماندن از فقر، و پاکیزگی سر از سبوسه است.

۱۴/۹ آنچه برای درمان بدبویی عَرَق، سودمند است

۸۸۶. امام صادق علیه السلام: حنا، بوی بد عَرَق را از میان می‌برد، بر طراوت صورت می‌افزاید، دهان را خوش بو می‌کند و فرزند را نیکو می‌سازد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۰

الفصل العاشر: الشعر

۱/۱۰

الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

أ إفراز المواد الزائدة

۸۸۷. بحار الأنوار عن محمد بن سنان عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عليه السلام في بيان النعم التي وهبها الله تعالى للإنسان: تأمل واعتبر بحسن التدبير في خلق الشعر والأظفار؛ فإنهما لما كانا مما يطول ويكثر حتى يحتاج إلى تخفيفه أولاً فأولاً، جعلنا عديمي الحس؛ لئلا يؤلم الإنسان الأخذ منهما، ولو كان قص الشعر وتقليم الأظفار مما يوجد له مس من ذلك لكان الإنسان من ذلك بين مكروهين: إما أن يدع كل واحد منهما حتى يطول فيثقل عليه، وإما أن يخففه بوجع و ألم يتألم منه.

قال المفصل: فقلت: فلم لم يجعل ذلك خلقه لا تزيد فيحتاج الإنسان إلى التقصان منه؟

فقال عليه السلام: إن لله تبارك اسمه في ذلك على العبد نعماً لا يعرفها فيحمد عليها!

اعلم أن آلام البدن وأدواءه تخرج بخروج الشعر في مسامه، وبخروج الأظفار من أناملها؛ ولذلك أمر الإنسان بالنورة، وخلق الرأس، وقص الأظفار في كل أسبوع؛ ليسرع الشعر والأظفار في النبات، فتخرج الآلام والأدواء بخروجها، وإذا طالا تحييراً وقل خروجهما، فاحتبست الآلام والأدواء في البدن، فأحدثت عللاً وأوجاعاً، ومبع مع ذلك الشعر من المواضع التي يضرب بالإنسان ويحدث عليه الفساد والضرر؛ لو نبت الشعر في العين ألم يكن سيعمي البصير؟ ولو نبت في القم ألم يكن سيعص على الإنسان طعامه وشرابه؟ ولو نبت في باطن الكف ألم يكن سيعوقه عن صحه اللبس وبعض الأعمال؟ فلو نبت في فرج المرأة أو على ذكر الرجل ألم يكن سيفسد عليهما لذة الجماع؟ فانظر كيف تنكب الشعر هذه المواضع؛ لما في ذلك من المصلحة.

ثم ليس هذا في الإنسان فقط، بل تجده في البهائم والسباع وسائر المتناسلات؛ فإنك ترى أجسامهن مجلله بالشعر، و ترى هذه

المَوَاضِعِ خَالِيَةً مِنْهُ لِهَذَا السَّبَبِ بَعِيْنِهِ، فَتَأْمَلِ الْخِلْقَةَ كَيْفَ تَتَحَرَّزُ وُجُوْهُ الْخَطَا وَالْمَضْرَّةِ، وَتَأْتِي بِالصَّوَابِ وَالْمَنْفَعَةِ. إِنَّ الْمَنَائِيْةَ [١٢٠٦] وَأَشْبَاهَهُمْ حِيْنَ اجْتَهَدُوا فِي عَيْبِ الْخِلْقَةِ وَالْعَمْدِ، عَابُوا الشَّعْرَ النَّابِتَ عَلَي الرِّكْبِ وَالْإِبْطِيْنَ، وَ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ ذَلِكَ مِنْ رُطُوْبِيَّةٍ تَنْصَبُ إِلَى هَذِهِ الْمَوَاضِعِ فَتَنْبُتُ فِيْهَا الشَّعْرُ، كَمَا يَنْبُتُ الْعُشْبُ فِي مُسْتَنْقَعِ الْمِيَاهِ. أَفَلَا تَرَى إِلَى هَذِهِ الْمَوَاضِعِ أُسْتَرَّ وَأَهْيَأَ لِقَبُولِ تِلْكَ الْفَضْلَةِ مِنْ غَيْرِهَا.

ثُمَّ إِنَّ هَذِهِ تُعَدُّ مِمَّا يَحْمِلُ الْإِنْسَانُ مِنْ مَوْوَنَةِ هَذَا الْبَدَنِ وَ تَكَالِيْفِهِ لِمَا لَهُ فِي ذَلِكَ مِنَ الْمَصْلَحَةِ؛ فَإِنَّ اهْتِمَامَهُ بِتَنْظِيْفِ بَدَنِهِ، وَ أَخْذَ مَا يَعْלוهُ مِنَ الشَّعْرِ مِمَّا يَكْسِرُ بِهِ شِرَّتَهُ وَ يَكْفُ عَادِيَّتَهُ وَ يَشْغَلُهُ عَنْ بَعْضِ مَا يُخْرِجُهُ إِلَيْهِ الْفَرَاغُ مِنَ الْأَشْرِ وَالْبِطَالَةِ. [١٢٠٧]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٥٢١

فصل دهم: مو

١/١٠ اشاره به حکمت نهفته در مو

الف دفع مواد زائد

٨٨٧. بحار الأنوار به نقل از محمد بن سنان، از مفضل بن عمر، در گفتگو با امام صادق علیه السلام (در بیان نعمت‌هایی که خداوند متعال به انسان بخشیده است): امام صادق علیه السلام فرمود: «در این بنگر و تأمل کن که چه حسن‌تدبیری در آفرینش موها و ناخن‌هاست. از آن رو که آنها از چیزهایی‌اند که بلند می‌شوند و زیاد می‌شوند، به گونه‌ای که نیاز است پیوسته از آنها کاسته شود، فاقد حس آفریده شده‌اند، تا انسان از کوتاه کردن آنها احساس درد نکند؛ در حالی که اگر مو و ناخن از چیزهایی بودند که حس داشتند، انسان، در کوتاه کردن و چیدن آنها، میان دو ناخوشایند، می‌ماند: یا این که آنها را وا گذارد تا بلند شوند و بر او سنگینی کنند، و یا آن که با تحمل درد و رنجی که او را می‌آزارد، آنها را کوتاه کند».

مفضل می‌گوید: گفتیم: چرا اصولاً اینها به گونه‌ای آفریده نشده‌اند که زیاد و بلند نشوند تا انسان به کوتاه کردن آنها نیازمند گردد؟ فرمود: «خداوند را در این باره، بر بنده، نعمت‌هایی است که آنها را نمی‌شناسد تا او را بر آنها سپاس گوید. بدان که دردها و بیماری‌های بدن، همراه با درآمدن موها از بستر خود و درآمدن ناخن‌ها از انگشتان، از بدن بیرون می‌روند. از همین رو، انسان به نوره کشیدن، سر تراشیدن و کوتاه کردن ناخن‌ها در هر هفته، فرمان یافته است تا موها و ناخن‌ها رشد شتابان‌تری یابند و با درآمدن آنها، دردها و بیماری‌ها از تن بیرون بروند. اما هنگامی که بلند شوند، سرگردان می‌مانند و درآمدنشان کاهش می‌یابد و بدین سبب، مایه‌های دردها و بیماری‌ها در بدن حبس شوند و بیماری‌ها و دردهایی را پدید آورند. افزون بر این، موها از درآمدن از جاهایی که به انسان زیان می‌رساند و تباهی و ضرر برای او پیش می‌آورد، باز داشته شده‌اند. اگر مو در چشم می‌رویید، آیا دیده را نابینا نمی‌کرد؟! اگر در دهان می‌رویید، آیا خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را بر انسان، ناگوار نمی‌ساخت؟! اگر در کف دست می‌رویید، آیا مانع لمس صحیح توسط انسان و مانع برخی از دیگر کارها نمی‌شد؟! و اگر در شرمگاه زن یا بر آلت مرد می‌رویید، آیا لذت آمیزش را بر آنها تباه نمی‌کرد؟! پس بنگر که چگونه به واسطه مصلحتی که بوده، موی بر این جاها نرویده است.

دیگر آن که این پدیده، ویژه انسان نیست؛ بلکه آن را در چارپایان، درندگان و دیگر جانوران پستاندار نیز می‌یابی. می‌بینی که تن آنها به موها شکوهی یافته و جاهای یاد شده، عیناً به همان علت، تهی از موست. در آفرینش، تأمل کن که چگونه از همه نقطه‌های خطا و زیان، دوری می‌گزیند و درستی و سودمندی را می‌آورد.

منانیه (مانویان) [١٢٠٨] و طوایف همانندشان، آن‌گاه که کوشیده‌اند عیبی در کار آفرینش بیابند، بر موهای عانه و زیر بغل، خُرده گرفته‌اند و ندانسته‌اند که رویش این موها از رطوبتی است که بدین مواضع می‌ریزد و در نتیجه،

آن‌سان که در هر نقطه آبگیز علف می‌روید، در این جاها نیز مو می‌روید. مگر نمی‌بینی که این مواضع، از دیگر جاها پوشیده‌تر و برای پذیرش این زیاده، آماده‌تر است؟

دیگر آن که این موی (موی عانه و زیر بغل) از هزینه‌ها و تکالیف این بدن است، بدان واسطه که در آنها مصلحتی است؛ زیرا اهتمام انسان به تمیز کردن بدن و گرفتن موهایی که بر آن می‌روید، از چیزهایی است که غرور انسان را در هم می‌شکند، او را از ستم باز می‌دارد، و وی را از بخشی از سرمستی و بطلاتی که از بیکاری حاصل می‌آید، می‌رهاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۴

ب حِفْظِ حَرَارَةِ الْبَدَنِ

۸۸۸. الإمام الصادق عليه السلام في عِلَّةِ جَعْلِ الشَّعْرِ عَلَى الرَّأْسِ مِنْ فَوْقِهِ: جُعِلَ الشَّعْرُ مِنْ فَوْقِهِ لِيُوصَلَ بِوُصُولِهِ الْأَدْهَانَ إِلَى الدِّمَاغِ، وَيُخْرِجَ بِأَطْرَافِهِ الْبَخَارَ مِنْهُ، وَيُرَدُّ الْحَرَّ وَالْبَرْدَ الْوَارِدِينَ عَلَيْهِ. [۱۲۰۹]

ج السَّيْطَرَةُ عَلَى الشَّهْوَةِ الْجِنْسِيَّةِ

۸۸۹. الإمام علي عليه السلام: ما كَثُرَ شَعْرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا قَلَّتْ شَهْوَتُهُ. [۱۲۱۰]

۸۹۰. المعجم الكبير عن ابن عباس: شكا رجل إلى النبي صلى الله عليه وآله العزوبه فقال: ألا اختصي؟

فقال: لا، ليس منا من خصى أو اختصى، و لكن صم و وفر شعر جسدك. [۱۲۱۱]

راجع: ج ۱، ص ۶۴۲ (ما يعين على الجماع/ النورة). ج ۱، ص ۶۴۴، ح ۱۰۹۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۵

ب حفظ گرمای بدن

۸۸۸. امام صادق علیه السلام در تبیین علت رویدن مو بر روی سر: مو بر بالای سر قرار داده شده است تا با بُن خود، روغن‌ها را به مغز برساند و با سر خود (سر موها)، بخار را از مغز خارج کند و گرما و سرمای را که بدن می‌رسد، دفع کند.

ج مهار کردن شهوت جنسی

۸۸۹. امام علی علیه السلام: موی هیچ مردی زیاد نمی‌شود، مگر آن که شهوتش کاهش می‌یابد.

۸۹۰. المعجم الكبير به نقل از ابن عباس: مردی نزد پیامبر خدا از بی‌زنی اظهار ناراحتی کرد و گفت: آیا خود را اخته کنم؟ فرمود: «نه؛ کسی که اخته باشد یا خود را اخته کند، از ما نیست. روزه بدار و موی بدنت را وا گذار.»

ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۳ (آنچه انسان را بر آمیزش یاری می‌دهد/ نوره کشیدن). ج ۱، ص ۶۴۵ ح ۱۰۹۷.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۶

د الْوَقَايَةُ مِنَ الْجُدَامِ

۸۹۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: نَبَأْتُ الشَّعْرَ فِي الْأَنْفِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ. [۱۲۱۲]

۸۹۲. الإمام الصادق عليه السلام: سَعَةُ الْجُرْبَانِ، وَ نَبَأْتُ الشَّعْرَ فِي الْأَنْفِ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، ثُمَّ قَالَ: أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ الشَّاعِرِ:

و لا تَرَى قَمِيصِي إِلَّا وَاسِعَ الْجَيْبِ وَ الْيَدِ. [۱۲۱۳]

۲/۱۰

صِحَّةُ الشَّعْرِ

ضَرُورَةُ الْاهْتِمَامِ بِالشَّعْرِ

۸۹۳. رسول الله صلى الله عليه و آله: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ كِسْوَةِ اللَّهِ تَعَالَى، فَأَكْرَمُوهُ. [۱۲۱۴]

۸۹۴. تاریخ أصبهان عن ابن عمر: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله يَقُولُ: مَنْ رَبَّى مِنْكُمْ شَعْرًا فَلْيُكْرِمَهُ.

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ مَا كَرَامَتُهُ؟

قَالَ: يُدَهِّنُهُ وَ يُمَشِّطُهُ كُلَّ يَوْمٍ. [۱۲۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۷

دیشگیری از جذام

۸۹۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: رویدن مو در بینی، مایه ایمنی از جذام است.

۸۹۲. امام صادق علیه السلام: «گشادی گریبان [۱۲۱۶] و رویدن مو در بینی مایه ایمنی از جذام است».

سپس فرمود: «مگر نشنیده‌ای سخن شاعر را که گفته است: "پیراهن مرا تنها گشاده گریبان و گشاده آستین می‌بینی؟"».

۲/۱۰ بهداشت مو

۱۲/۱۰ ضرورت رسیدگی به موها

۸۹۳. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: موی خوب، از پوشش‌های خدایی است. آن را گرامی بدارید.

۸۹۴. تاریخ أصبهان به نقل از عبد الله بن عمر: از پیامبر خدا شنیدم که فرمود: «هر کدام از شما که موی خود را بلند می‌گذارد، آن را گرامی بدارد».

پرسیدند: ای پیامبر خدا! گرامی داشتن آن به چیست؟

فرمود: «آن را هر روز، روغن بزند و شانه کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۸

۸۹۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اتَّخَذَ شَعْرًا فَلْيُحْسِنْ وَلَا يَتَّهْ أَوْ لِيُجْزَهُ. [۱۲۱۷]

۸۹۶. الكافي عن أبي العباس البقباق: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ وَفْرَةٌ، أَوْ يَفْرُقُهَا أَوْ يَدْعُهَا؟ فَقَالَ: يَفْرُقُهَا. [۱۲۱۸]

غَسْلُ الرَّأْسِ بِالسِّدْرِِ

۸۹۷. مكارم الأخلاق: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِذَا غَسَلَ رَأْسَهُ وَ لِحْيَتَهُ غَسَلَهُمَا بِالسِّدْرِِ. [۱۲۱۹]

۸۹۸. الإمام الكاظم عليه السلام: غَسَلَ الرَّأْسِ بِالسِّدْرِِ يَجْلِبُ الرِّزْقَ جَلْبًا. [۱۲۲۰]

راجع: ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۳۹۸.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۲۹

۸۹۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس مو می‌گذارد، خوب بدان برسد، و گرنه، آن را بچیند.

۸۹۶. الكافي به نقل از ابو العباس بقباق: از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدم که اگر مردی موی [۱۲۲۱] فراوان داشته باشد،

آیا میان موها فرق باز کند یا آنها را واگذارد؟

فرمود: «فرق باز کند».

۲۲/۱۰ شستن سر با سِدر

۸۹۷. مکارم الأخلاق: پیامبر خدا، چون سر و ریش خود را می‌شُست، آنها را با سِدر، شستشو می‌داد.

۸۹۸. امام کاظم علیه السلام: شستن سر با سِدر، روزی آور است.

ر. ک: ج ۱، ص ۲۶۳ (آنچه برای سر درد، سودمند است / شستن سر با خطمی / ح ۳۹۸).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۰

۳۲/۱۰

الخِضَابُ بِالْحِنَاءِ وَالْكَتَمِ

۸۹۹. الکافی عن أبي شيبة الأسدي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: خَضَبَ الْحُسَيْنُ وَأَبُو جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ

عَلَيْهِمَا بِالْحِنَاءِ وَالْكَتَمِ. [۱۲۲۲]

۹۰۰. الکافی عن الحلبي: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: قَدْ خَضَبَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَالْحُسَيْنُ بْنُ

عَلِيِّ، وَأَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِالْكَتَمِ. [۱۲۲۳]

۴۲/۱۰

تَمْشِيطُ الشَّعْرِ

۹۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَثْرَةُ تَسْرِيحِ الرَّأْسِ تَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَتَجْلِبُ الرِّزْقَ، وَتَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۲۲۴]

۹۰۲. الإمام الصادق عليه السلام: كَثْرَةُ التَّمَشُّطِ تُقَلِّلُ الْبَلْغَمَ. [۱۲۲۵]

۹۰۳. مکارم الأخلاق عن الإمام الصادق عليه السلام: تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ، وَتَسْرِيحُ الْحَاجِبِينَ أَمَانٌ مِنَ الْجُدَامِ، وَتَسْرِيحُ

الْعَارِضِينَ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ.

و سُئِلَ عَنِ حَلْقِ الرَّأْسِ، قَالَ: حَسَنٌ. [۱۲۲۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۱

۳۲/۱۰ خضاب کردن با حنا و وَسْمِه (کَتَم) [۱۲۲۷]

۸۹۹. الکافی به نقل از ابو شیبہ اسدی: از امام صادق علیه السلام درباره خضاب کردن موها پرسیدم.

فرمود: «حسین و ابو جعفر (باقر) که درود خدا بر آنها باد به حنا و وَسْمِه خضاب می‌کردند».

۹۰۰. الکافی به نقل از حلبی: از امام صادق علیه السلام درباره خضاب مو پرسیدم. فرمود: «پیامبر خدا، حسین بن علی و ابو جعفر، به

وَ سْمِه، خضاب می‌کرده‌اند».

۴۲/۱۰ شانه کردن مو

۹۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فراوان شانه زدن موها، وَبَا را از میان می‌برد، روزی می‌آورد و بر قدرت انسان برای نزدیکی

می‌افزاید.

۹۰۲. امام صادق علیه السلام: شانه کردن فراوان، از بَلْغَم می‌کاهد.

۹۰۳. مکارم الأخلاق: امام صادق علیه السلام فرمود: «شانه کردن سر، بلغم را از میان می‌برد. شانه زدن ابروها، مایه ایمنی از جدام است، و شانه کردن رُخساره، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد».

از ایشان، درباره تراشیدن سر پرسیدند.

فرمود: «خوب است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۲

۹۰۴. الإمام الصادق علیه السلام: الثَّوبُ النَّقِيُّ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ، وَ الدُّهْنُ يَذْهَبُ بِالْبُؤْسِ، وَ الْمَشْطُ لِلرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا الْوَبَاءُ؟

قَالَ: الْحُمَى، وَ الْمَشْطُ لِلْحَيْهَةِ يَشُدُّ الْأَصْرَاسَ. [۱۲۲۸]

۹۰۵. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ وَ التَّمَشُّطَ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يورِثُ وَ بَاءَ الشَّعْرِ. [۱۲۲۹]

۳/۱۰

تَقْصِيرُ الشَّعْرِ

۹۰۶. الإمام الرضا عليه السلام: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ: الْعَطْرُ، وَ أَخْذُ الشَّعْرِ، وَ كَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ. [۱۲۳۰]

۹۰۷. الكافي عن إسحاق بن عمار عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: قَالَ لِي: اسْتَأْصِلْ شَعْرَكَ يَقِلُّ دَرَنُهُ وَ دَوَائِبُهُ وَ وَسْخُهُ، وَ تَغْلُظُ رَقَبَتِكَ، وَ يَجْلُو بَصْرَكَ وَ فِي رَوَايَةٍ أُخْرَى: وَ يَسْتَرِيحُ بَدْنُكَ. [۱۲۳۱][۱۲۳۲]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۵۳۲

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۳

۹۰۴. امام صادق علیه السلام: «جامه پاکیزه، دشمن را در هم می‌شکند، چرب کردن پوست، سختی را از میان می‌برد و شانه کردن سر، وبا را دور می‌کند».

راوی گوید که پرسیدم: وبا چیست؟

فرمود: «تب. شانه کردن ریش، دندان‌ها را استحکام می‌بخشد». [۱۲۳۳]

۹۰۵. امام صادق علیه السلام: از شانه کردن در حمام بپرهیز؛ چرا که وبای مو می‌آورد. [۱۲۳۴]

۳/۱۰ کوتاه کردن موها

۹۰۶. امام رضا علیه السلام: از سنت‌های پیامبران است: عطر زدن، کوتاه کردن مو و فراوانی آمیزش. [۱۲۳۵]

۹۰۷. الكافي به نقل از اسحاق بن عمار: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «موی خود را از ته بزنی تا آلودگی‌اش و جنبندگان و چرک آن، کم شود، گردنت سبتر گردد و دیده‌ات جلا یابد» و در روایت دیگری است: «و تنت راحت شود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۴

۹۰۸. الكافي عن ابن سنان: سَأَلْتُ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ إِطَالَةِ الشَّعْرِ، فَقَالَ: «كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مُقَصِّرِينَ»؛ يَعْنِي الطَّمَّ. [۱۲۳۶]

۹۰۹. الإمام الكاظم عليه السلام: إِنَّ شَعْرَ الرَّأْسِ إِذَا طَالَ ضَعْفَ الْبَصَرِ، وَ ذَهَبَ بِضَوْءِ نَوْرِهِ، وَ طَمَّ الشَّعْرُ يُجْلِي الْبَصَرَ، وَ يَزِيدُ فِي ضَوْءِ نَوْرِهِ. [۱۲۳۷]

۴/۱۰

۹۱۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: احلقوا شَعْرَ الْبَطْنِ لِلذَّكْرِ وَالْاُنْثَى. [۱۲۳۸]

۹۱۱. عنه صلى الله عليه وآله: احلقوا شَعْرَ الْقَفَا. [۱۲۳۹]

۹۱۲. إسحاق بن عمار عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! رَبُّمَا كَثُرَ الشَّعْرُ فِي قَفَايَ، فَيَغْمُنِي عَمَّا شَدِيدًا. فَقَالَ لِي:

يا إسحاق، أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ حَلَقَ الْقَفَا يُذْهِبُ بِالْغَمِّ؟ [۱۲۴۰]

۹۱۳. الإمام الصادق عليه السلام في قوله تعالى «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ»: إِنَّهُ مَا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِهِ فِي نَوْمِهِ مِنْ ذَبْحٍ وَوَلَدِهِ إِسْمَاعِيلَ

أَبِي الْعَرَبِ، فَأَتَمَّهَا إِبْرَاهِيمُ وَعَزَمَ

عَلَيْهَا وَسَلَّمَ لِأَمْرِ اللَّهِ، فَلَمَّا عَزَمَ، [قَالَ [۱۲۴۱] اللَّهُ تَعَالَىٰ تَوَابًا لَهُ لِمَا صَدَقَ وَعَمِلَ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»، ثُمَّ أَنْزَلَ

عَلَيْهِ الْحَنِيْفِيَّةَ، وَهِيَ الطَّهَارَةُ، وَهِيَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ: حَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الرَّأْسِ، وَحَمْسَةٌ مِنْهَا فِي الْبَدَنِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَأَخَذَ الشَّارِبَ، وَ

إِعْفَاءَ اللَّحْيِ، وَطَمَّ الشَّعْرَ، وَالسَّوَاكُ، وَالْخِلَالَ.

وَأَمَّا الَّتِي فِي الْبَدَنِ؛ فَحَلَقَ الشَّعْرَ مِنَ الْبَدَنِ، وَالْخِتَانَ، وَتَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ، وَالْعُسْلُ مِنَ الْجَنَابَةِ، وَالطَّهْوَرُ بِالْمَاءِ.

فَهَذِهِ الْحَنِيْفِيَّةُ الطَّاهِرَةُ [۱۲۴۲] الَّتِي جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ، فَلَمَّ تُنَسَّخَ وَلَا تُنَسَّخُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «وَاتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ

حَنِيفًا» [۱۲۴۳]. [۱۲۴۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۵

۹۰۸. الکافی به نقل از ابن سنان: به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره بلند کردن موها چه می فرماید؟

فرمود: «یاران محمّد صلی الله علیه و آله، موهای خود را می زدند»؛ یعنی کوتاه می کردند.

۹۰۹. امام کاظم علیه السلام: موی سر، چون بلند شود، بینایی ضعیف می گردد و نور دیده از میان می رود؛ اما کوتاه کردن موها،

دیده را روشن می سازد و نور آن را افزون می کند.

۱۰/۴ تراشیدن موها

۹۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زن و مرد! موهای روی شکم را بتراشید. [۱۲۴۵]

۹۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: موهای پس گردن را بتراشید.

۹۱۲. الکافی به نقل از اسحاق بن عمار، از امام صادق علیه السلام: به امام صادق علیه السلام گفتم: فدایت شوم! گاه موهای پشت

گردنم زیاد می شود و به سختی مرا اندوهگین می کند. مرا فرمود: «ای اسحاق! آیا نمی دانی که تراشیدن [موهای پشت گردن، اندوه

را از میان می برد؟».

۹۱۳. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ» [۱۲۴۶]: آن گاه که خداوند او را به رؤیای ذبح نیای

عرب، اسماعیل، آزمود و وی این آزمون را به درستی پشت سر نهاد و تسلیم فرمان خدا شد و آهنگ انجام دادن خواسته او کرد، و

چون خداوند به پاداش صدق و راستی و عمل او برایش چنین مقرر

ساخت که «من تو را برای مردم، امام قرار می دهم» آیین حنیفی را که همان پاکی و طهارت است، بر او فرو فرستاد. این طهارت، ده

چیز است: پنج مورد از آن در سر، و پنج مورد دیگر در تن. اما آن پنج مورد که در سر است، عبارت اند از: گرفتن سبیل، واگذارن

ریش، کوتاه کردن موها، مسواک زدن، و خلال کردن. آن پنج مورد که در تن است نیز عبارت اند از: تراشیدن موهای بدن، ختنه

کردن، کوتاه کردن ناخن ها، غسل جنابت، و طهارت گرفتن با آب. این، همان آیین حنیف پاکی است که ابراهیم آورد و نه نسخ

شده است و نه تا روز قیامت، نسخ خواهد شد. این معنای کلام خداوند است که فرمود: «از آیین حنیف ابراهیم، پیروی کن».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۶

۹۱۴. الإمام الكاظم عليه السلام: حَمَسٌ مِنَ السُّنَنِ فِي الرَّأْسِ، وَ حَمَسٌ فِي الْجَسَدِ؛ فَأَمَّا الَّتِي فِي الرَّأْسِ: فَالْسَّوَاكُ، وَ أَخَذُ الشَّارِبِ، وَ فَرَّقُ الشَّعْرِ، وَ الْمَضْمَضَةُ، وَ الْاسْتِنشَاقُ.

وَ أَمَّا الَّتِي فِي الْجَسَدِ: فَالْحِثَانُ، وَ حَلَقُ الْعَائِنَةِ، وَ نَتْفُ الْإِبْطِينِ، وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ الْاسْتِنْجَاءُ. [۱۲۴۷]

۵ / ۱۰

نَتْفُ الشَّعْرِ

۹۱۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَحْفُوا الشَّوَارِبَ، وَ أَعْفُوا اللَّحَى، وَ انْتِفُوا الشَّعَرَ الَّذِي

فِي الْآنَافِ [۱۲۴۸]. [۱۲۴۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۷

۹۱۴. امام کاظم علیه السلام: پنج چیز درباره سر و پنج چیز هم درباره تن از سنت هاست: اما آنچه درباره سر است، مسواک زدن، گرفتن سیل، از هم گشودن موها از میانه سر، آب در دهان چرخاندن، و آب در بینی چرخاندن است.

آنچه نیز درباره تن است، ختنه کردن، تراشیدن موی زهار، زدودن موهای زیر بغل، کوتاه کردن ناخن ها و زدودن پلیدی مخرج است.

۵ / ۱۰ کندن موها

۹۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سبیل ها را از ته بتراشید، [۱۲۵۰] ریش ها را واگذارید، و موهایی را که در بینی است، بکنید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۸

۹۱۶. کتاب من لا- يحضره الفقيه: كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَطْلِي إِبْطِيهِ فِي الْحَمَامِ وَيَقُولُ: نَتْفُ الْإِبْطِ يُضَعِّفُ الْمِنَكِبِينَ، وَ يُوْهِى وَ يُضَعِّفُ الْبَصَرَ. [۱۲۵۱]

۹۱۷. الكافي عن عبد الله بن أبي يعفور: كُنَّا بِالْمَدِينَةِ فَلَاحَانِي زُرَّارَةُ فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، فَقُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ. وَ قَالَ زُرَّارَةُ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ، فَاسْتَأْذَنَّا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَذِنَ لَنَا وَ هُوَ فِي الْحَمَامِ يَطْلِي، وَ قَدْ أَطْلَى إِبْطِيهِ، فَقُلْتُ لَزُرَّارَةَ: يَكْفِيكَ. قَالَ: لَا، لَعَلَّهُ فَعَلَ هَذَا لِمَا لَا يَجُوزُ لِي أَنْ أَفْعَلَهُ.

فَقَالَ: فِيمَا أَنْتُمَا؟

فَقُلْتُ: إِنَّ زُرَّارَةَ لَاحَانِي فِي نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ، قُلْتُ: حَلْقُهُ أَفْضَلُ، وَ قَالَ زُرَّارَةُ: نَتْفُهُ أَفْضَلُ.

فَقَالَ: أَصَبْتَ السُّنَّةَ وَ أَخْطَأَهَا زُرَّارَةُ؛ حَلْقُهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ، وَ طَلْيُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ.

ثُمَّ قَالَ لَنَا: أَطْلِيَا.

فَقُلْنَا: فَعَلْنَا مِنْذُ ثَلَاثٍ.

فَقَالَ: أَعِيدَا؛ فَإِنَّ الْأَطْلَاءَ طَهْرٌ. [۱۲۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۳۹

۹۱۶. کتاب من لا يحضره الفقيه: امام صادق علیه السلام، موی زیر بغل خود را در حمام، نوره می کشید و می زدود و می فرمود: «از ریشه کندن موهای زیر بغل، شانه ها را ضعیف می کند و بینایی را سست و کم قدرت می سازد».

۹۱۷. الكافي به نقل از عبد الله بن ابی يعفور: در مدینه بودیم که میان من و زراره، بر سر تراشیدن یا کندن موهای زیر بغل، بحث پیش آمد. من گفتم: تراشیدن آنها بهتر است. زراره گفت: کندن آنها بهتر است. آن گاه از امام صادق علیه السلام اجازه دیدار

خواستم. در حالی که در حمام، موزدایی می‌کرد و موهای زیر بغل خود را زدوده بود، به ما اجازه دیدار داد. به زراره گفتم: تو را بس است؟

گفت: نه؛ شاید او این کار را به جهتی انجام داده است که انجام دادنش برای من از آن جهت، درست نیست. پس امام علیه السلام پرسید: «درباره چه گفتگو می‌کنید؟».

گفتم: زراره در مورد کندن یا تراشیدن موهای زیر بغل، با من مخالفت کرده است. من گفته‌ام که تراشیدن و زدودن آنها، بهتر است و زراره گفته است که کندن آنها بهتر است.

فرمود: «تو به سنت راه یافته‌ای و زراره، بدان، نرسیده است. تراشیدن آنها از کندنشان بهتر است و زدودن [به نوره و همانند آن، از تراشیدن نیز بهتر].».

سپس به ما فرمود: «موزدایی کنید».

گفتم: سه روز پیش این کار را انجام داده‌ایم.

فرمود: «دوباره انجام دهید؛ چرا که موزدایی، خود، نوعی طهارت است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۰

۹۱۸. الإمام الصادق عليه السلام: لا بأس بِجَزِّ الشَّمْطِ وَتَتْفِهِ، وَجَزِّهِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَتْفِهِ. [۱۲۵۳]

۶/۱۰

أَخَذُ الشَّارِبِ

۹۱۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً يَسْتَرُّ بِهِ. [۱۲۵۴]

۹۲۰. الكافي عن ابن فضال عمير ذكره عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: ذَكَرْنَا الْأَخْذَ مِنَ الشَّارِبِ، فَقَالَ: نُشْرَةٌ، وَهُوَ مِنْ

السُّنَّةِ. [۱۲۵۵]

راجع: ج ۱، ص ۵۵۴ (تقليم الأظفار يوم الجمعة).

۷/۱۰

قَصُّ شَعْرِ الْإِبْطِ

۹۲۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: لا يُطَوَّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَعْرَ إِبْطِهِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهُ مَخْبَأً لِيَسْتَرَّ بِهِ. [۱۲۵۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۱

۹۱۸. امام صادق عليه السلام: قطع کردن و کندن تار موهای سفید، اشکال ندارد؛ اما قطع کردن آنها از کندنشان بهتر است.

۶/۱۰ گرفتن سبیل

۹۱۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: مبدا که کسی از شما سبیل خود را [۱۲۵۷] بلند کند؛ زیرا شیطان، آن را مخفیگاه می‌گیرد و در آن، پنهان می‌شود.

۹۲۰. الكافي به نقل از ابن فضال، از راوی‌ای که خود از وی نام برده است: [نزد امام صادق عليه السلام از کوتاه کردن سبیل سخن به میان آوردم.

فرمود: «این عمل، نوعی پیشگیری از بیماری و عمل به سنت پیامبر صلى الله عليه و آله است».

ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۵ (کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه).

۷/۱۰ کوتاه کردن موهای زیر بغل

۹۲۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبادا کسی از شما موهای زیر بغل خود را بلند بدارد؛ چرا که شیطان، آن را مخفیگاه می‌گیرد تا در آن پنهان شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۲

۸/۱۰

استعمالُ التَّوْرَةِ لِإِزَالَةِ الشَّعْرِ

۹۲۲. الإمام علی علیه السلام: التَّوْرَةُ طَهُورٌ. [۱۲۵۸]

۹۲۳. عنه علیه السلام: التَّوْرَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ. [۱۲۵۹]

۹۲۴. الإمام الصادق علیه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَطْلِي الْعَانَةَ وَ مَا تَحْتَ الْأَيْتَيْنِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ. [۱۲۶۰]

۹۲۵. الإمام علی علیه السلام: أَحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطْلِي فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا. [۱۲۶۱]

۹۲۶. الإمام الصادق علیه السلام: التَّنْظُفُ بِالْمَوْسَى فِي كُلِّ سَبْعٍ، وَ بِالتَّوْرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا. [۱۲۶۲]

۹۲۷. عنه علیه السلام: الشُّنَّةُ فِي التَّوْرَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشَرَ يَوْمًا، فَإِنْ أَتَتْ عَلَيْكَ عِشْرُونَ يَوْمًا وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ عَلَيَّ

اللَّهِ. [۱۲۶۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۳

۸/۱۰ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن

۹۲۲. امام علی علیه السلام: نوره، یک پاک کننده است.

۹۲۳. امام علی علیه السلام: نوره، یک تعویذ (نگه دارنده) و مایه پاکی بدن است.

۹۲۴. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا در هر جمعه، موی زهار و زیر سرین را نوره می‌کشید.

۹۲۵. امام علی علیه السلام: برای مؤمن، این را دوست دارم که در هر پانزده روز یک بار، موزدایی کند.

۹۲۶. امام صادق علیه السلام: زدودن موها با تیغ در هر هفت روز، و با نوره در هر پانزده روز، پسندیده است.

۹۲۷. امام صادق علیه السلام: سنت در مورد نوره، آن است که هر پانزده روز یک بار انجام شود. اگر بیست روز بر تو گذشت و

این کار را انجام ندادی و هیچ چیز هم برای خرید آن نداشتی، به حساب خداوند، قرض کن. [۱۲۶۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۴

۹۲۸. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكُ عَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، وَ لَا يَحِلُّ لِمَرْأَةٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ

الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ ذَلِكَ مِنْهَا فَوْقَ عِشْرِينَ يَوْمًا. [۱۲۶۵]

۹۲۹. الكافي عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَمَامَ، فَقَالَ لِي: يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ اطَّلِ، فَقُلْتُ: إِنَّمَا

اطَّلَيْتُ مِنْذُ أَيَّامٍ.

فَقَالَ: اطَّلِ؛ فَإِنَّهَا طَهُورٌ. [۱۲۶۶]

۹۳۰. الإمام الصادق علیه السلام: طَلَيْتُهُ فِي الصَّيْفِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرِ فِي الشِّتَاءِ. [۱۲۶۷]

۹۳۱. الإمام الرضا علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَلَّا يَبْثُرَ [۱۲۶۸] [بَدَنُكَ]، وَ لَا يُصِيبُكَ قُرُوحٌ وَ لَا شِقَاقٌ وَ لَا سَوَادٌ، فَاغْسِلِ بِالْمَاءِ الْبَارِدِ قَبْلَ أَنْ

تَتَوَرَّ.

وَ مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْحَمَامِ لِلتَّوْرَةِ، فَلْيَتَجَنَّبِ الْجِمَاعَ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَثْنَيْ عَشْرَةَ سَاعَةً، وَ هُوَ تَمَامُ يَوْمٍ، وَ لِيُطْرَحَ فِي التَّوْرَةِ شَيْئًا مِنَ الصَّبْرِ وَ

القاقيا وَ الحُضْضِ، أَوْ يَجْمَعُ ذَلِكَ وَيَأْخُذُ مِنْهُ الْيَسِيرَ إِذَا كَانَ مُجْتَمِعًا أَوْ مُتَفَرِّقًا.

وَلَا يُلْقَى فِي النَّوْرَةِ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا، حَتَّى تُمَاتَ النَّوْرَةُ بِالْمَاءِ الْحَارِّ الَّذِي يُطْبَخُ فِيهِ الْبَابُونَجُ وَ الْمَرَزَنْجُوشُ، أَوْ وَرَدُ الْبَنْفَسِجِ الْيَابِسِ؛ وَإِنْ جَمَعَ ذَلِكَ

أَخَذَ مِنْهُ الْيَسِيرَ مُجْتَمِعًا أَوْ مُتَفَرِّقًا قَدَرًا مَا يَشْرَبُ الْمَاءَ رَائِحَتَهُ.

وَ لِيَكُنْ زَرْنِيخُ النَّوْرَةِ مِثْلَ ثَلَاثِهَا. وَ يَدُلُّكَ الْجَسَدَ بَعْدَ الْخُرُوجِ مِنْهَا مَا يَقَطُّعُ رِيحَهَا كَوَرَقِ الْخَوْخِ، وَ ثَجِيرِ الْعُصْفُرِ، وَ الْحِنَاءِ، وَ السُّعْدِ وَ الْوَرْدِ.

وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ النَّوْرَةَ وَ يَأْمَنَ إِحْرَاقَهَا، فَلْيُقِلِّلْ مِنْ تَقْلِيلِهَا، وَ لِيَبَادِرَ إِذَا عَمِلْتَ فِي غَسَلِهَا، وَ أَنْ يَمَسَّحَ الْبَدَنَ بِشَيْءٍ مِنْ دُهْنِ وَرْدٍ. فَإِنْ أَحْرَقْتَ وَ الْعِيَاذُ بِاللَّهِ إِخَذَ عَدَسٌ مُقَشَّرٌ فَيَسْحَقُ بِخَلٍّ وَ مَاءٍ وَرَدٍ [١٢٦٩]، وَ يُطْلَى عَلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي أَحْرَقْتَهُ النَّوْرَةَ؛ فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ.

وَ الَّذِي يَمْنَعُ مِنْ تَأْثِيرِ النَّوْرَةِ لِلْبَدَنِ هُوَ أَنْ يُدْلِكَ عَقِيبَ النَّوْرَةَ بِخَلٍّ عَنَبٍ، وَ دُهْنِ وَرْدٍ ذَلِكًا جَيِّدًا. [١٢٧٠]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٥٤٥

٩٢٨. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس به خدا و روز واپسین ایمان دارد، مبادا که موی عانه خود را بیش از چهل روز وا گذارد. برای هر زنی هم که به خدا و روز واپسین ایمان دارد، روا نیست برای بیشتر از بیست روز، این کار را ترک کند.

٩٢٩. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن ابی عبد الله: روزی با امام صادق علیه السلام به حمام رفتیم. به من فرمود: «ای عبد الرحمن! موزدایی کن».

گفتم: چند روز پیش، موهای خود را زدوده‌ام.

فرمود: «موزدایی کن؛ چرا که این، یک طهارت است».

٩٣٠. امام صادق علیه السلام: یک بار نوره کشیدن در تابستان، از ده بار در زمستان بهتر است.

٩٣١. امام رضا علیه السلام: هر گاه خواستی جوش برنیاید [١٢٧١] و بر بدنت هیچ زخم یا ترک پوست و یا سیاه لکه‌ای رخ ننماید، پیش از نوره کشیدن، با آب سرد، شستشو کن. هر کس می‌خواهد برای نوره کشیدن به حمام برود، دوازده ساعت، یعنی یک روز

کامل پیش از آن، از نزدیکی خودداری کند. سپس اندکی صبر [١٢٧٢] یا اقاقیا [١٢٧٣] و یا پیل زهره [١٢٧٤] و یا قدری از همه آنها را با هم در نوره بریزد. البته این کار را پس از آن انجام دهد که نوره، در آب گرمی حل شده

باشد که در آن، بابونه یا مرزنگوش یا گُل بنفشه خشک و یا اندکی از همه آنها، به اندازه‌ای که بوی خود را به آب بدهد، جوشانده شده است. در این میان، زرنیخ هم باید به اندازه یک ششم نوره باشد.

پس از نوره کشیدن هم باید چیزی همانند برگ هلو، گنجاره گل کاجیره، حنا و مُشکک و گُل سرخ [١٢٧٥] به بدن مالیده شود تا بوی آن را از میان ببرد. هر کس می‌خواهد از سوختن بدن با نوره در امان بماند، کمتر آن را هم بزند و به محض عمل نمودن، آن

را بشوید و قدری روغن گُل سرخ نیز بر بدن بمالد. و اگر نوره بدن را بسوزاند، مقداری عدس پوست‌کنده بردارد، خوب آرد کند، در گلاب و سرکه حل کند و بر جای زخم بمالد، که به اذن خداوند متعال، بهبود خواهد یافت. آنچه مانع اثر گذاشتن نوره بر بدن

می‌شود، این است که محل، با سرکه انگور، پیاز دشتی کاملاً تُرش و روغن گُل سرخ، خوب مالیده شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ١، ص: ٥٤٦

راجع: ج ١، ص ٦٤٢ (ما یعین علی الجماع/ النورة).

٩ / ١٠

دَفْنُ الشَّعْرِ

٩٣٢. دعائم الإسلام: عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَمَرَ بِدَفْنِ الشَّعْرِ، وَقَالَ: كُلُّ مَا وَقَعَ مِنْ ابْنِ آدَمَ فَهُوَ مَيْتَةٌ. [١٢٧٦]

۹۳۳. الخصال عن عائشة: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَةِ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِنْسَانِ: الشَّعْرَ، وَالظَّفْرَ، وَالِدَّمَ، وَالْحَيْضَ، وَالْمَشِيمَةَ، وَالسِّنَّ، وَالْعَلَقَةَ. [۱۲۷۷]
 راجع: ج ۱، ص ۵۵۶ (دفن الأظفار).
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۷
 همچین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۳ (آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد/ نوره کشیدن).

۱۰/۹ دفن موهای زاید

۹۳۲. دعائم الإسلام: از امام علی علیه السلام روایت شده که به دفن کردن موها فرمان داد و فرمود: «هر چه از آدمیزاد جدا می شود، مردار است».
 ۹۳۳. الخصال به نقل از عایشه: پیامبر خدا به دفن هفت چیز از انسان، امر می فرمود: مو، ناخن، خون، حیض، جفت جنین، دندان، و خون بسته.
 همچین، ر. ک: ج ۱، ص ۵۵۷ (دفن ناخن های گرفته شده).
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۸
 ۱۰/۱۰

ما يَنْفَعُ لِإِنْبَاتِ الشَّعْرِ

۹۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله: اخْتَضَبُوا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُطَيِّبُ الزَّيْحَ، وَيُسَكِّنُ الزَّوْجَةَ. [۱۲۷۸]
 ۹۳۵. الإمام الهادي عليه السلام: التَّسْرِيحُ بِمِشْطِ الْعَاجِ يُنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ، وَيَطْرُدُ الدَّوْدَ مِنَ الدَّمَاعِ، وَيُطْفِئُ الْمِرَارَ، وَيُنْقِي اللُّثَّةَ وَالْعُمُورَ. [۱۲۷۹]
 ۹۳۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيُحْدِثُ الْبَصَرَ، وَيُعِينُ عَلَى طَوْلِ الشُّجُودِ. [۱۲۸۰]
 ۹۳۷. عنه عليه السلام: الْإِثْمِدُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ. [۱۲۸۱]
 ۹۳۸. الإمام الرضا عليه السلام: السُّوَاكُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالدَّمْعَةِ. [۱۲۸۲]
 ۹۳۹. عنه عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَيَشُدُّ الْفَمَ وَالْعَظْمَ، وَيُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَيَذْهَبُ بِالْدَّاءِ، وَلَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۱۲۸۳]
 راجع: ج ۱، ص ۳۰۰ ۳۰۲، ح ۴۶۶ إلى ح ۴۶۹، و ح ۴۷۳.
 دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۴۹

۱۰/۱۰ آنچه برای درمان کم مویی سودمند است

۹۳۴. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به حنا خضاب بندید؛ چرا که دیده را جلا می دهد، مو بر می رویاند، بو را خوش می سازد و همسر مرد را آرامش می بخشد.
 ۹۳۵. امام هادی علیه السلام: شانه کردن با شانه عاج، مو را بر سر می رویاند، کرم ها را از مغز، دور می سازد، تلخه را فرو می نشاند، و لثه و گوشت میان دندان ها را پاک و تمیز می کند.
 ۹۳۶. امام صادق علیه السلام: سرمه، مو بر می رویاند، دیده را تیزی می بخشد و انسان را بر طولانی ساختن سجده، یاری می رساند.
 ۹۳۷. امام صادق علیه السلام: سرمه اِثْمِد، چشم را جلا می دهد، مو بر می رویاند و اشک را می بزد.
 ۹۳۸. امام رضا علیه السلام: مسواک زدن، دیده را جلا می دهد، مو بر می رویاند و آبریزش چشم را از میان می بزد.

۹۳۹. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو بر می‌رویاند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.
همچنین، ر. ک: (آنچه دیده را جلا می‌دهد/ سرمه) ج ۱، ص ۳۰۳ تا ۴۶۶ تا ۴۶۹ و ح ۴۷۳.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۰

الفصل الحادی عشر: الظفر

۱ / ۱۱

الإشارة إلى ما فيه من الحكمة

۹۴۰. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: فَكَرَّ يَا مُفَضَّلُ... لِمَ صَارَتِ الْأَظْفَارُ عَلَى أَطْرَافِ الْأَصَابِعِ إِلَّا وَقَايَةً لَهَا، وَمَعُونَةً عَلَى الْعَمَلِ؟ [۱۲۸۴]

۲ / ۱۱

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ

۹۴۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: خَلُّوا لِحَاكِمِمْ، وَقُصُّوا أَظْفَارَكُمْ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مَا بَيْنَ اللَّحْمِ وَالظُّفْرِ. [۱۲۸۵]
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۱

فصل یازدهم: ناخن

۱ / ۱۱ اشاره به حکمت نهفته در آن

۹۴۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این بیندیش که چرا ناخن‌ها در سوزانگشت‌ها واقع شده‌اند. جز برای آن که از انگشت‌ها حفاظت کنند و در انجام دادن کارها یاری دهند؟

۲ / ۱۱ کوتاه کردن ناخن

۹۴۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: میان ریش خود را تمیز کنید و ناخن‌هایتان را بگیرید؛ زیرا شیطان، میان گوشت و ناخن، روان می‌شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۲

۹۴۲. عنه صلى الله عليه وآله: يَسْأَلُ أَحَدُكُمْ عَنِ نَخْرِ السَّمَاءِ وَهُوَ يَدْعُ أَظْفَارَهُ كَأَظْفَارِ الطَّيْرِ، يَجْتَمِعُ فِيهَا الْجَنَائِبُ، وَالْخَبْثُ، وَالتَّفَثُ! [۱۲۸۶]

۹۴۳. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَحْلِقْ عَاتَتَهُ، وَيُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ، وَيَجْزِّ شَارِبَهُ، فَلَيْسَ مِنَّا. [۱۲۸۷]

۹۴۴. عنه صلى الله عليه وآله: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَيُدِرُّ الرِّزْقَ. [۱۲۸۸]

۹۴۵. عنه صلى الله عليه وآله: الْفِطْرَةُ قُصُّ الْأَظْفَارِ، وَأَخْذُ الشَّارِبِ، وَحَلْقُ الْعَانَةِ. [۱۲۸۹]

۹۴۶. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّمَا قُصَّ الْأَظْفَارُ؛ لِأَنَّهَا مَقِيلُ الشَّيْطَانِ، وَمِنْهُ يَكُونُ النَّسْيَانُ. [۱۲۹۰]

۹۴۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ أَسْتَرَ وَأَخْفَى مَا يُسَلِّطُ الشَّيْطَانُ مِنْ ابْنِ آدَمَ أَنْ صَارَ أَنْ يَسْكُنَ تَحْتَ الْأَظْفَارِ. [۱۲۹۱]

۹۴۸. عنه عليه السلام: مِنَ السُّنَّةِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ. [۱۲۹۲]

۹۴۹. عنه عليه السلام: السُّنَّةُ فِي الْإِحْرَامِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ، وَ أَخْذُ الشَّارِبِ، وَ حَلْقُ الْعَانَةِ. [۱۲۹۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۳

۹۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برخی از شما از خبر آسمان می پرسند، در حالی که ناخن های خود را به سان ناخن های پرندگان، و می گذارند که در آنها جنابت، آلودگی و چرک، جای می گیرد.

۹۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس موی عانه خود را تراشد، ناخن های خود را کوتاه نکند و سبیل خود را از ته نچیند، از ما نیست.

۹۴۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کوتاه کردن ناخن ها، از بیماری بزرگ، جلوگیری می کند و روزی را سرشار می سازد.

۹۴۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فطرت، برچیدن ناخن ها، گرفتن سبیل و تراشیدن موی عانه است.

۹۴۶. امام باقر علیه السلام: ناخن ها را از آن رو باید کوتاه کرد که جایگاه شیطان است و فراموشی، از آن سرچشمه می گیرد.

۹۴۷. امام صادق علیه السلام: پوشیده ترین و پنهان ترین جایی که شیطان برای چیره شدن بر آدمیزاد می یابد، این است که در زیر ناخن ها جای گیرد.

۹۴۸. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها از سنت است.

۹۴۹. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها، گرفتن سبیل و تراشیدن [موی عانه در احرام، از سنت است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۴

۳/۱۱

تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۹۵۰. رسول الله صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَمْ تَشَعْتَ أَنَامِلُهُ. [۱۲۹۴]

۹۵۱. الإمام الصادق علیه السلام: أَخْذُ الشَّارِبِ وَ الْأَظْفَارِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ. [۱۲۹۵]

۹۵۲. عنه عليه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ، وَ الْبَرَصِ، وَ الْعَمَى، وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحَكِّهَا. [۱۲۹۶]

۹۵۳. عنه عليه السلام: خُذْ مِنَ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهَا شَيْءٌ فَحَكِّهَا لَا يُصَيِّبُكَ جُنُونٌ، وَلَا جُذَامٌ، وَلَا بَرَصٌ. [۱۲۹۷]

۹۵۴. الإمام الباقر علیه السلام: مَنْ أَدَمَّنَ أَخْذَ أَظْفَارِهِ كُلَّ خَمِيسٍ لَمْ تَرْمَدْ عَيْنُهُ. [۱۲۹۸]

راجع: (الوقایه من بعض أمراض العین) ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۴۳۷، و ص ۲۸۸، ح ۴۳۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۵

۳/۱۱ کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه

۹۵۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس روز جمعه ناخن های خود را کوتاه کند، سرانگشت هایش آشفته نشود.

۹۵۱. امام صادق علیه السلام: گرفتن سبیل و ناخن ها از جمعه تا جمعه، مایه ایمنی از جذام است.

۹۵۲. امام صادق علیه السلام: کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه از جذام و پیسی و کوری ایمنی می دهد؛ اگر هم نیازی به کوتاه کردن نبود، آنها را [کمی بسای.

۹۵۳. امام صادق علیه السلام: در هر جمعه، اندکی از سبیل و ناخن های خود را بگیر؛ و اگر هم چیزی وجود نداشته باشد، جای آن را بسای، [۱۲۹۹] تا دیوانگی، جذام و پیسی به تو نرسد.

۹۵۴. امام باقر علیه السلام: هر کس به گرفتن ناخن در هر پنج‌شنبه عادت داشته باشد، چشم‌درد نگیرد. [۱۳۰۰]

ر. ک: پیشگیری از برخی بیماری‌های چشم / ج ۱، ص ۲۸۷ ح ۴۳۷ و ص ۲۸۹، ح ۴۳۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۶

۴ / ۱۱

دَفْنُ الْأَظْفَارِ

۹۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله: اَدْفِنُوا دِمَاءَكُمْ وَأَشْعَارَكُمْ وَأَظْفَارَكُمْ، لَا تَلْعَبُ [۱۳۰۱] بِهَا السَّحَرَةُ. [۱۳۰۲]

۹۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: قُصِّوا أَظْفَارَكُمْ، وَادْفِنُوا قُلَامَاتِكُمْ، وَنَقُّوا بَرَاجِمَكُمْ، وَنَظَّفُوا لِثَاتِكُمْ مِنَ الطَّعَامِ، وَاسْتَاكُوا، وَلَا تَدْخُلُوا

عَلَى فَاخِرَا بَحْرَا. [۱۳۰۳]

۹۵۷. الإمام الصادق علیه السلام فی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا* أَحْيَاءَ وَ أَمْوَاتًا» [۱۳۰۴]: دَفْنُ الشَّعْرِ وَالظُّفْرِ. [۱۳۰۵]

۹۵۸. عنه علیه السلام: يَدْفِنُ الرَّجُلُ أَظْفَارَهُ وَشَعْرَهُ إِذَا أَخَذَ مِنْهَا، وَهِيَ سُنَّةٌ. [۱۳۰۶]

راجع: ج ۱، ص ۵۴۶ (دفن الشعر).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۷

۴ / ۱۱ دفن ناخن‌های گرفته شده

۹۵۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خونتان، موهایتان و ناخن‌هایتان را به خاک بسپارید تا ساحران، آنها را بازیچه نگیرند.

۹۵۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناخن‌های خود را بچینید و چیده‌های خود را به خاک بسپارید، لای انگشتان خود را تمیز کنید،

لته‌های خود را از غذا پاک سازید، مسواک بزنید و با دهان بدبو بر من وارد نشوید.

۹۵۷. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «مگر زمین را محلّ اجتماع نگردانیدیم؛ چه برای زندگان، چه برای مردگان؟»: مقصود به

خاک سپردن مو و ناخن است.

۹۵۸. امام صادق علیه السلام: مرد، چون ناخن و موی خود را می‌گیرد، آنچه را گرفته است، به خاک بسپارد؛ و این کار، سنت

(مستحب) است.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۴۷ (دفن موهای زاید).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۸

الفصل الثانی عشر: العظام

۱ / ۱۲

الإِشَارَةُ إِلَى مَا فِيهَا مِنَ الْحِكْمَةِ

۹۵۹. الإمام الصادق علیه السلام لِلطَّبِيبِ الْهِنْدِيِّ: جُعِلَ طَيُّ الرُّكْبَةِ إِلَى خَلْفٍ؛ لِأَنَّ الْإِنْسَانَ يَمْشِي إِلَى بَيْنِ يَدَيْهِ فَيَعْتَدِلُ الْحَرَكَاتُ، وَ لَوْ

لَا ذَلِكَ لَسَقَطَ فِي الْمَشْيِ.

و جُعِلَتِ الْقَدَمُ مُخَصَّرَةً؛ لِأَنَّ الشَّيْءَ إِذَا وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعُهُ تُثْقَلُ كَثْفَلِ حَجَرِ الرَّحَا، فَإِذَا كَانَ عَلَى حَرْفِهِ رَفَعَهُ الصَّبِيُّ، وَإِذَا وَقَعَ

عَلَى وَجْهِهِ صَعَبَ نَقْلُهُ عَلَى الرَّجُلِ. [۱۳۰۷]

۹۶۰. عنه علیه السلام لِلْمُقْضَلِ بْنِ عَمَرَ: يَا مُقْضَلُ، انْظُرْ إِلَى مَا خُصَّ بِهِ الْإِنْسَانُ فِي خَلْقِهِ تَشْرِيفًا وَ تَفْضِيلًا عَلَى الْبَهَائِمِ؛ فَإِنَّهُ خُلِقَ

يَنْتَصِبُ قَائِماً وَ يَسْتَوِي جَالِساً

لِيَسْتَقْبِلَ الْأَشْيَاءَ بِيَدَيْهِ وَ جَوَارِحِهِ وَ يُمَكِّنُهُ الْعِلَاجُ وَ الْعَمَلُ بِهِمَا، فَلَوْ كَانَ مَكْبُوباً عَلَى وَجْهِهِ كَذَاتِ الْأَرْبَعِ، لَمَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَعْمَلَ شَيْئاً مِنَ الْأَعْمَالِ...

لِمَ حَمَلَ الْإِنْسَانُ عَلَى فَحْدَيْهِ وَ أَلْتَبَتِ هَذَا اللَّحْمُ؟ إِنْ لَيْقِيَهُ مِنَ الْأَرْضِ فَلَا يَتَأَلَّمُ مِنَ الْجُلُوسِ عَلَيْهِمَا، كَمَا يَأَلَّمُ مَنْ نَحَلَ جِسْمَهُ وَقَلَّ لَحْمُهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْأَرْضِ حَائِلٌ يَقِيهِ صَلَابَتُهَا...

فَكَرَّ فِي أُنْبُوتِهِ أَبْدَانِ الْحَيَوَانِ وَ تَهَيَّيْتُهَا عَلَى مَا هِيَ عَلَيْهِ، فَلَا هِيَ صَلَابٌ كَالْحِجَارَةِ وَ لَوْ كَانَتْ كَذَلِكَ لَا تَنْشَى وَلَا تَنْصَرِفُ فِي الْأَعْمَالِ، وَلَا هِيَ عَلَى غَايَةِ اللَّيْنِ وَ الرَّخَاوَةِ فَكَانَتْ لَا تَتَحَامَلُ وَلَا تَسْتَقِلُّ بِأَنْفُسِهَا، فَجُعِلَتْ مِنْ لَحْمٍ رَخْوٍ تَنْشَى تَتِدَاخُلُهُ عِظَامٌ صَدَلَابٌ يُمَسِّكُهُ عَصَبٌ وَ عُرُوقٌ تُشُدُّهُ وَ يُضَمُّ بَعْضُهُ إِلَى بَعْضٍ، وَ عُقِلَتْ فَوْقَ ذَلِكَ بِجِلْدٍ يَشْتَمِلُ عَلَى الْبَدَنِ كُلِّهِ.

وَ مِنْ أَشْبَاهِ ذَلِكَ هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي تُعْمَلُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ تُلْفُ بِالْخَرْقِ وَ تُشَدُّ بِالْخُيُوطِ وَ يُطْلَى فَوْقَ ذَلِكَ بِالصَّمْغِ، فَيَكُونُ الْعِيدَانُ بِمَنْزِلَةِ الْعِظَامِ، وَ الْخَرْقُ بِمَنْزِلَةِ اللَّحْمِ، وَ الْخُيُوطُ بِمَنْزِلَةِ الْعَصَبِ وَ الْعُرُوقِ، وَ الطَّلَا بِمَنْزِلَةِ الْجِلْدِ، فَإِنْ جَازَ أَنْ يَكُونَ الْحَيَوَانُ الْمُتَحَرِّكُ حَدِيثٌ بِالْإِهْمَالِ مِنْ غَيْرِ صَانِعٍ جَازَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ فِي هَذِهِ التَّمَاثِيلِ الْمَيِّتَةِ، فَإِنْ كَانَ هَذَا غَيْرَ جَائِزٍ فِي التَّمَاثِيلِ فَبِالْحَرِيِّ أَلَّا يَجُوزَ فِي الْحَيَوَانِ...

فَالْإِنْسَانُ لَمَّا قَدَّرُوا أَنْ يَكُونُوا ذَوِي ذِهْنٍ وَ فِطْنَةٍ وَ عِلَاجٍ لِمِثْلِ هَذِهِ الصَّنَاعَاتِ مِنَ الْبِنَاءِ وَ التَّجَارَةِ وَ الصِّيَاغَةِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ، خُلِقَتْ لَهُمْ أَكْفٌ كِبَارٌ ذَوَاتُ أَصَابِعٍ غَلَاظٍ؛ لِيَتَمَكَّنُوا مِنَ الْقَبْضِ عَلَى الْأَشْيَاءِ، وَ أَوْكَدَهَا هَذِهِ الصَّنَاعَاتُ. [۱۳۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۵۹

فصل دوازدهم: استخوان‌ها

۱/۱۲ اشاره به حکمت نهفته در استخوان‌ها

۹۵۹. امام صادق علیه السلام خطاب به طیب هندی: تا خوردن زانو، به سمت عقب قرار داده شده است؛ چرا که انسان به سمت جلو راه می‌رود و حرکات او با تعادل همراه است؛ اما اگر این نبود، انسان در هنگام راه رفتن [بر زمین می‌افتاد.

در کف پا، گودی‌ای قرار داده شده است؛ زیرا هر چیز، چون به تمامی سطح بر زمین قرار گیرد، به اندازه سنگ آسیاب سنگین می‌شود. اگر بر لبه‌اش بر روی زمین باشد، یک کودک هم می‌تواند آن را [از جای خویش براند. اگر هم که چیزی به روی بر زمین قرار گیرد، جابه‌جا کردن آن، حتی بر یک مرد، سنگین می‌آید.

۹۶۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! بنگر که چگونه انسان در خلقتش ویژگی‌هایی یافته است تا بر چارپایان، برتری و مهتری داده شود. او به گونه‌ای آفریده شده است که راست می‌ایستد و راست می‌نشیند تا با دستان و اندام‌ها، رویاروی چیزها قرار گیرد و بتواند با آنها در آویزد و کاری انجام دهد. اگر او به‌سان چارپایان، صورت به سوی زمین داشت، نمی‌توانست هیچ‌یک از کارها را انجام دهد....

چرا انسان بر ران و سرین خود، این گوشت را حمل می‌کند، جز برای آن که

او را از [درشتی زمین نگه دارد تا از نشستن بر آن، احساس درد نکند، آن سان که چون انسان نحیف و کم گوشت بنشیند و میان او و زمین، حائلی نباشد که او را از درشتی زمین، نگه دارد، احساس درد کند؟ ...

در ساختار بدن جانوران و سامان یافتن آنان بر وضعی که دارند، اندیشه کن. آنها نه به‌سان سنگ، سخت آفریده شده‌اند؛ و اگر چنین بودند، نه خم می‌شدند و نه می‌توانستند به انجام دادن کاری دست بزنند. همچنین، آنها بسیار نرم و سست نیز آفریده نشده‌اند

که نتوانند سنگینی خود را حمل کنند و نه به خویش اتکا ورزند. آنها از گوشتی نرم آفریده شده‌اند که خم می‌شود و در درون آن نیز استخوان‌هایی سخت است و پی و رگ آن را نگه می‌دارد و اینها همه را به یکدیگر، پیوند می‌زند و در کنار هم نگه می‌دارد. بر روی همه اینها غلافی از پوست قرار گرفته است که همه بدن را در بر می‌گیرد.

حکایت بدن، حکایت این تندیس‌هاست که از چوب ساخته و در آنها، پارچه‌ای بر اطراف چوب پیچیده و به کمک نخ، به هم بسته می‌شود و آن گاه لایه‌ای از صمغ نیز آنها را می‌پوشاند. چوب‌ها به منزله استخوان، پارچه‌ها به منزله گوشت، و نخ‌ها به منزله پی و رگ و آن لایه نیز به منزله پوست است. اگر این احتمال روا باشد که جانوران متحرک، به خودی خود و بدون آفریدگار، پدید آمده باشند، چنین چیزی درباره این تندیس‌های بی‌جان نیز روا خواهد بود؛ امّا اگر این احتمال درباره تندیس‌ها روا نباشد، سازمان‌تر آن است که درباره جانوران نیز روا نیست...

انسان‌ها چون توانسته‌اند صاحب ذهن و زیرکی و توان دست یازیدن به حرفه‌هایی چون: بنا ساختن، تجارت، رنگرزی و جز آن باشند، برایشان کفِ دستانی بزرگ و برخوردار از انگشتان درشت، قرار داده شده است تا بتوانند چیزها را در دست گیرند و لازم‌ترین [۱۳۰۹] آنها همین حرفه‌هاست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۲

۹۶۱. المناقب عن سالم الضریر: إِنَّ نَصْرَانِيًّا سَأَلَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَفْصِيلَ الْجِسْمِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ وُصْلًا، وَعَلَى مِثَّتَيْنِ وَسِتِّتَيْهِ وَأَرْبَعِينَ عَظْمًا، وَعَلَى ثَلَاثِمِئَةٍ وَسِتِّينَ عِرْقًا. فَالْعُرْوُوقُ هِيَ الَّتِي تَسْقِي الْجَسَدَ كُلَّهُ، وَالْعِظَامُ تُمَسِّكُهَا، وَاللَّحْمُ يُمَسِّكُ الْعِظَامَ، وَالْعَصَبُ يُمَسِّكُ اللَّحْمَ.

وَجَعَلَ فِي يَدَيْهِ اثْنَيْنِ وَثَمَانِينَ عَظْمًا، فِي كُلِّ يَدٍ أَحَدٌ وَأَرْبَعُونَ عَظْمًا، مِنْهَا: فِي كَفِّهِ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا، وَفِي سَاعِدِهِ اثْنَانِ، وَفِي عَضُدِهِ وَاحِدٌ، وَفِي كَنْفِهِ ثَلَاثَةٌ. وَكَذَلِكَ فِي الْآخَرَى.

وَفِي رِجْلِهِ ثَلَاثَةٌ وَأَرْبَعُونَ عَظْمًا، مِنْهَا: فِي قَدَمِهِ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا، وَفِي سَاقِهِ اثْنَانِ، وَفِي رُكْبَتَيْهِ ثَلَاثَةٌ، وَفِي فَخْذِهِ وَاحِدٌ، وَفِي وَرِكِّهِ اثْنَانِ. وَكَذَلِكَ فِي الْآخَرَى.

وَفِي صُلْبِهِ ثَمَانِي عَشْرَةَ فَقَارَةً. وَفِي كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ جَنْبَيْهِ تِسْعَةٌ أَضْلَاعٍ. وَفِي عُنُقِهِ ثَمَانِيَةٌ. وَفِي رَأْسِهِ سِتُّتَيْهِ وَثَلَاثُونَ عَظْمًا. وَفِي فِيهِ ثَمَانِيَةٌ وَعِشْرُونَ، وَاثْنَانِ وَثَلَاثُونَ [۱۳۱۰]. [۱۳۱۱]

۲/۱۲

مَا يَشُدُّ الْعَظْمَ

۹۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: اللَّحْمُ وَاللَّبَنُ يُنْبِتَانِ اللَّحْمَ وَيَشُدَّانِ الْعِظَامَ، وَاللَّحْمُ يَزِيدُ فِي

السَّمْعِ وَالْبَصَرِ. [۱۳۱۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۳

۹۶۱. مناقب آل ابی طالب به نقل از سالم ضریر: مردی مسیحی از امام صادق علیه السلام درباره تشریح بدن پرسید.

فرمود: «خداوند متعال، انسان را بر دوازده اندام اصلی، بر ۲۴۶ استخوان و بر سیصد و شصت رگ آفرید. رگ‌ها همه بدن را آبیاری می‌کنند، استخوان‌ها اندام‌ها را نگه می‌دارند، گوشت، استخوان‌ها را نگه می‌دارد و پی، گوشت را نگه می‌دارد.

در دستان انسان، ۸۲ استخوان قرار داد: در هر دست، ۴۱ استخوان. از این شمار، ۳۵ استخوان در کف، دو استخوان در فاصله میان مچ و آرنج، یکی در بازو و سه تا در شانه اوست؛ و به همین اندازه نیز در دست دیگر.

در پای او نیز ۴۳ استخوان است. از این شمار، سی و پنج استخوان در قسمت پایین‌تر از مچ، دو تا در ساق، سه تا در زانو، یکی در ران، و دو تا در سرین اوست؛ و به همین اندازه نیز در پای دیگر.

در پشت او هم هجده مُهره است، در هر یک از پهلوهای او نُه دنده است، در گردش هشت [استخوان، در سر وی نیز ۳۶ استخوان، در دهانش ۲۸ استخوان و [آن گاه ۳۲ استخوان است.

۲/۱۲ آنچه استخوان را استحکام می‌بخشد

۹۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: گوشت و شیر، گوشت می‌رویند و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشند؛ و گوشت، شنوایی و بینایی را افزون می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۴

۹۶۳. الإمام الصادق علیه السلام: شَرِبُ السَّوِيقِ بِالزَّيْتِ يَنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۳۱۳]

۹۶۴. طَبَّ الْأَثَمِيَّةِ عَنْ بَكِيرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَوْلَدُ الْوَلَدُ فَيَكُونُ فِيهِ الْبَلَّةُ وَالصَّعْفُ.

فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ السَّوِيقِ؟ اشْرَبْهُ وَ مَرَّ أَهْلَكَ بِهِ؛ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَلَا يَوْلَدُ لَكُمْ إِلَّا الْقَوِيُّ. [۱۳۱۴]

۹۶۵. المحاسن عن أحمد بن محمد بن أبي نصر: قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْمَدُ، كَيْفَ شَهَوْتُكَ الْبَقْلَ؟ فَقُلْتُ: إِنِّي لَأَشْتَهِي عَامَّتَهُ.

قَالَ: فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَاعْلَيْكَ بِالسَّلْقِ؛ فَإِنَّهُ يَنْبِتُ عَلَى شَاطِئِ الْفِرْدَوْسِ، وَ فِيهِ شِفَاءٌ مِنَ الْأَدْوَاءِ، وَ هُوَ يُغَلِّظُ الْعَظْمَ وَ يُنْبِتُ اللَّحْمَ. [۱۳۱۵]

۹۶۶. الإمام الرضا عليه السلام: التَّيْنُ يَذْهَبُ بِالْبَحْرِ، وَ يَشُدُّ الْفَئِمَّ وَ الْعَظْمَ، وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ، وَ يَذْهَبُ بِالْدَاءِ، وَ لَا يُحْتَاجُ مَعَهُ إِلَى دَوَاءٍ. [۱۳۱۶]

راجع: ج ۲، ص ۳۷۴ ۳۷۸، ح ۱۸۲۶ ۱۸۲۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۵

۹۶۳. امام صادق علیه السلام: خوردن سويق با روغن زيتون، گوشت برمی‌رویند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.

۹۶۴. طَبَّ الْأَثَمِيَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ بَكِيرِ بْنِ مُحَمَّدٍ: نَزَدَ إِيَّامًا صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَدْمًا. مَرَدِيٌّ بِهِ أَوْ كَفْتٌ: أَيِ پَسْرِ پِيَامِبِرِ خَدَا! فَرَزَنْدِ، زَادَهُ مِي شُود؛ أَمَا دَرِ أَوْ كَمُ عَقْلِي وَ سَسْتِي اسْت.

پرسید: «چه چیزی تو را از سويق، باز داشته است؟ آن را بخور و همسرت را نیز بدان فرمان ده؛ چرا که گوشت می‌رویند، استخوان را استحکام می‌بخشد و سبب می‌شود که جز فرزندان قوی از شما زاده نگردد».

۹۶۵. المحاسن به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام فرمود: «ای احمد! میل تو به سبزی‌ها چگونه است؟». گفتم: همه را دوست دارم.

فرمود: «اگر چنین است، بر تو باد چغندر؛ چرا که بر ساحل فردوس می‌روید. در آن، شفای هر دردی است، استخوان را درشت می‌کند و گوشت می‌رویند».

۹۶۶. امام رضا علیه السلام: انجیر، بوی بد دهان را می‌برد، دهان و استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد، مو بر می‌رویند، درد را می‌برد و با وجود آن، دیگر به دارویی نیاز نیست.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۷۵ ۳۷۹ ح ۱۸۲۶ ۱۸۲۹.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۶

مَا يُقَوِّي السَّاقَيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ

۹۶۷. الإمام الصادق عليه السلام: أكلُ الباقي يُمخِّخُ السَّاقَيْنِ، ويزيدُ في الدِّماغِ، ويولدُ الدَّمَّ الطَّريَّ. [۱۳۱۷]

۹۶۸. عنه عليه السلام: العُبيراءُ لِحْمُهُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وِعَظْمُهُ يُنْبِتُ العِظْمَ، وِجِلْدُهُ يُنْبِتُ الجِلْدَ، وِمَعَ ذَلِكَ، فَإِنَّهُ... يُقَوِّي السَّاقَيْنِ. [۱۳۱۸]

۹۶۹. عنه عليه السلام: المَحْمُومُ يُغَسَّلُ لَهُ السَّوِيقُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَيُعْطَاهُ؛ فَإِنَّهُ يَزْهَبُ بِالحُمَى، وَيُنَشِّفُ المِرَارَ وَالبَلْغَمَ، وَيُقَوِّي

السَّاقَيْنِ. [۱۳۱۹]

۹۷۰. الإمام الكاظم عليه السلام: السَّوِيقُ إِذَا غَسَلْتَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَقَلْبَتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ آخَرَ، فَهُوَ يَزْهَبُ بِالحُمَى، وَيُنزِلُ القُوَّةَ فِي

السَّاقَيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ. [۱۳۲۰]

۹۷۱. عنه عليه السلام: أَطْعِمُوا المَحْمُومَ لَحْمَ القِبَاجِ؛ فَإِنَّهُ يُقَوِّي السَّاقَيْنِ، وَيَطْرُدُ الحُمَى طَرْدًا. [۱۳۲۱]

۹۷۲. الإمام الرضا عليه السلام: المَاءُ المُسَخَّنُ إِذَا عَلِّتَهُ سَبْعَ عَلَيَاتٍ وَقَلْبَتَهُ مِنْ إِنَاءٍ إِلَى إِنَاءٍ،

فَهُوَ يَزْهَبُ بِالحُمَى، وَيُنزِلُ القُوَّةَ فِي السَّاقَيْنِ وَالْقَدَمَيْنِ. [۱۳۲۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۷

۱۲/۳ آنچه استخوان‌های ساق و پا را محکم می‌کند

۹۶۷. امام صادق علیه السلام: خوردن باقلا استخوان‌های ساق را تراکم درونی می‌دهد، توان مغز را افزون می‌سازد و خون تازه

تولید می‌کند.

۹۶۸. امام صادق علیه السلام: سنجد، گوشتش گوشت می‌رویانند، هسته‌اش استخوان را رشد می‌دهد، پوستش پوست را می‌پرورد ...

رگ جذام را به کلی از میان می‌برد و با این همه، ... ساق پا را نیز قوی می‌کند.

۹۶۹. امام صادق علیه السلام: به تبار، سه بار سويق شسته شده، داده می‌شود. این، تب را می‌برد، تلخه و بلغم را می‌خشکاند و

ساق پاها را تقویت می‌کند.

۹۷۰. امام کاظم علیه السلام: سويق، چنانچه آن را هفت بار بشویی و از ظرفی به ظرف دیگر بریزی، تب را می‌برد و نیرو را به ساق

و پاها و قسمت پایین تر از مچ، سرازیر می‌کند.

۹۷۱. امام کاظم علیه السلام: به تبار، گوشت کبک بخورانید؛ چرا که پاها را نیرو می‌دهد و تب را کاملاً دور می‌کند.

۹۷۲. امام رضا علیه السلام: آب گرم، چنانچه آن را هفت جوش بجوشانی و از ظرفی به

ظرف دیگر درآوری، تب را می‌برد و نیرو را به ساق پاها و قسمت پایین تر از مچ، سرازیر می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۸

۴/۱۲

مَا يُلَيِّنُ المَفَاصِلَ

۹۷۳. طَبُّ الأَثْمَةِ عَنِ الأُزْرَقِ بْنِ سَلِيمَانَ: سَأَلْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الإِجَاصِ، فَقَالَ:

نَافِعٌ لِلْمِرَارِ، وَ يُلَيِّنُ المَفَاصِلَ؛ فَلَا تُكْثِرْ مِنْهُ فَيَعْقِبَكَ رِيحًا فِي مَفَاصِلِكَ. [۱۳۲۳]

۵/۱۲

مَا يُرِخِي المَفَاصِلَ

۹۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: شَعْرُ الجَسَدِ إِذَا طَالَ، قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَ أَرخَى المَفَاصِلَ، وَ وَرَثَ الضَّعْفَ وَ السَّلَّ. [۱۳۲۴]

۶/۱۲

ما يَنْفَعُ لَوْجَعِ الْخَاصِرَةِ

۹۷۵. قصص الأنبياء عن عبد الله بن سنان: سَأَلَ أَبِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ كَانَ عَيْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصِيبُهُ مَا يُصِيبُ وُلْدَ آدَمَ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَ لَقَدْ كَانَ يُصِيبُهُ وَجَعُ الْكِبَارِ فِي صِغَرِهِ، وَ يُصِيبُهُ وَجَعُ الصُّغَارِ فِي كِبَرِهِ، وَ يُصِيبُهُ الْمَرَضُ. وَ كَانَ إِذَا مَسَّهُ وَجَعُ الْخَاصِرَةِ فِي صِغَرِهِ وَ هُوَ مِنْ عِلَلِ الْكِبَارِ قَالَ لِأُمِّهِ: ابْغِي لِي عَسَلًا وَ شُونِيزًا وَ زَيْتًا فَتَعَجِنِي بِهِ، ثُمَّ اثْنِينِي بِهِ. فَأَتَتْهُ بِهِ فَكَرِهَهُ.

فَقَوْلُ: لِمَ تَكْرَهُهُ وَ قَدْ طَلَبْتَهُ؟!

فَقَالَ: هَاتِيهِ، نَعْتَهُ لِكَ بِلِمِ الثُّبُوءِ، وَ أَكْرَهْتَهُ لِجَزَعِ الصَّبَا. وَ يَشُمُّ الدَّوَاءَ، ثُمَّ يَشْرِبُهُ بَعْدَ ذَلِكَ. [۱۳۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۶۹

۱۲ / ۴ آنچه مفاصل را نرم می‌کند

۹۷۳. طَبَّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِهِ نَقَلَ مِنْ أَسْرَقِ بْنِ سَلِيمَانَ: أَنَّ إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، دَرَبَارَهُ أَلُو پَرَسِيدِم. فَرَمُودُ: «بِرَايَ تَلَخِهِ، مَفِيدٌ اسْتِ وَ مَفَاصِلَ رَا نَرَمٌ مِي كَنْد. الْبَتَّة، از آن فراوان مخور؛ چرا که بادهایی را در مفاصل تو در پی می‌آورد».

۱۲ / ۵ آنچه مفاصل را سست می‌کند

۹۷۴. إِمَامُ كَازِمٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَوِي بَدَنِ، چُون بَلَنْد شُود، آب كَمَر رَا قَطْع مِي كَنْد، مَفْصَل هَا رَا سَسْت مِي گَرْدَانْد وَ ضَعْف وَ سِل بَر جَاي مِي نَهْد.

۱۲ / ۶ آنچه برای درد پهلو سودمند است

۹۷۵. قصص الأنبياء به نقل از عبد الله بن سنان: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا عیسی علیه السلام به آنچه آدمی زادگان بدان مبتلا می‌شوند، مبتلا می‌شد؟

فرمود: «آری. او در خردسالی به درد بزرگ‌سالان و در بزرگ‌سالی به درد خردسالان، گرفتار می‌شد و بیمار هم می‌شد. چون در دوران خردسالی به درد پهلو که از بیماری‌های بزرگ‌سالان است مبتلا می‌شد، به مادرش می‌گفت: ص برایم قدری عسل و سیاه‌دانه و روغن زیتون بچو و از آن، خمیر بساز و برایم بیاور. مادرش آن را برایش می‌آورد؛ اما او آن را خوش نمی‌داشت. مادرش از او می‌پرسید: ص چرا آن را خوش نداری، در حالی که خود، آن را طلییده‌ای؟ ص. او در پاسخ می‌گفت: ص بده به من. به دانش نبوت آن را برایت نسخه کردم و به بی‌تابی کودکان، آن را خوش نداشت‌م. او دارو را می‌بوید و پس از آن می‌نوشید».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۰

۷ / ۱۲

ما يَنْفَعُ لَوْجَعِ الظَّهْرِ

۹۷۶. الكافي عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام: الْحِمَّصُ جَيِّدٌ لَوْجَعِ الظَّهْرِ. وَ كَانَ يَدْعُو بِهِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ. [۱۳۲۶]

۹۷۷. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ سَكَا إِلَى رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ جَعَّ الظَّهْرُ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْحَبِّ بِاللَّحْمِ، يَعْنِي الْهَرِيْسَةَ. [۱۳۲۷]

راجع: ج ۲ ص ۴۸۰ (لحم الجباري).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۱

۱۲ / ۷ آنچه برای کمردرد، سودمند است

۹۷۶. الکافی به نقل از احمد بن محمد بن ابی نصر: امام رضا علیه السلام فرمود: «نخود، برای کمر درد، سودمند است». [درباره ایشان (امام رضا علیه السلام) نیز نقل کرده است که او پیش و پس از غذا، آن را می‌طلبید.

۹۷۷. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، به درگاه پروردگار خویش عز و جل از کمر درد نالید. خداوند به او فرمود که دانه با گوشت بخورد، یعنی هلیم. [۱۳۲۸]

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۴۸۱ (گوشت هوبره).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۲

۸ / ۱۲

ما یورثُ النَّقْرَسَ

۹۷۸. الإمام الرضا علیه السلام: التَّيْنُ [۱۳۲۹]، وَ النَّبِيذُ الَّذِي يَشْرَبُهُ أَهْلُهُ، إِذَا اجْتَمَعَا وَلَدَا النَّقْرَسَ وَ الْبَرَصَ. [۱۳۳۰]

۹ / ۱۲

مَا يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرَسِ

۹۷۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: كَلُوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّقْرَسِ وَ الْإِبْرَدَةِ. [۱۳۳۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۳

۱۲ / ۸ آنچه نقرس می‌آورد

۹۷۸. امام رضا علیه السلام: انجیر [۱۳۳۲] و شراب خرما که اهلش می‌خورند چون با هم جمع شوند، نقرس و پیسی به وجود می‌آورند.

۱۲ / ۹ آنچه برای نقرس، سودمند است

۹۷۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه کن می‌کند و برای درمان نقرس و سردی مزاج، سودمند است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۴

الفصل الثالث عشر: الجهاز البولى و التناسلى

۱ / ۱۳

الإشارةُ إلى ما فيهما مِنَ الْحِكْمَةِ

۹۸۰. الإمام الصادق عليه السلام لِلْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ: فَكَّرَ يَا مُفْضَلُ، كَيْفَ جُعِلَتْ آلاَتُ الْجِمَاعِ فِي الذَّكْرِ وَ الْإِنْثَى جَمِيعًا عَلَى مَا يُشَاكِلُ ذَلِكَ، فَجُعِلَ لِلذَّكْرِ آلَةٌ نَاشِرَةٌ تَمْتَدُّ، حَتَّى تَصِلَ التُّطْفَةُ إِلَى الرَّحِمِ، إِذْ كَانَ مُحْتَاجًا إِلَى أَنْ يَقْدَفَ مَاءَهُ فِي غَيْرِهِ، وَ خُلِقَ لِلْإِنْثَى وَعَاءٌ

قَعْرَ لِيَسْتَمِلَ عَلَى الْمَاءِ يَنْجِيهِ، وَيَحْتَمِلُ الْوَالِدَ وَيَتَسَّعَ لَهُ وَيَصُونَهُ حَتَّى يَسْتَحْكِمَ، أَلَيْسَ ذَلِكَ مِنْ تَدْبِيرِ حَكِيمٍ لَطِيفٍ؟! سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ...

مَنْ جَعَلَ لِمَنَاغِدِ الْبَوْلِ وَالْغَائِطِ أَشْرَاجًا تَضْبِطُهُمَا، لئَلَّا يَجْرِيَا جَرِيَانَا دَائِمًا فَيَفْسِدَ عَلَى الْإِنْسَانِ عَيْشُهُ؟ فَكَمْ عَسَى أَنْ يُحْصِيَ الْمُحْصِي مِنْ هَذَا؟...

لَوْ كَانَ فَرْجُ الرَّجُلِ مُسْتَرَحِيًا كَيْفَ كَانَ يَصِلُ إِلَى قَعْرِ الرَّحِمِ حَتَّى يُفْرِغَ التُّنْفَةَ فِيهِ؟ وَ لَوْ كَانَ مُنْعِظًا أَيْدَا كَيْفَ كَانَ الرَّجُلُ يَتَّقَلَّبُ فِي الْفِرَاشِ، وَيَمْشِي

بَيْنَ النَّاسِ وَ شَيْءٌ شَاخِصٌ أَمَامَهُ؟ ثُمَّ يَكُونُ فِي ذَلِكَ مَعَ قُبْحِ الْمَنْظَرِ تَحْرِيكُ الشَّهْوَةِ فِي كُلِّ وَقْتٍ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ جَمِيعًا. فَقَدَّرَ اللَّهُ حَيْلَ اسْمُهُ أَنْ يَكُونَ أَكْثَرَ ذَلِكَ لَمَا يَبْدُو لِلْبَصِيرِ فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَلَا يَكُونُ عَلَى الرِّجَالِ مِنْهُ مُؤَنَّةٌ، بَلْ جَعَلَ فِيهِ الْقُوَّةَ عَلَى الْإِنْتِصَابِ وَقَتَّ الْحَاجَةَ إِلَى ذَلِكَ، لِمَا قَدَّرَ أَنْ يَكُونَ فِيهِ مِنْ دَوَامِ النَّسْلِ وَبَقَائِهِ. [۱۳۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۵

فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار

۱۳ / اشاره به حکمت نهفته در آن

۹۸۰. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! در این بیندیش که چگونه آلت‌های آمیزش در مرد و زن، به گونه‌ای همخوان این کار، قرار داده شده است. برای مرد، آلتی انبساطپذیر قرار داده شده که دراز می‌شود تا نطفه به زهدان برسد؛ چه این که مرد، بدان نیاز دارد که آب خویشت در دیگری بیفکند. برای زن هم ظرفی گود آفریده شده تا هر دو آب را در خود، جای دهد و فرزند را در درون خود بپذیرد، گنجایش او را داشته باشد و او را حفظ کند تا زمانی که استحکام یابد. آیا این، برخاسته از تدبیر خدایی حکیم و پُر مهر نیست؟ از آنچه برایش انباز می‌گیرند، پیراسته و فراتر باد!...

چه کسی گذرگاه پیشاب و مدفوع را خود جمع‌شونده قرار داد تا آنها را مهار کند و نگذارد پیوسته در جریان باشند و زندگی انسان را بر او تباه سازند؟ چه اندازه نعمت از این دست را هر شمارنده‌ای می‌تواند در شمار آورد؟...

اگر آلت تناسلی مرد، همیشه سست و فروهشته بود، چگونه می‌توانست

به ژرفای زهدان برسد تا در آنجا نطفه را خالی کند؟ و اگر نیز همیشه در حالت نعوظ بود، چگونه مرد می‌توانست در بستر، از این پهلو بدان پهلو بچرخد و یا در حالی که چیزی پیش آمده در جلو او هست، در میان مردم راه برود؟ چنین چیزی، افزون بر زشتی چشم‌انداز، تحریک شهوت را در زن و مرد، در همه وقت، در پی می‌آورد.

بدین سان، خداوند جلّ اسمه تقدیر کرد که بیشتر آن در همه اوقات، به چشم نیاید و از آن، دشواری‌ای بر مردان تحمیل نشود؛ بلکه خداوند در آن نیرویی قرار داد که به گاه نیاز، راست شود؛ چرا که او خود تقدیر کرده که استمرار و ماندگاری نسل، از رهگذر آن باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۶

۲ / ۱۳

الْوَضِئَةُ

۱۲ / ۱۳

الْعَادَةُ الشَّهْرِيَّةُ

الكتاب:

«وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» [۱۳۳۴]

الحديث:

۹۸۱. رسول الله صلى الله عليه و آله: أَقَلُّ الْحَيْضِ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ، وَ أَكْثَرُهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ. [۱۳۳۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۷

۱۳ / ۲ کارکردها

۱۳ / ۱۲ عادت ماهانه

قرآن

«از تو درباره خون حیض می پرسند. بگو: آن آزرده گی ای است. پس در ایام حیض از زنان کناره گزینید و نزدیکشان مشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان سویی که خداوند فرماتان داده است، به سراغشان روید. خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و طهارت جویان را دوست دارد»

حدیث

۹۸۱. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: کمترین ایام حیض، سه روز و بیشترین آن، ده روز است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۸

۹۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا بَلَغَتِ الْمَرْأَةُ خَمْسِينَ سَنَةً لَمْ تَرَ حُمْرَةً، إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً مِنْ قُرَيْشٍ. [۱۳۳۶]

۹۸۳. الكافي عن عبد الرحمن بن الحجاج عن الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثٌ يَتَرَوْنَ عَلَى كُلِّ حَالٍ:

الَّتِي لَمْ تَحِضْ وَمِثْلُهَا لَا تَحِضُ. قَالَ: قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟

قَالَ: إِذَا أَتَى لَهَا أَقَلُّ مِنْ تِسْعِ سِنِينَ، وَ الَّتِي لَمْ يَدْخُلْ بِهَا، وَ الَّتِي قَدْ يَسَّتْ مِنَ الْمَحِيضِ وَ مِثْلُهَا لَا تَحِضُ.

قُلْتُ: وَ مَا حَدُّهَا؟

قَالَ: إِذَا كَانَ لَهَا خَمْسُونَ سَنَةً. [۱۳۳۷]

۹۸۴. الكافي عن حفص بن البختري: دَخَلَتْ عَلَيَّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ امْرَأَةً فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ يَسْتَمِرُّ بِهَا الدَّمُ فَلَا تَدْرِي حَيْضٌ هُوَ أَوْ غَيْرُهُ؟ قَالَ: فَقَالَ لَهَا: إِنَّ دَمَ الْحَيْضِ حَارٌّ غَيْبٌ أَسْوَدٌ لَهُ دَفْعٌ وَ حَرَارَةٌ، وَ دَمَ الْاسْتِحَاضَةِ أَصْفَرٌ بَارِدٌ، فَإِذَا كَانَ لِلدَّمِ حَرَارَةٌ وَ دَفْعٌ وَ سَوَادٌ، فَلْتَدْعِ الصَّلَاةَ.

قَالَ: فَخَرَجَتْ وَ هِيَ تَقُولُ: وَ اللَّهِ أَنْ لَوْ كَانَ امْرَأَةً مَا زَادَ عَلَيَّ هَذَا! [۱۳۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۷۹

۹۸۲. امام صادق عليه السلام: زن، هنگامی که به پنجاه سالگی برسد، خون نمی بیند، مگر آن که زنی از قریش باشد.

۹۸۳. الكافي به نقل از عبد الرحمن بن حجاج: امام صادق عليه السلام فرمود: «سه کس اند که در هر حالتی می توان با آنها عقد

نکاح بست [۱۳۳۹]: آن که هنوز خون ندیده است و همانند هایش نیز هنوز خون نمی بیند».

پرسیدم: اندازه سنی آن چیست؟

فرمود: «وقتی کمتر از نه سال بر او گذشته باشد. [سپس ادامه داد: دوم آن که کس با او دخول نکرده است و [سوم آن که از حیض نوامید شده و همانند هایش نیز حائض نمی‌شوند].»

گفتم: حد آن چیست؟

فرمود: «وقتی پنجاه سال داشته باشد.»

۹۸۴. الکافی به نقل از حفص بن بختری: زنی بر امام صادق علیه السلام وارد شد و از ایشان در این باره پرسید که زنی، خونش استمرار می‌یابد و نمی‌داند این خون، حیض است یا چیزی دیگر.

امام به او فرمود: «خون حیض، گرم، خالص، سیاه رنگ و دارای جهش و حرارت است؛ اما خون استحاضه، زرد و سرد است. پس اگر خون، دارای حرارت و جهش و سیاهی بود، زن باید نماز را واگذارد.»

آن زن پس از شنیدن بیرون رفت، در حالی که می‌گفت: به خداوند سوگند، اگر یک زن هم می‌بود، بر این نمی‌افزود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۰

۲۲/۱۳

النُّطْفَةُ

الکتاب:

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». [۱۳۴۰]

الحدیث:

۹۸۵. رسول الله صلی الله علیه و آله و سئیل عن قرارِ ماءِ الرَّجُلِ و ماءِ الْمَرْأَةِ فَقَالَ: أَمَّا قَرَارُ مَاءِ الرَّجُلِ، فَإِنَّهُ يَخْرُجُ مَأْوَةً مِنَ الْإِحْلِيلِ، وَ هُوَ عَزَقٌ يَجْرِي فِي ظَهْرِهِ حَتَّى يَسْتَقِرَّ قَرَارُهُ فِي الْبَيْضَةِ الْيُسْرَى، وَ أَمَّا مَاءُ الْمَرْأَةِ، فَإِنَّ مَاءَهَا فِي التَّرْبِيَةِ يَتَغَلَّغَلُ لَا يَزَالُ يَدْنُو، حَتَّى يَذُوقَ عَسَيْتَهَا. [۱۳۴۱]

۳۲/۱۳

سَوَائِلُ الْبُرُوسَاتِهِ

۹۸۶. الکافی عن محمد بن مسلم: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ بَالَ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَهُ مَاءٌ، فَقَالَ:

يَعِصِرُ أَسْلَ ذَكَرِهِ إِلَى طَرْفِهِ ثَلَاثَ عَصْرَاتٍ وَ يَنْتُرُ طَرْفَهُ، فَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ ذَلِكَ شَيْءٌ فَلَيْسَ مِنَ الْبَوْلِ، وَ لَكِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ. [۱۳۴۲]

۹۸۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: إِنْ كُلَّ فَحْلٍ يُمْدَى، فَإِذَا كَانَ الْمَنِيُّ، فَفِيهِ الْغُسْلُ. [۱۳۴۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۱

۲۲/۱۳ نطفه

قرآن

«ما انسان را از نطفه‌ای به هم آمیخته که آن را می‌آزماییم، بیافریدیم و آن گاه، او را شنوا و بینا ساختیم»

حدیث

۹۸۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسش درباره جایگاه استقرار آب مرد و آب زن: جایگاه استقرار آب مرد؛ آب او از سر آلت بیرون می‌آید و آن، رگی است که در پشت او جریان می‌یابد تا هنگامی که در تخم چپ، استقرار بیابد. اما جای آب

زن؛ آب او از استخوانِ سینه، آهسته به جنبش در می‌آید و پیوسته نزدیک می‌شود تا هنگامی که زن، کام بیابد.

۳۲/۱۳ مایع پروستات

۹۸۶. الکافی به نقل از محمد بن مسلم: به امام باقر علیه السلام گفتم: مردی پیشاب کرده و آبی به همراه ندارد. فرمود: «آلت خود را تا سر آن، سه بار بفشرد و سر آن را نیز سه بار فشار دهد. اگر پس از آن چیزی بیرون آمد، پیشاب نیست؛ بلکه از رگ‌های پشت (وَدَى) است».

۹۸۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر نرینه‌ای مَدَى دارد؛ اما اگر مَنی باشد، موجب غسل است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۲

۹۸۸. الإمام الصادق علیه السلام: إِنْ سَالَ مِنْ ذَكَرِكَ شَيْءٌ مِنْ مَيْدِي أَوْ وَدِي وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَلَا تَغَيِّمْلَهُ، وَلَا تَقَطِّعِ الصَّلَاةَ، وَلَا تَنْقُضْ لَهُ الْوُضُوءَ وَإِنْ بَلَغَ عَقِيْبِكَ؛ فَإِنَّمَا ذَلِكَ بِمَنْزِلَةِ النُّخَامَةِ، وَكُلُّ شَيْءٍ يَخْرُجُ مِنْكَ بَعْدَ الْوُضُوءِ؛ فَإِنَّهُ مِنَ الْحَبَائِلِ، أَوْ مِنَ الْبَوَاسِيرِ وَ لَيْسَ بِشَيْءٍ، فَلَا تَغْسِلُهُ مِنْ ثَوْبِكَ إِلَّا أَنْ تُقَدِرَهُ. [۱۳۴۴]

۹۸۹. کتاب من لا يحضره الفقيه: رَوَى أَنَّ الْمَدَى وَالْوَدَى بِمَنْزِلَةِ الْبُصَاقِ وَالْمُخَاطِ؛ فَلَا يُغْسَلُ مِنْهُمَا الثَّوْبُ، وَ لَا الْإِحْلِيلُ. [۱۳۴۵]

۹۹۰. الإمام الصادق علیه السلام: يَخْرُجُ مِنَ الْإِحْلِيلِ الْمَنِيُّ وَالْمَدَى وَالْوَدَى وَالْوَدَى:

فَأَمَّا الْمَنِيُّ: فَهُوَ الَّذِي تَسْتَرُخِي لَهُ الْعِظَامُ وَيَفْتَرُّ بِهِ الْجَسَدُ، وَ فِيهِ الْغُسْلُ.

وَأَمَّا الْمَدَى فَيَخْرُجُ مِنَ الشَّهْوَةِ، وَ لَا شَيْءَ فِيهِ.

وَأَمَّا الْوَدَى: فَهُوَ الَّذِي يَخْرُجُ بَعْدَ الْبَوْلِ.

وَأَمَّا الْوَدَى: فَهُوَ الَّذِي يَخْرُجُ مِنَ الْأَدْوَاءِ، وَ لَا شَيْءَ فِيهِ. [۱۳۴۶]

۳/۱۳

بعض الأمراض النسائية

أ انقطاع العادة الشهرية

۹۹۱. الإمام الكاظم علیه السلام: إِنْ الطَّمْتُ قَدْ تَحَبَّسَهُ الرِّيحُ مِنْ غَيْرِ حَبْلٍ. [۱۳۴۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۳

۹۸۸. امام صادق علیه السلام: اگر از آلت چیزی از مَدَى یا وَدَى بیرون آید و در حال نماز باشی، نه آن را بشوی، نه نماز را بشکن و نه وضوی خود را به سبب آن، باطل بدان، هر چند که [از فراوانی به پس تو نیز رسیده باشد؛ چرا که این آب به منزله آب بینی است. هر چیز هم که پس از وضو از تو بیرون می‌آید، از رگ‌های پشت (غده‌ها) یا از بواسیر است و چیز مهمی نیست. آن را از جامه‌ات مشوی، مگر این که جامه را آلوده کند.

۹۸۹. کتاب من لا يحضره الفقيه: روایت شده که مَدَى و وَدَى، به منزله آب دهان و آب بینی است؛ نه شستن جامه از آن لازم است و نه شستن آلت.

۹۹۰. امام صادق علیه السلام: منی، مَدَى، وَدَى و وَدَى، از آلت بیرون می‌آیند. منی، آن چیزی است که به سبب استخوان‌ها سُئَل می‌شوند و بدن سست می‌گردد و موجب غسل است. مَدَى از شهوت بیرون می‌آید و در آن چیزی نیست. وَدَى، آن چیزی است که پس از پیشاب بیرون می‌آید. وَدَى هم آن چیزی است که به سبب بیماری‌ها بیرون می‌آید و در آن، چیزی نیست.

۳/۱۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان

۹۹۱. امام کاظم علیه السلام: خون عادت را گاه باد، بند می آورد، بی آنکه آبستنی در میان باشد. [۱۳۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۵۸۴

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۴

۹۹۲. عنه علیه السلام: ارتفَاعُ الطَّمْثِ ضَرْبَانِ: فَسَادٌ مِنْ حَيْضٍ، أَوْ ارْتِفَاعٌ مِنْ حَمَلٍ؛ فَأَيُّهُمَا كَانَ فَقَدَ حَلَّتْ لِلْأَزْوَاجِ إِذَا وَضَعَتْ، أَوْ مَرَّتْ بِهَا ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ بِيَضٍ لَيْسَ فِيهَا دَمٌ. [۱۳۴۹]

ب الْقَرْنُ وَالْعَقْلُ

۹۹۳. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَرْأَةُ تُرَدُّ مِنْ أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: مِنَ الْبَرَصِ، وَالْجُدَامِ، وَالْجُنُونِ، وَالْقَرْنِ وَهُوَ الْعَقْلُ مَا لَمْ يَقَعْ عَلَيْهَا، فَإِذَا وَقَعَ عَلَيْهَا فَلَا. [۱۳۵۰]

ج فَقْدَانُ الْبِكَارَةِ

۹۹۴. الإمام الصادق علیه السلام فِي رَجُلٍ قَالَ لِامْرَأَتِهِ: لَمْ تَأْتِنِي عَذْرَاءٌ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ؛ لِأَنَّ الْعُدْرَةَ تَذْهَبُ بِغَيْرِ جَمَاعٍ. [۱۳۵۱]

۹۹۵. الإمام الكاظم علیه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَقْبَلَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ امْرَأَةٌ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنِّي تَزَوَّجْتُ امْرَأَتِي عَذْرَى، فَدَخَلْتُ بِهَا فَوَجَدْتُهَا غَيْرَ عَذْرَى.

فَقَالَ: وَيَحْكُكُ! إِنَّ الْعُدْرَةَ تَذْهَبُ مِنَ الْوَثْبَةِ، وَالْفَقْرَةِ، وَالْحَيْضِ، وَالْوُضْوءِ، وَطَوْلِ التَّعْنُسِ. [۱۳۵۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۵

۹۹۲. امام کاظم علیه السلام: از میان رفتن خونریزی زنان، بر دو گونه است: تباهی ای که در عادت ماهانه حاصل آمده باشد، و از میان رفتنی که از آبستنی، ناشی شده باشد. و هر یک از اینها که رخ دهد، زن پس از نهادن فرزند یا پس از گذشتن سه ماه پاکی بر او که در این مدت هیچ خونی نیز نباشد، برای [ازدواج با] مردان حلال شود.

ب شاخک و فنج

۹۹۳. امام صادق علیه السلام: زن را به واسطه چهار چیز پس دهند: به واسطه پیسی، جذام، دیوانگی، و شاخک که همان فنج است البته تا زمانی که مرد با او همبستر نشده باشد؛ اما اگر با او همبستر شده باشد، نه.

ج فقدان دوشیزگی

۹۹۴. امام صادق علیه السلام درباره مردی که به زنش گفته بود: تو دوشیزه به حمله ام نیامده ای: بر او چیزی نیست؛ [۱۳۵۳] زیرا دوشیزگی بدون آمیزش نیز از میان می رود.

۹۹۵. امام کاظم علیه السلام: مردی در حالی که زنی به همراهش بود، رو به امیر مؤمنان علیه السلام کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! من با زنی در حالی ازدواج کرده ام که دوشیزه بوده است؛ اما چون با او همبستری کرده ام، او را نادوشیزه یافته ام.

فرمود: «وای بر تو! گاه دوشیزگی به واسطه جستن، پرش، [۱۳۵۴] حیض، طهارت گرفتن و در خانه ماندگی دراز مدت، از میان می رود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۶

۴ / ۱۳

بَعْضُ أَسْبَابِ أَمْرَاضِ الْجَهَازِ الْبَوْلِيِّ وَالتَّنَاسُلِيِّ

۱۴ / ۱۳

حَبْسُ الْبَوْلِ

۹۹۶. الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَلَّا يَشْتَكِيَ مَثَانَتَهُ، فَلَا يَحْبِسِ الْبَوْلَ وَ لَوْ عَلَى ظَهْرِ دَائِتِهِ. [۱۳۵۵]

۲۴ / ۱۳

الْجِمَاعُ مِنْ غَيْرِ إِهْرَاقِ الْمَاءِ

۹۹۷. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ مِنْ غَيْرِ إِهْرَاقِ الْمَاءِ عَلَى أَثَرِهِ يورثُ الحِصَاةَ...

و مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْمَنَ الحِصَاةَ وَ عَسَرَ الْبَوْلَ، فَلَا يَحْبِسِ الْمَنِيَّ عِنْدَ نَزْوِلِ الشَّهْوَةِ، وَلَا يُطِيلِ [۱۳۵۶] الْمَكْتَّ عَلَى النِّسَاءِ. [۱۳۵۷]

۳۴ / ۱۳

أَكَلَ كُلِّي الْغَنَمِ وَ أَجَوَفِهَا

۹۹۸. الإمام الرضا عليه السلام: إِدْمَانُ أَكْلِ كُلِّي الْغَنَمِ وَ أَجَوَفِهَا، يَعْكِسُ الْمَثَانَةَ. [۱۳۵۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۷

۴ / ۱۳ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی**۱۴ / ۱۳ ننگه داشتن پیشاب**

۹۹۶. امام رضا علیه السلام: هر کس می‌خواهد مثانه‌اش به عارضه‌ای گرفتار نشود، پیشاب خود را ننگه ندارد، حتی اگر که بر پشت مرکب خویش نشسته باشد.

۲۴ / ۱۳ آمیزش بدون انزال

۹۹۷. امام رضا علیه السلام: آمیزش بدون انزال، سنگ [مثانه می‌آورد ... و هر کس می‌خواهد از سنگ و دشواری دفع ادرار در امان باشد، نباید در هنگام حصول شهوت، منی را در خود ننگه دارد، و نیز نباید آمیزش با زنان را [بسیار] به درازا بکشاند.

۳۴ / ۱۳ خوردن قلوه و شکمبه گوسفند

۹۹۸. امام رضا علیه السلام: عادت داشتن به خوردن قلوه و شکمبه (سیرابی) گوسفند، مثانه را دیگرگون می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۸

۴۴ / ۱۳

إِدْمَانُ الْحَمَامِ

۹۹۹. الإمام الكاظم عليه السلام: الْحَمَامُ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، يُكَثِّرُ اللَّحْمَ، وَ إِدْمَانُهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلَيْتَيْنِ. [۱۳۵۹]

۵۴ / ۱۳

الْإِتِّكَاءُ فِي الْحَمَامِ

۱۰۰۰. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَتَّكِ فِي الْحَمَامِ؛ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلَيْتَيْنِ. [۱۳۶۰]

بَعْضُ عَوَامِلِ صِحَّةِ الْجِهَازِ الْبَوْلِيِّ وَالتَّنَاسُلِيِّ

الْخِتَانُ

۱۰۰۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ خَلِيلَهُ بِالْحَنِيفِيَّةِ، وَأَمَرَهُ بِأَخْذِ الشَّارِبِ، وَقَصَّ الْأَظْفَارِ، وَنَتَفَ الْإِبْطِ، وَحَلَقَ الْعَانَةَ، وَالْخِتَانَ. [۱۳۶۱]

۱۰۰۲. عنه صلى الله عليه وآله: خَتْنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ؛ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَطْيَبُ وَأَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ. [۱۳۶۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۸۹

۱۳ / ۴۴ عادت به حمام رفتن

۹۹۹. امام کاظم علیه السلام: حمام رفتن یک روز در میان، گوشت بدن را می‌افزاید؛ اما عادت به آن در هر روز، بیه کلیه‌ها را آب می‌کند.

۱۳ / ۵۴ تکیه زدن در حمام

۱۰۰۰. امام صادق علیه السلام: در حمام [به دیوار] تکیه مزین؛ چرا که بیه کلیه‌ها را آب می‌کند. [۱۳۶۳]

۱۳ / ۵ برخی عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی

۱۳ / ۱۵ ختنه

۱۰۰۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خداوند، خلیل خویش را به آیین راست و درست برانگیخت و او را به کوتاه کردن سبیل، گرفتن ناخن‌ها، کندن موهای زیر بغل، تراشیدن موی زهار و ختنه، فرمان داد.

۱۰۰۲. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فرزندانان را در روز هفتم [تولّد]، ختنه کنید؛ چرا که پاک‌تر و پاکیزه‌تر است و گوشت را سریع‌تر می‌رویاند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۰

۱۰۰۳. الإمام علیّ علیه السلام: أَسْرِعُوا بِخِتَانِ أَوْلَادِكُمْ؛ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ لَهُمْ. [۱۳۶۴]

۱۰۰۴. عنه علیه السلام: اخْتِنُوا [۱۳۶۵] أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ لَا يَمْنَعُكُمْ حَرٌّ وَلَا بَرْدٌ؛ فَإِنَّهُ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ لَتَنْصَجُ إِلَى اللَّهِ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ. [۱۳۶۶]

۱۰۰۵. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ، وَ يُخْتَنُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ. [۱۳۶۷]

۱۰۰۶. عنه علیه السلام: إِنَّ نَقَبَ الْأُذُنِ الْغُلَامِ مِنَ السَّنَةِ، وَخِتَانَهُ لِسَبْعَةِ أَيَّامٍ مِنَ السَّنَةِ. [۱۳۶۸]

۱۰۰۷. الكافي عن أبي بصير: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجَارِيَةِ تُسَبَّى مِنْ أَرْضِ الشَّرِكِ فَتُسَلِّمُ، فَتَطْلُبُ [۱۳۶۹] لَهَا مَنْ يَخْفِضُهَا فَلَا تَقْدِرُ عَلَى امْرَأَةٍ.

فَقَالَ: أَمَّا السُّنَّةُ فِي الْخِتَانِ عَلَى الرِّجَالِ، وَ لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ. [۱۳۷۰]

۱۰۰۸. الإمام الباقر عليه السلام: لا صلاةَ إلَّا بطهورٍ، ويُجزيكَ مِنَ الاستنجاءِ ثلاثَةُ أحجارٍ، بِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَ أَمَّا الْبَوْلُ، فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ غَسْلِهِ. [۱۳۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۱

۱۰۰۳. امام علی علیه السلام: در ختنه فرزندانان شتاب کنید؛ چرا که این کار، برایشان پاک تر است.

۱۰۰۴. امام علی علیه السلام: فرزندانان را در روز هفتم [تولّد] ختنه کنید. نه گرما، شما را از آن، باز دارد، نه سرما؛ چرا که این کار، مایه پاکِ تن است و زمین از پیشاب ختنه‌ناشدگان به درگاه خداوند می‌نالد.

۱۰۰۵. امام صادق علیه السلام: نوزاد را در روز هفتم، عقیقه و ختنه کنند.

۱۰۰۶. امام صادق علیه السلام: سوراخ کردن گوش پسر بچه از سنت است و ختنه کردن او در هفت روزگی هم از سنت است.

۱۰۰۷. الکافی به نقل از ابو بصیر: از امام باقر علیه السلام در این باره پرسیدم که کنیزی از سرزمین شرک به بردگی گرفته می‌شود و اسلام می‌آورد. آن گاه، ما برای او کسی را می‌جوییم که ختنه‌اش کند؛ اما به هیچ زنی دست نمی‌یابیم.

فرمود: «سنت ختنه، تنها بر مردان است، نه بر زنان». [۱۳۷۲]

۱۳/ ۲۵ پلیدی‌زدایی و شستن

۱۰۰۸. امام باقر علیه السلام: نمازی نیست، مگر به پاک کننده‌ای. تو را در پلیدی‌زدایی [از مخرج غائط]، سه سنگ بسنده است. سنت پیامبر خدا بر این جریان یافته است. اما در پیشاب، گریزی از شستن آن نیست.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۲

۱۰۰۹. الإمام الصادق علیه السلام: جَرَتِ السُّنَّةُ فِي الاستنجاءِ بِثَلَاثَةِ أَحْجَارٍ أَبْكَارٍ، وَ يُتَّبَعُ بِالماءِ. [۱۳۷۳]

راجع: ج ۱، ص ۴۴۶ (ما ینفع لعلاج البواسیر/ الاستنجاء بالسعد).

۳۵/۱۳

أَكَلَ الْفُجْلُ

۱۰۱۰. الإمام الصادق علیه السلام: كُلِّ الْفُجْلِ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: وَرَقُهُ يَطْرُدُ الرِّيحَ، وَ ثُبُّهُ يُسْرِبِلُ الْبَوْلَ، وَ أَصْلُهُ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ. [۱۳۷۴]

۱۰۱۱. عنه علیه السلام: الْفُجْلُ أَصْلُهُ يَقَطِّعُ الْبَلْغَمَ، وَ ثُبُّهُ يَهْضِمُ، وَ وَرَقُهُ يَحْدِرُ الْبَوْلَ حَدْرًا. [۱۳۷۵]

۴۵/۱۳

أَكَلَ الْبَطِيخَ

۱۰۱۲. الإمام الصادق علیه السلام فِي ذِكْرِ خَوَاصِّ الْبَطِيخِ: يُذِيبُ الْحَصَى فِي الْمَثَانَةِ. [۱۳۷۶]

۱۰۱۳. عنه علیه السلام: كُلُّوا الْبَطِيخَ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ مُجْتَمِعَةٍ: هُوَ شَحْمَةُ الْأَرْضِ لَا دَاءَ فِيهِ وَلَا غَائِلَةٌ، وَ هُوَ طَعَامٌ، وَ هُوَ شَرَابٌ، وَ هُوَ فَاكِهَةٌ، وَ هُوَ رِيحَانٌ، وَ هُوَ اشْنَانٌ، وَ هُوَ اَدَمٌ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يُدْرِئُ الْبَوْلَ. [۱۳۷۷]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۳

۱۰۰۹. امام صادق علیه السلام: سنت در پلیدی‌زدایی [از مخرج بر استفاده از سه سنگ دست‌نخورده جریان یافته است و پس از آن هم از آب استفاده شود.

ر. ک: ج ۱، ص ۴۴۷ (آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است / استنجا با مُشکک).

۱۳/۳۵ خوردن تُّب

۱۰۱۰. امام صادق علیه السلام: تُّب بخور؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: برگش بادها را دور می‌کند، قسمت میانی‌اش پیشاب را جامه می‌شود [۱۳۷۸] و بیخس بلغم را از میان می‌برد.

۱۰۱۱. امام صادق علیه السلام: تُّب، بیخس بلغم را از میان می‌برد، قسمت میانی‌اش، گوارش می‌دهد و برگش، ادرار را به طور کامل به جریان می‌اندازد.

۱۳/۴۵ خوردن خربزه

۱۰۱۲. امام صادق علیه السلام درباره ویژگی‌های خربزه: سنگ را در مثانه ذوب می‌کند.

۱۰۱۳. امام صادق علیه السلام: خربزه بخورید؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: پیه زمین است؛ نه دردی در آن هست و نه فساد؛ خوراک است؛ آب است؛ میوه است؛ سبزی خوش است؛ شست و شو دهنده است؛ خورش است؛ توان جنسی را می‌افزاید؛ مثانه را می‌شوید؛ و ادرار آور است.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۴

۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ بَعْضِ أَمْرَاضِ الْجِهَازِ التَّنَاسُلِيِّ

۱۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ عَدَمِ انْقِطَاعِ دَمِ الْحَيْضِ

۱۰۱۴. الکافی عن علی بن مهزیار: إِنَّ جَارِيَةَ لَنَا أَصَابَهَا الْحَيْضُ وَ كَانَ لَا يَنْقَطِعُ عَنْهَا، حَتَّى أَشْرَفَتْ عَلَى الْمَوْتِ، فَأَمَرَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ تُسْقَى سَوِيقَ الْعَدَسِ، فَسَقِيَتْ فَانْقَطَعَ عَنْهَا وَ عَوِيَتْ. [۱۳۷۹]

۲۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعَوْدِ قَطْعِ الْعَادَةِ الشَّهْرِيَّةِ

۱۰۱۵. الکافی عن إسماعيل بن بزيع: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي فَتَاةً قَدِ ارْتَفَعَتْ عَلَيْهَا.

فَقَالَ: اخْضِبِ رَأْسَهَا بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّ الْحَيْضَ سَيَعُودُ إِلَيْهَا.

قَالَ: فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَعَادَ إِلَيْهَا الْحَيْضُ. [۱۳۸۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۵

۱۳/۶ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است

۱۳/۱۶ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است

۱۰۱۴. الکافی به نقل از علی بن مهزیار: یکی از دخترکان ما عادت شد و خونریزی‌اش متوقف نمی‌شد تا جایی که در آستانه مرگ قرار گرفت. امام جواد علیه السلام فرمود تا سویق [۱۳۸۱] عدس به او بخوراند. این سویق به او خورانده شد و پس از آن، خونریزی

بند آمد و او بهبود یافت.

۱۳/۲۶ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است

۱۰۱۵. الکافی به نقل از اسماعیل بن بزيع: به امام کاظم عليه السلام گفتم: دختری جوان دارم که بیماری (کنایه از عادت ماهانه) او از میان رفته است. فرمود که سر وی را با حنا خضاب کنند؛ عادت ماهانه به وی باز خواهد گشت. این کار را انجام دادم و عادت ماهانه به وی باز گشت.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۶

۳۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ تَقْطِيرِ الْبَوْلِ

۱۰۱۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَنْ أَبِي بصير: شَكَاهُ عَمْرُو الْأَفْرَقِ إِلَى الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَقْطِيرِ الْبَوْلِ. فَقَالَ: خُذِ الْحَرَمِيلَ وَاغْسِلْهُ بِالمَاءِ الْبَارِدِ سِتَّ مَرَّاتٍ، وَ بِالمَاءِ الْحَارِّ مَرَّةً وَاحِدَةً، ثُمَّ يُجَفَّفُ فِي الظِّلِّ، ثُمَّ يُلْتَبَّ بِالمُدِّهِنِ جُلًّا خَالِصًا، ثُمَّ يُسْتَفَّ عَلَى الرِّيْقِ سَفًّا؛ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ التَّقْطِيرَ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۳۸۲]

راجع: ج ۲ ص ۴۱۴، ح ۱۹۰۰.

۴۶/۱۳

ما يَنْفَعُ لِعِلَاجِ الْوَجَعِ عِنْدَ الْبَوْلِ

۱۰۱۷. مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ عَنِ الْفَضْلِ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّي أَلْقَى مِنَ الْبَوْلِ شِدَّةً.

فَقَالَ: خُذْ مِنَ الشُّونِيزِ فِي آخِرِ اللَّيْلِ. [۱۳۸۳]

۷/۱۳

إِرْشَادَاتُ صِحِّيَّةُ

۱۷/۱۳

ما يَتَّبَعِي أَنْ يُمْنَعَ الْعَرُوسُ فِي اسبوعِهَا

۱۰۱۸. كِتَابُ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ... امْنَعِ الْعَرُوسَ فِي اسبوعِهَا مِنَ الْأَلْبَانِ، وَ الْخَلِّ، وَ الْكُزْبُرَةِ، وَ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ، مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ.

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ لِأَيِّ شَيْءٍ أَمْنَعُهَا هَذِهِ الْأَشْيَاءَ الْأَرْبَعَةَ؟

قَالَ: لِأَنَّ الرِّجْمَ تَعَقَّمَ وَ تَبَرَّدَ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ....

فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا بِالْخَلِّ تَمْنَعُ مِنْهُ؟

قَالَ: إِذَا حَاضَتْ عَلَى الْخَلِّ لَمْ تَطْهَرِ أَيْدَا بَتَمَامٍ، وَ الْكُزْبُرَةُ تُثِيرُ الْحَيْضَ فِي بَطْنِهَا وَ تُشَدِّدُ عَلَيْهَا الْوِلَادَةَ، وَ التُّفَّاحُ الْحَامِضُ يَقْطَعُ حَيْضَهَا فَيَصِيرُ دَاءً عَلَيْهَا. [۱۳۸۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۷

۱۳/۳۶ آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است

۱۰۱۶. طَبُّ الْأَثْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه نَقْلُ مِنْ أَبُو بصير: عَمْرُو أْفَرَقَ بِه إِمَامُ بَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رِيزِشِ قَطْرَةِ قَطْرَةِ پِيشَابِ، أَظْهَرَ نَارَاحَتِي

کرد.

فرمود: «هزار اسپند بردار و شش بار با آب سرد و یک بار هم با آب گرم بشوی. سپس، باید آن را در سایه خشک کرد، آن گاه قدری روغن خالص یاسمین بدان درآمیخت و آن گاه، سفوفی از آن در حالت ناشتا خورد. به اذن خداوند متعال، ریزش پیشاب را قطع خواهد کرد».

ر. ک: ج ۲، ص ۴۱۵، ح ۱۹۰۰.

۱۳/۴۶ آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است

۱۰۱۷. مکارم الأخلاق به نقل از فضل: به امام صادق علیه السلام اظهار کردم که در هنگام ادرار کردن با سختی رویاروی می شوم. فرمود: «در آخر شب، قدری شونیز استعمال کن».

۱۳/۷ بهداشت آمیزش

۱۳/۱۷ آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت

۱۰۱۸. کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از ابو سعید خُدَری: پیامبر خدا، به علی بن ابی طالب سفارش کرد و به او فرمود: «ای علی! عروس را در هفته اولش از شیر، سرکه، گشنیز، سیب تُرش، از این چهار چیز، باز بدار».

علی علیه السلام پرسید: ای پیامبر خدا! برای چه او را از این چیزها باز بدارم؟

فرمود: «زیرا از این چهار چیز، زهدان سِتْرُون و سرد می شود...».

علی علیه السلام [دیگر بار] پرسید: ای پیامبر خدا، اما از این میان، از سرکه چرا باز داشته می شود؟

فرمود: «اگر در حالی که سرکه خورده است، عادت ماهانه شود، هرگز کامل پاک نگردد، گشنیز هم حیض را در شکم وی برمی انگیزاند و زادن را بر او سخت می سازد. سیب تُرش نیز حیض شدن او را قطع می کند و این عارضه برای وی یک بیماری می شود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۸

۲۷/۱۳

تَحْرِيمٌ وَطَاءِ الْحَائِضِ

الکتاب:

«وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ». [۱۳۸۵]

الحدیث:

۱۰۱۹. الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُجَامِعَ امْرَأَةً حَائِضًا. [۱۳۸۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۵۹۹

۱۳/۲۷ حرمت آمیزش با زن حائض

قرآن

«از تو درباره حیض می پرسند. بگو: آن آزرده‌گی ای است. پس در دوره عادت ماهانه، از زنان کناره‌گزینید و نزدیکشان مشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان سویی که خداوند فرماتان داده است، به سراغشان بروید. خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد و طهارت‌جویان را دوست دارد»

حدیث

۱۰۱۹. الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام: مبادا با زنی حائض، آمیزش کنی!

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۰

۱۰۲۰. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَرْأَةُ تَحِيضُ يَحْرُمُ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَأْتِيَهَا فِي فَرْجِهَا، لِقَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: «وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ». [۱۳۸۷]

۱۰۲۱. الإمام الباقر علیه السلام فِي الْمَرْأَةِ يَنْقَطِعُ عَنْهَا دَمُ الْحَيْضِ فِي آخِرِ أَيَّامِهَا، قَالَ: إِذَا أَصَابَ زَوْجَهَا شَيْئًا، فَلْيَأْمُرْهَا فَلْتَغْتَسِلْ فَرْجِهَا، ثُمَّ يَمْسُهَا إِنْ شَاءَ قَبْلَ أَنْ تَغْتَسِلَ. [۱۳۸۸]

۱۰۲۲. الكافي عن علي بن يقطين عن الإمام الكاظم عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْحَائِضِ تَرَى الطُّهْرَ وَ يَقَعُ بِهَا زَوْجُهَا؟ قَالَ: لَا بَأْسَ، وَ الْغُسْلُ أَحَبُّ إِلَيَّ. [۱۳۸۹]

۱۰۲۳. الكافي عن عبد الملك بن عمرو: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِصَاحِبِ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ مِنْهَا؟ فَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ مَا عَدَا الْقُبْلَ بِعَيْنِهِ. [۱۳۹۰]

۳۷/۱۳

تَحْرِيمُ وَطْءِ النَّفْسَاءِ

۱۰۲۴. الإمام علي عليه السلام: لَا بَأْسَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فِي نَفْسِهَا، وَ لَكِنْ لَا يُجَامِعُهَا، حَتَّى تَطْهُرَ مِنْ دَمِ النَّفْسَاءِ. [۱۳۹۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۱

۱۰۲۰. امام صادق علیه السلام: زن که حائض شود، بر همسرش حرام گردد که با او از شرمگاه، کاری کند؛ چرا که خداوند متعال فرموده است: «نزدیکشان مشوید تا پاک شوند».

۱۰۲۱. امام باقر علیه السلام درباره زنی که در آخرین روزهای عادتش خونریزی وی قطع می‌شود: اگر شوهر وی به چیرگی شهوت گرفتار آمد، به زن بگوید که شرمگاه خویش را بشوید. سپس، پیش از آن که غسل کند، اگر خواست، به او دست بزند.

۱۰۲۲. الكافي به نقل از علی بن يقطين: از امام کاظم علیه السلام، درباره زنی که پاکی می‌بیند و شویش با او در می‌آمیزد، پرسیدم. فرمود: «اشکالی ندارد؛ اما نزد من، غسل پسندیده‌تر است».

۱۰۲۳. الكافي به نقل از عبد الملك بن عمرو: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: همسر زن حائض، چه بهره‌ای از او دارد؟ فرمود: «هر چیزی، مگر خود پیش».

۳۷/۱۳ حرام بودن آمیزش با تازه‌زا

۱۰۲۴. امام علی علیه السلام: اشکالی ندارد که مرد با زن در دوره پس از زایمان ازدواج کند، اما نباید با او آمیزش کند تا هنگامی که از خون نفاس، پاک شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۲

۴۷/۱۳

أضرار وطء الحائض

۱۰۲۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ، فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْدُومًا أَوْ أُبْرَصَ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۳۹۲]
۱۰۲۶. عنه صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ لِكُمِ أَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَ عِشْرِينَ خَصَلَةً وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا: ... كَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْسِيَ امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ، فَإِنْ غَسَّيَهَا فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْدُومًا أَوْ أُبْرَصَ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۳۹۳]
۱۰۲۷. الكافي عن أبي عروه أو شعيب العرقوفى: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ هُوَ يَحْتَجِمُ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فِي الْحَبْسِ، فَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ هَذَا يَوْمٌ يَقُولُ النَّاسُ: إِنَّ مِنْ احْتَجِمَ فِيهِ أَصَابُهُ الْبَرَصُ. فَقَالَ: إِنَّمَا يُخَافُ ذَلِكَ عَلَى مَنْ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ فِي حَيْضِهَا. [۱۳۹۴]
۱۰۲۸. الإمام الرضا عليه السلام: إِيَّانُ الْمَرْأَةِ الْحَائِضِ يُؤَلِّدُ الْجُدَامَ فِي الْوَلَدِ. [۱۳۹۵]
۱۰۲۹. الكافي عن عذافر الصيرفي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَى هَؤُلَاءِ الْمَشْوَهِينَ خَلَقَهُمْ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آبَاؤُهُمْ يَأْتُونَ نِسَاءَهُمْ فِي الطَّمْثِ. [۱۳۹۶]
- دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۳

۱۳/۴۷ زیان‌های آمیزش با زن حائض

۱۰۲۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس با زن خود در حالی که وی حائض است، آمیزش کند و فرزند جذامی یا پیس زاده شود، مبادا جز خود را نکوهش کند.
۱۰۲۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: ای امت! خداوند تبارک و تعالی برای شما امت، ۲۴ چیز را دوست ندارد و شما را از آنها نهی می‌کند: ... برای مرد، این را خوش نمی‌داند که با زن خویش در حالی که وی حائض است، آمیزش کند. پس اگر چنین کند و فرزند حاصل از آن جذامی یا گرفتار پیسی زاده شود، مبادا جز خویش را نکوهش کند.
۱۰۲۷. الكافي به نقل از ابو عروه یا شعيب عرقوفى: يَكُ رَوْزِ چهارشنبه در زندان بر امام کاظم عليه السلام وارد شدم، در حالی که وی حجامت می‌کرد. به او گفتم: این روزی است که مردم می‌گویند هر کس در آن حجامت کند، گرفتار پیسی می‌شود. فرمود: «از این پیشامد بر کسی باید بیم داشت که مادرش در حال حیض او را آبستن شده است».
۱۰۲۸. امام رضا عليه السلام: به سراغ زن حائض رفتن، جذام را در فرزند [حاصل از آن به وجود می‌آورد].
۱۰۲۹. الكافي به نقل از عذافر صيرفي: امام صادق عليه السلام فرمود: «آیا این ناهنجار آفریده‌شدگان را می‌بینی؟». گفتم: آری.
- فرمود: «اینان، کسانی‌اند که پدرانشان با زنان خود در دوران آلودگی آنان، آمیزش می‌کردند».

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۴

راجع: ج ۱، ص ۴۹۸ (أسباب الإصابة بالجذام/ جماع الحائض).

۵۷/۱۳

الحالات التي يُكره فيها الجماع

۱۰۳۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا يُجَامَعَنَّ أَحَدُكُمْ وَ بِيْهِ حَقْنٌ مِنْ خَلَاءٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مِنْهُ الْبَوَاسِيرُ، وَلَا يُجَامَعَنَّ أَحَدُكُمْ وَ بِيْهِ حَقْنٌ مِنْ بَوْلٍ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ النَّوَاصِيرُ. [۱۳۹۷]
۱۰۳۱. الإمام الصادق عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يَهْدِمْنَ الْيَدْنَ وَ رُبَّمَا قَتَلْنَ: دُخُولُ الْحَمَامِ عَلَى الْبَطْنَةِ، وَ الْغِشْيَانُ عَلَى الْاِمْتِلَاءِ، وَ نِكَاحُ

۱۰۳۲. الإمام الرضا عليه السلام: الجَمَاعُ بَعْدَ الجَمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ، يورثُ لِلوَلَدِ الجُنُونَ. [۱۳۹۹]

۱۰۳۳. الإمام علي عليه السلام لَمَّا سُئِلَ عَنِ الجَمَاعِ قَالَ: حَيَاءٌ يَرْتَفِعُ، وَ عَوْرَاتٌ تَجْتَمِعُ، أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالجُنُونَ، الإِصْرَارُ عَلَيْهِ هَرَمٌ، وَ الإِفَاقَةُ مِنْهُ نَدَمٌ، تَمَرَّةٌ حَلَالِهِ الوَلَدُ؛ إِنْ عَاشَ فَتَنٌ، وَ إِنْ مَاتَ حَزَنٌ. [۱۴۰۰]

۱۰۳۴. رسول الله صلى الله عليه وآله فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَ وَسَطِهِ وَ آخِرِهِ؛ فَإِنَّ الجُنُونَ وَ الجَذَامَ وَ الخَبَلَ لَيَسْرِعُ إِلَيْهَا وَ إِلَى وَلَدِهَا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ فِي ذَلِكَ الوَقْتِ يَكُونُ أَحْوَلٌ، وَ الشَّيْطَانُ يَفْرَحُ بِالحَوْلِ فِي الإِنْسَانِ. يَا عَلِيُّ، لَا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الجَمَاعِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ أُخْرَسَ، وَ لَا يَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ، وَ لَيَغُصَّ بَصَرُهُ عِنْدَ الجَمَاعِ، فَإِنَّ النَّظَرَ إِلَى الفَرْجِ يورثُ العَمَى فِي الوَلَدِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةٍ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ؛ فَإِنِّي أَخْشَى إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ أَنْ يَكُونَ مُحَنَّتًا، أَوْ مُؤَنَّتًا مُحَبَّلًا.

يَا عَلِيُّ، مَنْ كَانَ جُنُبًا فِي الفِرَاشِ مَعَ امْرَأَتِهِ فَلَا يَقْرَأُ القُرْآنَ، فَإِنِّي أَخْشَى أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمَا نَارٌ مِنَ السَّمَاءِ فَتَحْرِقَهُمَا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ إِلَّا وَ مَعَكَ خِرْقَةٌ وَ مَعَ أَهْلِكَ خِرْقَةٌ وَ لَا تَمْسِحَ بِخِرْقَتِهِ وَاحِدَةً فَتَفْتَحَ الشَّهْوَةَ عَلَى الشَّهْوَةِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُعَقِّبُ العِدَاوَةَ بَيْنَكُمَا، ثُمَّ يُؤَدِّيَكُمَا إِلَى الفَرْقَةِ وَ الطَّلَاقِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ مِنْ قِيَامٍ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الحَمِيرِ، فَإِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ كَانَ بَوَالًا فِي الفِرَاشِ كَالْحَمِيرِ البَوَالِ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلَةِ الأَضْحَى؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعَ، أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعَ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ تَحْتَ شَجَرَةٍ مُثْمَرَةٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ جَلَادًا قَتَالًا، أَوْ عَرِيفًا.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ فِي وَجْهِ الشَّمْسِ وَ تَلَالُئِهَا إِلَّا أَنْ تُرَخِيَ سِتْرًا

فَيَسْتَرْكُمَا؛ فَإِنَّهُ أَنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ لَا يَزَالُ فِي بُؤْسٍ وَ فَقْرٍ حَتَّى يَمُوتَ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ امْرَأَتَكَ بَيْنَ الأَذَانِ وَ الإِقَامَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى إِهْرَاقِ الدَّمَاءِ.

يَا عَلِيُّ: إِذَا حَمَلَتْ امْرَأَتَكَ فَلَا تُجَامِعِهَا إِلَّا وَ أَنْتَ عَلَى وُضوءٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ أَعْمَى القَلْبِ بِخَيْلِ اليَدِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ فِي النُّصْفِ مِنْ شَعْبَانٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ مَشْوُومًا ذَا شَأْمَةٍ فِي وَجْهِهِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ فِي آخِرِ دَرَجَتِهِ مِنْهُ إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ عَشَارًا، أَوْ عَوْنًا لِلظَّالِمِينَ وَ يَكُونُ هَلَاكُ فِتَامٍ مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ عَلَى سُقُوفِ البُنْيَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ مُنَافِقًا مُرَائِيًا مُبْتَدِعًا.

يَا عَلِيُّ، إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ، وَ قَرَأَ رَسُولَ اللهِ صَلَّى

الله عليه وآله: «إِنَّ المُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ». [۱۴۰۱]

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ إِذَا خَرَجْتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ لَيَالِيَهُنَّ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ يَكُونُ عَوْنًا لِكُلِّ ظَالِمٍ عَلَيْكَ...

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعِ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَ لَدَّ لَا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا مُؤَثِّرًا لِلدُّنْيَا عَلَى الآخِرَةِ. [۱۴۰۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۰۵

همچنین بنگرید به: ج ۱، ص ۴۹۹ (عوامل ابتلا به جذام/ همبستری با زن حائض).

۱۰۳۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مبدا کسی در حالی که از قضای حاجت خودداری می‌ورزد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، بواسیر می‌آورد؛ و مبدا کسی در حالی که پیشاب خود را نگه می‌دارد، نزدیکی کند؛ چرا که این کار، ناسور می‌آورد [۱۴۰۳] د.
۱۰۳۱. امام صادق علیه السلام: سه چیز، بدن را فرسوده می‌کند و شاید هم [فرد را] بکشد: حمام رفتن با شکم پُر، آمیزش کردن با شکم پُر، و همبستری با پ [۱۴۰۴] یرزنان.
۱۰۳۲. امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بی آنکه میان آنها غسلی صورت پذیرفته باشد، دیوانگی فرزند را در پی می‌آورد. [۱۴۰۵]
۱۰۳۳. امام علی علیه السلام چون درباره آمیزش جنسی از او پرسیدند: شرمی است که از میان می‌رود و شرمگاه‌هایی که در بر هم می‌آیند. همانندترین چیز به دیوانگی است. اصرار بر آن، مایه فرسودگی و پیری، و بیرون آمدن از آن حال پشیمانی است. میوه حلال آن، فرزند است که اگر زنده بماند، فتنه باشد و اگر بمیرد، اندوهگین سازد.
۱۰۳۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام: ای علی! در آغاز، میان و پایان ماه با همسرت نزدیکی مکن، که دیوانگی، جذام و تباہ‌مغزی، بسیار زود به سراغ وی و فرزندش می‌آید.
- ای علی! بعد از ظهر با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر در آن هنگام، میانتان فرزندی تقدیر شود، کژ چشم خواهد بود و شیطان، از کژ چشمی انسان، شادمان می‌شود.
- ای علی! به هنگام آمیزش، سخن مگوی؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که لال نباشد. هم مبدا کسی از شما بر شرمگاه زن خویش بنگرد؛ بلکه باید به هنگام آمیزش، دیده فرو هلد؛ چرا که نگریستن به شرمگاه، کوری را در فرزند بر جای می‌نهد.
- ای علی! با هوس به زنی غیر همسر خود، با زن خویش آمیزش مکن؛ زیرا از این بیم دارم که اگر برایتان فرزندی تقدیر شود، زن‌صفت، یا ماده و تباہ مغز باشد.
- ای علی! هر کس جنب با همسر خویش در بستر باشد، نباید قرآن بخواند؛ چه، از این بیم دارم که از آسمان، آتشی بر آنها فرود آید و آنان را بسوزاند. [۱۴۰۶]
- ای علی! با همسرت آمیزش مکن، مگر آن که هر کدامتان دستمالی داشته باشید. خود را با پارچه‌ای مشترک، پاک نکنید که شهوت بر شهوت واقع می‌شود و این کار، دشمنی میان شما را در پی می‌آورد و کارتان را به جدایی و طلاق می‌کشاند.
- ای علی! ایستاده با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که این کار، کارِ خران است؛ و اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، ادرار کننده در بستر باشد، چنان که خران در هر مکانی پیشاب می‌ریزند.
- ای علی! در شب عید قربان با همسرت نزدیکی مکن؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، شش انگشت یا چهار انگشت خواهد داشت.
- ای علی! در زیر درختی میوه‌ده با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، جلاد، قاتل یا عریف [۱۴۰۷] خواهد بود.
- ای علی! در زیر نور خورشید و تابش آن با همسرت نزدیکی مکن، مگر این که پرده‌ای آویخته باشی که شما را می‌پوشاند؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود تا پایان عمر در تیره‌بختی و تهی‌دستی خواهد بود.
- ای علی! میان اذان و اقامه با همسرت نزدیکی مکن؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، به خونریزی علاقه‌مند خواهد بود.
- ای علی! اگر همسرت باردار شد، با او آمیزش مکن، مگر آن که با وضو باشی؛ زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، کوردل و ناخن خشک خواهد بود.

ای علی! در نیمه شعبان با همسرت نزدیکی مکن، زیرا اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، بدشگون خواهد بود و نشانی سیاه بر چهره خواهد داشت.

ای علی! با همسرت در آخرین روزهای پاکی و در حالی که تنها دو روز از او مانده باشد، نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، عشار یا یاورِ ستمگران خواهد بود و توده‌هایی از مردم به دست او به کام مرگ خواهند رفت.

ای علی! بر پشتِ بام خانه با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، منافق، ریاکار و بدعت‌گذار خواهد بود.

ای علی! چون آهنگ سفر کردی، آن شب با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، دارایی خویش را در غیر حق خرج خواهد کرد. (آن‌گاه، پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه را خواند:) «ولخرجها، برادران شیاطین اند».

ای علی! چون روانه سفری شدی، تا مسافت سه شبانه روز ره پیمودن، با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، یار هر ستمگری خواهد بود که بخواهد به تو ستمی برساند.

ای علی! در نخستین ساعت شب، با همسرت نزدیکی مکن؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که ساحر و از آنان که دنیا را بر آخرت بر می‌گزیند، نباشد. [۱۴۰۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۰

۱۰۳۵. الکافی عن عبد الرحمن بن سالم عن أبيه عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: قُلْتُ لَهُ: هَلْ يُكْرَهُ الْجَمَاعُ فِي وَقْتِ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَ إِنْ كَانَ حَلَالًا؟

قال: نَعَمْ، مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، وَ مِنْ مَغِيبِ الشَّمْسِ إِلَى مَغِيبِ الشَّفَقِ، وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي تَنَكَّسَ فِيهِ الشَّمْسُ، وَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي يَنْخَسِفُ فِيهَا الْقَمَرُ، وَ فِي اللَّيْلَةِ وَ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِمَا الرِّيحُ السُّودَاءُ، وَ الرِّيحُ الْحَمْرَاءُ، وَ الرِّيحُ الصَّفْرَاءُ، وَ الْيَوْمِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِمَا الزَّلْزَلَةُ. [۱۴۰۹]

راجع: ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۹۸ و ۹۹.

۸/۱۳

آدابُ الجِماعِ

۱۸/۱۳

ما يَتَّبَعِي قَبْلَ الْجِماعِ

أ الشُّبُقُ

۱۰۳۶. الإمام الرضا عليه السلام: لا تُجامِعْ إِلَّا مِنْ شَبَقٍ. [۱۴۱۰]

ب اختِيارُ الْأَوْقَاتِ الصَّالِحَةِ

۱۰۳۷. رسول الله صلى الله عليه و آله في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، عليك بالجماع ليلة الإثنين؛ فإنه إن قضيت بينكما ولد يكون حافظاً لكتاب الله، راضياً بما قسم الله عز و جل.

يا علي، إن جمعت أهلَكَ في ليلةِ الثلاثاءِ فقضيتَ بينكما ولدٌ، فإنه يرزق الشهادةَ بعد شهادةِ أن لا إله إلا الله و أن محمداً رسولُ الله ولا يُعذِّبُهُ اللهُ معَ المشركينَ و يكونُ طيبَ النكهةِ و الفمِ، رحيماً القلبِ، سخيَّ اليدِ، طاهرَ اللسانِ مِنَ الغيبةِ و الكذبِ و البهتانِ.

يا علي، إن جمعتَ أهلَكَ ليلةِ الخميسِ فقضيتَ بينكما ولدٌ، فإنه يكونُ حاكماً مِنَ الحُكَّامِ، أو عالماً مِنَ العلماءِ، و إن جمعتها يومَ الخميسِ عندَ زوالِ الشَّمسِ عن كِبِدِ السَّماءِ فقضيتَ بينكما ولدٌ، فإنَّ الشَّيْطانَ لا يقربُهُ حتَّى يشيبَ و يكونُ قِيماً و يرزقه اللهُ عز و جل السَّلامَةَ في الدِّينِ و الدُّنيا.

يَا عَلِيُّ، وَاِنْ جَامَعَتَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَكَانَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ، فَاِنَّهُ يَكُونُ خَطِيْبًا قَوَّالًا مُفَوِّهًا، وَاِنْ جَامَعَتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقَضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ، فَاِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا، وَاِنْ جَامَعَتَهَا فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ؛ فَاِنَّهُ يُرْجَى اَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ مِنَ الْاَبْدَالِ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ تَعَالَى. [۱۴۱۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۱

۱۰۳۵. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن سالم، از پدرش: به امام باقر علیه السلام گفتیم: آیا وقتی از اوقات هست که در آن، آمیزش در حالی که حلال است، مکروه باشد؟

فرمود: «آری. میان طلوع سپیده تا طلوع خورشید، از غروب خورشید تا پنهان شدن سرخی افق، در روزی که خورشید می‌گیرد، در شبی که ماه می‌گیرد، در شب و روزی که در آنها باد سیاه، باد سرخ و باد زرد می‌وزد، و در روز و شبی که در آن، زلزله رخ می‌دهد».

ر. ک: (عوامل طول عمر) ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۹۸ و ۹۹.

۱۳ / ۸ آداب آمیزش

۱۳ / ۸ آنچه پیش از آمیزش، بایسته است

الف چیرگی شهوت

۱۰۳۶. امام صادق علیه السلام: جز از سر چیرگی شهوت، آمیزش مکن.

ب انتخاب زمان مناسب

۱۰۳۷. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از سفارش‌های ایشان به امام علی علیه السلام: ای علی! بر تو باد آمیزش در شب دوشنبه؛ چرا که اگر میانتان فرزندی تقدیر شود، حافظ کتاب خدا و خرسند به تقدیر خداوند عز و جل خواهد بود. ای علی! اگر در شب سه‌شنبه با همسرت نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، پس از گواهی دادن به این که خدایی جز الله نیست و

محمّد، پیامبر خداست، شهادت، روزی او خواهد شد، خداوند، او را همراه با مشرکان، کیفر نخواهد داد و خوش‌بو دهان، دل‌مهربان، گشاده‌دست و پیراسته زبان از غیبت و دروغ و تهمت، خواهد بود.

ای علی! اگر در شب پنج‌شنبه با همسرت نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، حکمرانی از حکمرانان یا عالمی از عالمان خواهد بود؛ و اگر در روز پنج‌شنبه، به هنگام برگشتن خورشید از میانه آسمان با او نزدیکی کردی و میانتان فرزندی تقدیر شد، تا گناه پیری‌اش شیطان به او نزدیک نخواهد شد و انسانی راست و درست خواهد بود و خداوند عز و جل، سلامت دین و دنیا را روزی او خواهد ساخت.

ای علی! اگر شب جمعه با او نزدیکی کردی و میانتان فرزندی بود، سخنوری خوش‌گوی و پُربازن خواهد بود. اگر در روز جمعه، پس از عصر‌گهان با او نزدیکی کردی و میانتان فرزند تقدیر شد، ناموری سرشناس و آگاه خواهد بود. اگر هم در جمعه شب، پس از نماز عشا با او نزدیکی کردی، امید است، به خواست خداوند متعال، یکی از ابدال باشد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۲

۱۰۳۸. الإمام الرضا عليه السلام: لا تقرب النساء في أول الليل لا شتاء ولا صيفا؛ وذلك أن المعده والعروق تكون ممتلئة وهو غير محمود، يتخوف منه القولنج والفالج واللقوة والنقرس والحصاة والتقطير والفتق وضعف البصر والدماغ.

فإذا اريد ذلك فليكن في آخر الليل؛ فإنه أصح للبدن وأرجى للولد وأذكى للعقل في الولد الذي يقضى بينهما. [۱۴۱۲]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۳

۱۰۳۸. امام رضا عليه السلام: در آغاز شب، نه در زمستان و نه در تابستان، با زنان نزدیکی مکن؛ چرا که [در آن هنگام، معده پُر است و این کار، ناستوده، و از آن، بیم قولنج (/ باد کُنج)، سست اندامی و کژدهانی، نقرس، سنگ، ریزش غیر ارادی ادرار، فتق و ضعف بینایی و هشیاری وجود دارد. اگر چنین کاری را بخواهند، باید در آخر شب باشد؛ چرا که بیشتر موجب سلامت بدن است، در آن بیشتر امید فرزند می‌رود و برای فرزندی که میان زن و مرد تقدیر می‌شود، هوش بیشتری را سبب می‌شود.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۴

۱۰۳۹. الإمام علي عليه السلام: يُستحب للرجل أن يأتي أهله أول ليلة من شهر رمضان، لقول الله عز وجل: «أحل لكم ليلة الصيام الرّفث إلى نسائكم» [۱۴۱۳] والرّفث المجمع. [۱۴۱۴]

راجع: ج ۱، ص ۶۰۴، ح ۱۰۳۴، و ص ۶۱۰، ح ۱۰۳۵.

ج الاستتار

۱۰۴۰. الإمام علي عليه السلام: نهى رسول الله صلى الله عليه وآله أن يجمع الرجل امرأته، والصبي في المهد ينظر إليهما. [۱۴۱۵]

۱۰۴۱. الإمام الصادق عليه السلام: لا يجمع الرجل امرأته ولا جاريتها وفي البيت صبي؛ فإن ذلك مما يورث الرنا. [۱۴۱۶]

۱۰۴۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: تعلموا من العراب خصالاً ثلاثاً: استتاره بالسفاد، و بكوره في طلب الرزق، و حذره. [۱۴۱۷]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۵

۱۰۳۹. امام علی علیه السلام: برای مرد، مستحب است در نخستین شب از ماه رمضان به سراغ همسر خویش برود؛ چرا که خداوند عز و جل فرموده است: «در شب روزه (ماه رمضان)، همخوابگی با زنان، برایتان حلال شده است» و در این آیه، واژه «رفث» به معنای آمیزش است. [۱۴۱۸]

همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۰۵، ح ۱۰۳۴ و ص ۶۱۱، ح ۱۰۳۵.

ج پوشیده داشتن

۱۰۴۰. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا از این نهی فرمود که در حالی مرد با همسرش آمیزش کند که کودکی در گهواره، آنان را می‌نگرد.

۱۰۴۱. امام صادق علیه السلام: انسان، نباید با وجود پسر بچه در خانه، با همسرش یا کنیزش آمیزش کند؛ زیرا این کار، پیامد زنا دارد.

۱۰۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز را از کلاغ بیاموزید: پنهان داشتن آمیزش، سحرخیزی در طلب روزی، و احتیاط‌ورزی او را.

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۶

د الدعاء

۱۰۴۳. رسول الله صلى الله عليه وآله: أما لو أن أحدهم يقول حين يأتي أهله:

«بِاسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا» ثُمَّ قَدَّرَ بَيْنَهُمَا فِي ذَلِكَ أَوْ قَضَىٰ وَلَدًا لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا. [۱۴۱۹]

۱۰۴۴. الإمام علی علیه السلام: إذا أراد أحدكم مُجامعَةَ زَوْجَتِهِ فَلْيَقُلْ:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا بِأَمْرِكَ، وَقَبَلْتُهَا بِأَمَانَتِكَ؛ فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلِئِدًا فَاجْعَلْهُ ذِكْرًا سَوِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلَا شَرِيكًا». [۱۴۲۰]

۱۰۴۵. الإمام الباقر علیه السلام: إذا أُرِدْتَ الْوَلَدَ فَقُلْ عِنْدَ الْجِمَاعِ:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ، وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ». [۱۴۲۱]

۱۰۴۶. الإمام الصادق علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحِبَلَ لَهُ، فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ، ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ زَكَرِيَّا، يَا رَبِّ

لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ [۱۴۲۲]، اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ [۱۴۲۳]، اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرِكًا وَلَا نَصِيبًا». [۱۴۲۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۷

د دعا

۱۰۴۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنهاری که اگر کسی هنگام همبستری با همسرش بگوید: «به نام خدا، خداوندا! شیطان را از من دور کن و شیطان را از آنچه روزی مان کرده‌ای، دور ساز» و سپس میانشان در این آمیزش یا به هر ترتیب، فرزندی تقدیر شود، هرگز شیطان به او زبانی نخواهد رساند.

۱۰۴۴. امام علی علیه السلام: اگر کسی از شما بخواهد با همسر خویش به هم آید، بگوید: «خداوندا! من به فرمان تو شرمگاه او را بر خویش حلال دانستم و به عنوان امانت تو، او را پذیرفتم. اکنون، اگر از او برایم فرزندی تقدیر کردی، وی را پسری سالم و کامل قرار ده و در او برای شیطان، بهره و سهمی مگذار».

۱۰۴۵. امام باقر علیه السلام: اگر فرزند خواستی، در هنگام آمیزش بگو: «خداوندا! مرا فرزندی روزی کن و او را پرهیزگاری که در خلقت وی فزونی و کاستی‌ای نیست، قرار ده و عاقبت او را به خیر گردان».

۱۰۴۶. امام صادق علیه السلام: هر کس بخواهد زنش بچه‌دار شود، پس از نماز جمعه، دو رکعت نماز بگذارد و در آنها رکوع و سجده را طولانی سازد و سپس بگوید: «خداوندا! به حرمت آنچه زکریا بدان از تو مسئلت داشت، از تو می‌خواهم.

پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو خود، برترین وارثانی. خداوندا! از نزد خویش، مرا فرزندی پاک ببخش که تو شنوای دعایی. خداوندا! به نام تو او را بر خویش حلال ساختم و به امانت تو، او را در اختیار گرفتم. اکنون، اگر در رحم او برایم فرزندی تقدیر کرده‌ای، او را فرزندی خجسته و پیراسته قرار ده و در او برای شیطان، بهره و سهمی قرار مده».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۸

ه الطَّمَانِينَةُ

۱۰۴۷. المناقب: سَأَلَ رَجُلٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْوَالِدِ، مَا بِالْهَ تَارَةً يُشْبِهُ أَبَاهُ وَ أُمَّهُ، وَ تَارَةً يُشْبِهُ خَالَهُ وَ عَمَّهُ؟ فَقَالَ لِلْحَسَنِ: أَجِبْهُ.

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا الْوَالِدُ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ بِنَفْسِ سَاكِنَةٍ وَ جَوَارِحِ غَيْرِ مُضْطَرِبَةٍ اعْتَلَجَتِ النَّطْفَتَانِ كَاعْتِلَاجِ الْمُتَنَازِعِينَ؛ فَإِنْ عَلَتِ نُطْفَةُ الرَّجُلِ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ، جَاءَ الْوَالِدُ يُشْبِهُ أَبَاهُ، وَ إِذَا عَلَتِ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ نُطْفَةَ الرَّجُلِ، شُبِّهَ أُمَّهُ. وَ إِذَا أَتَاهَا بِنَفْسٍ مُتَنَزِعَةٍ وَ جَوَارِحِ مُضْطَرِبَةٍ غَيْرِ سَاكِنَةٍ، اضْطَرَبَتِ النَّطْفَتَانِ فَسَقَطَتَا عَنْ يَمَنِ الرَّحِمِ وَ يَسْرَتِهِ؛ فَإِنْ سَقَطَتَا عَنْ يَمَنِ الرَّحِمِ سَقَطَتَا عَلَى عُرُوقِ الْأَعْمَامِ وَ الْعَمَّاتِ، فَشُبِّهَ أَعْمَامُهُ وَ عَمَّاتِهِ، وَ إِنْ سَقَطَتَا عَنْ يَسْرَةِ الرَّحِمِ سَقَطَتَا عَلَى عُرُوقِ الْأَحْوَالِ وَ الْخَالَاتِ، فَشُبِّهَ أَحْوَالُهُ وَ خَالَاتِهِ.

فَقَامَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. وَرُوي أَنَّهُ

كَانَ الْخَضِرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. [۱۴۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۱۹

ه آرامش

۱۰۴۷. مناقب آل ابی طالب: مردی در این باره از امیر مؤمنان پرسید که چرا فرزند، گاه همانند پدر و مادر خویش، و گاه همانند دایی و عموست؟

امام علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: «او را پاسخ گوی».

امام حسن علیه السلام فرمود: اما درباره فرزند؛ اگر مرد با دلی آرام و اندامی بدون اضطراب به سراغ همسر خویش برود، دو نطفه با استواری و چنان که دو جنگاور به هم در می‌آویزند، با یکدیگر گلاویز می‌شوند. پس چنانچه نطفه مرد بر نطفه زن چیرگی یابد، فرزند، همانند پدر می‌شود و چنانچه نطفه زن بر نطفه مرد، چیرگی یابد، فرزند با مادر، همانند می‌شود. اما اگر مرد با دلی ناآرام و اندامی آشفته به سراغ زن برود، دو نطفه، آشفته و لرزان می‌شوند و به سمت راست یا چپ زهدان می‌افتند. چنانچه نطفه به سمت راست زهدان بیفتد، بر رگ‌های عموها و عمه‌ها افتد و به عموها و عمه‌ها همانند می‌شود، و چنانچه به سمت چپ زهدان افتد، بر رگ‌های دایی و خاله‌ها می‌افتد و به دایی‌ها و خاله‌ها همانند می‌شود».

آن مرد برخاست، در حالی که می‌گفت: خداوند، خود می‌داند رسالت خویش را کجا قرار دهد.

روایت شده است که آن مرد، خضر علیه السلام بود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۰

۱۰۴۸. الإمام الحسن عليه السلام لَمَنْ سَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يُشْبِهُ أَعْمَامَهُ وَأُخْوَالَهُ: إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا أَتَى أَهْلَهُ فَجَامَعَهَا بِقَلْبٍ سَاكِنٍ، وَعُرُوقٍ هَادِيَةٍ، وَبَيْدِنٍ غَيْرِ مُضْطَرِبٍ، فَأَسْكَنْتَ تِلْكَ النُّطْفَةَ فِي جَوْفِ الرَّحِمِ؛ خَرَجَ الْوَلَدُ يُشْبِهُ أَبَاهُ وَآمَهُ، وَإِنْ هُوَ أَتَاهَا بِقَلْبٍ غَيْرِ سَاكِنٍ، وَعُرُوقٍ غَيْرِ هَادِيَةٍ، وَبَيْدِنٍ مُضْطَرِبٍ، اضْطَرَبَتْ تِلْكَ النُّطْفَةُ فَوَقَعَتْ فِي حَالِ اضْطِرَابِهَا عَلَى بَعْضِ الْعُرُوقِ، فَإِنْ وَقَعَتْ عَلَى عِرْقٍ مِنْ عُرُوقِ الْأَعْمَامِ، أَشْبَهَ الْوَلَدُ أَعْمَامَهُ، وَإِنْ وَقَعَتْ عَلَى عِرْقٍ مِنْ عُرُوقِ الْأُخْوَالِ، أَشْبَهَ الرَّجُلَ أُخْوَالَهُ. [۱۴۲۶]

۲۸/۱۳

مَا يَتَّبِعِي عِنْدَ الْجَمَاعِ

أَلْمُدَاعِبَةُ

۱۰۴۹. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ مِنَ الْجَفَاءِ: أَنْ يَصْحَبَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فَلَا يَسْأَلُهُ عَنِ اسْمِهِ وَكُنْيَتِهِ، وَأَنْ يُدْعَى الرَّجُلُ إِلَى طَعَامٍ فَلَا يُجِيبُ أَوْ يُجِيبُ فَلَا يَأْكُلُ، وَمُوقَعَةُ الرَّجُلِ أَهْلَهُ قَبْلَ الْمُدَاعِبَةِ. [۱۴۲۷]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۱

۱۰۴۸. امام حسن علیه السلام در پاسخ کسی که پرسیده بود: چگونه گاه شخص به عموها و دایی‌های خود شباهت دارد: اگر مرد به سراغ زن برود و با دلی آرامش یافته و اعصابی آرام و تنی ناآشفته با او نزدیکی کند و در نتیجه، آن نطفه در میانه رجم جایگزین گردد، فرزند با شباهت به پدر و مادر خویش، زاده می‌شود. اما اگر مرد با دلی آرامش نیافته و رگ‌هایی ناآرام و تنی آشفته به سراغ زن برود، آن نطفه نیز لرزان و آشفته می‌شود و در همان ناآرامی و آشفته‌گی بر یکی از رگ‌ها می‌افتد. اگر بر رگی از رگ‌های عموها بیفتد، فرزند به عموهای خویش همانند می‌شود و اگر بر رگی از رگ‌های دایی‌ها بیفتد، مرد به دایی‌های خود همانند می‌شود.

الف بازی

۱۰۴۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه چیز از نامهربانی است: این که کسی با کسی همراه شود و از نام و کنیه وی نپرسد؛ این که مردی به غذایی دعوت شود و نپذیرد یا بپذیرد و نخورد؛ و این که مرد پیش از بازی، با همسر خویش نزدیکی کند. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۲

۱۰۵۰. الإمام الرضا علیه السلام: لا تُجامع امرأتک حتی تُلاعِبها [۱۴۲۸]، و تَغْمِزَ تَدِييها، (فإنَّكَ إنْ فَعَلْتَ اجْتَمَعَ ماؤُها و ماؤُكَ فَكانَ مِنْها الحَمْلُ)، و اشْتَهَتْ مِنْكَ مِثْلَ الَّذي تَشْتَهِيهِ مِنْها، و ظَهَرَ ذَلِكُ في عَيْنِها. [۱۴۲۹]
ب تَرَكُ الاستِعْجالَ

۱۰۵۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: إذا أراد أحدكم أن يأتي أهله، فلا يُعجلها. [۱۴۳۰]

۱۰۵۲. عنه صلی الله علیه و آله: إذا جامع أحدكم فلا يأتيهنَّ كما يأتي الطير، ليمكث و ليلبث. [۱۴۳۱]

۱۰۵۳. عنه صلی الله علیه و آله: إذا جامع أحدكم أهله فليصدقها، ثم إذا قضى حاجته قبل أن تقضى حاجتها فلا يُعجلها، حتى تقضى حاجتها. [۱۴۳۲]

۱۰۵۴. عنه صلی الله علیه و آله: إذا جامع أحدكم امرأته، فلا يتنح حتى تقضى حاجتها، كما يُحبُّ أن يقضى حاجته. [۱۴۳۳]
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۳

۱۰۵۰. امام رضا علیه السلام: با همسرت نزدیکی مکن، مگر آن که با او بازی کنی [۱۴۳۴] و پستان‌های او را بمالی؛ چرا که اگر چنین کنی، آب او و آب تو در هم آید و از آن، بارداری حاصل آید [۱۴۳۵] و همانند آنچه تو از او می‌خواهی، از تو بخواهد و این، در چشمانش هویدا شود.

ب پرهیز از شتاب‌ورزی

۱۰۵۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما خواست به سراغ زن خویش برود، او را به شتاب نیفکند.

۱۰۵۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما آمیزش کند، به سان پرندگان با زنان رفتار نکند، بلکه درنگ ورزد، و لختی بماند.

۱۰۵۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما [خواست با همسر خویش آمیزش کند، حق او را ادا کند و سپس، اگر پیش از برآوردن نیاز او نیاز خویش را برآورد، با او شتاب نوزد تا نیاز او را نیز برآورد.

۱۰۵۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی از شما با همسر خویش آمیزش کند، کناره نگزیند تا هنگامی که نیاز زن را هم برآورد، چنان که خود دوست دارد نیازش برآورده شود.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۴

ج تَرَكُ التَّكَلُّمَ

۱۰۵۵. رسول الله صلی الله علیه و آله في وصيته لعلي عليه السلام: يا علي، لا تتكلم عند الجماع؛ فإنه إن قضيت بينكما ولد لا يؤمن أن يكون أخرس. [۱۴۳۶]

۱۰۵۶. عنه صلی الله علیه و آله: إنَّ الله تبارك و تعالی کره لكم... الكلام عند الجماع، و قال: يورث الخرس. [۱۴۳۷]

۱۰۵۷. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّقُوا الْكَلَامَ عِنْدَ التِّقَاءِ الْخِتَانَيْنِ؛ فَإِنَّهُ يورثُ الْخَرَسَ. [۱۴۳۸]

د الوُضوءُ لِلْمَعَاوَدَةِ

۱۰۵۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا أَتَى أَحَدُكُمْ أَهْلَهُ، ثُمَّ أَرَادَ أَنْ يَعُودَ فَلْيَتَوَضَّأْ؛ فَإِنَّهُ أَنْشَطُ لِلْعُودِ. [۱۴۳۹]

ه الغُسلُ بَعْدَ الْاِحْتِلَامِ

۱۰۵۹. رسول الله صلى الله عليه و آله: يُكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْشَى الْمَرْأَةَ وَقَدْ اِحْتَلَمَ، حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ اِحْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى؛ فَإِنْ فَعَلَ وَخَرَجَ

الْوَلَدُ مَجْنُونًا، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. [۱۴۴۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۵

ج خودداری از سخن گفتن

۱۰۵۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله در سفارش به امام علی علیه السلام: ای علی! در هنگام آمیزش، سخن مگوی؛ چرا که اگر

میانتان فرزندی تقدیر شود، اطمینانی نیست که لال نباشد. [۱۴۴۱]

۱۰۵۶. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: «خداوند تبارک و تعالی برایتان این را ناخوشایند می‌دارد که... در هنگام آمیزش، سخن

بگویید».

همچنین فرمود: «این کار، گنگی می‌آورد».

۱۰۵۷. امام صادق علیه السلام: به گاه به هم رسیدن ختنه گاه‌ها، از سخن گفتن پرهیزید؛ چرا که گنگی می‌آورد.

د وضو برای بازگشتن

۱۰۵۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: اگر کسی از شما به سراغ زن خویش برود و آن گاه بخواهد دیگر بار هم این کار را انجام

دهد، وضویی بسازد؛ زیرا این کار، نشاط بیشتری برای بازگشتن، ایجاد می‌کند.

ه غسل پس از احتلام

۱۰۵۹. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: برای مرد مکروه است پس از احتلام با زن همبستری کند، مگر آن که از احتلام، غسل کرده

باشد؛ چه، اگر چنین کند و فرزندش دیوانه زاده شود، جز خویش را نکوهش نکند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۶

۳۸ / ۱۳

مَا يَتَّبِعِي بَعْدَ الْجِمَاعِ

أَلْبُولُ

۱۰۶۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: إِذَا جَامَعَ الرَّجُلُ فَلَا يَغْتَسِلُ حَتَّى يَبُولَ، مَخَافَةَ أَنْ يَتَرَدَّدَ بَقِيَّةُ الْمَنِيِّ فَيَكُونَ مِنْهُ دَاءٌ لَا دَوَاءَ

لَهُ. [۱۴۴۲]

۱۰۶۱. الإمام الرضا عليه السلام فى ذِكْرِ الْجِمَاعِ وَ آدَابِهِ: فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ فَلَا تَقُمْ قَائِمًا، وَلَا تَجْلِسَ جَالِسًا، وَ لَكِنْ تَمِيلُ عَلَى يَمِينِكَ،

ثُمَّ انْهَضْ لِلْبُولِ إِذَا فَرَعْتَ مِنْ سَاعَتِكَ شَيْئًا؛ فَإِنَّكَ تَأْمَنُ لِلْحَصَاةِ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى. [۱۴۴۳]

ب غَسْلُ الْفَرْجِ

۱۰۶۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا أتى أحدكم أهله فأراد أن يعود، فليغسل فرجه. [۱۴۴۴]

ج الغسل

۱۰۶۳. الإمام الصادق عليه السلام لما قال له الزنديق: ما علة غسل الجنابة، وإنما أتى حلالاً وليس في الحلال تدنيس؟! إن الجنابة بمنزلة الحيض؛ وذلك أن النطفة دم لم يستحكم، ولا يكون الجماع إلا بحر كفه شديدة وشهوة غالبة، فإذا فرغ تنفس البدن وجد الرجل من نفسه رائحة كريهة فوجب الغسل لذلك، وغسل الجنابة مع ذلك أمانة أئتمن الله عليها عبده ليختبرهم بها. [۱۴۴۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۷

۱۳/۳۸ آنچه پس از آمیزش، بایسته است

الف پیشاب کردن

۱۰۶۰. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: اگر مردی با همسر خویش نزدیکی کرد، تا پیشاب نکرده است، غسل نکنند؛ از این بیم که مبادا باقی مانده منی در آمد و شد باشد و از آن، دردی بی درمان خیزد.

۱۰۶۱. امام رضا علیه السلام درباره آمیزش و آداب آن: پس چون آن کار را کردی، راست مایست و کامل هم منشین؛ بلکه بر پهلوی راست کم بده و سپس، زمانی پس از آن که کار خویش به پایان برده‌ای، برای پیشاب کردن برخیز. در این صورت، به اذن خداوند عز و جل از سنگ [مثانه در امان خواهی بود.

ب شستن شرمگاه

۱۰۶۲. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: اگر کسی از شما به سراغ زن خویش رفت و آن گاه خواست دیگر بار باز گردد، شرمگاه خویش را بشوید.

ج غسل

۱۰۶۳. امام صادق علیه السلام در پاسخ زندقی که پرسید: علت غسل جنابت چیست؟ همانا آمیزش کننده، کاری حلال انجام داده است و کار حلال هم مایه آلودگی نیست: جنابت، همانند حیض است؛ چرا که نطفه، خونی است استحکام نیافته و آمیزش هم امکانپذیر نیست، مگر به حرکتی سخت و شهوتی چیره. پس، چون به پایان رساند، بدن، نفس می کشد و مرد از نفس آن، در خود بویی بد احساس می کند. غسل برای همین واجب شده است و البته غسل جنابت، افزون بر این، امانتی است که خداوند به بندگان خویش سپرده است تا از این رهگذر، آنان را بیازماید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۸

۱۰۶۴. الإمام الرضا علیه السلام: علة غسل الجنابة النطفة لتطهير الإنسان مما أصاب من أذاه و تطهير سائر جسده؛ لأن الجنابة خارجة من كل جسده فلتذلك وجب عليه تطهير جسده كله، و علة التخفيف في البول والغائط أنه أكثر و أدم من الجنابة، فرضت في بالوضوء لكثرتيه و مشقتيه و مجيئه بغير إرادة منه ولا شهوة، و الجنابة لا تكون إلا بالاستلذاذ منهم و الإكراه لأنفسهم. [۱۴۴۶]

د شرب العسل

۱۰۶۵. الإمام الرضا علیه السلام في ذكر الجماع و آدابه: ثم اغتسل و اشرب من ساعتك شيئاً من المومياي بشراب العسل أو بعسل

مَنْزُوعِ الرَّغْوَةِ؛ فَإِنَّهُ يَرُدُّ مِنَ الْمَاءِ مِثْلَ الَّذِي خَرَجَ مِنْكَ. [۱۴۴۷]

۹ / ۱۳

مَا يُعِينُ عَلَى الْجَمَاعِ

۱۹ / ۱۳

أَكْلُ الْجَزْرِ

۱۰۶۶. الإمام الصادق عليه السلام: الْجَزْرُ أَمَانٌ مِنَ الْقَوْلَنِجِ، وَ الْبَوَاسِيرِ، وَ يُعِينُ عَلَى الْجَمَاعِ. [۱۴۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۲۹

۱۰۶۴. امام رضا علیه السلام: عَلَّتْ غَسْلَ جَنَابَتِ، پاكيزگي است تا انسان از آنچه از آزرده گي آن كار ديده است، تطهير شود و همه

تن او پاك گردد؛ زيرا جنابت، از همه بدن شخص برخاسته و از همين رو، تطهير همه بدن بر او واجب شده است.

امَّا عَلَّتْ آسَانَ تَرِ گِرْفَتِن دَر بَارِه پِشَابِ وَ مَدْفُوعِ، آن است كه از جنابت بيشتر و هميشگي ترند و از همين رو، به سبب فراواني،

مشقت آوري و بيرون آمدن آنها بدون خواست و شهوت، خداوند، در اين باره به وضو بسنده داشته است، در حالي كه جنابت، تنها

از لذت جويي و لذت يابي و وا داشتن خود به اين كار از انسان برمي خيزد.

د خوردن عسل

۱۰۶۵. امام رضا علیه السلام درباره آمیزش و آداب آن: پس، غسل کن و همان دم، قدری مومیایی با شربت عسل یا با عسلی که

کف آن را برداشته باشند، بخور؛ زیرا این کار، همانند آن آبی را که از تو بیرون رفته است، به تو باز می گرداند.

۹ / ۱۳ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد

۱۹ / ۱۳ خوردن زردک

۱۰۶۶. امام صادق علیه السلام: زردک، مایه ایمنی از قولنج و بواسیر است و به جماع، کمک می کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۰

۱۰۶۷. عنه علیه السلام: أَكْلُ الْجَزْرِ يُسَخِّنُ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ يُقِيمُ الذَّكَرَ. [۱۴۴۹]

راجع: ج ۲، ص ۲۷۶ (الجزر).

۲۹ / ۱۳

أَكْلُ التَّمْرِ الْبَرْنِيِّ

۱۰۶۸. رسول الله صلى الله عليه و آله في خواص التمر البرني: هذا جبرئيل يُخبرني أَنَّ في تمرِكم هذه تسع خصال: تَخْبُلُ الشَّيْطَانَ، وَ

تُقَوِّي الظَّهْرَ، وَ تَزِيدُ في المُجَامَعَةِ. [۱۴۵۰]

۱۰۶۹. عنه صلى الله عليه و آله: قَالَ جِبْرَائِيلُ: التَّمْرُ الْبَرْنِيُّ... يَزِيدُ في مَاءِ فَقَارِ الظَّهْرِ. [۱۴۵۱]

۳۹ / ۱۳

أَكْلُ التَّيْنِ

۱۰۷۰. رسول الله صلى الله عليه و آله: كُلُوا التَّيْنَ الرَّطْبَ وَ الْيَابِسَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ في الْجَمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبَوَاسِيرَ، وَ يَنْفَعُ مِنَ النَّفْرِسِ وَ

الإِبْرَدَةِ. [۱۴۵۲]

أَكْلُ الْبَطِيخِ

۱۰۷۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْبَطِيخِ؛ فَإِنَّ فِيهِ عَشْرَ خِصَالٍ: هُوَ طَعَامٌ، وَ شَرَابٌ، وَ اشْتَانٌ، وَ رِيحَانٌ، وَ يَغْسِلُ الْمَثَانَةَ، وَ يَغْسِلُ الْبَطْنَ، وَ يُكَثِّرُ مَاءَ الظَّهْرِ، وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ، وَ يَقَطِّعُ الْبُرُودَةَ، وَ يُنْقِي الْبَشْرَةَ. [۱۴۵۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۱

۱۰۶۷. امام صادق علیه السلام: خوردن زردک، کلیه‌ها را گرم می‌کند و آلت را بر می‌خیزاند.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۷۷ (زردک).

۲۹ / ۱۳ خوردن خرماى بزنى

۱۰۶۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله درباره خواص خرماى بزنى: اینک این جبرئیل است که به من خبر می‌دهد که در این خرمايتان، نه ویژگی است. [از آن جمله شیطان را سرگشته می‌کند، پشت را قوی می‌سازد و بر توان نزدیکی می‌افزاید]. [۱۴۵۴]

۱۰۶۹. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: جبرئیل می‌گوید: «خرماى بزنى... بر آب ستون فقرات می‌افزاید».

۳۹ / ۱۳ خوردن انجیر

۱۰۷۰. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: انجیر، تازه و خشک، بخورید؛ چرا که بر قدرت همبستری می‌افزاید، بواسیر را ریشه‌کن می‌کند و برای درمانِ نقرس و سردی مزاج، سودمند است. [۱۴۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۶۳۱

۴۹ / ۱۳ خوردن خربزه

۱۰۷۱. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بر شما باد خربزه؛ چرا که در آن، ده ویژگی است: خوردنی است؛ آشامیدنی است، شستشو دهنده است؛ خوش بوکننده است؛ مثانه را می‌شوید؛ شکم را می‌شوید؛ آب کمر را فراوان می‌سازد؛ نیروی همبستری را می‌افزاید؛ سردی مزاج را از میان برمی‌دارد؛ و پوست را تمیز می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۲

أَكْلُ الْبَصَلِ

۱۰۷۲. الإمام الصادق عليه السلام: كُلُوا الْبَصَلَ؛ فَإِنَّ فِيهِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَ يَشُدُّ اللَّثَّةَ، وَ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ وَ الْجِمَاعِ. [۱۴۵۶]

راجع: ج ۲، ص ۲۱۲، ح ۱۵۳۲ و ص ۲۱۴ ۲۱۲ ح ۱۵۳۵ إلى ۱۵۳۸.

أَكْلُ الْبَيْضِ

۱۰۷۳. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ عَدِمَ الْوَلَدَ فَلْيَأْكُلِ الْبَيْضَ وَ لِيَكْثِرَ مِنْهُ؛ فَإِنَّهُ يُكَثِّرُ النَّسْلَ. [۱۴۵۷]

۱۰۷۴. الإمام الكاظم عليه السلام: كَثْرَةُ أَكْلِ الْبَيْضِ تَزِيدُ فِي الْوَلَدِ. [۱۴۵۸]

راجع: ج ۲، ص ۲۲۴ (خواص البیض).

۷۹/۱۳

أَكَلَ الْبَيْضَ بِالْبَصْلِ وَالزَّيْتِ

۱۰۷۵. مکارم الأخلاق عن بعض أصحاب الإمام الصادق عليه السلام، قال له: جُعِلْتُ فِدَاكَ!

إِنِّي أَشْتَرِي الْجَوَارِي فَاحْبُ أَنْ تُعَلِّمَنِي شَيْئاً أَتَقَوَّى عَلَيْهِنَّ.

قَالَ: خُذْ بَصَلًا وَقَطِّعْهُ صُغَارًا صُغَارًا وَأَقْلِهْ بِالزَّيْتِ، وَخُذْ بَيْضًا فَافْقِصْهُ فِي صَحْفَةٍ وَذَرِّ عَلَيْهِ شَيْئًا مِنَ الْمِلْحِ، فَادْرُرْهُ عَلَى الْبَصْلِ وَالزَّيْتِ وَأَقْلِهْ شَيْئًا، ثُمَّ كُلْ مِنْهُ.

قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَكُنْتُ لَا أَرِيدُ مِنْهُنَّ شَيْئًا إِلَّا قَدَرْتُ عَلَيْهِ. [۱۴۵۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۳

۵۹/۱۳ خوردن پیاز

۱۰۷۲. امام صادق علیه السلام: پیاز بخورید؛ چرا که سه ویژگی دارد: بوی دهان را خوش می‌سازد، لثه را استحکام می‌بخشد، و آب و توان آمیزش را افزون می‌کند.

همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۱۵۳۲ و ص ۲۱۳ ۲۱۵، ح ۱۵۳۵ ۱۵۳۸.

۶۹/۱۳ خوردن تخم مرغ

۱۰۷۳. امام باقر علیه السلام: هر کس فرزند ندارد، تخم مرغ بخورد و فراوان از آن بهره ببرد؛ چرا که نسل را می‌افزاید.

۱۰۷۴. امام کاظم علیه السلام: فراوان خوردن تخم مرغ، فرزند را افزون می‌سازد.

ر. ک: ج ۲، ص ۲۲۵ (خواص تخم مرغ).

۷۹/۱۳ خوردن تخم مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون

۱۰۷۵. مکارم الأخلاق به نقل از یکی از یاران امام صادق علیه السلام: به امام علیه السلام گفتم: فدایت شوم! من کنیز می‌خرم.

دوست دارم چیزی به من تعلیم فرمایی که

بر [آمیزش با] آنها توانایی یابم.

فرمود: «پیاز را ریز کرده، در روغن سرخ کن، تخم مرغی هم در سینی‌ای بشکن و قدری نمک بر آن پاش. آن گاه، این تخم مرغ را

روی پیاز و روغن زیتون بریز و اندکی بجوشان و سپس از آن، بخور».

راوی گوید: این کار را انجام دادم و از آن پس، هر گاه قصد آمیزش با آن کنیزان می‌کردم، بر آن توانایی داشتم.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۴

۱۰۷۶. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ أَكَلَ الْبَيْضَ وَالْبَصَلَ وَالزَّيْتِ، زَادَ فِي جَمَاعِهِ، وَ مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ بِالْبَيْضِ، كَبُرَ عَظْمٌ وَلَدِهِ. [۱۴۶۰]

۱۰۷۷. الكافي عن عمر بن أبي حسنة الجمال: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَلَّةَ الْوَلَدِ.

فَقَالَ لِي: اسْتَغْفِرِ اللَّهَ، وَ كُلِّي الْبَيْضَ بِالْبَصْلِ. [۱۴۶۱]

۸۹/۱۳

أَكَلَ الْبَيْضَ بِاللَّحْمِ

۱۰۷۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: اللَّحْمُ بِالْبَيْضِ يَزِيدُ فِي الْبَاءِ. [۱۴۶۲]

۱۰۷۹. الإمام الصادق عليه السلام: شَكَأَ نَبِيُّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ قَلَّةَ النَّسْلِ.

فَقَالَ: كُلِّ اللَّحْمِ بِالْبَيْضِ. [۱۴۶۳]

راجع: ج ۱، ص ۶۳۶ ح ۱۰۷۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۵

۱۰۷۶. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم مرغ و پیاز و روغن زیتون بخورد، بر توان جنسی او افزوده شود و هر کس گوشت و تخم مرغ بخورد، استخوان فرزندش درشت باشد.

۱۰۷۷. الکافی به نقل از عمر بن ابی حسنه جمال: نزد امام کاظم علیه السلام، از کمی فرزند، اظهار ناراحتی کردم. به من فرمود: «از خداوند، آموزش بطلب و تخم مرغ با پیاز بخور».

۱۳/۸۹ خوردن تخم مرغ با گوشت

۱۰۷۸. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: گوشت با تخم مرغ، بر توان جنسی می افزاید.

۱۰۷۹. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از کمی فرزندان به درگاه خداوند عز و جل شکایت بُرد. خداوند فرمود: «گوشت با تخم مرغ بخور».

ر. ک: ج ۱، ص ۶۳۵ ح ۱۰۷۶.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۶

۱۳/۹۹

أَكَلَ الْجُبَارِي

۱۰۸۰. الإمام الكاظم عليه السلام: لا- أرى بِأَكْلِ الْجُبَارِي بِأَسَاءَ، وَإِنَّهُ جَيِّدٌ لِلْبَوَاسِيرِ، وَوَجِعِ الظَّهْرِ، وَهُوَ مِمَّا يُعِينُ عَلَى كَثْرَةِ

الْجَمَاعِ. [۱۴۶۴]

۱۳/۱۰۹

أَكَلَ الْهَرَيْسَةَ

۱۰۸۱. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ نَبِيًّا مِنَ الْأَنْبِيَاءِ شَكَأَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الضَّعْفَ، وَقَلَّةَ الْجَمَاعِ، فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْهَرَيْسَةِ. [۱۴۶۵]

۱۳/۱۱۹

شَرِبَ السَّوِيقَ بِالزَّيْتِ

۱۰۸۲. الإمام الصادق عليه السلام: شَرِبَ السَّوِيقَ بِالزَّيْتِ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَيَشُدُّ الْعَظْمَ، وَيُرِقُّ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاءِ. [۱۴۶۶]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۷

۱۳/۹۹ خوردن هوبره

۱۰۸۰. امام کاظم علیه السلام: در خوردن هوبره، اشکالی نمی بینم. آن، برای بواسیر و درد کمر، خوب است و از چیزهایی است که بر فراوانی آمیزش، انسان را یاری می رساند.

۱۳/۱۰۹ خوردن حلیم

۱۰۸۱. امام صادق علیه السلام: یکی از پیامبران، از ضعف و کمی توان آمیزش به درگاه خداوند عز و جل اظهار ناراحتی کرد. خداوند، او را به خوردن حلیم، فرمان داد.

۱۱۹/۱۳ خوردن سویق با روغن زیتون

۱۰۸۲. امام صادق علیه السلام: خوردن سویق [۱۴۶۷] با روغن زیتون، گوشت می‌رویاند، استخوان را استحکام می‌بخشد، پوست را نازک می‌کند و بر توان جنسی می‌افزاید.
دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۸

۱۲۹/۱۳

شُرْبُ الْحَلِيبِ بِالْعَسَلِ

۱۰۸۳. الإمام الكاظم عليه السلام: مَنْ تَغَيَّرَ عَلَيْهِ مَاءُ ظَهْرِهِ، يَنْفَعُ لَهُ اللَّبَنُ الْحَلِيبُ بِالْعَسَلِ. [۱۴۶۸]

۱۳۹/۱۳

اِسْتِعْمَالُ السُّعْدِ

۱۰۸۴. الإمام الصادق عليه السلام: اتَّخِذُوا فِي أَسْنَانِكُمُ السُّعْدَ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْفَمَ، وَ يَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۱۴۶۹]

۱۴۹/۱۳

الطَّيْبُ

۱۰۸۵. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ الرِّيحَ الطَّيِّبَةَ تَشُدُّ الْقَلْبَ، وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۱۴۷۰]

۱۰۸۶. الإمام الصادق عليه السلام: الرِّيحُ الطَّيِّبَةُ تَشُدُّ الْعَقْلَ، وَ تَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۴۷۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۳۹

۱۲۹/۱۳ نوشیدن شیر با عسل

۱۰۸۳. امام کاظم علیه السلام: هر کس آب کمرش بر وی دیگرگون شود، شیر تازه [۱۴۷۲] با عسل برایش سودمند است.

۱۳۹/۱۳ استفاده از مُشکک

۱۰۸۴. امام صادق علیه السلام: مُشكك به لابه‌لای دندان‌های خویش در آورید؛ چرا که دهان را خوش‌بو می‌کند و بر توان همبستری می‌افزاید.

۱۴۹/۱۳ بوی خوش

۱۰۸۵. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: بوی خوش، قلب را استواری می‌بخشد و بر توان همبستری می‌افزاید. [۱۴۷۳]

۱۰۸۶. امام صادق علیه السلام: بوی خوش، قلب را استواری می‌بخشد و بر توان جنسی می‌افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۰

۱۵۹/۱۳

تَسْرِیحُ الشَّعْرِ

۱۰۸۷. رسول الله صلى الله عليه وآله: كَثْرَةُ تَسْرِیحِ الرَّأْسِ تَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَ تَجْلِبُ الرِّزْقَ، وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ. [۱۴۷۴]

۱۶۹ / ۱۳

الْكحلُّ

۱۰۸۸. الإمام الصادق عليه السلام: الكحلُّ يزيدُ في المَباضَعَةِ. [۱۴۷۵]

۱۰۸۹. الإمام الرضا عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْإِثْمِ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَيُنْبِتُ الْأَشْفَارَ، وَيُطَيِّبُ النَّكْهَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۴۷۶]

۱۷۹ / ۱۳

الْخِضَابُ

۱۰۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِسَيِّدِ الْخِضَابِ؛ فَإِنَّهُ يُطَيِّبُ الْبَشْرَةَ، وَيَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۴۷۷]

۱۰۹۱. الإمام الكاظم عليه السلام: فِي الْخِضَابِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: مَهْيَبَةٌ فِي الْحَرْبِ، وَ مَحَبَّةٌ

إِلَى النِّسَاءِ، وَ يَزِيدُ فِي الْبَاهِ. [۱۴۷۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۱

۱۵۹ / ۱۳ شانه زدن موها

۱۰۸۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: فراوان شانه زدن موها، و با را از میان می برد، روزی می آورد و بر قدرت انسان برای نزدیکی می افزاید.

۱۶۹ / ۱۳ سر مه کشیدن

۱۰۸۸. امام صادق عليه السلام: سر مه، توان همبستری را افزون می سازد.

۱۰۸۹. امام رضا عليه السلام: بر تو باد سر مه سیاه؛ چرا که دیده را جلا می دهد، مژگان را می رویند، دهان را خوش بو می سازد و بر توان جنسی می افزاید.

۱۷۹ / ۱۳ خضاب کردن

۱۰۹۰. رسول الله صلى الله عليه وآله: بر شما باد مهتر همه خضاب ها، که پوست را پاکیزه می کند و قدرت همبستری را می افزاید.

۱۰۹۱. امام کاظم عليه السلام: در خضاب، سه ویژگی است: هیبت آوری در جنگ، مهر آوری به زنان، و توان جنسی را نیز می افزاید.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۲

۱۰۹۲. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالْحِنَاءِ؛ فَإِنَّهُ يُنَوِّرُ رُؤُوسَكُمْ، وَ يُطَهِّرُ قُلُوبَكُمْ، وَ يَزِيدُ فِي الْجَمَاعِ. [۱۴۷۹]

۱۰۹۳. الإمام الصادق عليه السلام: الْكحلُّ يَزِيدُ فِي الْمُضَاجَعَةِ، وَ الْحِنَاءُ يَزِيدُ فِيهَا. [۱۴۸۰]

۱۸۹ / ۱۳

النُّورَةُ

۱۰۹۴. الإمام الكاظم عليه السلام: شَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ، وَ أَرْخَى الْمَفَاصِلَ، وَ وَرَثَ الضَّعْفَ، وَ السَّلَّ، وَ إِنَّ النُّورَةَ تَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَ تُقَوِّى الْبَدْنَ، وَ تَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ تُسَمِّنُ الْبَدْنَ. [۱۴۸۱]

راجع: ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.

۱۰ / ۱۳

ما يُضَعِفُ عَنِ الْجِمَاعِ

۱۱۰ / ۱۳

الصَّيَامِ

۱۰۹۵. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَنْ اسْتَطَاعَ الْبَاءَةَ فَلْيَتَزَوَّجْ؛ فَإِنَّهُ أَعْضُ لِلْبَصْرِ، وَ أَحْصَنُ لِلْفَرْجِ،

وَ مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَعَلَيْهِ بِالصَّوْمِ؛ فَإِنَّهُ لَهُ وَ جَاءَ. [۱۴۸۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۳

۱۰۹۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: بر شما باد حنا؛ چرا که [دیده‌های سرتان را روشن می‌سازد، دل‌هایتان را پاک می‌کند و بر

توان جنسی می‌افزاید.

۱۰۹۳. امام صادق علیه السلام: سرمه، توان همبستری را افزایش می‌دهد. حنا نیز بر آن می‌افزاید.

۱۸۹ / ۱۳ نوره کشیدن

۱۰۹۴. امام کاظم علیه السلام: موی سر، چون بلند شود، آب کمر از جریان می‌افتد، مفاصل، سست می‌شوند و ضعف و سِل به دنبال

می‌آورد. اما نوره، آب کمر را افزون می‌سازد، بدن را تقویت می‌کند، بر پیه کلیه‌ها می‌افزاید و بدن را چاق می‌کند.

ر. ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.

۱۰ / ۱۳ آنچه از توان جنسی می‌کاهد

۱۱۰ / ۱۳ روزه

۱۰۹۵. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: هر کس توان همسر گرفتن دارد، همسر گیرد؛ چرا که بیشتر، مایه فرو هیلیدن چشمان، و

نگه‌داشتن دامن است. هر کس هم توان

ندارد، بر او باد روزه؛ چرا که دارای نوعی عقیم‌کنندگی است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۴

راجع: ج ۱، ص ۶۴۴، ح ۱۰۹۷ و ح ۱۰۹۸.

۲۱۰ / ۱۳

إِطَالَةُ الشَّعْرِ

۱۰۹۶. الإمام علي عليه السلام: ما كَثُرَ شَعْرُ رَجُلٍ قَطُّ إِلَّا قَلَّتْ شَهْوَتُهُ. [۱۴۸۳]

۱۰۹۷. الكافي عن محمد بن يحيى رفعه: جاء إلى النبي صلى الله عليه و آله رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَيْسَ عِنْدِي طَوْلٌ فَأَنْكَحَ النِّسَاءَ؛

فَأَلَيْكَ أَشْكَو العُزُوبِيَّةَ.

فَقَالَ: وَفَرَّ شَعْرَ جَسَدِكَ، وَ أَدِمِ الصَّيَامَ.

فَفَعَلَ فَذَهَبَ مَا بِهِ مِنَ الشَّبَقِ. [۱۴۸۴]

۱۰۹۸. المعجم الكبير عن ابن عباس: شكا رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله العُزُوبِيَّةَ، فَقَالَ: أَلَا أَخْتَصِي؟

فَقَالَ: لَا، لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَصِيَ أَوْ اخْتَصَى، وَ لَكِنْ صُمِّمَ، وَ وَفَّرَ شَعْرَ جَسَدِكَ. [۱۴۸۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۵
همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۶۴۵، ح ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

۱۳/۲۱۰ وا گذاردن مو

۱۰۹۶. امام علی علیه السلام: موی هیچ مردی زیاد نشود، مگر آن که شهوتش کاهش یابد.
۱۰۹۷. الکافی به نقل از محمد بن یحیی، در حدیثی که سندش را به معصوم علیه السلام رساند: مردی نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من توانایی مالی ندارم تا زنانی به همسری گیرم. اینک از بی همسری به پیشگاه تو شکایت می آورم. فرمود: «موی بدنت را وا گذار تا فراوان شود و پیوسته نیز روزه بگیر.»
او این کار را انجام داد و چیرگی شهوت وی از میان رفت.

۱۰۹۸. المعجم الکبیر به نقل از ابن عباس: مردی نزد پیامبر خدا، از بی زنی اظهار ناراحتی کرد و گفت: آیا خود را اخته کنم؟ فرمود: «نه. کسی که اخته باشد یا خود را اخته کند، از ما نیست. روزه بدار و موی بدنت را وا گذار.»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۶

۳۱۰ / ۱۳

النَّعْلُ السَّوْدَاءُ

۱۰۹۹. الکافی عن حنان بن سدير: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِي رِجْلِي نَعْلًا سَوْدَاءً. فَقَالَ: يَا حَنَّانُ، مَا لَكَ وَ لِلَّسَّوْدَاءِ؟! أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تُضَعِّفُ الْبَصِيرَةَ، وَ تُرَخِّى الدَّكْرَ، وَ تَوْرِثُ الْهَمَّ؟ وَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ الْجَبَّارِينَ.

قَالَ: فَقُلْتُ: فَمَا أَلْبَسُ مِنَ النَّعَالِ؟

قَالَ: عَلَيْكَ بِالصَّفْرَاءِ؛ فَإِنَّ فِيهَا ثَلَاثَ خِصَالٍ: تَجْلُو الْبَصِيرَةَ، وَ تَشُدُّ الدَّكْرَ، وَ تَدْرَأُ الْهَمَّ، وَ هِيَ مَعَ ذَلِكَ مِنْ لِبَاسِ النَّبِيِّينَ. [۱۴۸۶]

راجع: (إرشادات طبيه/ الحذاء والصحة) ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۱۴۱.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۷

۱۳/۳۱۰ کفش مشکی

۱۰۹۹. الکافی به نقل از حنان بن سدير: در حالی که کفش سیاه پوشیده بودم، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. فرمود: «ای حنان! تو را به رنگ سیاه، چه کار؟! آیا نمی دانی که در آن، سه ویژگی است: دیده را ضعیف می کند، آلت را سست می سازد، و پیری می آورد و افزون بر این، جامه جباران است؟». گفتم: پس چه پای افزاری بپوشم؟

فرمود: «بر تو باد زرد؛ چرا که در آن، سه ویژگی است: دیده را جلا می دهد، آلت را استحکام می بخشد، و اندوه را از انسان دور می کند و افزون بر این، از جامه های پیامبران است.» [۱۴۸۷]

ر. ک: (توصیه های پزشکی / نقش کفش در سلامت) ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۱۴۱.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۸

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا * ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». [۱۴۸۸]

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ * ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ * ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ * ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى * ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا * ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ * وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى» [۱۴۸۹]

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ * ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ * ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ * ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا * ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ * ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا * وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ * وَ لِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى * وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ». [۱۴۹۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۴۹

فصل چهاردهم: جنین

۱/۱۴ تحول جنین

قرآن

«ما انسان را از گِلِ خالص بیافریدیم. سپس او را نطفه‌ای ساختیم در جایگاهی استوار. آن گاه، نطفه را به صورت خون بسته گردانیدیم. سپس، خون بسته را پاره مُضْغَه (چیزی شبیه گوشت جویده شده) کردیم. سپس، مُضْغَه را به صورت استخوان‌هایی در آوردیم و آن گاه، استخوان‌ها را با گوشت پوشانیدیم و سرانجام، آن را آفرینش تازه‌ای دادیم. پس فرخنده آمد خدا که بهترین آفریننده است»

«هان، ای آدمیان! اگر درباره رستاخیز در تردید هستید، بدانید که ما شما را از خاکی، آن گاه از نطفه‌ای، سپس از لخته‌ای، و سرانجام از پاره گوشتی تمام آفریده و ناتمام آفریده است، خلق کردیم تا برایتان روشن گردانیم. آنچه خواهیم تا زمانی معین در رَحِمِها قرار دهیم و سپس، شما را در سیمای کودکی بیرون آوریم تا به رشدتان برسید»

«اوست آن که شما را از خاک، سپس از نطفه و سپس از لخته‌ای بیافرید و سپس، شما را در سیمای کودکی بیرون آورد تا سپس به رشد آن

برسید و از آن پس، پیر شوید. از شما، کسانی هستند که پیش از آن سن می‌میرد و تا آن که به مهلت معینی برسید. باشد که شما بیندیشید»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۰

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ * ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ * ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا * وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ * وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمْرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ * إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ». [۱۴۹۱]

«إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا». [۱۴۹۲]

الحديث:

۱۱۰۰. الكافي عن الحسين بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّا رَوَيْنَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ لَمْ

تُحْتَسَبُ لَهُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا.

قال: فقال: صدقوا.

قُلْتُ: وَ كَيْفَ لَا تُحْتَسَبُ صَلَاتُهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا لَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ؟

فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدَّرَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ فَصَيَّرَهُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ نَقَلَهَا فَصَيَّرَهَا مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا. فَهُوَ إِذَا شَرِبَ الْخَمْرَ بَقِيَتْ فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا عَلَى قَدْرِ انْتِقَالِ خَلْقَتِهِ.

قال: ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَ كَذَلِكَ جَمِيعُ غِذَائِهِ، أَكَلِهِ وَ شَرِبِهِ يَبْقَى فِي مُشَاشِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا. [۱۴۹۳]

۱۱۰۱. الإمام الصادق عليه السلام في وصف خلق الإنسان: أَوَّلُ ذَلِكَ تَصْوِيرُ الْجَنِينِ فِي الرَّحِمِ حَيْثُ لَا تَرَاهُ عَيْنٌ وَلَا تَنَالُهُ يَدٌ، وَ يُدَبَّرُهُ حَتَّى يَخْرُجَ سَوِيًّا مُسْتَوِفِيًّا

جَمِيعَ مَا فِيهِ قِوَامُهُ وَ صِيْلَاحُهُ مِنَ الْأَحْشَاءِ وَ الْجَوَارِحِ وَ الْعَوَامِلِ إِلَى مَا فِي تَرْكِيبِ أَعْضَائِهِ مِنَ الْعِظَامِ وَ اللَّحْمِ وَ الشَّحْمِ وَ الْمَيْخِ وَ الْعَصَبِ وَ الْعُرُوقِ وَ الْغَضَارِيفِ. [۱۴۹۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۱

«خداوند، شما را از خاک و سپس از نطفه آفرید و آن گاه، شما را جفت گردانید. هیچ مادینه‌ای بار نگیرد و هیچ دراز عمری، زندگی‌ای طولانی نمی‌کند و هیچ از عمر کس کاسته نشود، مگر آن که در دیوانی ثبت باشد. این کار، برای خداوند، آسان است» «بی‌گمان، ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته بیافریدیم تا او را بیازماییم. پس او را شنوایی بینا قرار دادیم»

حدیث

۱۱۰۰. الکافی به نقل از حسین بن خالد: به امام کاظم علیه السلام گفتم: از پیامبر صلی الله علیه و آله برایمان روایت شده که فرموده است: «هر کس شراب بخورد، تا چهل روز، نماز وی برایش حساب نمی‌شود». امام علیه السلام فرمود: «درست گفته‌اند».

گفتم: چگونه تنها چهل روز برای وی نمازی حساب نمی‌شود، نه کمتر از آن و نه بیشتر؟

فرمود: «خداوند عز و جل، خلقت انسان را تقدیر کرد. [در این تقدیر] چهل روز او را در حالت نطفه بداشت. سپس، او را از این حالت، نقل داد و چهل روز علقه گردانید. سپس دیگر بار او را به حالی دیگر نقل داد و چهل روز مُضْغَه بداشت. از این رو، اگر انسان شراب بخورد، این شراب، چهل روز، یعنی به اندازه روزهای نقل خلقت وی [از مرحله‌ای به مرحله دیگر] در نرمة استخوان‌های وی می‌ماند».

امام علیه السلام سپس فرمود: «و همه آنچه می‌خورد نیز چنین است: خوراک و نوشاب او به مدت چهل روز در نرمة استخوان‌هایش می‌ماند».

۱۱۰۱. امام صادق علیه السلام در توصیف خلقت انسان: آغاز آن، شکل دادن به جنین در رحم است؛ جایی که نه چشمی آن را می‌بیند و نه دستی بدان می‌رسد. آن گاه، خداوند آن را تدبیر می‌کند تا به صورت انسانی بیرون آید، کامل و برخوردار از همه آنچه برپایی و درستی وی، بدانها وابسته است؛ یعنی اندام‌های درونی و اندام‌های بیرونی و کارگر، تا همه آنچه در ترکیب اعضای وی، یعنی ترکیب استخوان، گوشت، پیه، مغز، پی، رگ و غضروف‌ها وجود دارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۲

۱۱۰۲. رسول الله صلی الله علیه و آله و سُوَيْلٌ عَنِ شَرَابِ الْمَوْلُودِ فِي بَطْنِ امِّهِ فَقَالَ: أَمَّا شَرَابُ الْمَوْلُودِ فِي بَطْنِ امِّهِ، فَإِنَّهُ يَكُونُ نُطْفَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَ مَشِيجًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، وَ عَبِيسًا أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ الْعِظْمَ حَتَّى كَأَنَّ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً، ثُمَّ

جَنِينًا. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَسْتَهْلُ فَيَنْفُخُ فِيهِ الرُّوحَ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ أَنْ يُخْرِجَهُ تَامًّا [أَخْرَجَهُ، وَ إِنْ أَرَادَ أَنْ يُؤَخِّرَهُ فِي الرَّحِمِ تَسْعَةَ أَشْهُرٍ فَأَمْرُهُ نَافِذٌ وَ قَوْلُهُ صَادِقٌ، تَجْتَلِبُ عَلَيْهِ عُروُقُ الرَّحِمِ وَ مِنْهَا يَكُونُ الْوَلَدُ]. [١٤٩٥]

١١٠٣. الإمام الصادق عليه السلام للمفضل بن عمر: نبتدئ يا مفضل بذكر خلق الإنسان فاعتبر به؛ فأول ذلك ما يدبر به الجنين في الرحم وهو محجوب في ظلمات ثلاث: ظلمة البطن، و ظلمة الرحم، و ظلمة المشيمة، حيث لا حيلة عنده في طلب غذاء، ولا دفع أذى، و لا استجلاب منفعة، ولا دفع مضره؛ فإنه يجري إليه من دم الحيض ما يغذوه كما يغذو الماء النبات، فلا يزال ذلك غذاءه، حتى إذا كمل خلقه و استحكم يده و قوى أديمه على مباشرة الهواء و بصيرته على ملاقات الضياء، حاج الطلق بأمه فأزعجه أشد إزعاج و أعنفه، حتى يولد.

و إذا وُلِدَ صُرِفَ ذَلِكَ الدَّمُ الَّذِي كَانَ يَغْذُوهُ مِنْ دَمِ امِّهِ إِلَى تَدْبِيرِهَا، فَانْقَلَبَ الطَّعْمُ وَ اللُّونُ إِلَى ضَرْبٍ آخَرَ مِنَ الْعِذَاءِ، وَ هُوَ أَشَدُّ مُوَافَقَةً لِلْمَوْلُودِ مِنَ الدَّمِ، فَيُوفِيهِ فِي وَقْتِ حَاجَتِهِ إِلَيْهِ، فَحِينَ يُولَدُ قَدْ تَلَمَّظَ وَ حَرَّكَ شَفْتَيْهِ طَلْبًا لِلرِّضَاعِ، فَهُوَ يَجِدُ تَدْبِيرَ امِّهِ كَالِإِدَاوَتَيْنِ الْمُعْلَقَتَيْنِ لِحَاجَتِهِ، فَلَا يَزَالُ يَغْتَدِي بِاللَّبَنِ مَا دَامَ رَطْبُ الْبَدَنِ رَقِيقَ الْأَمْعَاءِ لَيْنِ الْأَعْضَاءِ.

حتى إذا تحرك و احتاج إلى غذاء فيه صلابة ليشتد و يقوى بدنه، طلعت له الطواحي من الأسنان و الأضراس ليضع به الطعام، فيلين عليه و يسهل له إساغته، فلا يزال كذلك حتى يدرك، فإذا أدرك و كان ذكراً طلع الشعر في وجهه، فكان ذلك علامة الذكر و عز الرجل الذي يخرج به عن حد الصبا و شبه النساء، و إن كانت انثى يبقى وجهها نقياً من الشعر لتبقى لها البهجة و النضارة التي تحرك الرجال لما فيه دوام النسل و بقاؤه.

اعتبر يا مفضل، فيما يدبر به الإنسان في هذه الأحوال المختلفة، هل ترى يمكن أن يكون بالإهمال؟! فرأيت لو لم يجر إليه ذلك الدم و هو في الرحم، أ لم يكن سيدوى و يجف كما يجف النبات إذا فقد الماء؟ و لو لم يزعجه المخاض عند استحكامه، أ لم يكن سيقى في الرحم كالمؤود في الأرض؟ و لو لم يوافق اللبن مع ولادته، أ لم يكن سيموت جوعاً أو يغتدى بغذاء لا يلائمه ولا يصلح عليه بدنه؟ و لو لم تطلع عليه الأسنان في وقتها، أ لم يكن سيمتنع عليه مضغ الطعام و إساغته، أو يقيم على الرضاع فلا يشتد يده و لا يصلح لعمل، ثم كان تشتغل أمه بنفسه عن تربيته غيره من الأولاد؟

و لو لم يخرج الشعر في وجهه في وقته، أ لم يكن سيقى في هيئة الصبيان و النساء فلا ترى له جلاله ولا وقاراً؟ [١٤٩٦]

دانشنامه احاديث پزشکی، ج ١، ص: ٦٥٣

١١٠٢. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به پرسشی درباره نوشیدنی کودک در شکم مادر خویش: اما نوشیدنی کودک در شکم مادر؛ او چهل شب، نطفه است، چهل شب به صورت یک لخته، چهل شب به صورت یک آمیخته، چهل شب آمیخته ای رنگ به خود گرفته، سپس چهل شب یک پاره گوشت است، چهل شب، استخوانی رو به استحکام، و آن گاه، جنین. در این هنگام است که بانگی می کند و روح در او دمیده می شود. پس اگر خداوند جل اسمه بخواهد او را به صورت آفریده ای کامل بیرون آورد [بیرون آورد] [١٤٩٧] و اگر نیز بخواهد، او را تا نه ماه در رحم همچنان بدارد؛ چرا که فرمان او روا و سخن او راست است. [در همه این مهلت، رگ های رحم به کودک آب می رسانند و از همان جاست که کودک، پدید می آید.

١١٠٣. امام صادق علیه السلام خطاب به مفضل بن عمر: ای مفضل! با یاد کردن از خلقت انسان، آغاز می کنیم. از آن، پند گیر. آغاز آن، تدبیر جنین در رحم است، در حالی که در سه پرده از ظلمت قرار دارد: ظلمت شکم، ظلمت زهدان و ظلمت یوگان. آنجا که جنین، نه چاره ای برای جستن خوراک دارد، نه راهی برای دور کردن آزار، نه فراهم ساختن منفعت، و نه از خود راندن زیان. در این هنگام، آنچه او را تغذیه کند، از خون حیض به سویس جریان می یابد، چنان که آب، گیاه را تغذیه کند. همین، پیوسته

غذای اوست تا آن گاه که خون خلقت وی، کامل شود، بدنش استحکام یابد، پوستش یارای تماس با هوا، و چشمش توان رویارویی با نور بیابد. درد زایش مادر، او را برانگیزد و به سختی بیازارد و بفشرد تا کودک، زاده شود.

پس از زاده شدن کودک، آن خونی که او را از خون مادرش تغذیه می‌رساند، به پستان‌های مادر می‌رود و مزه و رنگ آن به نوعی دیگر از خوراکی

که بیش از خون با کودک سازگاری دارد، بدل می‌شود تا به گاه نیاز، او را همراهی کند. چنین است که چون کودک زاده شود و لب‌های خود را در جستجوی شیر بگشاید و از این سو بدان سو بچرخاند، پستان‌های مادر را به سان دو مَشکِ کوچک که برای برآوردن نیاز او آویخته شده‌اند، می‌یابد و از آن پس، تا هنگامی که بدنش مرطوب، اندام‌های درونی‌اش نازک و اعضای بدنش نرم است، از این شیر تغذیه می‌کند.

اما آن زمان که این کودک به تحرک آید و به غذایی درشت‌تر نیازمند افتد تا بدان استحکام یابد و تنش نیرومند گردد، دندان‌های آسیا و دندان‌های کناری سر برآورند تا به کمک آنها، غذا را بجود و بدین سان، غذا برای او نرم و آسان و گوارا گردد.

انسان، پیوسته در این وضعیت است تا هنگامی که به بلوغ برسد. پس چون به بلوغ رسید، اگر نرینه باشد، موی در چهره او رخ نماید و این، نشان مردی وی باشد و کم‌اند مردانی که از مرز خردسالی فراتر برده شده باشند و همانند زنان باشند و اگر هم مادینه باشد، چهره‌اش پیراسته از مو بماند تا همچنان از خوش‌نمایی و شادابی، که مردان را به آنچه استمرار و ماندگاری نسل در آن است، برانگیزد.

ای مفضل! در آنچه انسان در این وضعیت‌های متفاوت، بدان تدبیر می‌شود، بنگر. آیا به گمان تو این همه به اهمال و ولنگاری صورت پذیرفته است؟

به گمان تو، اگر در هنگامی که در رحم بود، آن خون به سوی وی جریان نمی‌یافت، آیا نمی‌چروکید و آن‌سان که گیاهی به گاه بی‌آبی می‌خشکد، نمی‌خشکید؟

یا آن هنگامی که استحکام یافته بود، اگر درد زایش او را نمی‌فُشرد و نمی‌آزرد، آیا همچنان به سانِ دفن شده‌ای در خاک، در رحم نمی‌ماند؟

یا اگر پیدایش شیر با ولادت او همخوان نبود، آیا او از گرسنگی نمی‌مُرد یا ناگزیر نبود از غذایی تغذیه کند که با وی، سازگاری ندارد و بدنش با آن استواری نمی‌یابد؟

اگر هم در وقت مناسب خود، دندان‌ها بر او نمی‌روید، آیا جویدن و گوارش غذا برای وی ناشدنی نبود؟ یا ناگزیر نمی‌بایست او را بر همان شیرخوارگی نگه می‌داشت تا در نتیجه، بدنش استحکام نیابد و به هیچ کاری نیاید و افزون بر آن، مادرش را به خود مشغول بدارد تا از تربیت دیگر فرزندان بازماند؟

[سرانجام،] اگر در هنگام خود، مو بر چهره او نمی‌روید، آیا همچنان بر ریختن کودکان نمی‌ماند تا هیچ سُکوه و جلالی در وی نبینی؟

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۶

راجع: ج ۱، ص ۶۷۰ (مدّه الحمل).

۲/۱۴

غِذَاءُ الْجَنِّينِ

۱۱۰۴. رسول الله صلی الله علیه و آله: خَلَقَكُمْ مِنْ سَبْعٍ، يَعْنِي مِنَ: الْعَظْمِ وَالْعَصَبِ وَالْعُرُوقِ وَاللَّحْمِ وَالْجِلْدِ وَالشَّعْرِ وَالزَّوْجِ. وَرَزَقَكُمْ مِنْ سَبْعٍ، يَعْنِي: مِنْ دَمِ الْخَيْضِ أَوَّلًا فِي بَطْنِ الْأُمِّ، ثُمَّ اللَّبَنِ، ثُمَّ الْمَاءِ، ثُمَّ النَّبَاتِ مِنَ الْأَرْضِ، ثُمَّ الثَّمَارِ مِنَ الشَّجَرِ، ثُمَّ اللَّحْمِ

مِنَ الْأَغْنَامِ، ثُمَّ الْعَسَلِ مِنَ النَّحْلِ؛ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ عَلَى سَبْعَةِ أَعْضَاءٍ [۱۴۹۸]

۱۱۰۵. الإمام علي عليه السلام وقد سأله سليمان عن رزق الولد في بطن أمه فقال: إن الله تبارك وتعالى حبس عليه الحيضة فجعلها رزقه في بطن أمه. [۱۴۹۹]

۱۱۰۶. المناقب عن محمد الصيرفي و عبد الرحمن بن سالم: دخل ابن شبرمة و أبو حنيفة على الصديق عليه السلام، فقال لأبي حنيفة: ... لم لا تحيض المرأة إذا حبلت؟ قال: لا أدري.

قال: حبس الله الدم فجعله غذاء للولد. [۱۵۰۰]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۷

ر. ک: ج ۱، ص ۶۷۱ (مدت بارداری).

۱۴/۲ غذای جنین

۱۱۰۴. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: او شما را از هفت چیز آفرید: یعنی از استخوان، پی، رگها، گوشت، پوست، مو، و روح؛ و شما را از هفت چیز، روزی داد: یعنی نخست در شکم مادران، از خون حیض، سپس شیر، سپس آب، سپس رویدنی‌هایی که از زمین برویند، سپس میوه‌های درختان، پس از آن گوشت گوسفندان، و سپس عسل زنبوران عسل. پس بر هفت عضو در پیشگاه خداوند، سجده کنید.

۱۱۰۵. امام علی علیه السلام در پاسخ به پرسش سلمان درباره روزی کودک در شکم مادر: خداوند تبارک و تعالی خون حیض را برای وی در بدن زن، باز بداشت و روزی او را در شکم مادر از آن قرار داد.

۱۱۰۶. مناقب آل ابی طالب به نقل از محمد صیرفی و عبد الرحمن بن سالم: ابن شبرمه و ابو حنيفة به حضور امام صادق علیه السلام رسیدند. امام علیه السلام از ابو حنيفة پرسید: «چرا زن پس از باردار شدن، حیض نمی‌شود؟». گفت: نمی‌دانم.

فرمود: «خداوند، خون را [در بدن باز داشته و آن را غذای کودک قرار داده است].»

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۸

۳/۱۴

مَا يَنْفَعُ الْجَنِينَ مِنَ الْأَغْذِيَةِ

۱۱۰۷. رسول الله صلی الله علیه و آله: أطعموا حبالكم اللبن فإن الصبي إذا غذى في بطن أمه باللبن اشتد قلبه، و زيد في عقله، فإن يك ذكراً كان شجاعاً، و إن وُلدت اثنى عظمته عجيزتها فتحظى بذلك عند زوجها. [۱۵۰۱]

راجع: ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۹۶۴ (ما يشد العظم). ج ۲، ص ۲۵۲ (خواص الرطب و التمر للحامل و النفساء). ج ۲، ص ۳۵۰ (فوائد أكل السفرجل للحامل). ج ۲، ص ۴۵۴ (فوائد اللبن للحامل).

۴/۱۴

نوع الجنين

الكتاب:

«لله ملك السماوات و الأرض يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء إناثاً و يهب لمن يشاء الذكور* أو يزوجهم ذكراً و إناثاً و يجعل من يشاء عقيماً إنه عليم قدير». [۱۵۰۲]

الحديث:

۱۱۰۸. رسول الله صلى الله عليه وآله: ماء الرجل أبيضٌ و ماء المرأة أصفرٌ، فإذا اجتمعَا فعلا مني الرجل مني المرأة أذكر يا ذن الله، و إذا علا مني المرأة مني الرجل آتتا يا ذن الله. [۱۵۰۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۵۹

۱۴/۳ غذاهایی که برای جنین، سودمند است

۱۱۰۷. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: به زنان باردار خود، کُنْدُر بخورانید؛ زیرا اگر کودک در شکم مادر با کُنْدُر تغذیه شود، قلبش استحکام و عقلش فزونی می‌یابد. پس اگر مردینه باشد، دلیر باشد و اگر ماده زاده شود، سترگ سرین گردد و بدین سبب، نزد همسر خویش، برخوردار باشد.

ر. ک: ج ۱، ص ۵۶۵ (آنچه استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد/ ح ۹۶۴). ج ۲، ص ۲۵۱ (خواص خرما برای زن باردار و تازه زا). ج ۲، ص ۳۵۱ (خواص به برای زنان باردار). ج ۲، ص ۴۵۵ (فایده‌های کُنْدُر برای زنان باردار).

۱۴/۴ نوع جنین

قرآن

«فرمانروایی آسمان‌ها و زمین، از آن خداست. هر چه بخواهد، می‌آفریند و به هر که بخواهد، دخترانی می‌بخشد و به هر که بخواهد، پسرانی عطا می‌کند، یا پسر و دختر، هر دو را جفت یکدیگر قرار می‌دهد و هر کس را هم که بخواهد، عقیم می‌سازد. او دانایی تواناست»

حدیث

۱۱۰۸. پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: آب مرد، سفید و آب زن، زرد است. چون در بر هم آیند و منی مرد بر منی زن، چیرگی یابد. به اذن خداوند، نرینه آورند و چون منی زن بر منی مرد برتری یابد، به اذن خداوند، مادینه آورند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۰

۱۱۰۹. الإمام الصادق علیه السلام: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ، وَيُحَسِّنُ الْوَلَدَ، وَهُوَ حَارٌّ لَيْنٌ، يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ. [۱۵۰۴]

۵/۱۴

سِرُّ الْمَشَابِهَةِ

۱۱۱۰. مسند أحمد عن أم سلمة: إِنَّ أُمَّ سَلِيمٍ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، الْمَرْأَةُ تَرَى زَوْجَهَا فِي الْمَنَامِ يَقَعُ عَلَيْهَا، أَعَلَيْهَا غُسْلٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، إِذَا رَأَتْ بَلَلًا.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: أَوْ تَفْعَلُ ذَلِكَ؟ [۱۵۰۵]!

فَقَالَ: تَرَبَّتْ يَمِينُكَ! أَنِّي يَأْتِي شَبَهُ الْخُوُولَةِ إِلَّا مِنْ ذَلِكَ، أَيُّ النَّطْفَتَيْنِ سَبَقَتْ إِلَى الرَّحِمِ غَلَبَتْ عَلَى الشَّبهِ. [۱۵۰۶]

۱۱۱۱. رسول الله صلى الله عليه وآله: نُطْفَةُ الرَّجُلِ بِيضَاءٌ غَلِيظَةٌ، وَ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ صَفْرَاءٌ رَقِيقَةٌ؛ فَأَيُّهُمَا غَلَبَتْ صَاحِبَتُهُمَا [۱۵۰۷] فَالْشَّبَهُ لَهُ، وَ إِنِ اجْتَمَعَا جَمِيعًا كَانَ مِنْهَا وَ مِنْهُ. [۱۵۰۸]

۱۱۱۲. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ مَاءَ الرَّجُلِ غَلِيظٌ أبيضٌ، وَ مَاءَ الْمَرْأَةِ رَقِيقٌ أصفرٌ؛ فَمِنْ أَيُّهُمَا عَلَا أَوْ

سَبَقَ يَكُونُ مِنْهُ الشَّبَهُ. [۱۵۰۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۱

۱۱۰۹. امام صادق علیه السلام: بر تو باد کاسنی؛ چرا که آب (منی) را می‌افزاید، فرزند را نکو می‌سازد، و گرم و نرم است و بیشتر، فرزند، پسر می‌شود. [۱۵۱۰]

۱۴/۵ راز همانندی

۱۱۱۰. مسند ابن حنبل به نقل از ام سلمه: ام سلیم گفت: ای پیامبر خدا! گاه زن در خواب می‌بیند که مرد با او آمیزش کرده است. آیا بر او غسل واجب می‌شود؟

فرمود: «آری، چنانچه رطوبتی هم ببیند».

ام سلمه گفت: آیا زن، چنین هم می‌کند؟

فرمود: «دستت درد نکنند! پس همانندی با دایمی‌ها، جز از این، از کجا حاصل می‌آید؟ هر یک از نطفه‌ها که بر دیگری به سوی زهدان پیشی جوید، بر همانند نیز چیرگی می‌یابد».

۱۱۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نطفه مرد، سفید رنگ و غلیظ است و نطفه زن، زرد است و رقیق. هر کدام از آنها که بر دیگری چیرگی یابد، همانندی را از آن خود می‌کند؛ و اگر هم هر دو در بر هم آیند، شباهت از هر دوی آنها باشد.

۱۱۱۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب مرد، غلیظ و سفید است و آب زن، رقیق و زرد است. برتری یا پیشی جویی از هر کدام از آنها باشد، شباهت نیز از همان می‌خیزد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۲

۱۱۱۳. عنه صلی الله علیه و آله: تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَ أَخَوَاتِهِنَّ. [۱۵۱۱]

۱۱۱۴. قصص الأنبياء عن شهر بن حوشب: لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ الْمَدِينَةَ، أَتَاهُ رَهْطٌ مِنَ الْيَهُودِ، فَقَالُوا: إِنَّا سَائِلُوكَ

عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ، فَإِنْ أَخْبَرْتَنَا عَنْهَا صَدَقْنَاكَ وَ آمَنَّا بِكَ... قَالُوا: عَنِ الشَّبهِ كَيْفَ يَكُونُ مِنَ الْمَرْأَةِ وَ إِنَّمَا النُّطْفَةُ لِلرَّجُلِ؟

فَقَالَ: أُنشِدُكُمْ بِاللَّهِ، أَمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ نُطْفَةَ الرَّجُلِ بِيَضَاءٍ غَلِيظَةٍ وَ أَنَّ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ حَمْرَاءُ رَقِيقَةٌ؟ فَأَيُّتُهُمَا غَلَبَتْ صَاحِبَتَهَا كَانَتْ لَهَا الشَّبَهُ.

قَالُوا: اللَّهُمَّ، نَعَمْ. [۱۵۱۲]

۱۱۱۵. الإمام الباقر عليه السلام: أتى رجلٌ من الأنصارِ رسولَ الله صلی الله علیه و آله، فقال: هذه ابنة عمي و امرأتي لا أعلم إلا خيراً، و

قد أتتني بولدٍ شديد السوادٍ منتشرٍ المنخرين جعدٍ قططٍ، أظس الأنف، لا أعرفُ شبهةً في أحوالي ولا في أجدادي.

فقال لامرأته: ما تقولين؟

قالت: لا و الذي بعثك بالحق نبياً، ما أعددت مفعده مني منذ ملكني أحداً غيره.

قال: فنكس رسول الله صلی الله علیه و آله برأسه ملئاً، ثم رقع بصره إلى السماء، ثم

أقبل على الرجل فقال:

يا هذا، إنه ليس من أحدٍ إلا بينه و بين آدم تسعة و تسعون عرقاً كلها تضرب في النسب، فإذا وقعت النطفة في الرحم اضطربت تلك

العروق تسأل الله الشبهة لها، فهذا من تلك العروق التي لم يدرِ كها أجدادك ولا أجداد أجدادك، خذ إليك ابنتك.

فقالت المرأة: فوجت عني يا رسول الله! [۱۵۱۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۳

۱۱۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای نطفه‌های خود، نیکوترین [زن‌ها] را برگزینید؛ چرا که زنان، همانندهای برادران و

خواهران خویش را می‌زایند. [۱۵۱۴]

۱۱۱۴. قصص الأنبياء به نقل از شهر بن حوشب: هنگامی که پیامبر خدا به مدینه درآمد، شماری از یهودیان نزد او آمدند و گفتند: ما درباره چهار چیز از تو می‌پرسیم. اگر درباره آنها به ما آگاهی دادی، تو را باور داریم و به تو ایمان آوریم... گفتند: درباره همانندی، که چگونه کودک با مادر شباهت می‌یابد، در حالی که نطفه از مرد است؟ فرمود: «شما را به خداوند سوگند می‌دهم، آیا [نه این است که خود می‌دانید نطفه مرد، سفید و غلیظ، و نطفه زن، سرخ و رقیق است. هر یکی از آنها که بر دیگری چیرگی یابد، شباهت را از آن خود می‌سازد؟]». گفتند: البته که چرا.

۱۱۱۵. امام باقر علیه السلام: مردی از انصار، نزد پیامبر خدا آمد و گفت: این، دختر عمو و زن من است و از او جز نیکی سراغ ندارم. اما او برایم فرزندی آورده است بسیار سیاه، با سوراخ‌های بینی گشاد، موهای مجعد پُرگِره و بینی پهن و به صورت چسبیده، به گونه‌ای که همانند آن، نه در دایه‌های خود سراغ دارم، نه در نیاکان خویش. پیامبر صلی الله علیه و آله از همسر وی پرسید: «تو چه می‌گویی؟». گفت: سوگند به آن که تو را به حق، به پیامبری برگزیده است، از آن روز که مرا در اختیار گرفته، هیچ کس را در نظر خود، بر جایگاه او قرار نداده‌ام (اشاره به این که به او خیانت نکرده است). پیامبر خدا، مدتی سر فرو افکند و سپس، لختی نگاه خویش را به

سوی آسمان برداشت و آن‌گاه، بدان مرد رو کرد و فرمود: «ای مرد! هیچ کس نیست که میان او و آدم، نود و نه رگ که همه به نسب او بازمی‌گردند نباشد. آن‌گاه که نطفه در رحم جای می‌گیرد، هر یک از آن رگ‌ها به جنب و جوش در می‌آید و از خداوند می‌خواهد که شباهت را به آن دهد. این کودک، از آن رگ‌هایی برخاسته است که اجداد تو و اجداد اجدادت، آنها را درک نکرده‌اند. فرزند خویش را برای خود بردار».

پس آن زن گفت: ای پیامبر خدا! گره از کار من گشودی.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۴

۱۱۱۶. الإمام العسکری عن آبائه عليهم السلام: لَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَدِينَةَ أَتَوْهُ بِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ صُورِيَا، فَقَالَ: ...أَخْبِرْنِي يَا مُحَمَّدُ، الْوَلَدُ يَكُونُ مِنَ الرَّجُلِ أَوْ مِنَ الْمَرْأَةِ؟

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَّا الْعِظَامُ وَالْعَصَبُ وَالْعُرُوقُ فَمِنَ الرَّجُلِ، وَأَمَّا اللَّحْمُ وَالِدَّمُ وَالشَّعْرُ فَمِنَ الْمَرْأَةِ. قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، فَمَا بَالُ الْوَلَدِ يُشَبِّهُ أَعْمَامَهُ لَيْسَ فِيهِ مِنْ شَبِّهِ أَسْوَالِهِ شَيْءٌ، وَيُشَبِّهُ أَسْوَالَهُ لَيْسَ فِيهِ مِنْ شَبِّهِ أَعْمَامِهِ شَيْءٌ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أُيُّهُمَا عَلَا مَأْوُهُ مَاءَ صَاحِبِهِ كَانَ الشَّبُّ لَهُ.

قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، فَأَخْبِرْنِي عَمَّنْ لَا يُولَدُ لَهُ وَ مِنْ يُولَدُ لَهُ؟

فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا مُعَزَّتِ النَّطْفَةُ لَمْ يُولَدْ لَهُ أَيُّ إِذَا أَحْمَرَّتْ وَ كَدَّرَتْ فَإِذَا

كَانَتْ صَافِيَةً وُلِدَ لَهُ. [۱۵۱۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۵

۱۱۱۶. امام عسکری علیه السلام به نقل از پدرانش عليهم السلام: چون پیامبر خدا به مدینه درآمد، عبد الله بن صوریا را نزد او آوردند. گفت: ای محمد! مرا بیاگاهان که فرزند، از مرد خیزد یا از زن.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اما استخوان‌ها، پی و رگ‌ها از مرد است و گوشت، خون و مو از زن».

گفت: راست گفتمی، ای محمد! سپس افزود: چرا گاه فرزند با عموهایش همانند می شود و هیچ شباهتی به دایی ها در او نیست؟ یا گاه با دایی ها همانند می شود و هیچ شباهتی به عموها در او نیست؟ پیامبر خدا فرمود: «هر یک از دو طرف (پدر و مادر) که آتش بر آب دیگر چیرگی یابد، همانندی از آن وی است. گفت: راست گفتمی، ای محمد؛ اما در این باره مرا بیاگاهان که چه کسی فرزنددار می شود و چه کسی فرزنددار نمی شود. فرمود: «اگر نطفه، تیره رنگ و سرخ رنگ شود، از شخص فرزندی نزیاد و اگر ناب باشد، شخص، فرزنددار می شود».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۶

۱۱۱۷. الإمام علی علیه السلام و سُئِلَ عَنْ شَبِّهِ الْوَلَدِ أَعْمَامُهُ وَ أَخْوَالَهُ، فَقَالَ: أَمَا شَبَّهُ الْوَلَدِ أَعْمَامُهُ وَ أَخْوَالَهُ، فَإِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الرَّجُلِ نُطْفَةَ الْمَرْأَةِ إِلَى الرَّحِمِ، خَرَجَ شَبَّهُ الْوَلَدِ إِلَى أَعْمَامِهِ، وَ مِنْ نُطْفَةِ الرَّجُلِ يَكُونُ الْعِظْمُ وَ الْعَصَبُ، وَ إِذَا سَبَقَ نُطْفَةُ الْمَرْأَةِ نُطْفَةَ الرَّجُلِ إِلَى الرَّحِمِ خَرَجَ شَبَّهُ الْوَلَدِ إِلَى أَخْوَالِهِ، وَ مِنْ نُطْفَتِهَا يَكُونُ الشَّعْرُ وَ الْجِلْدُ وَ اللَّحْمُ؛ لِأَنَّهَا صَفْرَاءُ رَقِيقَةٌ. [۱۵۱۶]

۱۱۱۸. مسند ابن حنبل عن ابن عباس: أَقْبَلْتُ يَهُودٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، فَقَالُوا...: أَخْبِرْنَا كَيْفَ تُؤْنِثُ الْمَرْأَةُ وَ كَيْفَ تُذَكَّرُ؟

قَالَ: يَلْتَقِي الْمَاءُ، فَإِذَا عَلَا مَاءُ الرَّجُلِ مَاءَ الْمَرْأَةِ أَذْكَرَتْ، وَ إِذَا عَلَا مَاءُ الْمَرْأَةِ مَاءَ الرَّجُلِ آثَتْ. [۱۵۱۷]

۱۱۱۹. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ رَجُلًا أَتَى بِامْرَأَتِهِ إِلَى عُمَرَ (بن الخطاب)، فَقَالَ: إِنَّ امْرَأَتِي هَذِهِ سَوْدَاءُ وَ أَنَا أَسْوَدُ، وَ إِنَّهَا وَكَلَتْ غُلَامًا أَبْيَضًا!

فَقَالَ لِمَنْ بِحَضْرَتِهِ: مَا تَرَوْنَ؟

فَقَالُوا: نَرَى أَنَّ تَرْجُمَهَا؛ فَإِنَّهَا سَوْدَاءُ وَ زَوْجُهَا أَسْوَدُ وَ وَلَدُهَا أَبْيَضُ!

قَالَ: فَجَاءَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ وُجِّهَ بِهَا لِتَرْجَمَ. فَقَالَ: مَا حَالُكُمَا؟ فَحَدَّثَاهُ.

فَقَالَ لِلْأَسْوَدِ: أَ تَتَّهَمُ امْرَأَتَكَ؟

فَقَالَ: لَا.

قَالَ: فَأَتَيْتَهَا وَ هِيَ طَامِثٌ؟

قَالَ: قَدْ قَالَتْ لِي فِي لَيْلَةٍ مِنَ اللَّيَالِي: إِنِّي طَامِثٌ، فَظَنَنْتُ أَنَّهَا تَتَّقِي الْبَرْدَ فَوَقَعْتُ عَلَيْهَا.

فَقَالَ لِلْمَرْأَةِ: هَلْ أَتَاكَ وَ أَنْتِ طَامِثٌ؟

قَالَتْ: نَعَمْ، سَلَهُ قَدْ حَرَّجْتُ عَلَيْهِ وَ آيْتُ.

قَالَ: فَانْطَلِقَا فَإِنَّهُ ابْنُكُمَا، وَ إِنَّمَا غَلَبَ الدَّمُ النُّطْفَةَ فَأَبْيَضَ وَ لَوْ قَدْ تَحَرَّكَ اسْوَدَّ. فَلَمَّا أَبْفَعَ اسْوَدَّ. [۱۵۱۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۷

۱۱۱۷. امام علی علیه السلام هنگامی که از ایشان درباره همانندی فرزند با عموها و دایی هایش پرسیده شده بود: اما همانندی فرزند با عموها و دایی هایش؛ اگر نطفه مرد بر نطفه زن به سوی زهدان پیشی جوید، شباهت فرزند به عموهایش پدید آید و از نطفه مرد، استخوان و پی شکل می گیرد. اما اگر نطفه زن بر نطفه مرد، پیشی گیرد، شباهت فرزند به دایی ها پدید می آید و از نطفه زن، مو، پوست و گوشت، شکل می گیرد؛ چرا که این نطفه، زرد و رقیق است.

۱۱۱۸. مسند ابن حنبل به نقل از ابن عباس: یهودیان، رو به پیامبر خدا کردند و گفتند: ما را آگاه کن که چگونه فرزند، دختر و چگونه پسر می شود؟

فرمود: «دو آب با یکدیگر التقا می‌یابند. پس اگر آبِ مرد بر آبِ زن برتری یابد، نرینه زاید و اگر آبِ زن بر آبِ مرد برتری یابد، مادینه زاید.

۱۱۱۹. امام صادق علیه السلام: مردی، زن خویش را نزد عمر آورد و گفت: این زن من، سیاه است و من نیز سیاه هستم؛ اما اینک او کودکِ سفید، زاده است!

عمر، از کسانی که آنجا حضور داشتند، پرسید: چه نظری دارید؟

گفتند: رأی ما این است که زن را سنگسار کنی؛ چرا که او خود، سیاه است و همسرش نیز سیاه است، اما کودکش سفید! در حالی که آن زن را آماده کرده بودند که برای سنگسار ببرند، امیر مؤمنان بدانجا آمد و پرسید: «شما دو تن را چه شده است؟» آنها با او [از آنچه رُخ داده بود] سخن گفتند.

امام علیه السلام از مرد سیاه پرسید: «آیا زنِ خود را مَتَّهَم می‌کنی؟» گفت: نه.

پرسید: «آیا در حالی که او حیض بوده با او همبستری کرده‌ای؟»

گفت: شبی از شب‌ها او به من اظهار داشته بود که حیض است، امّا من گمان کرده بودم که از سرما بیم دارد و از همین رو، با او آمیزش کردم.

امام علیه السلام از زن پرسید: «آیا در حالی که حیض بوده‌ای، به سراغت آمده است؟»

گفت: آری، از خود او پرس که چگونه بر او سخت گرفتم و تن نمی‌دادم.

امام علیه السلام فرمود: «بروید، که او فرزند شماست و تنها مسئله، این است که خون بر نطفه چیرگی یافته و سفید شده است، در حالی که اگر امکان تحرّک یافته بود، سیاه می‌شد.»

آن کودک، بعدها که به نوجوانی رسید، سیاه شد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۸

۱۱۲۰. الإمام الرضا علیه السلام: إِنَّ الْمَلِكَ قَالَ لِدَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَشْتَهِي أَنْ يَكُونَ لِي ابْنٌ مِثْلَكَ.
فَقَالَ: مَا مَحَلِّي مِنْ قَلْبِكَ؟
قَالَ: أَجَلٌ مَحَلٌّ وَأَعْظَمُهُ.

قَالَ دَانِيَالٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَإِذَا جَامَعْتَ فَاجْعَلِ هِمَّتَكَ فِيَّ.

قَالَ: فَفَعَلَ الْمَلِكُ ذَلِكَ، فَوُلِدَ لَهُ ابْنٌ أَشْبَهُ خَلْقِ اللَّهِ بِدَانِيَالٍ. [۱۵۱۹]

راجع: ج ۱، ص ۶۱۸ (ما ينبغي قبل الجماع / الطمانينة).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۶۹

۱۱۲۰. امام رضا علیه السلام: پادشاه [وقت به دانیال علیه السلام گفت: دوست دارم فرزندی همانند تو داشته باشم. پرسید: «من در دل تو چه جایگاهی دارم؟»

گفت: برترین و والاترین جایگاه.

دانیال گفت: «پس آن گاه که آمیزش کردی، همه اندیشه خویش را متوجه من بدار.»

پادشاه، این کار را کرد و در پی آن دارای فرزندی شد که همانندترین کسان به دانیال بود.

ر. ک: ج ۱، ص ۶۱۹ (آنچه پیش از آمیزش بایسته است / آرامش).

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۰

۱۱۲۱. الکافی عن عبد الرحمن بن سیابته عمن حدّثه عن الإمام الباقر علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ غَايَةِ الحَمَلِ بِالوَلَدِ فِي بَطْنِ امِّهِ كَمْ هُوَ؛ فَإِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ: رُبَّمَا بَقِيَ فِي بَطْنِهَا سِنِينَ؟

فَقَالَ: كَذَبُوا! أَقْصَى حُدِّ الحَمَلِ تِسْعَةُ أَشْهُرٍ لَا يَزِيدُ لِحِظَّةً، وَ لَوْ زَادَ سَاعَةً لَقَتَلَ امَّهُ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ. [۱۵۲۱]

۱۱۲۲. المناقب: كَانَ الهَيْثَمُ فِي جَيْشٍ فَلَمَّا [جاء] [۱۵۲۲] جَاءَتْ امْرَأَتُهُ بَعْدَ قُدُومِهِ بِسِتِّهِ أَشْهُرٍ بَوْلِدٍ فَأَنْكَرَ ذَلِكَ مِنْهَا، وَ جَاءَ بِهِ عُمَرُ وَ قَصَّ عَلَيْهِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا، فَأَدْرَكَهَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُرْجَمَ.

ثُمَّ قَالَ لِعُمَرَ: أَرْبَعٌ عَلَى نَفْسِكَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» [۱۵۲۳] وَ قَالَ: «وَ الوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» [۱۵۲۴] فَالْحَمْلُ وَ الرِّضَاعُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا.

فَقَالَ عُمَرُ: لَوْ لَا عَلِيُّ لَهْلَكَ عُمَرُ! وَ خَلَّى سَبِيلَهَا، وَ أَحَقَّ الوَلَدَ بِالرَّجْلِ.

شرح ذلك: أَقَلُّ الحَمَلِ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَ هُوَ زَمَنُ انْعِقَادِ النُّطْفَةِ، وَ أَقَلُّهُ

لخروج الولد حيّاً ستّة أشهر؛ وَ ذَلِكَ أَنَّ النُّطْفَةَ تَبْقَى فِي الرِّحْمِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ عَلَقَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَتَّصِرُ فِي أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَ تَلْجُهَا الرُّوحُ فِي عَشْرِينَ يَوْمًا، فَذَلِكَ سِتَّةُ أَشْهُرٍ، فَيَكُونُ الفِصَالُ فِي أَرْبَعَةٍ وَ عَشْرِينَ شَهْرًا، فَيَكُونُ الحَمْلُ

فِي سِتَّةِ أَشْهُرٍ. [۱۵۲۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۱

۶/۱۴ مدت بارداری

قرآن

«دوران بارداری و از شیر گرفتن او (نوزاد)، سی ماه است»

حدیث

۱۱۲۱. الکافی به نقل از عبد الرحمن بن سیابته، از یکی از کسانی که برای وی حدیث کرده: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که بیشترین زمان ممکن برای ماندن فرزند در شکم مادر، چه اندازه است؛ چرا که مردم می گویند: شاید فرزند، دو سال هم در شکم مادر بماند؟

فرمود: «دروغ گفته‌اند. بیشترین زمان ممکن برای بارداری، نه ماه است و حتی لحظه‌ای از آن بیشتر نمی‌شود و اگر دمی بر آن بیفزاید، پیش از آن که برون آید، مادر خویش را می‌کشد».

۱۱۲۲. مناقب آل ابی طالب: هیثم در سپاهی [بیرون از وطن بود. چون [بازگشت، شش ماه پس از بازگشت وی، همسرش فرزندی آورد. او این فرزند را از زن نپذیرفت. او را نزد عمر آورد و مسئله را برای وی بازگو کرد. وی نیز فرمان سنگسار زن را داد. اما پیش از آن که زن سنگسار شود، علی علیه السلام خود را بدان زن رساند. سپس به عمر گفت: لختی درنگ کن! آن زن راست گفته

است. خداوند متعال می گوید: «دوران بارداری و از شیر گرفتن او (نوزاد) سی ماه است» و می فرماید: «مادران، کودکان خود را دو سال تمام، شیر دهند». پس، بارداری و شیردهی، سی ماه است».

عمر در این هنگام گفت: اگر علی نبود، عمر تباه شده بود؛ و آن زن را آزاد کرد و فرزند را هم به پدر، ملحق ساخت. دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۲

۷/۱۴

إجهاض الجنین

۱۱۲۳. من لا يحضره الفقيه عن إسحاق بن عمار: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتَقْتُلِي مَا فِي بَطْنِهَا. فَقَالَ: لَا.

فَقُلْتُ: إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ!

قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ. [۱۵۲۶]

۱۱۲۴. الكافي عن محمد بن مسلم: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتَطْرَحُ النُّطْفَةَ؟

فَقَالَ: عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَارًا.

فَقُلْتُ: يَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْعَلَقَةَ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا.

قُلْتُ: فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْمُضْغَةَ.

قَالَ: عَلَيْهِ سِتُونَ دِينَارًا.

قُلْتُ: فَيَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُهَا وَ قَدْ صَارَ لَهُ عَظْمٌ.

فَقَالَ: عَلَيْهِ الدِّيَّةُ كَامِلَةً، وَ بِهَذَا قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خَلْقَةِ النُّطْفَةِ الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

فَقَالَ: النُّطْفَةُ تَكُونُ بَيَضاءَ مِثْلَ النُّخَامَةِ الْعَلِيظَةِ، فَتَمْكُثُ فِي الرَّحِمِ إِذَا صَارَتْ فِيهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى عَلَقَةٍ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خَلْقَةِ الْعَلَقَةِ الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

فَقَالَ: هِيَ عَلَقَةٌ كَعَلَقَةِ الدَّمِ الْمِحْجَمَةِ [۱۵۲۷] الْجَامِدَةِ؛ تَمْكُثُ فِي الرَّحِمِ بَعْدَ تَحْوِيلِهَا عَنِ النُّطْفَةِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا، ثُمَّ تَصِيرُ مُضْغَةً.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ الْمُضْغَةِ وَ خَلْقَتِهَا الَّتِي تُعْرَفُ بِهَا؟

قَالَ: هِيَ مُضْغَةٌ لَحْمٌ حَمْرَاءُ فِيهَا عُرُوقٌ خُضْرٌ مُشْتَبِكَةٌ، ثُمَّ تَصِيرُ إِلَى عَظْمٍ.

قُلْتُ: فَمَا صِفَةُ خَلْقَتِهِ إِذَا كَانَ عَظْمًا؟

فَقَالَ: إِذَا كَانَ عَظْمًا شَقَّ لَهُ السَّمْعُ وَ الْبَصَرُ وَ رُتَبَتْ جَوَارِحُهُ، فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ فِيهِ الدِّيَّةَ كَامِلَةً. [۱۵۲۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۳

توضیح:

کمترین زمان بارداری، چهل روز است، و این، زمان انعقاد نطفه است و کمترین زمان لازم برای زنده زاده شدن کودک نیز شش ماه است؛ چه این که نطفه، چهل روز در زهدان می ماند، سپس چهل روز به لخته ای تبدیل می شود، سپس چهل روز پاره گوشتی می شود، آن گاه در چهل روز، صورتی به خویش می گیرد و در بیست روز هم روح در آن دمیده می شود. این، شش ماه است و

بدین سان، جدا شدن فرزند [از شیر مادر] در ۲۴ ماه صورت می‌پذیرد و دوران بارداری به او نیز شش ماه می‌شود.

۱۴ / ۷ سقط کردن جنین

۱۱۲۳. کتاب من لا یحضره الفقیه به نقل از اسحاق بن عمار: به امام کاظم علیه السلام گفتم: گاه زن از بارداری می‌ترسد و از همین رو، دارویی می‌خورد و آنچه را در شکم دارد، می‌افکند.

فرمود: «این کار را نکند».

گفتم: آن، تنها یک نطفه است!

فرمود: «نخستین چیزی هم که آفریده می‌شود، همان نطفه است».

۱۱۲۴. الکافی به نقل از محمد بن مسلم: از امام باقر علیه السلام، در این باره پرسیدم که اگر مرد، زن را کتک بزند و در نتیجه، زن، نطفه را بیندازد؟

فرمود: «بر او بیست دینار [دیه است]».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و در نتیجه، وی علقه را بیندازد؟

فرمود: «بر او چهل دینار است».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و وی نیز در نتیجه، مضعه را بیندازد؟

فرمود: «بر او شصت دینار است».

گفتم: [اگر] او را کتک بزند و وی در نتیجه، جنین را که دارای استخوان شده است، بیندازد؟

فرمود: «بر او دیه کامل لازم است و امیر مؤمنان نیز به همین، حکم فرمود».

گفتم: ویژگی ساختار نطفه که بدان از دیگر چیزها باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «نطفه سفید است، به سان خلط غلیظ سینه. پس زمانی در رحم می‌ماند تا این زمان به چهل روز برسد. سپس به علقه تبدیل می‌شود».

گفتم: ویژگی ساختار علقه که بدان باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «لخته، خونی است همانند آن خون که در بادکش ابزار حجامت، لخته شود. پس از بدل شدن از حالت نطفه، چهل روز در همین حالت می‌ماند و سپس به مضعه تبدیل می‌گردد».

گفتم: ویژگی مضعه که بدان باز شناخته می‌شود، چیست؟

فرمود: «پاره گوشتی است سرخ‌رنگ، دارای رگ‌هایی سبز و درهم تنیده شده، و سپس به استخوان بدل می‌گردد».

گفتم: ویژگی ساختار او، هنگامی که به استخوان بدل شود، چیست؟

فرمود: «چون استخوان گردد، گوش و چشم برایش شکافته می‌شود و اندام‌هایش ترتیب می‌یابند اگر به چنین حالتی رسیده باشد، در آن یک دیه کامل است».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۴

۸ / ۱۴

غَسْلُ الْمَوْلُودِ

۱۱۲۵. الإمام الصادق علیه السلام: غَسْلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ. [۱۵۲۹]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۵

۱۱۲۵. امام صادق علیه السلام: شستن نوزاد، لازم است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۶

۹ / ۱۴

الأذان و الإقامة في أذن المولود

۱۱۲۶. الإمام الصادق عليه السلام فيما يفعل بالمولود إذا وُلِدَ: مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى؛ فَلَا يُصِيبُهُ لَمَمٌ وَلَا تَابِعَةٌ أَبَدًا. [۱۵۳۰]

۱۱۲۷. الكافي عن أبي يحيى الرازي عن الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا وُلِدَ لَكُمْ الْمَوْلُودُ، أَى شَيْءٍ تَصْنَعُونَ بِهِ؟

قُلْتُ: لَا أَدْرِي مَا نَصْنَعُ بِهِ.

قَالَ: خُذْ عَدَسَةً جَاوَشِيرَ فِدْفُهُ بِمَاءٍ، ثُمَّ قَطِّرْ فِي أَنْفِهِ فِي الْمِنْخَرِ الْأَيْمَنِ قَطْرَتَيْنِ، وَفِي الْأَيْسَرِ قَطْرَةً وَاحِدَةً، وَ أُذُنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَ أَقِمِ فِي الْيُسْرَى، تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تُقَطَّعَ سُرَّتُهُ؛ فَإِنَّهُ لَا يَفْرَعُ أَبَدًا وَلَا تُصِيبُهُ أُمُّ الصُّبَّانِ. [۱۵۳۱]

۱۰ / ۱۴

تَحْنِيكُ الْمَوْلُودِ

۱۱۲۸. الإمام علي عليه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِالْتَمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِالْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. [۱۵۳۲]

۱۱۲۹. الكافي عن الإمام الباقر عليه السلام: يُحَنَّكُ الْمَوْلُودُ بِمَاءِ الْفُرَاتِ، وَ يُقَامُ فِي أُذُنِهِ.

وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِمَاءِ الْفُرَاتِ وَ بَتْرَبِهِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيمَاءِ السَّمَاءِ. [۱۵۳۳]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۷

۱۴ / ۹ گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

۱۱۲۶. امام صادق علیه السلام درباره آنچه باید پس از زاده شدن کودک برایش انجام داد: به ماما یا یکی از دیگر کسانی که نزدیک کودک است، بگویند در گوش راست او «اقامه» بگویند تا در نتیجه، هیچ گاه به دیوانگی و جن زدگی گرفتار نیاید.

۱۱۲۷. الكافي به نقل از ابو يحيى رازی: امام صادق علیه السلام فرمود: «چون کودکتان زاده شود، با او چه می کنید؟» [۱۵۳۴]

دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۶۷۷

گفتم: نمی دانم چه کنیم.

فرمود: «به اندازه یک عدس، گاوشیر بردار و آن را در آب، حل کن. سپس، از آن، دو قطره در سوراخ راست بینی و یک قطره در سوراخ چپ بینی وی بچکان و در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگوی. این کار، پیش از آن که ناف نوزاد را بترند، برایش انجام شود؛ چرا که در این صورت، هرگز پریشانی نبیند و به ام صبیان مبتلا نشود. [۱۵۳۵]

۱۴ / ۱۰ گشودن کام نوزاد

۱۱۲۸. امام علی علیه السلام: کام کودکان خویش را به خرما بگشایید. پیامبر صلی الله علیه و آله، با حسن علیه السلام و حسین علیه السلام چنین کرد.

۱۱۲۹. الکافی به نقل از امام باقر علیه السلام: «با آب فرات، کام نوزاد گشوده گردد و در گوشش اقامه گفته شود». در روایت دیگری نیز چنین آمده است: «فرزندانتان را با آب فرات و با تربت حسین علیه السلام، کام بگشایید؛ و اگر در اختیار نباشد، با باران آسمان».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۸

۱۱ / ۱۴

حَلَقَ رَأْسَ الْمَوْلُودِ

۱۱۳۰. الإمام الصادق علیه السلام و سُئِلَ عَنْ عَلَّةِ حَلَقِ رَأْسِ الْمَوْلُودِ: تَطْهِيرُهُ مِنْ شَعْرِ الرَّجْمِ. [۱۵۳۶]

۱۲ / ۱۴

الْعُقُّ عَنِ الْمَوْلُودِ

۱۱۳۱. الإمام الصادق علیه السلام: الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ عُقَّ عَنْهُ، وَ حُلِقَ رَأْسُهُ وَ تُصَدِّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ وَرِقًا، وَ اهْدِي إِلَى الْقَابِلَةِ الرَّجُلُ وَ الْوَرَكُ، وَ يُدْعَى نَفْرًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَ يَدْعُونَ لِلْغُلَامِ، وَ يُسَمَّى يَوْمَ السَّابِعِ. [۱۵۳۷]

۱۳ / ۱۴

غِذَاءُ النَّفْسَاءِ

۱۱۳۲. رسول الله صلى الله عليه و آله: مَا لِلنَّفْسَاءِ عِنْدِي شِفَاءٌ مِثْلُ الرُّطْبِ، وَ مَا لِلْمَرِيضِ مِثْلُ الْعَسَلِ. [۱۵۳۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۷۹

۱۱ / ۱۴ تراشیدن سر نوزاد

۱۱۳۰. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسشی درباره دلیل تراشیدن سر نوزاد: برای پاک کردن او از موهایی که در زهدان بر وی روییده است.

۱۲ / ۱۴ عقیقه کردن برای نوزاد

۱۱۳۱. امام صادق علیه السلام: چون کودک زاده شود، برای وی عقیقه کنند، سر او را بتراشند و هم وزن موی او، نقره صدقه دهند و [از عقیقه هم پاچه و ران را به ماما بدهند و شماری از مسلمانان را دعوت کنند. پس، آنان بخورند و برای نوزاد، دعا کنند. روز هفتم نیز بر کودک، نام نهاده شود.

۱۳ / ۱۴ غذای تازه‌زا

۱۱۳۲. پیامبر خدا صلى الله عليه و آله: نزد من برای زن تازه‌زا، درمانی همانند خرما و برای بیمار، درمانی همانند عسل وجود ندارد.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۰

۱۱۳۳. الإمام عليّ علیه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لِيَكُنْ أَوَّلُ مَا تَأْكُلُ النَّفْسَاءُ الرُّطْبَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ لِمَرِيْمَ: «وَ

هُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطْبًا جَنِيًّا» [۱۵۳۹]

قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَوَّلُ الرُّطْبِ؟

قَالَ: سَبْعَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ الْمَدِينَةِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فَسَبْعَ تَمْرَاتٍ مِنْ تَمْرِ أَمْصَارِكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ:

وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي، لَا- تَأْكُلُ نَفْسَاءُ يَوْمَ تَلِدُ الرُّطْبَ فَيَكُونُ غُلَامًا إِلَّا كَانَ حَلِيمًا، وَ إِنْ كَانَتْ جَارِيَةً كَانَتْ

حَلِيمَةً. [۱۵۴۰]

راجع: ج ۲، ص ۲۵۲ (خواص الرطب و التمر للحامل و النفساء).

۱۴/۱۴

تَأْكِيدُ لَبَنِ الْاِمَامِ

۱۱۳۴. الإمام علي عليه السلام: ما من لبن يُرَضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أُعْظَمَ بَرَكَهُ عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ امِّهِ. [۱۵۴۱]

۱۵/۱۴

اِخْتِيَارُ الْمُرْضِعَةِ الصَّالِحَةِ

۱۱۳۵. الإمام علي عليه السلام: انظروا من تُرَضِعُ أولادكم؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشْبُ عَلَيْهِ. [۱۵۴۲]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۱

۱۱۳۳. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرموده است: «باید نخستین چیزی که زن تازه‌زا می‌خورد، خرما باشد؛ چرا که خداوند به مریم فرمود: «تنه درخت را به سوی خود، تکان ده. خرماي تازه‌ای بر تو فرو ریزد».

گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر وقت خرما نباشد، چه طور؟

فرمود: «هفت خرما از خرماي مدینه؛ و اگر این نباشد، هفت خرما از خرماي شهر خودتان؛ زیرا خداوند عز و جل می‌گوید: ص به عزت و جلال و عظمت و جایگاه والایی که دارم، سوگند، جز این نیست که اگر زن تازه‌زا در همان روز که فرزند آورده است، خرما بخورد و آن فرزند، پسر باشد، پسری بردبار می‌شود و اگر نیز دختر باشد، دختری بردبار می‌شود ص.» [۱۵۴۳]

ر. ک: ج ۲، ص ۲۵۳ (خواص خرما برای زن باردار و تازه‌زا).

۱۴/۱۴ تأکید بر شیر مادر

۱۱۳۴. امام علی علیه السلام: هیچ شیری برای تغذیه کودک، پُربرکت‌تر از شیر مادر نیست.

۱۵/۱۴ انتخاب شیرده مناسب

۱۱۳۵. امام علی علیه السلام: بنگرید که چه کسی فرزندانتان را شیر می‌دهد؛ چرا که کودک، به همین شیر، رشد می‌کند.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۲

۱۶/۱۴

مَنْ يَتَّبِعِي اسْتِرْضَاعُهُ

۱۱۳۶. الإمام الباقر عليه السلام: اسْتِرْضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ، وَ إِيَّاكَ وَ الْقَبَاحَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعْدَى. [۱۵۴۴]

۱۱۳۷. الإمام الباقر عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوَضَاءِ مِنَ الظُّوْرَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدَى. [۱۵۴۵]

۱۷/۱۴

مَنْ لَا يَتَّبِعِي اسْتِرْضَاعُهُ

۱۱۳۸. رسول الله صلى الله عليه و آله: لَا تَسْتِرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَ لَا الْعَمَشَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدَى. [۱۵۴۶]

۱۱۳۹. الإمام الباقر عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: لَا تَسْتِرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ، فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدَى، وَ إِنَّ الْغُلَامَ يَنْزِعُ إِلَى اللَّبَنِ

يَعْنِي إِلَى الظَّرْفِ فِي الرُّعُونَةِ وَ الْحَمَقِ. [۱۵۴۷]

۱۱۴۰. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَقُولُ: لَا تَسْتِرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَغْلِبُ الطَّبَاعَ.

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشْتَبُ عَلَيْهِ. [۱۵۴۸]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۳

۱۶/۱۴ کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است

۱۱۳۶. امام باقر علیه السلام: برای فرزند خود، از زنان زیبا، شیردهی بخواه و از زشتان بپرهیز؛ چرا که شیر، گاه سرایت می کند.

۱۱۳۷. امام باقر علیه السلام: بر شما باد دایه‌های زیبا و پاکیزه؛ چرا که شیر، سرایت می کند.

۱۷/۱۴ کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت

۱۱۳۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زن کودن و نیز زنی را که چشمش ضعیف است و آب ریزش دارد، به دایگی مگیرید؛ چرا که شیر، سرایت می کند.

۱۱۳۹. امام باقر علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که شیر، سرایت می کند و کودک به همان شیر، همانند می شود»؛ یعنی در بی خردی و کودنی به دایه شباهت می یابد.

۱۱۴۰. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان درود خداوند بر او باد می فرمود: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که شیر بر سرشت‌ها چیرگی می یابد».

پیامبر خدا نیز فرموده است: «زن کودن را به شیردهی مگیرید؛ چرا که کودک به همین شیر، رشد می کند».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۴

۱۱۴۱. الکافی عن عبيد الله الحلبي: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امْرَأَةٌ وُلِدَتْ مِنَ الزَّوْنِيِّ، أَتَخِذُهَا ظَهْرًا؟

قَالَ: لَا تَسْتَرْضِعُهَا وَلَا ابْنَتَهَا. [۱۵۴۹]

۱۱۴۲. رسول الله صلی الله علیه و آله: مِنْ سَيِّئَاتِي التَّرْوِيجُ، وَاطْلُبُوا الْوَلَدَ؛ فَإِنِّي أَكَاثِرُ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا. وَتَوَقَّوْا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبَنَ الْبَغِيِّ مِنَ النِّسَاءِ، وَ الْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُعْدِي. [۱۵۵۰]

۱۸/۱۴

أَدَبُ الْإِرْضَاعِ

۱۱۴۳. الکافی عن أم إسحاق بنت سليمان: نَظَرُ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا أَرْضِعُ أَحَدَ بَنِي مُحَمَّدًا أَوْ إِسْحَاقَ.

فَقَالَ: يَا أُمَّ إِسْحَاقَ، لَا تُرْضِعِيهِ مِنْ تَدِيٍّ وَاحِدٍ وَ أَرْضِعِيهِ مِنْ كِلَيْهِمَا يَكُونُ أَحَدُهُمَا طَعَامًا وَ الْآخَرُ شَرَابًا. [۱۵۵۱]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۵

۱۱۴۱. الکافی به نقل از عبيد الله حلبي: به امام صادق علیه السلام گفتم: «زنی از زنا، فرزند آورده است. آیا او را دایه بگیریم؟ فرمود: «نه او را دایه بگیر و نه دخترش را».

۱۱۴۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همسر دادن و همسر گرفتن، از سنت من است. فرزند بجوید؛ چرا که من، فردا به شما بر دیگر امت‌ها فراوانی می جویم. درباره فرزندان، از شیر زنان بدکاره و دیوانه، اجتناب کنید؛ چرا که شیر، سرایت می کند.

۱۸/۱۴ آداب شیردهی

۱۱۴۳. الکافی به نقل از أم إسحاق دختر سليمان: در حالی که یکی از دو فرزندم (محمد یا اسحاق) را شیر می دادم، امام صادق علیه السلام به من نگریست. سپس فرمود: «ای مادر اسحاق! او را از یک پستان شیر مده. از هر دو پستان شیر بده تا یکی خوراک و دیگر

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرُضُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» [۱۵۵۲]

الحديث:

۱۱۴۴. الإمام الصادق عليه السلام: الرِّضَاعُ وَاحِدٌ وَعَشْرُونَ شَهْرًا، فَمَا نَقَصَ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ. [۱۵۵۳]

۱۱۴۵. الإمام الصادق عليه السلام: الْحُبْلَى الْمُطَلَّعَةُ يُنْفَقُ عَلَيْهَا حَتَّى تَضَعَ حَمْلَهَا، وَهِيَ أَحَقُّ بِوَلَدِهَا إِنْ تُرَضِعَهُ بِمَا تَقْبَلُهُ امْرَأَةٌ أُخْرَى، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ»، قَالَ: كَانَتْ الْمَرْأَةُ مِمَّا تَرْفَعُ يَدَهَا إِلَى زَوْجِهَا إِذَا أَرَادَ مُجَامَعَتَهَا فَتَقُولُ: لَا أَدْعُكَ؛ لِأَنِّي أَخَافُ أَنْ أَحْمِلَ عَلَى وِلْدِي، وَيَقُولُ الرَّجُلُ: لَا اجَامِعْكَ؛ إِنِّي أَخَافُ أَنْ تَعْلَقِيَ فَأَقْتُلَ وِلْدِي. فَنَهَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ تُضَارَّ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ، وَأَنْ يُضَارَّ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ.

وَأَمَّا قَوْلُهُ: «وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ» فَإِنَّهُ نَهَى أَنْ يُضَارَّ بِالصَّبِيِّ أَوْ يُضَارَّ بِأَمِّهِ فِي رِضَاعِهِ، وَلَيْسَ لَهَا أَنْ تَأْخُذَ فِي رِضَاعِهِ فَوْقَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ، وَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا قَبْلَ ذَلِكَ كَانَ حَسَنًا؛ وَالْفِصَالُ هُوَ الْفِطَامُ. [۱۵۵۴]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۷

۱۹ / ۱۴ زمان شیردهی

قرآن

«و مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر دهند. [این برای کسی که بخواهد شیر دادن را کامل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده (پدر)، لازم است خوراک و پوشاک مادر را پردازد]، حتی اگر طلاق گرفته باشد]. هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌شود؛ نه مادر به [خاطر اختلاف با پدر] حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد (هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید). پس اگر آن دو با رضایت و رایزنی یکدیگر خواستند فرزند را از شیر بگیرند، بر آنان گناهی نیست. و اگر هم خواستید برای فرزندان دایه بگیرید، گناهی بر شما نیست، به شرط این که حق گذشته مادر را به‌طور شایسته پردازید. از خداوند، پروا کنید و بدانید که خداوند، به آنچه می‌کنید، بیناست»

حدیث

۱۱۴۴. امام صادق علیه السلام: [حد اقل شیردهی، ۲۱ ماه است و آنچه از آن کاسته شود، ستمی است بر نوزاد.

۱۱۴۵. امام صادق علیه السلام: زنی که باردار باشد و طلاق داده شود، خرجی داده می‌شود تا هنگامی که بار خویش بنهد. او به فرزند خویش و به این سزامن‌تر است که او را به [مزدی همانند] آنچه زنی دیگر می‌پذیرد، شیر دهد. خداوند می‌فرماید: «نه مادری

به واسطه فرزندش زیان ببیند، و نه پدری به واسطه فرزند خویش. بر وارث نیز همانند این است».

امام علیه السلام افزود: «پیش تر چنین بود که اگر زنی از خاندان ما، شوهرش می‌خواست با او آمیزش کند، دست خویش را به سوی شوهر بلند می‌کرد و می‌گفت: ص اجازه‌ات نمی‌دهم؛ چرا که می‌ترسم بر روی فرزندی که دارم، دیگر بار باردار شوم؛ و مرد نیز می‌گفت: ص با تو آمیزش نمی‌کنم. می‌ترسم باردار شوی و من، فرزند خویش را بکشمص. خداوند عز و جل، از این که زن به شوهر خود زیان برساند و از این که مرد به زن خویش زیان برساند، نهی فرمود.

اما این که فرموده است: «بر وارث نیز همانند این است»، در این سخن، از این نهی کرده که در شیر دادن کودک، به او یا به مادرش زیان رسانده شود. زن را این حق نیست که به سبب شیردهی فرزند، بیشتر از دو سال کامل، مزد ستاند. و اگر زن و شوهر، هر دو با رضایت، توافق کنند که پیش از این مدّت، کودک را از شیر بگیرند، نیکوست و «فصال» در این آیه به معنای از شیر گشودن است.

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۸

۱۱۴۶. الکافی عن سعد بن سعد الأشعری عن الإمام الرضا علیه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ هَلْ يُرَضَعُ أَكْثَرَ مِنْ سَتِّينَ؟
فَقَالَ: عَامِينَ.

قُلْتُ: فَإِنْ زَادَ عَلَى سَتِّينَ هَلْ عَلَى أَبْوَيْهِ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ؟
قَالَ: لَا. [۱۵۵۵]

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۸۹

۱۱۴۶. الکافی به نقل از سعد بن سعد اشعری: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: که آیا کودک، بیش از دو سال هم شیر داده می‌شود؟
فرمود: «تنها دو سال».

گفتم: اگر از دو سال افزون شود، آیا بدان سبب، بر پدر و مادر او گناهی است؟
فرمود: «نه».

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۱

فهرست تفصیلی

- (۱) پیش‌گفتار*** (۱ / ۷)
- (۲) اهمیت پزشکی*** (۲ / ۷)
- (۲) طبابت، کار خداوند است*** (۲ / ۷)
- (۲) دانش‌نامه احادیث طبی*** (۲ / ۹)
- (۱) ۲. جایگاه طب در قوانین اسلام*** (۲ / ۱۰)
- (۳) ۳. جایگاه طب پیشگیری در اسلام*** (۳ / ۱۱)
- (۲) ۲. ارزیابی کلی احادیث طبی*** (۲ / ۱۳)
- (۱) ۳. مبدأ علم طب*** (۳ / ۱۳)
- (۲) ۳. اهل بیت و دانش پزشکی*** (۳ / ۱۴)
- (۳) ۳. دین و حرفه پزشکی*** (۳ / ۱۶)
- (۳) ۳. ارزیابی احادیث طبی از نگاه شیخ صدوق*** (۳ / ۱۷)

- (۳) اقسام احادیث طَبِّی *** ۱۹ (۳ /)
- (۳) ارزیابی احادیث طَبِّی از طریق آزمایش *** ۲۰ (۳ /)
- (۳) انگیزه اصلی نگارش دانش نامه احادیث پزشکی *** ۲۰ (۳ /)
- (۳) ارزیابی علمی احادیث «اِثْمِد» *** ۲۱ (۳ /)
- (۳) ۲. مراحل تحقیق و تدوین *** ۲۴ (۲ /)
- (۱) ۳. نقطه آغاز *** ۲۴ (۳ /)
- (۲) ۳. تنظیم ابتدایی *** ۲۴ (۳ /)
- (۳) ۳. ارجاع به منابع (مصدریابی) *** ۲۵ (۳ /)
- (۳) ۴. نقد متن و تنظیم نهایی *** ۲۶ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۲
- (۳) ۵. تهیه مدخل ها و تحلیل های مورد نیاز *** ۲۶ (۳ /)
- (۳) ۶. چگونگی نگارش احادیث *** ۲۷ (۳ /)
- (۳) ۷. اقدام های بعدی *** ۲۸ (۳ /)
- (۱) بخش یکم: پزشکی (۱ /)
- (۲) فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام *** ۳۳ (۲ /)
- (۱) ۱ / ۳) اهمیت دانش پزشکی *** ۳۳ (۳ /)
- (۱) ۱ / ۳) ۲ آگاهی پیامبران و امامان از دانش پزشکی *** ۳۵ (۳ /)
- (۱) ۳ / ۳) هر دردی را درمانی است *** ۴۷ (۳ /)
- (۱) ۳ / ۴) دارو و درمان، از تقدیر است *** ۵۱ (۳ /)
- (۱) ۳ / ۵) شفا از خداوند است *** ۵۳ (۳ /)
- (۲) فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب *** ۵۹ (۲ /)
- (۳) درآمد *** ۵۹ (۳ /)
- (۱) ۴) احساس مسئولیت *** ۵۹ (۴ /)
- (۲) ۴) تقوای پزشکی *** ۶۰ (۴ /)
- (۳) ۴) پاک دامنی *** ۶۱ (۴ /)
- (۴) ۴) اهتمام به تشخیص بیماری *** ۶۱ (۴ /)
- (۴) ۵) تلاش برای شناخت داروهای طبیعی *** ۶۲ (۴ /)
- (۴) ۶) رعایت ضرورت در تجویز دارو *** ۶۲ (۴ /)
- (۴) ۷) حفظ اسرار بیمار *** ۶۳ (۴ /)
- (۴) ۸) ایجاد امیدواری در دل بیمار *** ۶۳ (۴ /)
- (۴) ۹) جلوگیری از طبابت افراد غیر متخصص *** ۶۴ (۴ /)
- (۲) ۱ / ۳) احساس مسئولیت *** ۶۷ (۳ /)
- (۲) ۲ / ۳) تقوای پزشکی *** ۶۷ (۳ /)

- ۲) ۳/۳ اهتمام به شناخت بیماری*** ۶۹ (۳/)
- ۲) ۴/۳ حرام بودن طبابت توسط ناآگاهان*** ۶۹ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۳
- ۲) ۵/۳ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت*** ۶۹ (۳/)
- ۲) ۶/۳ مسئول نبودن پزشک در صورت برخورداری از مهارت و گرفتن براءت*** ۷۱ (۳/)
- ۲) ۷/۳ جایز بودن درمان به شرط شناخت بیماری، با وجود احتمال مرگ*** ۷۳ (۳/)
- ۲) ۸/۳ انتخاب همجنس برای معاینه و معالجه*** ۷۵ (۳/)
- ۲) ۹/۳ جایز بودن معالجه توسط جنس مخالف در هنگام ضرورت*** ۷۷ (۳/)
- ۲) ۱۰/۳ عدم جواز معالجه توسط جنس مخالف در حالت عدم اضطرار*** ۷۹ (۳/)
- ۲) ۱۱/۳ درمان با آنچه حرام است*** ۸۱ (۳/)
- (۲) فصل سوم: توصیه‌های پزشکی*** ۸۹ (۲/)
- ۳) ۱/۳ آنچه انسان را از پزشک، بی‌نیاز می‌کند*** ۸۹ (۳/)
- ۳) ۲/۳ پرهیز از مراجعه به پزشک تا سرحد امکان*** ۹۱ (۳/)
- ۳) ۳/۳ راه تندرستی*** ۹۳ (۳/)
- ۳) ۴/۳ عوامل شادابی*** ۹۵ (۳/)
- ۳) ۵/۳ عوامل طول عمر*** ۱۰۱ (۳/)
- ۳) ۶/۳ آنچه موجب پیری زود رس می‌شود*** ۱۰۳ (۳/)
- ۳) ۷/۳ آنچه بدن را فرسوده می‌کند*** ۱۰۵ (۳/)
- ۳) ۸/۳ اندوه و بیماری*** ۱۰۵ (۳/)
- ۳) ۹/۳ پرهیز از سرما، و استقبال از آن*** ۱۰۷ (۳/)
- ۳) ۱۰/۳ خاصیت‌های بوی خوش*** ۱۰۹ (۳/)
- ۳) ۱۱/۳ پاکیزگی و بهداشت*** ۱۱۱ (۳/)
- ۳) ۱۱/۴ ۱ شستن جامه*** ۱۱۱ (۴/)
- ۳) ۱۱/۴ ۲ شستن دستمال*** ۱۱۳ (۴/)
- ۳) ۱۱/۴ ۳ پوشاندن روی ظرف*** ۱۱۳ (۴/)
- ۳) ۱۱/۴ ۴ شستن سر با سدر*** ۱۱۵ (۴/)
- ۳) ۱۱/۴ ۵ گرفتن سیبیل*** ۱۱۷ (۴/)
- ۳) ۱۱/۴ ۶ کوتاه کردن ناخن‌ها*** ۱۱۷ (۴/)
- ۳) ۱۲/۳ نقش کفش در سلامت*** ۱۱۷ (۳/)
- ۳) ۱۳/۳ نهی از درمان با چشمه‌های آب گرم و آب‌های تلخ*** ۱۱۹ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۴
- (۱) بخش دوم: بیماری (۱/)
- (۲) درآمد*** ۱۲۵ (۲/)

- (۳) حکمت بیماری*** ۱۲۶ (۳ /)
- ۱) ۴. تربیت*** ۱۲۷ (۴ /)
- ۲) ۴. کیفر*** ۱۳۰ (۴ /)
- ۳) ۴. عامل مرگ*** ۱۳۰ (۴ /)
- (۲) فصل یکم: تعریف بیماری*** ۱۳۳ (۲ /)
- ۱) ۱ / ۳ بازداشتگاه تن*** ۱۳۳ (۳ /)
- ۱) ۲ / ۳ از بزرگ‌ترین گرفتاری‌ها*** ۱۳۵ (۳ /)
- (۲) فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها*** ۱۳۷ (۲ /)
- (۲) فصل سوم: منافع بیماری*** ۱۳۹ (۲ /)
- ۳) ۱ / ۳ تأدیبات*** ۱۳۹ (۳ /)
- ۳) ۲ / ۳ کفاره*** ۱۴۱ (۳ /)
- ۳) ۳ / ۳ گرامیداشت*** ۱۴۹ (۳ /)
- ۳) ۴ / ۳ پاداش*** ۱۵۱ (۳ /)
- ۳) ۵ / ۳ پاداش آنچه در دوران تندرستی انجام می‌داده است*** ۱۵۵ (۳ /)
- (۳) تحلیلی درباره احادیث پاداش بیماری‌ها*** ۱۶۱ (۳ /)
- (۲) فصل چهارم: وظائف بیماران*** ۱۶۵ (۲ /)
- ۴) ۱ / ۳ پنهان داشتن بیماری*** ۱۶۵ (۳ /)
- ۴) ۲ / ۳ اظهار بیماری نزد پزشک*** ۱۶۹ (۳ /)
- ۴) ۳ / ۳ شکیایی*** ۱۶۹ (۳ /)
- ۴) ۴ / ۳ سپاسگزاری*** ۱۷۳ (۳ /)
- ۴) ۵ / ۳ صدقه دادن*** ۱۷۵ (۳ /)
- ۴) ۶ / ۳ دعا کردن*** ۱۷۵ (۳ /)
- (۲) فصل پنجم: پرستاری*** ۱۸۱ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۵
- ۵) ۱ / ۳ پاداش پرستاری*** ۱۸۱ (۳ /)
- ۵) ۲ / ۳ آداب پرستاری*** ۱۸۳ (۳ /)
- ۵) ۳ / ۳ زنان پرستار در نبردهای پیامبر*** ۱۸۵ (۳ /)
- (۲) فصل ششم: عیادت بیماران*** ۱۹۷ (۲ /)
- ۶) ۱ / ۳ تشویق به عیادت*** ۱۹۷ (۳ /)
- ۶) ۲ / ۳ پاداش عیادت*** ۱۹۹ (۳ /)
- ۶) ۳ / ۳ آداب عیادت*** ۲۰۵ (۳ /)
- (۴) الف عیادت، پس از سه روز*** ۲۰۵ (۴ /)
- (۴) ب عیادت کسی که به عیادت نیامده است*** ۲۰۷ (۴ /)

- (۴) ج هدیه دادن به بیمار *** ۲۰۷ (۴ /)
- (۴) د مهربانی با بیمار *** ۲۰۷ (۴ /)
- (۴) ه دعا برای بیمار *** ۲۰۹ (۴ /)
- (۴) و التماس دعا از بیمار *** ۲۱۱ (۴ /)
- (۴) ز نخوردن چیزی نزد بیمار *** ۲۱۳ (۴ /)
- (۴) ح کم نشستن نزد بیمار *** ۲۱۳ (۴ /)
- (۴) ط یک روز در میان عیادت کردن *** ۲۱۵ (۴ /)
- ۶ (۳ /) ۴ بیمارانی که بر عیادت آنان تأکید شده است *** ۲۱۷ (۳ /)
- (۴) الف مؤمن *** ۲۱۷ (۴ /)
- (۴) ب بنی هاشم *** ۲۱۹ (۴ /)
- (۴) ج خاندان *** ۲۱۹ (۴ /)
- (۴) د بینوایان *** ۲۱۹ (۴ /)
- ۶ (۳ /) ۵ بیمارانی که نباید عیادت شوند *** ۲۲۱ (۳ /)
- ۶ (۳ /) ۶ آنچه رویاروی بیمار، نباید انجام داد *** ۲۲۱ (۳ /)
- (۱) بخش سوم: مباحث مربوط به اندام‌ها و دستگاه‌های بدن (۱ /)
- (۲) فصل یکم: قلب و عروق *** ۲۲۷ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۶
- ۱ (۳ /) ۱ اشاره به حکمت نهفته در این دستگاه *** ۲۲۷ (۳ /)
- ۱ (۳ /) ۲ آنچه برای سلامت قلب و تقویت آن، مفید است *** ۲۳۱ (۳ /)
- (۴) الف سیب *** ۲۳۱ (۴ /)
- (۴) ب سرکه *** ۲۳۱ (۴ /)
- (۴) ج انار *** ۲۳۱ (۴ /)
- (۴) د عدس *** ۲۳۳ (۴ /)
- (۴) ه به *** ۲۳۳ (۴ /)
- (۴) و گلابی *** ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ز عسل *** ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ح تلبینه *** ۲۳۵ (۴ /)
- (۴) ط بوی خوش *** ۲۳۷ (۴ /)
- ۱ (۳ /) ۳ آنچه برای سلامتی رگ‌ها سودمند است *** ۲۳۷ (۳ /)
- (۴) الف بادنجان *** ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) ب حوک *** ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) ج انجیر *** ۲۳۷ (۴ /)
- (۴) د نیشکر *** ۲۳۹ (۴ /)

- (۴) ه روزه*** ۲۳۹ (۴ /)
- (۴) و شام خوردن*** ۲۳۹ (۴ /)
- (۲) فصل دوم: مغز و اعصاب*** ۲۴۱ (۲ /)
- (۲) ۱ / ۳ اشاره به حکمت مغز و دستگاه عصبی*** ۲۴۱ (۳ /)
- (۲) ۲ / ۳ آنچه عقل را استحکام می بخشد*** ۲۴۳ (۳ /)
- (۴) الف باقلا*** ۲۴۳ (۴ /)
- (۴) ب روغن مالیدن*** ۲۴۳ (۴ /)
- (۴) ج حجامت*** ۲۴۵ (۴ /)
- (۴) د سرکه*** ۲۴۵ (۴ /)
- (۴) ه سرکه شراب*** ۲۴۵ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۷
- (۴) و سُداب*** ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ز چغندر*** ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ح مسواک زدن*** ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ط خُرفه*** ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ی کدو*** ۲۴۷ (۴ /)
- (۴) ک کرفس*** ۲۴۹ (۴ /)
- (۴) ل کُنْدُر*** ۲۴۹ (۴ /)
- (۴) م گوشت*** ۲۴۹ (۴ /)
- (۲) ۳ / ۳ آنچه بر توان ذهن می افزاید*** ۲۵۱ (۳ /)
- (۲) ۴ / ۳ آنچه حافظه را تقویت می کند*** ۲۵۱ (۳ /)
- (۴) الف مویز*** ۲۵۱ (۴ /)
- (۴) ب عسل*** ۲۵۳ (۴ /)
- (۴) ج کرفس*** ۲۵۳ (۴ /)
- (۴) د حجامت*** ۲۵۳ (۴ /)
- (۴) ه سایر عوامل تقویت حافظه*** ۲۵۵ (۴ /)
- (۲) ۵ / ۳ آنچه فراموشی می آورد*** ۲۵۵ (۳ /)
- (۲) ۶ / ۳ آنچه برای پیشگیری از فراموشی، سودمند است*** ۲۵۷ (۳ /)
- (۲) ۷ / ۳ آنچه اعصاب را استحکام می بخشد*** ۲۵۹ (۳ /)
- (۴) الف خوردن مویز*** ۲۵۹ (۴ /)
- (۴) ب خوردن گوشت گوسفند همراه با شیر*** ۲۶۱ (۴ /)
- (۲) ۸ / ۳ آنچه پی را نرم می کند*** ۲۶۱ (۳ /)
- (۲) ۹ / ۳ آنچه برای سردرد، سودمند است*** ۲۶۳ (۳ /)

- (۴) الف شستن سر با خَطْمی *** ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) ب نوشیدن آب نیم گرم (وَلَرْم) *** ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) ج شستن پاها با آب سرد *** ۲۶۳ (۴ /)
- (۴) د مالیدن روغن بنفشه *** ۲۶۵ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۸
- (۴) ه خضاب کردن با حنا *** ۲۶۵ (۴ /)
- (۴) و استعمال انفيه *** ۲۶۵ (۴ /)
- (۴) ز حِجَامت *** ۲۶۷ (۴ /)
- (۴) ح کاسنی *** ۲۶۷ (۴ /)
- (۴) ط خوردن ماهی تازه *** ۲۶۹ (۴ /)
- (۲) ۱۰ / ۳ آنچه دیوانگی فرزند را در پی می آورد *** ۲۶۹ (۳ /)
- (۲) ۱۱ / ۳ آنچه مانع دیوانگی می شود *** ۲۷۱ (۳ /)
- (۴) الف نمک *** ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) ب بوییدن نرگس *** ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) ج کوتاه کردن سیبل و ناخن در هر جمعه *** ۲۷۱ (۴ /)
- (۴) د آبی که از دهان کودک می ریزد *** ۲۷۳ (۴ /)
- (۲) ۱۲ / ۳ آنچه سستی اندام می آورد *** ۲۷۳ (۳ /)
- (۴) الف خوردن خربزه در حالت ناشتا *** ۲۷۳ (۴ /)
- (۴) ب غسل با آب سرد پس از خوردن ماهی *** ۲۷۵ (۴ /)
- (۲) ۱۳ / ۳ آنچه مانع سست اندامی می شود *** ۲۷۵ (۳ /)
- (۴) الف خوردن خرما پس از خوردن ماهی *** ۲۷۵ (۴ /)
- (۴) ب سرفه *** ۲۷۵ (۴ /)
- (۴) ج دعا *** ۲۷۵ (۴ /)
- (۲) ۱۴ / ۳ آنچه از کزدهانی ایمنی می دهد *** ۲۷۷ (۳ /)
- (۲) ۱۵ / ۳ آنچه برای درمان وحشت، سودمند است *** ۲۷۷ (۳ /)
- (۲) فصل سوم: چشم *** ۲۷۹ (۲ /)
- (۳) ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در چشم *** ۲۷۹ (۳ /)
- (۳) ۲ / ۳ عوامل برخی از بیماری های چشم *** ۲۸۳ (۳ /)
- (۳) ۳ / ۳ پیشگیری از برخی بیماری های چشم *** ۲۸۷ (۳ /)
- (۳) ۴ / ۳ آنچه برای درمان برخی بیماری های چشم سودمند است *** ۲۹۱ (۳ /)
- (۳) ۵ / ۳ آنچه چشم را جلا می دهد و تقویت می کند *** ۲۹۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۶۹۹
- (۳) ۱۵ / ۴ به *** ۲۹۷ (۴ /)

- (۳ / ۴) ۲۵ خرما*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۳۵ پیاز*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۴۵ کُنْدُر*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۵۵ گوشت*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۶۵ مَرَزَنگوش*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۷۵ آب زمزم*** (۴ /)
- (۳ / ۴) ۸ / ۵ سرمه کشیدن با سنگ سرمه «اُثْمِد»*** (۴ /) ۳۰۱
- (۳ / ۴) ۹۵ مسواک زدن*** (۴ /) ۳۰۵
- (۳ / ۴) ۱۰۵ شستن دست‌ها، پیش و پس از غذا خوردن*** (۴ /) ۳۰۵
- (۳ / ۴) ۱۱۵ کوتاه کردن موها*** (۴ /) ۳۰۷
- (۳ / ۴) ۱۲۵ خضاب بستن به حنا*** (۴ /) ۳۰۷
- (۳ / ۴) ۱۳۵ پوشیدن کفش*** (۴ /) ۳۰۹
- (۳ / ۴) ۱۴۵ حجامت*** (۴ /) ۳۰۹
- (۳ / ۴) ۱۵۵ نگریستن به قرآن*** (۴ /) ۳۱۱
- (۳ / ۴) ۱۶۵ نگریستن به زنان زیباروی و سبزه*** (۴ /) ۳۱۱
- (۳ / ۴) ۱۷۵ نماز شب*** (۴ /) ۳۱۳
- (۳ / ۴) ۱۸۵ آیه الکرسی*** (۴ /) ۳۱۳
- (۳ / ۳) ۶ فایده‌های گریه برای کودکان*** (۳ /) ۳۱۵
- (۲ /) ۳۱۷ گوش*** (۲ /)
- (۴ / ۳) ۱ اشاره به حکمت نهفته در آن*** (۳ /) ۳۱۷
- (۴ / ۳) ۲ حکمت موجود در مایع گوش*** (۳ /) ۳۱۷
- (۴ / ۳) ۳ پیشگیری از برخی بیماری‌های گوش*** (۳ /) ۳۱۹
- (۴ / ۳) ۴ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های گوش، سودمند است*** (۳ /) ۳۱۹
- (۲ /) ۳۲۳ دستگاه تنفس*** (۲ /)
- (۵ / ۳) ۱ اشاره به حکمت نهفته در بینی*** (۳ /) ۳۲۳
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۰
- (۵ / ۳) ۲ اشاره به حکمت نهفته در حنجره*** (۳ /) ۳۲۵
- (۵ / ۳) ۳ اشاره به حکمت نهفته در شش‌ها*** (۳ /) ۳۲۹
- (۵ / ۳) ۴ جلوگیری از برخی بیماری‌های بینی و حنجره*** (۳ /) ۳۲۹
- (۵ / ۳) ۵ آنچه برای درمان برخی بیماری‌های بینی و حنجره، مفید است*** (۳ /) ۳۳۱
- (۵ / ۳) ۶ فواید زُکام*** (۳ /) ۳۳۳
- (۵ / ۳) ۷ آنچه انسان را از زکام حفظ می‌کند*** (۳ /) ۳۳۵
- (۵ / ۳) ۸ آنچه برای درمان زکام، سودمند است*** (۳ /) ۳۳۵

- (۵) ۹ / ۳) فایده‌های عطسه‌ها *** ۳۳۷ (۳ /)
- (۵) ۱۰ / ۳) عطسه زیانبار *** ۳۴۱ (۳ /)
- (۵) ۱۱ / ۳) آنچه برای درمان عطسه‌های فراوان، سودمند است *** ۳۴۱ (۳ /)
- (۵) ۱۲ / ۳) آنچه برای درمان سرفه، سودمند است *** ۳۴۱ (۳ /)
- (۵) ۱۳ / ۳) آنچه سل می‌آورد *** ۳۴۳ (۳ /)
- (۵) ۱۴ / ۳) آنچه از سل، پیشگیری می‌کند *** ۳۴۵ (۳ /)
- (۵) ۱۵ / ۳) آنچه برای درمان سل سودمند است *** ۳۴۵ (۳ /)
- (۵) ۱۶ / ۳) آنچه تنگی نفس می‌آورد *** ۳۴۷ (۳ /)
- (۵) ۱۷ / ۳) آنچه برای درمان تنگی نفس، سودمند است *** ۳۴۷ (۳ /)
- (۵) ۱۸ / ۳) آنچه برای درمان ذات‌الجنب سودمند است *** ۳۴۹ (۳ /)
- (۲) فصل ششم: دهان و دندان *** ۳۵۱ (۲ /)
- (۶) ۱ / ۳) اشاره به حکمت نهفته در دهان و دندان *** ۳۵۱ (۳ /)
- (۶) ۲ / ۳) بهداشت دهان و دندان *** ۳۵۳ (۳ /)
- (۶) ۱ / ۲ / ۴) خلال کردن *** ۳۵۳ (۴ /)
- (۵) الف تأکید بر خلال کردن *** ۳۵۳ (۵ /)
- (۵) ب منافع خلال کردن *** ۳۵۷ (۵ /)
- (۵) ج آداب خلال کردن *** ۳۵۹ (۵ /)
- (۵) د چیزهایی که خلال کردن با آنها روا نیست *** ۳۶۳ (۵ /)
- (۶) ۲ / ۲ / ۴) شستشوی دهان و بینی *** ۳۶۵ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۱
- (۶) ۳ / ۲ / ۴) مسواک زدن *** ۳۶۷ (۴ /)
- (۵) الف تأکید بر مسواک زدن *** ۳۶۷ (۵ /)
- (۵) ب نکوهش ترک مسواک زدن *** ۳۷۱ (۵ /)
- (۵) ج فواید مسواک زدن *** ۳۷۱ (۵ /)
- (۵) د آداب مسواک زدن *** ۳۷۷ (۵ /)
- (۵) ه آنچه مسواک زدن با آن شایسته است *** ۳۷۹ (۵ /)
- (۵) و سیره اهل بیت در استفاده از مسواک *** ۳۸۱ (۵ /)
- (۵) ز حدّ اقل مسواک *** ۳۸۳ (۵ /)
- (۶) ۴ / ۲ / ۴) آنچه دهان را خوش بو می‌کند *** ۳۸۳ (۴ /)
- (۵) الف مویز *** ۳۸۳ (۵ /)
- (۵) ب پنیر *** ۳۸۳ (۵ /)
- (۵) ج پیاز *** ۳۸۵ (۵ /)
- (۵) د حوک *** ۳۸۵ (۵ /)

- (۵) ه تره*** ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) و مشکک*** ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ز جویدن کُنْدُر*** ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ح آویشن و نمک*** ۳۸۷ (۵ /)
- (۵) ط. سر مه کشیدن*** ۳۸۹ (۵ /)
- (۵) ی خضاب کردن*** ۳۹۱ (۵ /)
- (۵) ک آب نیم گرم (وَلْم)*** ۳۹۱ (۵ /)
- (۴ /) ۶) ۲ / ۴) آنچه دهان و لثه را استحکام می دهد*** ۳۹۳ (۴ /)
- (۵) الف سرکه شراب*** ۳۹۳ (۵ /)
- (۵) ب پیاز*** ۳۹۳ (۵ /)
- (۴ /) ۶) ۲ / ۴) آنچه دندانها را تقویت می کند*** ۳۹۳ (۴ /)
- (۵) الف جویدن سَقَز*** ۳۹۳ (۵ /)
- (۵) ب جویدن کُنْدُر*** ۳۹۵ (۵ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۲
- (۵) ج شانه زدن*** ۳۹۵ (۵ /)
- (۵) د. مسواک زدن با برخی از ترکیبها*** ۳۹۵ (۵ /)
- (۳ /) ۶) ۳ / ۳) برخی از عوامل بیماری های دهان و دندان*** ۳۹۷ (۳ /)
- (۳ /) ۶) ۴ / ۳) آنچه برای برخی دردهای دهان، مفید است*** ۳۹۷ (۳ /)
- (۳ /) ۶) ۵ / ۳) آنچه برای درمان دندان درد سودمند است*** ۴۰۱ (۳ /)
- (۳ /) ۶) ۶ / ۳) آنچه برای درمان بوی بد دهان، سودمند است*** ۴۰۵ (۳ /)
- (۲ /) ۲) فصل هفتم: دستگاه گوارش*** ۴۰۷ (۲ /)
- (۳ /) ۷) ۱ / ۳) اشاره به حکمت نهفته در دستگاه گوارش*** ۴۰۷ (۳ /)
- (۳ /) ۷) ۲ / ۳) سلامت دستگاه گوارش*** ۴۱۳ (۳ /)
- (۴ /) ۷) ۱۲ / ۴) پرهیز*** ۴۱۳ (۴ /)
- (۴ /) ۷) ۲۲ / ۴) آنچه برای گوارش، سودمند است*** ۴۱۵ (۴ /)
- (۵) الف کاهو*** ۴۱۵ (۵ /)
- (۵) ب خرما*** ۴۱۵ (۵ /)
- (۵) ج پنیر*** ۴۱۷ (۵ /)
- (۵) د سویق*** ۴۱۷ (۵ /)
- (۵) ه مسواک زدن*** ۴۱۷ (۵ /)
- (۵) و به پشت دراز کشیدن پس از غذا خوردن*** ۴۱۷ (۵ /)
- (۴ /) ۷) ۳۲ / ۴) آنچه معده را می پالاید و تقویت می کند*** ۴۱۹ (۴ /)
- (۵) الف سیب*** ۴۱۹ (۵ /)

- (۵) ب انار*** ۴۱۹ (۵ /)
- (۵) ج گلابی*** ۴۲۱ (۵ /)
- (۵) د به*** ۴۲۱ (۵ /)
- (۵) ه خربزه*** ۴۲۳ (۵ /)
- (۵) و باقلا*** ۴۲۳ (۵ /)
- (۵) ز خزا*** ۴۲۳ (۵ /)
- (۵) ح تلپینه*** ۴۲۵ (۵ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۳
- (۷) ۴۲ (۴ /) آنچه به معده زیان می‌رساند*** ۴۲۵ (۴ /)
- (۵) الف بد گواری*** ۴۲۵ (۵ /)
- (۵) ب پُرخوری*** ۴۲۵ (۵ /)
- (۵) ج آب نوشیدن در میان خوردن غذا*** ۴۲۷ (۵ /)
- (۵) د یکسره سر کشیدن آب*** ۴۲۷ (۵ /)
- (۵) ه نوشیدن آب سرد و فقاع در حمام*** ۴۲۷ (۵ /)
- (۵) و خوردن گوشت نمک‌سود خشک شده*** ۴۲۹ (۵ /)
- (۵) ز خوردن گوشت ناپخته*** ۴۲۹ (۵ /)
- (۵) ح بسیار خوردن تخم مرغ*** ۴۲۹ (۵ /)
- (۷) ۳ (۳ /) آنچه برای برخی دردهای شکم، سودمند است*** ۴۲۹ (۳ /)
- (۷) ۱۳ (۴ /) گلابی*** ۴۲۹ (۴ /)
- (۷) ۲۳ (۴ /) برنج و سماق*** ۴۳۱ (۴ /)
- (۷) ۳۳ (۴ /) آویشن*** ۴۳۱ (۴ /)
- (۷) ۴۳ (۴ /) عسل و شونیز*** ۴۳۱ (۴ /)
- (۷) ۵۳ (۴ /) گردوی تف داده*** ۴۳۳ (۴ /)
- (۷) ۶۳ (۴ /) تنقیه کردن*** ۴۳۵ (۴ /)
- (۷) ۷۳ (۴ /) آرد برنج*** ۴۳۵ (۴ /)
- (۷) ۸۳ (۴ /) نان برنج*** ۴۳۷ (۴ /)
- (۷) ۹۳ (۴ /) آرد گاوَرَس*** ۴۳۷ (۴ /)
- (۷) ۱۰۳ (۴ /) شیر شتر*** ۴۳۹ (۴ /)
- (۷) ۴ (۳ /) آنچه بواسیر می‌آورد*** ۴۳۹ (۳ /)
- (۷) ۱۴ (۴ /) زیاد نشستن به گاه قضای حاجت*** ۴۳۹ (۴ /)
- (۷) ۲۴ (۴ /) همبستری در حال خودداری از قضای حاجت*** ۴۴۱ (۴ /)
- (۷) ۳۴ (۴ /) با هم خوردن تخم مرغ و ماهی*** ۴۴۱ (۴ /)
- (۷) ۵ (۳ /) آنچه برای درمان بواسیر، سودمند است*** ۴۴۳ (۳ /)

- (۷ / ۴) ۱۵ انجیر*** ۴۴۳ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۴
- (۷ / ۴) ۲۵ تره*** ۴۴۳ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۳۵ زردک*** ۴۴۳ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۴۵ برنج*** ۴۴۵ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۵۵ خرما با روغن گاو*** ۴۴۵ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۶۵ هوبره*** ۴۴۵ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۷۵ سنجد*** ۴۴۵ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۸۵ طهارت گرفتن با آب سرد*** ۴۴۷ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۹۵ استنجا با مُشکک*** ۴۴۷ (۴ /)
- (۷ / ۳) ۶ آنچه برای دردهای کبِد، سودمند است*** ۴۴۷ (۳ /)
- (۷ / ۴) ۱۶ شیر انجیر*** ۴۴۷ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۲۶ رگزنی*** ۴۴۹ (۴ /)
- (۷ / ۳) ۷ آنچه برای درمان بادهای شکم، سودمند است*** ۴۴۹ (۳ /)
- (۷ / ۴) ۱۷ سیاه‌دانه*** ۴۴۹ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۲۷ زیتون*** ۴۵۱ (۴ /)
- (۷ / ۳) ۸ آنچه برای درمان کرم‌های شکم، سودمند است*** ۴۵۱ (۳ /)
- (۷ / ۴) ۱۸ سرکه شراب*** ۴۵۱ (۴ /)
- (۷ / ۴) ۲۸ خرما خوردن ناشتا*** ۴۵۳ (۴ /)
- (۷ / ۳) ۹ درمان‌هایی دیگر*** ۴۵۳ (۳ /)
- (۴) الف زرده تخم‌مرغ برای درمان گوارا نیافتن غذا*** ۴۵۳ (۴ /)
- (۴) ب سیب برای درمان مسمومیت*** ۴۵۳ (۴ /)
- (۴) ج آب‌درمانی*** ۴۵۵ (۴ /)
- (۴) د درمان باقی کردن عمدی*** ۴۵۷ (۴ /)
- (۷ / ۳) ۱۰ آنچه برای درمان بی‌اشتهایی سودمند است*** ۴۵۷ (۳ /)
- (۴) الف پنیر*** ۴۵۷ (۴ /)
- (۴) ب حوک*** ۴۵۷ (۴ /)
- (۲) فصل هشتم: خون و سپرز*** ۴۵۹ (۲ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۵
- (۸ / ۳) ۱ نشانه‌های بیماری‌های خون*** ۴۵۹ (۳ /)
- (۸ / ۳) ۲ آنچه برای درمان بیماری‌های خون، سودمند است*** ۴۶۱ (۳ /)
- (۴) الف سویق عدس*** ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) ب آلو*** ۴۶۱ (۴ /)

- (۴) ج چغندر*** ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) د کاهو*** ۴۶۱ (۴ /)
- (۴) ه حجامت*** ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) و خوردن ماهی تازه پس از حجامت*** ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) ز خوردن انار پس از حجامت*** ۴۶۳ (۴ /)
- (۴) ح رگزنی*** ۴۶۵ (۴ /)
- (۸) ۳ / ۳ آنچه خون تازه تولید می کند*** ۴۶۵ (۳ /)
- (۴) الف باقلا*** ۴۶۵ (۴ /)
- (۴) ب انار*** ۴۶۵ (۴ /)
- (۸) ۴ / ۳ آنچه برای درمان درد طحال سودمند است*** ۴۶۷ (۳ /)
- (۲) فصل نهم: پوست*** ۴۶۹ (۲ /)
- (۹) ۱ / ۳ بهداشت پوست*** ۴۶۹ (۳ /)
- (۹) ۱ / ۴ پاکیزگی*** ۴۶۹ (۴ /)
- (۹) ۲ / ۴ مالیدن روغن به بدن*** ۴۷۱ (۴ /)
- (۵) الف خواص چرب کردن پوست*** ۴۷۱ (۵ /)
- (۵) ب بهترین زمان برای روغن زدن*** ۴۷۱ (۵ /)
- (۵) ج چرب کردن با روغن بنفشه*** ۴۷۳ (۵ /)
- (۵) د مالیدن روغن زیتون به بدن*** ۴۷۵ (۵ /)
- (۵) ه استفاده از روغن بان*** ۴۷۷ (۵ /)
- (۵) و استفاده از روغن زنبق*** ۴۷۷ (۵ /)
- (۵) ز استفاده از خیری*** ۴۷۷ (۵ /)
- (۹) ۳ / ۴ استفاده از خطمی*** ۴۷۷ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۶
- (۹) ۴ / ۱ خضاب کردن*** ۴۷۹ (۴ /) [۱۵۵۶]
- دانشنامه احادیث پزشکی؛ ج ۱؛ ص ۷۰۶
- (۹) ۵ / ۱ آغاز کردن غذا با نمک*** ۴۸۱ (۴ /)
- (۹) ۶ / ۱ نوشیدن سویق با روغن زیتون*** ۴۸۱ (۴ /)
- (۹) ۷ / ۱ خربزه*** ۴۸۱ (۴ /)
- (۹) ۸ / ۱ سنجد*** ۴۸۳ (۴ /)
- (۹) ۹ / ۱ نانخواه و گردو*** ۴۸۳ (۴ /)
- (۹) ۱۰ / ۱ پیاز*** ۴۸۵ (۴ /)
- (۹) ۱۱ / ۱ گیاه سنا*** ۴۸۵ (۴ /)

- ۹) ۱۲۱/۴ تأثیر بوییدنی‌ها در پیشگیری از بیماری‌های پوستی *** ۴۸۵ (۴/)
- ۹) ۱۳۱/۴ اثر حجامت در پیشگیری و درمان بیماری‌های پوستی *** ۴۸۷ (۴/)
- ۹) ۱۴۱/۴ تأثیر زکام و عطسه در پیشگیری از بیماری‌های پوستی *** ۴۸۹ (۴/)
- ۹) ۱۵۱/۴ تأثیر برخی از ذکرها در بهداشت پوست *** ۴۹۱ (۴/)
- ۹) ۲/۳ عوامل بیماری‌های پوستی *** ۴۹۱ (۳/)
- ۴) الف فرار گرفتن در مقابل آفتاب *** ۴۹۱ (۴/)
- ۴) ب خوردن گردو در گرمای شدید *** ۴۹۳ (۴/)
- ۴) ج خوردن خاک *** ۴۹۵ (۴/)
- ۴) د به جوش آمدن خون *** ۴۹۵ (۴/)
- ۴) ه خوردن همیشگی تخم مرغ *** ۴۹۵ (۴/)
- ۴) و خوردن ماهی نمک‌سود پس از رگزنی و حجامت *** ۴۹۵ (۴/)
- ۹) ۳/۳ عوامل ابتلا به جذام *** ۴۹۷ (۳/)
- ۴) الف غسل کردن با آبی که پیش‌تر در آن غسل شده است *** ۴۹۷ (۴/)
- ۴) ب مالیدن سفال بر بدن در حمام *** ۴۹۷ (۴/)
- ۴) ج خوردن غده *** ۴۹۷ (۴/)
- ۴) د خوردن تره تیزک به هنگام شب *** ۴۹۷ (۴/)
- ۴) ه خلال کردن با چوب و چوب انار *** ۴۹۹ (۴/)
- ۴) و همبستری با زن حائض *** ۴۹۹ (۴/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۷
- ۹) ۴/۳ پیشگیری از جذام *** ۴۹۹ (۳/)
- ۴) الف دوری گزیدن از مبتلایان به جذام *** ۴۹۹ (۴/)
- ۴) ب پرهیز از آمیزش جنسی در آغاز، میان و پایان ماه *** ۵۰۱ (۴/)
- ۴) ج خوردن شلغم *** ۵۰۱ (۴/)
- ۴) د خوردن تره *** ۵۰۳ (۴/)
- ۴) ه خوردن چغندر *** ۵۰۳ (۴/)
- ۴) و خوردن حوک *** ۵۰۳ (۴/)
- ۴) ز خوردن هزاراسپند *** ۵۰۳ (۴/)
- ۴) ح تأثیر زکام در پیشگیری از جذام *** ۵۰۵ (۴/)
- ۴) ط کوتاه کردن سیبیل و ناخن‌ها *** ۵۰۷ (۴/)
- ۹) ۵/۳ عوامل ابتلا به پیسی *** ۵۰۷ (۳/)
- ۴) الف استفاده از آبی که با آفتاب، گرم شده است *** ۵۰۷ (۴/)
- ۴) ب مالیدن سفال بر بدن در حمام *** ۵۰۹ (۴/)
- ۴) ج خوردن از روی سیری *** ۵۰۹ (۴/)

- (۴) د پنج عامل *** ۵۰۹ (۴ /)
- ۹) ۶ / ۳ پیشگیری از پیسی *** ۵۱۱ (۳ /)
- (۴) الف استفاده از خَطْمی *** ۵۱۱ (۴ /)
- (۴) ب خوردن بادنجان *** ۵۱۱ (۴ /)
- (۴) ج بیرون زدن کورک *** ۵۱۱ (۴ /)
- ۹) ۷ / ۳ آنچه برای درمان پیسی سودمند است *** ۵۱۳ (۳ /)
- (۴) الف خوردن گوشت گاو همراه با چغندر *** ۵۱۳ (۴ /)
- (۴) ب آب گوشت گاو *** ۵۱۳ (۴ /)
- (۴) ج سویق *** ۵۱۳ (۴ /)
- ۹) ۸ / ۳ آنچه برای درمان بَهْک، سودمند است *** ۵۱۵ (۳ /)
- ۹) ۹ / ۳ آنچه برای درمانِ گری سودمند است *** ۵۱۷ (۳ /)
- ۹) ۱۰ / ۳ آنچه برای درمان تَرک پوست، سودمند است *** ۵۱۷ (۳ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۸
- ۹) ۱۱ / ۳ آنچه برای درمان کَک و مَک صورت، سودمند است *** ۵۱۷ (۳ /)
- ۹) ۱۲ / ۳ آنچه برای درمان زخم‌های چرکین، سودمند است *** ۵۱۹ (۳ /)
- ۹) ۱۳ / ۳ آنچه برای درمان سبوسه (شوره سر) سودمند است *** ۵۱۹ (۳ /)
- ۹) ۱۴ / ۳ آنچه برای درمان بدبویی عَرَق، سودمند است *** ۵۱۹ (۳ /)
- (۲) فصل دهم: مو *** ۵۲۱ (۲ /)
- ۱۰) ۱ / ۳ اشاره به حکمت نهفته در مو *** ۵۲۱ (۳ /)
- (۴) الف دفع مواد زاید *** ۵۲۱ (۴ /)
- (۴) ب حفظ گرمای بدن *** ۵۲۵ (۴ /)
- (۴) ج مهار کردن شهوت جنسی *** ۵۲۵ (۴ /)
- (۴) د پیشگیری از جُدام *** ۵۲۷ (۴ /)
- ۱۰) ۲ / ۳ بهداشت مو *** ۵۲۷ (۳ /)
- ۱۰) ۱ / ۴ ۱۲ ضرورت رسیدگی به موها *** ۵۲۷ (۴ /)
- ۱۰) ۲ / ۴ ۲۲ شستن سر با سِدر *** ۵۲۹ (۴ /)
- ۱۰) ۳ / ۴ ۳۲ خضاب کردن با حنا و وَشِمِه (کَتَم) *** ۵۳۱ (۴ /)
- ۱۰) ۴ / ۴ ۴۲ شانه کردن مو *** ۵۳۱ (۴ /)
- ۱۰) ۳ / ۳ ۳ کوتاه کردن موها *** ۵۳۳ (۳ /)
- ۱۰) ۴ / ۳ ۴ تراشیدن موها *** ۵۳۵ (۳ /)
- ۱۰) ۵ / ۳ ۵ کندن موها *** ۵۳۷ (۳ /)
- ۱۰) ۶ / ۳ ۶ گرفتن سیل *** ۵۴۱ (۳ /)
- ۱۰) ۷ / ۳ ۷ کوتاه کردن موهای زیر بغل *** ۵۴۱ (۳ /)

- (۱۰) ۸/۳ به کار گرفتن نوره برای زدودن موهای بدن*** ۵۴۳ (۳/)
- (۱۰) ۹/۳ دفن موهای زاید*** ۵۴۷ (۳/)
- (۱۰) ۱۰/۳ آنچه برای درمان کم‌مویی سودمند است*** ۵۴۹ (۳/)
- (۲) فصل یازدهم: ناخن*** ۵۵۱ (۲/)
- (۱۱) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در آن*** ۵۵۱ (۳/)
- (۱۱) ۲/۳ کوتاه کردن ناخن*** ۵۵۱ (۳/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۰۹
- (۱۱) ۳/۳ کوتاه کردن ناخن‌ها در روز جمعه*** ۵۵۵ (۳/)
- (۱۱) ۴/۳ دفن ناخن‌های گرفته شده*** ۵۵۷ (۳/)
- (۲) فصل دوازدهم: استخوان‌ها*** ۵۵۹ (۲/)
- (۱۲) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در استخوان‌ها*** ۵۵۹ (۳/)
- (۱۲) ۲/۳ آنچه استخوان‌ها را استحکام می‌بخشد*** ۵۶۳ (۳/)
- (۱۲) ۳/۳ آنچه استخوان‌های ساق و پا را محکم می‌کند*** ۵۶۷ (۳/)
- (۱۲) ۴/۳ آنچه مفاصل را نرم می‌کند*** ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۵/۳ آنچه مفاصل را سست می‌کند*** ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۶/۳ آنچه برای درد پهلو سودمند است*** ۵۶۹ (۳/)
- (۱۲) ۷/۳ آنچه برای کمردرد، سودمند است*** ۵۷۱ (۳/)
- (۱۲) ۸/۳ آنچه نقرس می‌آورد*** ۵۷۳ (۳/)
- (۱۲) ۹/۳ آنچه برای نقرس، سودمند است*** ۵۷۳ (۳/)
- (۲) فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار*** ۵۷۵ (۲/)
- (۱۳) ۱/۳ اشاره به حکمت نهفته در آن*** ۵۷۵ (۳/)
- (۱۳) ۲/۳ کارکردها*** ۵۷۷ (۳/)
- (۱۳) ۱۲/۴ عادت ماهانه*** ۵۷۷ (۴/)
- (۱۳) ۲۲/۴ نطفه*** ۵۸۱ (۴/)
- (۱۳) ۳۲/۴ مایع پروستات*** ۵۸۱ (۴/)
- (۱۳) ۳/۳ نمونه‌هایی از بیماری‌های زنان*** ۵۸۳ (۳/)
- (۴) الف قطع شدن عادت ماهانه*** ۵۸۳ (۴/)
- (۴) ب شاخک و فنج*** ۵۸۵ (۴/)
- (۴) ج فقدان دوشیزگی*** ۵۸۵ (۴/)
- (۱۳) ۴/۳ برخی عوامل بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی*** ۵۸۷ (۳/)
- (۱۳) ۱۴/۴ ننگه داشتن پیشاب*** ۵۸۷ (۴/)
- (۱۳) ۲۴/۴ آمیزش بدون انزال*** ۵۸۷ (۴/)
- (۱۳) ۳۴/۴ خوردن قلوه و شکمبه گوسفند*** ۵۸۷ (۴/)

دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۰

- (۱۳) ۴۴/۴ عادت به حمام رفتن *** ۵۸۹ (۴ /)
- (۱۳) ۵۴/۴ تکیه زدن در حمام *** ۵۸۹ (۴ /)
- (۱۳) ۵/۳ برخی از عوامل سلامت دستگاه ادراری و تناسلی *** ۵۸۹ (۳ /)
- (۱۳) ۱۵/۴ ختنه *** ۵۸۹ (۴ /)
- (۱۳) ۲۵/۴ پلیدی زدایی و شستن *** ۵۹۱ (۴ /)
- (۱۳) ۳۵/۴ خوردن تُرَب *** ۵۹۳ (۴ /)
- (۱۳) ۴۵/۴ خوردن خریزه *** ۵۹۳ (۴ /)
- (۱۳) ۶/۳ آنچه برای برخی بیماری‌های دستگاه تناسلی سودمند است *** ۵۹۵ (۳ /)
- (۱۳) ۱۶/۴ آنچه برای درمان بند نیامدن خون عادت، سودمند است *** ۵۹۵ (۴ /)
- (۱۳) ۲۶/۴ آنچه برای بازگشت عادت ماهانه، سودمند است *** ۵۹۵ (۴ /)
- (۱۳) ۳۶/۴ آنچه برای درمان ریزش قطره قطره پیشاب، سودمند است *** ۵۹۷ (۴ /)
- (۱۳) ۴۶/۴ آنچه برای درمان احساس درد به هنگام دفع پیشاب، سودمند است *** ۵۹۷ (۴ /)
- (۱۳) ۷/۳ بهداشت آمیزش *** ۵۹۷ (۳ /)
- (۱۳) ۱۷/۴ آنچه باید عروس را در هفته اولش از آن باز داشت *** ۵۹۷ (۴ /)
- (۱۳) ۲۷/۴ حرمت آمیزش با زن حائض *** ۵۹۹ (۴ /)
- (۱۳) ۳۷/۴ حرام بودن آمیزش با تازه‌زا *** ۶۰۱ (۴ /)
- (۱۳) ۴۷/۴ زیان‌های آمیزش با زن حائض *** ۶۰۳ (۴ /)
- (۱۳) ۵۷/۴ مواردی که در آنها آمیزش مکروه است *** ۶۰۵ (۴ /)
- (۱۳) ۸/۳ آداب آمیزش *** ۶۱۱ (۳ /)
- (۱۳) ۱۸/۴ آنچه پیش از آمیزش، بایسته است *** ۶۱۱ (۴ /)
- (۵) الف چیرگی شهوت *** ۶۱۱ (۵ /)
- (۵) ب انتخاب زمان مناسب *** ۶۱۱ (۵ /)
- (۵) ج پوشیده داشتن *** ۶۱۵ (۵ /)
- (۵) د دعا *** ۶۱۷ (۵ /)
- (۵) ه آرامش *** ۶۱۹ (۵ /)
- (۱۳) ۲۸/۴ آنچه به هنگام آمیزش بایسته است *** ۶۲۱ (۴ /)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۱
- (۵) الف بازی *** ۶۲۱ (۵ /)
- (۵) ب پرهیز از شتاب‌ورزی *** ۶۲۳ (۵ /)
- (۵) ج خودداری از سخن گفتن *** ۶۲۵ (۵ /)
- (۵) د وضو برای بازگشتن *** ۶۲۵ (۵ /)
- (۵) ه غسل پس از احتلام *** ۶۲۵ (۵ /)

- (۱۳) ۳۸/۴ آنچه پس از آمیزش، بایسته است*** ۶۲۷ (۴/)
- (۵) الف پیشاب کردن*** ۶۲۷ (۵/)
- (۵) ب شستن شرمگاه*** ۶۲۷ (۵/)
- (۵) ج غسل*** ۶۲۷ (۵/)
- (۵) د خوردن عسل*** ۶۲۹ (۵/)
- (۱۳) ۹/۳ آنچه انسان را بر آمیزش یاری می دهد*** ۶۲۹ (۳/)
- (۱۳) ۱۹/۴ خوردن زردک*** ۶۲۹ (۴/)
- (۱۳) ۲۹/۴ خوردن خرماى بَرْنِي*** ۶۳۱ (۴/)
- (۱۳) ۳۹/۴ خوردن انجیر*** ۶۳۱ (۴/)
- (۱۳) ۴۹/۴ خوردن خربزه*** ۶۳۱ (۴/)
- (۱۳) ۵۹/۴ خوردن پیاز*** ۶۳۳ (۴/)
- (۱۳) ۶۹/۴ خوردن تخم مرغ*** ۶۳۳ (۴/)
- (۱۳) ۷۹/۴ خوردن تخم مرغ همراه با پیاز و روغن زیتون*** ۶۳۳ (۴/)
- (۱۳) ۸۹/۴ خوردن تخم مرغ با گوشت*** ۶۳۵ (۴/)
- (۱۳) ۹۹/۴ خوردن هوبره*** ۶۳۷ (۴/)
- (۱۳) ۱۰۹/۴ خوردن حلیم*** ۶۳۷ (۴/)
- (۱۳) ۱۱۹/۴ خوردن سویق با روغن زیتون*** ۶۳۷ (۴/)
- (۱۳) ۱۲۹/۴ نوشیدن شیر با عسل*** ۶۳۹ (۴/)
- (۱۳) ۱۳۹/۴ استفاده از مُشْكَك*** ۶۳۹ (۴/)
- (۱۳) ۱۴۹/۴ بوی خوش*** ۶۳۹ (۴/)
- (۱۳) ۱۵۹/۴ شانه زدن موها*** ۶۴۱ (۴/)
- (۱۳) ۱۶۹/۴ سر مه کشیدن*** ۶۴۱ (۴/)
- دانشنامه احادیث پزشکی، ج ۱، ص: ۷۱۲
- (۱۳) ۱۷۹/۴ خضاب کردن*** ۶۴۱ (۴/)
- (۱۳) ۱۸۹/۴ نوره کشیدن*** ۶۴۳ (۴/)
- (۱۳) ۱۰/۳ آنچه از توان جنسی می کاهد*** ۶۴۳ (۳/)
- (۱۳) ۱۱۰/۴ روزه*** ۶۴۳ (۴/)
- (۱۳) ۲۱۰/۴ وا گذاردن مو*** ۶۴۵ (۴/)
- (۱۳) ۳۱۰/۴ کفش مشکی*** ۶۴۷ (۴/)
- (۲) فصل چهاردهم: جنین*** ۶۴۹ (۲/)
- (۱۴) ۱/۳ تحوّل جنین*** ۶۴۹ (۳/)
- (۱۴) ۲/۳ غذای جنین*** ۶۵۷ (۳/)
- (۱۴) ۳/۳ غذاهایی که برای جنین، سودمند است*** ۶۵۹ (۳/)

- (۱۴) (۳/۴) نوع جنین*** ۶۵۹ (۳/)
- (۱۴) (۳/۵) راز همانندی*** ۶۶۱ (۳/)
- (۱۴) (۳/۶) مدت بارداری*** ۶۷۱ (۳/)
- (۱۴) (۳/۷) سقط کردن جنین*** ۶۷۳ (۳/)
- (۱۴) (۳/۸) شستن نوزاد*** ۶۷۵ (۳/)
- (۱۴) (۳/۹) گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد*** ۶۷۷ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۰) گشودن کام نوزاد*** ۶۷۷ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۱) تراشیدن سر نوزاد*** ۶۷۹ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۲) عقیقه کردن برای نوزاد*** ۶۷۹ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۳) غذای تازه‌زا*** ۶۷۹ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۴) تأکید بر شیر مادر*** ۶۸۱ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۵) انتخاب شیرده مناسب*** ۶۸۱ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۶) کسی که شایسته انتخاب برای شیردهی است*** ۶۸۳ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۷) کسانی که نباید آنان را به دایگی گرفت*** ۶۸۳ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۸) آداب شیردهی*** ۶۸۵ (۳/)
- (۱۴) (۳/۱۹) زمان شیردهی*** ۶۸۷ (۳/)

[۱۵۵۷]

[۱] (۱) چنان که از امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود: «بِالْعَافِيَةِ تَوْحِيدُ لَدَّةِ الْحَيَاةِ؛ لَدَّتْ زَنْدَاقِي بَا عَافِيَتِ (سلامت) به دست می‌آید» (غرر الحکم، ح ۴۲۰۷).

[۲] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳ ح ۴.

[۳] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳ ح ۱.

[۴] (۱) شعرا، آیه ۸۰.

[۵] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۵۳ پزشکی از دیدگاه اسلام/ شفا از خداوند است).

[۶] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۴۷ پزشکی از دیدگاه اسلام/ هر دردی را درمانی است).

[۷] (۴) نهج البلاغه: خطبه ۱۰۸، عیون الحکم و المواعظ: ص ۳۱۹ ح ۵۵۶۴.

[۸] (۱) الطَّبُّ: «مَثَلَةُ الطَّاءِ، عِلَاجُ الْجِسْمِ وَ النِّفْسِ؛ طَبٌّ، بِه مَعْنَى دِرْمَانِ تَنْ وَ رَوَانِ اسْتِ» (القاموس المحیط، ج ۱، ص ۹۶).

[۹] (۱) الأَمَالِي، طُوسِي، ص ۱۴۶، ح ۲۴۰، تحف العقول، ص ۲۰۳، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۵۱، ح ۸.

[۱۰] (۱) مائده، آیه ۱۶.

[۱۱] (۲) نساء، آیه ۱۳۴.

[۱۲] (۳) به استثنای مواردی که حکمت الهی به دلیل مسائل تربیتی بیماری فردی را اقتضا نماید (ر. ک: ج ۱، ص ۱۲۶، حکمت

بیماری).

[۱۳] (۱) علل الشرائع، ص ۵۹۲، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۶۶. همچنین، ر. ک: ج ۱، ص ۸۵ ح ۶۵.

[۱۴] (۱) تصحيح الاعتقاد، ص ۱۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۵.

[۱۵] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۵، ح ۶.

[۱۶] (۱) ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۵۳ (ویژگی های علمی اهل بیت علیهم السلام) و ص ۲۷۹ (درهای علوم اهل بیت علیهم السلام) و ص ۳۰۹ (مبادی علوم اهل بیت علیهم السلام)، دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۰ (دانش های امام علی علیه السلام).

[۱۷] (۲) ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۳۳۳ (چگونگی علوم اهل بیت علیهم السلام).

[۱۸] (۳) ر. ک: دانش نامه امیر المؤمنین علیه السلام، ج ۱۰، ص ۳۳۱ (باب دهم: پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من پرسید).

[۱۹] (۴) الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲، ح ۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱، ح ۱، معانی الأخبار، ص ۱۰۱، ح ۲، کمال الدین، ص ۶۸۰، ح ۳۱، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۶.

[۲۰] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳، ح ۱.

[۲۱] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۳۳، ح ۲ و ۳ و ص ۳۵، ح ۵.

[۲۲] (۱) الاعتقادات، صدوق، ص ۱۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴.

[۲۳] (۱) آل عمران، آیه ۴۹.

[۲۴] (۱) این بخش به خواست خدا در کتاب نهج الدعاء، خواهد آمد.

[۲۵] (۱) گفتنی است که شماری از احادیثی که انتساب آنها به اهل بیت علیهم السلام بسیار ضعیف ارزیابی شد، در جمع بندی نهایی حذف گردید.

[۲۶] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۴۴۸. همچنین ر. ک: ج ۱، ص ۳۰۱ (آنچه چشم را جلا می دهد و تقویت می کند/ سرمه کشیدن با سنگ سرمه ائمه).

[۲۷] (۳) عنوان طرح: «بررسی آثار ضد میکروبی سرمه ائمه بر روی پنج نوع باکتری گرم مثبت و گرم منفی در محیط Iortivn».

مجری طرح: آقای احمد سعادتفر. همکاران طرح: دکتر مریم میرزایی، دکتر علیرضا فرومدی و دکتر محمدرضا مشکوه. تاریخ تصویب: ۱۳۷۹ / ۵ / ۲۲. پایان طرح: ۱۳۸۰ / ۶ / ۴. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کرمان.

[۲۸] (۱) مجری طرح: آقای احمد سعادتفر. همکاران: دکتر مجید محمودی، دکتر علیرضا فرومدی و دکتر الهه کریمیان.

[۲۹] (۱) رجال الکشی، ج ۲، ص ۴۹۰، ح ۴۰۱، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۰، ح ۶۲.

[۳۰] (۲) الکافی، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۴، منیة المرید، ص ۳۷۳، الإرشاد، ج ۲، ص ۱۸۶، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۸. همچنین، ر. ک: اهل بیت در قرآن و حدیث، ج ۱، ص ۲۶۱ (حدیث آنها، حدیث پیامبر خداست).

[۳۱] (۱) گفتنی است طبق معمول، مؤلف، ترجمه کتاب را نیز ملاحظه می کند و اصلاحاتی را که لازم بداند، انجام می دهد.

[۳۲] (۱) کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۷، معدن الجواهر، ص ۲۵، الرواشح السماویة، ص ۲۰۲، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۵۲.

[۳۳] (۲) معدن الجواهر، ص ۴۰، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۹، أعلام الدین، ص ۸۳، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۳ کلها عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۴۲.

[۳۴] (۲) معدن الجواهر، ص ۴۰، کنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۰۹، أعلام الدین، ص ۸۳، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۳ کلها عن الإمام

علّي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ١، ص ٢١٨، ح ٤٢.

[٣٥] (٣) تحف العقول، ص ٢٠٨.

[٣٦] (٤) تحف العقول، ص ٢٨٦ عن جابر بن يزيد الجعفي، بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ١٦٤، ح ١.

[٣٧] (١) تحف العقول، ص ٣٢١، بحار الأنوار، ج ٧٨، ص ٢٣٥، ح ٩.

[٣٨] (٢) فرج المهموم، ص ٢٢، بحار الأنوار، ج ٥٨، ص ٢٧٥، ح ٦٤.

[٣٩] (٣) في المصدر: «جعل»، والتصويب من بحار الأنوار و الخصال.

[٤٠] (٤) في المصدر: «كان»، والتصويب من بحار الأنوار و الخصال.

[٤١] (٥) في المصدر: «يَمْتَطِيه»، والتصويب من بحار الأنوار و المصدرين الآخرين. و مِطُتٌ غيرى و أَمَطُتُهُ: أى نَحَيْتُهُ (الصحاح، ج

٣، ص ١١٦٢).

[٤٢] (٦) في الخصال: «ليسند»، و هو الأنسب.

[٤٣] (٧) في المصدر «رقيقا»، والتصويب من بحار الأنوار و الخصال.

[٤٤] (٨) في المصدر: «فيتروّح» والتصويب من المصادر الاخرى. و الرّواح و الرّائحة: من الاستراحة. و قد أراحنى و روّح عنى

فاسترحت (لسان العرب، ج ٢، ص ٤٦١).

[٤٥] (٩) في بحار الأنوار و المصدرين الآخرين: «إذ» بدل «إذا».

[٤٦] (١٠) علل الشرائع، ص ٩٩، ح ١، الخصال، ص ٥١٢، ح ٣، المناقب لابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٢٦٠، بحار الأنوار، ج ١٠، ص

٢٠٥، ح ٩.

[٤٧] (١) صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧٢٩، ح ٦٩، المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٤٤٥، ح ٨٢١٩ السنن الكبرى، ج ٩، ص

٥٧٧، ح ١٩٥٥٨ كلّها عن جابر، الفردوس، ج ٣، ص ٣٣٦، ح ٥٠١٠ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، كنز العمال،

ج ١٠، ص ٦، ح ٢٨٠٨٦؛ بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٧٦.

[٤٨] (٢) دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٤٤، ح ٥٠٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٧٣، ح ٣٠.

[٤٩] (٣) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٩، ح ٢٤٦٠، الدعوات، ص ١٨٠، ح ٤٩٨ و ح ٤٩٩ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٦٨، ح

٢٠.

[٥٠] (٤) دعائم الإسلام، ج ٢، ص ١٤٣، ح ٤٩٩، السرائر، ج ٣، ص ١٣٨، الجعفریات، ص ١٦٧ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢،

ص ٦٥؛ تاريخ بغداد، ج ٩، ص ١٩٨، الفردوس، ج ٢، ص ٤٨، ح ٢٢٧٥ كلاهما عن اسامة بن شريك نحوه.

[٥١] (٥) المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٤٤٥، ح ٨٢٢٠، المصنّف لابن أبى شيبة، ج ٥، ص ٤٢١، ح ٥، المعجم الأوسط، ج

٢، ص ١٥٧، ح ١٥٦٤، مسند أبى يعلى، ج ٥، ص ٩٣، ح ٥١٦١ عن عبد الله بن مسعود، تاريخ بغداد، ج ٣، ص ٤٣٧ عن أبى هريرة و

الثلاثة الأخيرة نحوه، كنز العمال، ج ١٠، ص ٥، ح ٢٨٠٧٩.

[٥٢] (١) تاريخ بغداد، ج ١٤، ص ٣٤٨.

[٥٣] (٢) المصنّف لابن أبى شيبة، ج ٥، ص ٤٢١، ح ١، مسند الشهاب، ج ٢، ص ١٧، ح ٧٩٦، مسند ابن حنبل، ج ٩، ص ٥٣، ح

٢٣٢١٦ نحوه؛ بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٧٢، ح ٢٧.

[٥٤] (٣) غرر الحكم، ح ٧٢٧٤ و ٧٢٧٥، عيون الحكم و المواعظ، ص ٤٠١، ح ٦٧٦٣ و ٦٧٦٤.

[٥٥] (٤) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٠٩ و فيه «العبد المؤمن ببلاء» بدل «البدن بداء».

[٥٦] (١) المعجم الكبير، ج ١٢، ص ١٣١، ح ١٢٧٨٤ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ١٠، ص ٥، ح ٢٨٠٨١.

- [۵۷] (۲) کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵، ح ۲۸۰۸۲ نقلًا عن ابن السنی عن ابن عباس.
- [۵۸] (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۳۷، ح ۳۴۳۷، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۵۳، ح ۲۱۴۸ نحوه، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱۱، ص ۱۸، ح ۱۹۷۷۷ عن الزهري؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۷.
- [۵۹] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۸۰، ح ۲۴۶۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۱، ح ۳۰.
- [۶۰] (۵) إحياء علوم الدين، ج ۴، ص ۴۱۳؛ المحجّة البيضاء، ج ۷، ص ۴۳۲.
- [۶۱] (۱) الشعراء: ۸۰.
- [۶۲] (۲) الطب النبوي لابن قيم، ص ۱۷.
- [۶۳] (۳) علل الشرائع، ص ۵۲۵، ح ۱ عن أحمد بن أبي عبد الله البرقي بإسناده، الاعتقادات، ص ۱۱۶، الكافي، ج ۸، ص ۸۸، ح ۵۲، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۳۶ كلاهما عن زياد بن أبي الحلال نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۲، ح ۱ و ۲.
- [۶۴] (۱) متن عربی منتخب مؤلف، چنین است «یطیب بذلك أنفسهم فسّمى الطيب لذلك». مؤلف در پاورقی با نظر به این عبارت، به نقل از علامه مجلسی چنین آورده است: مقصود آن نیست که واژه طیب از ریشه «طیب» مشتق شده است؛ چرا که یکی از این دو واژه، یعنی واژه طیب، از ریشه مضاعف و دیگری از ریشه معتل است؛ بلکه مقصود آن است که نامور شدن طیب به این نام، نه به دلیل درمان بیماری‌های جسم است، بلکه بدان علت است که دل را از اندیشه و اندوه، درمان می‌کند و خوش و خرسند می‌سازد.
- در برخی نسخه‌ها هم به جای «یطیب»، «یطّیب» آمده است. ریشه «طّب» به معنای وفق و مدارا در کار و لطف ورزیدن است و طیب را از آن روی طیب نامیده‌اند که با مدارا و با تدبیر لطیف خود، اندوه را از دل می‌گیرد؛ امّا شفای بدن به طیب تعلق ندارد (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۲، با تغییری اندک. همچنین، ر. ک: مرآة العقول، ج ۲۵، ص ۱۹۹).
- [۶۵] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۱۷۴۹۹، سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۸۶، ح ۴۲۰۷، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۲۸۰، ح ۷۱۵، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۴۹، ح ۱۵۸۹۷، مسند الحمیدی، ج ۲، ص ۳۸۲، ح ۸۶۶ و راجع: الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۷. دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۳، ح ۳۱.
- [۶۶] (۲) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.
- [۶۷] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۶۸] (۲) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.
- [۶۹] (۳) البلد الأمين، ص ۳۵۰، المصباح للكفعمی، ص ۳۵۶.
- [۷۰] (۴) البلد الأمين، ص ۴۰۶، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۹۱.
- [۷۱] (۵) المصباح للكفعمی، ص ۱۲۳، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۰۰، ح ۳۱.
- [۷۲] (۱) المصباح للكفعمی، ص ۱۱۳، البلد الأمين، ص ۶۰، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۷۵، ح ۴۵.
- [۷۳] (۲) إحياء علوم الدين، ج ۴، ص ۴۱۴؛ المحجّة البيضاء، ج ۷، ص ۴۳۳.
- [۷۴] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۶۷، ح ۳۱.
- [۷۵] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۶۷، ح ۳۲.
- [۷۶] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۳.
- [۷۷] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۹۱، (توصیه‌های پزشکی / پرهیز از مراجعه به پزشک تا سر حد امکان).
- [۷۸] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۹۱، ح ۷۳.

- [۷۹] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۹۳، ح ۷۸.
- [۸۰] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۲۰۹.
- [۸۱] (۲) الأُمالی، طوسی، ص ۵۳۷، ح ۱۱۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۶۶۱، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۸۹، ح ۳.
- [۸۲] (۱) غرر الحکم، ج ۶۷۳۱ و ح ۶۸۲۳، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۷۰، ح ۶۲۴۷.
- [۸۳] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۵.
- [۸۴] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۶۹، ح ۳۶.
- [۸۵] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۶۹، آداب طبابت و وظائف طبیب/ مسئول بودن پزشک در صورت به بار آوردن خسارت). برای آگاهی از جزئیات احکام مربوط به ضمان، به کتاب‌های فقهی مربوط به ضمان پزشک و عدم آن مراجعه شود.
- [۸۶] (۱) الکافی، ج ۸، ص ۳۴۵، ح ۵۴۵ عن أبان بن تغلب.
- [۸۷] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴، ح ۳۳.
- [۸۸] (۱) الإصابه، ج ۳، ص ۲۸۹ عن الشمر دل بن قباث.
- [۸۹] (۲) أعلام الدین، ص ۲۹۹، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۶۰، ح ۲۱.
- [۹۰] (۳) تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۸۷۸، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱، ح ۳۲۶۶.
- [۹۱] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۸، ح ۳۴۶۶، سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۱۹۵، ح ۴۵۸۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۶، ح ۷۴۸۴، سنن الدار قطنی، ج ۳، ص ۱۹۵، ح ۳۳۵ کلها عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده، كثر العمال، ج ۱۰، ص ۳۲، ح ۲۸۲۲۱.
- [۹۲] (۵) سنن الدار قطنی، ج ۳، ص ۱۹۶، ح ۳۳۶، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۲۴۲، ح ۱۶۵۳۰ كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جده، كثر العمال، ج ۱۰، ص ۳۲، ح ۲۸۲۲۲.
- [۹۳] (۱) تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۴، ح ۹۲۸ عن السكونی عن الإمام الصادق علیه السلام، الجعفریات، ص ۱۲۰ عن الإمام الكاظم عن أبيه عن جده عن الإمام زين العابدين عليهم السلام، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۶۱۷، ح ۲۶ عن السكونی عن الإمام الباقر عن أبيه عليهما السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۶.
- [۹۴] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۶، الجعفریات، ص ۱۲۰ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- [۹۵] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۵۳، ح ۳۹۱۷ عن الحلبي.
- [۹۶] (۴) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۴۷۱، ح ۱۸۰۴۷، كثر العمال، ج ۱۵، ص ۸۵، ح ۴۰۲۰۳.
- [۹۷] (۵) الکافی، ج ۷، ص ۳۶۴، ح ۱، التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۳۴، ح ۹۲۵ كلاهما عن السكونی عن الإمام الصادق علیه السلام، الجعفریات، ص ۱۱۹ عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عنه عليهم السلام، عوالی اللآلی، ج ۲، ص ۳۶۳، ح ۱۴، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۴۱۷، ح ۱۴۵۵ و فی آخره « یعنی إذا لم یکن ماهرًا ».
- [۹۸] (۱) مقصود از عاقله، بستگان پدری شخص (از قبیل: برادران، عموها و عموزادگان) است که دیه خطا بر عهده آنان است.
- [۹۹] (۲) در این متن، در پایان روایت، این افزوده به چشم می‌خورد: « یعنی چنانچه چیره دست نباشد ».
- [۱۰۰] (۱) قوله علیه السلام: « مأمونه » و لذا یقبل قولها فی کثیر من الامور المتعلقة بالولد و الولاده، و لو ادعی علیها التقصیر فی شیء فالقول قولها (مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۹۱ و راجع الکافی، ج ۷، ص ۱۵۶، ح ۴).
- [۱۰۱] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۲، ح ۴.
- [۱۰۲] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۳، ح ۲۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۶، ح ۱۶.

- [۱۰۳] (۴) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۷، ح ۱۷.
- [۱۰۴] (۱) علامه مجلسی می گوید: «از همین روست که در بسیاری از امور مربوط به ولادت و فرزند، سخن قابل پذیرفته می شود، و اگر کسی بر ضد وی دعوی تقصیر کند، باز هم آنچه قاعدتاً [و از مواضع انکار] پذیرفته می شود، همان سخن قابل است» (مرآة العقول، ج ۲۱، ص ۹۱).
- [۱۰۵] (۲) نوعی دارو است که برای درمان به کار می رود. مجلسی در این باره گفته است: «این نام را در کتاب های طب و لغت نیافته ایم. آنچه در کتب طب یافته ام، اسطمحقون است که دانه ای است مُسهل و برای سودا و بلغم مفید است. شاید هم آنچه در نسخه های متون آمده، تصحیف همین کلمه باشد».
- [۱۰۶] (۳) غاریقون یا اغاریقون: ریشه یک گیاه یا چیزی است که در درخت های درون تهی شده ساخته می شود و درمان زهره است. گشاینده، به جریان اندازنده اخلاط کدر. این دارو شادی آور و برای سیاتیک و مفاصل کارآمد است و هر که آن را بر خود آویخته باشد، کزدم، نیشش نمی زند.
- [۱۰۷] (۱) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنی بسطام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۶، ح ۱۰.
- [۱۰۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۳، ح ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۸، ح ۲۲.
- [۱۰۹] (۳) الفضائل، ص ۱۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۷، ح ۲.
- [۱۱۰] (۱) حصاة را در لغت به عارضه ای در مثانه تفسیر کرده اند. در این عارضه، ادرار، آن اندازه غلیظ، خون آلوده یا چرک آلود می شود که به شکل سنگ ریزه ای در می آید (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۸۳). م.
- [۱۱۱] (۱) الإصابَةُ، ج ۳، ص ۲۸۹.
- [۱۱۲] (۲) الکافی، ج ۳، ص ۲۰۶، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۱۷۶ کلاهما عن وهب بن وهب عن الإمام الصادق علیه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۳۶، ح ۴۷۸ عن أبي البختري عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۲، ح ۹.
- [۱۱۳] (۱) بدیهی است که این سخن بر فرض صدور از امام علیه السلام مربوط است به شرایط جراحی آن دوران و فقدان امکانات پزشکی.
- [۱۱۴] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴، ح ۳۲.
- [۱۱۵] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۴، ح ۱.
- [۱۱۶] (۳) مسائل علی بن جعفر، ص ۱۶۶، ح ۲۶۸، قرب الإسناد، ص ۲۲۷، ح ۸۸۸ و لیس فیهِ «أو بطنها»، بحار الأنوار ج ۱۰۴، ص ۳۴، ح ۹.
- [۱۱۷] (۱) در قرب الإسناد، عبارت «یا شکم» وجود ندارد.
- [۱۱۸] (۱) قرب الإسناد، ص ۲۲۷، ح ۸۸۷، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۳۳، ح ۸.
- [۱۱۹] (۲) البقرة: ۱۷۳.
- [۱۲۰] (۳) الأنعام: ۱۱۹.
- [۱۲۱] (۴) الجامع الصغير، ج ۲، ص ۵۸۸، ح ۸۵۸۱، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۲، ح ۲۸۳۱۸ کلاهما نقلًا عن أبي نعیم فی الطب عن أبي هريرة.
- [۱۲۲] (۵) فی بحار الأنوار: «الخبیث بدل الخبیثة».
- [۱۲۳] (۶) طَبُّ الْأَثَمَةِ لابنی بسطام، ص ۶۲ عن إسماعیل بن محمد، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۷، ح ۱۳.

[۱۲۴] (۱) امام خمینی قدس سره در تحریر الوسیله چنین اظهار می‌فرماید: «از اصل حرمت نگاه و لمس میان مرد و زن نامحرم، مقام درمان، آن هم در صورتی که همجنس وجود نداشته باشد، استثنا می‌شود، مثل گرفتن نبض در صورتی که این کار با ابزاری از قبیل درجه و همانند آن امکانپذیر نباشد، یا همانند رگزنی، حجامت، درمان شکستگی و کارهایی از این قبیل و نیز مقام ضرورت، از این قبیل که نجات شخص از غرق شدن یا از آتش، متوقف بر نگاه کردن و لمس کردن باشد. اما اگر ضرورت تنها نگاه کردن یا فقط لمس کردن را اقتضا کند و آن دیگری را اقتضا نداشته باشد یا علاج، متوقف بر یکی از اینها باشد، به همان اندازه که اضطرار است، بسنده می‌شود. در مورد اضطرار نیز باید به مقدار اضطرار بسنده کرد و نه انجام دادن آن فعل دیگری که اضطرار ندارد، جایز است و نه تعدی از آن».

[۱۲۵] (۱) مسند أبي يعلى، ج ۶، ص ۲۷۰، ح ۶۹۳۰، صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۲۳۳، ح ۱۳۹۱، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۴۰، ح ۸۲۸۷، ذم المسکر لابن أبي الدنيا، ص ۳۸، ح ۱۲ و فيه «دفعه برجله فکسره».

[۱۲۶] (۲) صحيح مسلم، ج ۳، ص ۱۵۷۳، ح ۱۲، سنن أبي داوود، ج ۴، ص ۷، ح ۳۸۷۳، المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۱۴، ح ۱۵، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۴۳۱، ح ۱ کلها نحوه، كتر العمال، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۱۳۷۵۶.

[۱۲۷] (۳) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۳، ح ۲۲۹ عن إسماعيل بن الحسن المتطّيب، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۷، ح ۱۶.

[۱۲۸] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۳، ح ۲ عن عمر بن اذينة، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۴۶۲، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۶، ح ۱۰.

[۱۲۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۴، ح ۸، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۷، ح ۱۲.

[۱۳۰] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۴۱۴، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۱۳، ح ۴۹۰ كلاهما عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۹، ح ۱۸.

[۱۳۱] (۱) در ذم المسکر ابن أبي الدنيا آمده است: «... پیامبر صلی الله علیه و آله، آن ظرف را با پای خویش، هل داد و شکست و فرمود:....».

[۱۳۲] (۱) مسائل علی بن جعفر، ص ۱۱۸، ح ۵۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۳، ح ۳ و ج ۶۶، ص ۴۹۲، ح ۳۲.

[۱۳۳] (۲) النحل: ۶۹.

[۱۳۴] (۳) تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۶۴، ح ۴۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۸۳، ح ۴.

[۱۳۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۲۴۲، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۶۲، ح ۱۱۷۵، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۲۸، ح ۵۵۳، الاختصاص، ص ۱۰۳، علل الشرائع، ص ۴۸۳، ح ۱، الأمالی للصدوق، ص ۵۳۰، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۳۴، ح ۲.

[۱۳۶] (۱) الخصال، ص ۲۲۹، ح ۶۷، الدعوات، ص ۷۴، ح ۱۷۳، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۲.

[۱۳۷] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۴، ح ۱۰۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۲، ح ۳۷.

[۱۳۸] (۱) خلا: آب دست جای. متوضاً، کنیف، مبرز، مستراح (لغت نامه دهخدا).

[۱۳۹] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۲.

[۱۴۰] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۹، ح ۲۴۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۶، ح ۱۴.

[۱۴۱] (۳) اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۷۶، الإصابة، ج ۷، ص ۲۰۴ كلاهما عن أبي طرفه الكندی.

[۱۴۲] (۴) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۱۸۱.

[۱۴۳] (۵) شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۳۰۰، ح ۴۲۲.

[۱۴۴] (۶) نهج البلاغه، الحکمة ۲۷، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۴، ح ۷.

- [۱۴۵] (۷) الخصال، ص ۶۲۰، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۰، ح ۲۴.
- [۱۴۶] (۸) تحف العقول، ص ۳۲۱، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۴، ح ۵۳.
- [۱۴۷] (۱) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۱ عن سالم بن أبي خيثمة، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۵، ح ۸.
- [۱۴۸] (۲) الخصال، ص ۲۶، ح ۹۱ عن إسماعيل بن أبي زياد، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۴، ح ۵.
- [۱۴۹] (۳) علل الشرائع، ص ۴۶۵، ح ۱۷ عن بكر بن صالح الجعفری، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۶۳، ح ۴.
- [۱۵۰] (۴) الفضائل، ص ۱۲۹ عن ابن مسعود، بحار الأنوار، ج ۸، ص ۱۴۴، ح ۶۷.
- [۱۵۱] (۵) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۰، ح ۵.
- [۱۵۲] (۶) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۴۲ عن الإمام علي عليه السلام، الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۷۹، عوالي اللآلي، ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۷۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۵؛ كنز العمال، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۰۵ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.
- [۱۵۳] (۱) المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۲۴۵، ح ۷۴۰۰ عن ابن عمر، سبل الهدى و الرشاد، ج ۱۲، ص ۱۲۸ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن أبي هريرة.
- [۱۵۴] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۶۵، ح ۲۳۸۷ عن السكوني بإسناده، المحاسن، ج ۲، ص ۷۹، ح ۱۲۰۳ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۳، ح ۱۷۸۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۲۱، ح ۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۲۲، ح ۸۹۵۴ عن أبي هريرة، السنن الكبرى، ج ۷، ص ۱۶۵، ح ۱۳۵۸۸ عن ابن عمر و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۶، ص ۷۰۱، ح ۱۷۴۷۱.
- [۱۵۵] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۱۲۱، ح ۴۵۷، ثواب الأعمال، ص ۶۴، ح ۶، المحاسن، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۱۴۰، كلها عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و في كلها «مصحة للبدن»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۸.
- [۱۵۶] (۴) في جميع المصادر: «تكفوا» بدل «تكفون».
- [۱۵۷] (۵) الكافي، ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۱ عن خالد القلانسي عن الإمام الصادق عليه السلام، ثواب الأعمال، ص ۷۰، ح ۳، الدعوات، ص ۷۶، ح ۱۸۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۱۸۰۵ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام و كلها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۷.
- [۱۵۸] (۶) في بحار الأنوار: «و اللباس اللتين».
- [۱۵۹] (۷) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.
- [۱۶۰] (۱) صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۹، ح ۱۴۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.
- [۱۶۱] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۶ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۱۹۸ و فيه «الغسل» بدل «العسل»، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۳ و ليس فيه «و العسل نُشِرة» و «و النظر إلى»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۱، ح ۳؛ ربيع الأبرار، ج ۳، ص ۴۶۲ و فيه «الغسل» بدل «العسل».
- [۱۶۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۵ عن أبي البختری، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۱۹.
- [۱۶۳] (۴) البقرة: ۶۹.

- [۱۶۴] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۶ عن جابر الجعفی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۷، ح ۵۹، مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۷۴ کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه.
- [۱۶۵] (۶) الخصال، ص ۱۵۵، ح ۱۹۴ عن معاویة بن عمّار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۹، روضة الواعظین، ص ۳۳۶، طبّ الأئمّة لابنی بسطام، ص ۴. انظر تمام الحديث فی ج ۲، ص ۲۳۰، ح ۱۵۷۰.
- [۱۶۶] (۷) راجع: ج ۲ ص ۲۶۴ (الجبن).
- [۱۶۷] (۸) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۵، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۷۹۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶، ح ۱۴۵۳ و فیهما «الجوز» بدل «الجزز» و «السكر» بدل «الماء الفاتر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۸.
- [۱۶۸] (۱) علامه مجلسی می گوید: «النشوة (تعویذ)»، آن چیزی است که غم و اندوه‌هایی را که خیال می‌کرده‌اند ناشی از جن و جن‌زدگی است، برطرف می‌کند. ابن اثیر، آن را چنین تفسیر کرده است: نوعی تعویذ و درمان است و به وسیله آن، کسانی که گمان جن‌زده شدن آنان بوده، درمان می‌شده‌اند. از آن رو، آن را «نشوه» نامیده‌اند که دردی را که به جان شخص درآمیخته است، برطرف می‌کند و از میان بر می‌دارد و می‌پراکند. یادآوری دو نکته لازم است: یک. افزون بر ابن اثیر که سخن پیش گفته از او نقل شد، صاحبان دیگر فرهنگ‌های کهن زبان عربی نیز همین معنا را ذکر کرده‌اند. برای نمونه ر. ک: صحاح اللغة، ج ۲، ص ۸۲۸، لسان العرب، ج ۵، ص ۲۰۹، مختار الصحاح، ص ۳۲۸، تاج العروس، ج ۳، ص ۵۶۶. دو. از آن رو که این سخن و تشبیه نهفته در آن، ناظر به فضایی است که از تعویذ و سحر و جز آن برای درمان بهره‌جسته می‌شده و گویا در نگاه عموم مردم، تأثیر نیز داشته، مقصود استعاری از تعویذ در اینجا، شادی و نشاط است، آن‌سان که چون به تعویذی یا به افسونی بیماری‌ای به سرعت رخت بربندد، شادی و آسایش بر جایش می‌نشیند. م.
- [۱۶۹] (۲). در مکارم الأخلاق و ربیع الأبرار به جای «عسل»، «غسل» آمده است.
- [۱۷۰] (۳). برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۱۵۷۱.
- [۱۷۱] (۴). در این باره ر. ک: ج ۲ ص ۲۶۵ (پنیر).
- [۱۷۲] (۱) المحاسن، ج ۱، ص ۷۸، ح ۴۰، الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۷ عن جعفر بن خالد و لیس فیه «و غسل الرأس ...» و ح ۳۸ عن صهیب بن عتیاد عن أبیه عن الإمام الصادق عن أبیه عن جدّه علیهم السلام و لیس فیه «فی الحَمَام و غیره» و فیهما «النشوة» بدل «النشوة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۲، ح ۲.
- [۱۷۳] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۱، ح ۹.
- [۱۷۴] (۳) فی بحار الأنوار: «فلیأکل کلّ یوم شیئا رطبا بارداً».
- [۱۷۵] (۴) فی بحار الأنوار: «یقلّ الحركة» بدل «یقلّ الانتصاب».
- [۱۷۶] (۵) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵.
- [۱۷۷] (۱). در المحاسن و الخصال، به جای کلمه «النشوة»، یعنی تعویذ، واژه «النشوة»، یعنی شور سرمستی آمده است.
- [۱۷۸] (۲) پیشینیان، به چهار مزاج اصلی معتقد بودند: صفاوی گرم و خشک، دموی گرم و مرطوب، سوداوی یا مالخیولیایی سرد و خشک، و سرانجام، بلغمی سرد و مرطوب.
- [۱۷۹] (۳). در طبّ الإمام الرضا علیه السلام به جای «هر روز چیزی تر بخورد»، عبارت «هر چیز سرد و نرم را بخورد» و به جای «حرکت کند» عبارت «راست بایستد»، آمده است.
- [۱۸۰] (۱). هکذا فی المصدر، و لعلّ الصحیح: «التروّج».
- [۱۸۱] (۲) المواعظ العددیة، ص ۲۱۱.

- [۱۸۲] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۰ نقلًا عن طَبِّ النبي صلى الله عليه وآله، ص ۲ و فيه «المحذورين» بدل «المحرورين» و الظاهر أن ما في بحار الأنوار أصح.
- [۱۸۳] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۲، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۸ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و ليس فيه من «و لثقل...»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۱، ح ۱؛ غريب الحديث لابن قتيبة، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۳ نحوه.
- [۱۸۴] (۵) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۶، الأملی للطوسی، ص ۶۶۶، ح ۱۳۹۵ عن أبي غندر عن الإمام الصادق عليه السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۲ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام و زاد فيه «و لیجود الحذاء»، طَبِّ الأئمة لابنی بسطام، ص ۲۹ عن حریر عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و فيها «الغذاء» بدل «الغذاء» و ليس فيها «و لیؤخر العشاء» و كلها عن الإمام علی عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۷، ح ۴۳ و ص ۲۶۲، ح ۱۹؛ عيون الأخبار لابن قتيبة، ج ۳، ص ۲۷۱ و زاد فيه «و ليلبس الحذاء»، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۲۴ كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۷، ح ۲۸۴۷۲ عن النزال بن سبرة.
- [۱۸۵] (۱) در طَبِّ النبي صلى الله عليه وآله به جای «گرم مزاجان»، عبارت «حذر کنندگان» آمده؛ امّا ظاهراً همان که در بحار الأنوار آمده، درست تر است.
- [۱۸۶] (۲) ظاهراً این توصیه، ناظر به نظام دو وعده‌ای در تنظیم وعده‌های غذاست که در دیگر متون به نوعی بدان سفارش شده است. م.
- [۱۸۷] (۳) ظاهراً مقصود، ترغیب به گرسنه نخوابیدن است.
- [۱۸۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۲۹۰، ح ۳ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰، عن أبي بصير و محمد بن مسلم، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۱، ح ۱۵۸۹ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام و فيهما «الرزق» بدل «العمر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۳، ح ۶.
- [۱۸۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۱۵۹۴، الدعوات، ص ۱۴۲، ح ۳۶۵ عن الإمام علی عليه السلام و فيه «غسل اليدين قبل الطعام و بعده؛ زيادة في الرزق و يجلو البصر و يذهب الفقر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۵۶، ح ۲۰.
- [۱۹۰] (۳) المواعظ العددية، ص ۳۶۸.
- [۱۹۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۱۹۶، ح ۱۵۷۱ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۳، ح ۱۰.
- [۱۹۲] (۵) تحف العقول، ص ۳۱۷، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۲۳۰، ح ۱۵.
- [۱۹۳] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۹۴] (۱) در الخصال و المحاسن به جای «عمر»، «روزی» آمده است.
- [۱۹۵] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۴، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷ و فيهما «أكل القديد الغاب» بدل «و الغشيان على الامتلاء»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۰، ح ۳۲.
- [۱۹۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۸، ح ۱۱۳۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۵، ح ۱۹.
- [۱۹۷] (۳) راجع: ج ۲، ص ۲۶۵ (الجبن).
- [۱۹۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۶، الأملی للطوسی، ص ۳۶۹، ح ۷۹۰ عن علی بن علی

- بن رزین عن الإمام الرضا عن آباءه عن الإمام زين العابدين عليهم السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۶۴، ح ۳۲ و ص ۶۵، ح ۳۵. [۱۹۹] (۵) یوسف: ۸۴.
- [۲۰۰] (۱). در الکافی و المحاسن به جای «آمیزش کردن با شکم پُر»، عبارت «خوردن گوشت خشک شده» آمده است.
- [۲۰۱] (۱) الأُمالی للطوسی، ص ۵۱۲، ح ۱۱۱۹ عن عبد الله بن محمّد بن عمر بن علی بن أبی طالب، عن الإمام الباقر عن آباءه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۵۸، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۷۶، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۳۲۶، ح ۴؛ تاریخ دمشق، ج ۴۷، ص ۴۴۰ عن عبد العزيز بن حصین عن عیسی علیه السلام، الأحکام النبویة فی الصنعة الطبیة، ج ۱، ص ۱۷۹ عن الإمام علی علیه السلام نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۴۴۲، ح ۷۳۵۶ نقلًا عن الحارث و ابن السنی و أبی نعیم فی الطب عن أبی هریره.
- [۲۰۲] (۲) مسند الشهاب، ج ۱، ص ۵۴، ح ۳۲ عن عبد الله بن الزبیر، الفردوس، ج ۲، ص ۷۵، ح ۲۴۲۱ كلاهما عن الإمام علی علیه السلام، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۰، ح ۴۴۱۳۴: نهج البلاغة: الحکمة ۱۴۳، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶، ح ۵۹۰۴ عن زرارة عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۲۰، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۸۰، ح ۲۵.
- [۲۰۳] (۳) غرر الحکم، ح ۱۶۳۴.
- [۲۰۴] (۴) غرر الحکم، ح ۱۰۳۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۳، ح ۵۹۵ و فيه «يُنحل البدن» بدل «يذيب الجسد».
- [۲۰۵] (۵) غرر الحکم، ح ۳۶۷، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۳، ح ۵۹۵.
- [۲۰۶] (۶) غرر الحکم، ح ۶۰۹، عیون الحکم و المواعظ، ص ۳۲، ح ۵۶۳.
- [۲۰۷] (۷) نهج البلاغة، الحکمة ۱۲۸، نزهة الناظر، ص ۶۵، ح ۵۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۶۸.
- [۲۰۸] (۱). در عیون الحکم و المواعظ، به جای «ذوب می کند»، عبارت «تن را نحیف می کند»، آمده است.
- [۲۰۹] (۱) الدعوات، ص ۷۵، ح ۱۷۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۶۹.
- [۲۱۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۶ عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام.
- [۲۱۱] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۵۹۳ عن الإمام الصادق عن آباءه عليهم السلام.
- [۲۱۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و كلاهما عن علی بن رثاب عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۸۹ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۲۱۳] (۵) کنز العمال، ج ۸، ص ۵۱۰، ح ۲۳۸۸۲ نقلًا عن شُعَب الإيمان عن أنس.
- [۲۱۴] (۶) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.
- [۲۱۵] (۱). در قرب الإسناد، به جای «قلب»، واژه «صلب» آمده است.
- [۲۱۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۷.
- [۲۱۷] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۶، ح ۱۸۰۴ و ص ۱۱۴، ح ۱۸۸۱ و فيه «روى أن من تطيب ... لم يكذ يفقد عقله»، ثواب الأعمال، ص ۷۷، ح ۱ عن یونس بن یعقوب، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۶، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۹۰، ح ۹.
- [۲۱۸] (۳) فی بحار الأنوار: «ولا يؤخر شَمَّ النرجس، فإنه يمنع الزکام فی مدّة أيام الشتاء».
- [۲۱۹] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.
- [۲۲۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۴۱، ح ۳ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، قرب الإسناد، ص ۷۰، ح ۲۲۳ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۳۰، ح ۶۷۷ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۹۷، ح ۱.

[۲۲۱] (۶) كنز الفوائد، ج ۲، ص ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۹۳، ح ۱۰۴.

[۲۲۲] (۱) این متن در بحار الأنوار به این صورت آمده است: «بوییدن گل نرگس را به تأخیر نیندازید؛ زیرا که استشمام آن، از ابتلا به زکام در ایام زمستان، جلوگیری می‌کند».

[۲۲۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۴۴، ح ۱۴ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۲۲۴] (۲) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۹، ح ۱۸۵ و ليس فيهما «و الحزن» و ص ۲۲۹، ح ۶۷۶، مجمع البيان، ج ۱۰، ص ۵۸۱ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام و فيه «المصلاة» بدل «للمصلاة»، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵۶۱ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۴، ح ۵.

[۲۲۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۹، ح ۱۸، علل الشرائع، ص ۵۸۳، ح ۲۳ و فيه «اللحم» بدل «الغمر»، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۴، ح ۱۷۱۷ و فيه «لا تذرُوا» بدل «لا تأوُوا» و كلها عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۹۹، ح ۱۵؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۲۷ نقلًا عن ابن عدی عن جابر بن عبد الله نحوه.

[۲۲۶] (۴) المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۵۲۷، ح ۴ عن أبي الودّاع جبر بن نوف البكالي، سبل الهدى و الرشاد، ج ۸، ص ۳۳ و فيه «النظيف» بدل «المطبق»، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۱۰، ح ۱۸۲۲۰ و فيه «المنطبق» بدل «المطبق» و كلاهما نقلًا عن مسدّد عنه عليه السلام.

[۲۲۷] (۵) صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۹۱، ح ۱۲۷۵، صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۶۸، ح ۱۳۲، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۵، ص ۵۲۷، ح ۲ كلها عن جابر، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۳۱، ح ۴۱۲۶۴.

[۲۲۸] (۶) مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۲۹۶، ح ۲۲۳۲۷ عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۲۷، ح ۴۱۲۵۱.

[۲۲۹] (۱). در سبل الهدى و الرشاد، به جای «سروش دار»، عبارت «تمیز» آمده است.

[۲۳۰] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۸۸۰۸ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۵۷، ح ۲۰۵۶، صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۲۸، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۲۱۳، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۲۹، ح ۳۴۱۱ و فيه «الإناء» بدل «الوضوء»، كنز العمال، ج ۹، ص ۴۵۰، ح ۲۶۹۲۱.

[۲۳۱] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۶۳، ح ۱۸۱۲، الموطأ، ج ۲، ص ۹۲۹، ح ۲۱، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۲۵، ح ۱۴۲۳۲، الأدب المفرد، ص ۳۵۷، ح ۱۲۲۱، صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۸۷، ح ۱۲۷۱، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۳۵۲، ح ۴۱۳۴۲؛ علل الشرائع، ص ۵۸۲، ح ۲۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۰۴، ح ۳۰.

[۲۳۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۷ عن محمد بن الحسين العلوي عن أبيه عن جدّه، بحار الأنوار، ج ۱۸، ص ۲۱۳، ح ۴۴.

[۲۳۳] (۱). در سنن ابن ماجه، به جای «آب وضوء»، واژه «ظرف» آمده است.

[۲۳۴] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۲۹۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۳۶۷، ثواب الأعمال، ص ۳۷، ح ۲ عن عيسى بن عبد الله العلوي عن أبيه عن جدّه، الدعوات، ص ۱۲۰، ح ۲۸۳ و ليس فيهما ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷، ح ۴.

[۲۳۵] (۲) الفردوس، ج ۳، ص ۵۸۴، ح ۵۸۲۶ عن ابن مسعود و راجع مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۶ و ح ۳۹۸.

[۲۳۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱ عن الحسن بن راشد، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴ عن أبي بصير، جامع الأخبار، ص ۳۳۴، ح ۹۴۳ كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۹، ح ۲.

- [۲۳۷] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱؛ كنز العمال، ج ۱۵، ص ۴۱۲، ح ۴۱۶۲۷ نقلًا عن الديلمي، عن أنس و ابن عمر نحوه.
- [۲۳۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۲، ح ۱ عن أبي بصير، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۷۹۹ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير، و محمد بن مسلم، عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۲۳۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۷، ح ۶ عن أبي سلمة السراج.
- [۲۴۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۵، ح ۱.
- [۲۴۱] (۴). في المصدر: «بالحميات»، و التصويب من نسخة المجلسي في بحار الأنوار و المصادر الاخرى.
- [۲۴۲] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۸۹، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۴۴۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۷، ح ۲۴۲۴ نحوه و كلها عن مسعدة بن صدقة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸۰، ح ۲.
- [۲۴۳] (۱) اين سخن، دلالت دارد که در آن دوران، پوشیدن کفش مشکي، ويژه دولت‌مردان بوده است.
- [۲۴۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۹۰، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸۱، ح ۵.
- [۲۴۵] (۱) همان‌طور که از دیدگاه روایات اسلامی برای درمان بیماری‌ها عوامل دیگری در کنار داروهای شناخته شده وجود دارد؛ مانند دعا، صدقه و اموری از این قبیل که شناخت آنها برای دانش طب، امکان‌پذیر نیست. ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۹ (منافع بیماری).
- [۲۴۶] (۲) ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۱۵۲.
- [۲۴۷] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۱۵۳.
- [۲۴۸] (۱) ما شما را به شرّ و خیر می‌آزماییم و به سوی ما باز می‌گردید.
- [۲۴۹] (۲) الدعوات، ص ۱۶۸، ح ۴۶۹، مجمع البیان، ج ۷، ص ۷۴، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۳۰۹، ح ۲۵.
- [۲۵۰] (۳) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۱۷۶.
- [۲۵۱] (۴) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۹، ح ۱۸۰.
- [۲۵۲] (۵) المَجازات النبویة، ص ۴۳۰، ح ۳۴۹، تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷۴، ح ۱۱؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۳۰۲، ح ۱۴۰۹، الفردوس، ج ۳، ص ۲۹۰، ح ۴۸۷۱، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۸، ح ۶۶۹۲.
- [۲۵۳] (۱) الدعوات، ص ۱۷۲، ح ۴۸۲.
- [۲۵۴] (۲) إرشاد القلوب، ص ۴۲، الدعوات، ص ۱۳۴، ح ۳۳۴ (در این متن، ذیل روایت نیامده است).
- [۲۵۵] (۳) البیان و التبيين، ج ۳، ص ۱۵۳.
- [۲۵۶] (۴) مهج الدعوات، ص ۱۳۲، بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۲۴۰.
- [۲۵۷] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۱۷۹.
- [۲۵۸] (۲) انبياء، آیه ۳۵.
- [۲۵۹] (۱) ر. ک: ج ۱، ص ۴۷، ح ۱۲.
- [۲۶۰] (۲) الألو: الاستطاعة (لسان العرب: ج ۱۴ ص ۴۱).
- [۲۶۱] (۳) الاحتجاج: ج ۲ ص ۲۲۵، ح ۲۲۳، بحار الأنوار: ج ۱۰ ص ۱۷۲، ح ۲.
- [۲۶۲] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۴۴، ح ۷۸۵۵، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۱۲۳، ح ۱۷۳۱۸، المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۲۸۴، ح ۷۸۲، كلها عن عقبه بن عامر، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۶۶۶۶.

- [۲۶۳] (۲) غرر الحكم، ح ۳۷۰، عيون الحكم و المواعظ، ص ۳۸، ح ۸۲۵.
- [۲۶۴] (۳) غرر الحكم، ح ۱۶۳۶.
- [۲۶۵] (۱) نهج البلاغة، الحكمة ۳۸۸، تحف العقول، ص ۲۰۳، الأملی للطوسی، ص ۱۴۶، ح ۲۴۰ عن أبي وجزء السعدی عن أبيه، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۸۸، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۵۱، ح ۸.
- [۲۶۶] (۲) غرر الحكم، ح ۱۰۷۲۶، عيون الحكم و المواعظ، ص ۵۴۰، ح ۹۹۹۷.
- [۲۶۷] (۳) غرر الحكم، ح ۴۶۷۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۲۱۲، ح ۴۲۳۳.
- [۲۶۸] (۴) غرر الحكم، ح ۸۱۳۸.
- [۲۶۹] (۵) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۵۱، الخصال، ص ۲۳۸، ح ۸۴ مضمراً، معدن الجواهر، ص ۴۰ وفيه «الوجع» بدل «المرض» و كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۲۹، ح ۱.
- [۲۷۰] (۱) در معدن الجواهر، به جای «بیماری»، «درد» آمده است.
- [۲۷۱] (۱) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۲۵، ح ۲۲۳، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۷۱، ح ۲.
- [۲۷۲] (۱) زندیق، معرب زندیک است و معانی مختلفی برای آن ذکر شده، از جمله: ملحد، بی دین، غیر صالح، ذهري، گروهی از مجوس که خدای را دو گویند (ر. ک: لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۴۲۷).
- [۲۷۳] (۱) كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۶، ح ۶۶۸۰ نقلًا عن الخليلی عن جرير.
- [۲۷۴] (۲) الخصال، ص ۱۱۳، ح ۸۹ عن مسعدة بن زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، الدعوات، ص ۱۷۱، ح ۴۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۳، ح ۸۲.
- [۲۷۵] (۳) مشكاة الأنوار، ص ۴۸۷، ح ۱۶۲۶، الكافي، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۸ عن حجاج وفيه «لا يمرض بأشْر» بدل «يأشْر»، كشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۱۴ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۵۸؛ المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۱۲۰، ح ۲۷ عن حجاج بن محمد نحوه، حلية الأولياء، ج ۳، ص ۱۳۴، سير أعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۹۶ كلاهما عن حجاج عن الإمام الباقر عليه السلام و كلّها عن الإمام زين العابدين عليه السلام.
- [۲۷۶] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۸۸ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضّل.
- [۲۷۷] (۱) نثر الدرّ، ج ۱، ص ۳۵۴، الدعوات، ص ۱۷۴، ح ۴۸۹، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸، ح ۱۸.
- [۲۷۸] (۲) جامع الأحاديث، ص ۸۵، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۴، ح ۸۳ نقلًا عن الإمامة و التبصرة عن السكوني، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- [۲۷۹] (۳) الجعفریات، ص ۲۴۵ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، جامع الأحاديث، ص ۸۶، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۴، ح ۸۳؛ الثقات لابن حبان، ج ۶، ص ۹۶، شعب الإيمان، ج ۷، ص ۱۸۱، ح ۹۹۲۵ كلاهما عن أبي أيوب الأنصاري، وفيهما «الأمراض» بدل «الوجع» و ح ۹۹۲۶، الفرج بعد الشدة لابن أبي الدنيا، ص ۱۹، ح ۱۲ كلاهما عن الحسن، وفيهما «الأذى» بدل «الوجع»، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۵، ح ۶۶۷۲ إلى ۶۶۷۴.
- [۲۸۰] (۴) تاريخ دمشق، ج ۶۴، ص ۱۶۱، ح ۱۳۰۸۵، الفردوس، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۷۱۳، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۲، ح ۶۷۱۱ نقلًا عن المعجم الكبير و كلّها عن أبي الدرداء.
- [۲۸۱] (۵) الفردوس، ج ۴، ص ۲۷، ح ۶۰۸۲ عن عمر بن الشريد.
- [۲۸۲] (۶) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۱۴، ح ۱۶۹۰، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۲۹۷، ح ۵۱۵۳، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۱۱۸، ح ۸ وفيه «حظّه» بدل «حظّه» و كلّها عن أبي عبيدة بن الجراح، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۹۰۲، ح ۴۳۵۵۳ و راجع

السنن الكبرى، ج ٣، ص ٥٢٤.

[٢٨٣] (٧) سنن أبي داود، ج ٣، ص ١٨٢، ح ٣٠٨٩، تهذيب الكمال، ج ١٤، ص ٨٧ نحوه و كلاهما عن عامر الرام، كتر العمال، ج ٣، ص ٣٠٧، ح ٦٦٨٦.

[٢٨٤] (١) المستدرک علی الصحیحین، ج ١، ص ٤٩٩، ح ١٢٨٦، تاریخ دمشق، ج ٥٤، ص ١٢٤، ح ١١٤٠٠ وفيه «المؤمن» بعد عبده» و «يُخَفَّف» بدل «يُكْفَرُ ذَلِكَ» و كلاهما عن أبي هريرة، المعجم الكبير، ج ٢، ص ١٢٩، ح ١٥٤٨ عن جبير بن مطعم، كتر العمال، ج ٣، ص ٣٣٥، ح ٦٨٢٠.

[٢٨٥] (٢) المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٣٤٨، ح ٧٨٧١، المعجم الكبير، ج ٨، ص ١٦٧، ح ٧٧٠١ نحوه و كلاهما عن أبي امامة، كتر العمال، ج ٣، ص ٣٠٤، ح ٦٦٦٧.

[٢٨٦] (٣) مسند ابن حنبل، ج ٥، ص ١٩٤، ح ١٥١٤٨، صحيح ابن حبان، ج ٧، ص ١٩٠، ح ٢٩٢٧ نحوه، مسند الطيالسي، ص ٢٤٦، ح ١٧٧٣ كلها عن جابر، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١٦، ح ٦٧٢٨.

[٢٨٧] (٤) اسد الغابة، ج ٣، ص ٢٥٦ عن عبد الله بن سبرة، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١٥، ح ٦٧٢٥.

[٢٨٨] (٥) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٣، ح ٢٤٣٣.

[٢٨٩] (٦) النوادر للراوندي، ص ١٥٠، ح ٢١٣، الجعفریات، ص ٣٣ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ١، ص ١٧٩ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات، ص ١٧٣، ح ٤٨٦، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٨٦، ح ٤٣؛ الفردوس، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٥٠٤ عن الإمام علي عليه السلام.

[٢٩٠] (٧) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٦٤، ح ٥٧٦٢ عن حماد بن عمرو، وأنس بن محمّد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٣٢٧، ح ٢٦٥٦ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه، عن الإمام علي عليه السلام، ثواب الأعمال، ص ٢٢٨، ح ٣ نحوه، بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٥٤، ح ٣؛ تاريخ بغداد، ج ٢، ص ١٩١ عن أبي هريرة نحوه، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١١، ح ٦٧٠٥.

[٢٩١] (١) في المصدر: «تخلصين»، والتصويب من كتر العمال.

[٢٩٢] (٢) تاريخ بغداد، ج ٣، ص ٤١١، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١٧، ح ٦٧٣٦.

[٢٩٣] (٣) سنن أبي داود، ج ٣، ص ١٨٤، ح ٣٠٩٢، المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ٤٥١، ح ١٥٦٤، المعجم الكبير، ج ٢٥، ص ١٤١، ح ٣٤٠، اسد الغابة، ج ٧، ص ٣٥٩ وفيهما «خبث الحديد» بدل «خبث الذهب والفضة»، كتر العمال، ج ٣، ص ٣٠٦، ح ٦٦٧٦.

[٢٩٤] (٤) سنن الترمذي، ج ٤، ص ٤١١، ح ٢٠٨٦، المعجم الأوسط، ج ٥، ص ٢٢٩، ح ٥١٦٦، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١٦، ح ٦٧٣٢ نقلًا عن البزار والديلمي وابن عساكر وكلها عن أنس؛ الدعوات، ص ٢٢٤، ح ٦١٨.

[٢٩٥] (٥) الفردوس، ج ١، ص ٢٦١، ح ١٠١٥ عن الإمام علي عليه السلام، كتر العمال، ج ٦، ص ٤٧٢، ح ١٦٦٠٢.

[٢٩٦] (١) في المصدر: «الذئاب»، والتصويب من كتر العمال.

[٢٩٧] (٢) معجم السفر، ص ٣٨٧، ح ١٣٠٩، كتر العمال، ج ٣، ص ٣١٢، ح ٦٧١٠ نقلًا عن الحاكم في تاريخه والديلمي و كلاهما عن أنس.

[٢٩٨] (٣) دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢١٨، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ١٧٦، ح ١٣.

[٢٩٩] (٤) نهج البلاغة: الحكمة ٤٢، الأمالي للطوسي، ص ٦٠٢، ح ١٢٤٥ عن عبد العظيم بن عبد الله الحسنی عن الإمام الجواد عن آبائه عليهم السلام، تفسير العياشي، ج ٢، ص ١٠٤، ح ٩٩ عن عبد الرحمن بن حرب و كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ٥، ص ٣١٧، ح ١٥.

- [۳۰۰] (۵) تحف العقول، ص ۲۸۰، بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۳۸، ح ۱۰؛ شرح نهج البلاغة، ج ۲۰، ص ۳۰۹، ح ۵۴۱ عن الإمام علي عليه السلام نحوه.
- [۳۰۱] (۶) ثواب الأعمال، ص ۲۲۹، ح ۱ عن محمد بن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۲۴۲۵، عده الداعي، ص ۱۱۶ عن الإمام الصادق عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۳، ح ۳۵.
- [۳۰۲] (۱) الدعوات، ص ۱۷۲، ح ۴۸۳، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۲۰ نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷۴، ح ۱۱؛ كنز العمال، ج ۳، ص ۳۳۵، ح ۶۸۲۲.
- [۳۰۳] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۴۲۲ عن أبي امامة.
- [۳۰۴] (۳) الفردوس، ج ۳، ص ۱۵۷، ح ۴۴۲۴ عن الإمام علي عليه السلام.
- [۳۰۵] (۴) المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۹۵، ح ۱۲۶۵۱ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ۴، ص ۴۰۷، ح ۱۱۱۴۰.
- [۳۰۶] (۵) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۵، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، الخصال، ص ۱۷۰، ح ۲۲۴ عن حماد بن عمرو، و كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده، عن الإمام علي عليهم السلام، الأمالي للصدوق، ص ۵۵۳، ح ۷۴۱ عن أبان بن عثمان، عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، الدعوات، ص ۲۲۴، ح ۶۱۶ نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۶۰، ح ۳ نقلًا عن مكارم الأخلاق.
- [۳۰۷] (۱) در متن عربی روایت، هفتاد «خریف» آمده و آن، کنایه از یک سال است؛ اما در روایتی که در الخصال و معانی الأخبار نقل شده، برابر با هفتاد سال معنا گردیده است.
- [۳۰۸] (۱) إرشاد القلوب، ص ۴۲.
- [۳۰۹] (۲) الکافی، ج ۲، ص ۴۴۴، ح ۱، التمهيص، ص ۳۸، ح ۳۵، كلاهما عن حمران، المؤمن: ص ۱۸، ح ۱۱، مشکاة الأنوار، ص ۲۷۴، ح ۸۲۰، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۹۸، ح ۵۴.
- [۳۱۰] (۳) التوحيد، ص ۴۰۱، ح ۳، الأمالی للصدوق، ص ۵۹۰، ح ۸۱۷، كلاهما عن محمد بن المنكدر، الدعوات، ص ۱۶۶، ح ۴۵۸، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۶، ح ۱۲.
- [۳۱۱] (۴) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۵ عن محمد بن سنان، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۵، ح ۳۹.
- [۳۱۲] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۹، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۲۴۲۴، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۰، ح ۵۷.
- [۳۱۳] (۲) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۶، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۲۴۲۳، كلاهما عن زرارة.
- [۳۱۴] (۱) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۱ و راجع: كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۶۶۶۰.
- [۳۱۵] (۲) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۳۶، حلية الأولياء، ج ۱۰، ص ۲۴، تاريخ دمشق، ج ۵، ص ۲۳۴، ح ۱۲۶۵، كلها عن أبي موسى الأشعري.
- [۳۱۶] (۳) الأمالی للطوسي، ص ۳۸۴، ح ۸۳۲ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۳، ح ۳۳؛ كنز العمال، ج ۳، ص ۳۴۰، ح ۶۸۴۳ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [۳۱۷] (۴) مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۹۷، ح ۱۲۵۰۵، مسند أبي يعلى، ج ۴، ص ۱۹۶، ح ۴۲۱۸، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۶۶۹۵؛ عوالي اللآلي، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۹ كلها عن أنس.
- [۳۱۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

- [۳۱۹] (۱) سنن الدارمی، ج ۲، ص ۷۷۲، ح ۲۶۶۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۹۹، ح ۱۲۸۷، مسند ابن حنبل، ج ۲، ص ۵۵۱، ح ۶۴۹۲، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۶۷۲۴، نقلًا عن هناد، و کلها عن عبد الله بن عمرو.
- [۳۲۰] (۲) ثواب الأعمال، ص ۲۳۰، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحمید، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۲۴۲۷ کلاهما عن الإمام الکاظم علیه السلام، عدّه الداعی، ص ۱۱۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۴، ح ۳۵.
- [۳۲۱] (۳) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۱ عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۸۳، ح ۳۲؛ مسند الطیالسی، ص ۴۶، ح ۳۴۶ عن عبد الله بن مسعود نحوه، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۰۳، ح ۶۶۶۵.
- [۳۲۲] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۵ عن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۱۸۷، ح ۳۴.
- [۳۲۳] (۲) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۴، ح ۷ عن درست، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۲۴۳۰، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۶ عن المفصل بن عمر عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام و فيه «و هو صحیح فی صحیفته» بدل «فی صحته»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۸۵، ح ۳۶.
- [۳۲۴] (۱). برای دیدن متن کامل روایت، ر.ک: ج ۱، ص ۱۴۷ ح ۱۷۷.
- [۳۲۵] (۱) ر.ک: ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۱۸۸.
- [۳۲۶] (۱) الدعوات، ص ۱۶۷، ح ۴۶۲، الأمالی للمفید، ص ۸، ح ۴ عن عبد الله بن إبراهيم، عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، تحف العقول، ص ۲۹۵ عن الإمام الباقر علیه السلام، و کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۸، ح ۲۳؛ کنز العمال، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۶۶۴۳ نقلًا عن حلیة الأولیاء، عن ابن عمر.
- [۳۲۷] (۲) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۶۹، ح ۸۷۵ عن أبي هريرة، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۷، ح ۶۷۳۸.
- [۳۲۸] (۳) ما بین المعقوفین أثبتاه من شرح نهج البلاغة.
- [۳۲۹] (۴) ربيع الأبرار، ج ۱، ص ۳۶۹، شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۹۴.
- [۳۳۰] (۱) این عبارت از شرح نهج البلاغة گرفته شده است.
- [۳۳۱] (۱) الخصال، ص ۶۳۰، ح ۱۰ عن أبي بصير، و محمد بن مسلم، عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۰، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۳، ح ۵.
- [۳۳۲] (۲) غرر الحکم، ح ۱۱۴۶، عیون الحکم و المواعظ، ص ۷۰، ح ۱۷۸۶.
- [۳۳۳] (۳) نهج البلاغة: الحکمة ۲۸۹، الکافی، ج ۲، ص ۲۳۷، ح ۲۶ عن الإمام الحسن علیه السلام، مشکاة الأنوار، ص ۴۲۱، ح ۱۴۱۷، کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۴، ح ۸.
- [۳۳۴] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۲۵۷۴، جامع الأخبار، ص ۳۱۱، ح ۸۶۰ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۱، ح ۲۸.
- [۳۳۵] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۶، الدعوات، ص ۱۶۷، ح ۴۶۶ عن رسول الله صلی الله علیه و آله نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۸، ح ۲۳.
- [۳۳۶] (۲) غرر الحکم، ح ۸۵۴۵، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۵۰، ح ۸۰۱۸.
- [۳۳۷] (۳) غرر الحکم، ح ۸۶۱۲، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۶۰، ح ۸۳۵۴.
- [۳۳۸] (۴) غرر الحکم، ح ۱۰۵۱۶، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۳۲، ح ۹۷۰۷.
- [۳۳۹] (۵) الجعفریات، ص ۲۱۱، عن الإمام الکاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷؛ الفردوس، ج ۵، ص ۵۳۷، ح ۹۰۱۴، کنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۶۷۰۶ نقلًا عن أبي نعیم، و کلاهما عن الإمام علی علیه السلام و کلها نحوه.

- [۳۴۰] (۱) الزهد لابن المبارك (الملحقات)، ص ۳۰، ح ۱۲۰ عن عبد العزيز بن عمر.
- [۳۴۱] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶، ح ۴۹۶۸، الأمالی للصدوق، ص ۵۱۷، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۶۵۵ كلها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۷۷، ح ۱۷.
- [۳۴۲] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۵، ح ۱ عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام.
- [۳۴۳] (۴) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۱۷، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۱، ح ۲۹.
- [۳۴۴] (۵) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۱، معاني الأخبار، ص ۱۴۲، ح ۱ كلاهما عن جميل بن صالح و ليس فيه من «إن الرجل» إلى هذا شكايه.
- [۳۴۵] (۱) البته اين كيفر، در صورتی است كه بی تابی، او را به كفر گویی و ارتداد، وادار سازد.
- [۳۴۶] (۱) الموطأ، ج ۲، ص ۹۴۰، ح ۵ عن عطاء بن يسار، كنز العمال، ج ۳، ص ۳۱۰، ح ۶۷۰۴ نقلًا عن الدارقطني في الغرائب، و ابن صخر في عوالي مالك، عن أبي هريرة.
- [۳۴۷] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۱۶، ح ۵، ثواب الأعمال، ص ۲۲۹، ح ۱ عن أبي عبد الرحمن، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۰، ح ۲۴۲۱، كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۵، ح ۱۱.
- [۳۴۸] (۱) الفردوس، ج ۴، ص ۱۱۸، ح ۶۳۶۸ عن أنس، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۴.
- [۳۴۹] (۲) الجامع الصغير، ج ۱، ص ۶۴۲، ح ۴۱۶۶، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۳، ح ۲۸۱۸۲، كلاهما نقلًا عن الفردوس، عن ابن عمر.
- [۳۵۰] (۳) نهج البلاغة: الحكمة ۷، الدعوات، ص ۱۸۱، ح ۵۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۹، ح ۶۲.
- [۳۵۱] (۴) الكافي، ج ۴، ص ۴، ح ۹، عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶۶، ح ۱۷۳۲، الدعوات، ص ۲۲۷، ح ۶۳۴، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۰۹، ح ۲۵.
- [۳۵۲] (۵) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۵، ح ۳۰.
- [۳۵۳] (۶) مسند زيد، ص ۱۸۱، عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عليهم السلام، الكافي، ج ۲، ص ۵۶۷، ح ۱۶ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام، الدعوات، ص ۱۹۲، ح ۵۳۱ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۹، ح ۱۹؛ صحيح ابن حبان، ج ۳، ص ۲۰۲، ح ۹۲۲، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۷۰۴، ح ۱۹۱۷، الدعاء للطبرانی، ص ۴۲۸، ح ۱۴۵۲، كلها عن عائشة نحوه، كنز العمال، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۳۶۹۸.
- [۳۵۴] (۱) مسند زيد، ص ۱۸۱ عن زيد بن علي عن أبيه عن جدّه عليهم السلام.
- [۳۵۵] (۲) السنن الكبرى للنسائي، ج ۶، ص ۱۶۵، ح ۱۰۴۸۱، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ۷، ص ۵۶، ح ۸ حلية الأولياء، ج ۷، ص ۲۳۰، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۰۱، ح ۲۸۵۱۹.
- [۳۵۶] (۳) الصحيفة السجادية، ص ۶۵ الدعاء ۱۵، الدعوات، ص ۱۷۴، ح ۴۹۰.
- [۳۵۷] (۱) الإسراء: ۵۶.
- [۳۵۸] (۲) الكافي، ج ۲، ص ۵۶۴، ح ۱، عدّة الداعي، ص ۲۵۶، الدعوات، ص ۱۹۰، ح ۵۲۸، بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۱۸، ح ۱۸.
- [۳۵۹] (۱) ثواب الأعمال، ص ۳۴۱، ح ۱ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۵، ح ۳۵.
- [۳۶۰] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۶، ح ۴۹۶۸، الأمالی للصدوق، ص ۵۱۷، ح ۷۰۷، كلاهما عن الحسين بن زيد، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، ثواب الأعمال، ص ۳۴۱، ح ۱ عن ابن عباس نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۷، ح ۹؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۵۷۱۱ عن أبي هريرة، و ليس فيه من «فقال رجل...».
- [۳۶۱] (۱) المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۴۱، ح ۶۱۰۷ عن سلمان، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۷؛ الدعوات، ص ۲۳۰، ح ۶۳۹.

- بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۴، ح ۳۲.
- [۳۶۲] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۵۴۵، ح ۲۷.
- [۳۶۳] (۳) یوسف: ۳۶.
- [۳۶۴] (۴) تفسیر القمّی، ج ۱، ص ۳۴۴، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۳۰، ح ۵.
- [۳۶۵] (۵) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۴۰، ح ۳۴۴۴، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲۰۴۰، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۰۲، ح ۱۲۹۶، و لیس فیهما «و الشراب»، و کلّها عن عقبه بن عامر، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۱، ح ۲۸۳۱۵؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۵۰۶ و لیس فیها «و الشراب»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۲، ح ۱۳.
- [۳۶۶] (۶) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۳، ح ۱۴۳۹ و ج ۲، ص ۱۱۳۸، ح ۳۴۴۰، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۵، ح ۲۸۱۴۱.
- [۳۶۷] (۱) تهذیب الأحکام، ج ۱۰، ص ۱۲۷، ح ۵۰۹ عن حذیفه بن منصور.
- [۳۶۸] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۱، ح ۱۴.
- [۳۶۹] (۳) هی الرّبیّع بنت مَعُوذ بن عفراء.
- [۳۷۰] (۴) السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۸۸۸۱، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۲۸۹، ح ۲۷۰۸۵.
- [۳۷۱] (۵) الرّباعیة: إحدى الأسنان الأربع التي تلي الثنايا، بين الثّنيّة و النّاب (لسان العرب، ج ۸، ص ۱۰۸).
- [۳۷۲] (۶) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۶۲، ح ۵۳۹۰، المعجم الکبیر، ج ۶، ص ۱۷۲، ح ۵۸۹۷.
- [۳۷۳] (۱) مقصود، رُبّع، دختر مَعُوذ بن عفراء است.
- [۳۷۴] (۱) السیره النبویة لابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۵۸۶، اسد الغابۀ، ج ۷، ص ۱۱۱ کلاهما نحوه.
- [۳۷۵] (۲) المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۱۷، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۵۶، ح ۷۴۰، حلیة الأولیاء، ج ۸، ص ۲۶۵.
- [۳۷۶] (۳) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۳، ح ۱۳۵، سنن أبی داوود، ج ۳، ص ۱۸، ح ۲۵۳۱، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۳۹، ح ۱۵۷۵، السنن الکبری للنسائی، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۷۵۵۷.
- [۳۷۷] (۱) چهار دندان واقع میان دندان‌های پیشین (ثنايا) و دندان‌های نیش را در دو فک بالا و پایین، «رباعی» می‌نامند.
- [۳۷۸] (۱) الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۴۲۵.
- [۳۷۹] (۲) الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۲.
- [۳۸۰] (۳) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۲۵، ح ۱۵۵۶، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۴، ح ۱۳۷، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۶۰، ح ۲۸۱۲؛ الخصال، ص ۲۳۵، ح ۷۵ عن عیبید الله بن علیّ الحلبي عن الإمام الصادق علیه السلام و کلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۱۹۸، ح ۴.
- [۳۸۱] (۴) صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۴۷، ح ۱۴۲، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۵۲، ح ۲۸۵۶، سنن الدارمی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۳۳۳، السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۲۷۸، ح ۸۸۸۰، و لیس فیها «و أقوم علی المرضی».
- [۳۸۲] (۱) مقصود از «حروری»، خارجی یا منسوب به خوارج است. در متون قدیم، از خوارج با واژه حروریه نیز یاد شده است. نجده نیز همان کسی است که یکی از گروه‌های عمده خوارج را به او نسبت داده‌اند. م.
- [۳۸۳] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۳۲۴، ح ۲۷۲۰۶، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۹۳.
- [۳۸۴] (۲) السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۲۷۷، ح ۸۸۷۹، مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۲۲۳۹۵ و فیها «تمرّاً» بدل «الثّمراً».
- [۳۸۵] (۱) معنای سوبق در ج ۲ صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۳۸۶] (۱) الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۵، الإصابۀ، ج ۸، ص ۳۶۱.

- [۳۸۷] (۲) الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۴۱۲، سير أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۷۸ نحوه.
- [۳۸۸] (۳) الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۴۱۶، سير أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۱.
- [۳۸۹] (۴) الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۴۱۴، سير أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۰، شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۲۶۷.
- [۳۹۰] (۱) مقصود از شب عقبه همان شبی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در آن با انصار بر اسلام آوردن آنان و یاری رساندن ایشان به اسلام بیعت کرد.
- [۳۹۱] (۲) «عمرة القضيّة» که «عمرة القضاء» نیز نامیده می‌شود، عمره‌ای است که پیامبر خدا در سال هفتم هجرت و به جای عمره‌ای که در سال ششم (در جریان غزوه‌ای که به «صلح حدیبیه» انجامید)، قصد انجام دادن آن را داشت، به جای آورد.
- [۳۹۲] (۱) الطبقات الكبرى، ج ۸ ص ۴۱، شرح نهج البلاغة، ج ۱۴، ص ۲۶۵؛ بحار الأنوار، ج ۲۰، ص ۱۳۲.
- [۳۹۳] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۸۱ ح ۴۲۲۶ عن عائشة.
- [۳۹۴] (۲) صحيح البخاری، ج ۵، ص ۲۰۵۵، ح ۵۰۵۸ و ص ۲۱۳۹، ح ۵۳۲۵، سنن أبي داوود، ج ۳، ص ۱۸۷، ح ۳۱۰۵، صحيح ابن حبان، ج ۸، ص ۱۱۶، ح ۳۳۲۴، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۶۷، ح ۴۳۴۵۱، نقلًا عن المعجم الكبير، و كلّها عن أبي موسى الأشعري.
- [۳۹۵] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۱، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو، و أنس بن محمّد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۶۵۶، كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مصادقة الإخوان، ص ۱۶۴، ح ۹ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلی الله علیه و آله، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۵۲، ح ۳؛ الإخوان لابن أبي الدنيا، ص ۱۶۱، ح ۱۰۱ عن مكحول، كنز العمال، ج ۹، ص ۲۷، ح ۲۴۷۵۸.
- [۳۹۶] (۴) مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۴۷، ح ۱۱۱۸۰، الأدب المفرد، ص ۱۵۸، ح ۵۱۸، صحيح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۱، ح ۲۹۵۵، كلاهما نحوه، و كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۵، ح ۲۵۱۴۳.
- [۳۹۷] (۱) تاريخ دمشق، ج ۳۹، ص ۱۱۴، كنز العمال، ج ۷، ص ۵۰، ح ۱۷۹۰۰.
- [۳۹۸] (۲) الجعفریات، ص ۱۵۹ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۴، ح ۲۴۳۸ و فيه «عاد صلی الله علیه و آله جارا له يهوديًا» و راجع سنن أبي داوود، ج ۳، ص ۱۸۵، ح ۳۰۹۵.
- [۳۹۹] (۳) شرح نهج البلاغة ج ۲۰، ص ۲۹۷، ح ۴۰۵.
- [۴۰۰] (۴) الجعفریات، ص ۲۴۰ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظين، ص ۴۲۵ و فيه «أحسن الحسنات عيادة المريض و أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله عيادة المريض»؛ المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۳۶، ح ۸۴۳ اسد الغابة، ج ۱، ص ۱۷۴ كلاهما عن أبي رهم السمعي، عن رسول الله صلی الله علیه و آله و فيهما «إن من الحسنات»، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۸۹۶، ح ۴۳۵۴۱.
- [۴۰۱] (۵) الكافي، ج ۲، ص ۶۳۵، ح ۳ و ج ۸، ص ۱۴۶، ح ۱۲۱ كلاهما عن حبيب الخثعمي، تفسير العتاشي، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۹۱ عن ابن سنان نحوه و فيه «سمعتة يقول...».
- [۴۰۲] (۶) حلية الأولياء، ج ۴، ص ۴۵، الدر المنثور، ج ۳، ص ۵۴۲ نقلًا عن أحمد.
- [۴۰۳] (۱) در روضة الواعظين، به جای عبارت «من أحسن الحسنات عيادة المريض» که متن برگزیده مؤلف است، عبارت «أحسن الحسنات عيادة المريض و أمرنا رسول الله صلی الله علیه و آله عيادة المريض» آمده است؛ یعنی: «عیادت بیمار، پسندیده‌ترین کارهای نیک است و پیامبر خدا، ما را به عیادت بیمار، امر فرموده است».
- [۴۰۴] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۴۴، ح ۴۱۱۱ عن ابن عمر، كنز العمال، ج ۹، ص ۹۷، ح ۲۵۱۵۴.
- [۴۰۵] (۲) الفردوس، ج ۲، ص ۱۹۳، ح ۲۹۶۲ عن أبي هريرة.

[۴۰۶] (۳) المجازات النبویة، ص ۳۸۰، ح ۲۹۵، کنز الفوائد، ج ۱، ص ۳۷۹ عن جابر بن عبد الله الأنصاري نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۲۹، ح ۴۲؛ مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۰، ح ۱۴۲۶۴ و فيه «يرجع» بدل «يجلس»، صحيح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۲، ح ۲۹۵۶، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۲۹۵، السنن الكبرى، ج ۳، ص ۵۳۴، ح ۶۵۸۳ کلها عن جابر بن عبد الله، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۰، ح ۲۵۱۷۱.

[۴۰۷] (۴) المجازات النبویة، ص ۱۱۳، ح ۸۰؛ مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۲۸، ح ۲۲۴۶۷، صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۹، ح ۳۹، صحيح ابن حبان، ج ۷، ص ۲۲۳، ح ۲۹۵۷ کلها عن ثوبان و كلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۵، ح ۲۵۱۴۲.

[۴۰۸] (۵) صحيح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۸۹، ح ۴۲، مسند ابن حنبل، ج ۸، ص ۳۲۵، ح ۲۲۴۵۲، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۱۰۱، ح ۱۴۴۵، سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۹۹، ح ۹۶۷ و ص ۳۰، ح ۹۶۸ كلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۰۱، ح ۲۵۱۷۹.

[۴۰۹] (۶) الکافی، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۱۰ عن مسعدة بن صدقة، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۲۴۵۴ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد، ص ۱۳، ح ۴۰، و فيهما «تبوات من الجنة منزلاً» بدل «بثواب من الجنة»، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۱۴، ح ۱؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۶۵، ح ۲۰۰۸، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۶۴، ح ۱۴۴۳، تاريخ دمشق، ج ۳۸، ص ۳۷۱، کلها عن أبي هريرة نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۹۴، ح ۲۵۱۳۴.

[۴۱۰] (۱) سيد رضی در تفسير این حدیث می گوید: این یک استعاره است و مقصود از آن نیز بیان فراوانی پاداش سرشار و ثواب بسیاری است که عیادت کننده بیمار از آن برخوردار می شود. از همین روی پیامبر صلی الله علیه و آله عیادت کننده را در این حالت به کسی تشبیه کرده است که در هنگام گام برداشتن به درون دریای رحمت الهی گام برمی دارد و هنگامی که نزد بیمار می نشیند، به تمام وجود در آن دریا غوطه ور می شود.

[۴۱۱] (۲) سيد رضی، در تفسير این روایت، به دو احتمال پرداخته و در این باره، چنین گفته است: «در این روایت، بنا بر هر یک از دو تفسیر، مجازی وجود دارد؛ چه، اگر مقصود از "مخارف" [در متن حدیث یعنی "عائد المريض علی مخارف الجنة"]، "جمع کلمه "مخرف" به معنای چیدن نخل باشد، در این صورت، گویا پیامبر خدا برای کسی که به عیادت بیماری برود، بر ورود وی به بهشت، گواهی داده و آن را حتمی دانسته است تا جایی که در حالی که هنوز آن بنده در دنیا، یعنی سرای تکلیف به سر می برد، از باب اعتماد کامل به بهشتی بودن وی و جای گرفتن او در این سرای امن، درباره وی با عبارتی به بیان حالش پرداخته که گویا همین اکنون، در بهشت جای گرفته و آن جا استقرار یافته است. همین نکته، خود مجاز موجود در حدیث است. اگر مقصود از "مخارف"، "جمع" مخرفه" به معنای راه باشد، چنان که از یکی از صحابیان نیز نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: "و ترکتکم علی مثل مخرفة النعم؛ شما را بر گذرگاه آشکار نعمت ها گذاردم و آن را با گام هایی که بر آن نهاده شده و آمد و شد فراوانی که در آن صورت پذیرفته است، نشانه گذاری کردم،" در این صورت، محل مجاز در سخن پیامبر صلی الله علیه و آله این است که ایشان، عیادت کننده بیمار را به سان کسی دانسته که در راهی گام نهاده است که به بهشت می رسد و او را به سرای جاودانگی راهبر می شود».

[۴۱۲] (۳) مقصود از «خرفه»، میوه های نخل است که به گاه رسیده شدن، چیده می شود. گویا آن کس که به عیادت بیمار می رود، در پاداشی که به چنگ می آورد، کسی را می ماند که بر نخلی از نخل های بهشت است و میوه های آن را می چیند.

[۴۱۳] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۷۰۲، تاريخ دمشق، ج ۲۱، ص ۲۶۴، ح ۴۷۸۴، شعب الإیمان، ج ۶، ص ۵۳۱، ح ۹۱۷۲ عن عبد الله بن نافع عنه عليه السلام نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۲۰۸، ح ۲۵۶۹۳.

[۴۱۴] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۸۴.

[۴۱۵] (۳) الکافی، ج ۳، ص ۱۲۱، ح ۹، ثواب الأعمال، ص ۲۳۱، ح ۱ كلاهما عن أبي الجارود، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱،

ص ١٤٠، ح ٣٨٧، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٧، ح ١١.

[٤١٦] (٤) الكافي، ج ٣، ص ١٢٠، ح ٤ و ١٢١، ح ٧ نحوه.

[٤١٧] (٥) الكافي، ج ٣، ص ١٢٠، ح ٦ عن وهب بن عبد ربّه، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٧، ح ٢٤٥٢، المؤمن، ص ٥٨، ح ١٤٧ نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٤، ح ٣٢ نقلًا عن الدعوات.

[٤١٨] (١) الكافي، ج ٣، ص ١٢٠، ح ٥ عن صفوان الجمّال، بحار الأنوار، ج ٥٩، ص ١٨٧، ح ٣٦.

[٤١٩] (٢) الكافي، ج ٣، ص ١١٧، ح ١، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٤، ح ٢٤٤٠، مستطرفات السرائر، ص ٨٦، ح ٣٥ وفيه «حسنه» بدل «عشر حسنات»، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٨، ح ١٢.

[٤٢٠] (٣) المعجم الأوسط، ج ٤، ص ١٨، ح ٣٥٠٣، الفردوس، ج ٥، ص ١٥٩، ح ٧٨١١ كلاهما عن أبي هريرة وفيه «لا- تجب عياده» بدل «لا يعاد»، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٣، ح ٢٥١٨٨.

[٤٢١] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ٣٠٠، ح ٤٠٧٦؛ التاريخ الكبير، ج ١، ص ٤١٠، ح ١٣٠٧ عن أيوب بن مسيرة وليس فيه «و أهد...»، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٠.

[٤٢٢] (٢) الكافي، ج ٣، ص ١١٨، ح ٣، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٢٤٥٩، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٧، ح ٣٩.

[٤٢٣] (٣) شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤١، ح ٩٢١٤ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٣، ح ٢٥١٩١.

[٤٢٤] (٤) سنن الترمذی، ج ٥، ص ٧٦، ح ٢٧٣١، مسند ابن حنبل، ج ٨، ص ٢٩٠، ح ٢٢٢٩٩، المعجم الكبير، ج ٨، ص ٢١٢، ح ٧٨٥٤ كلّها عن أبي امامة، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٥، ح ٢٥١٤١؛ الكافي، ج ٣، ص ١١٨، ح ٥ عن أبي يحيى عن الإمام الصادق عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٤، ح ٢٤٣٩ كلاهما نحوه، الأملی للطوسی، ص ٦٣٩، ح ١٣١٩ عن أبي امامة، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٣، ح ٢٧.

[٤٢٥] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ٢ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ١٣٨٥ ه.ش.

[٤٢٦] (١) سنن الترمذی، ج ٤، ص ٤١٢، ح ٢٠٨٧، سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٦٢، ح ١٤٣٨، المصنّف لابن أبي شيبة، ج ٣، ص ١٢٤، ح ٥ كلّها عن أبي سعيد الخدري، كنز العمال، ج ٩، ص ٩١، ح ٢٥١٢٤؛ كنز الفوائد، ج ١، ص ٣٧٩ وفيه «يطيب» بدل «يطيب»، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٥، ح ٣٣.

[٤٢٧] (٢) نثر الدرّ، ج ١، ص ١٥٥.

[٤٢٨] (٣) السنن الكبرى للنسائي، ج ٦، ص ٢٥٨، ح ١٠٨٨٢، المستدرک علی الصحیحین، ج ٤، ص ٢٣٦، ح ٧٤٨٧، سنن أبي داوود، ج ٣، ص ١٨٧، ح ٣١٠٦ نحوه وفيه «عن النبي صلى الله عليه وآله: من عاد...» بدل «كان النبي صلى الله عليه وآله إذا عاد...»، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٣، ح ٢٥١٣٢؛ مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٢٤٥، ح ٢٥٩٤، الدعوات، ص ٢٢٣، ح ٦١٣ عن ابن عباس و كلاهما نحوه وفيهما «قال النبي صلى الله عليه وآله: من دخل على مريض فقال...».

[٤٢٩] (٤) صحيح البخاري، ج ٥، ص ٢١٤٨، ح ٥٣٥١، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧٢٢، ح ٤٧، سنن الترمذی، ج ٥، ص ٥٦١، ح ٣٥٦٥ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، كنز العمال، ج ٧، ص ١٣٥، ح ١٨٣٧٢؛ مكارم الأخلاق: ج ٢، ص ٢٤٥، ح ٢٥٩٣، المناقب لابن شهر آشوب، ج ١، ص ١١٦ عن محمد بن خاطب، الأملی للطوسی، ص ٦٣٨، ح ١٣١٥ عن الحارث عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٢، ح ٢٤.

[٤٣٠] (١) صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٧١٨، ح ٤٠، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١٦٤، ح ٣٥٢٣، سنن الترمذی، ج ٣، ص ٣٠٣، ح ٩٧٢، كنز العمال، ج ١٠، ص ٥٨، ح ٢٨٣٥٣؛ الأملی للطوسی، ص ٦٣٨، ح ١٣١٦، بحار الأنوار، ج ١٨، ص ٢٦٨، ح ٣١ و راجع الكافي، ج

٨ ص ١٠٩، ح ٨٨.

[٤٣١] (٢) سنن ابن ماجه، ج ١، ص ٤٦٣، ح ١٤٤١ عن عمر بن الخطاب؛ الكافي، ج ٣، ص ١١٧، ح ٣ عن سيف بن عميرة، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٣، ح ٢٤٣٤، مشكاة الأنوار، ص ٤٨٨، ح ١٦٢٩ كلها عن الإمام الصادق عليه السلام و ح ١٦٣٠ عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام و كلها نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٩، ح ١٥.

[٤٣٢] (٣) ثواب الأعمال، ص ٢٣٠، ح ٣ عن أبي عبيدة الحذاء، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٢٤٥٧، الدعوات، ص ٢٢٢، ح ٦٠٧، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٧، ح ١٠.

[٤٣٣] (١) دعائم الإسلام، ج ١، ص ٢١٨، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٨، ح ٤١.

[٤٣٤] (٢) مسند البرّار، ج ٢، ص ٢٥٥، ح ٦٦٣ عن علي بن عمر بن الإمام علي عليه السلام عن أبيه عن جدّه، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٤٩.

[٤٣٥] (٣) شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤٣، ح ٩٢٢٢، الفردوس، ج ٣، ص ٨٠، ح ٤٢٢٤ كلاهما عن أنس، ربيع الأبرار، ج ٤، ص ١٠٥، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٥؛ الكافي، ج ٣، ص ١١٨، ح ٢ عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «العبادة قدر فواق ناقة أو حلب ناقة».

[٤٣٦] (٤) كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٣ نقلًا عن الفردوس عن جابر.

[٤٣٧] (٥) مسند الشهاب، ج ٢، ص ٢١٨، ح ١٢٢١ عن عثمان بن عفان، شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤٢، ح ٩٢١٨ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٤، ح ٢٥١٣٩.

[٤٣٨] (٦) مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٨، ح ٢٤٥٥.

[٤٣٩] (١) الكافي، ج ٣، ص ١١٨، ح ٦ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد، ص ١٣، ح ٣٩، مستطرفات السرائر، ص ١٢٤، ح ٤ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٤، ح ١.

[٤٤٠] (٢) تاريخ بغداد، ج ١١، ص ٣٣٤، كنز العمال، ج ٩، ص ٩٧، ح ٢٥١٥٢ نقلًا عن مسند أبي يعلى و زاد فيه «و أربعوا» و كلاهما عن جابر بن عبد الله.

[٤٤١] (٣) الأمالي للطوسي، ص ٦٣٩، ح ١٣١٨ عن جابر بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٢، ح ٢٦؛ المرض و الكفارات لابن أبي الدنيا، ص ١٦٨، ح ٢١٢.

[٤٤٢] (٤) الفردوس، ج ٣، ص ٨١، ح ٤٢٢٦ عن عائشة.

[٤٤٣] (٥) شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٤٢، ح ٩٢١٨ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٣، ح ٢٥١٨٧ نقلًا عن الديلمي عن أنس نحوه.

[٤٤٤] (٦) الكافي، ج ٣، ص ١١٧، ح ١، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ١٧٥، ح ٢٤٤٣ نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٢٦، ح ٣٧.

[٤٤٥] (٧) الفردوس، ج ٣، ص ٤٤، ح ٤١١١ عن ابن عباس.

[٤٤٦] (١) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٣٩٨، ح ٥٨٥٠ عن مسعدة بن صدقة، الأمالي للصدوق، ص ٨٤، ح ٥١ عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عن صلى الله عليه و آله، مشكاة الأنوار، ص ١٤٨، ح ٣٥٢، بحار الأنوار، ج ٧٤، ص ٢٢٢، ح ٣.

[٤٤٧] (٢) صحيح البخاري، ج ١، ص ٤١٨، ح ١١٨٣، السنن الكبرى للنسائي، ج ٦، ص ٦٤، ح ١٠٠٤٩، صحيح ابن حبان، ج ١، ص ٤٧٦، ح ٢٤١ كلها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ٩، ص ٢٨، ح ٢٤٧٧٠؛ الكافي، ج ٢، ص ١٧١، ح ٦ عن علي بن عتبة عن الإمام

الصادق عليه السلام نحوه.

[٤٤٨] (٣) الأُمالي للطوسي، ص ٦٢٩، ح ١٢٩٥ عن إسحاق بن جعفر العلوي أخو الإمام الكاظم عليه السلام، جامع الأخبار، ص ٤٦٤، ح ١٣٠٧ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، المؤمن، ص ٦١، ح ١٥٦ عن الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢١٩، ح ١٨.

[٤٤٩] (١) مسند ابن حنبل، ج ٣، ص ٣٧٠، ح ٩٢٥٣، صحيح مسلم، ج ٤، ص ١٩٩٠، ح ٤٣ نحوه و كلاهما عن أبي هريرة.

[٤٥٠] (٢) جامع الأحاديث للقمي، ص ١٠١، بحار الأنوار، ج ٩٦، ص ٢٣٤، ح ٣٣ نقلًا عن الإمامة و التبصرة.

[٤٥١] (٣) تحف العقول، ص ٨٧، بحار الأنوار، ج ٧٧، ص ٢٣٣، ح ٢؛ كنز العمال، ج ١٦، ص ١٨٣، ح ٤٤٢١٥ نقلًا عن وكيع و العسكري في المواعظ.

[٤٥٢] (٤) الدعوات، ص ٢٢٤، ح ٦٢٠ و ص ٢٧٧، ح ٨٠١.

[٤٥٣] (٥) سنن النسائي، ج ٤، ص ٤٠، الموطأ، ج ١، ص ٢٢٧، ح ١٥، تاريخ دمشق، ج ٨، ص ٣٢٦، كنز العمال، ج ١٥، ص ٧٢٠، ح ٤٢٨٦٩.

[٤٥٤] (١) شعب الإيمان، ج ٦، ص ٥٣٥، ح ٩١٨٨، المعجم الأوسط، ج ١، ص ٥٥، ح ١٥٢، عيون الأخبار لابن قتيبة، ج ٣، ص ٤٤، كلاهما نحوه و كلُّها عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ٩، ص ١٠٣، ح ٢٥١٨٩.

[٤٥٥] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٩٦، ح ٤ و ص ٣٩٧، ح ٥ كلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام، الدعوات، ص ٢٦٠، ح ٧٤٣ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ٤، ص ٥٨، ح ٥٠٩١ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٨١، ص ٢٦٧، ح ٢٥.

[٤٥٦] (٣) ذيل تاريخ بغداد لابن النجار، ج ١٨، ص ٢٢٢، ح ٧٩٥ عن جابر بن عبد الله، كنز العمال، ج ٢، ص ١٤٢، ح ٣٥١٠.

[٤٥٧] (٤) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٠٦ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢١٣، ح ٩.

[٤٥٨] (١) سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١٧٢، ح ٣٥٤٣، التاريخ الكبير، ج ١، ص ١٣٨، ح ٤١٧، مسند ابن حنبل، ج ١، ص ٥٠٢، ح ٢٠٧٥ كلُّها عن ابن عباس و ص ١٦٩، ح ٥٨١ عن فاطمة بنت الحسين عن أبيها الإمام الحسين عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله و زاد فيه «و إذا كَلَّمْتُمُوهُمْ فليكن بينكم و بينهم قيد رمح»، كنز العمال، ج ١٠، ص ٥٥، ح ٢٨٣٣٩.

[٤٥٩] (٢) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٠٦ عن محمد بن سنان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مشكاة الأنوار، ص ٦٧، ح ١٠٢ عن الإمام الصادق عليه السلام و فيه «لا تنظروا» بدل «لا تديموا النظر» و ليس فيه «و المجدومين»، بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ١٦، ح ١١.

[٤٦٠] (١) كنز العمال، ج ١، ص ٢٤٣، ح ١٢٢٣ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم في الطب و شعب الإيمان عن النعمان بن بشير.

[٤٦١] (٢) في بحار الأنوار: «العبد المؤمن ببلاء» بدل «البدن بداء».

[٤٦٢] (٣) في بحار الأنوار: «العروق و الأوصال...». و قال المجلسي قدس سره: و المراد بالأوصال: مفاصل البدن و ما يصير سببا لوصولها؛ فإنَّ بها تتمَّ الحركات المختلفة من القيام و القعود و تحريك الأعضاء (بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٢٩).

[٤٦٣] (٤) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ١٠، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٣٠٩.

[٤٦٤] (١) الخصال، ص ٥١٤، ح ٣، علل الشرائع، ص ١٠٠، ح ١ و فيه «رقيقا» بدل «دقيقا»، المناقب لابن شهر آشوب، ج ٤، ص ٢٦١، كلُّها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣٠٨، ح ١.

[٤٦٥] (٢) بحار الأنوار، ج ٣، ص ٧٥ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفصل.

[٤٦٦] (٣) الأُمالي للطوسي، ص ٥٩٧، ح ١٢٤٠ عن يعقوب بن شعيب عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦١،

ص ٣١٦، ح ٢٢.

[٤٦٧] (٤) الكافي، ج ٢، ص ٥٠٣، ح ٣ عن أبي الحسن الأنباري، مكارم الأخلاق، ج ٢، ص ٧٧، ح ٢١٩١ و ليس فيه «كل يوم»، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣١٦، ح ٢٤.

[٤٦٨] (٥) الكافي، ج ٢، ص ٥٠٣، ح ٤، علل الشرائع، ص ٣٥٤، ح ١ كلاهما عن يعقوب بن شعيب، بحار الأنوار، ج ٦١، ص ٣١٦، ح ٢٥.

[٤٦٩] (١) طب الأئمة لابني بسطام، ص ١٣٥ عن محمد بن مسلم وص ٥٣ عن الوشاء الحسين بن علي بن عبد الله بن سنان، الكافي، ج ٦، ص ٣٥٧، ح ١٠، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٨، ح ٢٢٨٦ و ليس فيها «ألا وإنه أسرع شئ منفعة للفؤاد خاصة وإنه نضوحه»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٥، ح ٣٣.

[٤٧٠] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٢٩، ح ٧، المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ١٩٢٤ كلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦٣٦، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٤١٣، ح ١٤٠٠ عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيها «ويطفئ الصفراء»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٤، ح ١٧ و ح ٢٢.

[٤٧١] (٣) المحاسن، ج ٢، ص ٢٨٤، ح ١٩٢٥ عن رفاعه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٠٢، ح ٩.

[٤٧٢] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٤، ح ١١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٥٧، ح ٢٢٤٠ كلاهما عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٦١، ح ٣٥.

[٤٧٣] (١) الكافي، ج ٦، ص ٣٤٣، ح ١ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٦، ح ٢٠١٧ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عنه عليهم السلام و فيه «يسرع» بدل «يكثر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٥٨، ح ٣.

[٤٧٤] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٤٣، ح ٢، المحاسن، ج ٢، ص ٣٠٧، ح ٢٠٢٠، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٥٨، ح ٦.

[٤٧٥] (٣) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٢٤٢، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٧، ح ٣٧.

[٤٧٦] (٤) المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٤، ح ٢٢٧٠ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الرضا عليه السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٣، ح ١٢٣٥ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٦٩، ح ٨؛ كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٠، ح ٢٨٢٥٨ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم عن جابر نحوه.

[٤٧٧] (٥) كنز العمال، ج ١٠، ص ٤٠، ح ٢٨٢٦٠ نقلًا عن الفردوس عن عوف بن مالك.

[٤٧٨] (٦) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٧، ح ٤، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٦، ح ٢٢٧٥ كلاهما عن حمزة بن بزيع عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٠، ح ١٣.

[٤٧٩] (١) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٢، ح ١٢٣١، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٦، ح ٣٧.

[٤٨٠] (٢) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٧، ح ١ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ٢، ص ٣٦٦، ح ٢٢٧٧ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٠، ح ١٥.

[٤٨١] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٣٥٨، ح ١، المحاسن، ج ٢، ص ٣٧١، ح ٢٢٩٦ كلاهما عن أبي بصير، الخصال، ص ٦٣٢، ح ١٠ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٧٩، ح ١٢٦٥ كلاهما عن الإمام علي عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ١٧٤، ح ٣٢.

[٤٨٢] (٤) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٥٩، ح ١١٧٢، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٩٤، ح ١٨.

[٤٨٣] (٥) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٥٨، ح ١١٦٨، طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ٧، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٢٩٠، ح ٢؛ الفردوس، ج ٤، ص ٢٦٥، ح ٦٧٨٠ و فيه «بوحر» بدل «برد»، كشف الخفاء، ج ٢، ص ٣١٩، ح ٢٨١٦ كلاهما عن عائشة.

- [۴۸۴] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱۴۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۹۶، ح ۶.
- [۴۸۵] (۱) در الفردوس، به جای «سردی سینه را از میان می‌برد»، این عبارت آمده: «کینه را از دل می‌زداید و حالت دل‌چرکینی را از میان می‌برد».
- [۴۸۶] (۲) تلبنه، نوعی آش است که از سبوس و شیر و عسل، تهیه می‌شود (القاموس المحيط: ج ۴ ص ۲۶۵). نیز، ر. ک: ج ۲، ص ۲۴۵ (تلبنه).
- [۴۸۷] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و کلاهما عن علی بن رثاب عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۰، ح ۱۸۹ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۴۸۸] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۴۸۹] (۳) کذا فی جمیع المصادر، و القیاس: «ثمانی».
- [۴۹۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ و فيه «يسهل الدم» بدل «يسلّ الداء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.
- [۴۹۱] (۵) فی المصدر: «تلین»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۴۹۲] (۶) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۳.
- [۴۹۳] (۱) معنای حوک در ج ۲ صفحه ۱۹۷ ح ۱۵۰۷ آمده است.
- [۴۹۴] (۲) در مکارم الأخلاق، به جای «بیماری را از درون بدن، بیرون می‌کشد»، عبارت «خون را روان می‌سازد» آمده است.
- [۴۹۵] (۱) فی بحار الأنوار: «السد» بدل «السدود».
- [۴۹۶] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۱۹۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۴۹۷] (۳) کنز العمال، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۱۰ نقلًا عن أبي نعيم في الطب عن شَدَاد بن عبد الله.
- [۴۹۸] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۴، ح ۱۴۴۷ و ۱۴۴۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۵، ح ۲۰.
- [۴۹۹] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۲۸۹، ح ۱۲ عن سهل بن زياد عن بعض الأهوازيين، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۴۷، ح ۲۶.
- [۵۰۰] (۱) ناگفته نماند مؤلف در تبیین معنای عبارت «مَحْسِمَةٌ للعروق» که در روایت آمده، از فیض القدير، چنین نقل کرده است: در المصباح آمده است «حَسِمَةٌ حَسْمًا فَانْحَسَمَ» یعنی: «آن را بُرید و بُریده شد» و «حَسَمْتُ العِرْقَ»، به حذف مضاف گفته می‌شود و اصل آن، چنین است: «حَسَمْتُ دَمَ العِرْقِ»؛ یعنی آن که: «رگ را بُریدی و با داغ نهادن و با آتش گذاردن بر آن، خونریزی را متوقّف ساختی». ابن اثیر در النهایة گفته است: «مَحْسِمَةٌ للعرق»، یعنی: «کاهنده قدرت همبستری»، و «مذهبه للأشر»، یعنی: «از میان بَرَنده سرمستی»، بدان معنا که روزه، خون رگ‌ها را کاهش می‌دهد و سرچشمه منی را کم می‌کند و سرمستی انسان را در هم می‌شکند.
- [۵۰۱] (۲) چنان که پیش‌تر اشاره شد، به نظر می‌رسد این توجّه ناظر به نظام دو وعده‌ای است. م.
- [۵۰۲] (۳) علامه مجلسی می‌گوید: «این دعا، یک مثل است برای بیان زیان دیدن آن رگ و در نتیجه، زیان رساندن آن به بدن، گویا که آن رگ، دعا می‌کند و دعایش هم بر آورده می‌شود» (بحار الأنوار: ج ۶۶ ص ۳۴۷).
- [۵۰۳] (۱) فی علل الشرائع: «لأنّ» بدل «لأنّه».
- [۵۰۴] (۲) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ کلاهما عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۸، ح ۱۷.
- [۵۰۵] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۲۵، ح ۳۰ و ج ۳، ص ۷۲ کلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

- [۵۰۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و لیس فیہ «الطری» و کلاهما عن محمد بن عبد الله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فیہ «کلوا الباقلی فإنه یمتخ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.
- [۵۰۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱ و ۴ و فیہ «یحسن» بدل «یسفر» و کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ نحوه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۸ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۵۰۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۸ عن محمد بن سوقة، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۳، ح ۸.
- [۵۰۹] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۵۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۴، ح ۳۴۸۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۴، ح ۷۴۷۹ کلاهما نحوه، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۸۱ کلها عن ابن عمر.
- [۵۱۰] (۳) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ و فیہ «تصحح» بدل «تصحح»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۸.
- [۵۱۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۳، ح ۱۹۱۵ کلاهما عن إسماعیل بن جابر، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۳۹۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۶.
- [۵۱۲] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ کلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۱.
- [۵۱۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۱۳۲۱ و زاد فی ذیلہ «غیر أنه یشتر ماء الظهر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۱، ح ۱.
- [۵۱۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۱، ح ۴.
- [۵۱۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.
- [۵۱۶] (۴) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۳ عن یحیی أبی البلاد.
- [۵۱۷] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۴ عن حمّاد بن زکریّا، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۴ و لیس فیہ «فهی المکیسه» و کلاهما عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۴، ح ۳.
- [۵۱۸] (۶) شعب الإيمان، ج ۵، ص ۱۰۲، ح ۵۹۴۷ عن عطاء، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۶.
- [۵۱۹] (۱) سداب: سداب. سدابها، دسته‌ای از تیره سدایان‌اند و مهم‌ترین نوع آن، سداب کوهی است، دارای برگ‌های باریک و بسیار متعفن که برای گریزانیدن حشرات به کار می‌رود. گیاهی دارویی مانند پودنه است که خوردن آن، دفع قوت باه و مباشرت مردان و اسقاط حمل زنان می‌کند. در یونانی آن را «فیجن» و در تنکابن و دیلم، «پیم» می‌نامند (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۵۲۰] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۹، ح ۱۸ و فیہ «یذکی» مکان «یزکی».
- [۵۲۱] (۲) الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۵، ح ۱.
- [۵۲۲] (۳) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.
- [۵۲۳] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸؛ الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۱، ح ۳۳۱ عن ابن عمر.
- [۵۲۴] (۵) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۵۲۵] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۴، ح ۸.

- [۵۲۶] (۷) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۲، ح ۶۸.
- [۵۲۷] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن كتاب الجنة للكفعمي عن ابن مسعود.
- [۵۲۸] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.
- [۵۲۹] (۳) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۵۳۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۲ عن صالح بن عقبه، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۲۷.
- [۵۳۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۹، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۱۹۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۳، ح ۱۴.
- [۵۳۲] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۱، ح ۷۰ نقلًا عن كتاب الجنة للكفعمي عن ابن مسعود.
- [۵۳۳] (۱) پیه انار، سپیده‌ای است که در درون انار است و دانه‌ها بر آن تعبیه شده‌اند (لغت‌نامه دهخدا).
- [۵۳۴] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۷ عن أنس، طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۵۹۴، ح ۵۸۶۴ عن أنس.
- [۵۳۵] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۳، ح ۱۶.
- [۵۳۶] (۳) الفردوس، ج ۵، ص ۳۷۰، ح ۸۴۶۸ عن الإمام الحسين عليه السلام؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح ۱۳۱۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰.
- [۵۳۷] (۴) الدروس للشهيد، ج ۳، ص ۴۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۰، ح ۲.
- [۵۳۸] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۴، ح ۵۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۲؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۴، ح ۳۴۸۸، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۳۴، ح ۷۴۷۹ كلاهما نحوه، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۸۱ کلها عن ابن عمر.
- [۵۳۹] (۱) صحیفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۱، ح ۱۲۷ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، عیون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۳۸، ح ۱۱۱ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۵۱، ح ۴۰۲، طب الأئمة لابن بسطام، ج ۶۶ عن فضالة بن إسماعيل عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام و کلها عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۳ و ص ۴۴۴، ح ۶.
- [۵۴۰] (۲) تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۵۴۵ عن غياث بن إبراهيم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۸۷ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸ نقلًا عن كتاب اللباس لأبي النضر العياشي و ص ۳۲۰، ح ۴.
- [۵۴۱] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۶۱، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبيه، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۶۵۶، الخصال، ص ۴۲۳، ح ۲۳ عن أنس بن محمد عن أبيه و کلها عن الإمام الصادق عن أبيه عن جدّه عن الإمام علي عليهم السلام و ص ۴۲۲، ح ۲۲ عن إبراهيم بن عبد الحميد عن الإمام الكاظم عليه السلام، الدعوات، ص ۱۶۰، ح ۴۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۲.
- [۵۴۲] (۴) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۵.
- [۵۴۳] (۱) جلیجلان موجود در متن حدیث، به معنای کُنجد و گشنیز است؛ اما به قرینه حدیث ۳۸۷، در این جا به گشنیز ترجمه شد.
- [۵۴۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۶ عن أبي حمزة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۳، ح ۱۲.
- [۵۴۵] (۲) فی بحار الأنوار: «تبلد»، و الظاهر أنه الصواب. قال الطريحي: بُلد الرجل فهو بليد: إذا كان غير ذكي ولا فطن (مجمع البحرين: ج ۱، ص ۱۸۳).

- [۵۴۶] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲.
- [۵۴۷] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.
- [۵۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۵۴۹] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱ عن إبراهيم بن عبد الحمید، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۵، ح ۱.
- [۵۵۰] (۶) الفردوس، ج ۲، ص ۱۹۷، ح ۲۹۸۰ عن الإمام علی عليه السلام؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.
- [۵۵۱] (۷) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۵۵۲] (۱) کنز العمال، ج ۱۴، ص ۱۸۶، ح ۳۸۳۱۸ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم معاً فی الطب.
- [۵۵۳] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۴۸۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۲ و فيه «يحددن الفكر» بدل «يحدثن الذكر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۳۹ و ص ۲۷۵، ح ۷۲.
- [۵۵۴] (۳) فی بحار الأنوار: «یصطبغ» بدل «یصطنع».
- [۵۵۵] (۴) فی بحار الأنوار: «و من أراد أن یزید فی عقله یتناول کلّ یوم ثلاث هلیجات بسکر بلوچ».
- [۵۵۶] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.
- [۵۵۷] (۶) فی المصدر: «طبقاً» و التصویب من بحار الأنوار.
- [۵۵۸] (۷) الاختصاص، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاریخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰، ح ۴۷۲۴، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶.
- [۵۵۹] (۱) در السرائر به جای «حافظه به بار می آورد»، عبارت «فکر را تیز می کند» آمده است.
- [۵۶۰] (۲) خردل: گیاهی از تیره چلبیایان (صلیبیان) که دو نوع سفید و سیاه دارد. برگ هایش شبیه برگ تریب، ولی کوچک تر از آن و دارای گل های زرد و دانه های ریز و قهوه ای و طعم تند است. دانه های آن را پس از کوبیدن در آب یا سرکه، خمیر می کنند و با غذا، جهت تحریک اشتها تناول کنند. تخم سپندان، اسپندان، حب الرشاد (فرهنگ معین).
- [۵۶۱] (۳) در طب الإمام الرضا علیه السلام، بخش دوم روایت، چنین آمده است: «هر کس بخواهد عقل وی افزون شود، هر روز سه هلیله با شکر بلوچ بخورد».
- [۵۶۲] (۱) الخصال، ص ۳۴۴، ح ۹ عن أحمد الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، روضة الواعظین، ص ۳۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۰، ح ۱۲۷۲ نحوه و فيه «... و یصخّ الجسم و...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۱، ح ۱؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۵ نقلًا عن أبی نعیم عن الإمام علی عليه السلام عنه صلی الله علیه و آله.
- [۵۶۳] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۴ عن عبد الرحیم بن عبد المجید القصیر، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۹، ح ۱۸۱۹ عن عبد الله بن سنان و لیس فیہ من «فأئنه یخرج...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۴، ح ۹.
- [۵۶۴] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲.
- [۵۶۵] (۱) ثواب الأعمال، ص ۳۶، ح ۱ عن عمر بن یزید، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۶، ح ۱.
- [۵۶۶] (۲) الاصول الستة عشر، ص ۵۵، جامع الأحادیث للقمی، ص ۱۶۰ کلاهما عن زید النرسی، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۸، ح ۹ و ج ۸۹، ص ۳۵۶.
- [۵۶۷] (۳) الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۴، المقنعة، ص ۳۱۷ نحوه و کلاهما عن عبد الله بن مسکان، المصباح للكفعمی، ص ۸۳۵.
- [۵۶۸] (۴) الأحكام النبویة فی الصناعة الطبیة، ج ۲، ص ۲۶، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۸، ح ۲۸۳۰۰ نقلًا عن أبی نعیم فی الطب عن

[۵۶۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۵ عن عبد الرحمن بن كثير، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۲، ح ۶.

[۵۷۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۳، ح ۹.

[۵۷۱] (۳) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۰، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۵۵۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹؛ الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۲۷۹۴ عن عقبه بن عامر نحوه.

[۵۷۲] (۴) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.

[۵۷۳] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۴، ح ۱ عن إسحاق بن عمارة، قرب الإسناد، ص ۱۱۱، ح ۳۸۳ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۹۰، ح ۱۵۳.

[۵۷۴] (۶) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۷ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۳، ح ۳.

[۵۷۵] (۱) المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۲۹۹، ح ۶۶۷ عن أم سلمة وج ۱۲، ص ۲۲۵، ح ۱۳۱۵۰ عن ابن عمر، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۷۹ عن ابن عباس و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳، ح ۲۸۱۲۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۱.

[۵۷۶] (۲) المعجم الكبير، ج ۲۴، ص ۲۹۸، ح ۷۵۵، تهذيب الكمال، ج ۱۹، ص ۱۲۳، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۴۴۶، ح ۲۷۶۸۸ نحوه، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۳۱، ح ۱۸۳۵.

[۵۷۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۶، ح ۴.

[۵۷۸] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۹ وفيه «من خشى الشقيقة و الشوصة فلا ينم حين يأكل السمك الطرى صيفا كان أم شتاء».

[۵۷۹] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۵۸۰] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۱۶۴۶ عن محمد بن العيص عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۷، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأمالي للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ كلها عن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۶، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۳، ح ۳.

[۵۸۱] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الأمالي للصدوق، ص ۶۶۳، ح ۸۹۶ كلها عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.

[۵۸۲] (۱) در بحار الأنوار، به جای عبارت برگزیده کتاب حاضر، این عبارت آمده است: «هر کس از درد شقیه و شکم درد می ترسد، نباید پس از خوردن ماهی تازه بخوابد، خواه تابستان باشد، خواه زمستان».

[۵۸۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۲۴۸۶ كلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۱۸.

[۵۸۴] (۲) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹؛ تاريخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۶، ح ۳۳۶۸ عن شريح عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله نحوه.

[۵۸۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۷، ح ۶۲۸ وفيه «فزكها» بدل «فحكها» و كلاهما عن عبد الله بن هلال، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۲، ح ۱۲.

[۵۸۶] (۱) في بحار الأنوار ج ۶۰، ص ۳۸۰: «المتلفه» بدل «المختلفه».

- [۵۸۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۶ وج ۶۰، ص ۳۸۰، ح ۹۸ كلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۵۸۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۶ و ليس فيه «نعوذ بالله منه» و كلاهما عن ياسر الخادم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱۳۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۳.
- [۵۸۹] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۶ و فيه «فإن الماء» بدل «الاعتسال بالماء».
- [۵۹۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۳، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۶، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۸.
- [۵۹۱] (۳) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱. انظر تمام الحديث في ص ۴۸۸، ح ۸۲۸.
- [۵۹۲] (۴) كنز العمال، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۳۵۲۰ نقلًا عن أبي الشيخ في الثواب عن أنس.
- [۵۹۳] (۱) برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹ ح ۸۲۸.
- [۵۹۴] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۷، ح ۱۳۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۳.
- [۵۹۵] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰، ح ۱۹.
- [۵۹۶] (۱) در متن عربی واژه «هاضوم» آمده و علامه مجلسی، در شرح آن آورده است: «هاضوم، همان است که در [پارسی بدان گوارش دهنده گویند؛ چرا که غذا را هضم می کند. در قاموس آمده است: هاضوم، هر دارویی است که موجب هضم غذا شود. گویا در اینجا مقصود از هاضوم، نانخواه است».
- [۵۹۷] (۲) علامه مجلسی می گوید: «مقصود از سفیدی، لبنیات است. شاید هم مقصود از آن سفیده تخم مرغ باشد؛ اما احتمال نخست، آشکارتر است».
- [۵۹۸] (۱) نهج البلاغة: الحكمة ۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۸۸ ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱ ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۵۹۹] (۲) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ كلاهما عن الربيع صاحب المنصور، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۹، ح ۱۷.
- [۶۰۰] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۹ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۰۱] (۱) الفردوس، ج ۴، ص ۱۴۶، ح ۶۴۴۸ عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۱۹، ح ۲۹۱۵۹ و فيه «النجوم» بدل «القدر».
- [۶۰۲] (۱) در كنز العمال، در متن روایت، به جای «قدر»، «النجوم» آمده است. در این صورت، معنای روایت، نهی از تأمل در علم نجوم است و مقصود از علم نجوم، طالع بینی، و پیش بینی حوادث آینده از طریق ستارگان است.
- [۶۰۳] (۱) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱، ح ۹۰ و فيه «يوجب» بدل «يورث».
- [۶۰۴] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، الأمالی للصدوق، ص ۶۶۳، ح ۸۹۶، علل الشرائع، ص ۵۱۴، ح ۵ كلاً عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱؛ كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۳.
- [۶۰۵] (۳) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.
- [۶۰۶] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الأمالی للصدوق، ص ۶۶۳، ح ۸۹۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۵۵۲ كلاً عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.
- [۶۰۷] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نحوه.
- [۶۰۸] (۱) طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱. انظر تمام الحديث في: ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۸۲۸.
- [۶۰۹] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۲، الخصال، ص ۳۹۴، ح ۱۰۰ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى

الله عليه وآله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۰، ح ۷.

[۶۱۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴ عن عبد الله بن الفضل النوفلی عن أبيه، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۴ عن محمد بن أبي الحسن عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه «أدمن»، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۱۱ و فيه «لم يرمد ولده»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۱، ح ۱۰.

[۶۱۱] (۴) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۱۰.

[۶۱۲] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۲، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۰۱، الخصال، ص ۳۹۱، ح ۸۷، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۵ کلها عن هشام بن سالم، الدعوات، ص ۷۸، ح ۱۹۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۰، ح ۶.

[۶۱۳] (۱) برای دیدن متن کامل حدیث، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۹ ح ۸۲۸.

[۶۱۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۲، ح ۱۲.

[۶۱۵] (۲) ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۳ عن إسحاق بن عمّار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۲۴۱ و زاد فی ذيله «الذی ينزل فی العين»، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۵.

[۶۱۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۹ عن الحسن بن عاصم.

[۶۱۷] (۴) المقنعة، ص ۳۱۷ عن السکونی، الدعوات، ص ۷۹، ح ۱۹۴ و ليس فيه «علی الخلو»، بحار الأنوار، ج ۹۶، ص ۲۵۵، ح ۳۳ و ج ۶۲، ص ۱۵۱، ح ۲۴.

[۶۱۸] (۵) هكذا فی المصدر، و فی بحار الأنوار: «سده».

[۶۱۹] (۶) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.

[۶۲۰] (۱) به نظر می‌رسد این روایت، به ضعفِ بینایی و کم شدن قدرت چشمان در هنگام روزه‌داری اشاره دارد؛ چرا که بنا بر روایت، این ضعف و کاستی در هنگام روزه گشودن با چیزهایی شیرین، به علت سرعتِ هضم آنها و قدرت یافتن بدن به وسیله آنها، به ترمیم و بهبود می‌گراید.

[۶۲۱] (۲) دانگ یا داتق، واحد اندازه‌گیری وزن، پول و حجم بوده و غالباً وقتی به عنوان واحد وزن به کار می‌رود، معادل نصف مثقال است. (ر. ک: اوزان و مقیاسها در اسلام، هینس: ص ۱۶ و ۱۷).

این مقدار را معادل هشت دانه جو نیز دانسته‌اند. (ر. ک: الأوزان و المقادیر، إبراهیم سلیمان: ص ۲۶۲۲).

قطعه‌چی نیز این مقدار را با واحدهای معیار امروزی سنجیده و آن را معادل ۰/۴۹۶ گرم دانسته است (ر. ک: معجم لغة الفقهاء: ص ۴۴۹) م.

[۶۲۲] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۴۹ عن إبراهیم بن علی الرافعی عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۵، ح ۳.

[۶۲۳] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۰، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۲۱۵۰ کلاهما عن عبد الرحمن بن زید عن الإمام الصادق عليه السلام، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۲ عن جابر بن یزید عن الإمام الباقر عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۲، ح ۲۸؛ صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۹، ح ۵۳۸۱، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۱۹، ح ۱۵۷ کلاهما عن سعید بن زید و ليس فيهما «و المن من الجنة»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۸، ح ۲۸۲۰۱.

[۶۲۴] (۳) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۰، ح ۴۹۷، سنن الدارمی، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۱۸۶۵، كنز العمال، ج ۵، ص ۲۶۶، ح ۱۲۸۳۷ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعیم فی الطب.

[۶۲۵] (۱) یعنی از چیزهایی است که خداوند به آن، بر بندگان خویش، منت نهاده است. همچنین گفته‌اند: پیامبر صلی الله علیه و

آله، این گیاه را به «مَنْ» تشبیه کرده و آن، عسل شیرینی است که خود به خود و بدون اسباب و عوامل مادی از آسمان نازل می‌شود. قارچ دنبلان نیز چنین است و هزینه‌هایی چون بذر و آبیاری نمی‌خواهد.

[۶۲۶] (۱) صحیح ابن حبان، ج ۹، ص ۲۶۹، ح ۳۹۵۴ عن عثمان، کنز العمال، ج ۵، ص ۴۰، ح ۱۱۹۶۳.

[۶۲۷] (۲) ما بین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار.

[۶۲۸] (۳) فی المصدر: «بالسحق»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۶۲۹] (۴) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۷.

[۶۳۰] (۵) الکافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۹، ح ۲۱.

[۶۳۱] (۶) الکافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۰، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۸، ح ۲۰.

[۶۳۲] (۱) علامه مجلسی، در شرح عبارت «و گاه نیز آن را به سان یک دانه می‌بیند»، دو تفسیر آورده است. یکی آن که آن دختر

اگر درمان نشود، بعدها آن را به سان یک دانه خواهد دید. دیگری آن که در همان حال که ستاره را به سان کهکشان می‌بیند، آن را همانند یک دانه نیز می‌بیند. مترجم، ترجمه را بر پایه وجه دوم، انجام داده است.

[۶۳۳] (۲) واژه عربی متن، «مُر» است و در این باره، چند احتمال وجود دارد:

یکی آن که این واژه به معنای گیاه «تلخه» باشد که بوته‌ای است با رنگ سبز مایل به سیاه و برگ‌های متوسط. این گزیده کنونی مترجم است.

دیگری آن که این واژه، به معنای گیاه یا درخت میر یا مور باشد.

دیگری آن که واژه، شکل تغییر یافته مور باشد که در هندی به معنای توتیاست.

آنچه در این باره در النهایة (ج ۴، ص ۳۱۶) آمده این است که آن را دارویی چون سبر دانسته‌اند. م.

[۶۳۴] (۱) فی المصدر: «ثم فاعسل»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۶۳۵] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۷، ح ۱۶.

[۶۳۶] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۳۸۳، ح ۵۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۰، ح ۲۳.

[۶۳۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۵ عن عبد الرحمن بن کثیر، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۲، ح ۶.

[۶۳۸] (۱) شکوفه و بهار فلفل آن را فلفل دراز نیز می‌گویند (لغت‌نامه دهخدا).

[۶۳۹] (۲) رباح، نام جایی است که کافور را بدان نسبت داده‌اند. چنان که دهخدا آورده، کافور ریاحی نیز گفته‌اند و برخی نیز

ریاح را نام یکی از پادشاهان هند دانسته‌اند که برای نخستین بار، این کافور را شناخت (لغت‌نامه دهخدا). م.

[۶۴۰] (۳) اسقطری، جزیره‌ای در اقیانوس هند، در سمت چپ کسی است که از غرب به سمت هند می‌رود. عاقه، بدان سقوطره نیز

گفته‌اند. گیاه سبر و گیاه خون سیاوشان را از آنجا می‌آورند.

[۶۴۱] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۲، ح ۱۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۷.

[۶۴۲] (۲) طب النبئی صلی الله علیه و آله، ص ۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۶.

[۶۴۳] (۳) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ عن الحسین بن علوان. انظر تمام الحدیث و تخریجه فی ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۴.

[۶۴۴] (۴) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبی الدرداء. انظر تمام الحدیث فی ج ۱، ص ۴۸۴، ح ۸۱۹.

[۶۴۵] (۱). برای دیدن متن کامل و منابع حدیث، ر. ک: خواص خرما، ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.

[۶۴۶] (۲) مقصود از وبا، طاعون یا هر بیماری واگیر دیگری است.

[۶۴۷] (۳). برای دیدن متن کامل حدیث و منابع آن، ر. ک: ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۸۱۹.

- [۶۴۸] (۱) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.
- [۶۴۹] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۶۵۰] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۰۹، ح ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۶۵۱] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۲۷ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷، ح ۱.
- [۶۵۲] (۵) الدعوات، ص ۱۵۹، ح ۴۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ح ۱۷.
- [۶۵۳] (۱) الفردوس، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۴۹۳۷ عن حذيفة بن اليمان، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۸.
- [۶۵۴] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱.
- [۶۵۵] (۳) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۱، ح ۲۸۳۱۴ نقلًا عن أبي الحسن العراقي في فوائده عن بريده.
- [۶۵۶] (۴) كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۵، ح ۱۷۲۰۰ نقلًا عن البغوي في مسند عثمان عن جابر، و مسند ابن حنبل عن أبي هريرة.
- [۶۵۷] (۵) المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۱، ح ۱۰۶۴ عن محمد بن الحنفية، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۵ نقلًا عن حلية الأولياء و كلاهما عن الإمام علي عليه السلام؛ دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۶، ح ۵۱۷ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۱، ح ۲۶.
- [۶۵۸] (۶) سنن الترمذي، ج ۴، ص ۳۸۹، ح ۲۰۴۸، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹، ح ۲۸۱۶۲ نقلًا عن المستدرک علی الصحیحین و كلاهما عن ابن عباس.
- [۶۵۹] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۸۸، ح ۱۵۹۰۶ عن عبد الرحمن بن النعمان الأنصاري عن أبيه عن جده، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۵، ح ۱۷۱۹۸.
- [۶۶۰] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۶۶۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴ عن عبد الله بن الفضل الهاشمي عن أبيه.
- [۶۶۲] (۳). في الطبعة المعتمدة من المصدر و كذا في طب الأئمة و بحار الأنوار: «سرجين العين»، و ما في المتن أثبتناه من الطبقات الاخرى للمصدر و مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۴۵۴، ح ۱.
- [۶۶۳] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۲۲۹، طَبَّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ، ص ۸۳ عن عبد الرحمن بن يزيد، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۶، ح ۱۱.
- [۶۶۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱ و فيه «يقطع» بدل «يذهب»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۲۰۴۷، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۸۲۵۷ كلاهما عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله و ليس فيهما «و يذهب بالدعوة»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹، ح ۲۸۱۶۳ نقلًا عن التاريخ الكبير للبخاري عن معبد بن هوذة.
- [۶۶۵] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۱۰، الخصال، ص ۱۸، ح ۶۳، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۴ كَلِّهَا عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۱ و ص ۱۹۵، ح ۱۱.
- [۶۶۶] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۶.
- [۶۶۷] (۸) سنن الترمذي، ج ۴، ص ۳۸۹، ح ۲۰۴۸، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۷، ح ۳۴۹۹ و ليس فيه «عند النوم»، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۷۵۷، ح ۳۳۱۸، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۲۵، ح ۱۸۳۰۵؛ طَبَّ الْأَئِمَّةِ لِابْنِي بَسْطَامٍ، ص ۸۳ عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۹ و راجع مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۸۴، ح ۱۴۲.
- [۶۶۸] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۸۶۱۹ عن أبي هريرة، المعجم الكبير، ج ۱۷، ص ۳۳۸، ح ۹۳۲ عن عقبه بن عامر، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۵، ح ۱۷۱۹۹.

- [٦٦٩] (٢) المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٤، ح ٢٣٥٤ عن زكريّا، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١١١، ح ٢٤٦، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٣٤، ح ٤٣.
- [٦٧٠] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٩٦، ح ٧، المحاسن، ج ٢، ص ٣٨٤، ح ٢٣٥٣ كلاهما عن حمّاد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ١٣٣، ح ٤٢.
- [٦٧١] (٤) في الدعوات و مسند الشهاب و بحار الأنوار: «اللمم» بدل «الهّم». و اللمم طرف من الجنون، و أصله في كلامهم المقاربة للشيء (بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٤).
- [٦٧٢] (٥) مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٣٠١، ح ٩٥٠، الدعوات، ص ١٤٢، ح ٣٦٤ و ليس فيه «و يصحّ البصر»، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٦٤، ح ٤٢؛ مسند الشهاب، ج ١، ص ٢٠٥، ح ٣١٠ عن سهل بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله.
- [٦٧٣] (١) الكافي، ج ٦، ص ٢٩٠، ح ٣ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ٦١٢، ح ١٠ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم، المحاسن، ج ٢، ص ٢٠١، ح ١٥٨٩ عن أبي بصير و كلاهما عن الإمام الصادق عن آباءه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ٦٦، ص ٣٥٣، ح ٦.
- [٦٧٤] (٢) مستطرفات السرائر، ص ٥٧، ح ١٧ عن عليّ بن يقطين، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٨٥، ح ١٠.
- [٦٧٥] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٨٣، ح ٤، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢١، ح ٢٧٢، روضة الواعظين، ص ٣٣٧، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٩، ح ٩.
- [٦٧٦] (٤) الكافي، ج ٦، ص ٤٨٢، ح ١٢، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ١، ص ١٢٣، ح ٢٨٥ و ج ٤، ص ٣٦٩، الخصال، ص ٤٩٧، ح ١، بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٩٧، ح ٢.
- [٦٧٧] (١) طبّ النبيّ صلى الله عليه و آله، ص ١٠، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ١٨٩، ح ٥٥٨ نحوه، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ٢٩٩؛ الفردوس، ج ٢، ص ١٥٧، ح ٢٧٩٤ عن عقبه بن عامر نحوه.
- [٦٧٨] (٢) طبّ الأئمة لابني بسطام، ص ٨٤ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٤٧، ح ١٥.
- [٦٧٩] (٣) الكافي، ج ٦، ص ٤٦٦، ح ١ عن سلمة بن أبي حنّ، ثواب الأعمال، ص ٤٣، ح ١ عن أبي الجارود، مكارم الأخلاق، ج ١، ص ٢٦٥، ح ٧٩٤ عن الإمام الباقر عليه السلام.
- [٦٨٠] (٤) المعجم الكبير، ج ١١، ص ٢٤، ح ١٠٩٣٨ عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ١٠، ص ١٣، ح ٢٨١٢٨.
- [٦٨١] (١) المستدرک على الصحيحين، ج ٤، ص ٤٥٥، ح ٨٢٥٨، سنن الترمذی، ج ٤، ص ٣٩١، ح ٢٠٥٣، سنن ابن ماجه، ج ٢، ص ١١٥١، ح ٣٤٧٨ كلاهما نحوه و كلّها عن ابن عباس، كنز العمّال، ج ١٠، ص ١٦، ح ٢٨١٤٦.
- [٦٨٢] (٢) معاني الأخبار، ص ٢٤٧، ح ١، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١١٦، ح ٢٦.
- [٦٨٣] (٣) كنز العمّال، ج ١، ص ٥٣٦، ح ٢٤٠٦ نقلًا عن أبي الشيخ عن ابن عباس.
- [٦٨٤] (٤) الكافي، ج ٢، ص ٦١٣، ح ١، ثواب الأعمال، ص ١٢٨، ح ١، بحار الأنوار، ج ٩٢، ص ١٩٦، ح ٤.
- [٦٨٥] (٥) كنز العمّال، ج ١، ص ٥٣٦، ح ٢٤٠٧ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [٦٨٦] (٦) حلية الأولياء، ج ٣، ص ٢٠١ عن ابن أبي فديك عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عن جابر، كنز العمّال، ج ١٦، ص ٢٧٣، ح ٤٤٤٢١ وفيه «النظر إلى المرأة...».
- [٦٨٧] (٧) الخصال، ص ٩٢، ح ٣٥، المحاسن، ج ٢، ص ٤٦١، ح ٢٥٩٦ كلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، تحف العقول، ص ٤٠٩، بحار الأنوار، ج ٦٢، ص ١٤٤، ح ١ و راجع: كنز العمّال، ج ١٠، ص ٥١، ح ٢٨٣١٣.

- [۶۸۸] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۱۱۱ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۸۹] (۲) تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۱۲۲، ح ۴۶۱، ثواب الأعمال، ص ۶۴، ح ۸ مع زيادة و كلاهما عن معاوية بن عمّار الدُهني، بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۵۳، ح ۳۱.
- [۶۹۰] (۳) الخصال، ص ۶۱۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۶، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۰۵، ح ۲۵۲۸، بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲، ح ۴.
- [۶۹۱] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۵ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۹۲] (۱) نهج البلاغة: الحكمة ۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۸۸، ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۶۹۳] (۲). في بعض النسخ: «اللَّوْب» بدل «الكوكب»، و هو الأقرب.
- [۶۹۴] (۳) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۴ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۶۹۵] (۴) علل الشرائع، ص ۹۲، ح ۶ و ص ۸۸، ح ۴، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۶، ح ۲۳۶، كلّها عن ابن أبي ليلى عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۳.
- [۶۹۶] (۱) در برخی از نسخه‌ها به جای «کوکب (زندانی)» واژه «لَوْب» به معنای پیچ آمده و همین نیز درست تر می نماید.
- [۶۹۷] (۱) علل الشرائع، ص ۸۷، ح ۲ عن ابن شبرمه، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۱.
- [۶۹۸] (۲) الأمالی للطوسی، ص ۶۴۶، ح ۱۳۳۸ عن ابن شبرمه، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۲، ح ۱۳.
- [۶۹۹] (۳) علل الشرائع، ص ۸۶، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۴، ح ۲۰.
- [۷۰۰] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ و فيه «يؤلمه» بدل «يشتكى».
- [۷۰۱] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۲۰۸۹ عن ابن عباس، الكافي، ج ۶، ص ۳۶۸ ذیل ح ۲ و فيه «و روى أنه جيّد لوجع الاذن»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۱، ح ۱۳۲۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۴، ح ۲.
- [۷۰۲] (۱). در الكافي آمده است: روایت شده که آن، برای درد گوش، مفید است.
- [۷۰۳] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۶، ح ۹.
- [۷۰۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۱۲، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۲۸۵ و ج ۴، ص ۳۶۹، الخصال، ص ۴۹۷، ح ۱، ثواب الأعمال، ص ۳۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۲، ح ۵۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۷، ح ۲.
- [۷۰۵] (۱) علل الشرائع، ص ۹۲، ح ۶، عن ابن أبي ليلى، عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۸۶، ح ۳.
- [۷۰۶] (۲) سقطت الواو من الطبعة المعتمدة، و أثبتناها من الطبعات الاخرى.
- [۷۰۷] (۳) نهج البلاغة، الحكمة ۸، عيون الحكم و المواعظ، ص ۸۸، ح ۲۰۹۸، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۵.
- [۷۰۸] (۴) كذا في المصدر، و في علل الشرائع: «الروائح» و هو جمع الرائحة.
- [۷۰۹] (۵) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، كلّها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۹ و ج ۶۱، ص ۳۰۹، ح ۱۷.
- [۷۱۰] (۱) علل الشرائع، ص ۸۷، ح ۲، الأمالی للطوسی، ص ۶۴۶، ح ۱۳۳۸، و فيه «الردية» بدل «الخيثة»، و كلاهما عن ابن شبرمه، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۱.
- [۷۱۱] (۲) علل الشرائع، ص ۸۶، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۱۰.
- [۷۱۲] (۳) في بحار الأنوار: «تلين»، و الصواب ما أثبتناه.

[۷۱۳] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۱ نقلًا عن الخیر المشتهر بتوحید المفضّل.

[۷۱۴] (۱) قوله: «لیدخل» أى القلب «بین مضاعفها» أى بین قطعتی الرئة (بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۱).

[۷۱۵] (۲) الخصال، ص ۵۱۴، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۱ کلّها عن الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۷، ح ۹.

[۷۱۶] (۳) کفایة الأثر، ص ۲۵۴ عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۱۵، ح ۱۲.

[۷۱۷] (۴) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۲۰، سنن أبی داود، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۴۰، سنن النسائی، ج ۱، ص ۶۶، الموطأ، ج ۱، ص ۱۹، ح ۲ کلّها عن أبی هريرة، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۴.

[۷۱۸] (۱) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۳، ح ۲۳، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۱۱۹۹، ح ۳۱۲۱ و فيه «فتوضأ» بعد «منامه»، سنن النسائی، ج ۱، ص ۶۷، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۸۲، ح ۲۲۶ کلّها عن أبی هريرة، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۱.

[۷۱۹] (۲) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيه «شفاء» بدل «تقیة»، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.

[۷۲۰] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «... حتى يتغرغر بعده بخل».

[۷۲۱] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۵، ح ۲۴۹۰ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۸، ح ۲۱.

[۷۲۲] (۵) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۰، ح ۸۲۳۹، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۵، ح ۲۸۱۹۲.

[۷۲۳] (۱) متن عربی این واژه، «خیاشیم» است و «خیشوم» را در عربی به معنای بُن بینی دانسته‌اند. برخی هم کلّ بینی را خشیوم خوانده‌اند (المصباح المنیر، ص ۱۷۰).

[۷۲۴] (۲) قُسط: عود هندی و عربی که بدان، علاج کنند. بیخی است شبیه به بیخ لفاح و از نواحی هند خیزد و نباتش مفروش و بی ساق و برگش عریض و بر سه قسم می‌باشد: یکی شیرین و سبک و سفید و با عطریت و قسط بحری و عربی نامند و قسمی مایل به سیاهی و سبک و سطر و کم بوی و تلخ، و او را قسط هندی نامند... (لغت‌نامه دهخدا).

[۷۲۵] (۳) برداع (ورس): اسپرک را گویند و آن، گیاهی است که چیزها را بدان رنگ کنند و شبیه سمس است و منبت آن، بلاد یمن است و بس. می‌کارند آن را و تا بیست سال، باقی باشد و جامه‌ای که از آن رنگ کنند، پوشیدنش قوت بسیار دهد (لغت‌نامه دهخدا).

[۷۲۶] (۱) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۰، ح ۸۲۴۱، تاریخ دمشق، ج ۵، ص ۱۵۲، ح ۱۲۲۱، مسند ابن حنبل، ج ۵، ص ۵۳، ح ۱۴۳۹۲، المصنّف لابن أبی شیبّه، ج ۵، ص ۴۲۵، ح ۲ و فیهما بزیداده «سبع مرّات» بعد «بالماء» و کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۵، ح ۲۸۱۹۱ و ح ۲۸۱۹۳.

[۷۲۷] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۲۵ عن أنس، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۷، ح ۱؛ کنز العمال، ج ۶، ص ۶۷۳، ح ۱۷۳۴۵ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم فی الطبّ عن أنس.

[۷۲۸] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۸۹ عن الحلبي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۴.

[۷۲۹] (۴) الکافی، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۸ عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۵۳۲ و فيه «فینزله إنزالاً» بدل «فیزيله»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۵.

[۷۳۰] (۵) الکافی، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۸.

[۷۳۱] (۱) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۷ و ص ۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴.

[۷۳۲] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۵۳۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۴.

[۷۳۳] (۳) ما بین المعقوفین أثبتناه من بحار الأنوار.

[۷۳۴] (۴) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۳، ح ۱.

[۷۳۵] (۱) معنای این واژه در ج ۱، ص ۲۹۱ آمد.

[۷۳۶] (۲) کُنْدُس یا کُنْدَش، نام فارسی یک گیاه است. همین نام به زبان عربی نیز در آمده و مؤلف، درباره آن از فیروزآبادی چنین نقل کرده است: کُنْدَس: ریشه‌های گیاهی است که درونش زرد و لایه بیرونش سیاه است. چون به صورت گَرْد درآید و در بینی دمانده شود، شخص به عطسه می‌آید، چشمان خسته، فروغ تازه می‌یابد و شب کوری از میان می‌رود.

[۷۳۷] (۱) الکافی ج ۲ ص ۶۵۶ ح ۹۱ عن مسعدة بن صدقة عن الامام الصادق عليه السلام مكارم الاخلاق ج ۲ ص ۱۶۶ ح ۲۴۱۲ بحار الأنوار ج ۷۶ ص ۵۲ ح ۱

[۷۳۸] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸ عن أبي بصير، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.

[۷۳۹] (۳) فی المصدر: «فیخرج»، و التصویب من بحار الأنوار.

[۷۴۰] (۴) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۹۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۵، ح ۱۳.

[۷۴۱] (۱) در بحار الأنوار به جای «شده» (سختی) «سده» آمده است و آن، بیماری‌ای است که در بینی رخ می‌نماید و مانع بوییدن راحت هوا می‌شود.

[۷۴۲] (۱) کمال الدین، ص ۴۳۰، ح ۵، الغيبة للطوسی، ص ۲۳۲، ح ۲۰۰، الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۱ و فیهما «بعشر

لیال» بدل «بليلة»، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۲، ح ۲۴۰۰ و فیها «تسليم» بدل «نسيم»، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵، ح ۷.

[۷۴۳] (۲) الکافی، ج ۲، ص ۶۵۷، ح ۲۳، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۶۳، ح ۵۶.

[۷۴۴] (۱) الکافی، ج ۲، ص ۶۵۶، ح ۲۰ عن حذيفة بن منصور.

[۷۴۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۲۴۰۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۵۲، ح ۱.

[۷۴۶] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۲، ح ۲۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۳.

[۷۴۷] (۱). هر دارویی را که به صورت غیر معجون استفاده شود، سفوف گویند.

[۷۴۸] (۱) الثقات لابن حبان، ج ۹، ص ۱۷۰ عن عقبه بن عامر، سير أعلام النبلاء، ج ۹، ص ۹۵، كنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۶۴، ح

۴۰۸۸۹ نقلًا عن ابن النجار عن أبي الخير مرثد بن عبد الله نحوه.

[۷۴۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۰، ح ۱۸۶۵ عن هشام بن سالم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۰، ح ۱۱۳۹ و فیها «لحم الحيتان»،

بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۰۸، ح ۴۷.

[۷۵۰] (۳) أى الإمام الرضا عليه السلام.

[۷۵۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۲.

[۷۵۲] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۴، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۱۶۲.

[۷۵۳] (۱) از دیدگاه نگارنده، در صورت صحت این روایت، ظاهراً مقصود از آن، خوردن همیشگی ماهی برای برخی مزاج‌ها یا

در برخی از مناطق است؛ چه این که شماری از احادیث از عادت کردن به خوردن گوشت ماهی نهی کرده‌اند (ر. ک: ج ۲، ص

۴۸۷). به هر روی، هدف از آوردن این گونه روایات، گشودن باب پژوهش‌های علمی است.

[۷۵۴] (۲). در مكارم الأخلاق به جای «خوردن»، عبارت «گوشت» آمده است.

[۷۵۵] (۳). گیاهی که برای شستن دست و جامه به کار برده می‌شود.

[۷۵۶] (۴) مقصود آن است که امام، علیه السلام هنگامی که پس از غذا خوردن دست‌ها و دهان خود را با آبی که به اشنان آمیخته

است، می‌شست، دهان خویش را کاملاً می‌بست تا چیزی از آن به دهان وی نرود.

[۷۵۷] (۵) ممکن است مقصود، حمام‌های آن عصر باشد که از نظافت کافی برخوردار نبوده است.

[۷۵۸] (۱) غریب الحدیث لابن قتیبه، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۱۶.

[۷۵۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۲ عن منبع.

[۷۶۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۶۶، ح ۳ عن مبارک غلام العرقوفی، الأمالی للطوسی، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۶ عن الحسین عن أبیه و فیه «

أدمنوا الخفّ فإنه...».

[۷۶۱] (۴) فی المصدر: «تعافی فیها» و التصویب من بحار الأنوار.

[۷۶۲] (۵) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۸۵ بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۹، ح ۱.

[۷۶۳] (۱) نوعی پافزار که تا ساق پا و زیر زانو را فرا گیرد، چکمه (فرهنگ معین).

[۷۶۴] (۲) مؤلفان ملحق لسان العرب، واژه «قالی» را چنین تعریف کرده‌اند: گیاهی است یک‌ساله که در شتزارهای ساحل، بسیار

می‌روید.

اما ظاهراً از دیدگاه ابو القاسم پرتو، «قاله» و «قالی» دو چیز جدای از هم‌اند. وی در توضیح قاله می‌آورد: قاله در فارسی، لاجی

آلاچی، سایه‌پرورد. در برخی واژه‌نامه‌ها، قاله را هل یا هیل دانسته‌اند. در برهان آمده دانه گیاهی همگون با هل است، ولی

بزرگ‌تر از آن.

مؤلف واژه‌یاب، درباره قالی نیز آورده که واژه‌ای قبطی تازی شده و به معنای «شورگیا» است (واژه‌یاب، ج ۲، ص ۱۳۷۲). م.

[۷۶۵] (۳) آککرا: گیاهی از جنس بابونه و از تیره مرگبان که گرد گل‌های خشک شده آن، کُشنده حشرات است. عاقرقرا، عقار

کوهان، فورسیون، [ک طرفون... جنام‌های دیگر آن استج (فرهنگ معین)].

[۷۶۶] (۴) بنج، گروهی از گیاهان طبّی مخدّر از رسته گیاهان بادمجانی را در بر می‌گیرد.

[۷۶۷] (۵) خریق: گیاهی است با برگ‌های سبز شبیه برگ خیار [از نوع زینتی آن و البته کوچک‌تر از آن. این برگ‌ها مقداری زبر

است و گیاه نیز ساقه‌ای خشن و گل‌هایی سفید دارد. در این گیاه، رنگ خرفه نیز دیده می‌شود و شکل کلی گیاه، همانند گل سرخ

است.

[۷۶۸] (۶) ابرفیون، معرب فریون است و گاه، فرفیون هم گفته می‌شود. گفته‌اند: مقصود از آن، صمغ مازربون [muerezaM] (هفت برگ)

است. گیاهی است گرم که در سال چهارم، خشک می‌شود. گفته شده در سال سوم، خشک می‌شود. با یک قیراط تا

یک دانگ از آن، شربت می‌سازند. بلغم را از کفل، پشت و روده‌ها بیرون می‌برد و برای سیاتیک و قولنج، خوب است.

مترجم افزوده است: در واژه‌یاب نیز در این باره، چنین آمده است: فرفیون: muiborohpuE، لاتین تازی گشته، شیرگیاه،

گاوکشک، از گیاهان (واژه‌یاب: ج ۲، ص ۱۳۰۸).

[۷۶۹] (۱) فی بحار الأنوار: «و الانبهار».

و قال: الرّبو بالفتح: ضیق النفس، و البُهر: نوع منه. و فی القاموس: هو انقطاع النفس من الإعیاء، و قد انبهر. انتهى. و ربّما یفرّق بین

الرّبو و الانبهار بأنّ الأوّل یحدث من امتلاء عروق الرئة، و الثانی من امتلاء الشرايين (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۴۷ و ص ۳۴۸).

[۷۷۰] (۲) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۷۷۱] (۳) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۲، ح ۵.

[۷۷۲] (۱) گفتنی است در متن عربی واژه «ربو» و «انبهار» و در بحار الأنوار «انبهار» آمده است. ربو، عبارت از مطلق نفس‌تنگی

است و بهر نیز خود، نوعی از آن است. در قاموس آمده: آن، عبارت است از بُریدن نفس که از خستگی حاصل آید، مطاوع آن،

- انبهار است. ممکن است میان «ربو» و «انبهار»، این گونه تفاوت گذارده شود که ربو، از پُری عروق ریه حاصل می‌آید و دیگری از پُرشدگی شریان‌ها.
- [۷۷۳] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۹، ح ۵۳۸۳، سنن أبی داوود، ج ۴، ص ۸، ح ۳۸۷۷، مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۲۸۴، ح ۲۷۰۶۵، المصنّف لعبد الرزاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۴۸۵ کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۹، ص ۵۲۹، ح ۲۷۲۸۵.
- [۷۷۴] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۷۷۵] (۲) سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۷، ح ۲۰۷۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۴، ح ۷۴۴۳، المعجم الکبیر، ج ۵، ص ۲۰۲، ح ۵۰۹۰ و فيه «قال رسول الله صلى الله عليه و آله: تداووا...»، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۲۴، ح ۲۸۱۸۷.
- [۷۷۶] (۳) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۰.
- [۷۷۷] (۱) عود هندی: گفته‌اند همان بُستک دریایی است. همچنین گفته‌اند: عودی است که برای خوش بو کردن، دود می‌کنند.
- [۷۷۸] (۲) ذات الجنب: درد پهلو، برسام، نوعی بیماری پهلو، درد و آماس پهلو، ورم حادّ مولم در نواحی صدر، ورم حجاب مستبطن، دردی است به دنده‌ها با سرفه و تب، سینه پهلو، ورم حادّ مولم که در نواحی سینه پیدا شود که قسمی از آن را «شوصه»، قسمی را «برساما» و قسمی را «ذات الجنب ساده» گویند (لغت‌نامه دهخدا).
- [۷۷۹] (۳) معنای سداب در ج ۱، ص ۲۴۷ آمد.
- [۷۸۰] (۱) الخصال، ص ۵۱۳، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ و فيه «العَضُّ بدل «المضغ» و «لیشتد» بدل «لیسند» و کلاهما عن الربیع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵.
- [۷۸۱] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۶ نقلًا عن الخیر المشتهر بتوحید المفضّل.
- [۷۸۲] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۱ کلاهما عن هشام بن سالم عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۰.
- [۷۸۳] (۲) المعجم الأوسط، ج ۲، ص ۱۵۹، ح ۱۵۷۳، تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۳۷۵، ح ۱۱۳۱۱، مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۱۳۳۳ کلّها عن أنس؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۲، ح ۲۹.
- [۷۸۴] (۳) الفردوس، ج ۲، ص ۲۶۲، ح ۳۲۲۰ عن أبی أيوب، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۵، ح ۴۰۸۳۷؛ مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۰۵۸ و فيه «من امتی فی الوضوء و الطعام» بدل «من الطعام و من الطهور»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.
- [۷۸۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۲ عن أبی حمزة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۱.
- [۷۸۶] (۵) الفردوس، ج ۵، ص ۳۰۰، ح ۸۲۴۸ عن أبی أيوب و راجع مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۰۶۷.
- [۷۸۷] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۲، ح ۱۰۶۶ عن الإمام الکاظم علیه السلام، جامع الأحادیث للقمی، ص ۶۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.
- [۷۸۸] (۲) جامع الأحادیث للقمی، ص ۶۵.
- [۷۸۹] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۰۵۴ عن سعد بن معاذ، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶، ح ۱.
- [۷۹۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۶، ح ۲۳۱۹ عن سدید، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۸.
- [۷۹۱] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۷، ح ۲۳۲۰ کلاهما عن أبی جمیله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۷، ح ۲۷.
- [۷۹۲] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۰.

- [۷۹۳] (۷) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح ۱۰۵۹، مستطرفات السرائر، ص ۴۹، ح ۹ و زاد فی ذیلہ «فإنَّ الخلال نزل به جبرئیل مع الیمین و الشهادة من السماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۶.
- [۷۹۴] (۱) المعجم الأوسط، ج ۷، ص ۲۱۵، ح ۷۳۱۱، الفردوس، ج ۲، ص ۵۵، ح ۲۳۰۹ کلاهما عن عبد الله بن مسعود، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۰، ح ۲۶۰۹۲؛ طبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱.
- [۷۹۵] (۲) الجعفریات، ص ۲۸ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰۶۱ و فيه «مصحة للفم» بدل «صحة اللب»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۷ نحوه و کلاهما عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۴۱۰، النوادر للراوندي، ص ۲۱۲، ح ۴۱۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۲، ح ۲۷.
- [۷۹۶] (۳) الفردوس، ج ۲، ص ۵۴، ح ۲۳۰۷ عن عمران الكلاعي، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۵، ح ۴۰۸۳۶ عن عمران بن حصين الخزاعي؛ طبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۳ و فيه «فإنهما» بدل «فإنه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۱.
- [۷۹۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۵ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۷۹۸] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۷ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۷۹۹] (۶) تحف العقول، ص ۱۴، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۶۷، ح ۶ و ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۰.
- [۸۰۰] (۱) مقصود از نواجد، همان ضواحک است؛ یعنی دندان‌هایی که هنگام خندیدن، نمایان می‌شوند.
- [۸۰۱] (۲). در مکارم الأخلاق، به جای «سلامت دندان‌های نیش»، عبارت «سلامت دهان» آمده است.
- [۸۰۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۷ و ليس فيه «يا جعفر»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۱۹.
- [۸۰۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۶، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۳۳۲ و ليس فيه «و هو يطيب الفم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۹، ح ۱۲.
- [۸۰۴] (۳) إحقاق الحق، ج ۱۲، ص ۲۸۳ نقلًا عن بهجة المجالس.
- [۸۰۵] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۸، ح ۲۳۲۸ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۳۷ عن أبي هريرة نحوه، کنز العمال، ج ۱۵، ص ۲۵۴، ح ۴۰۸۳۵ و راجع مسند ابن حنبل، ج ۳، ص ۳۰۴، ح ۸۸۴۵.
- [۸۰۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۸.
- [۸۰۷] (۱) شکم کلن (دبيله)، جوش یا دُمَل بزرگی است که در شکم، رُخ می‌نماید و غالباً شخص را می‌کشد.
- [۸۰۸] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۷، ح ۴۲۶۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱۰۵۱.
- [۸۰۹] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۱۷۳۶ عن الفضل بن يونس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷، ح ۱.
- [۸۱۰] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۱۲، ح ۹۹۳ عن محمد بن جعفر بن العاصم عن أبيه عن جدّه، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۱۱۸، ح ۳۵ و ج ۶۶، ص ۴۲۱، ح ۳۶.
- [۸۱۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۹، ح ۲۳۲۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۰، ح ۱۵.
- [۸۱۲] (۵) المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۸، ح ۱۷۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷، ح ۱.
- [۸۱۳] (۱) مقصود، موادی است که بلعیدن آن، غیر بهداشتی نیست.
- [۸۱۴] (۱) صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷۱، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۱، ح ۱۰۶۲ کلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۸، ح ۵.
- [۸۱۵] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۲۹، ح ۱۰۵۲ عن الفضل بن يونس و راجع: بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۶.

- [۸۱۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۹ عن السكوني، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۳ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۳.
- [۸۱۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۵.
- [۸۱۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۱۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۶۱ كلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۱، ح ۲۲.
- [۸۱۹] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۷، علل الشرائع، ص ۵۳۳، ح ۱ كلاهما عن إبراهيم بن عبد الحميد، الخصال، ص ۶۴، ح ۹۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۲ كلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۷، ح ۳.
- [۸۲۰] (۱) مقصود، خلالهای غیر استاندارد آن عصر است.
- [۸۲۱] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۹۴، سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۴، ح ۵۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۸۳۵۵، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۴۲ نحوه و كلها عن عمّار بن ياسر، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۱.
- [۸۲۲] (۲) الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۸۲۳] (۳) الخصال، ص ۲۷۱، ح ۱۱ عن الحسن بن الجهم، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۷، ح ۱ و ج ۸۰، ص ۳۴۵، ح ۲۹.
- [۸۲۴] (۴) ثواب الأعمال، ص ۳۵، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۳۸، ح ۱۰.
- [۸۲۵] (۵) المعجم الكبير، ج ۷، ص ۳۷، ح ۶۳۰۷ عن سلمة بن قيس، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۰.
- [۸۲۶] (۱) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۱۲، ح ۲۱، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۴، ح ۲۶۱۲۳ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزّاق و كلاهما عن أبي هريرة.
- [۸۲۷] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴۰۸، سنن أبي داود، ج ۱، ص ۳۵، ح ۱۴۱ كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۳، ح ۲۶۱۱۲.
- [۸۲۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۴ كلاهما عن إسحاق بن عمّار، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۱، ح ۲۵.
- [۸۲۹] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۲۹۴، مسند ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱۸۳۵۵، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۴۲ كلها عن عمّار بن ياسر، سنن أبي داود، ج ۱، ص ۱۴، ح ۵۳ عن عائشة، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۱.
- [۸۳۰] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۳ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام و ج ۳، ص ۲۳، ح ۳ عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۰۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۵۷ و فيها «أن احفى أو ادرد»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۱، ح ۲۶.
- [۸۳۱] (۶) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۳، ح ۴۹۶۸، الأمالي للصدوق، ص ۵۱۴، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد، مكارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۶۵۵ كلها عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- [۸۳۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۷ كلاهما عن جميل بن درّاج عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۲، ح ۲۸.
- [۸۳۳] (۲) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۲۸۹، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۲۰، ح ۷۸۷۶ كلاهما عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۲۶۱۷۴.

- [۸۳۴] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۲۳، ح ۲ عن أبي اسامة وج ۶، ص ۴۹۵، ح ۲ عن إسحاق بن عمار وفيه «السواك من سنن المرسلين»، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۳.
- [۸۳۵] (۴) علل الشرائع، ص ۲۹۴، ح ۱ عن أبي البختری، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۱۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۷ و ليس فيهما «قال رسول الله صلى الله عليه وآله»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۵.
- [۸۳۶] (۵) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۱۸، الخصال، ص ۴۸۰، ح ۵۲ عن رسول الله صلى الله عليه وآله نحوه.
- [۸۳۷] (۶) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۲ عن عمّار الساباطي عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۲۴ وفيه «روى: لو علم...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۰، ح ۱۷.
- [۸۳۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۰، ح ۲۳۳۸ وفيه «تدخلون عليّ قُلْحًا مُرْغًا» بدل «قُلْحًا»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۲، ح ۲۹.
- [۸۳۹] (۲) الجعفریات، ص ۱۵، النوادر للراوندي، ص ۱۹۲، ح ۳۴۹ كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹ وفيه «تنزل عليكم الملائكة» بدل «تنزل عليكم»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۱.
- [۸۴۰] (۳) الخصال، ص ۴۰۹، ح ۹، المحاسن، ج ۱، ص ۷۵، ح ۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۱، ح ۱۰.
- [۸۴۱] (۴) سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۰۶، ح ۲۸۹، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۲۲۰، ح ۷۸۷۶ وفيه «مطية» بدل «مطهرة» و كلاهما عن أبي امامة، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۱۲، ح ۲۶۱۷۴؛ الكافي، ج ۶، ص ۴۹۵، ح ۴ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام و ليس فيه «تسوّكوا فإنّ».
- [۸۴۲] (۵) الفردوس، ج ۳، ص ۳۱۱، ح ۴۹۳۷ عن حذيفة بن اليمان، كنز العمّال، ج ۶، ص ۶۴۶، ح ۱۷۲۰۸.
- [۸۴۳] (۶) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۴، ح ۲۵۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸؛ الفردوس، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۳۵۴۹ عن أبي هريرة.
- [۸۴۴] (۱) در المعجم الكبير، به جای «مايه پاکیزگی»، عبارت «خوش بو کننده» آمده است.
- [۸۴۵] (۱) إتحاف السادة المتّقين، ج ۲، ص ۳۵۰ عن عائشة، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۱۱، ح ۲۶۲۶۴ نقلًا عن الفردوس.
- [۸۴۶] (۲) ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۳ عن يحيى أبي البلاد.
- [۸۴۷] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۳، ح ۲۳۵۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۳، ح ۳۹.
- [۸۴۸] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۳، ح ۱۱۶، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱ عن أبي البختری، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۵.
- [۸۴۹] (۵) الأمالی للطوسی، ص ۶۶۷، ح ۱۳۹۶ عن أبي غنّدر، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۲.
- [۸۵۰] (۶) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۲۳۵۴ عن زكريّا، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۴، ح ۴۳.
- [۸۵۱] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۴، ح ۲۳۵۳ كلاهما عن حمّاد بن عيسى، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۳، ح ۴۲.
- [۸۵۲] (۸) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۲۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ نقلًا عن طبّ الأئمة لابني بسطام.
- [۸۵۳] (۹) جامع الأخبار، ص ۱۵۱، ح ۳۴۰ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.
- [۸۵۴] (۱) الخصال، ص ۴۸۰، ح ۵۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۹، ح ۱۳.
- [۸۵۵] (۲) الأحكام النبويّة في الصناعة الطبيّة، ج ۲، ص ۱۱۶، كنز العمّال، ج ۹، ص ۳۱۴، ح ۲۶۱۸۵ نقلًا عن أبي الشيخ في الثواب و

أبي نعيم في كتاب السؤال و كلاهما عن ابن عباس.

[۸۵۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۳۴، ح ۱ كلاهما عن عبد الله بن سنان، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۲۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷.

[۸۵۷] (۴) مسند الشاميين، ج ۳، ص ۲۶۴، ح ۲۲۲۲، الفردوس، ج ۲، ص ۴۶۲، ح ۳۹۷۷، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۴، ح ۱۷۲۳۳ نقلًا عن المعجم الكبير و مسند أبي يعلى و كلها عن أبي الدرداء.

[۸۵۸] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۱۹۱، ح ۵۴۵ عن غياث بن إبراهيم، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۸۷ كلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸ نقلًا عن كتاب اللباس لأبي النضر العياشي و ص ۳۲۰، ح ۴.

[۸۵۹] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۷، ح ۴۸۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۴۲ و فيه «يحددن الفكر» بدل «يحدثن الذكر»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۶، ح ۳۹ و ص ۲۷۵.

[۸۶۰] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۲۰، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۰۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۷۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ و راجع كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۶، ح ۲۶۱۹۷.

[۸۶۱] (۴) الجعفریات، ص ۱۶۱ عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام، النوادر للراوندي، ص ۲۰۱، ح ۳۸۲ عن الإمام علي عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، الدعوات، ص ۱۶۱، ح ۴۴۵، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۹، ح ۵۳.

[۸۶۲] (۵) مسند ابن حنبل، ج ۷، ص ۱۷۳، ح ۱۹۷۵۸.

[۸۶۳] (۶) السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۶، ح ۱۷۴، المعجم الكبير، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۲۴۲، تاريخ دمشق، ج ۱۱، ص ۴۷۱، ح ۲۸۷۳ كلاهما عن بهز، كنز العمال، ج ۷، ص ۴۲، ح ۱۷۸۶۱.

[۸۶۴] (۱). در السرائر به جای «حافظه به بار می آورد»، عبارت «فکر را تیز می کند» آمده است.

[۸۶۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۹۷، ح ۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۴.

[۸۶۶] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۵، ح ۲۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۴، ح ۴۵.

[۸۶۷] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۵، ح ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۴ و ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۷.

[۸۶۸] (۴) المعجم الكبير، ج ۲۲، ص ۳۶۸، ح ۹۲۳، الطبقات الكبرى، ج ۷، ص ۴۲۶ نحوه، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۲۰، ح ۲۶۲۲۶.

[۸۶۹] (۵) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۶۷۸، مسند الشاميين، ج ۱، ص ۵۰، ح ۴۶ كلاهما عن معاذ بن جبل، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۲۱، ح ۲۶۶۲۸؛ مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۲۶۱ و ليس فيه «يطيب الفم»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۵، ح ۴۸.

[۸۷۰] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۷ نقلًا عن: طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۵۰، و ذكر الحديث فيه مع تفاوت في الألفاظ.

[۸۷۱] (۱) گزمازك: بار و میوه درخت گز را گویند و معرب آن «جزمازج» است و به عربی «ثمره الطرفا» خوانند و «حب الاثل»، همان است (لغت نامه دهخدا).

[۸۷۲] (۲) معنای مُشكك (سُعد) در ج ۲، ص ۳۳۷ خواهد آمد.

[۸۷۳] (۳) سنبل: دواست، هندی و رومی دارد، هندی را «سنبل الطیب» و «سنبل عسافر» گویند و رومی را «ناردین» گویند (لغت نامه دهخدا).

[۸۷۴] (۴) نمك اندرانی (و درآنی)، نمکی است که چنان که در کتاب قانون آمده، به بلور می ماند و در فارسی، آن را «نمک ترکی» گویند. «نمک اندرانی»، خطاست و صحیح آن، «درآنی» است، به معنای بسیار سفید (القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۴۰).

[۸۷۵] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۱۹.

[۸۷۶] (۲) المعجم الكبير، ج ۵، ص ۲۵۴، ح ۵۲۶۱، الدر المنثور، ج ۱، ص ۲۷۸.

- [۱۷۷] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۹۵، ح ۱۸۲، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۲۵۴، ح ۳۵.
- [۱۷۸] (۴) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴۵۱، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۷۴، ح ۲۱۸۴، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۱۳۰، ح ۲.
- [۱۷۹] (۵) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۲۱، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱، عن مسلم مولى الإمام الصادق عليه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۷۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۷، ح ۷.
- [۱۸۰] (۱) المعجم الأوسط، ج ۶، ص ۲۸۸، ح ۶۴۳۷ عن عمرو بن عوف المزني، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۱، ح ۲۶۱۶۸ و فيه «إذا لم يكن...» و راجع: السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۷.
- [۱۸۱] (۲) السنن الكبرى، ج ۱، ص ۶۷، ح ۱۷۶، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۱۵، ح ۲۶۱۸۸ نقلًا عن الضياء و كلاهما عن أنس.
- [۱۸۲] (۳) الكافي، ج ۳، ص ۲۳، ح ۵.
- [۱۸۳] (۴) الاختصاص، ص ۱۲۴ عن أبي هند الداري، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۳، ح ۱۱؛ تاريخ دمشق، ج ۲۱، ص ۶۰ و ليس فيه «يرضى الرب»، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۱، ح ۲۸۲۶۶.
- [۱۸۴] (۵) الدرر الواقية، ص ۴۲ عن سماعة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۱.
- [۱۸۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۷.
- [۱۸۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ نحوه و زاد في آخره «إنه يزین به أهل الجنة موآندهم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳. انظر تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۳.
- [۱۸۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۹، ح ۱۳۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۴. انظر تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۴.
- [۱۸۸] (۱) برای دیدن متن کامل روایت، ر.ک: بادرنگبویه، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۱۳.
- [۱۸۹] (۲) برای دیدن متن کامل روایت، ر.ک: بادرنگبویه، ج ۲، ص ۱۹۹، ح ۱۵۱۴.
- [۱۹۰] (۱) الكافي ج ۶ ص ۳۶۵ ح ۴ الخصال ص ۲۴۹ ح ۱۱۴ المحاسن ج ۲ ص ۳۱۵ ح ۲۰۸۵ مکارم الاخلاق ج ۱ ص ۳۸۷ ح ۱۳۰۳ عن الامام الباقر عليه السلام نحوه بحار الانوار ج ۶۶ ص ۲۰۰، ح ۱. انظر تمام الحديث في: ج ۲، ص ۴۳۴، ح ۱۹۲۸.
- [۱۹۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴ عن أبي عزيز المرادي، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ كلاهما عن فضيل بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۳.
- [۱۹۲] (۳) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.
- [۱۹۳] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۴. انظر تمام الحديث في: ص ۳۳۲، ح ۱۷۵۶.
- [۱۹۴] (۱) برای دیدن متن کامل روایت، ر.ک: ج ۲ ص ۴۳۵ ح ۱۹۲۸.
- [۱۹۵] (۲) برای دیدن متن کامل روایت، ر.ک: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۱۷۵۶.
- [۱۹۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۵ عن حماد بن عيسى، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۷، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۱۹۷] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۹، طَب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۳ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.

- [۹۸۸] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۶، ح ۱۱.
- [۹۸۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۱۰، الخصال، ص ۱۸، ح ۶۳، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۴ کَلْهَا عن حمّاد بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۱ و ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۹۹۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۴ عن عبد الله بن الفضل الهاشمی عن أبيه وعمه.
- [۹۹۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۱۲، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۳، ح ۲۸۵ و ج ۴، ص ۳۶۹، الخصال، ص ۴۹۷، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۷، ح ۲.
- [۹۹۲] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۳، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۷.
- [۹۹۳] (۳) الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۴، المقنعة، ص ۳۱۷ نحوه و كلاهما عن عبد الله بن مسكان، المصباح للكفعمی، ص ۸۳۵. انظر تمام الحديث في ج ۱، ص ۴۵۴، ح ۷۶۴.
- [۹۹۴] (۱) در بعضی از نسخه‌های خطی کافی عبارت «الغثيان» آمده، و در برخی واژه «الغثيان» به معنای بدنهادی آمده. در برخی از نسخه‌های خطی کتاب من لا يحضره الفقيه «بالصنان» آمده که به معنای «بوی بد زیر بغل» است و سرانجام در برخی از نسخ همین کتاب نیز «بالضنی» آمده که به معنای «ضعف و سستی» است.
- [۹۹۵] (۲). برای دیدن کامل روایت، ر. ک: ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۷۶۴.
- [۹۹۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۸ عن حنّان عن أبيه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۰.
- [۹۹۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۷ كلاهما عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۲، ح ۱۱.
- [۹۹۸] (۳) طَبُّ الْأَثْمَةِ لابن بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.
- [۹۹۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسير بن عمار الزطّی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «و الجماع»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «و الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.
- [۹۱۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۲، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۹۸، ح ۳۴.
- [۹۱۱] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۹۱۲] (۱) وَشِيمِهِ: گیاهی است برگش شبیه برگ موزد و ساقش غیر مجوّف و ثمرش به قدر فلفلی و بعد از رسیدن، سیاه گردد و بدان، ابرو و موی را خضاب کنند و در آن، قوه محلّله باشد یا آن برگ نیل است. گیاهی که آن را رنگ و بشکول و خطر و کتم جو حنای مجنونج نیز می گویند (لغت نامه دهخدا).
- [۹۱۳] (۱) الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۳، ح ۱۴۴۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۴۳، ح ۲.
- [۹۱۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱ عن سفیان بن السمط، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۴۵۱ و فیهما «مشط اللحية»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴.
- [۹۱۵] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۰، طَبُّ الْأَثْمَةِ لابن بسطام، ص ۱۹ عن داوود بن فرقد نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵، ح ۱۶.
- [۹۱۶] (۴) طَبُّ الْأَثْمَةِ لابن بسطام، ص ۱۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۴، ح ۶.

- [۹۱۷] (۱) معنای خردل در ج ۱، ص ۲۵۹ آمد.
- [۹۱۸] (۲) معنای آن در ج ۱، ص ۳۴۵ آمد.
- [۹۱۹] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴، ح ۴۹۶۸، الأمالی للصدوق، ص ۵۰۹، ح ۷۰۷ كلاهما عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۸، ح ۱.
- [۹۲۰] (۲) علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱ عن عبد الله بن أبي يعفور، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۴، ح ۱۱۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۶۹ عن الإمام الباقر عليه السلام و فيهما « يكره » بدل « إيتاك و »، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱، ح ۵.
- [۹۲۱] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۰.
- [۹۲۲] (۴) في بحار الأنوار: « فلا يأكل حلواً إلّا بعد كسرة خبز ».
- [۹۲۳] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۹ و ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ۳۲۵.
- [۹۲۴] (۶) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۵، ح ۲۳۲ عن سليمان بن جعفر الجعفري، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۹.
- [۹۲۵] (۱) در بحار الأنوار، به جای عبارت پایانی حدیث، این عبارت آمده است: « شیرینی نخور، مگر پس از خوردن یک قطعه نان ».
- [۹۲۶] (۱) في بحار الأنوار: « وقعت فيه ».
- [۹۲۷] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱۶، إعلام الوری، ج ۲، ص ۵۷، كشف الغمّة، ج ۳، ص ۱۰۴، الثاقب في المناقب، ص ۴۸۴، ح ۴۱۳ کلّها نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۵۹، ح ۱.
- [۹۲۸] (۱) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۱۳۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۹، ح ۲۲.
- [۹۲۹] (۱) الكافي، ج ۸، ص ۱۹۴، ح ۲۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۳، ح ۸.
- [۹۳۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۱، ح ۵.
- [۹۳۱] (۳) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۲، ح ۷.
- [۹۳۲] (۴) الخصال، ص ۳۸۵، ح ۶۸ عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۸، ح ۶.
- [۹۳۳] (۱) مصطبه ای را گویند که دیواری بر آن محیط است و آن، دو در دارد به دو رکن عراقی و شامی. آن مقدار زمین که حطیم بدو محیط است و قبر هاجر، مادر اسماعیل، در آن است (ر. ک: لغت نامه دهخدا).
- [۹۳۴] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۲، الخصال، ص ۳۹۴، ح ۱۰۰ عن السكوني عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه و آله، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۳، ح ۴۰۲، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۶، ح ۵.
- [۹۳۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۲۳۰، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۵۵، ح ۳.
- [۹۳۶] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰۳، ح ۱ و راجع: طب الأئمة لابني بسطام، ص ۶۶.
- [۹۳۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ و فيه « حتى لا » بدل « ولا » و ليس فيه « الفم » و كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۲۵۲ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.
- [۹۳۸] (۱) الخصال، ص ۵۱۴، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۱ کلّها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱۰، ح ۱۷.
- [۹۳۹] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۷ إلى ص ۱۱۲ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفصل.
- [۹۴۰] (۱) طريحي در مجمع البحرين (ج ۴ ص ۱۹۰) « مُرّة » را یکی از اخلاط بدن، غیر از خون، معرفی می کند. شاید همان،

[۹۴۱] (۱) الاختصاص، ص ۱۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۶، ح ۱۴.

[۹۴۲] (۲) الكافي، ج ۸، ص ۲۳۰، ح ۲۹۷ عن ابن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۶، ح ۱۲.

[۹۴۳] (۳) طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ص ۲، عوالي اللآلئ، ج ۲، ص ۳۰، ح ۷۲، الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰ و الثلاثة الأخيرة عن الربيع صاحب المنصور عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۰۷، ح ۱۷.

[۹۴۴] (۱) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۹۹، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰، كَلَّهَا عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۵، ح ۹.

[۹۴۵] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۴ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۲؛ الفردوس، ج ۳، ص ۲۴۴، ح ۴۷۱۷ عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله.

[۹۴۶] (۳) الخصال، ص ۴۱۶، ح ۸ عن الإمام الصادق عليه السلام. انظر تمام الحديث و تخريجه في ج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۴.

[۹۴۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۵، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۴ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۳، ح ۳۳ و راجع: المستدرک على الصحيحين، ج ۴، ص ۲۲۷، ح ۷۴۵۱.

[۹۴۸] (۱) برای دیدن متن کامل حدیث و منابع آن، ر. ک: خواصّ خرما ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.

[۹۴۹] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۰، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۹.

[۹۵۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۱۰ عن حمّاد بن عثمان.

[۹۵۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۱۵۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۸، ح ۶.

[۹۵۲] (۴) جامع الأخبار، ص ۱۵۱، ح ۳۴۰ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۸، ح ۴۹.

[۹۵۳] (۵) الدعوات، ص ۸۰، ح ۲۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۱۲، ح ۹.

[۹۵۴] (۱) معنای سويق در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.

[۹۵۵] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۷، ح ۲۰۰۴۷ نقلًا عن كتاب التعريف.

[۹۵۶] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱۱ عن مسمع بن عبد الملك عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۹۵۷] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۲۹۵ كلاهما عن إسماعيل بن جابر و ح ۲۲۹۴ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيهما «أكل التفّاح نضوح للمعدة»، الجعفریات، ص ۲۴۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۱۳، ح ۳۷۳ و فيهما «عليكم بأكل التفّاح فإنّه نضوح للمعدة» و الخمسة الأخيرة عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۸، ح ۶.

[۹۵۸] (۴) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱۵۰ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴ و كلاهما عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۵۴، ح ۱؛ مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۷۲، ح ۲۳۲۹۷ عن ربعيّة ابنة عياض الكلابيّة، عيون الأخبار لابن قتيبة، ج ۳، ص ۲۹۴ عن معمر بن خُثَم عن جدّته، كنز العمّال، ج ۱۴، ص ۱۸۷، ح ۳۸۳۲۲.

[۹۵۹] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۴، ح ۱۳ عن ابن القدّاح، المحاسن، ج ۲، ص ۳۵۶، ح ۲۲۳۵ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام عليّ عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۰، ح ۳۰.

[۹۶۰] (۱) در الخصال و تحف العقول، حدیث به صورت « خوردن سیب...» آمده است.

[۹۶۱] (۱) فی المصدر: «تسبیح»، و الأصوب ما أثبتناه كما فی بحار الأنوار.

[۹۶۲] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۶۴، ح ۴۹.

[۹۶۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۶ و فيه إلى « و السفرجل»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۷، ح ۳۷.

[۹۶۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۷، ح ۱ عن الحسن بن راشد عن الإمام الصادق علیه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۶، ح ۲۲۷۷ عن أبي بصیر عن الإمام الصادق عن آباءه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۰، ح ۱۵.

[۹۶۵] (۵) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۶، ح ۳۶.

[۹۶۶] (۱) علّامه مجلسی می گوید: احتمالاً تسبیح گفتن انار در درون بدن، کنایه‌ای از سودمندی فراوان آن است و از این جهت که بر قدرت و حکمت آفریدگار دلالت دارد، گویی همواره در حال تسبیح گفتن خداوند است.

[۹۶۷] (۱) المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۷، ح ۲۲۸۳ عن إسحاق بن مطهر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۱، ح ۲۰.

[۹۶۸] (۲) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۸ عن ابن عبّاس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عبّاس نحوه، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.

[۹۶۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۹ کلاهما عن صالح بن عقبه، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۷ عن الإمام الرضا علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۴.

[۹۷۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۰۹۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۲، ح ۱ و راجع: الکافی، ج ۸، ص ۱۹۱، ح ۲۲۰.

[۹۷۱] (۱) مجلسی در ذیل این حدیث گفته است: در بیشتر نسخه‌ها همین عبارت «یفرج المعدة» آمده است، اما این تعبیر دارای معنایی که با این موضع سازگار باشد نیست، مگر آن که گفته شود «یفرج» از ریشه فرج به معنای شکافتن و گشودن است و خود کنایه از وسعت دادن به معده و به وجود آمدن اشتها به غذاست. در برخی از نسخه‌ها نیز «یصوح» آمده که به معنای «خشک می‌کند» است. در برخی دیگر هم «نضوح» [یعنی پاک کننده آمده که از سایر ضبطها معنای روشن تری دارد.

[۹۷۲] (۲) در متن حدیث، «اشنان» آمده و آن، نام گیاهی است که به عنوان ماده کمکی در شست و شو از آن استفاده می‌شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی در آمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.

[۹۷۳] (۳) حزا، گیاهی است شبیه کرفس، ولی با برگ‌هایی پهن تر. در فارسی آن را «دینارویه» می‌گویند. بویی تلخ دارد و دارای دو نوع صحرایی و باغی است. نوع صحرایی را به شیرازی «برگ کازرونی» و نوع باغی را «آهودوستک» می‌نامند (لغت نامه دهخدا: ج ۶ ص ۱۸۹۰۵). م.

[۹۷۴] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۳۵۹، ح ۲۴۵۵۴ و ج ۱۰، ص ۸۵، ح ۲۶۱۰۹، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲۸، ح ۷۴۵۵ و ص ۴۵۱، ح ۸۲۴۵ السنن الکبری، ج ۹، ص ۵۸۱، ح ۱۹۵۷۴ کلّها عن عائشة نحوه، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۳۷، ح ۲۸۲۴۵.

[۹۷۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۶، ح ۲۹.

[۹۷۶] (۳) کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴، ح ۲۸۰۷۵ نقلًا عن الدارقطنی فی العلل عن أنس و ابن السنی و أبی نعیم فی الطبّ عن الإمام علیّ علیه السلام و عن أبی سعید و عن الزهری؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۳۰۶.

[۹۷۷] (۴) تحف العقول، ص ۱۷۲، بشاره المصطفی، ص ۲۵ عن کمیل بن زیاد نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۲۵، ح ۴۱.

[۹۷۸] (۱) تلینه، نوعی آش است که از سبوس، شیر و غسل درست می‌شود. برای توضیح بیشتر، ر. ک: ج ۱، ص ۲۳۵ (تلینه).

[۹۷۹] (۲) برده، همان بد گواری یا سنگینی غذاها بر معده است. از آن رو، این بیماری چنین نام گرفته که معده را سرد می‌کند و

سبب می شود شخص نتواند غذا را گوارا حس کند.

- [۹۸۰] (۱) فی المصدر: «فجأ»، و التصویب من بحار الأنوار. و الفجج من کلّ شیء: ما لم ينضج (لسان العرب، ج ۲، ص ۳۴۰).
- [۹۸۱] (۲) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳ نحوه.
- [۹۸۲] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۱ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۱، ح ۱۱۰۳، المحاسن، ج ۲، ص ۴۰۲، ح ۲۴۰۴ عن ابن القدّاح و فيه «یأخذ» بدل «یوجد»، الجعفریات، ص ۱۶۱ کلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۰، ح ۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶۶، ح ۲۳.
- [۹۸۳] (۴) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲۳۲، الأملی للصدوق، ص ۴۴۵، ح ۵۹۵ کلاهما عن محمّد بن حرمان، روضة الواعظین، ص ۳۳۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۰، ح ۳.
- [۹۸۴] (۱) مراد از فقّاع در حدیث، نوع حلال آب جوست که امروزه به نام «ماء الشعیر» شناخته می شود نه آب جو که نوشیدن آن حرام است، مگر گفته شود نوشیدن آن در حَمّام، علاوه بر حرمت و ایجاد مستی، معده را بیش از پیش از بین می برد.
- [۹۸۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۴ عن محمّد بن عیسی.
- [۹۸۶] (۲) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۹۸۷] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.
- [۹۸۸] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۶ کلاهما عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۳۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۵ کلاهما عن الإمام علی علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۳۲.
- [۹۸۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۷ عن حرمان، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۸، ح ۱۶.
- [۹۹۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۵، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۳ کلاهما عن زیاد القندی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۴، ح ۲.
- [۹۹۱] (۳) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۳۶، ح ۹۱، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۲۱۵۲، ح ۵۳۶۰، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۴۰۹، ح ۲۰۸۲ کلاهما نحوه، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۸۳، ح ۱۱۸۷۱، کنز العدیال، ج ۱۰، ص ۲۱، ح ۲۸۱۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۵، ح ۲۰.
- [۹۹۲] (۱) معنای آویشن در ج ۲ صفحه ۳۳۳ خواهد آمد.
- [۹۹۳] (۱) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۳۵، ح ۴۷۶ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۲، ح ۲۸.
- [۹۹۴] (۲) فی بحار الأنوار: «و غیّرتُه النار، قشّرها و کُلّها».
- [۹۹۵] (۳) طب الأئمّة لابنی بسطام، ص ۱۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۶، ح ۱۲.
- [۹۹۶] (۱) در بحار الأنوار، عبارت چنین است: «... و آتش آن را دیگرگون کرده باشد، آن را پوست بکن و بخور که در دم، درد را آرام می کند».
- [۹۹۷] (۱) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۵ عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۴، ح ۱۹.
- [۹۹۸] (۲) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۴، ح ۱۰۳.
- [۹۹۹] (۳) طب الأئمّة لابنی بسطام، ص ۵۴ عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۷، ح ۳۰.
- [۱۰۰۰] (۴) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۲، ح ۲ و راجع: الکافی، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۱.

- [۱۰۰۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۲، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۳، ح ۳.
- [۱۰۰۲] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۴، ح ۲۰۱۱ عن هشام بن سالم، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۴، ح ۵ و راجع: السرائر، ج ۳، ص ۱۴۰.
- [۱۰۰۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۵، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۴، ح ۲.
- [۱۰۰۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۵، ح ۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۰، ح ۱۴۲۴ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۱، ح ۲۵.
- [۱۰۰۵] (۱) اوقیه واحد وزن با مقادیر متفاوت در زمان ها و مکان های مختلف بوده و در اصل آن را برابر یک دوازدهم رطل دانسته اند اوقیه شرعی در قرون نخستین اسلامی در مکه معادل چهل درهم برابر با ۱۲۴ گرم بوده است (ر. ک: اوزان و مقیاس ها در اسلام: ص ۵۴ به بعد). م.
- [۱۰۰۶] (۲) گاورس، گیاهی است از تیره گندمیان و از دسته غلات که دانه های شبیه ارزن دارد و با ارزن از یک نوع است و در حقیقت، گونه ای ارزن است که دانه هایش درشت تر است و پوستش نیز از پوست ارزن، زبرتر است. دانه های این گیاه را بیشتر به کیوتران دهند (فرهنگ معین). همچنین، ر. ک: ج ۲، ص ۵۰۱، پاورقی ۱.
- [۱۰۰۷] (۱) المصنّف لعبد الرزّاق، ج ۹، ص ۲۵۹، ح ۱۷۱۳۵، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۳۱، ح ۲۸۲۱۹.
- [۱۰۰۸] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۶۲۹، ح ۲۶۷۷، المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۱۸۴، ح ۱۲۹۸۶ کلاهما عن ابن عبّاس، کنز العمّال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۶.
- [۱۰۰۹] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۸، ح ۵۶، الخصال، ص ۱۹، ح ۶۵ عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، علل الشرائع، ص ۲۷۸، ح ۱ و فیه «البواسیر» بدل «الباسور»، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۰۴۱ و فیه «سمعت أبا جعفر علیه السلام یقول: قال لقمان لابنه...» و زاد فیه «فکتب هذا علی باب الحشّ»، و کلاهما عن محمّد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۸۶، ح ۴۱.
- [۱۰۱۰] (۴) فی بحار الأنوار: «یورث داء الفیل». قال العلّامة المجلسی قدس سره فی توضیح الحدیث: «حدوث داء الفیل لکثرة الجلوس علی الخلاء لعلّه لحدوث ضعف فی الرجلین یقبل بسببه الموادّ النازلة من أعالی البدن. و فی النسخ «داء الدفین» أی الداء المستتر فی الجوف» (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۴۰).
- [۱۰۱۱] (۵) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۷.
- [۱۰۱۲] (۱) در بحار الأنوار به جای «داء الدفین (درد نهفته در داخل انسان)» عبارت «داء الفیل (پاخره و پافیلی)» آمده است. علامه مجلسی، در توضیح روایت می گوید: به وجود آمدن پاخره در اثر زیاد نشستن در آبریزگاه، شاید به خاطر موادی باشد که از قسمت های بالای بدن به طرف پاها سرازیر شده و موجب ضعف و سستی آنها می شود.
- [۱۰۱۳] (۱) مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۹۵، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۸۴، ح ۳۵.
- [۱۰۱۴] (۲) کنز العمّال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۲، نقلًا عن ابن التّجار عن أنس.
- [۱۰۱۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲ جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه. ش.
- [۱۰۱۶] (۳) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نحوه.
- [۱۰۱۷] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن کعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.
- [۱۰۱۸] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸ و فیه «یقمع» بدل «یقطع»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۳ عن الإمام الباقر علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.

- [۱۰۱۹] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۲.
- [۱۰۲۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۵، ح ۲۰۱۵ كلاهما عن زرارة، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۱، ح ۵.
- [۱۰۲۱] (۲) في بحار الأنوار: «ولا يظهر به وجع البواسير».
- [۱۰۲۲] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۴ نحوه.
- [۱۰۲۳] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نشيط بن صالح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و فيه «لأنه جيد للبواسير...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۰۲۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷ و فيه «التقطير» بدل «التقشير» و كلاهما عن ابن بكير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۲.
- [۱۰۲۵] (۱) هيرون بر وزن زيتون نوعی از خرماى مرغوب است. در بحار الأنوار به جای این واژه «بزنی» آمده که آن نیز نوعی خرماى مرغوب است.
- [۱۰۲۶] (۲) هوبره پرنده‌ای است خاکستری‌رنگ و شبیه مرغابی، با گردنی دراز و منقاری نسبتاً بلند. مذکر و مؤنث آن و نیز جمع و مفرد آن در زبان عربی یکسان است و «جباری» گفته می‌شود.
- [۱۰۲۷] (۳) در مكارم الأخلاق به جای «تقتیر (تنگ‌دستی)»، واژه «تقطیر (قطره قطره آمدن پیشاب)» آمده است.
- [۱۰۲۸] (۱) تهذیب الأحكام، ج ۱، ص ۳۵۴، ح ۱۰۵۶ عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علیّ عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۲ عن الإمام علیّ عليه السلام و راجع بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴، ح ۳۵.
- [۱۰۲۹] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۸، ح ۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۵، ح ۵.
- [۱۰۳۰] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۱، ح ۲۲۹۷ عن أبی حمزة الثمالي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۱.
- [۱۰۳۱] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۵، ح ۵۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۹.
- [۱۰۳۲] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۷، ح ۱۳.
- [۱۰۳۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۰، ح ۱۹۰۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۱، ح ۱۶.
- [۱۰۳۴] (۲) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۰، ح ۱۲۷ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۴۰، ح ۱۴۵ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و زاد فيه «على الرقيق» بعد «الخمير»، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۵ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۵، ح ۲۳.
- [۱۰۳۵] (۳) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۵ عن مسلم بن يزيد السكوني، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۶، ح ۵.
- [۱۰۳۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۰، ح ۱۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۵، ح ۱۹۲۸ كلاهما عن سفیان بن السمط، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۱۴۰۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۰۳، ح ۱۶.
- [۱۰۳۷] (۱) در صحيفة الإمام الرضا عليه السلام حديث به صورت «... ناشتا بخوريد...» آمده است.
- [۱۰۳۸] (۱) عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۸۵ عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا عليه السلام، ص ۱۰۳، ح ۵۰ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، مسند زيد، ص ۴۸۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۲۰۰ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱، ح ۵۸؛ كثر العمال، ج ۱۰، ص ۲۶، ح ۲۸۱۹۷ نقلًا عن أبي بكر في الغيلانيات و الفردوس عن ابن عباس.

- [۱۰۳۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۹، ح ۲۰، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۳، ح ۲۱۸۱ کلاهما عن عبد الله بن سنان، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۵ عن محمد بن مسلم السكونی عن الإمام الصادق عن أبيه عن الإمام علی عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۱۱۹۷، الجعفریات، ص ۲۴۳ عن الإمام الكاظم عن آباءه عن الإمام علی عليهم السلام و ليس فيهما «عند منامه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۵، ح ۳؛ كنز العمال، ج ۱۰، ص ۸۶، ح ۲۸۴۷۲ نقلًا عن المصنّف لعبد الرزّاق و عن ابن السنی و أبي نعيم في الطب.
- [۱۰۴۰] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۱۱۴۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۸، ح ۲۱.
- [۱۰۴۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۵، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۰، ح ۲۲۹۳ و فيه «شفاء» بدل «ينفع» و كلاهما عن الجعفری، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۲۴۹ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۷۴، ح ۲۹.
- [۱۰۴۲] (۱) نوعی خرمای مرغوب و درشت در مدینه و حوالی آن.
- [۱۰۴۳] (۲) مقصود، جنّ است.
- [۱۰۴۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۸۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۲۳۹۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۶، ح ۱۰۸۳ کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۶، ح ۴۲.
- [۱۰۴۵] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳، ح ۴، المقنعة، ص ۳۱۷ نحوه و كلاهما عن عبد الله بن مسكان، المصباح للكفعمی، ص ۸۳۵.
- [۱۰۴۶] (۳) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۴۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۹، ح ۱۰۹۳ عن الإمام الصادق عليه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۰، ح ۱۶.
- [۱۰۴۷] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۷ عن حمزة الثمالي، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۳، ح ۵۳.
- [۱۰۴۸] (۲) بیان: «قبل أن يتقيًا» أي قبل أن يسبقه القىء بغير اختياره، أو المراد به أول ما يتقيًا في تلك العلة (هامش بحار الأنوار).
- [۱۰۴۹] (۳) الدرّوع الواقية: ص ۴۲ عن سماعه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۰۵، ح ۱۱.
- [۱۰۵۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳.
- [۱۰۵۱] (۱) چنان که در حاشیه بحار الأنوار آمده، مقصود از بند نخست روایت، یعنی عبارت «من تقيًا قبل أن يتقيًا»، آن است که شخص پیش از آن که بی اختیار حالش به هم بخورد، عمدًا قی کند و این همان تفسیری است که در ترجمه حاضر دیده می شود یا شاید مقصود از روایت، آن است که هر کس برای نخستین بار در عارضه ای که دارد، قی کند، این پس آوردن، از هفتاد دارو بهتر است (ر. ک: حاشیه بحار الأنوار).
- [۱۰۵۲] (۱) فی المصدر: «النشرة» بدل «البثرة»، و التصویب من بحار الأنوار. و البثر: خُرَاج صِغَار، و خصّ بعضهم به الوجه، واحده بَثْرَةٌ و بَثْرَةٌ (لسان العرب، ج ۴، ص ۳۹).
- [۱۰۵۳] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۵۵ عن ابن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۴۸۵ و ليس فيه «و هيجانه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۱، ح ۲۹.
- [۱۰۵۴] (۳) الخصال، ص ۲۵۰، ح ۱۱۵ عن يونس بن عبد الرحمن، روضة الواعظین، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۹۷، ح ۱۲.
- [۱۰۵۵] (۱) علّامه مجلسی می گوید: گویا مقصود از حرکت جنبندگان، همان احساس و تخیلی است که به شخص دست می دهد و وی می پندارد که مورچه یا حشره ای دیگر بر روی بدن وی راه می رود. پزشکان، این حالت را «مور مور شدن» خوانده اند.
- [۱۰۵۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۷.
- [۱۰۵۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۵۹، ح ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۱۲۶۷ نحوه و فيه «دخلت علی الرضا عليه السلام...» و «يسكن» بدل «يسلّ»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ح ۲.
- [۱۰۵۸] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ح ۲۱۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۷.

- [۱۰۵۹] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۷، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۲۰۸۴ و فيه «یطفی» بدل «یصفی» و کلاهما عن أبی حفص الأبار، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۳، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۹، ح ۱ و ۲.
- [۱۰۶۰] (۱) در المحاسن به جای «تصفیه می کند» عبارت «فرو می نشاند» آمده است
- [۱۰۶۱] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۰، ح ۴۲.
- [۱۰۶۲] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۲۹۹، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۸۷.
- [۱۰۶۳] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۱۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۱۱۴۲ و فيه «عن الحمیری قال: کتبت إلى أبی محمد علیه السلام أشکو...» و ليس فيه «کبابا» فی کلا الموضوعین، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۲۱۷، ح ۷۵.
- [۱۰۶۴] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۴۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۴، ح ۶۱.
- [۱۰۶۵] (۱) مقصود از «مشی» در پایان روایت، هر چیزی است که مسهل باشد. از آن رو، مسهل را «مشی» نامیده اند که شخص را به راه رفتن و رفتن به سمت آبریزگاه، وادار می سازد.
- [۱۰۶۶] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۵۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۳، ح ۵۲.
- [۱۰۶۷] (۲) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «و مداومة النورة».
- [۱۰۶۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ح ۲۰۲۸ و ليس فيه «الطری» و کلاهما عن محمد بن عبد الله، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۳۴۸ و فيه «کلوا الباقلی فإنه یمتخ...» بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ح ۳.
- [۱۰۶۹] (۴) فی بحار الأنوار و بعض نسخ المصدر: «المز» بدل «الإلیسی». و المز من الرمان ما كان طعمه بین حموضه و حلاوة (انظر لسان العرب، ج ۵، ص ۴۰۹).
- قال العلامة المجلسی قدس سره: قال فی القاموس: الإلیس و بهاء: الفلاة لیس بها نبات، و الرمان الألیسی کأنه منسوب إليه، انتهى. و المعروف عندنا الملس بالتحریک و هو ما لا عجم أى نواة] له (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۳).
- [۱۰۷۰] (۵) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۰.
- [۱۰۷۱] (۱) سودا، یکی از اخلاط چهارگانه است که به عقیده قدما جسم انسان بر پایه آنها استوار شده و صلاح و فساد بدن نیز به آنها بستگی داشت.
- [۱۰۷۲] (۲) در بحار الأنوار، عبارت چنین آمده است: «هر کس می خواهد سودا را بسوزاند... و مداومت بر نوره کشیدن کند».
- [۱۰۷۳] (۳) گفتنی است در بحار الأنوار و برخی از نسخ طب الإمام الرضا علیه السلام، به جای «الألیسی (ملس)»، عبارت «المز» آمده و انار مز، اناری است که طعمی میان ترش و شیرین داشته باشد. علامه مجلسی، در توضیح این بخش از روایت می گوید: در قاموس آمده است: «املیس، بیابانی است که در آن، کشت صورت نگیرد. انار املیسی، گویا به چنان جایی منسوب است»، اما از دیدگاه ما، آنچه شناخته شده، «ملس» است و آن، به معنای انار بی دانه است (بحار الأنوار: ج ۶۲، ص ۱۲۳).
- [۱۰۷۴] (۱) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۳۰، عن الصحاف الكوفی عن الإمام الكاظم علیه السلام. بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۱، ح ۹.
- [۱۰۷۵] (۲) قال المجلسی قدس سره: الظاهر أن المراد بعود الدم انفصال الدم عنه عند القعود للبراز. و قد ذکر الأطباء أنه یفتح سده الطحال و إسهال الدم بسبب التسخین و التفتیح كما یدر دم الحیض. و أما نفع إسهال الدم لورم الطحال؛ فلأنه قد یكون من سوء مزاج الدم و قد یكون من السوداء (بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۲).
- [۱۰۷۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۱ و ج ۸، ص ۱۹۰، ح ۲۱۹، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۲۰۶۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۶، ح ۱۳۰۰ و فيه «فقد» بدل «فقعد»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۶۹، ح ۲ و ج ۶۶، ص ۲۰۲، ح ۸.

[۱۰۷۷] (۱) علامه مجلسی می‌گوید: ظاهراً مقصود از فرونشستن خون، آن است که در هنگام تخلی، خون از او دفع می‌شود. طیبیان گفته‌اند: تره، مجاری طحال را باز می‌کند و به سبب گرمای فراوان بدن و باز شدن مجاری طحال، خون سرازیر می‌شود، چونان که به گاه عادت ماهانه، خونریزی صورت پذیرد، اما سود این خونریزی برای ورم طحال، آن است که ممکن است این ورم، از بدی مزاج خون یا از سودا سرچشمه گرفته باشد.

[۱۰۷۸] (۱) صحیح البخاری، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۸۵۶، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۵۸۲، ح ۸۴۹ و فيه «حق لله...» و کلاهما عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۲، ح ۱۷۱۸۵.

[۱۰۷۹] (۲) سنن أبي داوود، ج ۱، ص ۶۵، ح ۲۴۸، سنن الترمذی، ج ۱، ص ۱۷۸، ح ۱۰۶، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۹۶، ح ۵۹۷، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۰، ح ۸۲۷ کلهما عن أبي هريرة، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۸۵، ح ۲۶۵۹۵.

[۱۰۸۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۱ و ح ۴ و فيه «و يحسن» بدل «و يسفر» و کلاهما عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۰ نحوه، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۱، ح ۲۴۸ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.

[۱۰۸۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۲ عن سفیان بن السمط.

[۱۰۸۲] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۵ و فيه «... لا- تنشق شفتاه، ولا يخرج فيها باسور، فليدهن حاجبه من دهن رأسه».

[۱۰۸۳] (۴) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵۹۱.

[۱۰۸۴] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۵۱۹، ح ۵، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۹۳ و فيه «و يروي» بدل «و يروي» و ليس فيه «و يبيض الوجه» و کلاهما عن أبي حمزة.

[۱۰۸۵] (۱) ناسور، واژه‌ای پارسی و به عربی در آمده و به معنای نوعی عارضه لثه است.

[۱۰۸۶] (۲). در بحار الأنوار، روایت چنین ضبط شده است: «... باید که ابروی خویش را با همان روغنی که به سر خویش می‌مالد، چرب کند».

[۱۰۸۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۰، ح ۲.

[۱۰۸۸] (۲) فی المصدر: «فإنها» و التصویب من بقیة المصادر.

[۱۰۸۹] (۳) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۷۴، مسند زید، ص ۴۸۷ کلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۴، ح ۵۱ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۶، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۴.

[۱۰۹۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۱، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۹۳ نحوه و کلاهما عن هشام بن الحكم؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۶۴۷، ح ۱۷۲۱۲ نقلًا عن الشيرازي في الألقاب عن أنس.

[۱۰۹۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۴ عن إسرائيل بن أبي اسامة ببيع الزطي، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۹۳ و فيه «كمثل المؤمن» بدل «مثلنا».

[۱۰۹۲] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۱، ح ۵ عن عبد الرحمن بن كثير، صحيفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۵۱، ح ۱۷۱، مسند زید، ص ۴۸۷ عن أحمد بن عامر و کلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله و فيهما إلى «على الأديان»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۲، ح ۶؛ المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۲۸۹۲ عن بشر بن عبد الله الخنعمي عن الإمام الباقر عن أبيه عن جدّه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله و فيه إلى «على الأديان» و فيه «كفضل ولد عبد المطلب على سائر قریش»

بدل «نعم الدهن...»، كنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۴۴، ح ۳۵۳۲۹.

[۱۰۹۳] (۱) در طب الأئمة عليهم السلام، به جای «حكايت ما» عبارت «مانند حكايت مؤمن» آمده است.

[۱۰۹۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۹۳ و فيه من «نعم الدهن...».

[۱۰۹۵] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲ و فيه «فدهن» بدل «بدهن».

[۱۰۹۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۹، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۳، ح ۹.

[۱۰۹۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۱ عن ابن القداح عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۶ عن ابن

القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۲؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص

۲۸۵، ح ۱۸۵۱ عن عمر بن الخطاب، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۳۲، ح ۳۵۰۴ عن أبي أسيد، كنز العمال، ج ۱۰، ص

۴۸، ح ۲۸۲۹۷.

[۱۰۹۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۳۱، ح ۴ عن أبي داوود النخعي عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۱، ح ۱۹۰۷

عن أبي داوود النخعي عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۲، ح ۱۷.

[۱۰۹۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۳ عن محمد بن الفيض.

[۱۱۰۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱ عن محمد بن الفيض، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۹۳ عن أبي العيس عن الإمام الصادق

عن الإمام الباقر عليهما السلام نحوه.

[۱۱۰۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۱، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۹۴ عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله

عليه وآله نحوه و زاد في آخره «إن فيه لمنافع كثيرة، و شفاء من سبعين داء»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۴، ح ۱۲.

[۱۱۰۲] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۲۲، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۳، ح ۱۰.

[۱۱۰۳] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۵ عن إسماعيل بن عبد الخالق، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۲۹۲، ثواب

الأعمال، ص ۳۶، ح ۲ عن سفيان بن السمط.

[۱۱۰۴] (۱) درختی است نازک و خوش نما که از تخم آن، روغن می گیرند و بسیار نافع و خوش بوست (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

[۱۱۰۵] (۲) خیری، که آن را «خیری زرد» نیز می نامند، همان است که مصریان از آن با نام «المنثور» یاد می کنند. دارای نوعی بزی

است که «خزامی» و همچنین «بابونه» نامیده می شود (شرح أسماء العقار ابو عمران قرطبی ص ۴۱، شماره ۳۹۴). البته ناگفته نماند،

واژه یاب، «خیری البر» را به کشه، اردانه و اروانه ترجمه کرده است. م.

[۱۱۰۶] (۱) المحاسن، ج ۱، ص ۷۸، ح ۴۰، النخال، ص ۴۴۳، ح ۳۸ عن صهيب بن عباد عن أبيه عن الإمام الصادق عن أبيه عن

جدّه عليهم السلام و ليس فيه «في الحّمّام وغيره» و فيه «النشوة» بدل «النشرة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۲۲، ح ۲. انظر تمام الحديث

في ج ۱، ص ۹۸، ح ۹۳.

[۱۱۰۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۳ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵،

ح ۲۹۳ و فيه «و ينقى» بدل «و ينقى»، تحف العقول، ص ۱۰۱ و فيه «و ينقى الأقدار» بدل «و ينقى الأقداء»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص

۸۷، ح ۸.

[۱۱۰۸] (۳) كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۸، ح ۱۷۳۱۶ نقلًا عن ابن السني و أبي نعيم عن أبي رافع؛ صحيفه الإمام الرضا عليه السلام، ص

۲۷۷، ح ۲۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۵۵۹ و ليس فيهما «الحناء».

[۱۱۰۹] (۴) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۶۹، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۶ عن الحسين بن موسى عن الإمام

الكاظم عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۳۷۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۰، ح ۸.

- [۱۱۱۰] (۵) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۳۸۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸، ح ۱۸۶ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۶، ح ۱۵۶ عن الإمام الرضا عن آبائه عن الإمام علیّ علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۶؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص ۹۲، ح ۲۸۴۹۵ نقلًا عن أبی نعیم عن الإمام علیّ علیه السلام.
- [۱۱۱۱] (۱) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۲، ح ۱۴۲ عن أحمد بن عامر الطائی عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۴۹، ح ۱۶۵ عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، مسند زید، ص ۴۸۰، الدعوات، ص ۱۴۵، ح ۳۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۷، ح ۱۴.
- [۱۱۱۲] (۲) فی المصدر: «أمان»، و الصواب ما أثبتناه.
- [۱۱۱۳] (۳) الاصول الستة عشر، ص ۱۲ عن زید الزرّاد.
- [۱۱۱۴] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ کلاهما عن عبد الله بن مسکان، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۰، ح ۱۵.
- [۱۱۱۵] (۵) طبّ النبّی صلی الله علیه و آله، ص ۸ عن ابن عبّاس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۴، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عبّاس نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.
- [۱۱۱۶] (۱) معنای سویق و روایت‌های آن، در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۱۱۷] (۲) در متن روایت، «اشنان» آمده و آن نام گیاهی است که به عنوان ماده کمکی در شست و شو از آن استفاده می‌شده است. این واژه، اساساً پارسی است که به زبان عربی درآمده و شکل و تلفظ پیشین خود را نیز حفظ کرده است. م.
- [۱۱۱۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۱، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ح ۱۲۷۷ و فيه «التقطیر» بدل «التقتیر» و کلاهما عن ابن بکیر، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ح ۲.
- [۱۱۱۹] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۶، ح ۱۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۴. انظر تمام الحدیث فی: ص ۵۸۱، ح ۱۷۵۷.
- [۱۱۲۰] (۱) تخمی است خوش‌بوی و شبیه به زنیان که بر روی خمیر نان می‌پاشند. سیاه تخمه، حبّه السوداء، شونیز، نانخه، نانوخیه، نانخاه و سیاه‌دانه جنام‌های دیگر آن استج (لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۱۲۱] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۴ کلاهما عن درست و فيه «الفم» بدل «النکّه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸، ح ۶.
- [۱۱۲۲] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۲، ح ۲۱ نقلًا عن الفردوس عن أبی الدرّاء.
- [۱۱۲۳] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۱۳۸۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۸، ح ۳.
- [۱۱۲۴] (۴) طبّ النبّی صلی الله علیه و آله، ص ۱۰، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۹؛ تاریخ دمشق، ج ۱۴، ص ۳۶، ح ۳۳۶۸ عن شریح عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلی الله علیه و آله نحوه.
- [۱۱۲۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲-جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۱۲۶] (۱) توضیح آن در ج ۲، صفحه ۳۷۳ خواهد آمد.
- [۱۱۲۷] (۱) المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۹۹، ح ۶۶۷ عن أمّ سلمة وج ۱۲، ص ۲۲۵، ح ۱۳۱۵۰ عن ابن عمر، الفردوس، ج ۲، ص ۱۵۴، ح ۲۷۷۹ عن ابن عبّاس و کلاهما نحوه، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳، ح ۲۸۱۲۹؛ بحار الأنوار ج ۶۲، ص ۱۲۶، ح ۸۱.

- [۱۱۲۸] (۲) المعجم الكبير، ج ۸، ص ۳۶، ح ۷۳۰۶ عن عبد الحميد بن صيفي عن أبيه عن جده، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۴، ح ۲۸۱۳۳.
- [۱۱۲۹] (۳) الخصال، ص ۳۸۵، ح ۶۸ عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۱۰، ح ۷ وفيه «أو أربع عشرة» بدل «أو تسع عشرة».
- [۱۱۳۰] (۴) في بحار الأنوار: «العشي الشديد» بدل «الغشوة الشديدة».
- [۱۱۳۱] (۵) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۵۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۱۸ نحوه.
- [۱۱۳۲] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۵۲۶ و ۱۷۷، ح ۵۲۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۷، ح ۹۰.
- [۱۱۳۳] (۲) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۹ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۶.
- [۱۱۳۴] (۳) الخصال، ص ۲۱۰، ح ۳۲ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الدعوات، ص ۱۲۱، ح ۲۹۴، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، طب النبي صلى الله عليه وآله، ص ۱۲ وفيه «يقطع العروق» بدل «أمان من» في المواضع الأربعة، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۹.
- [۱۱۳۵] (۱) مشكاة الأنوار، ص ۵۱۸، ح ۱۷۴۳، جامع الأخبار، ص ۱۴۴، ح ۳۱۲، الأمل للطوسي، ص ۴۱۵، ح ۹۳۵ و ۷۳۴، ح ۱۵۳۳ كلاهما عن محمد بن مسلم و ليس فيهما من «و من قالها» إلى «من أنواع البلاء»، بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۹۵، ح ۱.
- [۱۱۳۶] (۲) المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۴ عن ابن عباس، كنز العمال، ج ۹، ص ۱۳۹، ح ۲۵۴۰۰.
- [۱۱۳۷] (۱) الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۱ عن موسى بن إبراهيم المروزي عن الإمام الكاظم عليه السلام، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۲.
- [۱۱۳۸] (۲) الخصال، ص ۹۷، ح ۴۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۱.
- [۱۱۳۹] (۳) الخصال، ص ۶۱۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۷، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۳، ح ۳.
- [۱۱۴۰] (۴) غريب الحديث لابن قتيبة، ج ۱، ص ۳۴۵، الفائق في غريب الحديث، ج ۱، ص ۱۹۱، دستور معالم الحكم، ص ۱۲۶، شرح نهج البلاغة، ج ۱۹، ص ۱۳۲، كنز العمال، ج ۹، ص ۲۲۳، ح ۲۵۷۵۵ وفيه «أنه رأى رجلاً في الشمس قاعداً، فنهاه عن القعود، و قال: قم ...».
- [۱۱۴۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۰، ح ۱ عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۲۹۷، ح ۱۹۸۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۱، ح ۱۳۹۱ عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه «يهيج الحرّ في الجوف»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۸۱ و ۶۶، ص ۱۹۸، ح ۲.
- [۱۱۴۲] (۱). در كنز العمّال، عبارت های آغازین روایت، چنین است: «مردی را در زیر آفتاب، نشسته دید. او را از این کار، باز داشت و فرمود: صبرخیز ... ص».
- [۱۱۴۳] (۱) ثواب الأعمال، ص ۲۹۳، ح ۱، الأمل للطوسي، ص ۴۳۹، ح ۹۸۱ و ليس فيه «و البواسير»، الأمل للصدوق، ص ۴۸۲، ح ۶۵۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۸، ح ۲۳۷۴ كلّها عن زياد بن أبي زياد، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۱۵۰، ح ۱.
- [۱۱۴۴] (۲) طب الأئمة لابني بسطام، ص ۵۵ عن ابن سنان، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۴۸۵ و ليس فيه «و هيجانه»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰۰، ح ۲۵.
- [۱۱۴۵] (۳) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۳، و في الطبعة التي بأيدينا «البصل» بدل «البيض».

[۱۱۴۶] (۴) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۱۱۴۷] (۱) در چای از طب الإمام الرضا عليه السلام که در اختیار ماست، به جای « تخم مرغ»، واژه « پیاز» آمده است.

[۱۱۴۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۸ عن محمد بن علی بن جعفر.

[۱۱۴۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۰، ح ۱۹ عن عمر بن یزید عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۳۳۲

و فيه « رجله» بدل « رجلیه»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۱، ح ۲۲.

[۱۱۵۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۲۵۴، ح ۵، علل الشرائع، ص ۵۶۱، ح ۱ کلاهما عن مسمع عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال،

ص ۶۱۵، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آباءه عنه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۵، المحاسن، ج

۲، ص ۲۶۳، ح ۱۸۳۵ عن مسمع عن الإمام الصادق علیه السلام و الثلاثة الأخيرة نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۸، ح ۱۶ و راجع

طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۵.

[۱۱۵۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۲ عن السکونی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۴، ح ۲۰۹۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۰، ح

۱۳۱۵ و لیس فيه « و بات ینزف الدم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۶، ح ۲. و راجع المجازات النبویة، ص ۱۵۳، ح ۱۱۵.

[۱۱۵۲] (۱) ترة تیزک یا شاهی، گیاهی است از تیره چلبیایان. قسمی از بقولات خوردنی است که مزه اش کمی تیزی دارد. از این

جهت، به تره (سبزی) تیزک نامیده شده و در اصفهان، آن را « شاهی» گویند و در عربی « جرجیر». (لغت نامه دهخدا)

[۱۱۵۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۷، ح ۷، علل الشرائع، ص ۵۳۳، ح ۱ کلاهما عن إبراهيم بن عبد الحمید، الخصال، ص ۶۴، ح ۹۴،

المحاسن، ج ۲، ص ۳۸۶، ح ۲۳۶۲ کلاهما عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۳۰، ح

۱۰۵۶ عن الإمام الرضا علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۳۷، ح ۳.

[۱۱۵۴] (۲) المعجم الأوسط، ج ۳، ص ۳۲۶، ح ۳۳۰۰ عن أبی هريرة، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۲، ح ۴۴۸۸۵.

[۱۱۵۵] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۵۷، ح ۵۷۶۲ عن حماد بن عمرو و أنس بن محمد عن أبیه، و ج ۳، ص ۵۵۷، ح

۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹ کلاهما عن الحسين بن زید، مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۳۲۳، ح ۲۶۵۶ نحوه و کلها عن الإمام

الصادق عن آباءه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۵۰، ح ۳.

[۱۱۵۶] (۱) گیاهی است علفی از تیره نعناعیان که یک ساله و معطر است و دارای ساقه منشعب از قاعده است. ارتفاعش ۲۵ تا ۳۰

سانتی متر است. صعتر هندی، حبوق ریحانی، نازبویه، شاهسپرم (سپرغم) و... نام های دیگر آن است (لغت نامه دهخدا).

[۱۱۵۷] (۱) كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۴، ح ۲۸۳۲۹ نقلًا عن ابن السنی و أبی نعیم فی الطب عن عبد الله بن أبی أوفی.

[۱۱۵۸] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲ و زاد فیهما « و

الخبیل» و کلها عن أبی سعید الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.

[۱۱۵۹] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲ و ح ۳ عن علی بن أبی حمزة و فيه « فأذیوه بأکل السلجم»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۴، ح

۲۱۴۳ عن زیاد بن بلال، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۵ عن الإمام الباقر علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۴.

[۱۱۶۰] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۰۵ و زاد فی آخره « قال: نیناً أو مطبوخاً؟ قال: کلاهما» و

کلاهما عن علی بن المسیب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۱، ح ۵.

[۱۱۶۱] (۱) در طب الأئمة علیهم السلام پایان روایت، با این افزوده است: « پرسید: خام یا پخته؟ فرمود: "هر دو".»

علّامه مجلسی در شرح این حدیث چنین آورده است: گویا که رگ جذام کنایه از سودا است؛ چه، با غلبه و تباهی سودا جذام پیش

می آید. اما طبع شلغم از آن روی که در حالت دوم پخته خشک و در حالت نخست مرطوب است، با طبع سودا مخالف دارد و

بدین ترتیب مانع طغیان سودا می شود.

- [۱۱۶۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۵، ح ۴، الخصال، ص ۲۴۹، ح ۱۱۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۵، ح ۲۰۵۸، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱۳۰۳ عن الإمام الباقر عليه السلام نحوه، روضة الواعظين، ص ۳۴۰، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۰۰، ح ۱.
- [۱۱۶۳] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.
- [۱۱۶۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۲.
- [۱۱۶۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۹، ح ۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۱۳۲۷ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۱۱.
- [۱۱۶۶] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۴، ح ۴، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۳۰۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۵، ح ۱۳. انظر تمام الحديث في ج ۲، ص ۱۹۸، ح ۱۵۱۳ (الباذرودج).
- [۱۱۶۷] (۶) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۵، ح ۵ نقلًا عن الفردوس.
- [۱۱۶۸] (۱) علامه مجلسی می نویسد: مقصود از «بیرون کشیدن رگ‌ها»، بیرون کشیدن رگ از میان گوشت است، چنان که یهودیان، اکنون نیز این کار را انجام می‌دهند. در برخی از روایت‌های ما هم نهی از خوردن رگ گوشت، آمده است.
- [۱۱۶۹] (۲) سند این روایت، ضعیف و مضمون آن، به دلیل مرتبط کردن نور حکمت با خوردن اسپند، غیر قابل قبول به نظر می‌رسد؛ امّا نقش آن در پیشگیری از بیماری‌ها، نیاز به آزمایش دارد و آوردن این گونه روایات در این دانش‌نامه، بدین منظور است.
- [۱۱۷۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۴، ح ۱۳۷۷، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۶۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۴، ح ۴.
- [۱۱۷۱] (۲) طب النبى صلى الله عليه وآله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱.
- [۱۱۷۲] (۳) الدعوات، ص ۱۲۱، ح ۲۹۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۴، ح ۷؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۸۲۶۲ عن عائشة، الفردوس، ج ۴، ص ۳۹، ح ۶۱۲۳ عن جابر بن عبد الله و كلاهما نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۴، ح ۲۸۳۳۴.
- [۱۱۷۳] (۴) الكافي، ج ۸، ص ۳۸۲، ح ۵۷۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۵، ح ۸.
- [۱۱۷۴] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۶۲۲ كلاهما عن حفص بن البختري، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۲.
- [۱۱۷۵] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۱۵، ح ۵ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عليه السلام، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۲ عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۳۵، ح ۷.
- [۱۱۷۶] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۶۶، ح ۱۱۱۳، الاستبصار، ج ۱، ص ۳۰، ح ۷۹، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۱ كلها عن إبراهيم بن عبد الحميد؛ السنن الكبرى، ج ۱، ص ۱۱، ح ۱۴ عن عائشة نحوه.
- [۱۱۷۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۴۳، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۴، ح ۳۳۳ وفيه من «ولا تتدلّك...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۱، ح ۲۲.
- [۱۱۷۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۳، ح ۳۸ عن محمد بن عليّ بن جعفر، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۵۲، ح ۱۱۰ عن الإمام الكاظم عليه السلام وفيه «التدلّك بالخزف يبلى الجسد» فقط.
- [۱۱۷۹] (۳) الأُمالي للصدوق، ص ۶۳۶، ح ۸۵۴ عن عبد الحميد بن عوّاض الطائي عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، الكافي، ج ۶، ص ۲۶۹، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۹۳، ح ۳۹۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۳۲، ح ۱۷۱۰ كلها عن عبد الله بن سنان عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۳۱، ح ۸.

- [۱۱۸۰] (۴) الخصال، ص ۲۷۰، ح ۹ عن ابن عباس، روضة الواعظین، ص ۳۳۸، بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۳۴، ح ۱۱.
- [۱۱۸۱] (۱) در کتاب من لا یحضره الفقیه با این تفاوت آمده است: «مالیدن سفال بر پوست، بدن را فرسوده می‌کند».
- [۱۱۸۲] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۱۰ و ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۶۲۴ کلها عن ابن بکیر، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۴، ح ۲۹۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۲، ح ۳۶۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷، ح ۸.
- [۱۱۸۳] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۸، ح ۱۳۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۲۳، ح ۷.
- [۱۱۸۴] (۳) فی المصدر: «فإنه»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۱۸۵] (۴) طب النبوی صلی الله علیه و آله، ص ۱۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۰۱.
- [۱۱۸۶] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۰، ح ۱ و ص ۳۶۹، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۷ کلها عن محمد بن قیس، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۶ عن الإمام الصادق عنه علیهما السلام و فی «البرص» بدل «البیاض»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۱۸۷] (۲) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۶، ح ۲۱۰۸ عن أبی الصباح الكنانی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۶، ح ۵.
- [۱۱۸۸] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۲ عن أبی الصباح الكنانی، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۷، ح ۱۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۴، ح ۶۹.
- [۱۱۸۹] (۴) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۰۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۵.
- [۱۱۹۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۶ عن إسحاق بن عمار، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۸، ح ۱۹۴۳ عن أبی الصباح الكنانی، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ح ۱۷.
- [۱۱۹۱] (۱) مقصود از سفیدی، همان پیسی است و این احتمال که مقصود از آن، سفیدی چشم باشد، بعید است.
- [۱۱۹۲] (۲) معنای سویق و توضیحات بیشتر در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۱۹۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۱، ح ۷ عن یحیی بن مساور.
- [۱۱۹۴] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۲، ص ۲۲۷، ح ۲۵۴۹.
- [۱۱۹۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۴۴، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۲. قال المجلسی قدس سره: اعلم أن البرص نوعان: أبيض و أسود، و کذا البهق، و الفرق بينهما أن البهق مخصوص بالجلد ولا یغور فی اللحم، و البرص بنوعیه یغور فیهِ (بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۵۸).
- [۱۱۹۶] (۴) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۳۷۹، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۵۶، ح ۱.
- [۱۱۹۷] (۵) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۷۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۱، ح ۴.
- [۱۱۹۸] (۱) بهک همانند پیسی، سفیدی ای است که بر خلاف رنگ پوست، بر آن ظاهر می‌شود؛ ولی خود پیسی نیست. علامه مجلسی می‌گوید: پیسی بر دو گونه است: سفید و سیاه، و همچنین است بهک. تفاوت میان این دو نیز آن است که بهک به پوست محدود می‌شود و به گوشت نمی‌رسد؛ اما هر دو نوع پیسی به گوشت نیز سرایت می‌کند.
- [۱۱۹۹] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۶، ح ۵۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۲۸، ح ۹۰.
- [۱۲۰۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۲۳، ح ۲، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۴۸، ح ۷۵.
- [۱۲۰۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۲۶، ح ۸، المحاسن، ج ۲، ص ۴۲۶، ح ۲۴۹۱ و فیهِ «ذهب الله عنه» بدل «ذهب عنه»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۹۹، ح ۲۲.
- [۱۲۰۲] (۱) معنای آن در ج ۱ صفحه ۴۷۷ آمده است.

- [۱۲۰۳] (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۵۸، ح ۳۵۰۲، سنن الترمذی، ج ۴، ص ۳۹۲، ح ۲۰۵۴ نحوه و كلاهما عن سلمی ام رافع مولاة رسول الله صلى الله عليه و آله، كنز العمال، ج ۷، ص ۱۳۲، ح ۱۸۳۵۳.
- [۱۲۰۴] (۲) ثواب الأعمال، ص ۳۶، ح ۱ عن عمر بن يزيد، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۶، ح ۱.
- [۱۲۰۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۵، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۶۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۳، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹، ح ۷ و ص ۹۹، ح ۹.
- [۱۲۰۶] (۱) و في نسخة: المانويّة (هامش المصدر).
- [۱۲۰۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۶ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضّل.
- [۱۲۰۸] (۱) در نسخه‌ای «مانويه» آمده است.
- [۱۲۰۹] (۱) الخصال، ص ۵۱۲، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۰، ح ۱ كلاهما عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۶، ح ۹.
- [۱۲۱۰] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۴۶۴۹ عن إسماعيل بن أبي زياد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۷۴۴ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، عوالي اللآلي، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۷، ح ۵۲.
- [۱۲۱۱] (۳) المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۱۶، ح ۱۱۳۰۴، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۹.
- [۱۲۱۲] (۱) المعجم الأوسط، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۷۲، مسند أبي يعلى، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۴۳۵۱ كلاهما عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۵۵، ح ۲۸۳۳۵.
- [۱۲۱۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۷۹، ح ۸ عن عليّ القمّي، طب الأئمّة لابن بسطام، ص ۱۰۵ عن إسحاق بن عمّار نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۱۲، ح ۸.
- [۱۲۱۴] (۳) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۴، ح ۴۶۰ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، الجعفریات، ص ۱۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳، ح ۱.
- [۱۲۱۵] (۴) تاريخ أصبهان، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۴۳۰، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۰، ح ۱۷۲۶۷ نقلًا عن ابن عساكر.
- [۱۲۱۶] (۱) علّامه مجلسی می گوید: در بیشتر نسخه‌ها، «سعة الجنب (فراخی پهلو)» آمده است و مقصود از فراخی سينه، یا گشاده‌رویی و گشاده‌خویی است و یا این تعبیر، کنایه از شادی و شادمانی است، آن گونه که در برابر، تنگی سينه، کنایه از اندوه و اندیشناکی است؛ چرا که فراوانی اندوه و اندیشه، موادّ سوداوی‌ای را ایجاد می‌کند که خود، به وجود آورنده جذام‌اند. در برخی از نسخه‌ها نیز «سعة الجیب (گشادگی گریبان)» آمده و این نیز دارای وجهی است؛ چرا که با وجود فراخی گریبان، بخارهایی که در بدن است، امکان خارج شدن می‌یابند و در بدن، حبس نمی‌شوند تا خلطهای بد را پدید آورند. در برخی از نسخه‌ها نیز «سعة الجبین (فراخی پیشانی)» آمده و این نیز به معنای حقیقی و معنای مجازی محتمل است.
- مقصود از «مویی که در بینی می‌روید» در این متن، یا فراوانی خود به خودی موها و یا فراوانی حاصل از نچیدن آنهاست؛ چونان که روایت شده که چیدن این موها، سبب جذام می‌شود، زیرا به کمک موهای بینی، مواد سوداوی از بدن بیرون می‌روند، در حالی که با چیدن این موها، خروج این مواد از بدن، کاهش می‌یابد. از همین روی است که غالباً جذام از بینی آغاز می‌شود.
- [۱۲۱۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۲ عن السكونی عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۶، مشكاة الأنوار، ص ۴۵۸، ح ۱۵۳۵ عن النوفلي عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ۱،

- ص ۱۶۴، ح ۴۶۱ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳ ح ۱؛ المعجم الأوسط، ج ۴، ص ۱۸۷، ح ۳۹۳۳ عن أبي قتادة وفيه «فليحسن إليه أو ليحلقه».
- [۱۲۱۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۱.
- [۱۲۱۹] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۸۰ ح ۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۶، ح ۲۱.
- [۱۲۲۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۵۰۴، ح ۶ عن منصور بن بزرج، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۵، ح ۲۹۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۳۶۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۷ ح ۸.
- [۱۲۲۱] (۱) مقصود از «وفرة» که در متن عربی آمده، مویی است که بلند شود و بر سر، جمع شود، یا مویی که از گوش‌ها پایین تر آمده و یا تا نرمه گوش رسیده باشد.
- [۱۲۲۲] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۹، بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۹۸، ح ۳۲.
- [۱۲۲۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۶، ح ۵۴۴، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۱، ح ۹.
- [۱۲۲۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۷.
- [۱۲۲۵] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۹ عن الإمام الكاظم عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۱۰.
- [۱۲۲۶] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۰، طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۹ عن داوود بن فرقد نحوه و زاد فيه «و تسريح اللحية يذهب بالبوءاء، و تسريح الذؤابتين يذهب ببلابل الصدر»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۵، ح ۱۶.
- [۱۲۲۷] (۱) وسمه یا کتم، گیاهی است که آن را با حنا می آمیزند و موها را بدان، خضاب می کنند و رنگش بر جای می ماند. اگر ریشه آن را در آب بپزند، مرکب قلم از آن به دست می آید. همچنين، ر. ک: ص ۲۶۶ ۲۶۷.
- [۱۲۲۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱ عن سفیان بن السمط، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۲، ح ۴۵۱ نحوه و فيهما من «المشط للرأس...»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۷، ح ۴.
- [۱۲۲۹] (۲) علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱، الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۸۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۴۶۷ و فيه «لا تتسرح في الحمام؛ فإنه يرقّ الشعر»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱، ح ۵.
- [۱۲۳۰] (۳) الكافي، ج ۵، ص ۳۲۰، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۰۳، ح ۱۶۱۱، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۸۲، ح ۴۳۴۱ كلها عن معمر بن خلاد، الخصال، ص ۹۲، ح ۳۴ عن علي بن الحكم يرفعه إلى الإمام الصادق عليه السلام، تحف العقول، ص ۴۴۲ و فيها «و إحقاء» بدل «و أخذ»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۱، ح ۷۶.
- [۱۲۳۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۲، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۹، ح ۳۲۵، ثواب الأعمال، ص ۴۱، ح ۱ و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۵، ح ۷.
- [۱۲۳۲] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۲۳۳] (۱) در کتاب من لا يحضره الفقيه و مكارم الأخلاق، دو جمله اول روایت، نیامده است.
- [۱۲۳۴] (۲) در مكارم الأخلاق چنین آمده است: «در حمام شانه مکن؛ چرا که این کار مو را ضعیف می کند».
- [۱۲۳۵] (۳) در تهذيب الأحكام، كتاب من لا يحضره الفقيه، الخصال و تحف العقول، به جای «کوتاه کردن»، عبارت «تراشیدن» آمده است.
- [۱۲۳۶] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۳۵۰، الكافي، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۶ عن ابن سنان، مستطرفات السرائر، ص ۲۹، ح ۱۵ و فيهما «مشعرين» بدل «مقصرين»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.

- [۱۲۳۷] (۲) مستطرفات السرائر، ص ۵۷، ح ۱۷ عن علی بن یقطين، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۵، ح ۱۰.
- [۱۲۳۸] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۲۶۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۳۵۴، الکافی، ج ۶، ص ۴۰، ح ۳، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۴۷، ح ۱۷۹۱ کلاهما عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام و فیهما «أمر رسول الله صلی الله علیه و آله بحلق شعر البطن»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۳۹] (۴) الجعفریات، ص ۱۵۶ عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴.
- [۱۲۴۰] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۵، ح ۸.
- [۱۲۴۱] (۶). سقط ما بین المعقوفین من المصدر، و أثبتناه من بحار الأنوار، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۷، ح ۵.
- [۱۲۴۲] (۷). فی المصدر: «الظاهرة»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۲۴۳] (۸) النساء: ۱۲۵.
- [۱۲۴۴] (۹) مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۷، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۹ نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۵۶ و ج ۷۶، ص ۶۸، ح ۳.
- [۱۲۴۵] (۱) در الکافی و تهذیب الأحکام، روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده و چنین آمده است: «پیامبر خدا، به تراشیدن موی شکم، فرمان داده».
- [۱۲۴۶] (۲) آن گاه که خداوند، ابراهیم را به کلمه های آرمود.
- [۱۲۴۷] (۱) الخصال، ص ۲۷۱، ح ۱۱ عن الحسن بن الجهم، مسند زید، ص ۴۲۴ عن زید بن علی عن أبیه عن جدّه عن الإمام علی علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۷، ح ۱.
- [۱۲۴۸] (۲) أقول: الروایة غیر قابلة للاعتماد، و السنّة تقصیر الشارب كما يدلّ علیها ما یأتی من الأحادیث.
- [۱۲۴۹] (۳) کنز العمیال، ج ۶، ص ۶۵۰، ح ۱۷۲۱۹ نقلًا عن الكامل فی ضعفاء الرجال و البیهقی فی شعب الإیمان عن عمرو بن شعیب عن أبیه عن جدّه.
- [۱۲۵۰] (۱) این حدیث، همان طور که در منبع بدان اشاره شده، ضعیف و غیر قابل اعتماد است. آنچه سنّت است، چنان که از روایات بعدی نیز استفاده می شود، کوتاه کردن سبیل است، نه تراشیدن آن. نیز، ر. ک: ح ۹۱۹ و ۹۲۰.
- [۱۲۵۱] (۱) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۰، ح ۲۶۲، الکافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۲ عن أبی کهمس نحوه و لیس فیہ «و یوهی و یضعف البصر»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۵۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۵۲] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۳۲۷، ح ۶ و ج ۶، ص ۵۰۸، ح ۵، تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۶۲، ح ۱۹۹، علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۱، ح ۵.
- [۱۲۵۳] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۲، ح ۱ عن عبد الله بن سنان، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۳۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۰، ح ۴۴۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۷، ح ۶.
- [۱۲۵۴] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۸، ح ۱۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۷ و فیہ «مجتنباً بدل «مخبأ»، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۶، ح ۴۱۹، علل الشرائع، ص ۵۱۹، ح ۱ عن إسماعیل بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله، الجعفریات، ص ۲۹ عن الإمام کاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و زاد فیهما «ولا عانته ولا شعر إبطیه ... یتخذها مخبأً»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۴.
- [۱۲۵۵] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۷، ح ۸، تحف العقول، ص ۱۰۰ عن الإمام علی علیه السلام، مسائل علی بن جعفر، ص ۱۳۹، ح ۱۵۴ عن علی بن جعفر عن الإمام کاظم علیه السلام و کلاهما نحوه و لیس فیهما «نشرة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۲، ح ۱۴.
- [۱۲۵۶] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۳۶۰،

- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۵۷] (۱) در علل الشرائع و الجعفریات، موهای « شرمگاه » و « زیر بغل » هم ذکر شده است.
- [۱۲۵۸] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۱ عن سلیم الفراء، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۴، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۴، ح ۱۱۵۶، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۴۶، ح ۳۸۸ کلاهما عن هارون بن حکیم الأرقط خال الإمام الصادق علیه السلام عن الإمام الصادق علیه السلام و کلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۳، ح ۱۴.
- [۱۲۵۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۳۹، ح ۱ کلاهما عن أبی بصیر عن الإمام الصادق علیه السلام، الخصال، ص ۶۱۱، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹ ح ۵.
- [۱۲۶۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۷، ح ۱۴ عن حذیفه بن منصور.
- [۱۲۶۱] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۸ عن محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۸، الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه علیهم السلام و زاد فی آخره « من النوره »، تحف العقول، ص ۱۲۴ و زاد فی آخره « مرّة بالنوره »، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹ ح ۵.
- [۱۲۶۲] (۵) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۸، ح ۳۴۶، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۳ ح ۱.
- [۱۲۶۳] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۹ عن الحسین بن أحمد بن المنقری، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۵۹، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۱۱۵۷، الخصال، ص ۵۰۳، ح ۷ و فی « احدى و عشرين » بدل « عشرون »، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۸۹ ح ۳.
- [۱۲۶۴] (۱) در الخصال به جای « بیست » عدد « بیست و یک » آمده است.
- [۱۲۶۵] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۱ عن السکونی عن الإمام الصادق علیه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۹، ح ۲۶۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۳۹، ح ۳۵۲، الجعفریات، ص ۲۹ عن الإمام کاظم عن آبائه علیهم السلام عنه صلی الله علیه و آله و فی « اربعین يوماً »، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۴.
- [۱۲۶۶] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۵، ح ۲ و ص ۴۹۸، ح ۹ عن علی بن أبی حمزه نحوه.
- [۱۲۶۷] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۶، ح ۱۲ عن عمّار الساباطی.
- [۱۲۶۸] (۴) فی بعض نسخ المصدر، و بحار الأنوار: « استعمال النوره » بدل « ألاً بیثر ».
- [۱۲۶۹] (۵) فی بحار الأنوار: « ... یُسَخَّقُ نَاعِمًا، و یدافُ فی ماءٍ وُردٍ و خلٌّ ... ».
- [۱۲۷۰] (۶) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۱، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۲.
- [۱۲۷۱] (۱) در برخی از نسخ طب الإمام الرضا علیه السلام و همچنین در بحار الأنوار به جای « جوش بر نیاید » عبارت « نوره بکشی » آمده است.
- [۱۲۷۲] (۲). عصاره ای تلخ از درختی که آن را به هندی ایلوا گویند (ر. ک: لغت نامه دهخدا).
- [۱۲۷۳] (۳) در متن عربی، واژه « القاقیا » آمده که ظاهراً تصحیف « اقاویا » است. اقاویا، مأخوذ از یونانی، عصاره خاری است که پوست را بدان، دباغی می کنند و آن، صلب و سیاه رنگ است و بعضی می گویند، صمغ خار مگیلان است اگر به خود بر گیرند، قطع خون رفتن می کند. عصاره قرظ « سقط »، که آن را خشک کنند و از آن قرص می سازند (ر. ک: لغت نامه دهخدا).
- [۱۲۷۴] (۴) پیل زهره: فیل زهرج یا فیل زهره، درخت حضض است و ثمره آن، مثل فلفل است و آن، قسمی از لوف الکبیر است که حضض هندی، عصاره آن و قاتل فیل است (ر. ک: لغت نامه دهخدا).

- [۱۲۷۵] (۵) در بحار الأنوار این افزوده نیز آمده است: «و نیز سنبل، چه جدا و چه مخلوطی از آنها». در برخی از نسخ بحار الأنوار، واژه «السك» هم افزوده شده که خود، به معنای بویه مُشکک است.
- [۱۲۷۶] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۲۹، بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۰۲، ح ۴۵.
- [۱۲۷۷] (۲) الخصال، ص ۳۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۵، ح ۲؛ كنز العمال، ج ۷، ص ۱۲۷، ح ۱۸۳۲۰ نقلًا عن الحكيم.
- [۱۲۷۸] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۳، ح ۴ عن الإمام زين العابدين عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۲۷۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۹، ح ۹.
- [۱۲۷۹] (۲) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۷۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۵۱، ح ۹.
- [۱۲۸۰] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۶.
- [۱۲۸۱] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۷، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۴، ح ۳؛ مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۲۰۴۷، السنن الكبرى، ج ۴، ص ۴۳۶، ح ۸۲۵۷ كلاهما عن ابن عباس عن رسول الله صلى الله عليه وآله و ليس فيهما» و يذهب بالدمعة، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۹، ح ۲۸۱۶۳ نقلًا عن التاريخ الكبير للبخاري عن معبد بن هوزة.
- [۱۲۸۲] (۵) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۱۸، ح ۲۷۹، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۳۷ نقلًا عن طب الأئمة لابني بسطام.
- [۱۲۸۳] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ح ۲۲۹۸ كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ح ۴۷۸ كلاهما نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ح ۲.
- [۱۲۸۴] (۱) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۷۵ و ج ۶۱، ص ۳۲۶، ح ۳۰ كلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۲۸۵] (۲) الجامع لأخلاق الراوي و آداب السامع، ج ۱، ص ۵۸۹، ح ۷۶۸، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۰۱، ح ۲۶۱۰۱ نقلًا عن ابن عساكر و كلاهما عن جابر بن عبد الله.
- [۱۲۸۶] (۱) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۴۰، ح ۲۳۶۰۱، المعجم الكبير، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۴۰۸۶ كلاهما عن أبي أيوب الأنصاري، السنن الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۸۲۹، مسند الطيالسي، ص ۸۱، ح ۵۹۶ عن أبي أيوب الأزدي و ليس فيها «و الخبث»، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۹، ح ۱۷۲۶۰.
- [۱۲۸۷] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۲۵، ح ۲۳۵۳۹ عن يزيد بن عمرو المعافري عن رجل من بني غفار، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۱، ح ۱۷۲۲۰.
- [۱۲۸۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۱ عن الحسن بن راشد، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۴ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، جامع الأخبار، ص ۳۳۴، ح ۹۴۳ عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله، تحف العقول، ص ۱۰۱ عن الإمام عليّ عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۹، ح ۲.
- [۱۲۸۹] (۴) سنن النسائي، ج ۱، ص ۱۵ عن ابن عمر، كنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۳، ح ۱۷۲۲۸.
- [۱۲۹۰] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۶ عن أبي حمزة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۴۱۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۳، ح ۱۲.
- [۱۲۹۱] (۶) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۷ عن حذيفة بن منصور.
- [۱۲۹۲] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۵ عن ابن عقبة عن أبيه.
- [۱۲۹۳] (۸) الكافي، ج ۴، ص ۳۲۶، ح ۲ عن حرير.
- [۱۲۹۴] (۱) النوادر للراوندي، ص ۱۴۸، ح ۲۰۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۷ عن الإمام الصادق عليه السلام عنه صلى

- الله عليه وآله وفيه «تسعف» بدل «تشعث»، الجعفریات: ص ۲۹ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام وفيه «أفصله» بدل «أنامله»، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۰۸ عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۲، ح ۱۲.
- [۱۲۹۵] (۲) الكافي، ج ۳، ص ۴۱۸، ح ۷، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۶، ح ۶۲۲، الخصال، ص ۳۹، ح ۲۴ کلها عن حفص بن البختري، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۶، جامع الأخبار، ص ۳۳۴، ح ۹۳۸، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۰، ح ۴.
- [۱۲۹۶] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۲، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۰۱، الخصال، ص ۳۹۱، ح ۸۷، ثواب الأعمال، ص ۴۲، ح ۵ کلها عن هشام بن سالم، الدعوات، ص ۷۸، ح ۱۹۰، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۰، ح ۶.
- [۱۲۹۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۰، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۳، ص ۲۳۷، ح ۶۲۸ وفيه «فزكها» بدل «فحكها» و كلاهما عن عبد الله بن هلال، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۳۹۸ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۶۸، ح ۵۶.
- [۱۲۹۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۱، ح ۱۴ عن عبد الله بن الفضل النوفلي عن أبيه، طب الأئمة لابني بسطام، ص ۸۴ عن محمد بن أبي الحسن عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۷، ح ۳۱۱ وفيه «لم يرمد ولده»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۴۶، ح ۱۱.
- [۱۲۹۹] (۱) در تهذيب الأحكام به جای «بسی»، عبارت «تیز کن» آمده است.
- [۱۳۰۰] (۲) در کتاب من لا يحضره الفقيه عبارت «فرزندش چشم درد نیند» آمده است.
- [۱۳۰۱] (۱) کذا فی المصدر و الصحيح: کی لا تلعب.
- [۱۳۰۲] (۲) الفردوس، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۳۳۶ عن جابر، کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۶، ح ۱۷۲۴۵.
- [۱۳۰۳] (۳) کنز العمال، ج ۶، ص ۶۵۵، ح ۱۷۲۳۹ نقلًا عن الحكيم عن عبد الله بن كثير.
- [۱۳۰۴] (۴) المرسلات: ۲۵ و ۲۶.
- [۱۳۰۵] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۴۹۳، ح ۱ عن أبي كهس، معاني الأخبار، ص ۳۴۲، ح ۱ عن حماد بن عيسى نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۸۱، ح ۸.
- [۱۳۰۶] (۶) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۲۸، ح ۳۱۶، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۲۳، ح ۱۲.
- [۱۳۰۷] (۱) الخصال، ص ۵۱۴، ح ۳، علل الشرائع، ص ۱۰۱، ح ۱، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۱ کلها عن الربيع صاحب المنصور، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۰۷، ح ۹.
- [۱۳۰۸] (۲) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۸ إلى ص ۹۲ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۳۰۹] (۱) در متن عربی «أوكدها» آمده و در این باره، چند تفسیر ممکن است: یکی آن که گفته شود این حرفه‌ها، بیش از هر چیز، به چنین ساختار و چنین خلقتی نیازمند است. دیگری آن که ضمیر «ها»، به نوع بشر برگردانده شود و واژه «أوكده» نیز فعل ماضی خوانده شده، چنین معنا شود که خداوند، این حرفه‌ها را به انسان الهام کرد و او را بر آنها بداشت. این احتمال هم دور نیست که ضمیر «ها» به «أكف» برگردانده شود.
- [۱۳۱۰] (۱) قوله عليه السلام: «و في فيه ثمانية و عشرون» أي في بدو الإنبات، ثم تنبت في قريب من العشرين أربعة أخرى، فلذا قال عليه السلام بعده: «و اثنان و ثلاثون». و يحتمل أن يكون باعتبار اختلافها في الأشخاص (بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۱۹).
- [۱۳۱۱] (۲) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۵۶، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۱۸، ح ۴.
- [۱۳۱۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۷۶، ح ۷۳.
- [۱۳۱۳] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ كلاهما عن عبد الله بن مسكان، بحار الأنوار، ج ۶۶،

ص ۲۷۶، ج ۶.

[۱۳۱۴] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۸۸ بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۷۹، ج ۴.

[۱۳۱۵] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۷، ج ۲۱۰۹، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۲، ج ۱۳۲۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ج ۶.

[۱۳۱۶] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۵۸، ج ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۷۲، ج ۲۲۹۸ و ليس فيه «الفم» و كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۶، ج ۱۲۵۲ نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۵، ج ۲.

[۱۳۱۷] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۴، ج ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۹، ج ۲۰۲۸ و ليس فيه «الطري» و كلاهما عن محمد بن عبد الله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۷، ج ۱۳۴۸ و فيه «كلوا الباقلي فإنه يمتخ...»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۶، ج ۳.

[۱۳۱۸] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۱، ج ۱، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۱، ج ۱۲۷۷ كلاهما عن ابن بكير، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۸، ج ۲.

[۱۳۱۹] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۵۰، ج ۵۳۷، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۳۷، ج ۲۰۰۷۷.

[۱۳۲۰] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۶، ج ۹، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۹، ج ۱۹۴۵ كلاهما عن النضر بن قرواش، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۱۸، ج ۱۴۱۸ عن الإمام الرضا عليه السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۷۹، ج ۱۹.

[۱۳۲۱] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۲، ج ۴ عن محمد بن حكيم، بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۴۳، ج ۱.

[۱۳۲۲] (۶) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۰، ج ۱۰۹۷، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۵۱، ج ۱۶.

[۱۳۲۳] (۱) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۶، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۹، ج ۱.

[۱۳۲۴] (۲) مستطرفات السرائر، ص ۵۷، ج ۱۸ عن علي بن يقطين، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ج ۱۲.

[۱۳۲۵] (۳) قصص الأنبياء، ص ۲۷۰، ج ۳۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۷۰، ج ۴.

[۱۳۲۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۴۳، ج ۴، المحاسن، ج ۲، ص ۳۰۷، ج ۲۰۲۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۸، ج ۱۳۸۲ عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيه ذيله، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۶۳، ج ۱.

[۱۳۲۷] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۰، ج ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ج ۱۴۶۹، بحار الأنوار، ج ۱۶، ص ۱۷۴، ج ۱۶.

[۱۳۲۸] (۱) معنای هليم و روایت های آن در جلد ۲ صفحه ۴۹۹ خواهد آمد.

[۱۳۲۹] (۱) في بحار الأنوار و بعض نسخ المصدر: «اللبن» بدل «التين».

[۱۳۳۰] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱.

[۱۳۳۱] (۳) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ج ۱۲۰۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ج ۶.

[۱۳۳۲] (۱) در برخی از نسخه های طب الإمام الرضا عليه السلام و نیز در بحار الأنوار، به جای «انجیر»، واژه «شیر» آمده است.

[۱۳۳۳] (۱) بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۲۰، ج ۳۰، ج ۳۲۷ و ج ۳، ص ۶۶، ج ۷۵ كلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.

[۱۳۳۴] (۱) البقرة: ۲۲۲.

[۱۳۳۵] (۲) سنن الدارقطني، ج ۱، ص ۲۱۹، ج ۶۱ عن واثلة بن الأسقع، المعجم الكبير، ج ۸، ص ۱۲۹، ج ۷۵۸۶ عن أبي امامة، كنز العمال، ج ۹، ص ۴۰۷، ج ۲۶۷۱۹؛ الكافي، ج ۳، ص ۷۵، ج ۲ عن معاوية بن عمارة عن الإمام الصادق عليه السلام و ح ۱، تهذيب

الأحكام، ج ۱، ص ۱۵۶، ج ۴۴۶ كلاهما عن أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الإمام الرضا عليه السلام و كلها نحوه.

[۱۳۳۶] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۳۹۷، ج ۱۲۳۶.

- [۱۳۳۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۸۵، ح ۴، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۶۷، ح ۲۲۲ و ج ۷، ص ۴۶۹، ح ۱۸۸۱ نحوه و فيه «إذا بلغت ستین سنة» بدل «إذا كان لها خمسون سنة»، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۳۸۶، ح ۵۵.
- [۱۳۳۸] (۳) الکافی، ج ۳، ص ۹۱، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۵۱، ح ۴۲۹، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۳۳، ح ۸۸.
- [۱۳۳۹] (۱) مقصود، آن است که عدّه ندارند.
- [۱۳۴۰] (۱) الإنسان: ۲.
- [۱۳۴۱] (۲) تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۳۹۷۲ عن خزیمه بن حکیم السلمی، کنز العمال، ج ۱۳، ص ۳۸۶، ح ۳۷۰۴۳.
- [۱۳۴۲] (۳) الکافی، ج ۳، ص ۱۹، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۸، ح ۷۱، مستطرفات السرائر، ص ۷۴، ح ۱۴ عن أبان بن تغلب عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۰۵، ح ۱۵.
- [۱۳۴۳] (۴) المصنّف لابن أبي شیبّه، ج ۱، ص ۱۱۳، ح ۲، نصب الرایه، ج ۱، ص ۹۴ عن محمّد بن الحنفیّه و كلاهما عن الإمام علی علیه السلام، کنز العمال، ج ۹، ص ۳۳۴، ح ۲۶۳۰۱.
- [۱۳۴۴] (۱) الکافی، ج ۳، ص ۳۹، ح ۱، علل الشرائع، ص ۲۹۵، ح ۱ كلاهما عن زراره، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۰۲، ح ۵.
- [۱۳۴۵] (۲) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۶۶، ح ۱۵۰.
- [۱۳۴۶] (۳) تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۰، ح ۴۸، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱۸.
- [۱۳۴۷] (۴) الکافی، ج ۳، ص ۱۰۸، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۶۹، ح ۱۸۷۸ كلاهما عن رفاعه بن موسی، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۹۴، ح ۱۹۹.
- [۱۳۴۸] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۳۴۹] (۱) تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۳۰، ح ۴۴۸ عن محمّد بن حکیم.
- [۱۳۵۰] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۴۰۹، ح ۱۶، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۲۷، ح ۱۷۰۳، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۲ و فيه «و القرن و العفل» و کلّها عن عبد الرحمن بن أبي عبد الله.
- [۱۳۵۱] (۳) الکافی، ج ۷، ص ۲۱۲، ح ۱۲، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۹۶، ح ۶۸۹ كلاهما عن زراره.
- [۱۳۵۲] (۴) الجعفریات، ص ۱۰۳، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۳۱، ح ۸۶۸، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۵۱، ح ۱۷۵۰۸.
- [۱۳۵۳] (۱) مقصود، آن است که آنچه گفته است، قذف شمرده نمی شود و موجب حدّ قذف نمی گردد. م.
- [۱۳۵۴] (۲) در الجعفریات، واژه «القفرة» آمده و صاحب مستدرک الوسائل آن را به «القفرة» (پرش) تصحیح کرده است.
- [۱۳۵۵] (۱) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۳.
- [۱۳۵۶] (۲) فی المصدر: «یطیل»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۳۵۷] (۳) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۷ و ص ۳۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ص ۳۲۴.
- [۱۳۵۸] (۴) طب الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و ليس فيه «إدمان» و فيه «یغیر» بدل «یعمکس».
- [۱۳۵۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۶، ح ۲ عن سلیمان الجعفری، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۷، ح ۲۴۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۳۰۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۷۸، ح ۲۱.
- [۱۳۶۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۵۰۱، ح ۲۴، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۱۶، ح ۲۴۳، عوالی اللآلی، ج ۴، ص ۱۲، ح ۲۱.
- [۱۳۶۱] (۳) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۴۵ عن طلحة بن زید عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۶۸، ح ۵.

- [۱۳۶۲] (۴) الخصال، ص ۵۳۸، ح ۶ عن إسماعيل بن مسلم السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الكافي، ج ۶، ص ۳۴، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۴۴، ح ۱۷۷۷ كلاهما عن مسعدة بن صدقة عن الإمام الصادق عليه السلام و ليس فيهما «أطيب»، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۹، ح ۱۲.
- [۱۳۶۳] (۱) ممکن است این اثر، مربوط به حمام‌های آن دوران باشد.
- [۱۳۶۴] (۱) دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۲۴.
- [۱۳۶۵] (۲) فی المصدر: «اختتنوا»، و التصویب من بحار الأنوار.
- [۱۳۶۶] (۳) الخصال، ص ۶۳۶، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۴، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۱۰، ح ۱۶.
- [۱۳۶۷] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۶، ح ۹.
- [۱۳۶۸] (۵) الكافي، ج ۶، ص ۳۵، ح ۱، قرب الإسناد، ص ۱۰، ح ۳۲ كلاهما عن مسعدة بن صدقة، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۹۱، ح ۱۷۰۲، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۸، ح ۳.
- [۱۳۶۹] (۶) فی المصدر: «فتطلب»، و التصویب من تهذيب الأحكام.
- [۱۳۷۰] (۷) الكافي، ج ۶، ص ۳۷، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۴۶، ح ۱۷۸۴.
- [۱۳۷۱] (۸) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۰۵، الاستبصار، ج ۱، ص ۵۵، ح ۱۶۰ كلاهما عن زرارة.
- [۱۳۷۲] (۱) علامه مجلسی در شرح جمله پایانی روایت می گوید: مقصود آن است که ختنه بر زنان واجب نیست.
- [۱۳۷۳] (۱) تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۲۰۹، ح ۶۰۷.
- [۱۳۷۴] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۱، الخصال، ص ۱۴۴، ح ۱۶۸، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۳۱ کلها عن حنّان بن سدير. بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۱.
- [۱۳۷۵] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۱، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۲، ح ۲۱۳۶ كلاهما عن درست بن أبي منصور، الأمالی للطوسی، ص ۳۶۲، ح ۷۵۸ عن النّزال بن سبرة عن الإمام عليّ عليه السلام و فيه «يهضم الطعام» بدل «لثه يهضم»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۳۰، ح ۲.
- [۱۳۷۶] (۴) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۶.
- [۱۳۷۷] (۵) الخصال، ص ۴۴۳، ح ۳۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۰، ح ۱۳۶۴، روضة الواعظین، ص ۳۴۱ و ليس فيه «و هو اشنان»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۹۶، ح ۱۲.
- [۱۳۷۸] (۱) علامه مجلسی در شرح عبارت «يسربل البول»، چنین می گوید: «سربله»، یعنی شلوار بر او پوشانند. این معنا با این جا سازگار نیست، مگر به مجاز گویی و تکلفی بسیار دور. در برخی از نسخه‌های الكافي، به جای این واژه «يسهل (آسان می کند)» و در برخی «يسيل (روان می کند)» آمده که این دو واژه، درست تر است.
- [۱۳۷۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۰۷، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۱، ح ۱۴۲۸ و ليس فيه «و عوفيت»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۸۲، ح ۲۸.
- [۱۳۸۰] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۸۴، ح ۶، قرب الإسناد، ص ۳۰۱، ح ۱۱۸۴ نحوه و فيه «قد ارتفع حيضها» بدل «قد ارتفعت علّتها»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۵۰، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۸۹، ح ۹.
- [۱۳۸۱] (۱) معنای سويق در ج ۲، صفحه ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۳۸۲] (۱) طبّ الأئمّة لابن بسطام، ص ۶۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸۸، ح ۱.

- [۱۳۸۳] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۱۳۷۳، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۲۹، ح ۹.
- [۱۳۸۴] (۳) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۱، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۴، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲ و فيه «تبور» بدل «تثیر»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۰، ح ۱.
- [۱۳۸۵] (۱) البقرة: ۲۲۲.
- [۱۳۸۶] (۲) الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۳۶.
- [۱۳۸۷] (۱) تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۳۲۹ عن عیسی بن عبد الله، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۳، ح ۴۳.
- [۱۳۸۸] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۱ عن محمد بن مسلم.
- [۱۳۸۹] (۳) الکافی، ج ۵، ص ۵۴۰، ح ۲، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۶۷، ح ۴۸۱.
- [۱۳۹۰] (۴) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۸، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۴۳۷.
- [۱۳۹۱] (۵) تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۷۳، ح ۱۸۹۹، الاستبصار، ج ۳، ص ۱۹۱، ح ۶۹۰ کلاهما عن عبد الله الهاشمی عن أبيه.
- [۱۳۹۲] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۰۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۷.
- [۱۳۹۳] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأمالی للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ کلها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، المحاسن، ج ۲، ص ۴۱، ح ۱۱۳۱ عن سليمان بن جعفر البصري عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۳۳۸، ح ۲.
- [۱۳۹۴] (۳) الکافی، ج ۸، ص ۱۹۲، ح ۲۲۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۵۱۲ و زاد فيه «فلا يلومنَّ إلاً نفسه» بعد «البرص»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۳۰، ح ۹۵.
- [۱۳۹۵] (۴) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۷، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و فيه «يورث الجذام».
- [۱۳۹۶] (۵) الکافی، ج ۵، ص ۵۳۹، ح ۵، علل الشرائع، ص ۸۲، ح ۱ عن ابن أبي عذافر الصيرفي، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۶، ح ۲۰۲ نحوه، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۸۶، ح ۶.
- [۱۳۹۷] (۱) كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۵۵، ح ۴۴۹۰۲ نقلًا عن ابن النجار عن أنس.
- [۱۳۹۸] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۵، ح ۴۹۰۴، الکافی، ج ۶، ص ۳۱۴، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵۳، ح ۱۷۹۷ و فيهما «أكل القديد الغاب» بدل «والغشيان على الامتلاء»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۰، ح ۳۲.
- [۱۳۹۹] (۳) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۱ و فيه «... من غير فصل بينهما بغسل».
- [۱۴۰۰] (۴) غرر الحكم، ح ۴۹۴۳، عيون الحكم و المواعظ، ص ۲۳۴، ح ۴۴۹۳.
- [۱۴۰۱] (۵) الإسراء: ۲۷.
- [۱۴۰۲] (۶) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۲، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۵۵۲ کلها عن أبي سعيد الخدري، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.
- [۱۴۰۳] (۱) ناسور، بیماری است که در محاق چشم، اطراف مقعد و بُن دندان، ظاهر می شود و موجب جراحتی چرکین در موضع بیماری می گردد (ر. ک: لغت نامه دهخدا: ذیل «ناسور» و «ناصور»).
- [۱۴۰۴] (۲) در الکافی و المحاسن، به جای «آمیزش کردن با شکم پُر»، عبارت «خوردن گوشت خشکیده فاسد» آمده است.
- [۱۴۰۵] (۳) در بحار الأنوار، آمده است: «... بدون فاصله افکندن میان آنها به وسیله غسل».
- [۱۴۰۶] (۴) شیخ صدوق رحمه الله می گوید: مقصود از این نهی، خواندن سوره های دارای سجده واجب است، نه غیر آن.
- [۱۴۰۷] (۵) عریف، به معانی مختلفی آمده است، از جمله: کار گزار قوم، و آن که پایین تر از رئیس است و یا رئیس قوم. به هر حال،

- این واژه در عصر صدور روایت، منصبی دولتی بوده که مذموم شمرده شده است و در روایتی آمده است: «العرفاء فی النار» (ر. ک: لغت‌نامه دهخدا).
- [۱۴۰۸] (۶) اموری که در این روایت به‌عنوان حکمتِ نهی از آمیزش جنسی در اوقات یاد شده، آمده، به نحو اقتضاست، نه علتِ تاّمه تا موجب شبهه جبر گردد. همچنین است آنچه که در روایات بعدی، درباره زمان مناسب آمیزش جنسی می‌آید.
- [۱۴۰۹] (۱) الکافی، ج ۵، ص ۴۹۸، ح ۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۵، ح ۱۰۹۷، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۱۵۶۶، الاختصاص، ص ۲۱۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۹، ح ۲۸.
- [۱۴۱۰] (۲) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۱۳۲۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۷، ح ۹.
- [۱۴۱۱] (۳) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۶، ح ۵، الاختصاص، ص ۱۳۴، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱۵۵۲، کلّها عن أبی سعید الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۲، ح ۱.
- [۱۴۱۲] (۱) طبّ الإمام الرضا علیه السلام، ص ۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷، نحوه.
- [۱۴۱۳] (۱) البقرة: ۱۸۷.
- [۱۴۱۴] (۲) الکافی، ج ۴، ص ۱۸۰، ح ۳ عن أبی بصیر، الخصال، ص ۶۱۲، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم و کلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام و فیهِ «للمسلم» بدل «للمرجل»، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۴۶۵۳، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۹۰، ح ۱.
- [۱۴۱۵] (۳) الجعفریات، ص ۹۶ عن الإمام کاظم عن آبائه علیهم السلام، النوادر للراوندی، ص ۱۲۰، ح ۱۲۹ عن الإمام الصادق عن أبیه عنه علیهم السلام، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۳، ح ۷۸۱ عن الإمام الصادق علیه السلام نحوه، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۹۵، ح ۵۱ و راجع اسد الغابۀ، ج ۶، ص ۴۰۲.
- [۱۴۱۶] (۴) تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۱۴، ح ۱۶۵۵ عن أبی راشد عن أبیه.
- [۱۴۱۷] (۵) الخصال، ص ۱۰۰، ح ۵۱، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱۰، ص ۲۵۷، ح ۱۰ کلاهما عن سلیمان بن جعفر الجعفری عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۲، ح ۱۳۹۴ عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۴۱، ح ۳.
- [۱۴۱۸] (۱) در الخصال به جای «برای مرد»، عبارت «برای مسلمان» آمده است.
- [۱۴۱۹] (۱) صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۹۸۲، ح ۴۸۷۰، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۱۸، ح ۱۹۱۹، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۴۶۵، ح ۱۸۶۷ کلّها عن ابن عبّاس، المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۰۸، ح ۷۸۳۹ عن أبی امامه نحوه، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۸، ح ۴۴۸۶۵؛ الکافی، ج ۵، ص ۵۰۳، ح ۳ عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عن الإمام علیّ علیهما السلام نحوه، مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۶۵ عن ابن عبّاس و لیس فیهِ «أبدأ»، الاختصاص، ص ۱۳۴.
- [۱۴۲۰] (۲) الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه علیهم السلام، تحف العقول، ص ۱۲۵، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.
- [۱۴۲۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۲، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۱۱، ح ۱۶۴۱ کلاهما عن محمد بن مسلم، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۵، ح ۱۵۵۱ و فیهِ «المباشرة» بدل «الولد».
- [۱۴۲۲] (۴) إشارة إلى الآیة: ۸۹ من سورة الأنبیاء.
- [۱۴۲۳] (۵) إشارة إلى الآیة: ۳۸ من سورة آل عمران.
- [۱۴۲۴] (۶) الکافی، ج ۶، ص ۸، ح ۳، تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۳۱۵، ح ۹۷۴، مصباح المتهدّج، ص ۳۷۸، ح ۵۰۴ کلاهما عن

الإمام الباقر عليه السلام، جمال الأسبوع، ص ۲۷۱ کلها عن محمد بن مسلم، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۷۱، ح ۱۴.

[۱۴۲۵] (۱) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۵۳، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۶۹، ح ۵۴.

[۱۴۲۶] (۱) کمال الدین، ص ۳۱۴، ح ۱، علل الشرائع، ص ۹۷، ح ۶ کلاهما عن أبي هاشم الجعفری عن الإمام الجواد عليه السلام، الغيبة للنعمانی، ص ۵۹، ح ۲ عن أبي هاشم الجعفری عن الإمام الجواد عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۵۹، ح ۴۸.

[۱۴۲۷] (۲) قرب الإسناد، ص ۱۶۰، ح ۵۸۳ عن أبي البختری عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۵، ح ۹؛ الفردوس، ج ۳، ص ۶۳۷، ح ۵۹۹۸ عن الإمام الحسين عليه السلام نحوه، كنز العمال، ج ۹، ص ۳۷، ح ۲۴۸۱۴.

[۱۴۲۸] (۱) زاد فی بحار الأنوار: «و تكثر ملاحظتها».

[۱۴۲۹] (۲) طب الإمام الرضا عليه السلام، ص ۶۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷.

[۱۴۳۰] (۳) الكافي، ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۴۸ عن مسمع أبي سيار عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام عليّ عليهم السلام و زاد فی ذيله «فإن للنساء حوائج»، الجعفریات، ص ۹۴ عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۷، ح ۱۹.

[۱۴۳۱] (۴) الكافي، ج ۵، ص ۴۹۷، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۱۶۴۸ کلاهما عن ابن القدّاح عن الإمام الصادق عليه السلام.

[۱۴۳۲] (۵) مسند أبي يعلى، ج ۴، ص ۱۸۳، ح ۴۱۸۶ عن أنس.

[۱۴۳۳] (۶) كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۴، ح ۴۴۸۴۰ نقلًا عن سنن سعيد بن منصور عن طلق.

[۱۴۳۴] (۱) در بحار الأنوار، این افزوده هم وجود دارد: «و بسیار با او بازی کنی».

[۱۴۳۵] (۲) در برخی از نسخه‌های طب الإمام الرضا عليه السلام و همچنین در بحار الأنوار چنین آمده است: «... زیرا آب زن از پستانش بر می‌خیزد و شهوت از چهره و چشمانش پیدا می‌شود».

[۱۴۳۶] (۱) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۲، ح ۴۸۹۹، علل الشرائع، ص ۵۱۵، ح ۵ و زاد فيه «كثيراً» بعد «الجماع»، الاختصاص، ص ۱۳۳ کلها عن أبي سعيد الخدری، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۱، ح ۱.

[۱۴۳۷] (۲) کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۶، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأملی للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ کلها عن الحسين بن زيد بن علی بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۳، ح ۳.

[۱۴۳۸] (۳) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۳، ح ۱۶۵۳ عن عبد الله بن سنان.

[۱۴۳۹] (۴) صحيح ابن حبان، ج ۴، ص ۱۲، ح ۱۲۱۱، صحيح ابن خزيمة، ج ۱، ص ۱۱۰، ح ۲۲۱، المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۵۴۲ کلها عن أبي سعيد الخدری، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۷، ح ۴۴۸۵۵.

[۱۴۴۰] (۵) تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۱۲، ح ۱۶۴۶ عن محمد بن العيص عن الإمام الصادق عليه السلام، کتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۵۷، ح ۴۹۱۴، الخصال، ص ۵۲۰، ح ۹، الأملی للصدوق، ص ۳۷۸، ح ۴۷۸ کلها عن الحسين بن زيد بن علی بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه و آله، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۱۵۵۶، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۳، ح ۳.

[۱۴۴۱] (۱) در علل الشرائع، عبارت آغازین روایت، چنین است: «ای علی! در هنگام آمیزش، زیاد سخن مگوی...».

[۱۴۴۲] (۱) الجعفریات، ص ۲۱، النوادر للراوندى، ص ۲۱۶، ح ۴۳۱ کلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

- [۱۴۴۳] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، و قد سقطت من الطبعة التي بأيدينا.
- [۱۴۴۴] (۳) السنن الكبرى، ج ۷، ص ۳۱۱، ح ۱۴۰۹۰، الثقات لابن حبان، ج ۵، ص ۵۷۱ كلاهما عن عمر، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۳۴۳، ح ۴۴۸۳۳.
- [۱۴۴۵] (۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۳۹، ح ۲۲۳، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۴، بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۲۲۰، ح ۶.
- [۱۴۴۶] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۷۱، عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۸۸، ح ۱، علل الشرائع، ص ۲۸۱، ح ۱ كلاهما عن محمد بن سنان، المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۵۵، بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲، ح ۲.
- [۱۴۴۷] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۳۲۷ نقلًا عن طب الإمام الرضا عليه السلام، و كذا في بعض نسخ الكتاب، و لكنّه سقطت من الطبعة التي بأيدينا.
- [۱۴۴۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۲، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۹، ح ۱۳۵۸، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۱۹، ح ۳.
- [۱۴۴۹] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۲، ح ۱ عن داوود بن فرقد.
- [۱۴۵۰] (۲) المحاسن، ج ۱، ص ۷۶، ح ۳۷ عن الحسين بن علوان. انظر تمام الحديث و تخريجه في: خواص التمرج ۲، ص ۲۴۸، ح ۱۶۰۵.
- [۱۴۵۱] (۳) المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۵، ح ۲۱۸۹، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۲، ح ۳۱.
- [۱۴۵۲] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۷۷، ح ۱۲۵۴ عن كعب، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۸۶، ح ۶.
- [۱۴۵۳] (۵) طب النبي صلى الله عليه و آله، ص ۸ عن ابن عباس، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۷؛ الفردوس، ج ۳، ص ۱۳۸، ح ۴۳۷۱ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۶، ح ۲۸۲۸۸.
- [۱۴۵۴] (۱). برای دیدن متن کامل روایت و منابع آن، ر. ک: خواص خرما ج ۲، ص ۲۴۹، ح ۱۶۰۴.
- [۱۴۵۵] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲-جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۴۵۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۷۴، ح ۳، الخصال، ص ۱۵۸، ح ۲۰۰ كلاهما عن ميسير بياع الرطبي، المحاسن، ج ۲، ص ۳۳۰، ح ۲۱۲۶ و ليس فيه «و الجماع»، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۹۶، ح ۱۳۴۲ و ليس فيه «الماء»، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴۶، ح ۲.
- [۱۴۵۷] (۲) طب الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰.
- [۱۴۵۸] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۴، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۵۱، ح ۴۲۳۵ كلاهما عن موسى بن بكر.
- [۱۴۵۹] (۴) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۲، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، ح ۴۲.
- [۱۴۶۰] (۱) مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۲۵، ح ۱۴۵۱، بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۸۴، ح ۴۱.
- [۱۴۶۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۴، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۵ عن محمد بن عمر بن أبي حسنة الجعفي، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۱.
- [۱۴۶۲] (۳) دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۴۵، ح ۵۱۱، السرائر، ج ۳، ص ۱۳۸ و فيه «روى أن أكل اللحم...»، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۳.
- [۱۴۶۳] (۴) الكافي، ج ۶، ص ۳۲۵، ح ۳، المحاسن، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱۸۸۴ و ص ۲۷۵، ح ۱۸۸۳ نحوه و كلّها عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۶، ح ۱۰.
- [۱۴۶۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۱۳، ح ۶ عن نشيط بن صالح، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۴۹، ح ۱۱۳۵ و ليس فيه «كثرة»، بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۲۸۵، ح ۵۱.

- [۱۴۶۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۱۹، ح ۲، المحاسن، ج ۲، ص ۱۶۹، ح ۱۴۶۸ کلاهما عن عبد الله بن سنان، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۸۶ ح ۱.
- [۱۴۶۶] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۳۰۶، ح ۷، المحاسن، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۱۹۳۷ کلاهما عن عبد الله بن مسکان، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۰ ح ۱۵.
- [۱۴۶۷] (۱) سويق، آرد گندم و جو بو داده است. توضیح بیشتر درباره سويق، در ج ۲، ص ۳۷۵ خواهد آمد.
- [۱۴۶۸] (۱) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۱۱۶۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۹۰، ح ۲.
- [۱۴۶۹] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۳۷۹، ح ۴ عن أبي عزيز المرادی، الخصال، ص ۶۳، ح ۹۱، المحاسن، ج ۲، ص ۲۰۳، ح ۱۶۰۱ کلاهما عن فضیل بن عثمان، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۹۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۳۷، ح ۶.
- [۱۴۷۰] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۳، قرب الإسناد، ص ۱۶۷، ح ۶۱۰ و فيه «الصلب» بدل «القلب» و کلاهما عن علی بن رثاب عن الإمام الصادق علیه السلام، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۴۰، ح ۱.
- [۱۴۷۱] (۴) السرائر، ج ۳، ص ۱۴۱، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷۵.
- [۱۴۷۲] (۱) علامه مجلسی می گوید: در قاموس آمده است: حليب، یعنی شیر دوشیده شده، یا شیری که هنوز مزه اش تغییر نیافته است. همچنین دیگرگون شدن آب کمر، کنایه از عدم انعقاد نطفه فرزند از آن است.
- [۱۴۷۳] (۲) در قرب الإسناد به جای «قلب»، «صلب» آمده است.
- [۱۴۷۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۶، ثواب الأعمال، ص ۴۰، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۱۸، ح ۷.
- [۱۴۷۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۹۴، ح ۸، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۶، طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۰ و فيه «المضاجعة» بدل «المباضعة»، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۱۴۷۶] (۳) مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲۳۳، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۵، ح ۱۱.
- [۱۴۷۷] (۴) صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۲۷۷، ح ۲۴ عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۵۵۹؛ كنز العمال، ج ۶، ص ۶۶۸، ح ۱۷۳۱۶ نقلًا عن ابن السنی و أبي نعيم عن أبي رافع و زاد فيه: «الحنّاء» بعد «الخصاب».
- [۱۴۷۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۸۱، ح ۶ عن إبراهيم بن عبد الحمید، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۱۸۸، ح ۵۵۱، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲، ح ۹.
- [۱۴۷۹] (۱) تاریخ دمشق، ج ۴۳، ص ۵۶۶، ح ۹۴۱۲ عن وائلة بن الأسقع، كنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۵، ح ۲۸۲۸۲.
- [۱۴۸۰] (۲) طب الأئمة لابنی بسطام، ص ۱۳۰.
- [۱۴۸۱] (۳) مستطرفات السرائر، ص ۵۷، ح ۱۸ عن علی بن یقطين، بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۹۱، ح ۱۲.
- [۱۴۸۲] (۴) صحیح البخاری، ج ۲، ص ۶۷۳، ح ۱۸۰۶، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۱۸، ح ۱۴۰۰، سنن أبی داود، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۲۰۴۶ کلها عن عبد الله بن مسعود، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۸، ح ۴۵۵۹۲ نقلًا عن البغوی فی مسند عثمان؛ المجازات النبویة، ص ۸۵ ح ۵۳، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۳۱، ح ۱۴۶۷، روضة الواعظین، ص ۴۰۹ و فیهما «فليدمن الصوم» بدل «فعلیه بالصوم» و ليس فی الثلاثة الأخيرة «فإنّه أغصّ للبصر و أحصن للفرج»، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰، ح ۲۰.
- [۱۴۸۳] (۱) کتاب من لا- يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۲، ح ۴۶۴۹ عن إسماعیل بن أبی زیاد عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۷۴۴ عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، عوالي اللآلی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۸، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۷، ح ۵۲.
- [۱۴۸۴] (۲) الکافی، ج ۵، ص ۵۶۴، ح ۳۶، عوالي اللآلی، ج ۳، ص ۳۰۹، ح ۱۲۹ نحوه.

- [۱۴۸۵] (۳) المعجم الكبير، ج ۱۱، ص ۱۱۶، ح ۱۱۳۰۴، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۹.
- [۱۴۸۶] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۶۵، ح ۲، الخصال، ص ۹۹، ح ۵۰، ثواب الأعمال، ص ۴۳، ح ۱ و فيهما «تحدّ» بدل «تجلو».
- [۱۴۸۷] (۱) در الخصال و ثواب الأعمال به جای «جلا می دهد»، عبارت «تیز می کند» آمده است.
- [۱۴۸۸] (۱) المؤمنون: ۱۲. ۱۴.
- [۱۴۸۹] (۲) الحج: ۵.
- [۱۴۹۰] (۳) غافر: ۶۷.
- [۱۴۹۱] (۱) فاطر: ۱۱.
- [۱۴۹۲] (۲) الإنسان: ۲.
- [۱۴۹۳] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۰۲، ح ۱۲، تهذيب الأحكام، ج ۹، ص ۱۰۸، ح ۴۶۸، علل الشرائع، ص ۳۴۵، ح ۱ و فيه «مئانته» بدل «مُشاشه» فی كلا الموضوعین، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۵۷، ح ۴۱.
- [۱۴۹۴] (۴) بحار الأنوار، ج ۳، ص ۶۸ نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۴۹۵] (۱) تاریخ دمشق، ج ۱۶، ص ۳۷۴، ح ۳۹۷۲ عن الزهري، كنز العمال، ج ۱۳، ص ۳۸۷، ح ۳۷۰۴۳.
- [۱۴۹۶] (۲) بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۷۷، ح ۹۸ و ج ۳، ص ۶۲ كلاهما نقلًا عن الخبر المشتهر بتوحيد المفضل.
- [۱۴۹۷] (۱) این استدراك، مستند است به مختصر تاریخ دمشق و كنز العمال.
- [۱۴۹۸] (۱) مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۸۵، ح ۵۲۳۰ نقلًا عن القطب الراوندى فى لبّ اللباب.
- [۱۴۹۹] (۲) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۹۱، ح ۱۹۷، علل الشرائع، ص ۲۹۲، ح ۱ عن مقرر عن الإمام الصادق عنه عليهما السلام، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۴۱، ح ۲۱.
- [۱۵۰۰] (۳) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۵۲، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۳، ح ۱.
- [۱۵۰۱] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۶ عن أبي زياد عن الإمام الحسن عليه السلام.
- [۱۵۰۲] (۲) الشورى: ۴۹ و ۵۰.
- [۱۵۰۳] (۳) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۳۴، المستدرک على الصحيحین، ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۶۰۳۹ كلاهما عن ثوبان، مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۹۷، ح ۲۵۱۴ عن ابن عباس نحوه، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۳؛ علل الشرائع، ص ۹۶، ح ۵، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۱۵، ح ۳۰ كلاهما عن ثوبان نحوه، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۶، ح ۱۰.
- [۱۵۰۴] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۳۶۳، ح ۶، المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳، ح ۲۰۴۷، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۲۹۵، طبّ الأئمة لابن بسطام، ص ۱۳۰ و فيه «يحسن اللون»، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۸۳، ح ۳۸.
- [۱۵۰۵] (۲) فى المعجم الكبير، «أَوْ يَكُونُ ذَلِكَ مِنَ الْمَرْأَةِ».
- [۱۵۰۶] (۳) مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۲۰۴، ح ۲۶۶۹۳، المعجم الكبير، ج ۲۳، ص ۴۱۴، ح ۹۹۸، مسند إسحاق بن راهويه، ج ۴، ص ۱۱۶، ح ۱۸۸۲ كلّها عن أمّ سلمة و فيهما «جيينك» بدل «يمينك»، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۴، ح ۴۵۵۷۵.
- [۱۵۰۷] (۴) كذا فى المصدر، و فى منتخب كنز العمال، ج ۶، ص ۵۶۰ «صاحبها».
- [۱۵۰۸] (۵) كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۳، ح ۴۵۵۶۴ نقلًا عن أبي الشيخ فى العظمة عن ابن عباس.
- [۱۵۰۹] (۶) صحيح مسلم، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۳۰ عن أمّ شَيْمٍ، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۹۷، ح ۶۰۱، مسند ابن حنبل، ج ۴، ص ۲۴۴، ح ۱۲۲۲۴ كلّها عن أنس و فيهما «أشبهه الولد» بدل «يكون منه الشبه»، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۸۲، ح ۴۵۵۶۲.
- [۱۵۱۰] (۱) در طبّ الأئمة عليهم السلام، به جای واژه «رنگ»، «فرزند» آمده است.

- [۱۵۱۱] (۱) تاریخ دمشق، ج ۵۲، ص ۳۶۲، ح ۱۱۰۶۸ عن عائشة، كنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۵، ح ۴۴۵۵۷؛ عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۵۹، ح ۳۲ و فيه «فإن الخال أحد الضجيعين» بدل «فإن النساء...».
- [۱۵۱۲] (۲) قصص الأنبياء، ص ۲۹۶، ح ۳۶۹، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۶۶، ح ۶۴.
- [۱۵۱۳] (۳) الكافي، ج ۵، ص ۵۶۱، ح ۲۳، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۴۱۹، ح ۲۱ و راجع: الجعفریات، ص ۹۰ و النوادر للراوندى، ص ۱۷۸، ح ۲۹۷ و الدرّ المنثور، ج ۸، ص ۴۳۹.
- [۱۵۱۴] (۱) در عوالی اللآلی عبارت آخر روایت، چنین آمده است: «دایمی، یکی از همخوابان است».
- [۱۵۱۵] (۱) الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۰، ح ۲۶ عن يوسف بن محمّد بن زياد و عليّ بن محمّد بن سيّار، التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام، ص ۴۵۳، تفسير التبيان، ج ۱، ص ۳۶۳، مجمع البيان، ج ۱، ص ۳۲۵ عن ابن عباس و ليس فيهما من «فأخبرني عمّن لا يولد...» و زاد فيهما «و الظفر بعد و الدم»، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۷۷، ح ۹۵.
- [۱۵۱۶] (۱) علل الشرائع، ص ۲، ح ۱، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۸، ح ۱۵.
- [۱۵۱۷] (۲) مسند ابن حنبل، ج ۱، ص ۵۸۹، ح ۲۴۸۳، السنن الكبرى للنسائي، ج ۵، ص ۳۳۶، ح ۹۰۷۲، المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۳۶، ح ۱۲۴۲۹؛ المناقب لابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۵۳ نحوه، بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۱۶۹.
- [۱۵۱۸] (۳) الكافي، ج ۵، ص ۵۶۶، ح ۴۶، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۱۰۸، ح ۹.
- [۱۵۱۹] (۱) قصص الأنبياء، ص ۲۳۰، ح ۲۷۴ عن إسحاق بن إبراهيم، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۶۶، ح ۶۵.
- [۱۵۲۰] (۱) الأحقاف: ۱۵.
- [۱۵۲۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۵۲، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۱۵، ح ۳۹۶، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۳۴، ح ۵.
- [۱۵۲۲] (۳) ما بين المعقوفين أثبتناه من بحار الأنوار.
- [۱۵۲۳] (۴) الأحقاف: ۱۵.
- [۱۵۲۴] (۵) البقرة: ۲۳۳.
- [۱۵۲۵] (۶) المناقب لابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۶۵، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۶۶، ح ۲.
- [۱۵۲۶] (۱) كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۷۱، ح ۵۳۹۴، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۱۸، ح ۲۲۵۵۰ نقلًا عن كتاب حسين بن عثمان بن شريك.
- [۱۵۲۷] (۲) في عوالی اللآلی: «في المحجمة».
- [۱۵۲۸] (۳) الكافي، ج ۷، ص ۳۴۵، ح ۱۰، تهذيب الأحكام، ج ۱۰، ص ۲۸۳، ح ۱۱۰۳، النوادر للأشعري، ص ۱۵۷، ح ۴۰۴ و فيه إلى «عليه الدينة»، عوالی اللآلی، ج ۳، ص ۶۵۱، ح ۱۲۲ و ليس فيه من «قلت: فما صفة خلقه العلقه...»، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۳۵۴، ح ۳۸.
- [۱۵۲۹] (۱) الكافي، ج ۳، ص ۴۰، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۱، ص ۱۰۴، ح ۲۷۰، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۷۸، ح ۱۷۶ كلّها عن سماعة.
- [۱۵۳۰] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۲ عن حفص الكناسي.
- [۱۵۳۱] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۲۳، ح ۱، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۳۶، ح ۱۷۳۸.
- [۱۵۳۲] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵ عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۴۳۷، ح ۱۷۴۱ عن أبي بصير، الخصال، ص ۶۳۷، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه عليهم السلام، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۲۸، ح ۱۰.

- [۱۵۳۳] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۲۴، ح ۳ و ۴، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۳۶، ح ۱۷۳۹ و ۱۷۴۰، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۸۹، ح ۱۶۹۵ و فيه من «حَنَكُوا أولادکم...»، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۲۳، ح ۷۱.
- [۱۵۳۴] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگی دار الحدیث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.
- [۱۵۳۵] (۱) امّ صبیان، یعنی بادی که بر اشخاص، عارض شود و گاه نیز به سبب آن از هوش بروند. همچنین گفته شده که امّ صبیان، نوعی جنّ است که کودکان را می آزارد. در فارسی، امّ صبیان، برابر نهاد مادر دیو و همچنین دیوزدگی دانسته شده است) واژه یاب، ج ۱، ص ۲۱۶. م.
- [۱۵۳۶] (۱) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۴۷۲۸، علل الشرائع، ص ۵۰۵، ح ۱، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۱۶۹۳، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۱۲، ح ۲۵.
- [۱۵۳۷] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۸، ح ۵، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۴۲، ح ۱۷۷۰ کلاهما عن حفص الكناسی.
- [۱۵۳۸] (۳) الفردوس، ج ۴، ص ۸۵، ح ۶۲۶۴، کنز العمال، ج ۱۰، ص ۴۴، ح ۲۸۲۷۹ نقلًا عن أبي الشيخ و أبي نعيم في الطبّ و کلاهما عن أبي هريرة، المصنّف لابن أبي شیبّه، ج ۵، ص ۴۶۱، ح ۳ نحوه، فتح الباری، ج ۹، ص ۵۶۶ کلاهما عن الربیع بن خثیم من دون إسنادٍ إليه صلى الله عليه و آله.
- [۱۵۳۹] (۱) مریم: ۲۵.
- [۱۵۴۰] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۲۲، ح ۴، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴۴۰، ح ۱۷۵۷ و فيه «حکیمًا» و «حکیمه» بدل «حلیمًا» و «حلیمه»، المحاسن، ج ۲، ص ۳۴۶، ح ۲۱۹۴، بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۱۳۵، ح ۴۱ و ج ۱۰۴، ص ۱۱۶، ح ۴۲.
- [۱۵۴۱] (۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۰، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۰۸، ح ۳۶۵ کلاهما عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۴۶۶۳.
- [۱۵۴۲] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۰ عن غیاث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام.
- [۱۵۴۳] (۱) در تهذیب الأحکام، به جای «پسری بردبار» و «دختری بردبار»، عبارت های «پسر با حکمت» و «دختری با حکمت» آمده است.
- [۱۵۴۴] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۲ عن محمد بن مروان، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۳۷۶ عن الهیثم بن محمد بن مروان.
- [۱۵۴۵] (۲) الکافی، ج ۶، ص ۴۴، ح ۱۳، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۳۷۷، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۸، ح ۴۶۷۷ کلّها عن زرارة.
- [۱۵۴۶] (۳) عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴، ح ۶۷ عن أحمد بن عامر الطائی، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۰، ح ۴۱ کلاهما عن الإمام الرضا عن آبائه علیهم السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۱۳؛ ربیع الأبرار، ج ۴، ص ۲۹۳ عن الإمام علیّ علیه السلام رفعه، الفردوس، ج ۵، ص ۴۱، ح ۷۳۹۸ عن الإمام علیّ علیه السلام عنه صلى الله عليه و آله نحوه.
- [۱۵۴۷] (۴) الکافی، ج ۶، ص ۴۳، ح ۸، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۱۰، ح ۳۷۵، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۸، ح ۴۶۷۹ کلّها عن محمد بن قیس.
- [۱۵۴۸] (۵) الکافی، ج ۶، ص ۴۳، ح ۹ عن مسعدة، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۵۰۷، ح ۱۷۵۹ عن الإمام الصادق عن أبيه علیهما السلام، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۴، ح ۱۹ و ۲۰.
- [۱۵۴۹] (۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۲، ح ۱، تهذیب الأحکام، ج ۸، ص ۱۰۸، ح ۳۶۷، دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۴۳، ح ۹۱۱ نحوه.

[۱۵۵۰] (۲) الخصال، ص ۶۱۴، ح ۱۰ عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول، ص ۱۰۵، مكارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۷۹، ح ۱۶۵۵ و ليس فيه صدره، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۲۳، ح ۹.

[۱۵۵۱] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۴۰، ح ۲، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۸، ح ۳۶۶، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۴۶۶۴.

[۱۵۵۲] (۱) البقرة: ۲۳۳.

[۱۵۵۳] (۲) الكافي، ج ۶، ص ۴۰، ح ۳، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۶، ح ۳۵۷، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۴، ح ۴۶۶۱ کلها عن سماعه.

[۱۵۵۴] (۳) الكافي، ج ۶، ص ۱۰۳، ح ۳، تفسير العتاشي، ج ۱، ص ۱۲۱، ح ۳۸۵ كلاهما عن الحلبي، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۵۱۰، ح ۴۷۸۸ عن أبي بصير و كلاهما نحوه و ليس فيهما من « كانت المرأة» إلى « يضارّ الرجل المرأة»، بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۳، ح ۳.

[۱۵۵۵] (۱) الكافي، ج ۶، ص ۴۱، ح ۸، تهذيب الأحكام، ج ۸، ص ۱۰۷، ح ۳۶۳، كتاب من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۴۶۶۲.

[۱۵۵۶] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.

[۱۵۵۷] محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه احادیث پزشکی (ری شهری)، ۲جلد، مؤسسه علمی، فرهنگي دار الحديث - قم، چاپ: ششم، ۱۳۸۵ ه.ش.